

## انجیل متی

### باب اول

- ۱ کتاب نسب نامه عیسی مسیح بن داود بن ابراهیم \* ابراهیم اسحق را آورد و اسحق  
۲ بعقوب را آورد و بعقوب بهودا و برادران او را آورد \* و بهودا فارص وزارچ را  
۳ از نامار آورد و فارص حضرنون را آورد و حضرنون آرام را آورد \* و آرام  
۴ عقیناداب را آورد و عقیناداب نخشنون را آورد و نخشنون شلمون را آورد \* و شلمون  
۵ بوئزرا از راحاب آورد و بوئز عویدرا از راغوت آورد و عوید پسّارا آورد \*  
۶ و پسّارا داود پادشاه را آورد و داود پادشاه سلیمان را از زن اوریا آورد \* و سلیمان  
۷ رَجَعَ مارا آورد و رَجَعَ عَامَ آپیکارا آورد و آپیکا آسلا را آورد \* و آسا بهوشافاطرا آورد  
۸ و بهوشافاط بورام را آورد و بورام عزیکارا آورد \* و عزیکا بونام را آورد و بونام  
۹ آحاز را آورد و آحاز حزقيکارا آورد \* و حزقيکیا منسی را آورد و منسی آمون را آورد  
۱۰ و آمون یوشیکارا آورد \* و یوشیکیا یکنیا و برادرانشرا در زمان جلای بایل آورد \*  
۱۱ و بعد از جلای بایل یکنیا سائنتیبل را آورد و سائنتیبل زرُوبابل را آورد \* زرُوبابل  
۱۲ آپیهود را آورد و آپیهود ایلیاقیر آورد و ایلیاقیر عازوردا آورد \* و عازور صادوق را  
۱۳ آورد و صادوق یاکنی را آورد و یاکنی ایلیهود را آورد \* والیهود ایلعازر را آورد  
۱۴ والیعازر متن را آورد و متن بعقوب را آورد \* و بعقوب یوسف شوهر مریم را  
۱۵ آورد که عیسی مسیح بسیج ازاو متولد شد \* پس نام طبقات از ابراهیم تا داود  
۱۶ چهارده طبقه است و از داود تا جلای بایل چهارده طبقه و از جلای بایل تا مسیح  
۱۷ چهارده طبقه \* اما ولادت عیسی مسیح چیز بود که چون مادرش مریم یوسف  
۱۸ نامزد شد بود قبل از آنکه با هم آیند اورا از روح القدس حامله یافتد \* و شوهرش  
۱۹ یوسف چونکه مرد صالح بود و نخواست اورا عبرت نماید پس اراده نمود اورا به

- ۲۰ پنهانی رها کند\* اما چون او در این چیزها تفکر میکرد ناکاه فرشته خداوند در خواب بروی ظاهر شد کفت ای یوسف پسر داود از کفرن زن خوش مرم
- ۲۱ متبر زیرا که آنچه دروی فرار کرفته است از روح القدس است\* واو پسری خواهد زاید و نام او را عیسی خواهی نهاد زیرا که او امّت خوبش را از کاها نشان
- ۲۲ خواهد رهانید\* وابن هه برای آن واقع شد ناکلامیکه خداوند بزبان بی کفته بود نام کردد\* که اینک باکن آبستن شد پسری خواهد زاید و نام او را عمانوئل
- ۲۴ خواهند خواند که تفسیرش این است خدا با ما\* پس چون یوسف از خواب پیدار شد چنانکه فرشته خداوند بد و امر کرده بود بعمل آورد وزن خوبش را کرفت\*
- ۲۵ ونا پسر خشتین خود را نه زاید او را شناخت و اورا عیسی نام نهاد\*

### باب دوم

- ۱ و چون عیسی در آیام هیرودیس پادشاه در بیت لحم بهودیه تولد یافت ناکاه  
۲ محبوس چند از مشرق به اورشلم آمد کفتند\* کجاست آن مولود که پادشاه بهود
- ۳ است زیرا که ساره اورا در مشرق دیک ام و برای پرسش او آمد ام\* اما
- ۴ هیرودیس پادشاه چون این را شنید مضطرب شد و قام اورشلم باوی\* پس هه رؤسای کهنه و کابان قوم را جمع کرده از ایشان پرسید که سعی کجا باید متولد شود\*
- ۵ بد و کفتند در بیت لحم بهودیه زیرا که از نبی چین مکتوب است\* و تو ای بیت لحم در زمین یهودا از سایر سرداران یهودا هر کوچکتر نیستی زیرا که از تو پیشواف
- ۷ به ظهر خواهد آمد که قوم من اسرائیل را رعایت خواهد نمود\* آنکاه هیرودیس محبوسین را در خلوت خواند وقت ظهر ستاره از ایشان تحقیق کرد\* پس ایشان را
- ۸ به بیت لحم روانه نموده کفت بروید و از احوال آن طفل بتدقيق شخص کنید و چون باقیتید مرا خبر دهید تا من نیز آمد او را پرسش نام\* چون سخن پادشاه را شنیدند روانه شدند که ناکاه آن ستاره که در مشرق دیک بودند پیش روی ایشان میرفت
- ۹ تا فوق آنچاییکه طفل بود رسید بایستاد\* و چون ستاره اردا دیدند بی نهایت شاد
- ۱۱ و خوشحال کشند\* و بجانه در آمد طفل را با مادرش مریم پاقتند و بروی در افاده اورا پرسش کردند و ذخائر خود را کشوده هدایای طلا و گذرا و مر بوری

- ۱۳ کنرا پندند\* و چون در خواب وحی بدشان دررسید که بنزد هیرودبس بازکشت  
 ۱۴ نکند پس از راه دبکر بطن خوبش مراجعت کردند\* و چون ایشان روانه  
 شدند ناکاه فرشته خداوند در خواب یوسف ظاهر شد کفت برخیز و طفل  
 و مادرش را برداشته بصر فرار کن و در آنجا باش تا بتوخبر دهم زیرا که هیرودبس  
 ۱۵ طفل را جسجو خواهد کرد تا اورا هلاک نماید\* پس شیانکاه برخاسته طفل و مادر  
 ۱۶ اورا برداشته بسوی مصر روانه شد\* و تا وقت هیرودبس در آنجا باند تا کلامیکه  
 ۱۷ خداوند بزبان نبی کفته بود تمام کردد که از نصر پسر خود را خواندم\* چون  
 هیرودبس دید که محبوبیان اورا سفری نموده اند بسیار غضبانک شد فرستاد و جمیع  
 اطفال پرا که دریست نم و نقام نواحی آن بودند از دو ساله و کنتر موافق و قنیکه  
 ۱۸ از محبوبیان تحقیق نموده بود بقتل رسانید\* آنکاه کلامیکه بزبان ارمیای نبی کفته  
 شد بود تمام شد\* آوازی در رامه شنید شد کریه وزاری و ماتم عظم که راحیل  
 ۱۹ برای فرزندان خود کریه میکند و نسلی نی پذیرد زیرا که نیستند\* اما چون  
 هیرودبس وفات یافت ناکاه فرشته خداوند در مصر یوسف در خواب ظاهر  
 ۲۰ شد کفت\* برخیز و طفل و مادرش را برداشته بزمین اسرائیل روانه شو زیرا  
 ۲۱ آنایکه قصد جان طفل داشتند فوت شدند\* پس برخاسته طفل و مادر اورا  
 هیرودبس برهودیه پادشاهی میکند از رفتن بدان سمت ترسید و در خواب وحی  
 ۲۲ یافه بنواحی جلیل برگشت\* و آنکه در بلکه مسی بهناصره ساکن شد تا آنچه بزبان  
 انبیاء کفته شد بود تمام شود که بناصری خواند خواهد شد\*

باب ستم

- ۱ و در آن آیام بجهی تعبید دهنده در بیان یهودیه ظاهر شد و موعظه کرده میکفت\*  
 ۲ نویه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است\* زیرا همین است آنکه اشیای نبی ازاو  
 خبر داده میکوید صدای ندا کنن در بیان که راه خداوندرا مهیا سازد و طریق  
 ۳ اورا راست نمایند\* و این بجهی بباس از پشم شتر میداشت و کمرند چری برکسر  
 ۴ و خوراک او از مخ و عسل بری میبود\* در این وقت اور شلم و ن GAM یهودیه و جمیع

- ۶ حوالی آرذن نزد او پیرون می‌آمدند\* و بکاهان خود اعتراف کرده در آرذن  
 ۷ ازوی نعید می‌افتد\* پس چون بسیاری از فریسان و صدو قیان را دید که مجده  
 نعید وی می‌ایند بدیشان کفت ای افعی زادگان که شمارا اعلام کرد که از غصب  
 ۸ آبند بکریزید\* آکون نمرة شایسته توبه یاورید\* و این سخن را بخطرا خود راه  
 مدهید که پدر ما ابراهیم است زیرا بشما می‌کویم خدا قادر است که از این سنکها  
 ۹ فرزندان برای ابراهیم برآنگیزند\* والحال تیشه بربریشه درخنان نهاده شد است  
 ۱۰ پس هر درختی که ثُمَّ نیکو نیاورد بربد و درآتش افکن شود\* من شمارا به آب  
 مجده توبه نعید میدم لکن او که بعد از من می‌اید از من توانانز است که لایق برداشتن  
 ۱۱ نعلین او نیسمه او شمارا بروح القدس و آش نعید خواهد داد\* او غریمال خودرا  
 دردست دارد و خروی خودرا نیکو پاک کرده کند خوش را در آنبار ذخیر خواهد  
 ۱۲ نود ولی کاهرا درآتشی که خاموشی نی پذیرد خواهد سوزانید\* آنکاه عیسی  
 ۱۳ از جلیل به آرذن نزد مجی آمد تا ازاو نعید یابد\* اما مجی او را منع نموده کفت  
 ۱۴ من احیاج دارم که از تو نعید یام و تو نزد من می‌آمی\* عیسی در جواب وی کفت  
 آن بکذار زبرآ که مارا همچین مناسب است تا تمام عدالت را بکمال رسانم پس  
 ۱۵ اورا واکذاشت\* اما عیسی چون نعید یافت فوراً از آب برآمد که در ساعت  
 آسمان بروی کشاده شد و روح خدارا دید که مثل کبوتری نزول کرده بروید می‌اید\*  
 ۱۶ آنکاه خطابی از آسمان دررسید که اینست پسر حییب من که ازاو خوشودم\*

#### باب چهارم

- ۱ آنکاه عیسی بدست روح به یايان برده شد تا ابلیس او را تخریه نماید\* و چون  
 ۲ چهل شبانه روز روزه داشت آخر کرسته کردید\* پس تخریه کنن نزد او آمد  
 ۳ کفت اکر پسر خدا هستی بکوتا این سنکها نان شود\* در جواب کفت مکتوب  
 ۴ است انسان نه محض نان زیست می‌کند بلکه بهر کلمه که ازدهان خدا صادر کردد\*  
 ۵ آنکاه ابلیس او را بشهر مقدس برد و بر کنکه هیکل برای داشته\* بوی کفت اکر  
 ۶ پسر خدا هستی خود را بزیر انداز زیرا مکتوب است که فرشتگان خود را در باره  
 ۷ تو فرمان دهد تا نرا بستهای خود برکرند مبادا پایت بسنگی خورد\* عیسی ویرا

- ۸ کفت و پیز مکنوب است خداوند خدای خود را تخبر به مکن \* پس ابلیس او را  
 ۹ بکویی بسیار بلند برد و همهٔ مالک جهان و جلال آنها را بد و نشان داده \* بوی  
 ۱۰ کفت آکر افادة مرا سمع کنی هانا ابن هم را بتو بخشم \* آنکاه عیسی و پیرا کفت  
 دور شوای شیطان زیرا مکنوب است که خداوند خدای خود را سمع کن و او را  
 ۱۱ فقط عبادت نما \* در ساعت ابلیس او را رها کرد و اینک فرشتکان آمن او را  
 ۱۲ پرسناری مینمودند \* و چون عیسی شنید که بمحی کرفتار شد است بجلیل روانه  
 ۱۳ شد \* و ناصور را ترک کرده آمد و یک فرناحوم بکناره دریا در حدوود زبولون و نفالیم  
 ۱۴ ساکن شد \* نا نام کردد آنچه بزیان اشعبای نبی کفته شد بود \* که زمین زبولون  
 ۱۵ وزمین نفالیم راه دریا آنطرف از دُنْ جلیل امتهای \* قوی که در ظلمت ساکن بودند  
 ۱۶ نوری عظیم دیدند و بر شیستند کان دیبار موت و سایه آن نوری نایید \* ازان هنگام  
 عیسی بموعظه شروع کرد و کفت نوبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است \*  
 ۱۷ و چون عیسی بکناره دریای جلیل میغراشد دو برادر یعنی شمعون مسیح به بطرس  
 ۱۸ و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا میاندازند زیرا صیاد بودند \* بدیشان  
 ۱۹ کفت از عقب من آئید نا شارا صیاد مردم کردانم \* در ساعت دامهای کذارده  
 ۲۰ از عقب او روانه شدند \* و چون از آنچه کذشت دو برادر دیگر یعنی بعقوب پسر  
 ۲۱ زبده و برادرش بوحتارا دید که در کشی با پدر خویش زبده دامهای خود را  
 ۲۲ اصلاح میکنند \* ایشان را نیز دعوت نمود \* در حال کشی و پدر خود را ترک کرده  
 ۲۳ از عقب او روانه شدند \* و عیسی در نام جلیل میکشت و در کایس ایشان  
 تعلیم داده به بشارت ملکوت موعظه هی نمود و هر مرض و هر درد قوم را شفا  
 ۲۴ میداد \* واسم او در نام سوریه شهرت یافت و جمیع مربضانی که به انواع امراض  
 و دردها مبتلا بودند و دیوانکان و مصروعان و مفلوجان را نزد او آوردند و ایشان را  
 ۲۵ شنا بخشید \* و کرویی بسیار از جلیل و دیکایوس و اوزریل و یهودیه و آنطرف  
 از دُنْ در عقب او روانه شدند \*

باب پنجم

- ۱ و کرویی بسیار دیده بر قراز کوه آمد و وقتیکه او بنشست شاگردانش نزد او حاضر  
 ۲ شدند \* آنکاه دهل خود را کشوده ایشان را تعلیم داد و کفت \* خوشحال

- ۴ سکینان در روح زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است \* خوش بحال مانیان زیرا  
 ۵ ایشان نسل خواهند یافت \* خوش بحال حلبیان زیرا ایشان وارث زمین خواهند  
 ۶ شد \* خوش بحال کرسنکان و شنکان عدالت زیرا ایشان سیر خواهند شد \*  
 ۷ خوش بحال رحم کنندکان زیرا برایشان رحم کرده خواهد شد \* خوش بحال پاک  
 ۸ دلان زیرا ایشان خدارا خواهند دید \* خوش بحال صلح کنندکان زیرا ایشان  
 ۹ پسران خدا خوانده خواهند شد \* خوش بحال رحمت کشان برای عدالت زیرا  
 ۱۰ ملکوت آسمان از آن ایشان است \* خوشحال باشد چون شمارا فحش کویند و جنا  
 ۱۱ رسانند و بخاطر من هر چنین بدی برشما کاذبانه کویند \* خوش باشد و شادی عظم  
 ۱۲ نایب زیرا اجر شما در آسمان عظم است زیرا که بهمن طور برانیای قبل از شما جفا  
 ۱۳ میرسانیدند \* شما نمک جهانید لیکن اگر نمک فاسد کردد بکدام چیز باز نمکن شود  
 ۱۴ دیگر مصرفی ندارد جز آنکه بیرون افکنه پایمال مردم شود \* شما نور عالمید  
 ۱۵ شهری که برگوهی بنا شود توان پنهان کرد \* و چرا غراغ رانی افزورزند تا آنرا زیر پیمانه  
 نهند بلکه تا بر جراحت دان کدارند آنکاه بهمه کسانیکه درخانه باشند روشنائی می  
 ۱۶ بخشد \* همین بکذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شمارا دید پدر شمارا  
 ۱۷ که در آسمان است تمجید نمایند \* کسان میرید که آدمان تا توراه یا صحف انبیاء را  
 ۱۸ باطل سازم نیامد ام تا باطل نام بلکه تا تمام کنم \* زیرا هر آینه بشما میکوم نا آسمان  
 و زمین زایل نشود هنوز یا نقطه از توراه هر کثر زایل خواهد شد تا همه واقع شود \*  
 ۱۹ پس هر که یکی ازین احکام کوچکترین را بشکند و بردم چین نعلم دهد در  
 ملکوت آسمان کنترین شرده شود اما هر که بعمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت  
 ۲۰ آسمان بزرگ خوانده خواهد شد \* زیرا بشما میکوم تا عدالت شما بر عدالت کابیان  
 ۲۱ و فریسان افزون نشود بملکوت آسمان هر کثر داخل خواهد شد \* شنید اید که  
 ۲۲ باولین کنته شه است قتل مکن و هر که قتل کند سزاوار حم شود \* لیکن من  
 بشما میکوم هر که برادر خود بی سبب خشم کردد مستوجب حکم باشد و هر که  
 برادر خود را رافا کوبد مستوجب قصاص باشد و هر که احقر کوبد مستحق آتش  
 ۲۳ جهنم بود \* پس هر که هدیه خود را بر قربانکاه ببری و آنجا بخاطریت آید که برادرت  
 ۲۴ برتو حقیقی دارد \* هدیه خود را پیش قربانکاه و اکنار ورقه اول با برادر خوبیش

۲۵ صلح نما و بعد آمن هدب خود را بگذران \* بامدّعی خود مادامبکه با او در راه  
 هسی صلح کن مبادا مدّعی ترا بقاچی سپارد وفاچی نرا بداروغه نسلیم کند و در  
 ۲۶ زیدان افکن شوی \* هرآبهه بنو میکوم که تا فلس آخر را ادا نکنی هرگز از آنجا  
 ۲۷ پرون نخواهی آمد \* شنید اید که باولین کفته شد است زنا مکن \* لیکن من بشما  
 میکوم هر کس بزی نظر شهوت اندازد هاندم در دل خود با او زنا کرده است \*  
 ۲۸ ۲۹ پس اگر چشم راست نرا بلغزاند قلعش کن واز خود دور انداز زیرا نرا بهتر آنست  
 ۳۰ که عضوی از اعضایت نیاه کردد از آنکه تمام بدنست درجه هم افکن شود \* و اکر  
 دست راست نرا بلغزاند قلعش کن واز خود دور انداز زیرا ترا میندتر آنست  
 ۳۱ که عضوی از اعضای تو نابود شود از آنکه کل جسدت در دوزخ افکن شود \*  
 ۳۲ و کفته شد است هر که از زن خود مفارقت جوید طلاق نامه بدو بدهد \* لیکن  
 من بشما میکوم هر کس بغير علت زنا زن خود را از خود جدا کد باعث زنا کردن  
 ۳۳ او نمیباشد و هر که زن مظلمه را نکاح نکند زنا کرده باشد \* باز شنید اید که باولین  
 ۳۴ کفته شد است که فسم دروغ غور بلکه فسمهای خود را بخداوند وفاکن \* لیکن  
 ۳۵ من بشما میکوم هر کر قسم غور بد نه باسما زیرا که عرش خداست \* و نه بزمین  
 ۳۶ زیرا که پای انداز او است و نه باور شلیم زیرا که شهر پادشاه عظیم است \* و نه بسر  
 ۳۷ خود قسم یاد کن زیرا که موئی را سفید یا سیاه نمیتوانی کرد \* بلکه سخن شایلی بی ونی  
 ۳۸ نی باشد زیرا که زیاده براین از شر بر است \* شنید اید که کفته شد است چشی  
 ۳۹ بچشی و دندانی بدندانی \* لیکن من بشما میکوم با شر بر مقاومت مکید بلکه هر که  
 ۴۰ برخساره راست تو طب‌نچه زند دبک برای نیز بسوی او بگردان \* و اگر کسی خواهد با  
 ۴۱ تو دعوی کند و قبای ترا بکرید عبای خود را نیز بد و اکذار \* و هر کاه کسی نرا  
 ۴۲ برای بلک میل مجبور سازد دو میل همراه او برو \* هر کس از تو سؤال کند بد و  
 ۴۳ بخش و از کسیکه فرض از تو خواهد روی خود را مکردان \* شنید اید که کفته  
 ۴۴ شد است همسایه خود را محبت نماید و برای لعن کشند کان خود برکت بطلید و بآنکه  
 که دشمنان خود را محبت نماید و برای لعن کشند کان خود برکت بطلید و بآنکه  
 از شما نفرت کند احسان کنید و بهر که بشما فخش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید \*  
 ۴۵ نا پدر خود را که در آسمان است پس امان شوید زیرا که آفات خود را بریدان و بینکان

۴۶ طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند \* زیرا هر کاه آنان را محبت نمایند  
 ۴۷ که شمارا محبت مینابند چه اجر دارید آبا باج کیران چنین نیکنند \* و هر کاه  
 برادران خود را فقط سلام کوئند چه فضیلت دارید آبا باج کیران چنین نیکنند \*  
 ۴۸ پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است \*

## باب ششم

۱ زنهار عدالت خود را پیش مردم بجا می‌اورید تا شمارا به بینند و الآن زد پدر خود  
 ۲ که در آسمان است اجری ندارید \* پس چون صدقه دهی پیش خود کرنا منواز  
 چنانکه ریا کاران در کابس و بازارها می‌کنند تا نزد مردم آکرام یابند هر آینه بشما  
 ۳ می‌کوم اجر خود را یافته اند \* بلکه تو چون صدقه دهی دست چپ تو از آنچه  
 ۴ دست راست می‌کند مطلع نشود \* تا صدقه تو در نهان باشد و پدر نهان ین نو  
 ۵ ترا آشکارا اجر خواهد داد \* و چون عبادت کنی مانند ریا کاران می‌اشناس زیرا  
 خوش دارند که در کابس و کوشش‌های کوچه‌ها ایستاده غاز کذارند تا مردم ایشان را  
 ۶ به بینند هر آینه بشما می‌کوم اجر خود را خصیل نموده اند \* لیکن تو چون عبادت  
 کی بمحیره خود داخل شو و در راست پدر خود را که در نهان است عبادت نما و پدر  
 ۷ نهان ین تو ترا آشکارا جزا خواهد داد \* و چون عبادت کرد مانند امنها تکرار  
 ۸ باطل مکبد زیرا ایشان کان می‌برند که بسبب زیاد کفتن مستحب می‌شوند \* پس  
 مثل ایشان می‌باشید زیرا که پدر شما حاجات شمارا میداند پیش از آنکه ازاو سوال  
 ۹ کند \* پس شما با بطور دعا کنده ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باد \*  
 ۱۰ ملکوت تو بایده اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود \* نلن  
 ۱۱ کفاف مارا امروز باما \* و فرضهای مارا بیش چنانکه ما نیز قرضاران خود را  
 ۱۲ می‌خنیم \* و مارا در آزمایش می‌اور بلکه از شریر مارا رهای ده زیرا ملکوت وقوت  
 ۱۳ و جلال تا ابد الاباد ازان نست \* آمین \* زیرا هر کاه نقصیرات مردم را بد بشان  
 ۱۴ پیامرزید پدر آسمانی شما شمارا نیز خواهد آمرزید \* اماً اگر نقصیرهای مردم را  
 ۱۵ نیامرزید پدر شما هم نقصیرهای شمارا خواهد آمرزید \* اماً چون روزه دارید مانند  
 ریا کاران نزشو و می‌باشید زیرا که صورت خوب شرا تنبیر میدهند تا در نظر مردم روزه

- ۱۷ دار نمایند هر آینه بشما می‌کوم اجر خود را یافته اند \* لیکن تو چون روزه داری سر  
 ۱۸ خود را تدهب کن و روی خود را بشوی \* تا در نظر مردم روزه دار نمایی بلکه  
 در حضور پدرت که در بنا است و پدر بنا بین تو ترا آشکارا جزا خواهد داد \*
- ۱۹ کعبها برای خود بزمین نیندوزید جایی که ید وزنک زیان نمیرساند و جایی که  
 ۲۰ دزدان نقب میزند و دزدی مینایند \* بلکه کعبها بجهة خود در آسمان نیندوزید  
 جایی که ید وزنک زیان نمیرساند و جایی که دزدان نقب نمیزند و دزدی نمیکنند \*
- ۲۱ زیرا هر چه تو است دل تو نیز در آجای خواهد بود \* چراغ بدن چشم است پس  
 ۲۲ هر کاه چشم بسیط باشد تمام بدن روش بود \* اما اگر چشم تو فاسد است  
 غام جسدت تاریک میباشد پس آگر نوری که در تست ظلمت باشد چه ظلمت  
 ۲۴ عظیمی است \* هیچ کس دو آفرا خدمت نمیتواند کرد زیرا با ازبکی نفرت دارد و با  
 دیگری محبت و با بیکی میچسید و دیگر را حیرمیشارد حال است که خدا و مُونارا  
 ۲۵ خدمت کنید \* بنابرین بشما می‌کوم از هر جان خود اندیشه مکنید که چه خورید یا  
 چه آشامید و نه برای بدن خود که چه بپوشید آبا جان از خواراک و بدن از پوشاش  
 ۲۶ بهتر نیست \* مرغان هوارا نظر کنید که نه میکارند و نه می دروند و نه در انبارها  
 ذخیر میکنند و پدر آسمانی شما آنها میپروراند آبا شما از آنها بر اتاب بهتر نیستند \*
- ۲۷ و گستاخ شما که بتفکر بتواند ذراعی بر قامت خود افزاید \* و برای لباس چرا  
 ۲۸ می اندیشید در سوشهای چمن تأمل کنید چه کونه نمی‌کنند نه محنت میکنند و نی  
 ۲۹ رسند \* لیکن بشما می‌کوم سلیمان هم با همه جلال خود چون یکی از آنها آراسته نشد \*
- ۳۰ پس اگر خدا علف صحرا را که امروز هست و فردا در تور افکن میشود چنین  
 ۳۱ بپوشاند ای کم اعیان آیا نه شارا از طبق اولی \* پس اندیشه مکنید و مکوئید چه  
 ۳۲ بخورم یا چه بتوشیم یا چه بپوشیم \* زیرا که در طلب جمیع این چیزها امّها میباشد  
 ۳۳ اما پدر آسمانی شما میداند که بدین هه چیز احنجاچ دارید \* لیکن اول ملکوت  
 ۳۴ خدا وعدالت او را بطلید که اینهمه برای شما مزید خواهد شد \* پس در اندیشه  
 فردا میباشد : برا فردا اندیشه خود را خواهد سکرد بدئ امروز برای امروز  
 کافیست \*

## باب هفتم

- ۱ حکم مکبند تا برشما حکم شود\* زیرا بدان طریقیکه حکم کنید برشما نیز حکم  
 ۲ خواهد شد و بدان بیانه که بیانید برای شما خواهد بیمود\* و چونست که خس را  
 ۳ در چشم برادر خود می بینی و چوییکه چشم خود داری نبیابی\* با چکونه به  
 ۴ برادر خود می کوئی اجازت ده تا خس را از جسمت بیرون کنم و اینک چوب در چشم  
 ۵ نست\* ای ریاکار اول چوب را از چشم خود بیرون کن آنکاه نیک خواهی دید  
 ۶ تا خسرا از چشم برادرت بیرون کنی\* آنچه مقدس است بسکان مدهید و نه مروارید  
 ۷ های خود را پیش کرلازان اندازید مبادا آهارا پایمال کنند و برکشته شمارا بدرند\*  
 ۸ سوال کنید که بشما داده خواهد شد بطلبید که خواهید یافت بکوید که برای شما  
 ۹ باز کرده خواهد شد\* زیرا هر که سوال کند باید وکسیکه بطلبید دریافت کند  
 ۱۰ و هر که بکوید برای او کشاده خواهد شد\* و کام آدمی است از شما که پرسش  
 ۱۱ نانی ازاو خواهد وستکی بدو دهد\* با اکرم ای خواهد ماری بدو بخشد\* پس  
 ۱۲ هر کاه شما که شریر هستید دادن بخششهای نیکورا باولاد خود میدانید چه قدر زیاده  
 ۱۳ پدر شما که درآیان است چیزهای نیکورا با آنکه ازاو سوال میکنند خواهد  
 ۱۴ بخشد\* لذ آنچه خواهید که مردم بشما کنند شما نیز بدیشان همچنان کنید زیرا  
 ۱۵ اینست نوراء و صحف انبیاء\* از درِ تنک داخل شوید زیرا فراخ است آن  
 ۱۶ در وسیع است آن طریقیکه مؤذی بهلاکت است و آنکه بدان داخل میشوند  
 ۱۷ بسیارند\* زیرا تنک است آن در وشور است آنطریقیکه مؤذی بجات است  
 ۱۸ و بابدکان آن کم اند\* اما از انبیاء کذبه احتراز کنید که بلباس میشها نزد شما می  
 ۱۹ آید ولی ذرباطن کرکان درتنک میباشد\* ایشانرا از میوهای ایشان خواهید شناخت\*  
 ۲۰ آیا انکوررا از خار و انخیر را از خس می چینند\* همچنین هر درخت نیکو میوه نیکو  
 ۲۱ میآورد و درخت بد میوه بد میآورد\* نیتواند درخت خوب میوه بد آورد و نه  
 ۲۲ درخت بد میوه نیکو آورد\* هر درختیکه میوه نیکو نیاورد بین و در آتش افکند  
 ۲۳ شود\* لذ از میوهای ایشان ایشانرا خواهید شناخت\* نه هر که مرا خداوند  
 ۲۴ خداوند کوبد داخل ملکوت آسمان کردد بلکه آنکه اراده پدر مرا که درآیانست

۲۲ بجا آورد \* سا در آن روز مرا خواهند کفت خداوندا آیا بنام تو نبوت  
 ۲۳ نمودم و با من تو دبوهارا اخراج نکردم و بنام تو محبرات بسیار ظاهر نساختم \* آنکاه  
 باشان صریحاً خواهم کفت که هر کشمارا نشانخم \* ای بدکاران از من دور شوید \*  
 ۲۴ پس هر که این سخنان مرا بشنود و آنها را بجا آرد اورا بر بدی دانا نشیوه میکنم که خانه  
 ۲۵ خودرا برستک بنا کرد \* و باران باریک سیلاها روان کردید و بادها وزین بد انخانه  
 ۲۶ زور آورد و خراب نکردید زیرا که برستک بنا شده بود \* و هر که این سخنان مرا  
 ۲۷ شنید یانها عمل نکرد بدی نادان ماند که خانه خودرا بر ریک بنا نهاد \* و باران  
 باریک سیلاها جاری شد و بادها وزین بد انخانه زور آورد و خراب کردید و خرابی  
 ۲۸ آن عظیم بود \* و چون عیسی این سخنان را ختم کرد آن کروه از نعلم او در حیرت  
 ۲۹ افقادند \* زیرا که ایشانرا چون صاحب قدرت تعلیم میداد و نه مثل کتابان \*

## باب هشتم

۱ و چون او از کوه بزیر آمد کروه بسیار از غلب او روانه شدند \* که ناکاه ابرص  
 ۲ آمد و اورا پرسن ش غوده کفت ای خداوند آکر مجنوای میتوانی مرا طاهر سازی \* عیسی  
 ۳ دست آورده اورا لمس نمود و گفت مجنوام طاهر شوکه فوراً برص او طاهر کشت \*  
 ۴ عیسی بدو کفت زنهار کسی را اطلاع ندهی بلکه رفعه خودرا بگاهن بنا و آن هدیه را  
 ۵ که موسی فرمود بگذران تا مججه ایشان شهادتی باشد \* و چون عیسی وارد  
 ۶ کفرناحوم شد بوزباشی نزد وی آمد و بدو manus نموده \* کفت ای خداوند خادم  
 ۷ من مفلوج در خانه خوایید و بشدت متألم است \* عیسی بدو کفت من آمده اورا  
 ۸ شفا خواهم داد \* بوزباشی در جواب کفت خداوندا لایق آن نم که زیر سقف من  
 ۹ آقی بلکه فقط سخنی بکو و خادم من صحبت خواهد یافت \* زیرا که من نیز مردی  
 ۱۰ زیر حکم هست و سپاهیانرا زیر دست خود دارم چون یکی کوم برو مبرود و بدیکری  
 ۱۱ بیا میآید و بغلام خود فلان کار را بکن میکند \* عیسی چون ایستخن را شنید من غب  
 ۱۲ شد به مراد خود کفت هر آینه بشما میکویم که چنین ایمانی در اسرائیل هم نیافته ام \*  
 ۱۳ و بشما میکویم که بسا از مشرق و مغرب آمد در ملکوت آسمان با ابراهیم و اسحق  
 ۱۴ و بعقوب خواهند نشست \* اما بسران ملکوت بیرون افکنند خواهند شد در ظلمت

۱۳ خارجی جاییکه کریه و فشار دندان باشد\* پس عبسی به بوزباشی کفت برو  
 ۱۴ بروفق ایناشت ترا عطا شود که در ساعت خادم او صحت بافت\* و چون  
 ۱۵ عبسی بخانه پطرس آمد مادرزن اورا دید که تپ کرده خواید است\* پس دست  
 اورا لمس کرد و تپ اورا رها کرد پس برخاسته بخدمت کذاری ایشان مشغول  
 ۱۶ کشت\* اما چون شام شد بسیاری از دیوانکارزا بتزد او آوردند و بعض سخنی  
 ۱۷ ارواح را برون کرد و همه مریضان را شفای بخشید\* تا سخنی که بزمیان اشعیای نبی  
 ۱۸ کفته شد بود تمام کردد که او ضعفهای مارا کرفت و مرضهای مارا برداشت\*  
 ۱۹ چون عبسی جمی کثیر دور خود دید فرمان داد تا بکاره دیگر روند\* آنکاه  
 ۲۰ کاتنی بیش آمده بدو کفت استادا هرجا روی نرا متابعت کم\* عبسی بدو کفت  
 روباهان را سوراخها و مرغان هوارا آشیانها است لیکن بسرانسان راجای سر نهادن  
 ۲۱ نیست\* و دیگری از شاکرداش بدو کفت خداوندا اول مرا رخصت ده تا رفته  
 ۲۲ پدر خود را دفن کم\* عبسی و برا کفت مرا منابعت کن و بکار که مردکان مردکان  
 ۲۳ خود را دفن کنند\* چون بکشی سوار شد شاکرداش از عقب او امدهند\* ناکاه  
 اضطراب عظیمی در دریا پدید آمد بجذیکه امواج کشی را فرو میکرفت و او در  
 ۲۵ خواب بود\* پس شاکردان بیش آمده اورا پیدار کرده کفتند خداوندا مارا دریاب  
 ۲۶ که هلاک میشوم\* بدیشان کفت ای کم ایمانان چرا نرسان هستیده آنکاه برخاسته  
 ۲۷ بادها و دریارا نهیب کرد که آرامی کامل پدید آمد\* اما آن اشخاص نجف نموده  
 ۲۸ کفتند این چکونه مردیست که بادها و دریا نیز اورا اطاعت میکنند\* و چون  
 بآن کاره در زمین جریسان رسید دو شخص دیوانه از قبرها برون شد بدو  
 ۲۹ برخوردن و بجذی تند خوی بودند که هیچکس از آن راه توانستی عور کد\* در  
 ساعت فریاد کرده کفتند یا عبسی ابن الله مارا با توجه کار است مکر در اینجا آمده  
 ۳۰ تا مارا قبل از وقت عذاب کی\* و که کراز بسیاری دور از ایشان میپرید\*  
 ۳۱ دبوها از روی استدعا نموده کفتند هر کاه مارا برون کی در کله کرازان مارا بفرست\*  
 ۳۲ ایشان را کفت برویده در حال بیرون شد داخل کله کرازان کردیدند که فی الفور  
 ۳۳ همه آن کرازان از بلندی بدریا جسته در آب هلاک شدند\* اما شبانان کریخته  
 ۳۴ بشهر رفتند و نام آن حادثه و ماجراهای دیوانکارزا شهرت دادند\* وابنک نام شهر

برای ملاقات عیسی بیرون آمد چون اورا دیدند الفاس نمودند که از حدود ایشان

بیرون رود \*

باب نهم

- ۱ پس بکشی سوار شد عبور کرد و شهر خویش آمد \* ناکاه مفلوچی را برست  
خواهانید نزد وی آوردند \* چون عیسی ایمان ایشانرا دید مفلوچ را کفت ای فرزند
- ۲ خاطر جمع دار که کاهانت آمرزیدن شد \* آنکاه بعضی از کاهان با خود کفتند
- ۳ این شخص کفر میکوید \* عیسی خجالات ایشانرا در کثیر کفت از بهر چه خجالات
- ۴ فاسد بخاطر خود راه میدهد \* زیرا کدام سهلتر است کتفن اینکه کاهان تو
- ۵ آمرزیدن کاهان بر روی زمین هست \* آنکاه مفلوچ را کفت برخیز و ستر خود را
- ۶ آمرزیدن کاهان برداشت یا کتفن آنکه برخاسته بحرا م \* لیکن تا بدانید که پسر انسان را قادر است
- ۷ برداشته بخانه خود روانه شو \* در حال برخاسته بخانه خود رفت \* و آن کروه
- ۸ چون این عمل را دیدند متوجه شد خدائی را که این نوع قدرت پردم عطا فرموده
- ۹ بود تجید نمودند \* چون عیسی از آنجامی کنست مردی را مسی بخی به باج کاه  
نشسته دیده بدو کفت مرا متابعت کن درحال برخاسته از عقب وی روانه شد \*
- ۱۰ واقع شد چون او در خانه بخدا نشسته بود که جمعی از باجکران و کاهکاران
- ۱۱ آمن با عیسی و شاکرداش بشنستند \* و فریسان چون دیدند بشاکرداش او کفتند
- ۱۲ چرا استاد شما با باجکران و کاهکاران غذا میغورد \* عیسی چون شنید کفت نه
- ۱۳ تدرستان بلکه مریضان احیاج بطیب دارند \* لکن رفته اینرا در یافت کید که رحمت میخواهم نه قربانی زیرا نیامد ام تا عادلانرا بلکه کاهکاران را بتوهه دعوت نمایم \*
- ۱۴ آنکاه شاکرداش بخی نزد وی آمن کفتند چونست که ما و فریسان روزه
- ۱۵ بسیار میدارم لکن شاکرداش توروزه نمیدارند \* عیسی بدیشان کفت آیا پسران خانه عروفی مادامیکه داماد با ایشانست میتوانند مام کنند ولکن ایام میاید که
- ۱۶ داماد از ایشان کرفته شود در آن هنگام روزه خواهد داشت \* و هیچ کس بر جامه کهنه پاره از پارچه نو و صله نمیکند زیرا که آن وصله از جامه جدا میکردد و ذرید کی
- ۱۷ بدتر میشود \* و شراب نورا در مشکهای کهنه نمیرزند و آن مشکها درین شراب ریخته و مشکها تباہ کردد بلکه شراب نورا در مشکهای نو نمیرزند تا هر دو محفوظ

۱۸ باشد\* او هنوز این سخنانرا بدیشان میکفت که ناکاه رئیسی آمد و اورا برسش  
 نموده کفت آکنون دختر من مرده است لکن یا ودست خود را بروی کذار که زیست  
 ۱۹ خواهد کرد\* پس عیسی به اتفاق شاکردن خود برخاسته از عنق او روانه شد\*  
 واينک زنی که مدت دوازده سال برض استخاضه مبتلا میبود از عقب او آمد  
 ۲۰ دامن ردای اورا ملس نمود\* زیرا با خود کفته بود اگر محض ردايشرا ملس کم  
 ۲۱ هرآیه شفا یام\* عیسی برکشته نظر بروی انداخته کفت ای دختر خاطر جع  
 ۲۲ باش زیرا که ایمانت نرا شفاداده است در ساعت آن زن رستکار کردید\* و چون  
 ۲۳ عیسی بخانه رئیس در آمد نوحه کران و کروی از شورش کند کانرا دیده\* بدیشان  
 ۲۴ کفت راه دهید زیرا دختر نمرده بلکه در خواب است ایشان بروی سفری کردند\* اما  
 ۲۵ چون آن کروه بیرون شدند داخل شد دست آن دختر را کفت که در ساعت  
 ۲۶ برخاست\* و این کار در تمام آن مرزو بوم شهرت یافت\* و چون عیسی از آن  
 مکان میرفت دوکور فرباد کان در عقب او افتاده کشید پسر داده بر ما نزخم  
 ۲۷ کن\* و چون بخانه در آمد آن دوکور نزد او آمدند عیسی بدیشان کفت آیا ایمان  
 ۲۸ دارید که ایتکار را میتوانم کرده کفتندش بلى خداوندا\* در ساعت چشان ایشانرا  
 ۲۹ لمس کرده کفت بروفق ایمانان بشما بشود\* در حال چشانشان باز شد و عیسی  
 ۳۰ ایشان را باکید فرمود که زنها رکسی اطلاع نیابد\* اما ایشان بیرون رفته اورا در  
 ۳۱ تمام آن نواحی شهرت دادند\* و هنکامیکه ایشان بیرون میرفتند ناکاه دیوانه کشکرا  
 ۳۲ نزد او آوردند\* و چون دبو بیرون شد کلک ڪوپا کردید و همه در نھیب شد  
 ۳۳ کفتند در اسرائیل چنین امر هر کردیک نش نش بود\* لیکن فریسان کفتند بواسطه  
 ۳۴ رئیس دیوها دیوها را بیرون میکند\* و عیسی در همه شهرها و دهات کشته در کایپس  
 ایشان نعلم داده به بشارت ملکوت موعده مینمود و هر مرض و رنج مردم را شفا  
 ۳۵ میداد\* و چون جمعی کثیر دید دلش برایشان بسوخت زیرا که مانند کوسفندان  
 ۳۶ بی شبان پریشان حال و پرآکن بودند\* آنکاه بشاکردن خود کفت حصاد  
 ۳۷ فراوان است لیکن عَمَله کم پس از صاحب حصاد استدعا نمائید تا عَمَله در حصاد

خود بفرستد\*

## باب دهم

- ۱ ودوازده شاکر خودرا طلیین ایشانرا برارواح بلند قدرت داد که آنها را پرون
- ۲ گند و هر بیماری ورنجی را شفا دهند \* و ناهای دوازده رسول اینست اول شمعون
- ۳ معروف به بطرس و برادرش اندریاس \* یعقوب بن زیدی و برادرش یوحنا \* فلیپس
- ۴ و برتو ملاه نیما و متی با جکیره یعقوب بن حلقی ولبن معروف به تدی \* شمعون قانوی
- ۵ و بهودای استریوطی که اورا تسلیم نمود \* این دوازده را عیسی فرستاده بدشان
- ۶ وصیت کرده کفت از راه امها مروید و در بلدی از سامریان داخل مشوبد \* بلکه
- ۷ نزد کوسفندان کم شد اسرائیل بروید \* و چون میروید موعظه کرده کوئید که
- ۸ ملکوت آسمان نزدیک است \* بیماران را شفا دهد ابرصانرا طاهر سازید مردکانرا
- ۹ زنده کید دیوهارا پرون نمائید مفت با فته اید مقت بدھید \* طلا یا نقره با مس
- ۱۰ در کمرهای خود ذخیره مکید \* و برای سفر توشه دان یا دو پیراهن یا کفشهای یا
- ۱۱ عصا برندارید زیرا که مزدور مستحق خوارک خود است \* و در هر شهری یا قریه که داخل شوید بپرسید که در آنجا که لیاقت دارد پس در آنجا بمانید تا پرون
- ۱۲ روید \* و چون بمانه در آئید برآن سلام نمائید \* پس آکرخانه لایق باشد سلام
- ۱۳ شما برآن واقع خواهد شد و آکر نالایق بود سلام شما بشما خواهد برکشت \* و هر که شمارا قبول نکند یا بعض شما کوش ندهد از آنخانه یا شهر پرون شد خاک پا بهای
- ۱۴ خودرا برافشانید \* هر آینه بشما میکوم که در روز جزا حالت زمین سدهم و غمراه
- ۱۵ از آن شهر سهتر خواهد بود \* هان من شمارا مانند کوسفندان در میان کرکان
- ۱۶ میفرستم پس مثل مارها هوشیار و چون کبوتران ساده باشید \* اما از مردم بر حذر باشید زیرا که شمارا مجلسها سلم خواهند کرد و در کائش خود شمارا تازیانه خواهند
- ۱۷ زد \* و در حضور حکام و سلاطین شمارا بخطاطر من خواهند برد تا برایشان و بر امها شهادت شود \* اما چون شمارا سلم کند اندیشه مکنید که چکونه یا چه بکوئید
- ۱۸ زیرا در همان ساعت بشما عطا خواهد شد که چه باید کفت \* زیرا کوینه شما نیستید
- ۱۹ بلکه روح پدر شما در شما کویند است \* و برادر برادر را و پدر فرزند را بتوت سلم خواهند کرد و فرزندان بر والدین خود برخاسته ایشان را بقتل خواهند رسانید

۲۰ و بجهة ام من جمیع مردم از شما نفرت خواهند کرد لیکن هر که تا آخر صبر کند  
 ۲۳ نجات پاید\* و وفیکه در یک شهر بر شما جفا کند بدیکری فرار کنید زیرا هر آینه  
 ۲۴ بشما میکوم تا پسر انسان ناید از همه شهرهای اسرائیل خواهید پرداخت\* شاکرد  
 ۲۵ از معلم خود افضل نیست و نه غلام از آقایش برتر\* کافیست شاکر درا که چون  
 استاد خویش کردد و غلامرا که چون آفای خود شوده پس اگر صاحب خانه را  
 ۲۶ بعزم بول خواندند چه قدر زیادتر اهل خانه اش را\* هلا از ایشان متربید زیرا  
 ۲۷ چیزی مستور نیست که مکشوف نکردد و نه مجهولی که معلوم نشود\* آنچه در  
 تاریکی بشما میکوم در روشنایی بکوئید و آنچه در کوش شنود بر بلهای موظعه کنید\*  
 ۲۸ واژ قائلان جسم که قادر برگشتن روح نیند یعنی مکبد بلکه ازاو بتربید که قادر  
 ۲۹ است بر هلاک کردن روح و جسم را نیز در جهنم\* آیا دو کفشدک ییک فلس  
 ۳۰ فروخنه نیشود و حال آنکه یکی از آنها جز بحکم پدر شما بزمن نی افتند\* لیکن  
 ۳۱ همه موهای سر شما نیز شمرده شن است\* پس ترسان مباشد زیرا شما از کفشدکان  
 ۳۲ بسیار افضل هستید\* پس هر که مرا پیش مردم اغفار کند من نیز در حضور پدر  
 ۳۳ خود که در آسمانست او را اغفار خواهم کرد\* اما هر که مرا پیش مردم انکار نماید  
 ۳۴ من هم در حضور پدر خود که در آسمانست او را انکار خواهم نمود\* کمان مربید  
 که آمن ام نا سلامتی بر زمین بکذارم نیامد ام نا سلامتی بکذارم بلکه شمشیر را\*  
 ۳۵ زیرا که آمک ام نا مردرا از پدر خود و دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر  
 ۳۶ شوهرش جدا سازم\* و دشمنان شخص اهل خانه او خواهند بود\* و هر که پدر با  
 مادر را پیش از من دوست دارد لایق من نباشد و هر که پسر با دختر را از من  
 ۳۷ زیاده دوست دارد لایق من نباشد\* و هر که صلب خود را بر نداشته از عقب  
 ۳۹ من ناید لایق من نباشد\* هر که جان خود را در یابد آنرا هلاک سازد و هر که جان  
 ۴۰ خود را بخطیر من هلاک کرد آنرا خواهد در یافت\* هر که شمارا قبول کند مرا قبول  
 ۴۱ کرده و کسیکه مرا قبول کرده فرستنَه مرا قبول کرده باشد\* و آنکه نیز را باس  
 نیز پزیرد اجرت نیز یابد و هر که عادل را باس عادلی پذیرفت مزد عادل را خواهد  
 ۴۴ یافت\* و هر که یکی از این صغار را کاسته از آب سردا محض نام شاکرد نوشاند  
 هر آینه بشما میکوم اجر خود را ضایع نخواهد ساخت\*

## بلب یازدهم

- ۱ وچون عیسی این وصیت را با دوازده شاکرد خود به اقام رسانید از آنها روانه شد نا در شهرهای ایشان تعلم دهد و موعظه نماید \* وچون بحی در زندان اعمال مسیح را شنید دو نفر از شاکرداران خود را فرستاده \* بدو کفت آیا آن آینه نوئی یا متظر دیگری باشیم \* عیسی در جواب ایشان کفت برو بد و بحی را از آنچه شنید و دیده اید اطلاع دهد \* که کوران بینا میگردند ولنکن بر قفار میایند و ابرسان طاهر و کران شنوا و مردکان زنگ میشوند و فقیران بشارت می شوند \* و خوشابحال کسیکه در من نلغزد \* وچون ایشان میرفندند عیسی با آنها میجتمع در باره بحی آغاز سخن کرد که بجهة دیدن چه چیز به بیان رفته بود بد آیانی را که از باد در جنبش است \* بلکه بجهة دیدن چه چیز پیرون شد بد آیا مردی را که لباس فاخر در بر دارد اینک آنانکه رخت فاخر میپوشند در خانه های پادشاهان میباشند \* لیکن ۱۰ بجهة دیدن چه چیز پیرون رفید آیا نبی را بلی بشما میکوم از نبی افضلی را \* زیرا همانست آنکه در باره او مكتوب است اینک من رسول خود را پیش روی تو میفرستم نا راه ترا پیش روی تو مهیا سازد \* هر آینه بشما میکوم که از اولاد زنان بزرگتری از بحی تعیید دهن برخاست لیکن کوچکتر در ملکوت آسمان از وی ۱۲ بزرگ تر است \* واز آیام بحی تعیید دهن نا آن ملکوت آسمان مجبور میشود و جباران آنرا بزور میریابند \* زیرا جمیع انبیاء و توراه تا بحی اخبار مینمودند \*
- ۱۴ واکر خواجه فبول کنید همانست الیاس که باید بیابد \* هر که کوش شنوا دارد ۱۵ بشنود \* لیکن این طلاقه را بچه چیز تشییه نمایم اطفالی را مانند که در کوچه ها نشسته رفیقان خویش را صد ازده \* میکویند برای شنا فی نواختم رقص نکردید نوحه کری ۱۶ کردم سبیه نزدید \* زیرا که بحی آمد نه میخورد و نیاینامید میکویند دیو دارد \*
- ۱۹ پسر انسان آمد که میخورد و مینمود میکویند اینک مردی پرخور و میکسار و دوست بالجکیران و کاهکاران است لیکن حکمت از فرزندان خود نصدق کرده شد ۲۰ است \* انکاه شروع هلامت نمود بر آن شهرهای که اکثر از میغرات وی در آنها ظاهر شد زیرا که نوبه نکرده بودند \* وای بر تو ای خورزین وای بر تو ای

بیت صدای زیرا آکر میهارانی که در شما ظاهر گشت در صور و صیدون ظاهر میشد  
 ۲۲ هر آینه مدنی در پلاس و خاکستر نوبه مینمودند \* لیکن بشما میکوم که در روز جزا  
 ۲۳ حالت صور و صیدون از شما سهلتر خواهد بود \* و توای کفرناحوم که تا بالک  
 سرافراشته بجهنم سرنگون خواهی شد زیرا هر کاه میهارانی که در تو پدید آمد در سدهم  
 ۲۴ ظاهر میشد هر آینه تا امروز باقی میماند \* لیکن بشما میکوم که در روز جزا حالت  
 ۲۵ زمین سدهم از تو سهلتر خواهد بود \* در آنوقت عیسی توجه نموده کفت ای پدر  
 مالک آسمان و زمین ترا سنایش میکم که این امور را از داناییان و خردمندان پنهان  
 ۲۶ داشتی و بکوکان مکشوف فرمودی \* بلى ای پدر زیرا که هچین منظور نظر تو  
 ۲۷ بود \* پدر مله چیز را بن سپرده است و کسی پسر را نیشناسد بجز پدر و نه پدر را  
 ۲۸ هیچکس نیشناسد غیر از پسر و کسی که پسر بخواهد بدومکشوف سازد \* یا پاید نزد  
 ۲۹ من ای تمام رحمت کشان و کران باران و من شارا آرامی خواهم بخشید \* بوغ مرآ  
 بر خود کپرید و از من نعلم یا پید زیرا که حلم و افتداده دل میباشم و در نفوس خود  
 ۳۰ آرامی خواهید یافت \* زیرا بوغ من خفیف است و بار من سبک \*

### باب دوازدهم

- ۱ در آن زمان عیسی در روز سبت از میان کنست زارها میکنست و شاکرداش
- ۲ چون کرسنه بودند بعیدن و خوردن خوشها آغاز کردند \* اما فریسان چون  
 اینرا دیدند بدوكنند اینک شاکرداش تو عملی میکنند که کردن آن در سبت جایز  
 نیست \* ایشانرا کفت مکرخواند ابد آنچه داود و رفیقانش کردند وقتیکه کرسنه
- ۴ بودند \* چه طور بخانه خدا در آمد نایهای تقدمه را خورد که خوردن آن بر او  
 ۵ و رفیقانش حلال نبود بلکه بر کاهنان فقط \* یا در توراه خواند ابد که در
- ۶ روزهای سبت کهنه در هیکل سپتارا حرمت نمیدارند و بی کاه هستند \* لیکن
- ۷ بشما میکوم که در ایجا شخصی بزرگتر از هیکل است \* و آکر این معنی را در ک
- ۸ میکردید که رحمت بیگرام نه قربانی یکاها نرا مذمت نی نمودید \* زیرا که پسر
- ۹ انسان مالک روز سبت نیز است \* وار آنچه رفته بکیسه ایشان در آمد \* که ناکاه  
 شخص دست خشکی حاضر بود پس ازوی پرسیک کنند آیا در روز سبت شفا دادن

- ۱۱ جایز است بانه نا ادعائی براو وارد آورند \* وی با بشان کفت کیست از شما که  
بیک کوسفند داشته باشد و هر کاه آن در روز سبیت بحفره اتفد اورا خواهد کرفت
- ۱۲ و پیرون آورد \* پس چه قدر انسان از کوسفند افضل است بنابرین در سبیها نیکوئی  
۱۳ کردن رواست \* آنکاه آن مرد را کفت دست خود را دراز کن پس دراز کرده
- ۱۴ مانند دیگری صحیح کردید \* اما فریسان پیرون رفه براو شوری نمودند که چه طور  
۱۵ اورا هلاک کشند \* غبی این را درک نموده از آنجا روانه شد و کروهی بسیار آزار
- ۱۶ غلب او آمدند پس جمیع ایشان را شفا بخشید \* و ایشان را قدغن فرمود که اورا  
۱۷ شهرت ندهند \* تا تمام کردد ڪلامیکه بزیان اشیای نبی کفنه شد بود \*
- ۱۸ اینکه بنده من که اورا برکریدم و حیب من که خاطرم از وی خورسند است روح  
۱۹ خود را بروی خواهم نهاد تا انصافرا بر امته اشتهر نماید \* نزاع و فغان خواهد
- ۲۰ کرد و کسی آواز اورا در کوچه ها خواهد شنید \* نی خورد شد را خواهد شکست
- ۲۱ و فضیله نیم سوخته را خاموش خواهد کرد تا آنکه انصافرا بنصرت برآورده \* و بنام
- ۲۲ او امته امید خواهد داشت \* آنکاه دیوانه کور و کلک را نزد او آوردند  
۲۳ و اورا شنا داد چنانکه آن کور و کلک کویا و بینا شد \* و قاتم آن کروه در حریرت.
- ۲۴ افاده کفتند آیا این شخص پسر داد نیست \* لیکن فریسان شنید کفتند این شخص
- ۲۵ دبوهارا پیرون نمیکند مکر بیاری بعلذت بول رئیس دیوها \* عیسی خجالات ایشان را  
درک نموده بد بشان کفت هر مملکتی که بر خود منقسم کردد ویران شود و هر شهری
- ۲۶ با خانه که بر خود منقسم کردد برقرار نماند \* هندا اکر شیطان شیطانا را پیرون
- ۲۷ کد هر آینه بخلاف خود منقسم کردد پس چکونه سلطتش پایدار نماند \* و اکر من  
بوساطت بعلذت بول دبوهارا پیرون میکنم پسران شا آههارا بیاری که پیرون میکشد
- ۲۸ از اینجهه ایشان بر شما داوری خواهد کرد \* لیکن هر کاه من بروح خدا دبوهارا
- ۲۹ اخراج میکنم هر آینه ملکوت خدا بر شما رسید است \* و چکونه کسی بتواند در  
خانه شخصی زور اور در آید و اسباب اورا غارت کد مکر آنکه اول آن زور اور را
- ۳۰ به بند و پس خانه اورا ناراج کند \* هر که با من نیست بر خلاف منست و هر که
- ۳۱ با من جمع نکند پرآکن سازد \* ازین رو شمارا میکوم هر نوع کاه و کفار انسان
- ۳۲ آمرزیک میشود لیکن کفر بروح القدس از انسان عنو خواهد شد \* و هر که بر

خلاف پسر انسان سخن کوید آمرزین شود اما کسیکه بر خلاف روح القدس کوید ۳۳ در این عالم آیند هر کس آمرزین غواهد شد \* با درخترا نیکو کرداند و میوه اش را نیکو یا درخترا فاسد سازید و میوه اش را فاسد زیرا که درخت از ۳۴ میوه اش شناخته می شود \* ای افعی رادکان چکونه میتوانید سخن نیکو کفت و حال ۳۵ آنکه بد هستید زیرا که زبان از زیادتی دل سخن میکوید \* مرد نیکو از خزانه نیکوی دل خود چیزهای خوب بر می آورد و مرد بد از خزانه بد چیزهای بد پیرون ۳۶ میآورد \* لیکن بشما میکویم که هر سخن باطل که مردم کوید حساب آنرا در روز ۳۷ داوری خواهد داد \* زیرا که از سخنان خود عادل شمرده خواهی شد و از سخنهای ۳۸ تو بر توحیم خواهد شد \* آنکه بعضی از کتابخان و فرسیان در جواب او گفتند ۳۹ ای استاد میوه اهم از تو آینی یعنی \* او در جواب ایشان گفت فرقه شریر و زناکار ۴۰ آینی مطلبند و بدیشان جز آیت بونس نبی داده غواهد شد \* زیرا همچنانکه بونس سه شبانه روز در شکم ماهی ماند پسر انسان نیز سه شبانه روز در شکم زمین ۴۱ خواهد بود \* مردمان نینوی در روز داوری با این طایفه برخاسته بر ایشان حکم خواهند کرد زیرا که بوعظة بونس نوبه کردند واینک بزرگتری از بونس در اینجا ۴۲ است \* ملکه جنوب در روز داوری با این فرقه برخاسته بر ایشان حکم خواهد کرد زیرا که از اقصای زمین آمد تا حکمت سلیمان را بشنود واینک شخصی بزرگتر از سلیمان در اینجا است \* و وقتیک روح بلد از آدمی پیرون آبد در طلب راحت ۴۳ بعایهای بی آب کردش میکند و غنی یابد \* پس میکوید بخانه خود که ازان پیرون ۴۴ آدم بر میکردم و چون آبد آنرا خالی و جاروب شد و آراسنه می ییند \* آنکه میرود و هفت روح دیگر بدتر از خود را برداشته میآورد و داخل گشته ساکن آنجا ۴۵ میشوند و انجام آن شخص بدتر از آغازش می شود همچین باین فرقه شریر خواهد شد \* او با انجامات هنوز سخن میکفت که ناکاه مادر و برادرانش در طلب کننکوی وی ۴۶ پیرون ایستاده بودند \* و شخصی ویرا کفت اینک مادر تو و برادرانت پیرون ایستاده ۴۷ میوه اند با تو سخن کویند \* در جواب قابل گفت کیست مادر من و برادرانم کیانند \* ۴۸ و دست خود را بسوی شاکران خود دراز کرده گفت اینانند مادر من و برادرانم کیانند \* ۴۹ زیرا هر که اراده پدر مرآ که در آیه ایست بجا آورد همان برادر و خواهر و مادر منست \*

## باب سیزدهم

- ۱ و در همانروز عیسی از خانه پرون آمد بکاره در را نشست و کروی سیار بروی
- ۲ جمع آمدند بقیه او بکنی سوار شد فرار کرفت و نمای آن کروه بر ساحل
- ۳ ایستادند\* و معانی بسیار بلهای برای ایشان کفت و وقتی بزرگی بجهة پاشیدن خم
- ۴ بیرون شد\* و چون خم میباشد قدری در راه افداد و مرغان آمد آنرا خوردند\*
- ۵ بعضی بر سرکلاخ جاییکه خاک زیاد نداشت افتاده بزودی سیز شد چونکه
- ۶ زمین عقی نداشت\* و چون آفتاب برآمد بسوخت و چون ریشه نداشت خشکید\*
- ۷ بعضی در میان خارها ریخته شد و خارها نمود کرد آنرا خفه نمود\* و برخی در
- ۸ زمین نیکو کاشته شد بار اورده بعضی صد و بعضی شصت و بعضی سی\* هر که کوش
- ۹ شوا دارد بشنود\* آنکه شاکر داش آمد بوی کفتند از چه جهت با اینها بلهای
- ۱۰ سخن میرانی\* در جواب ایشان کفت داستن آسار ملکوت آسمان بشنا عطا شد
- ۱۱ است لیکن بدیشان عطا نشد\* زیرا هر که دارد بدو داده شود و افزونی یابد اما
- ۱۲ کسیکه ندارد آنچه دارد هم از او کفره خواهد شد\* از اینجه با اینها بلهای سخن
- ۱۳ میکوم که نکراند و نبینند و شنوا هستند و نیشنوند و نیفهمند\* و در حق ایشان
- ۱۴ بیوت اشیاء تمام میشود که میکوید بسم خواهد شد و خواهد فرمید و نظر کرده
- ۱۵ خواهد نکریست و خواهد دید\* زیرا قلب این قوم سنکین شد و بکوشان بسنکنی
- ۱۶ شنید اند و چشان خود را بر هم نهاده اند میادا بیشمنا به بینند و بکوشان بشنوند
- ۱۷ زیرا که می بینند و بکوشان بازکشت کند و من ایشان را شفا دهم\* لیکن خوشحال چشان شما
- ۱۸ و نشیدند و بازکشت کند و من ایشان را شفا دهم\* زیرا هر آنی بشنا میکوم بسا اینیا
- ۱۹ و عادلان خواستند که آنچه شما می بینید به بینند و ندیدند و آنچه میشوند بشنوند
- ۲۰ پس شما مثل برزکر را بشنود\* کسیکه کلمه ملکوت را شنید آنرا نفهمید
- ۲۱ شربر میابد و آنچه در دل او کاشته شد است میراید هانست آنکه در راه کاشته
- ۲۲ شد است\* و آنکه بر سرکلاخ ریخته شد اوست که کلام را شنید فی النور بخوشنودی
- ۲۳ قبول میکند\* ولکن ریشه در خود ندارد بلکه فانی است و هر کاه سخنی یا صدمة
- ۲۴ بسب کلام براو وارد آید در ساعت لغزش مجنورد\* و آنکه در میان خارها

ریخته شد آستک کلامرا بشنود واندیشه ایجهان وغور دولت کلامرا خنه کد  
 ۲۳ وبی ثرکردد\* وآنک در زین نیکو کاشه شد آستک کلامرا شنید آنرا میفهمد  
 ۲۴ وبارا اورشده بعضی صد وبعضی ثصت وبعضی سی ثر میاورد\* و مثلی دیگر  
 بجهة ایشان آورده کفت ملکوت آسان مردیرا ماند که غنم نیکو در زین خود  
 ۲۵ کاشت\* وچون مردم در خواب بودند دشمنش آمد درمیان کدم کرکاس  
 ۲۶ ریخته برفت\* وقتیکه کدم روپید و خوشه برآورد کرکاس نیز ظاهر شد\*  
 ۲۷ پس نوکران صاحب خانه آمد بوى عرض کردند اى آقا مکر غنم نیکو در زین  
 ۲۸ خویش نکاشته پس از بجا کرکاس بهم رسانید\* ایشانرا فرمود این کار دشمن است  
 ۲۹ عرض کردند آبا میخواهی بروم آنها را جمع کیم\* فرمودنی مبادا وقت جمع کردن  
 ۳۰ کرکاس کلمرا با آنها برکنید\* بکذارید که هر دو تا وقت حصاد باهم نتوکند  
 ودر موس حصاد دروکرانزا خواه کفت که اول کرکاسهارا جمع کرده آنها را برای  
 ۳۱ سوختن باقهها به بندید اما کدمرا در انبار من ذخیره کنید\* بار دیگر مثلی برای  
 ایشان زده کفت ملکوت آسان مثل دانه خردلی است که شخصی کرفته در مزرعه  
 ۳۲ خویش کاشت\* وهر چند از سایر دانه ها کوچکتر است ولی چون نمود کند  
 بزرگترین بقول است و درختی میشود چنانکه مرغان هوا آمد در شاخه هایش  
 ۳۳ آشیانه میکرند\* و مثلی دیگر برای ایشان کفت که ملکوت آسان خمیر مایه را  
 ۳۴ ماند که زنی آنرا کرفته در سه کل خمیر پنهان کرد تا نام غفر کشت\* هه این معابرها  
 ۳۵ عیسی با آنکروه بثلا کفت و بدون مثل بدیشان همچ نکفت\* تا نام کردد  
 کلامیکه بزیان نیز کفته شد دهان خودرا بثلا باز میکم و بچیزهای مخفی شده  
 ۳۶ از بنای عالم نطفخ خواه کرد\* آنکاه عیسی آنکروه را مخصوص کرده داخل  
 خانه کشت و شاکرداش نزد وی آمد کفتند مثل کرکاس مزرعه را بجهة ما شرح  
 ۳۷ فرما\* در جواب ایشان کفت آنکه بذر نیکو میکارد پسر انسانست\* و مزرعه  
 ۳۸ ایجهان است و غنم نیکو اینای ملکوت و کرکاسها پسران شریرنده\* و دشمنی که آنها را  
 ۳۹ کاشت ابلیس است و موس حصاد عاقبت اینعام و دروندکان فرشتکانند\* پس  
 همچنان که کرکاسهارا جمع کرده در آتش میسورانند هانطور در عاقبت اینعام  
 ۴۰ خواهد شد\* که پسر انسان ملاٹکه خودرا فرنستاده هه لغزش دهندهان و بدکارانزا

- ۴۳ جمع خواهند کرد\* وایشانرا به تنور آش خواهند انداخت جائیکه کریه و فشار  
 ۴۴ دندان بود\* آنکاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب درخشنان خواهند  
 ۴۵ شد هر که کوش شنوا دارد بشنود\* مملکوت آسمان کنجی را ماند معنی شد\* در  
 زمین که شخصی آنرا یافته پنهان نمود واز خوشی آن رفته آنچه داشت فروخت و آن  
 ۴۶ زمینرا خرید\* باز مملکوت آسمان تا جربرا ماند که جویای مرواریدهای خوب  
 ۴۷ باشد\* و چون یک مروارید کرانبها یافت رفت وماهیل خودرا فروخته آنرا  
 ۴۸ خرید\* اپسًا مملکوت آسمان مثل دامیست که بدريا افکنه شود واز هرجنسی  
 ۴۹ باز در آید\* و چون پرشود بکارهای کشند و نشسته خوبهارا در ظروف جمع  
 ۵۰ کند و بدھارا دور اندازند\* بدینطور در آخر اینعام خواهد شده فرشتگان  
 ۵۱ بیرون آمد طالعین را از میان صاحبین جدا کرده\* ایشانرا در تنور آش خواهند  
 ۵۲ انداخت جائیکه کریه و فشار دندان نمیباشد\* عیسی ایشانرا کفت آبای همه این  
 ۵۳ امور را فهمید اید کفتندش بلى خداوندا\* پایشان کفت بابراین هر کانی که  
 در مملکوت آسمان تعلم یافته است مثل صاحب خانه ایست که از خزانه خوبیش  
 ۵۴ چیزهای نو و کهنه بیرون میاورد\* و چون عیسی این مثلاهارا به امام رسانید  
 ۵۵ از آن موضع روانه شد\* و چون بوطن خویش آمد ایشانرا در کبسته ایشان تعلم  
 ۵۶ داد بقیمه که منجب شد کنند از کجا این شخص چین حکمت و مجرمات را بهم رسانید\*  
 ۵۷ آبای این پسر نجات نمیباشد و آبای مادرش مردم نای نیست و برادرانش بعقوب و يوسف  
 ۵۸ و شمعون و یهودا\* و همه خواهانش نزد ما نمیباشند پس اینهم را از کجا بهم رسانید\*  
 ۵۹ و در برآر او لغزش خوردند لیکن عیسی بدیشان کفت نبی یعمرت نباشد مکر  
 ۶۰ در وطن خانه خویش\* و بسبب بی ایمان ایشان مجعن\* بسیار در آنچا ظاهر نساخت\*

### باب چهاردهم

- ۱ در آن هنکام هیرودیس تیترانخ چون شهرت عیسی را شنید\* بخادمان خود  
 ۲ کفت این است بمحیی تعیید دهنده که از مردکان برخاسته است و این جهه مجرمات  
 ۳ ازا او صادر میکردد\* زیرا که هیرودیس بمحیی را بخطاطر هیرودیا زن برادر خود  
 ۴ فیلیوس کرفته در بند نهاده و در زندان انداخته بود\* چونکه بمحیی بدو هیکفت

- ۵ نکاه داشتن وی برتو حلال نیست \* و وقتیکه قصد قتل او کرد از مردم نرسید  
 ۶ زیرا که اورا نبی میدانستند \* اما چون بزم میلاد هیرودیس را میاراستند دختر  
 ۷ هیرودیا در مجلس رقص کرده هیرودیس را شاد نمود \* ازاین رو قسم خورده و عن  
 ۸ داد که آنچه خواهد بدو بدهد \* واو از ترغیب مادر خود کفت که سر مجھی  
 ۹ تعبد دهندر را آلان در طبقی بن عنایت فرما \* آنکاه پادشاه برخیجید لیکن مجھه  
 ۱۰ پاس قسم و خاطر هشتبان خود فرمود که بدهند \* و فرستاده سر مجھی را در زندان  
 ۱۱ ازین جدا کرد \* و سر اورا در طشتی کذارده بدخلتر نسلم نودند واو آنرا نزد  
 ۱۲ مادر خود برد \* پس شاکرداش آمد جسد اورا برداشته بخاک سپرده و رفته  
 ۱۳ عیسی را اطلاع دادند \* و چون عیسی اینرا شنید بکشتنی سوار شد از آنجا  
 بپیرانه بخلوت رفت و چون مردم شنیدند از شهرها براه خشکی از عقاب وی  
 ۱۴ روانه شدند \* پس عیسی بیرون آمد کروی بسیار دین براپسان رحم فرمود و بهاران  
 ۱۵ ایشانرا شفا داد \* و در وقت عصر شاکرداش نزد وی آمد کفتند این موضع  
 و پیرانه است وقت آلان کذشته پس اینکروهرا مرخص فرما نا بدھات رفته مجھه  
 ۱۶ خود غذا بخزند \* عیسی ایشانرا کفت احیاج برفن ندارند شما ایشانرا غذا  
 ۱۷ دهید \* بدو کفتند دراینجا جز بخ نان و دو ماهی ندارم \* کفت آنها را اینجا بند  
 ۱۸ من یا اورید \* و بدان جماعت فرمود تا برسینه نشستند و بخ نان و دو ماهی را کفره  
 بسوی آسان نکریسته برکت داد و نانرا پاره کرده بشاکرداش سپرده و شاکرداش بدان  
 ۱۹ جماعت \* و هه خوردہ سیر شدند و از پاره های باقی ماند دوازده سبد پر کرده  
 ۲۰ برداشتند \* و خورندگان سوای زنان و اطفال فریب به بخ هزار مرد بودند \*  
 ۲۱ پیدرنک عیسی شاکرداش خود را اصرار نمود تا بکشتنی سوار شد پیش از وی بکاره  
 ۲۲ دیگر روانه شوند تا آنکروهرا رخصت دهد \* و چون مردم را روانه نمود بخلوت  
 ۲۳ برای عبادت بر فراز کوهی برآمد وقت شام در آنجا تنها بود \* اما کشتنی در آنوقت  
 ۲۴ در میان دریا بسبب باد مخالف که میوزید به امواج کرفتار بود \* و در پاس چهارم  
 ۲۵ از شب عیسی بردریا خرامید بسوی ایشان روانه کردید \* اما چون شاکرداش اورا  
 بردریا خرامان دیدند مضطرب شد گفتند که خیالی است و از خوف فریاد  
 ۲۶ برآوردن \* اما عیسی ایشان را بی تأمل خطاب کرده کفت خاطر جمع دارید من

۲۸ ترسان مباشد\* پطرس در جواب او کفت خداوندا اکر نوئی مرا بفرما نا بر روی  
 ۲۹ آب نزد تو ام\* کفت یاه در ساعت پطرس از کشته فرود شد بر روی آب روانه  
 ۳۰ شد تا نزد عیسی آید\* لیکن چون بادرآ شدید دید ترسان کشت و مشرف بغرق  
 ۳۱ شد فریاد برآورده کفت خداوندا مرا دریاب\* عیسی یدرنک دست آورده اورا  
 ۳۲ بکرفت و کفت ای کم ایمان چرا شک آوردی\* و چون بکشی سوار شدند باد  
 ۳۳ ساکن کردید\* پس اهل کشته آمن او را برستش کرده کفتند فی الحفیة نو پسر  
 ۳۴ خدا هست\* آنکه عبور کرده بزمین جنیسرا آمدند\* واهل آنوضع او را  
 ۳۵ شناخته بهمکی آن نواحی فرستاده هه پهارانرا نزد او آوردند\* وازا او اجازت  
 ۳۶ خواستند که محض دامن را بشیرا لمس کنند و هر که لمس کرد صحت کامل یافت\*

## باب پانزدهم

۱ آنکه کانبان و فریسان اوز شلم نزد عیسی آمن کفتند\* چونستکه شاکردان تو  
 ۲ از تقليد مشائخ نجاوز مینایند زیرا هر کاه نان میغورند دست خود را نمیشویند\* او  
 ۳ در جواب ایشان کفت شما نیز بتقلید خویش از حکم خدا چرا نجاوز میکنید\* زیرا  
 ۴ خدا حکم داده است که مادر و پدر خود را حرمت دار و هر که پدر با مادر را  
 ۵ دشام دهد البته هلاک کردد\* لیکن شما میکوئید هر که پدر با مادر خود را کوبد  
 ۶ آنچه از من بنو نفع رسد هدبه ایست\* و پدر با مادر خود را بعد از آن احترام  
 ۷ نمایند\* پس بتقلید خود حکم خدارا باطل نموده اید\* ای ریاکاران اشعباء درباره  
 ۸ شما نیکو نبوت نموده است که کفت\* این قوم بزیانهای خود چن تقریب میجویند  
 ۹ و بلهای خویش مرا نهید مینایند لیکن دلشان از من دور است\* پس عبادت  
 ۱۰ مرا عبیث میکنند زیرا که احکام مردم را بنتزله فرایض تعلم میدهند\* و آنچه اعتراف  
 ۱۱ خواند بدیشان کفت کوش داده بنمید\* نه آنچه بدھان فرو میرود انسان را نجس  
 ۱۲ میسازد بلکه آنچه از دھان بیرون میاید انسان را نجس میکرداشد\* آنکه شاکردان  
 ۱۳ وی آمن کفتند آیا میدانی که فریسان چون اینچن را شنیدند مگروهش داشتند\*  
 ۱۴ او در جواب کفت هر نهالی که پدر اسماه من نکاشته باشد کنه شود\* ایشان را  
 و آکذارید کوران راه نمایان کورانند و هر کاه کور کور را راهنا شود هردو در چاه

- ۱۶ افتند \* بطرس در جواب او کفت این مثلا برای ما شرح فرما \* عیسی کفت  
 ۱۷ آیا شما نیز تا بحال بی ادراک هستید \* با هنوز نیافته اید که آنچه از دهان فرو می رود  
 ۱۸ داخل شکم می کردد و در میز افکن می شود \* لیکن آنچه از دهان براید از دل  
 ۱۹ صادر می کردد و این چیزها است که انسان را نجس می سازد \* زیرا که از دل برمی آید  
 ۲۰ خیالات بد و قتلها و زناها و فسقها و دزدیها و شهادات دروغ و کفرها \* اینها است  
 که انسان را نجس می سازد لیکن خوردن بدستهای ناشسته انسان را نجس نمی کرداشد \*
- ۲۱ پس عیسی از آنچا بپرون شد بدبار صور و صبدون رفت \* ناکاه زن کعنایه  
 از آنخدود بپرون آمد فرباد کان ویرا کفت خداوندا پسر داؤدا بمن رحم کن  
 ۲۲ زیرا دختر من سخت دیوانه است \* لیکن همچو جوابش نداد تا شاگردان او پیش  
 ۲۳ آمد خواهش نمودند که اورا مرخص فرمای فرمای زیرا در عنبر ما شورش می کند \* او  
 در جواب کفت فرستاده نشدم مگر بجهة کوسفندان کم شد خاندان اسرائیل \*
- ۲۴ پس اذن آمد اورا پرسش کرده کفت خداوندا مرا باری کن \* در جواب کفت  
 ۲۵ که نان فرزندان را کرفتن و نزد سکان اند اخن جایز نیست \* عرض کرد بلى  
 ۲۶ خداوندا زیرا سکان نیز از پاره های افاده سنه آفایان خوبیش می خورند \* آنکاه  
 عیسی در جواب او کفت ای زن ایمان تو عظم است ترا بر حسب خواهش تو  
 ۲۷ بشود که در همان ساعت دخترش شفا یافت \* عیسی از آنچا حرکت کرده  
 ۲۸ بکاره دریای جلیل آمد و بر فراز کوه برآمد آنچا بنشست \* و کروهی بسیار لنگان  
 و کوران و کهکشان و شلان و جمعی از دیگران را با خود برداشته نزد او آمدند  
 ۲۹ واشانرا برایهای عیسی افکندند واشانرا شفا داد \* بقسمیکه آنچه اعut چون  
 کنکان اکویا و شلانرا تدرست ولنگان را خرامان و کوران را پسند دیدند منعصب شد  
 ۳۰ خدای اسرائیل را تمجید کردند \* عیسی شاگردان خود را پیش طلبی کفت مرا  
 برای یهودیت دل سوخت زیرا که احوال سه روز است که با من می باشند و همچو چیز  
 برای خوارک ندارند و نیخواهم ایشان را کرسن برق کدام مبادا در راه ضعف کند \*  
 ۳۱ شاگردانش باو کفتند از آنچا دریابان مارا آنقدر نان باشد که چنین انبوه را سیر کند \*  
 ۳۲ عیسی ایشان را کفت چند نان دارید کفتند هفت نان وقدری از ماهیان کوچک \*  
 ۳۳ سر در را فرمود تا بر زمین نشینند \* و آن هفت نان و ماهیان را کرفته شکر نمود

۲۷ و پاره کرده بشاکردان خود داد و شاکردان با نجاعت \* و هه خورده سیر شدند  
 ۲۸ و از خورده های باقی مانن هفت زنیل بر برداشتند \* و خورنده کان سوای زنان  
 ۲۹ و اطفال چهار هزار مرد بودند \* پس آنکروها رخصت داد و بکشی سوار شد  
 بحدود مجید آمد \*

## باب شانزدهم

- ۱ آنکاه فرسیان و صدو قیان نزد او آمد از روی امتحان ازوی خواستند که آبی
- ۲ آسمانی برای ایشان ظاهر سازد \* ایشانرا جواب داد که در وقت عصر میکوئید
- ۳ هوا خوش خواهد بود زیرا آسمان سرخ است \* و صحکاهان میکوئید امروز هوا بد خواهد شد زیرا که آسمان سرخ و کرفه است ، ای ریاکاران میدانید صورت آسمانرا
- ۴ تمیز دهد اما علامات زمانهارا نمیتوانید \* فرقه شریر زناکار آبی میطلبند و آبی بدیشان عطا نموده شد جز آیت یونس نتی \* پس ایشانرا رها کرده روانه شد \*
- ۵ و شاکرداش چون بدان طرف میرفند فراموش کردند که نان بردارند \*
- ۶ عیسی ایشانرا کفت آکاه باشد که از خمیر ماية فرسیان و صدو قیان احیاط کید \*
- ۷ پس ایشان در خود تنگر نموده کفتند از آنست که نان برنداشته ام \* عیسی اینرا درک نموده بدیشان کفت ای سست ایمان چرا در خود تنگر میکید از آنجهنه که نان نیاورده اید \* آیا هنوز نهیمه و باد نیاورده اید آن بخ نان و بخ هزار نفر
- ۸ و چند سبدیرا که برداشتید \* و نه آن هفت نان و چهار هزار نفر و چند زنیل را که برداشتید \* پس چرا نهیمه دید که در باره نان شمارا نکنم که از خمیر ماية فرسیان
- ۹ و صدو قیان احیاط کید \* آنکاه در یافند که نه از خمیر ماية نان بلکه از تعلم فرسیان و صدو قیان حکم به احیاط فرموده است \* وهنکا میکه عیسی بنویخت
- ۱۰ قیصریه فیلیپس آمد از شاکردان خود پرسید کفت مردم مرآ که پسر اسامن جه
- ۱۱ شخص میکوئند \* کفتند بعضی بمحی تعیید دهن و بعضی ۱۱ اس و بعضی از میاء یا
- ۱۲ یکی از میاء \* ایشانرا کفت شما مرآ که میدانید \* شمعون پطرس در جواب کفت که توفی مسیح پسر خدای زنث \* عیسی در جواب وی کفت خوشان بحال توفی آی شمعون بن یونا زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده بلکه پدر من که در آسانست \*
- ۱۳ و من نیز نرا میکویم که توفی بطرس و برین صحن کلیسا ای خود را بنا

۱۹ میکم وابواب جهنم برآن استیلا خواهد یافت \* وکلدهای ملکوت آسمانرا بتو  
میسازم و آنچه بزمین بیندی درآسان بسته کردد و آنچه درزمین کشانی درآسان  
۲۰ کشاده شود \* آنکاه شاکردان خود را قدغن فرمود که بهیچکس نکویند که او مسیح  
۲۱ است \* واز آنزمان عیسی بشاکردان خود خبر دادن آغاز کرد که رفتن او باورشیم  
وزحمت بسیار کشیدن از مشایع و روشای گنهه و کانبان و کشته شدن و در روز سیم  
۲۲ برخاستن ضرور است \* و پطرس اورا کرفته شروع کرد بمن غودن و گفت حاشا  
۲۳ از نو ای خداوند که این برتو هر کر واقع خواهد شد \* اما او برگشته پطرس را  
کفت دور شوازن ای شیطان زیرا که باعث لغزش من میباشی زیرا نه امور الهی را  
۲۴ بلکه امور انسانی را تفکر میکنی \* آنکاه عیسی بشاکردان خود کفت اکر کی  
خواهد متبعت من کند باید خود را انکار کردد و صلیب خود را برداشته از عنف  
۲۵ من آبد \* زیرا هر کس بخواهد جان خود را برهاند آنرا هلاک سازد اما هر که جان  
۲۶ خود را بخاطر من هلاک کند آنرا دریابد \* زیرا شخص را چه سود دارد که نام  
دنیارا ببرد و جان خود را بیازد با اینکه آدمی چه چیزرا فدای جان خود خواهد  
۲۷ ساخت \* زیرا که پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملانکه  
۲۸ خود و در آنوقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد \* هر آینه بشما میکویم  
که بعضی در اینجا حاضرند که نا پسر انسان را نه یئند که در ملکوت خود میابد  
ذائقه موترا خواهد چشید \*

### باب هفتم

۱ و بعد از شش روز عیسی بطرس و یعقوب و برادرش یوحنا را برداشته ایشان را  
۲ در خلوت بکوهی بلند برد \* و در نظر ایشان هشت او مندل کشت و چهره اش  
۳ چون خورشید درخشند و جامه اش چون نور سفید کردید \* که ناکاه موسی  
۴ والباس برایشان ظاهر شد با او گفتکو میکردند \* اما بطرس بعضی متوجه شد  
کفت که خداوندا بودن ما در اینجا نیکو است آکر بخواهی سه سایبان در اینجا بسازم  
۵ یکی برای تو و یکی بجهة موسی و دیگری برای الباس \* و هنوز سخن برزیاش بود  
که ناکاه ابری درخشند برایشان سایه افکد و اینک آوازی از ابر در رسید که اینست  
۶ پسر حیب من که ازوی خوشنودم اورا بشنوید \* و چون شاکردان این را شنیدند

- ۷ بروی درافتاده بی‌نهایت ترسان شدند\* عیسی نزدیک آمد ایشانرا لمس نمود  
 ۸ وکفت برخیزید و ترسان مباشد\* و چنان خودرا کشوده هیچکس را جز عیسی تنها  
 ۹ ندیدند\* و چون ایشان از کوه بزر می‌آمدند عیسی ایشانرا قدغن فرمود که نا پسر  
 ۱۰ انسان از مردکان برخیزد زنگار این رویارا بکسی باز نمکوئید\* شاکرداش ازاو  
 ۱۱ پرسید کفتند پس کاتنیان چرا می‌کویند که می‌باید الیاس اول آید\* او در جواب  
 ۱۲ کفت البته الیاس می‌آید و تمام چیزهارا اصلاح خواهد نمود\* لیکن بشما می‌کوم که  
 احوال الیاس آمد است واورا نشناختند بلکه آنچه خواستند با وی کردند بهمانطور  
 ۱۳ پسر انسان نیاز ایشان زحمت خواهد دید\* آنکاه شاکرداش در یافتند که در باره  
 ۱۴ بچی تعیید دهن بدبیشان سخن می‌کفت\* و چون بنزد جماعت رسیدند شخصی پیش  
 ۱۵ آمد نزد وی زانو زده عرض کرد\* خداوندا بر پسر من رحم کن زیرا مصروع  
 ۱۶ و بشدت متالم است چنانکه بارها در آتش و مکرراً در آب می‌افتد\* واورا نزد  
 ۱۷ شاکرداش تو آوردم توانستند اورا شفا دهند\* عیسی در جواب کفت ای فرقه  
 بی ایمان کج رفشار نا بکی با شما باش و تا چند مخلل شما کردم اورا نزد من آورید\*  
 ۱۸ پس عیسی اورا نهیب داده دیو ازوی بیرون شد و در ساعت آن پرس شفا یافت\*  
 ۱۹ اما شاکرداش نزد عیسی آمد در خلوت ازاو پرسیدند چرا ما توانستم اورا بیرون  
 ۲۰ کنم\* عیسی ایشانرا کفت بسبیب بی ایمان شما زیرا هر آینه بشما می‌کوم اکر ایمان  
 بقدر دانه خردلی میداشتند بدین کوه می‌کفید از ایجا بدآنجا منتقل شو البته منتقل  
 ۲۱ میشند و هیچ امری بر شما محل نمی‌بود\* لیکن این جنس جز بدعا و روزه بیرون  
 ۲۲ نمی‌رود\* و چون ایشان در جلیل می‌کشند عیسی بدبیشان کفت پسر انسان  
 ۲۳ بdest مردم تسلیم کرده خواهد شد\* واورا خواهند کشت و در روز سیم خواهد  
 ۲۴ برخاست پس بسیار محزون شدند\* و چون ایشان وارد کفرناحوم شدند  
 ۲۵ محصلان دو درهم نزد بطرس آمد کفتند آیا استاد شما دو درهم را نمیدهد\* کفت  
 بلی و چون بخانه در آمد عیسی براو سبقت نموده کفت ای شمعون چه کان داری  
 پادشاهان جهان از چه کسان عشرونجزه می‌کرند از فرزندان خویش یا از یکانکان\*  
 ۲۷ بطرس بوی کفت از یکانکان عیسی بدوكفت پس یقیناً پسران آزادند\* لیکن  
 می‌داد که ایشانرا بر جانهم بکاره دریا رفته فلاجی بینداز و اول ماهی که بیرون می‌آید

کرفته و دهانش را باز کرده مبلغ چهار درهم خواهی یافت آنرا برداشته برای من  
و خود بدیشان بک \*

### باب هجدهم

- ۱ درهانساعت شاکردان نزد عبسی آمد کفتند چه کس درملکوت آسمان بزرگتر
- ۲ است \* آنکاه عبسی طفلی طلب نموده درمیان ایشان بربا داشت \* و گفت هرآینه
- ۳ بشما میکوم نا بازکشت نکید و مثل طفل کوچک نشوید هرگز داخل ملکوت آسمان
- ۴ نخواهید شد \* پس هر که مثل این بچه کوچک خود را فروتن سازد همان درملکوت
- ۵ آسمان بزرگتر است \* و کسیکه چیزی طفلی را باس من قبول کند مرا پذیرفته است \*
- ۶ و هر که بکی از این صغار را که پن ایمان دارند لغزش دهد او را بهتر مبینود که سنک
- ۷ آسیائی برکردنش آویخته در قریر دریا غرق میشند \* وای برای یگهان بسبب لغزشها
- ۸ زیرا که لابد است از وقوع لغزشها لیکن وای برکسیکه سبب لغزش باشد \* پس
- ۹ اگر دستت یا پایت ترا بلغزاند آنرا فلخ کرده از خود دور انداز زیرا بهتر است
- ۱۰ که لیک با شل داخل حیات شوی از آنکه با دو دست یا دو یا درنار جاودانی
- ۱۱ افکنه شوی \* و آگر چشمت ترا لغزش دهد آنرا فلخ کرده از خود دور انداز زیرا
- ۱۲ نرا بهتر است یا یک چشم وارد حیات شوی از اینکه با دو چشم درآش جهنم افکنه
- ۱۳ شوی \* زنگار یکی از این صغار را حبیر مثا برید زیرا شمارا میکوم که ملاتکه ایشان
- ۱۴ دامما درآسمان روی پدر مرا که درآیانست می بینند \* زیرا که پسر انسان آمد است
- ۱۵ تاکم شده را نجات بخشد \* شما چه کسان میبرید آگر کسی را صد کوسفت باشد و یکی
- ۱۶ از آنها کم شود آیا آن نود و نه را بکو همار نیکنار و بسیخوی آن کم شد نمیرود \*
- ۱۷ و آگر اتفاقاً آنرا دریابد هرآینه بشما میکوم برآن یکی پیشتر شادی میکند از آن نود
- ۱۸ و نه که کم نشد اند \* همچین اراده پدر شما که درآیانست این نیست که یکی از این
- ۱۹ کوچکان هلاک کردد \* و آگر برادرت بتوكاه کرده باشد برو و اورا میان
- ۲۰ خود واو درخلوت الزام کن هر کاه سخن ترا کوش کرفت برادر خود را دریافقی \*
- ۲۱ و آگر نشود بلک با دو نفر دیگر با خود بردار تا از زیان دو یا سه شاهد هر سخنی
- ۲۲ ثابت شود \* و آگر سخن ایشان را رد کند بکلیسا بکو و آگر کلیسا را قبول نکند در نزد
- ۲۳ تو مثل خارجی یا با جکبر باشد \* هرآینه بشما میکوم آنچه بزمین بندید درآیان

- ۱۹ بسته شده باشد و آنچه برزین کشاید در آسمان کشوده شده باشد \* باز بشما میکوم  
هر کاه دو نفر از شما در زمین در باره هرچه که بخواهند متفق شوند هر آینه از جانب  
۲۰ پدر من که در آسمانست برای ایشان کرده خواهد شد \* زیرا جایکه دو با سه نفر  
۲۱ باس من جمع شوند آنچه در میان ایشان حاضر \* آنکه بطرس نزد او آمد  
کفت خداوندا چند مرتبه برادرم بن خطا ورزد میباید اورا آمرزید آیا تا هفت  
۲۲ مرتبه \* عیسی بد و کفت ترا نمیکوم تا هفت مرتبه بلکه تا هفتاد هفت مرتبه \*  
۲۳ از آنچه ملکوت آسمان پادشاهی را ماند که با غلامان خود اراده محاسبه داشت \*  
۲۴ و چون شروع محاسب نمود شخصی را نزد او آوردند که ده هزار قطار باو به کار  
۲۵ بود \* و چون چیزی نداشت که ادا نماید آفایش امر کرد که اورا با زن و فرزندان  
۲۶ و نام مایلک او فروخته طلب را وصول کند \* پس آن غلام رو بزمین نهاده اورا  
۲۷ برستش نمود و کفت ای آقا مرا مهلت ده تا هم را بتوادا کم \* آنکه آقای آن  
۲۸ غلام بروی ترجم نموده اورا رها کرد و قرض اورا بخشید \* لیکن چون آن غلام  
۲۹ بیرون رفت بکی از هقطاران خود را یافت که ازا و ص دینار طلب داشت اورا  
۳۰ بکرفت و کلویشا فشرده کفت طلب مرا ادا کن \* پس ان هقطار بربایهای او افاده  
۳۱ القاس نموده کفت مرا مهلت ده تا هم را ببورد کم \* اما او قبول نکرد بلکه رفته  
۳۲ اورا در زندان انداخت تا قرض را ادا کند \* چون هقطاران وی این وقایع را  
۳۳ دیدند بسیار غمگین شد رفتند و آنچه شد بود باقای خود باز کفتند \* آنکه مولاش  
۳۴ اورا طلبیک کفت ای غلام شربر آیا نام آن قرض را محض خواهش تو بتو بخشیدم \*  
۳۵ پس آیا ترا نیز لازم نبود که برهقطار خود رحم کنی چنانکه من برتورم کدم \* پس  
آسمانی من نیز با شما عمل خواهد نمود آکر هر یکی از شما برادر خود را از دل بخشد \*

## باب نوزدهم

۱ و چون عیسی این سخنرا به اتمام رسانید از جلیل روانه شد بحدود بهوده از انتزاع  
۲ از دز آمد \* و کربوهی بسیار از عقب او آمدند و ایشان را در آنجا شفا بخشید \* پس  
۳ فرسیان امدادن تا اورا امتحان کند و کفتند آیا جایز است مرد زن خود را برق علی

- ۴ طلاق دهد\* او در جواب ایشان گفت مکر خوانه اید که خالق در ابتداء ایشان را  
 ۵ مرد وزن آفرید\* و گفت از اینجهه مرد پدر و مادر خود را رها کرد بزن خوش  
 ۶ بیرونند و هر دو بک تن خواهند شد\* بنابرین بعد از آن دو نیستند بلکه بک تن  
 ۷ هستند پس آنچه را خدا پیوست انسان جدا نسازد\* بوی گفتند پس از هر چه  
 ۸ موسی امر فرمود که زن را طلاق فارم دهد و جدا کنند\* ایشان را گفت موسی بسب  
 سنگلی شی شمارا اجازت داد که زنان خود را طلاق دهد لیکن از ابتداء چنین  
 ۹ نبود\* و بینا میکویم هر که زن خود را بغیر علت زنا طلاق دهد و دیگر برآ نکاح کند  
 ۱۰ زانی است و هر که زن مطلقاً را نکاح کند زنا کند\* شاکر داشن بدو گفتند آنکه  
 ۱۱ حکم شوهر با زن چنین باشد نکاح نکردن بهتر است\* ایشان را گفت تمامی خلق  
 ۱۲ اینکلام را نی پذیرند مگر بکسانیک عطا شده است\* زیرا که خصی ها میباشند که  
 از شکم مادر چنین متولد شدند و خصی ها هستند که از مردم خصی شدند و خصی ها  
 میباشند که بجهة ملکوت خدا خود را خصی نموده اند. آنکه توانائی قبول دارد  
 ۱۳ بپذیرد\* آنکه چند بجهة کوچک را نزد او آورده نداستهای خود را برایشان  
 ۱۴ نهاده دعا کند اما شاکر دان ایشان را نهیب دادند\* عیسی گفت بجهه های کوچک را  
 بکذارید و از آمدن نزد من ایشان را منع ممکنید زیرا ملکوت آسمان از مثل اینها  
 ۱۵ است\* و دستهای خود را برایشان کناره از آنجا روانه شد\* ناکاه شخصی  
 ۱۶ آمده و برآ گفت ای استاد نیکو چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یام\* و برا  
 ۱۷ گفت از چه سبب مرا بکو کتفی و حال آنکه کمی نیکو نیست جز خدا فقط لیکن  
 ۱۸ آنکه بخواهی داخل حیات شوی احکام را نکاه دار\* بدو گفت کدام احکام.  
 ۱۹ عیسی گفت قتل مکن\* زنا مکن\* دردی مکن\* شهادت دروغ مکن\* و پدر و مادر  
 ۲۰ خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دار\* جوان و عرا  
 ۲۱ گفت همه اینها از طفولیت نکاه داشته ام دیگر مرا چه ناقص است\* عیسی بدو  
 ۲۲ گفت آنکه بخواهی کامل شوی رفقه ما پلک خود را بفروش و بفقراء بده که در آسمان  
 ۲۳ کجی خواهی داشت و آنکه مرا متابعت نمایم\* چون جوان این شخص را شنید دل تک  
 ۲۴ شد برفت زیرا که مال بسیار داشت\* عیسی بشاکر دان خود گفت هر آینه بشما  
 میکویم که شخص دولتند همکوت آسمان بشواری داخل میشود\* و باز شمارا

میکوم که کذشن شتر از سوراخ سوزن آساتر است از دخول شخص دولتند  
 ۲۵ در ملکوت خدا \* شاکردان چون شنیدند بغاایت مخبر کشته کشند پس که مینواند  
 ۲۶ نجات باید \* عیسی متوجه ایشان شد کفت ترد انسان این محالست لیکن نزد  
 ۲۷ خدا هه چیز ممکن است \* آنکه بطرس در جواب کفت اینک ما هه چیز هارا  
 ۲۸ نزک کرده ترا منابع میکنم پس مارا چه خواهد بود \* عیسی ایشان را کشت  
 هر آینه بشما میکوم شما که مرا منابع نموده ابد در معاد وقتیکه پسر انسان مرگرسی  
 جلال خود نشینند شما نیز بدوازده کرسی نشسته بردوازده سط اسرائیل داوری  
 ۲۹ خواهید نمود \* و هر که بحاطر اس من خانه ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر  
 با زن با فرزندان یا زمینهارا نزک کرد صد چندان خواهد بافت و وارث حیات  
 ۳۰ جاودان خواهد کشت \* لیکن با او لین که آخرین میکردند و آخرین او لین \*

## باب پیشم

- ۱ زیرا ملکوت آسمان صاحب خانه را ماند که بامدادان پیرون رفت تا عمله
- ۲ مججه ناکستان خود هزد بکرید \* پس با عمله روزی یک دینار قرار داده ایشان را
- ۳ بناکستان خود فرستاد \* و فریب ساعت سیم پیرون رفته بعضی دیگر را در بازار
- ۴ پیکار ایستاده دید \* ایشان را نیز کفت شما هم بناکستان بروید و آنچه حق شما است
- ۵ بشما میدم پس رفند \* باز فریب ساعت ششم و نهم رفته همچین کرد \* و فریب ساعت بازدم رفته چند نفر دیگر پیکار ایستاده بافت ایشان را کفت از هر چه نمای
- ۶ روز در اینجا ییکار ایستاده اید \* کفتندش همچکی مارا هزد نکرفت \* بدیشان
- ۷ کفت شما نیز بناکستان بروید و حق خوب شرآ خواهد بافت \* و چون وقت شام رسید صاحب ناکستان بناظر خود کفت مزدوران را طلبیک از آخرین کرفته تا او لین
- ۸ مزد ایشان را ادا کن \* پس بازده ساعتیان آمه هر نفری دیناری باقند \* واو لین آمه کان بردنده بیشتر خواهند بافت ولی ایشان نیز هر نفری دیناری باقند \*
- ۹ آنچون کرفند بصاحب خانه شکایت نموده \* کفتند که این آخرین یک ساعت کار کردند و ایشان را با ما که مغفل حقی و حرارت روز کردیم ام مساوی ساخته \*
- ۱۰ اود جواب پکی از ایشان کفت ای رفیق بر تو ظلی نکردم مکربدیناری با من فرد

- ۱۵ تدادی \* حق خود را کرفته بروه میخواهم بدین آخری مثل تو دهم \* آیا مرا جایز نیست که از مال خود آنچه خواهم بکنم مگر چشم تو بدانست از آنرو که من نیکو  
 ۱۶ هست \* بنا برین او لین آخرین و آخرین او لین خواهد شد زیرا خوانند شد کان  
 ۱۷ بسیارند و بر کربد کان کم \* و چون عیسی باور شلم میرفت دوازده شاکرد  
 ۱۸ خود را در اثنا هی راه مخلوت طلیبه بدبیشان کفت \* اینک بسوی اور شلم میروم  
 و پسر انسان برو سای کهنه و کاتبان نسلم کرده خواهد شد و حکم قتل اورا خواهد  
 ۱۹ داد \* واورا به امها خواهد سپرد نا اورا استهزا کنند و نازیانه زند و مصلوب  
 ۲۰ غایبند و در روز سیم خواهد برخاست \* آنکاه مادر دو پسر زیدی با پسران  
 ۲۱ خود نزد وی آمک و پرستش نموده ازاو چیزی درخواست کرد \* بد و کفت چه  
 خواهش داری \* کفت بفرما نا این دو پسر من در ملکوت تو یکی بر دست راست  
 ۲۲ و دیگری بر دست چپ تو بنشینند \* عیسی در جواب کفت نمیتواند چه میخواهد  
 آیا میتوانند ازان کاسه که من مینوشم بنوشید و تعیید برا که من میباشم یا باید بد و کفند  
 ۲۳ میتوانهم \* ایشان را کفت البتہ از کاسه من خواهید نوشید و تعیید برا که من میباشم  
 خواهید یافت لیکن نشستن بدست راست و چپ من ازان من نیست که بد هم مگر  
 ۲۴ بکسانیکه از جانب پدرم برای ایشان مهیا شده است \* آما چون آن ده شاکرد  
 ۲۵ شنیدند برآن دو برادر بدل رنجیدند \* عیسی ایشان را پیش طلیبه کفت آگاه هسند  
 ۲۶ که حکام امها برایشان سروری میکنند و رؤسا برایشان سلطنتند \* لیکن در میان  
 شما چنین خواهد بود بلکه هر که در میان شما میخواهد بزرگ کردد خادم شما باشد \*  
 ۲۷ و هر که میخواهد در میان شما مقدم بود غلام شما باشد \* چنانکه پسر انسان نیامد نا  
 مخدوم شود بلکه تا خدمت کد و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد \*  
 ۲۸ و هنکامیکه از آریحا یرون میرفند کروهی بسیار از عقب او میآمدند \* که نا کاه  
 دو مرد کور کار راه نشسته چون شنیدند که عیسی در کذر است فریاد کرده کفند  
 ۲۹ خداوندا پسر دادا برم ترجم کن \* و هر چند خلق ایشان را نهیب میدادند که  
 خاموش شوند پیشتر فریاد کان میکشند خداوندا پسر دادا برم ترجم فرما \*  
 ۳۰ پس عیسی ایستاده باواز بلند کفت چه میخواهد برای شما کنم \* بوی کفتند

۲۴ خداوند اینکه چشمان ما باز کردد\* پس عیسی ترجم نموده چشمان ایشانرا لمس نمود که در ساعت بینا کشته از عقب او روانه شدند\*

### باب پیست و پیکم

- ۱ و چون نزدیک باورشلم رسید وارد پست فاجعی نزد کوه زیتون شدند آنکه
- ۲ عیسی دو نفر از شاکردان خودرا فرستاده\* بدیشان کفت درین فریبه که پیش روی شما است بروید و در حال الاغی باکثره اش بسته خواهد بایفت آنها را باز کرده
- ۳ نزد من آورید\* و هر کاه کسی بلهای سخنی کوید بگوئید خداوند بدینها احتیاج دارد
- ۴ که فی النور آنها را خواهد فرستاد\* و این هه واقع شد تا سخنی که نبی کفته است
- ۵ نام شود\* که دختر صهیون را کوئید اینک پادشاه تو نزد تو می‌آید با فروتنی
- ۶ و سواره بر حمار و بر کرمه الاغ\* پس شاکردان رفته آنچه عیسی بدیشان امر فرمود
- ۷ بعل آوردنده\* والاغرا باکثره آورده رخت خودرا بر آنها انداخند واو بر آنها
- ۸ سوار شد\* و کروی بسیار رخنهای خودرا در راه کسترانیدند و جمعی از درخنان
- ۹ شاخه ها برین در راه می‌کشند\* و جمعی از پیش و پس او رفته فریاد کان می‌کشند هوشیانان پسر دادا مبارک باد کسیکه با اسم خداوند می‌آید هوشیانان در اعلى علیین\*
- ۱۰ و چون وارد اورشلم شد نام شهر باشوب آمد می‌کشند این کیست\* آنکه و
- ۱۱ کشند اینست عیسی نبی از ماصه جلیل\* پس عیسی داخل هیکل خدا کشته جمیع کسان را که در هیکل خرد و فروش می‌کردند بیرون نمود و خنهای صرافان
- ۱۲ و کرسهای کبوتر فروشان را واژگون ساخت\* و ایشان را کفت مکنوب است که
- ۱۳ خانه من خانه دعا نمیده می‌شود لیکن شما مغاره در داشش ساخته اید\* و کوران
- ۱۴ و شلان در هیکل نزد او آمدند و ایشان را شفا بخشید\* اما روسای کهنه و کانیان چون عجاییک ازاو صادر می‌کشت و کوکان را که در هیکل فریاد برآورده هوشیانان
- ۱۵ بسر دادا می‌کشند دیدند غضبناک کشته\* بوی کشند نیشنوی آنچه ایها می‌کویند عیسی بدیشان کفت ملک نخوانن ایک اینکه از دهان کودکان و شیر خوار کان
- ۱۶ حدم را مهیا ساختی\* پس ایشان را واکذارده از شهر بسوی بیت عنیا رفته در آنجا
- ۱۷ شبرا بسر برد\* بامدادان چون شهر مراجعت می‌کرد کرسته شد\* و در کاره
- ۱۸

- راه بک درخت انجر دید نزد آن آمد و جز برک برآن هیچ نیافت پس آنرا کفت  
 ۳. ازابن به بعد میوه تا باید برنو نشود که در ساعت درخت انجر خشکید \* چون  
 شاکرداش اینرا دیدند منعچی شد که سیار زود درخت انجر خشک شد  
 ۴. است \* عیسی در جواب ایشان کفت هر آینه بشما میکویم آگر ایمان میداشتید و شک  
 نمیخودید نه همین را که بدرخت انجر شد میکردید بلکه هر کاه بدین کوه میکنید  
 ۵. متغیر شد بدریا افکن شو چین میشد \* و هر آنچه با ایمان بدعای طلب کید خواهد  
 ۶. یافت \* و چون بهیکل در آنم تعلم میداد رؤسای کهنه و مشابه فوم نزد او  
 آمن کفتند بجه قدرت این اعمال را مینهانی و گست که این قدرت را بتواده است \*  
 ۷. عیسی در جواب ایشان کفت من نیاز شما سخنی میبریم آگر آنرا چن کوئید من هم  
 ۸. بشما کویم که این اعمال را بجه قدرت مینهانم \* تعید بجهی از کجا بود از ایمان یا  
 از انسان \* ایشان با خود تفکر کرده کفتند که اگر کوئیم از ایمان بود هر آینه کوید  
 ۹. پس چرا بموی ایمان نیاورد بدید \* و آگر کوئیم از انسان بود از مردم میترسم زیرا همه  
 ۱۰. بجهی را نبی میدانند \* پس در جواب عیسی کفتند نمیدانیم بدیشان کفت من هم شمارا  
 ۱۱. نمیکویم که بجه قدرت این کارهارا میکنم \* لیکن چه کسان دارید شخصی را دو پسر  
 بود مزد نخستین آمن کفت ای فرزند امروز بتاکستان من رفته بکار مشغول شو \*  
 ۱۲. در جواب کفت نخواهم رفت اما بعد پشیمان کشته برفت \* و بدو من نیز همچین  
 ۱۳. کفت او در جواب کفت ای آقا من میروم ولی نرفت \* کدام بک ازابن دو  
 خواهش بدررا بجا آورد کفتند اولی \* عیسی بدیشان کفت هر آینه بشما میکویم که  
 ۱۴. با جکیران و فاحشه ها قبل از شما داخل ملکوت خدا میکردن \* زانرو که بجهی  
 از راه عدالت نزد شما آمد و بدو ایمان نیاوردید اما با جکیران و فاحشه ها بدو ایمان  
 ۱۵. آوردند و شما چون دیدید آخرم پشیمان نشدید تا بدو ایمان آورید \* و مثلی  
 دیگر بشنود صاحب خانه بود که تاکستانی غرس نموده خطبه کردش گشید  
 و چرخشی در آن گند و بر جی بنا نمود پس آنرا بد هفغانان سپرده عازم سفر شد \*  
 ۱۶. و چون موس میوه نزدیک شد غلامان خود را نزد هفغانان فرستاد تا میوه های او را  
 ۱۷. بردارند \* اما دهغانان غلامان شرا کرفته بعضی را زدند و بعضی را کشند و بعضی را  
 ۱۸. سنکسار نمودند \* باز غلامان دیگر بیشتر از او لین فرستاده بدیشان نیز بجانطود

۲۷ سلوک نمودند \* بالآخر پسر خود را نزد ایشان فرستاده کفت پسر مرا حرمت  
 ۲۸ خواهند داشت \* اما دهنان چون پسر را دیدند با خود کفتند این وارث است  
 ۲۹ پایند اورا بکشم و میراش را بیرم \* آنکه اورا کرفته بیرون ناکستان افکنند  
 ۳۰ کشند \* پس چون مالک ناکستان آید با آن دهنان چه خواهد کرد \* کفتند البته  
 آن بدکاران را بعثتی هلاک خواهد کرد و با غرا باغانان دیگر خواهد سپرد که  
 ۳۱ میوه ایشرا در موس بدو دهند \* عبسی بد بشان کفت مکر در کتب هر کثر خوانده  
 ابد اینکه سنگیرا که مععارضش را نمودند همان سر زاویه شد است \* این از جانب  
 ۳۲ خداوند آمد و در نظر مانعیب است \* از اینجهه شارا میکویم که ملکوت خدا از  
 ۳۳ شاکر فته شد به امّتی که میوه اش را بیاورند عطا خواهد شد \* و هر که بر آن سنگ  
 ۳۴ افتاد منكسر شود و اگر آن بر کسی افتاد نرمیش سازد \* و چون رؤسای کنهنه  
 ۳۵ و فریسان مثناها بشرا شنیدند در یافتد که در باره ایشان میکوید \* و چون خواستند  
 ۳۶ اورا کرفتار کند از مردم ترسیدند زیرا که اورا نبی میدانستند \*

### باب بیست و دوم

۱ و عبسی توجه نموده باز بـَشـَّلـَـا ایشان را خطاب کرده کفت \* ملکوت آسمان  
 ۲ پادشاهی را ماند که برای پسر خوبیش عروسی کرد \* و غلامان خود را فرستاد تا  
 ۳ دعوت شدکاران را بعروی بخوانند و خواستند بیایند \* باز غلامان دیگر روانه نموده  
 ۴ فرمود دعوت شدکاران را بکویید که اینکه خوان خود را حاضر ساخته ام و کاوان  
 ۵ و پرواریهای من کشته شد و هه چیز آماده است بعروی بیایند \* ولی ایشان  
 ۶ بی اعنتای نموده راه خود را کرفتند یکی بزرگه خود و دیگری بخارت خوبیش رفت \*  
 ۷ و دیگران غلامان اورا کرفته دشام داده کشند \* پادشاه چون شنید غصب نموده  
 ۸ لشکریان خود را فرستاده آن قانلارا بغل رسانید و شهر ایشان را بسوخت \* آنکه  
 ۹ غلامان خود را فرمود عروسی حاضر است لیکن دعوت شدکان لیاقت نداشتند \*  
 ۱۰ آنکه بشوارع عامه بروید و هر کرا باید بعروی بطلیید \* پس آن غلامان بسر  
 ۱۱ راهها رفته بیک و بد هر کرا یافتد جمع کردند چنانکه خانه عروسی از مجلسیان  
 ۱۲ مملو کشت \* آنکه پادشاه بهجهه بدین اهل مجلس داخل شد شخصی را در لفظاً دید که

- ۱۳ جامه عروسی در برندارد \* بدو کفت ای عزیز بزرگ طور در اینجا آمدی و حال آنکه  
 ۱۴ جامه عروسی در برنداری او خاموش شد \* آنکه پادشاه خادمان خود را فرمود  
 این شخص را دست و پا بسته بردارید و در ظلمت خارجی اندازید جایی که کریه  
 ۱۵ و فشار دندان باشد \* زیرا طلیبد کان بسیارند و بر کریبد کان کم \* پس فربیسان  
 ۱۶ رفته شوری نمودند که چه طور اورا در کتفکو کرفتار سازید \* و شاکر دان خود را  
 با هیرو دیان نزد وی فرستاده کفتند استادا میدانم که صادق هستی و طریق خدارا  
 ۱۷ براستی تعلم مبنای وازکی باک نداری زیرا که بظاهر خلق نمینگری \* پس با بکو  
 ۱۸ رای تو چیست آیا جزیه دادن بفیصر رواست یا نه \* عیسی شارارت ایشان را در ک  
 ۱۹ کرده کفت ای ریا کاران چرا مرا تخریب میکنید \* سکنه جزیره را یعنی بنایید ایشان  
 ۲۰ دیناری نزد وی آوردن \* بدیشان کفت این صورت و رقم از آن کیست \*  
 ۲۱ بدو کفتند از آن قبصه \* بدیشان کفت مال بفیصر ادا کید و مال خدارا  
 ۲۲ بخدا \* چون ایشان شنیدند متوجه شدند واورا و آکناره برفتند \* و در  
 ۲۳ همان روز صدوقیان که منکر قیامت هستند نزد او آمده سوال نموده \* کفتند ای  
 استاد موسی کفت آکر کسی بی او لاد ببرد میباشد برادرش زن اورا نکاح کند تا  
 ۲۵ نسلی برای برادر خود پیدا نماید \* باری در میان ما هفت برادر بودند که اول  
 ۲۶ زنی کرفته ببرد و چون اولادی نداشت زنرا به برادر خود تزک کرد \* و همچین  
 ۲۷ دوین و سوین نا هفتمین \* و آخر از همه آن زن نیز مرد \* پس او در قیامت  
 ۲۸ زن کدام بلک از آن هفت خواهد بود زیرا که همه اورا داشتند \* عیسی در جواب  
 ۲۹ ایشان کفت کراه هستند از این رو که کتاب و قوت خدارا در نیافته ابد \* زیرا که  
 در قیامت به نکاح میکنند و نه نکاح کرده میشوند بلکه مثل ملائکه خدا در آسمان  
 ۳۰ میباشند \* اما در باره قیامت مرد کان آیا نخوان ابد کلام برا که خدا بشما کفته  
 ۳۱ است \* من هستم خدای ابراهیم و خدای اسحق و خدای یعقوب خدا خدای  
 ۳۲ مرد کان نیست بلکه خدای زندگانست \* و آنکه رو چون شنیدند از تعلم وی  
 ۳۳ مخیز شدند \* اما چون فربیسان شنیدند که صدوقیان را مجبوب نموده است با هم  
 ۳۴ جمع شدند \* و بکی از ایشان که فیله بود از وی بطريق امتحان سوال کرده کفت \*  
 ۳۵ ای استاد کدام حکم در شربعت بزرگ را است \* عیسی ویر کشت بکه خدا وند  
 ۳۶ ۳۷

۳۸ خدای خود را بهم دل و نگاه نفس و نگاه فکر خود محبت نما \* اینست حکم اول  
 ۳۹ باعزم \* و دوم مثل آنست بعنی همسایه خود را مثل خود محبت نما \* بدین دو حکم  
 ۴۰ تمام توراه و صحف انبیاء متعلق است \* و چون فربیان جمع بودند عیسی از ایشان  
 ۴۱ پرسید \* کفت درباره مسیح چه کمان میبرید او پسر گشت بد و گفتند پسر داود \*  
 ۴۲ ایشانرا کفت پس چه طور داود در روح اورا خداوند میخواند چنانکه میکوید \*  
 ۴۳ خداوند بخداوند من کفت بدست راست من بنشین نا دشمنان نرا پای انداز تو  
 ۴۴ سازم \* پس هر کاه داود اورا خداوند میخواند چگونه پرسش میباشد \* و هیچکس  
 ۴۵ قدرت جواب وی هرگز نداشت و نه کسی از آن روز دیگر جرأت سؤال کردن از او نداشت \*

## باب بیست و سه

۱ آنکاه عیسی آنجماعت و شاکردان خود را خطاب کرده \* کفت کاتبان و فربیان  
 ۲ برگئی موسی نشسته اند \* پس آنچه بشما کوبید نکاه دارید و بجا آورید لیکن  
 ۳ مثل اعمال ایشان مکبید زیرا میکوید و نیکنند \* زیرا بارهای کران و دشوار را  
 ۴ میپندند و بردوش مردم میهنند و خود نیخواهد آهارا بیک آنکشت حرکت دهدند \*  
 ۵ و همه کارهای خود را میکنند تا مردم ایشان را به بیننده حمالهای خود را عریض  
 ۶ و دامنهای قبای خود را بین میسازند \* وبالا نشستن در ضیافتها و کرمیهای صدر  
 ۷ در گتابسرا دوست میدارند \* و تعظیم در کوجه هارا وابنکه مردم ایشان را آقا آقا  
 ۸ میخوانند \* لیکن شما آقا خواند مشوید زیرا استاد شما یکیست بعنی مسیح و جمیع شما  
 ۹ برادرانید \* و هیچکس را بر زمین پدر خود مخوانید زیرا پدر شما یکیست که در  
 ۱۰ آنکه است \* و پیشوا خواند مشوید زیرا پیشوا شما یکی است بعنی مسیح \* و هر که  
 ۱۱ از شما بزرگتر باشد خادم شما بود \* و هر که خود را بلند کند پست کردد و هر که  
 ۱۲ خود را فروتن سازد سرافراز کردد \* و ای بر شما ای کاتبان و فربیان ریا کار که  
 ۱۳ در ملکوت آسمان را بروی مردم می بندید زیرا خود داخل آن نمیشوید و داخل  
 ۱۴ شوند کارها از دخول مانع میگوید \* و ای بر شما ای کاتبان و فربیان ریا کار زیرا  
 ۱۵ خانه های یوه زنارا می بلعید و از روی ریا نماز را طویل میکنید از آن روز عذاب  
 شد بدتر خواهد یافت \* و ای بر شما ای کاتبان و فربیان ریا کار زیرا که بر و مجررا

میکردید تا مربدی پیدا کنید و چون پیدا شد اورا دو مرتبه پست تراز خود پسر  
 ۱۶ جهنم میسازید\* وای برشما ای راهنابان کورکه میکوئید هر که بهکل قسم خورد  
 ۱۷ باکی نبست لیکن هر که بطلای هیکل قسم خورد باید وفا کند\* ای نادامان  
 ۱۸ و نایینابان آیا کدام افضل است طلا یا هیکل که طلا را مندس میسازد\* و هر که  
 بذبح قسم خورد باکی نبست لیکن هر که بهدهه که برآنست قسم خورد باید ادا کند\*  
 ۱۹ ای جهال و کوران کدام افضل است هدبه یا مذبح که هدبه را ندیس نماید\*  
 ۲۰ پس هر که بذبح قسم خورد بآن و به او که در آن ساخت قسم خورده است\* و هر که  
 ۲۱ بهکل قسم خورد بآن و به او که در آن نشته است قسم خورده باشد\* وای برشما  
 ۲۲ قسم خورد بگرسی خدا و به او که برآن نشته است قسم خورده باشد\* وای برشما  
 ۲۳ ای کانبان و فربیان ریا کارکه نتعاع و ثبت وزیر را عشر میدهد و اعظم احکام  
 شریعت یعنی عدالت و رحمت و ایمان را نزک کرده ابده میباشد آنها بجا آورده ایهارا  
 ۲۴ نیز ترک نکرده باشد\* ای رهنا بان کورکه پشمرا صاف میکنید و شتر را فرو  
 ۲۵ میبرید\* وای برشما ای کانبان و فربیان ریا کار از آنروکه پیرون پیله و بشقابرا  
 ۲۶ پاک مینایند و درون آنها ملو از جبر و ظلم است\* ای فرسی کورا اول درون پیله  
 ۲۷ و بشقابرا طاهر ساز تا پیرون ش نیز طاهر شود\* وای برشما ای کانبان و فربیان  
 ریا کارکه چون قبور سفید شد میباشد که از پیرون نیکو میناید لیکن درون آنها  
 ۲۸ از اسخوانهای مردکان و سایر نجاست بر است\* همین شما نیز ظاهراً بدم عادل  
 ۲۹ مینایند لیکن باطناً از ریا کاری و شرارت ملو هستید\* وای برشما ای کانبان  
 و فربیان ریا کارکه قبرهای انسیاء را بنا میکنید و مدفهای صادقان را زینت میدهد\*  
 ۳۰ و میکوئید اکر در ایام پدران خود میبودم در ریختن خون انبیاء با ایشان  
 ۳۱ شربک نمیشدم\* پس بر خود شهادت میدهد که فرزندان فانلان انبیاء هستند\*  
 ۳۲ پس شما پیمانه پدران خود را لبریز کید\* ای ماران واقعی زادکان چکونه از  
 ۳۳ عذاب جهنم فرار خواهید کرد\* لهذا الحال انبیاء و حکماء و کتابان نزد شما  
 میفرسم و بعضی را خواهید کشت و بدار خواهید کشید و بعضی را در کایس خود  
 ۳۵ نازیانه زده از شهر بشهر خواهید راند\* نا همه خونهای صادقان که بر زمین ریخته  
 شد برشما وارد آیده از خون هاییل صدیق تا خون زکریا ابن هرچه که اورا در میان

۳۶ هیکل و مذبح کشید\* هر آینه بشما می‌کوم که این هه براین طاینه خواهد آمد\*  
 ۳۷ ای اورشلم اور شلم فائل انبیاء و سکسار کشته مرسلان خود چند مرتبه خواستم  
 فرزندان نرا جمع کنم مثل مرغی که جوجه‌های خود را زیر بال خود جمع می‌کند  
 ۳۸ و نخواستید\* اینک خانه شما برای شما و بران کدارده بیشود\* زیرا بشما می‌کوم  
 از این پس مرا نخواهید دید نا بکوید مبارک است او که بنام خداوند می‌اید\*

### باب پیست و چهارم

- ۱ پس عیسی از هیکل بیرون شد برفت و شاکر داشش پیش آمدند ناعمارهای هیکل را
- ۲ بدون شان دهد\* عیسی ایشان را کفت آبآمه این چیز هارانی بینید هر آینه بشما می‌کوم
- ۳ در اینجا سنگی بر سر کی کدارده نخواهد شد که بزر افکن نشود\* و چون بکوه زیتون نشسته بود شاکر داشش در خلوت نزد وی آمد کفتند با بکو که این امور کی
- ۴ واقع می‌شود و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست\* عیسی در جواب ایشان
- ۵ کفت زنهر کسی شیارا کراه نکد\* زانرو که بسا بنام من آمد خواهد کفت که
- ۶ من مسیح هست و بسیار برآ کمرا خواهد کرد\* و جنکها و اخبار جنکهای خواهد شدند زنهر مضر طرب مشوید زیرا که وقوع این هه لازم است لیکن اشها هنوز نیست\*
- ۷ زیرا قوی با قوی و مملکتی با مملکتی معاویت خواهد نمود و قطیبا و وباما و وزلر لها
- ۸ در جایها پدید آبد\* اما هه اینها آغاز دردهای زه است\* آنکاه شیارا به صیبت
- ۹ سپرده خواهد کشت و جمیع امتهای بجهة ام من از شا نفرت کند\* و در آن مان
- ۱۰ بسیاری لغش خورده یکدیگر را تسلیم کند و از یکدیگر نفرت کبرند\* و بسا
- ۱۱ انبیاء کذبه ظاهر شد بسیار برآ کمرا کند\* و بجهة افزونی آنکاه محبت بسیاری سرد
- ۱۲ خواهد شد\* لیکن هر که تا به انتهاء صبر کد نجات یابد\* و باین بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امتهای شهادتی شود آنکاه انتهاء خواهد
- ۱۳ رسید\* پس چون مکروه ویرانی را که بزبان دانیال نی کتفه شد است در مقام
- ۱۴ مندس بريا شد بینید هر که خواند در یافت کند\* آنکاه هر که در بهودیه باشد
- ۱۵ بکوهستان بکریزد\* و هر که بریام باشد بجهة برداشتن چیزی از خانه بزر نیابد\*
- ۱۶ و هر که در مزرعه است بجهة برداشتن رخت خود بر نکردد\* لیکن وای برآستن

۱۰ و شیردهندکان در آن آیام \* پس دعا کنید نا فرار شما در زستان با در سبت  
 ۱۱ نشود \* زیرا که در آن زمان چنان مصیبت عظیمی ظاهر می شود که از ابتداء عالم نا  
 ۱۲ کون نشه و خواهد شد \* واکر آن آیام کونه نشدی هیچ بشری نجات نیافری لیکن  
 ۱۳ بخاطر برگزیدکان آنروزها کوتاه خواهد شد \* آنکاه اگر کسی بشما کوید اینک  
 ۱۴ مسیح در اینجا یا در آنجا است باور مکنید \* زیرا که مسیحان کاذب و انبیاء گذبه  
 ظاهر شد علامات و معجزات عظیمه چنان خواهد نود که اگر ممکن بودی  
 ۱۵ برگزیدکانرا نیز گراه کردندی \* اینک شمارا بیش خبر دادم \* پس اگر شمارا  
 ۱۶ کویند اینک در صحراست بیرون مروید یا آنکه در خلوتست باور مکنید \* زیرا  
 همچنانکه برق از مشرق ساطع شد نا به غرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین  
 ۱۷ خواهد شد \* و هرچاکه مرداری باشد کرکسان در آنجا جمع شوند \* و فورا بعداز  
 ۱۸ مصیبت آن آیام آفتاب ناریک کردد و ماه بور خود را مدهد و ستارکان از آسمان  
 ۱۹ فرو ریزند و قوهای افلاک متزلزل کردد \* آنکاه علامت پسر انسان در آسمان  
 ۲۰ پدید کردد و در آنوقت جمیع طوابیف زمین سینه زنی کند و بسر انسان را یینند که  
 ۲۱ برابرهای آسمان باقوت و جلال عظیم می آید \* و فرشکان خود را با صور بلند آواز  
 ۲۲ فرستاده برگزیدکان اورا از بادهای اربعه از کران نا بکران فلك فرام خواهد  
 ۲۳ آورد \* پس از درخت انجر مثلش را فرا گزید که چون شاخه اش نازک شد بر کها  
 ۲۴ می آورد میفهمید که تابستان نزدیک است \* همچین شما نیز چون این هم را یینید  
 ۲۵ بفهمید که نزدیک بلکه بر در است \* هر آینه بشما می گویم نا این هم واقع نشود این  
 ۲۶ طانه خواهد کنست \* آسمان و زمین زايل خواهد شد لیکن سخنان من هر کر  
 ۲۷ زايل خواهد شد \* اما از آنروز و ساعت همکس اطلاع ندارد حتی ملانکه آسمان جز  
 ۲۸ پدر من و پس \* لیکن چنانکه آیام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود \*  
 ۲۹ زیرا همینکه در آیام قبل از طوفان می گوردند و می شایدند و یکاح می گردند و منکوحه  
 ۳۰ می شدند نا روزی که نوح داخل گفتی کشت \* و نهیمیدند نا طوفان آمد هم را  
 ۳۱ ببرد همچین ظهور پسر انسان نیز خواهد بود \* آنکاه دو نفریکه در مزرعه می باشند  
 ۳۲ یکی کرفه و دیگری و آکذارده شود \* و دوزن که دستالس می کنند یکی گرفه  
 ۳۳ و دیگری رها شود \* پس یدار باشید زیرا که نمی دانند در کدام ساعت خداوند

۴۳ شما می‌اید\* لیکن اینرا بدانید که اگر صاحب خانه میدانست در چه پاس از شب  
 ۴۴ دزد می‌اید ییدار می‌هاند و نیکذاشت که بخانه اش نقب زند\* لهذا شا نیز حاضر  
 ۴۵ باشد زیرا در ساعتی که کیان نبرید پسر اسان می‌اید\* پس آن غلام امین و دانا  
 کیست که آقایش اورا بر اهل خانه خود بکارد تا ایشان را در وقت معین خوراک  
 ۴۶ دهد\* خوشحال آن غلامیکه چون آقایش آید اورا در چین کار مشغول باد\*  
 ۴۷ هرآینه بشما می‌کوم که اورا بر نام مایملک خود خواهد کاشت\* لیکن هرگاه آن  
 ۴۸ غلام شربر با خود کوید که آقای من در آمدن تأخیر میناید\* و شروع کند بزدن  
 ۴۹ هقطاران خود و خوردن و نوشیدن با میکساران\* هرآینه آقای آن غلام آید  
 ۵۰ در روزی که منتظر نباشد و در ساعتیکه نداند\* واورا ذو پاره کرده نصیبیش را  
 با رباکاران فرار دهد در مکانیکه کریه و فشار دندان خواهد بود\*

## باب پیست و بنیم

- ۱ در آنزمان ملکوت آسمان مثل ده باکره خواهد بود که مشعلهای خود را برداشته
- ۲ به استقبال داماد پرون رفتند\* و از ایشان پیغ دانا و پیغ نادان بودند\*
- ۳ اما نادانان مشعلهای خود را برداشته هیچ روغن با خود نبردند\* لیکن دانایان
- ۴ روغن در ظروف خود با مشعلهای خویش برداشتد\* و چون آمدن داماد بطول
- ۵ انجامید هه پیشکی زده خفتند\* و در نصف شب صدائی بلند شد که اینک داماد
- ۶ می‌اید به استقبال وی بستاید\* پس ناماً آن باکره ها برخاسته مشعلهای خود را
- ۷ اصلاح نهادند\* و مادنان دانایان را کفتند از روغن خود با دهید زیرا مشعلهای
- ۸ ما خاموش می‌شود\* اما دانایان در جواب کفتند نمی‌شود مبادا ما و شمارا کفاف
- ۹ ندهد بلکه نزد فروشنده کان رفته برای خود بخرید\* و در حینیکه ایشان مججه خرید
- ۱۰ میرفتند داماد برسید و آنایکه حاضر بودند با وی بعروی داخل شد در بسته
- ۱۱ کردید\* بعد از آن باکره های دیگر نیز آمد کفتند خداوندا برای ما باز کن\*
- ۱۲ او در جواب کفت هرآینه بشما می‌کوم شمارا نیشناسم\* پس ییدار باشد زیرا که
- ۱۳ آنروز و ساعت را غیدانید\* زیرا چنانکه مردی عازم سفر شک غلامان خود را
- ۱۴ طلبید و اموال خود را بدیشان سپرد\* بکرا پیغ قطار و دیگر بردا و سبی را بک

۱۶ داده هر یک را بحسب استعدادش ویدرنک متوجه سفر شد \* پس آنکه بخ قطار  
 ۱۷ یافته بود رفه و با آنها نجارت نموده بخ قطار دیگر سود کرد \* و هچین صاحب  
 ۱۸ دو قطار نیز دو قطار دیگر سود کرفت \* اما آنکه یک قطار کرفته بود رفته  
 ۱۹ زمین را کند و نقد آفای خود را پنهان نمود \* و بعد از مدت مديدة آفای ان  
 ۲۰ غلامان آمد از ایشان حساب خواست \* پس آنکه بخ قطار یافته بود پیش آمده  
 بخ قطار دیگر آورده کفت خداوندا بخ قطار بن سپردی اینک بخ قطار دیگر  
 ۲۱ سود کرد \* آفای او بوی کفت آفرین ای غلام نیک متدين بر چیزهای اندک  
 این بودی ترا بر چیزهای بسیار خواهم کاشت بشادی خداوند خود داخل شو \*  
 ۲۲ و صاحب دو قطار نیز آمد کفت ای آفا دو قطار نسلم من نمودی اینک دو  
 ۲۳ قطار دیگر سود یافهم \* آفایش ویرا کفت آفرین ای غلام نیک متدين بر  
 چیزهای کم این بودی ترا بر چیزهای بسیار میکارم در خوشی خداوند خود داخل  
 ۲۴ شو \* پس آنکه یک قطار کرفته بود پیش آمد کفت ای آفا چون ترا میشنام  
 که مرد درشت خوی میباشی از جایی که نکاشته میدروی و از جاییکه نیفشاری  
 ۲۵ جمع میکی \* پس ترسان شد رفم و قطار نرا زیر زمین نهفتم اینک مال تو موجود  
 ۲۶ است \* آفایش در جواب وی کفت ای غلام شر بر یکاره دانسته که از جاییکه  
 ۲۷ نکاشته ام میدروم و از مکانیکه نپاشید ام جمع میکنم \* از همین جهه ترا میباشد نقد  
 ۲۸ مرا بصر افان بدھی تا وقتیکه یام مال خود را با سود یا بهم \* الحال آن قنطرارا ازاو  
 ۲۹ کرفته بصاحب ده قطار بدھید \* زیرا بھر که دارد داده شود و افزونی باید و از  
 ۳۰ آنکه ندارد آنچه دارد نیز کرفته شود \* و آن غلام بی نفع را در ظلمت خارجی  
 ۳۱ اندازید جائیکه کریه و فشار دندان خواهد بود \* اما چون پسر انسان در  
 جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خوبیش آید آنکاه برگرسی جلال خود خواهد  
 ۳۲ نشد \* و جمیع امتهای در حضور او جمع شوند و آنها را از هدیگر جدا میکند  
 ۳۳ بقسمیکه شبان میشها را از بزها جدا میکند \* و میشها را بر دست راست و بزها را  
 ۳۴ برچپ خود قرار دهد \* آنکاه یاد شاه به اصحاب طرف راست کوید یا ایش ای  
 برکت یافنکان از پدر من و ملکوق را که از ابتدای عالم برای شما آماده شد است  
 ۳۵ بپرات کبرید \* زیرا چون کرسنے بود مرا طعام دادیده نشنه بودم سپر آم نمودید

۳۶ غریب بودم مرا جا دادید\* عربان بودم مرا پوشانیدید\* مریض بودم عیادتم  
 ۳۷ کردیده در حبس بودم دیدن من آمدید\* آنکاه عادلان پاسخ کویند ای خداوند  
 ۳۸ کی کرستهات دیدم تا طعامت دهم با نشنهات یافتم نا سیرابت نمائیم\* باکی نرا  
 ۳۹ غریب یافتم نا نرا جا دهم یا عربان نا پوشانیم\* وکی نرا مریض یا محبوس یافتم  
 ۴۰ نا عیادت کنم\* پادشاه در جواب ایشان کوید هرآینه بشما میکویم آنچه یکی از این  
 ۴۱ برادران کوچک ترین من کردید بن کرده اید\* پس اصحاب طرف چپرا کوید  
 ای ملعونان از من دور شوید در آتش جاودانی که برای ابلیس و فرشتکان او مهبا  
 ۴۲ شد است\* زیرا کرسته بودم مرا خوراک ندادیده نشنه بودم مرا آب ندادید\*  
 ۴۳ غریب بودم مرا جا ندادیده عربان بودم مرا پوشانیدیده مریض و محبوس بودم عیادتم  
 ۴۴ نمودید\* پس ایشان نیز پاسخ کویند ایندواند کی نرا کرسته یا نشنه یا غریب یا  
 ۴۵ برنه یا مریض یا محبوس دیگر خدمت نکردم\* آنکاه در جواب ایشان کوید  
 ۴۶ هرآینه بشما میکویم آنچه یکی از بن کوچکان نکردید بن نکرده اید\* واشان در  
 عذاب جاودانی خواهند رفت اما عادلان در حیات جاودانی\*

### باب بیست و ششم

- ۱ و چون عیسی همه این سخانرا به انعام رسانید بشاکردان خود کفمیه\* میدانید که بعد از دور روز عبد فصح است که پسر انسان تسلیم کرده میشود تا مصلوب گردد\*
- ۲ آنکاه روپاد کهنه و کابان و مشاجع قوم در دیوانخانه رئیس کهنه که قیافا نام
- ۳ داشت جمع شد\* شوری نمودند تا عیسی را مجیله کرفتار ساخته بغل رسانند\*
- ۴ اما کنند نه در وقت عبد مبادا آشوبی در قوم بريا شود\* و هنکاریکه عیسی
- ۵ در بیست عینا در خانه شمعون ابرص شد\* زنی با شبشه عطر کرانها نزد او آمد
- ۶ چون بنشست برسر وی ریخت\* اما شاکرداش چون اینرا دیدند غصب نموده
- ۷ کنند چرا این اسراف شد است\* زیرا ممکن بود این عطر بقیمت گران فروخته
- ۸ و بقراء داده شود\* عیسی اینرا در کرده بدیشان کفت چرا بدین زن رحمت
- ۹ میدهد زیرا کار نیکو بن کرده است\* زیرا که فقرارا هیشه نزد خود دارید
- ۱۰ اما مرا هیشه ندارید\* و این زن که این عطر را بر بدین مالید بجهة دفن من کرده

۱۳ است \* هر آینه بشما می‌کوم هرجاتیکه در تمام عالم بدین بشارت موعظه کرده شود  
 ۱۴ کار ابن زن نیز بجهة یادکاری او مذکور خواهد شد \* آنکاه بکی ازان دوازده  
 ۱۵ که بهودای اسخربوطی سبقت بود نزد رؤسای کهنه رفته \* کفت مرا چند خواهید  
 ۱۶ داد نا اورا بشما نسلیم کم ایشان سی پاره نفع با وی فرار دادند \* وازان وقت  
 ۱۷ در صدد فرصت شد نا اورا بدیشان نسلیم کد \* پس در روز اول عد فطیر  
 ۱۸ شاگردان نزد عیسی آمن کفتند کجا بیغواری فصررا آماده کنم تا بخوری \* کفت  
 شهر نزد فلان کس رفته بدبو کوئید استاد می‌کوید وقت من نزدیک شد و فصررا  
 ۱۹ در خانه تو با شاگردان خود صرف مینام \* شاگردان چنانکه عیسی ایشانرا امر  
 ۲۰ فرمود کردند و فصررا مهیا ساختند \* چون وقت شام رسید با آن دوازده  
 ۲۱ بنشست \* وقتیکه ایشان غذا بخوردند او کفت هر آینه بشما می‌کوم که بکی از شما  
 ۲۲ مرا نسلیم می‌کند \* پس بغاایت غمکن شد هریک از ایشان بوی سخن آغاز کردند  
 ۲۳ که خداوندا آیا من آنم \* او در جواب کفت آنکه دست با من در قاب فرو برد  
 ۲۴ همانکس مرا نسلیم نماید \* هر آینه پسر انسان بهاظور که در باره او مکتوبست  
 رحلت میکند لیکن وای بر آنکسیکه پسر انسان بدست او نسلیم شود آن شخص را  
 ۲۵ بهتر بودی که تولد نیافتنی \* و بهودا که نسلیم کند وی بود بجواب کفت ای  
 ۲۶ استاد آیا من آنم بکی کفت تو خود کتفت \* و چون ایشان غذا بخوردند عیسی  
 نازرا کرفته برکت داد و پاره کرده بشاگردان داد و کفت بکرید و بخورید اینست  
 ۲۷ بدن من \* و پیاله را کرفه شکر نمود و بدیشان داده کفت همه شما ازین بنویشد \*  
 ۲۸ زیرا که اینست خون من در عهد جدید که در راه بسیاری بجهة آمرزش کاهان  
 ۲۹ ریخته میشود \* اما بشما می‌کوم که بعد ازین از میوه مودیکر خوارم نوشیدنا روزیکه  
 ۳۰ آنرا با شما در ملکوت پدر خود نازه آشام \* پس تسبیح خواندند و سوی کوه  
 ۳۱ زیتون روانه شدند \* آنکاه روانه شدند \* ایشان کفت همه شما امشب در باره من  
 لغزش بخورید چنانکه مکتوبست که شبانرا میزتم و کوسفندان کله پراکند میشوند \*  
 ۳۲ لیکن بعد از برخاستن پیش از شما بجلیل خوارم رفت \* پطرس در جواب وی  
 ۳۳ کفت هر کاه هه در باره تو لغزش خورند من هر کار خورم \* عیسی بکی کفت  
 هر آینه بتومیکوم که در هین شت قبل از بانک زدن خروس سه مرتبه مرا انکار

۲۵ خواهی کرد\* بطرس بُوی کفت هر کاه مردم با تو لازم شود هر کتر ترا انکار نکم  
 ۲۶ و سایر شاکر دان نیز همچنان کفتند\* آنکاه عیسی با ایشان یوضی که مسوی  
 بمنسبه ای بود رسید بشاکر دان خود کفت در اینجا بنشینید تا من رفته در آنجا دعا  
 ۲۷ کنم\* وبطرس و دو پسر زَبَدِرا برداشته بی نهایت غمگین و در دنک شد\*  
 ۲۸ پس بدیشان کفت نفس من از غایبت ال مشرف بهوت شد است در اینجا مانده با  
 ۲۹ من بیدار باشید\* پس قدری پیش رفته بروی در افتاد و دعا کرده کفت ای  
 پدر من آکر ممکن باشد این پاله از من بکذرد لیکن نه بخواهش من بلکه باراده تو\*  
 ۳۰ و نزد شاکر دان خود آمد ایشان را در خواب یافت و به بطرس کفت آیا همچین  
 ۳۱ نیتوانستید یک ساعت با من بیدار باشید\* بیدار باشید و دعا کید تا در معرض  
 ۳۲ آزمایش نیقید روح راغبست لیکن جسم ناتوان\* و بار دیگر رفته باز دعا نموده  
 کفت ای پدر من آکر ممکن نباشد که این پاله بدون نوشیدن از من بکذرد آنچه  
 ۳۳ اراده تست بشود\* و آمد باز ایشان را در خواب یافت زیرا که چشم ان ایشان  
 ۳۴ سُنکین شد بود\* پس ایشان را ترک کرده رفت و دفعه سیم بهان کلام دعا  
 ۳۵ کرد\* آنکاه نزد شاکر دان آمد بدیشان کفت ما بقی را بجواید واستراحت کیده  
 ۳۶ الحال ساعت رسید است که پسر انسان بدست کامهکاران تسلم شود\* برخیزید  
 ۳۷ بروم اینک تسلم کننَه من نزدیکست\* و هنوز بخن میگفت که ناکاه بهداد که  
 ۳۸ یکی از آن دوازده بود با جمی کثیر با شمشیرها و چوبها از جانب روساء کهنه  
 ۳۹ و مشابع فرم آمدند\* و تسلم کننَه او بدیشان نشانی داده کفته بود هر که را بوسه  
 ۴۰ زخم هان است اورا حکم بکرید\* در ساعت نزد عیسی آمد کفت سلام یا سیدی  
 ۴۱ واورا بوسید\* عیسی ویرا کفت ای رفیق از بهر چه آمدی\* آنکاه پیش آمد  
 ۴۲ دست بر عیسی انداخته اورا کرفتند\* و ناکاه یکی از همراهان عیسی دست آورده  
 ۴۳ شمشیر خود را از غلاف کشید بر غلام رئیس گَهَه زد و کوشش را از تن جدا کرد\*  
 ۴۴ آنکاه عیسی ویرا کفت شمشیر خود را غلاف کن زیرا هر که شمشیر کرد بشمشیر  
 ۴۵ هلاک کردد\* آیا کان میری که نیتوانم الحال از پدر خود درخواست کم که  
 ۴۶ زیاده از دوازده فوج از ملاتکه رای من حاضر سازد\* لیکن در این صورت  
 ۴۷ کتب چکونه نام کردد که همچین میباشد بشود\* در آساعت ناکروه کفت

کویا بر دزد بجهة کرفتن من باینها و چویها پرون آمدیده هر روز با شما در  
 ۵۶ هیکل نشسته تعلم مدادم و مرا نکر فید \* لیکن این هه شد ناکنگ انبیاء تمام  
 ۵۷ شود در آنوقت جمیع شاکر دان اورا واکنارده بگمختند \* و آنایکه عیسی را  
 کرفته بودند اورا نزد قیافا رئیس کهنه جائیکه کاتبان و مشایع جمع بودند بر دند \*  
 ۵۸ اما پطرس از دور در عنق او آمده بخانه رئیس کهنه در آمد و با خادمان بشست  
 ۵۹ تا انجمام کار را به بیند \* پس رؤسای کهنه و مشایع و غلای اهل شوری طلب شهادت  
 ۶۰ دروغ بر عیسی میگردند تا اورا بقتل رسانند \* لیکن نیافتند با آنکه چند شاهد  
 ۶۱ دروغ پیش آمدند هیچ نیافتند آخوند نفر آمد \* کفتند این شخص کفت میتوانم  
 ۶۲ هیکل خدار اخراب کنم و در سه روزش بنا نمایم \* پس رئیس کهنه برخاسته بدرو  
 ۶۳ کفت هیچ جواب نمیده چیست که اینها بر تو شهادت میدهند \* اما عیسی  
 خاموش ماند تا آنکه رئیس کهنه روی بوی کرده کفت ترا بخدای حق قسم میدهم  
 ۶۴ مارا بکوی که تو مسیح پسر خدا هستی با نه \* عیسی بوی کفت تو کفته و نیز شارا  
 میکوم بعد از این پرس انسان را خواهید دید که بر دست راست قوت نشسته برابرهای  
 ۶۵ آسمان میابد \* در ساعت رئیس کهنه رخت خود را چاک زده کفت کفر کفت  
 ۶۶ دیگر مارا چه حاجت بشهد است \* الحال کفرش را شنیدند \* چه مصلحت  
 ۶۷ می بینیده ایشان در جواب کفتند مستوجب قتل است \* آنکه آب دهان  
 ۶۸ بر رویش انداده اورا طبانچه میزدند و بعضی سیلی زده \* میکفتند ای مسیح یا  
 ۶۹ نبوت کن کیست که ترا زده است \* اما پطرس در ایوان پرون نشسته بود که  
 ۷۰ ناکاه کیزکی نزد وی آمد کفت تو هم با عیسی جلوی بودی \* اورو بروی هه  
 ۷۱ انکار نموده کفت نیدام چه میکوئی \* و چون بد هیلز پرون رفت کیزی دیگر  
 ۷۲ اورا دین بمحاضرین کفت این شخص نیز از رفای عیسی ناصری است \* باز قسم  
 ۷۳ خورده انکار نمود که این مرد را نیشناسم \* بعد از چندی آنایکه ایستاده بودند پیش  
 ۷۴ آمده پطرس را کفتند البته تو هم از اینها هستی زیرا که لھه تو بر تو دلالت مینماید \*  
 ۷۵ پس آغاز لعن کردن و قسم خوردن نمود که این شخص را نیشناسم و در ساعت خروس  
 خروس سه مرتبه مرا انکار خواهی کرد پس پرون رفعه زار زار بکریست \*

## باب بیست و هفتم

- ۱ و جون صح شد هژرُوسای کهنه و مشائخ قوم بر عیسی شوری کردند که او را هلاک سازند \* پس او را بند نهاده بردند و به پنطیوس پلاطس والی تسلیم نودند \* در آن هنگام چون بپردازی تسلیم کنند او دید که بر او فتوی دادند ۴ پشیان شد سی پاره نفر را بر رُوسای کهنه و مشائخ رذ کرده \* کفت کاه کردم که خون بیکاه برا تسلیم نمودم کفتند مارا چه خود دانی \* پس آن نفر را در هیکل ۶ انداخن روانه شد و رفته خود را خنده نود \* اما رُوسای کهنه نفر را برداشته ۷ کفتند انداختن این در بیت المال جایز نیست زیرا خوبیها است \* پس شوری ۸ نموده باآن مبلغ مزرعه کوزه کردا بجهة مقبره غرباء خریدند \* از آنجهه آن مزرعه ۹ نا امروز بختل الدم مشهور است \* آنکاه سخنی که بزیان ارمیای نبی کفته شد بود نام کشت که سی پاره نفر را برداشتند بهای آن قیمت کرده شد که بعضی از بی ۱۰ اسرائیل بر او قیمت کذاردند \* و آنها را بجهة مزرعه کوزه کردادند چنانکه ۱۱ خداوند بن کفت \* اما عیسی در حضور والی استاده بود پس والی از او برسید ۱۲ کفت آیا نو پادشاه یهود هست \* عیسی بدوكفت تو میکوئی \* و جون رُوسای ۱۳ کهنه و مشائخ ازاو شکایت میکردند هیچ جواب نمیداد \* پس پلاطس ویرا ۱۴ کفت نیشنوی چه قدر بر تو شهادت میدهند \* اما در جواب وی یک سخن ۱۵ هم نکفت بقیمه والی بسیار منطبق شد \* و در هر عیدی رسم والی این بود که ۱۶ یک زندانی هر که را میخواستند برای جماعت آزاد میکرد \* و در آنوقت زندانی ۱۷ مشهور بزبان آنام داشتند \* پس چون مردم جمع شدند پلاطس ابا شانرا کفت که را ۱۸ میخواهد برای شما آزاد کم بزبان با عیسی مشهور بسچرا \* زیرا که دانست اورا ۱۹ از حسد تسلیم کرده بودند \* چون بر مسند نشسته بود زنش نزد او فرستاده کفت با این مرد عادل تراکاری نباشد زیرا که امروز در خواب در باره او زحمت بسیار ۲۰ برمد \* اما رُوسای کهنه و مشائخ قوم را براین ترغیب نمودند که بزبان آنها میخواهند ۲۱ عیسی را هلاک سازند \* پس والی بدیشان متوجه شد کفت کدام یک از این ۲۲ دو نفر را میخواهد بجهة شماره کم کفتند برایارا \* پلاطس بدیشان کفت پس

۳۳ با عیسی مسحور بسیج چکم جیما کفتند مصلوب شود \* والی کفت چرا چه بدی  
 ۳۴ کرده است \* ایشان پیشتر فرباد زده کفتند مصلوب شود \* چون پلاطس دید  
 که ثری ندارد بلکه آشوب زیاده میگردد آب طلیبه پیش مردم دست خودرا  
 ۳۵ شسته کفت من بری هست از خون این شخص عادل شما به بینید \* غام قوم در  
 ۳۶ جواب کفتند خون او برم و فرزندان ما باد \* آنکاه بزم‌آبارا برای ایشان از اد  
 ۳۷ کرد و عیسی را تازیانه زده سپرد تا اورا مصلوب کند \* آنکاه سپاهیان والی عیسی را  
 ۳۸ بدیو انخانه برده غامی فوج را کرد وی فراهم آوردند \* واورا عربان ساخته لباس  
 ۳۹ فرمی بدو پوشانیدند \* و ناجی از خار باقه برسش کدارند ونی بست راست  
 او دادند و پیش وی زانو زده استهزاء کنان اورا میکفتند سلام ای پادشاه بہود \*  
 ۴۰ واَب دهن بروی افکن فرآکرفته برسش میزدند \* وبعد از آنکه اورا استهزاء  
 کرده بودند آن لباس را از وی کن جامه خودش را پوشانیدند واورا بجهة مصلوب  
 ۴۱ نودن بیرون بردنده \* و چون بیرون میرفتند شخصی قبروانی شمعون نام را باقه  
 ۴۲ اورا بجهة بدن صلیب محصور کردند \* و چون بوضیعی که بجهتُنا یعنی کله سرمه  
 ۴۳ بود رسیدند \* سرکه میزوج پر بجهة نوشیدن بدو دادنده اما چون چشیدن خواست  
 ۴۴ گه بنو شد \* پس اورا مصلوب نموده رخت اورا نقسم نودند و بر آنها فرعه  
 انداختند تا آنچه بزمان نبی کفته شده بود غام شود که رخت مرا در میان خود نقسم  
 ۴۵ کردند و بر لباس من فرعه انداختند \* و در آنجا بنکاهبانی او نشستند \* و نصیر  
 ۴۶ نامه اورا نوشته بالای سرش آویختند که اینست عیسی پادشاه بہود \* آنکاه دو  
 ۴۷ دزد یکی بر دست راست و دیگری بر چش با وی مصلوب شدند \* و راهکنران  
 ۴۸ سرهای خود را جنبانید کفر کوهان \* میکفتند ای کسیکه هیکل را خراب میکنی  
 و در سه روز آنرا میسازی خود را نجات ده \* آکر پسر خدا هست از صلیب فرود  
 ۴۹ یا \* همین نیز رؤسای کهنه با کانیان و مشایع استهزاء کنان میکفتند \* دیگرانرا  
 نجات داد اما نمیتواند خود را پرها نماید آکر پادشاه اسرائیل است آکون از صلیب  
 ۵۰ فرود آبد نا بدو ایمان آورم \* بر خدا نوکل نمود آکرن اورا نجات دهد آکر بدو  
 ۵۱ رغبت دارد زیرا کفت سر خدا هست \* همین آن دو دزد نیز که با وی مصلوب  
 ۵۲ بودند اورا دشام مهدادند \* واز ساعت ششم تا ساعت هم تاریکی غام زمین را فرو

۴۶ کرفت \* و نزدیک ساعت نهم عبسی با آواز بلند صدا زده کفت الی الی لما سبقته  
 ۴۷ یعنی الی الی مرا چرا ترک کردی \* اما بعضی از حاضرین چون اینرا شنیدند  
 ۴۸ کفتند که او الیاس را میخواند \* در ساعت پکی از آن میان دویک اسفنجی را کرفت  
 ۴۹ و آنرا پر از سرکه کرده بر سرنی کشید و نزد او داشت تا بنوشد \* و دیگران  
 ۵۰ کفتند بکذار تا بیسم که آیا الیاس میآید اورا برهاند \* عبسی باز آواز بلند صحیه  
 ۵۱ از زده روح را تسلیم نمود \* که ناکاه پرده هیکل از سرتا پا دو پاره شد وزین  
 ۵۲ متزلزل و سکها شکافته کردید \* و قبرها کشاده شد و بسیاری از بدنهای مقدسین  
 ۵۳ که آرامید بودند بر خاستند \* وبعد از برخاستن وی از قبور برآمد بشهر مقدس  
 ۵۴ رفند و بر بسیاری ظاهر شدند \* اما بوزیاشی و رفقاش که عبسی را نکاهبانی  
 میکردند چون زلزله و این وقایع را دیدند بی نهایت ترسان شد کفتند فی الواقع  
 ۵۵ این شخص پسر خدا بود \* و در آنچه زنان بسیاری که از جلیل در عقب عبسی آمد  
 ۵۶ بودند تا او را خدمت کنند از دور نظاره میکردند \* که از آنجلمه مریم مجذلیه بود  
 ۵۷ و مریم مادر بعثوب و بو شاه و مادر پسران زیدی \* اما چون وقت عصر  
 رسید شخصی دولتمند از اهل رامه یوسف نام که او نیز از شاکردان عبسی بود آمد \*  
 ۵۸ و نزد پیلاطس رفته جسد عبسی را خواسته آنکاه پیلاطس فرمان داد که داده  
 ۵۹ شود \* پس یوسف جسدا برداشته آنرا در کنای پاک پیچیده \* او را در فربی  
 نوکه برای خود از سنک تراشید بزد کشید و سکی بزرگ بر سر آن غلطانید برفت \*  
 ۶۰ و مریم مجذلیه و مریم دیگر در آنچه در مقابل قبر نشسته بودند \* و در فردای  
 آنروز که بعد از روز تهیه بود رؤسای کوهه و فریسان نزد پیلاطس جمع شد \*  
 ۶۱ کفند ای آقا ما را یاد است که آن کمراه کشنه و قنیکه زنده بود کفت بعد از سه  
 ۶۲ روز بر میگزیم \* پس بفرما قبر را تا سه روز نکاهبانی کنند میادا شاکرداش در  
 شب آمد او را بدرزند و هر دم کوپند که از مردگان برخاسته است و کراهی آخر از  
 ۶۳ اول بدتر شود \* پیلاطس بدیشان فرمود شاکشیکیان دارد بروید چنانکه دانید  
 ۶۴ حافظت کنید \* پس رفند و سکراخنوم ساخته قبر را با کشیکیان محافظت نمودند \*

باب پیست و هشتم

و بعد از سیست هنکام شغور روز اول هلتہ مریم مجذلیه و مریم دیگر صحیه دیدن قبر

۱ آمدند \* که ناکاه زلزله عظم حادث شد از آنرو که فرشته خداوند از آسمان نزول  
 ۲ کرده آمد و سنکرا از در قبر غلطانیک برآن بنشست \* و صورت او مثل برق  
 ۳ ولماش چون برف سفید بود \* واژرس او کشیکان بلزه در آمده مثل مرده  
 ۴ کردیدند \* اما فرشته بزنان متوجه شد کفت شما نرسان مباشد میدام که عینی  
 ۵ مصلوبرا میطلید \* در اینجا نیست زیرا چنانکه کفته بود برخاسته است یائید  
 ۶ جاییکه خداوند خننه بود ملاحظه کنید \* و بزودی رفته شاکرداش را خبر دهد  
 ۷ که از مردکان برخاسته است اینک پیش از شاب مجلسی میرود در آنجا او را خواهد  
 ۸ دید اینک شیارا کنتم \* پس از قبر با نرس و خوشی عظم بزودی روانه شد رفند  
 ۹ ناشاکرداش اورا اطلاع دهدند \* و در هنگامیکه بجهة اخبار شاکرداش او میرفند  
 ۱۰ ناکاه عیسی بدیشان برخورده کفت سلام بر شما باده پس پیش آمک بقشمای او  
 ۱۱ چسپیک اورا پرستش کردند \* آنکاه عیسی بدیشان کفت میرسید رفته برادران را  
 ۱۲ بکوئید که مجلسی بروند که در آنجا مرا خواهند دید \* و چون ایشان میرفند  
 ۱۳ ناکاه بعضی از کشیکان بشهر شد روسای کوهه را از همه این وقایع مطلع ساختند \*  
 ۱۴ ایشان با شایع جمع شد شوری نمودند و نقره بسیار بسیار میهان داده \* کفتند بکوئید  
 ۱۵ که شبانکاه شاکرداش آمک و قبیکه ما در خواب بودم اورا دزدیدند \* و هر کله  
 ۱۶ این سهن کوش رد والی شود هانا ما اورا بر کردانم و شارا مطعن سازم \* ایشان  
 ۱۷ بول را کفته چنانکه نعلم باختند کردند و این سهن نا امروز در میان بپود منشر است \*  
 ۱۸ آنها پارده رسول مجلسی بر کوه که عیسی ایشان را نشان داده بود رفند \*  
 ۱۹ چون اورا دیدند برسنند نمودند لیکن بعضی شک کردند \* پس عیسی پیش  
 ۲۰ آمک بدیشان خطاب کرده کفت نمای قدرت در آهان و بزمین چن داده شد  
 ۲۱ است \* پس رفته همه امها را شاکرد سارید و ایشان را باس اب و ابن و روح القدس  
 ۲۲ تعبید دهد \* و ایشان را تعلم دهد که همه امور برآ که بشما حکم کردام حظظ کند  
 ۲۳ واينک من هر روزه نا اتفاقی عالم همراه شما میباشم آمين \*

## انجیل مرقس

### باب اول

- ۱ ابتداء انجیل عیسی مسح پرسخدا \* چنانکه در اشعاره نبی مکتوب است اینکه رسول خود را پیش روی نو میفرستم تا راه نرا پیش تو مهیا سازد \* صدای نداشتن در بیابان که راه خداوند را مهیا سازد و طرق اورا راست نمایند \* مجھی تعبد دهنده در بیابان ظاهر شد و مجھے آمرزیش کنایه نمایند تو به موقعه مینمود \*
- ۲ نامی و عزیز بوم بیهوده و جمیع سکنه اور شلم نزد وی پیرون شدند و بکایه نمود
- ۳ معرف کردند در رود آردن ازاو تعبد می یافتد \* و مجھی را لباس از پشم شتر و مکریند چهوی برکمر میبود و خوارک وی از محل و عمل برگزی \* و موقعه میکرد و میکنست که بعد از من کسی نوانادر از من میباید که لاقی آن نیست که خم شد دوال
- ۴ نعلین اورا باز کنم \* من شمارا بآب تعبد دادم لیکن او شمارا بروح القدس تعبد خواهد داد \* و واقع شد در آن آیام که عیسی از ناصن جلیل آمد در آردن از مجھی تعبد یافت \* و چون از آب برآمد در ساعت آسانرا شکافه دید و رو حرا که ماند کبوتری بروی نازل میشود \* و آوازی از آسمان در رسید که تو پسر حییب من هستی که از تو خوش نمود \* پس بی درنک روح ویرا به بیابان میبرد \* و مدت چهل روز در صحراء بود و شیطان اورا غیر به میکرد و با وحشی سر میبرد و فرشنگان اورا پرستاری مینمودند \*
- ۵ و بعد از کرفتاری مجھی عیسی بجلیل آمد به بشارت ملکوت خدم موظف کرده \* میکفت وقت نام شد و ملکوت خدا نزدیکست پس نوی کید و به انجیل ایمان پیاورید \* و چون بکاره در بای جلیل میکشت شمعون و برادرش اند ریاس را دید که دامی در دریا میاندازند زیرا که صیاد بودند \* عیسی ایشان را کفت از عقب من آئید که شمارا صیاد مردم کردانم \*
- ۶ پی ناچل دامهای

۱۹ خود را کناره از بی او روانه شدند \* وازانجا فدری پیشتر رفته بعقوب بن زیدَ  
 ۲۰ و برادرش بوحتارا دید که درکشی دامهای خود را اصلاح می‌کند \* در حال  
 ایشانرا دعوت نمود پس پدر خود زیدَ را با مزدوران درکشی کناره از غصه  
 ۲۱ وی روانه شدند \* و چون وارد کفرناحوم شدند بی تأمل در روز سبت بکیسه  
 ۲۲ در آینه بعلم دادن شروع کرد \* به قسمیکه از تعلم وی حیران شدند زیرا که ایشانرا  
 ۲۳ مقدارانه تعلم میداد نه مانند کاتبان \* و در کیسه ایشان شخصی بود که روح پلید  
 ۲۴ داشت ناکاه صیغه زده \* کفت ای عیسی ناصری مارا با نوچه کاراست آبا برای  
 ۲۵ هلاک کردن ما آمدی \* ترا میشناسم کیست ای قدوس خدا \* عیسی بوی نهیب  
 ۲۶ داده کفت خاموش شو و ازو او درای \* در ساعت آن روح خیث اورا مصروع  
 ۲۷ نمود و باواز بلند صدا زده ازاو یرون آمد \* و هه متوجه شدند مجذبکه از هدبکر  
 سوال کرده کفتند این چیست و این چه تعلم نازه است که ارواح پلیدرا نیز با  
 ۲۸ قدرت امر میکند و اطاعت شنایند \* واسم او فوراً در فانی مرزوبوم جلیل شهرت  
 ۲۹ یافت \* و از کیسه یرون آمد فوراً با بعقوب و بوحتا بجانه شمعون و اندریاس  
 ۳۰ درآمدند \* و مادرزن شمعون تپ کرده خوابید بود در ساعت ویرا از حالت او  
 ۳۱ خبر دادند \* پس تزدیک شد دست او را کرفه برخیزاندش که هانوقت تپ  
 ۳۲ ازاو زایل شد و بخدمت کناری ایشان مشغول کشت \* شامکاه چون آفاب  
 ۳۳ بغرب شد جمیع مرضان و مجانین را پیش او آوردند \* و تمام شهر بردرخانه از دحام  
 ۳۴ نمودند \* و پسا کسانی را که به انواع امراض پنهانا بودند شفا داد و دیوهای بسیاری  
 ۳۵ یرون کرده نکناره که دیوها حرف زند زیرا که اورا شناختند \* بامدادان قبل  
 ۳۶ از صحیح برخاسته یرون رفت و بپیرانه رسید در آنجا بدعا مشغول شد \* و شمعون  
 ۳۷ و رفایش دریی او شناختند \* چون اورا در یافتد کفتند هه ترا میطلبند \* بدیشان  
 ۳۸ کفت بدھات مجاور هم بروم تا در آنها نیز موعظه کنم زیرا که جمیع اینکار یرون  
 ۳۹ آمدم \* پس در فانم جلیل در کایس ایشان وضع مینمود و دیوهارا اخراج میکرد \*  
 ۴۰ و ابرصی پیش وی آمد استدعا کرد وزانو زده بدلو کفت آگر بخواهی میتوانی  
 ۴۱ مرآ طاهر سازی \* عیسی ترجم نموده دست خود را دراز کرد و اورا لمس نموده کفت  
 ۴۲ بیفواهم طاهر شو \* و چون سخن کفت فی الفور برس ازاو زایل شد پاک کنست \*

۴۴ واورا قدغن کرد وفوراً مرتضی فرموده \* کفت زنگار کسیرا خبر من بلکه رفته  
خود را بگاهن بنا و آنچه موسی فرموده مججه نظیر خود بگذران تا برای ایشان  
۴ شهادتی بشود \* لیکن او پیرون رفته بمعظمه نمودن و شهرت دادن این امر شروع  
کرد بقسمیکه بعد از آن او توانست آشکارا شهر درآید بلکه در ویرانهای پیرون  
سرمیبرد و مردم از همه اطراف نزد وی میامندن \*

## باب دوم

- ۱ و بعد از چندی باز وارد کفرناحوم شد چون شهرت یافت که درخانه است \*
- ۲ یدرنک جمی از دحام نمودند بقسمیکه پیرون در نیز تجایش نداشت و برای ایشان  
۳ کلام را یان میکرد \* که ناگاه بعضی نزد وی آمد مفلوجی را بدست چهار نفر  
۴ برداشته آوردند \* و چون بسبب جمعیت توانستند نزد او برسند طاق جائی را که  
۵ او بود باز کرده و شکافه غنی را که مفلوج برآن خواهد بود بزیر هشتند \* عیسی  
۶ چون ایمان ایشان را دید مفلوج را کفت ای فرزند کاهان تو آمرزین شد \* لیکن  
۷ بعضی از کتابن که در آنجا نشسته بودند در دل خود تفکر نمودند \* که چرا این  
شخص چنین کفر میکوید غیر از خدای واحد کیست که بتواند کاهان را بیامزد \*
- ۸ در ساعت عیسی در روح خود ادراک نموده که با خود چنین فکر میکند بدیشان  
۹ کفت از بهر چه این خیالات را بخاطر خود راه میدهید \* کدام سهل تر است  
۱۰ مفلوج را کفن کاهان تو آمرزین شد با کفتن برخیز و بستر خود را برداشته بخواهم \*
- ۱۱ لیکن تا بدانید که پسر انسان را استطاعت آمرزین کاهان برروی زمین هست  
۱۲ مفلوج را کفت \* ترا میکوم برخیز و بستر خود را برداشته بخانه خود برو \* او  
۱۳ برخاسته و بی تأمل بستر خود را برداشته پیش روی هه روانه شد بطوریکه هه  
۱۴ حیران شد خدارا تمجید نموده کفتند مثل این امر هرگز ندید بودم \* و باز  
۱۵ بکاره دریا رفت و نام آن کروه نزد او آمدند وایشان را نعلم میداد \* و هنکامیکه  
میرفت لاوی ابن حلقی را بریا جگاه نشسته دیده بدوكفت از عقب من یا پس  
۱۶ برخاسته در عقب وی شافت \* و وقیکه او درخانه وی نشسته بود بسیاری  
از باجکیران و کاهکاران با عیسی و شاکرداش نشستند زیرا بسیار بودند و پیروی

۱۶ او میکردند\* و چون کاتبان و فریسان اورا دیدند که با جگیران و کناهکاران  
میخورد شاکردان او گفتند چرا با جگیران و کناهکاران آکل و شرب میناید\*  
۱۷ عیسی چون اینرا شنید بدیشان گفت تدریشان احتیاج بطیب ندارند بلکه مرضان  
۱۸ و من نیامدم نا عادل‌انرا بلکه نا کناهکاران را به توبه دعوت کم\* و شاکردان  
بمحی و فریسان روزه میداشتند پس آمدند بدرو گفتند چونستک شاکردان بمحی  
۱۹ و فریسان روزه میدارند و شاکردان تو روزه نمیدارند\* عیسی بدیشان گفت آبا  
مکن است پسران خانه عروسی مادامیکه داماد با ایشان است روزه بدارند  
۲۰ زمانیکه دامادرا با خود دارند نمیتوانند روزه دارند\* لیکن آبای میاید که داماد  
۲۱ از ایشان گرفته شود در آن آبای روزه خواهد داشت\* و هیچ کس بر حمام کهنه پاره  
از پارچه نو و صله نمیکند و آن وصله نو از آن کهنه جدا میکردد و در بدیکی بدتر  
۲۲ میشود\* و کمی شراب نورا در مشکهای کهنه غیربریزد و کرنه آن شراب نو مشکهای  
بدرد و شراب ریخته مشکها نلف میکردد بلکه شراب نورا در مشکهای نو باید  
۲۳ ریخت\* و چنان افتاد که روز سی از میان مزروعهای میکنند و شاکرداش  
۲۴ هنکامی که میرفتند بجیدن خوشمهای شروع کردند\* فریسان بدرو گفتند اینکه چرا  
۲۵ در روز سبت مرنکب عمل میباشدند که روا نیست\* او بدیشان گفت مکر هر کو  
۲۶ خواناید که داؤد چه کرد چون او ورفاش صحاج و کرسنه بودند\* چونه  
در ایام آیانار رئیس کهنه بخانه خدا در آمنه نان نقدمه را خورد که خوردن آن جز  
۲۷ بکاهان روا نیست و بر قای خود نیز داد\* و بدیشان گفت سبت بجهة انسان  
۲۸ مقرر شد نه انسان برای سبت\* بنابرین پسر انسان مالک سبت نیز هست\*

## باب سیم

۱ و باز یکیسه در آمنه مرد دست خشکی بود\* و مراقب وی بودند که شاید  
۲ اورا در سبت شفا دهد نا مدعی او کردند\* پس بدان مرد دست خشک گفت  
۴ در میان بایست\* و بدیشان گفت آیا در روز سبت کدام جایز است نیکوئی کردن  
۵ یا بدی جائز نجات دادن یا هلاک کردن ایشان خاموش مانندند\* پس چشمان  
خود را برایشان با غضب کردانیک زیرآکه از سنک دلی ایشان هزون بود آن مرد

۶ کفت دست خودرا دراز کن پس دراز کرده دستش صحیح کشت \* در ساعت فریبیان پیرون رفته با هیرو دیان در باره او شوری غودند که چه طور اورا هلاک ۷ کنند \* و عیسی با شاکر کداش بسوی دریا آمد و کوهی بسیار از جلیل بعقب او ۸ روان نمودند \* واژ بهودیه واژ اور شلم و آذوبه و انظرف آژدن و از حواله صور ۹ و صیدون نیز جمی کثیر چون اعمال اورا شنیدند نزد وی آمدند \* و بشکر دان خود فرمود تا زورقی سبب جمعیت بجهة او نگاه دارند تا بروی از دحام نمایند \* ۱۰ زیرا که بسیار برا صحبت میداد بقیمه هر که صاحب دردی بود برا و هموم میاورد تا ۱۱ اورا لمس نماید \* و ارواح بلید چون اورا دیدند پیش او بروی درافتادند و فریاد ۱۲ کان میکفتند که تو پسر خدا هستی \* وایشان را بتاکد بسیار فرمود که اورا شهرت ۱۳ ندهند \* پس بر فراز کوهی برآمده هر کرا خواست بنزد خود طلبید وایشان ۱۴ نزد او آمدند \* و دوازده نفر را مقرر فرمود تا هر آنها او باشند و نا ایشان را بجهة وعظ ۱۵ نمودن بفرستند \* وایشان را قادر باشد که مریضان را شفا دهد و دیو هارا پیرون ۱۶ کنند \* و شعون را بطرس نام نهاد \* و بعقوب پسر زیدی و یوحنا برادر بعقوب \* ۱۷ این هر دو را بُوانْجَن یعنی پسران رعد نام کنار داد \* و اندریاس و فیلیپ و بیتو نما ۱۸ و معنی و توما و بعقوب بن حلئی و تدی و شعون قانونی \* و یهودی اختر بوطی که ۱۹ اورا تسلیم کرد و چون بخانه درآمدند باز جمی فرام آمدند بطوریکه ایشان ۲۰ فرصت نان خوردن هم نکردند \* و خویشان او چون شنیدند پیرون آمدند تا اورا ۲۱ بردارند زیرا کفتند بیخود شده است \* و کنانی که از اور شلم آمده بودند کفتند ۲۲ که بعلزبُول دارد و به یاری رئیس دیوها دیوها اخراج میکند \* پس ایشان را پیش طلبیت مَثَلِه زده بدیشان کفت چه طور میتواند شیطان را پیرون ۲۳ گند \* و اکر مملکتی برخلاف خود منقسم شود آن مملکت تواند پایدار بماند \* ۲۴ و هر کاه خانه بضد خوبی منقسم شد اخْتَانه نمیتواند استقامت داشته باشد \* و اکر شیطان با نفس خود مقاومت نماید و منقسم شود او نمیتواند قائم ماند بلکه هلاک ۲۵ میکردد \* و هیچ کس نمیتواند بخانه مرد زور آور درآمده اسباب اورا غارت نماید ۲۶ جزانکه اول آن زور آور را به بند و بعد ازان خانه اورا تاراج میکند \* هر آینه بشما ۲۷ میکوهم که همه کلامان از بنی آدم آمرزیک میشود و هر قسم کفر که کفته باشند \* لیکن

هر که بروح القدس کفر کوید نا ماید آمرزین نشد بلکه مستحق عذاب جاودانی  
 ۲۱ بود\* زیرا که میکفند روحی پلید دارد\* پس برادران و مادر او آمدند و پرورن  
 ۲۲ ایستاده فرستادند نا اورا طلب کنند\* آنکه جماعت کرد او نشسته بودند و بوی  
 ۲۳ کفتند اینک مادرت و برادرانت پرورن نرا میطلبند\* در جواب ایشان کفت  
 ۲۴ کیست مادر من و برادرانم کیاند\* پس برآنانیکه کرد وی نشسته بودند نظر انگنه  
 ۲۵ کفت ایناند مادر و برادرانم\* زیرا هر که اراده خدارا بجا آرد هان برادر و خواهر  
 و مادر من باشد\*

#### باب چهارم

- ۱ و باز بکاره دریا به نعلم دادن شروع کرد و جمع کثیر نزد او جمع شدند
- ۲ بطور یک بکشی سوار شد بردریا قرار کرفت و غایی آنجماعت بر ساحل دریا حاضر
- ۳ بودند\* پس ایشانرا بین‌الهای چیزهای بسیار می آموخت و در نعلم خود بدیشان
- ۴ کفت\* کوش کیرید اینک بر زکری مجعه خم پاشی پرورن رفت\* و چون خم
- ۵ می‌پاشید قدری بر راه ریخته شد مرغان هوا آمده آهارا بر چیدند\* و پاره بر سرکلاخ  
 پاشید شد در جایی که خاک بسیار نبود پس چونکه زمین عمق نداشت بزودی
- ۶ روئید\* و چون آفتاب برآمد سوخته شد وازان روک ریشه نداشت خشکید\*
- ۷ وقدری در میان خارها ریخته شد و خارها نتوکرده آنرا خفه نمود که نمی‌نایورد\*
- ۸ و مابقی در زمین نیکو افتاد و حاصل پیدا نمود که روئید و نتوکرده بار آورد بعضی
- ۹ سی و بعضی شست و بعضی صد\* پس کفت هر که کوش شنوا دارد بشود\*
- ۱۰ و چون بخلوت شد رفای او با آن دوازده شرح این مثلا را ازاو پرسیدند\*
- ۱۱ با ایشان کفت بشما داشتن سر ملکوت خدا عطا شون اما بآنایکه پرورند هم چیز بین‌الهای
- ۱۲ میشود\* نا نکران شد بنکرند و نه بینند و شنوا شد بشنوند و نفهمند می‌ادا باز کشت
- ۱۳ کرده کاهان ایشان آمرزین شود\* و بدیشان کفت آیا این این مثل را نفهمیده اید پس
- ۱۴ چکونه سایر مثلهارا خواهید فهمید\* بر زکر کلامرا میکارد\* و ایناند بکاره راه
- ۱۵ جاییکه کلام کاشته میشود و چون شنیدند فوراً شیطان آمده کلام کاشته شد در قلوب
- ۱۶ ایشانرا میریايد\* واپسًا کاشته شد در سرکلاخ کسانی میباشند که چون کلامرا
- ۱۷ بشنوند درحال آنرا بخوشی قبول کنند\* ولکن ریشه در خود ندارند بلکه فان

میباشد و چون صدمه یا زحمتی بسبب کلام روی دهد در ساعت لغزش میخوردند\*

۱۸ و کاشته شده در خارها آنانی میباشدند که چون کلام را شنوند\* اندیشه های دنبوی و غرور دولت و هوس چیزهای دیگر داخل شده کلام را خنثی میکند وین غریب کردد\*

۱۹ و کاشته شده در زمین نیکو آناند که چون کلام را شنوند آنرا می پذیرند و غریب آورند

۲۰ بعضی سی و بعضی صفت و بعضی صد\* پس بدیشان کفت آیا چرا غرا میآورند نا

۲۱ زیر پیمانه یا تخفی ونه بر جراحت دان کذارند\* زیرا که چیزی پنهان نیست که

۲۲ آشکارا نکردد و هیچ چیز حقیقی نشود مگر تا بظهور آید\* هر که کوش شنوا دارد

۲۳ بشنود\* و بدیشان کفت با حذر باشید که چه میشنوید زیرا هر میزانی که وزن

۲۴ کبد بشما پس موده شود بلکه از برای شما که میشنوید افزون خواهد کشت\* زیرا هر که دارد بدو داده شود و از هر که ندارد آنچه نیز دارد سکرفه خواهد شد\*

۲۵ و کفت همین ملکوت خدا مانند کمی است که غم بر زمین یافشاند\* و شب و روز بخواهد و برخیزد و غم برآید و غم کند چگونه او نداند\* زیرا که زمین بذات خود غریب میآورد اول علف بعد خوش پس از آن دانه کامل در خوش\* و چون غر

۲۶ رسید فوراً داس را بکار میبرد زیرا که وقت حصاد رسید است\* و کفت بهجه چیز

۲۷ ملکوت خدارا نشیه کنم و برای آن چه مُلَّ بزنیم\* مثل دانه خردلیست که

۲۸ و قنیک آنرا بر زمین کارند کوچکترین خدمهای زمینی باشد\* لیکن چون کاشته شد میروید و بزرگتر از جمیع بقول میکردد و شاخه های بزرگ میآورد چنانکه مرغان

۲۹ هوا زیر سایه اش میتوانند آشیانه کیرند\* و بینهای بسیار مانند اینها بقدرتی که

۳۰ استطاعت شنیدن داشتند کلام را بدیشان بیان مفروضند\* و بدون مثل بدیشان سخن نکفت لیکن در خلوت تمام معانی را برای شاکر دان خود شرح مینمود\*

۳۱ و در هان روز وقت شام بدیشان کفت بکاره دیگر عبور کنم\* پس چون آنکه در روز

۳۲ اکروورا رخصت دادند اورا هان طوری که در کنیتی بود برداشتند و چند زورق دیگر نیز همراه او بود\* که ناکاه طوفانی عظم ازیاد پدید آمد و امواج برکشی میخورد

۳۳ بقیمیک بر میکشت\* وا در موخر کنیتی بر بالش خنثی بود پس اورا پیدار کرده

۳۴ کفتند ای استاد آیا ترا باکی نیست که هلاک شوم\* در ساعت او برخاسته بادرانه بیهوده داد و بترا کفت ساکن شو و خاموش باش که ماد ساکن شده آرای کمل

۴. پدید آمد\* واشانرا کفت از هر چه چنین ترسانید و چونست که ایمان ندارید\*
۵. پس بی نهایت ترسان شد پیک دیگر کفتند این کشت که باد و دریا هم اورا  
اطاعت میکند\*

## باب پنجم

۱. پس با آن کاره دریا نا بسر زمین جدّیان آمدند\* و چون از کشته بیرون آمد  
۲. فی الفور شخصیکه روحی پلید داشت از قبور بیرون شد بدو برخورد\* که در قبور  
۳. ساکن مبود و هیچکس به زنگیرها هم نمیتوانست اورا بند نماید\* زیرا که بارها اورا  
۴. بکندها وزنگیرها بسته بودند وزنگیرها را کشته و کندهارا شکسته بود واحدش  
۵. نمیتوانست اورا رام نماید\* و پیوسته شب و روز در کوهها و قبرها فرباد میزد و خود را  
۶. بسنکها محروم میساخت\* چون عیسی را از دور دید دوان دوان آمده اورا سمع  
۷. کرد\* و با او از بلند صیغه زده کفت ای عیسی پسر خدای تعالی مرا با نو چه کار است  
۸. ترا بخدا قسم میدم که مرا معذّب نسازی\* زیرا بدو کنته بود ای روح پلید  
۹. از این شخص بیرون یا\* پس ازاو پرسید اسم تو چیست بوی کفت نام من نمیگنون  
۱۰. است زیرا که بسیارم\* پس بدو التماں بسیار نمود که ایشان را ازان سر زمین  
۱۱. بیرون نکند\* و در حوالی آن کوهها کله کراز بسیاری میگرد\* و همه دیوها ازوی  
۱۲. خواهش نموده کفتند مارا بکرازها بفرست نا در آنها داخل شوم\* فوراً عیسی  
۱۳. ایشانرا اجازت داد پس آن ارواح خبیث بیرون شد بکرازان داخل کفتند و آن  
۱۴. کله از بلندی بدریا جست و فربی بدو هزار بودند که در آب خنه شدند\* و خوک  
بانان فرار کرده در شهر و مزرعه ها خبر میدادند و مردم بجهة دیدن آن ماجرا بیرون  
۱۵. شافتد\* و چون نزد عیسی رسید آن دیوانه را که نمیگنون داشته بود دیدند که  
۱۶. نشسته و لباس پوشید و عاقل گشته است بترسیدند\* و آنانیکه دید بودند  
۱۷. سرکنشد دیوانه و کرازان را بدیشان باز کفند\* پس شروع بالتماس نمودند که  
۱۸. از حدود ایشان روانه شود\* و چون بکشی سوار شد آنکه دیوانه بود ازوی  
۱۹. استدعا نمود که با وی پاشد\* اما عیسی ویرا اجازت نداد بلکه بدو کفت بخانه  
نزد خویشان خود برو و ایشانرا خبر ده از آنچه خداوند با تو کرده است و چکونه  
۲۰. بتورم نموده است\* پس روانه شد در دیگلوبولس بالغه عیسی با وی کرده موعظه

- ۲۱ کردن آغاز نمود که همه مردم منجذب شدند \* و چون عیسی باز پا نظرف  
 ۲۲ در کنیتی عبور نمود مردم بسیار بروی جمع کشتند و بر کاره در ربا بود \* که ناکاه یکی  
 ۲۳ از روایتی کیسه با پرس نام آمد و چون او را بدل بر پایه ایش افراحته \* بدرو التاس  
 بسیار نموده کفت نفس دخترک من با آخر رسیده بیا و براو دست کدار تا شفا یافته  
 ۲۴ زیست کنند \* پس با او روانه شد خلق بسیاری نیز ازیزی او افتاده بروی از دحام  
 ۲۵ مینمودند \* آنکاه زنی که مدت دوازده سال به استحصاله مبتلا می‌بود \* وزحمت  
 بسیار از اطبای متعدد دیگ و آنچه داشت صرف نموده فائنه نیافت بلکه بدتر می‌شد \*  
 ۲۶ چون خبر عیسی را بشنید میان آنکوه از عقب وی آمد ردای او را لمس نمود \*  
 ۲۷ زیرا کتفه بود آکر لباس و براهم لمس کنم هر آینه شفا یام \* در ساعت چشمۀ خون  
 ۲۸ او خشک شد در تن خود فهمید که ازان بلا صحّت یافته است \* فی الفور عیسی  
 از خود دانسته قوتی ازاو صادر کشته پس در آنجماعت روی بر کردانیه کفت  
 ۲۹ کبست که لباس مرا لمس نمود \* شاکر داش بدو کفتند می‌بینی که مردم بر تو از دحام  
 ۳۰ مینایند و می‌کوئی کبست که مرا لمس نمود \* پس با اطراف خود مینگریست نا آنزن را  
 ۳۱ که این کار کرده به ییند \* آنزن چون دانست که بروی چه واقع شد ترسان ولرزان  
 ۳۲ آمد و نزد او بروی در افراحته حقیقت امر را بال تمام بروی باز کفت \* او و برا کفت  
 اید خر ایمان نرا شفا داده است بسلامتی برو واژ بلای خوبیش رستکار باش \*  
 ۳۳ او هنوز سخن می‌کفت که بعضی از خانه رئیس کیسه آمد کفند دختر فوت شد  
 ۳۴ دیگر برای چه استادرا زحمت میدهی \* عیسی چون سخنیرا که کتفه بودند شدید  
 ۳۵ در ساعت بر رئیس کیسه کفت مدرس ایمان آور وس \* و جز پطرس و یعقوب  
 ۳۶ و یوحنا برادر یعقوب هیچ کس را اجازت نداد که از عقب او یایند \* پس چون  
 ۳۷ بخانه رئیس کیسه رسیدند جمی شویله دید که کربه و نوحة بسیار مینمودند \*  
 ۳۸ پس داخل شد بدیشان کفت چرا غوغاء و کربه می‌کنید دختر نموده بلکه در  
 ۳۹ خواب است \* ایشان بروی سخریه کردند لیکن او هم را بیرون کرده پدر و مادر  
 ۴۰ دختر را با رفیقان خوبیش برداشتند بجا تکه دختر خوابید بود داخل شد \* پس  
 ۴۱ دست دختر را کرفته بروی کفت طلبنا قومی که معنی آن این است اید خر نرا  
 ۴۲ می‌کنم بر خیز \* در ساعت دختر بر خاسته خرامید زیرا که دوازده ساله بوده ایشان

۴۲ بی نهایت متوجه شدند \* پس ایشان را باکید بسیار فرمود کسی از این امر مطلع نشد و گفت تا خوراکی بدو دهند \*

### باب ششم

- ۱ پس از آنها روانه شد بوطن خویش آمد و شاکرداش از عقب او آمدند \*
- ۲ چون روز سبت رسید در کیسه تعلم دادن آغاز نمود و بسیاری چون شنیدند حیران شدند از کجا بدین شخص این چیزها رسید و این چه حکمت است که با او عطا شد است که چنین معجزات از دست او صادر میکردد \* مگر این نیست نجات سر مردم و برادر بعقوب و بوشا و بهودا و شمعون و خواهران او اینجا نزد ما
- ۳ نمیباشدند وازاو لغزش خوردند \* عیسی ایشانرا گفت نبی بی محنت نباشد جزر وطن خود و میان خوبشان و در خانه خود \* و در آنها همچو معجزه نتوانست نمود جزاینکه
- ۴ دستهای خود را بر چند مریض نهاده ایشانرا شفای داد \* واژ بی ایمانی ایشان متوجه شد دردهات آنحوالی کشته تعلم هیداد \*
- ۵ پس آن دوازده را پیش خوانده شروع کرد بفرستادن ایشان جفت ایشانرا بر ارواح پلید قدرت داد \*
- ۶ وایشانرا قدغن فرمود که جز عصا فقط همچو چیز بر زندارید نه توشه دان و نه بول
- ۷ در کمر بند خود \* بلکه موزه دریا کید و دو قای در بر نگذید \* و بدینسان گفت
- ۸ درم جا داخل خانه شوید در آن مانند تا از آنها کوچ کید \* و هم جا که شمارا قبول نکند و سخن شما کوش نکرند از آن مکان بپرون رفه خاک پایهای خود را پنهان نمایند تا بر آنها شهادتی کردد هر آینه بشما میکوم حالت سدوم و غمراه در روز
- ۹ جزا از آن شر سهل تر خواهد بود \* پس روانه شد موعظه کردند که نوبه کنند \*
- ۱۰ و بسیار دیوهارا بپرون کردند و مریضان کثیر را رو غن مالین شفا دادند \*
- ۱۱ و هرودیس پادشاه شنید زیرا که ام او شهرت باقه بود و گفت که بمحی تعبد
- ۱۲ دهنه از مردکان برخاسته است وازاین جهه معجزات ازاو بظهور میاید \* اما بعضی
- ۱۳ گفتند که الیاس است و بعضی گفتند که بنی است با چون یعنی از اینها \* اما
- ۱۴ هرودیس چون شنید گفت این همان بمحی است که من سرش را از تن جدا کردم که
- ۱۵ از مردکان برخاسته است \* زیرا که هرودیس فرستاده بمحی را کرفتار نموده اورا

در زندان بست بخاطر هیرو دیا زن برادر ا او فلیس که اورا در نکاح خویش آورده  
 ۱۸ بود \* از آتجهه که بجهی به هیرو دیس گفته بود نکاه داشتن زن برادرت بر تو روا  
 ۱۹ نیست \* پس هیرو دیا ازاو کینه داشته بخواست اورا بقتل رساند اما نمیتوانست \*  
 ۲۰ زیرا که هیرو دیس از بجهی میترسید چونکه اورا مرد عادل و مقدس میدانست  
 و رعایتش مینمود و هر کاه ازاو میشنید بسیار بعمل میآورد و بخوشی سخن اورا اصغا  
 ۲۱ مینمود \* اما چون هنکام فرصت رسید که هیرو دیس در روز میلاد خود امرای  
 ۲۲ خود و سرتیبان و روسای جلیل را ضیافت نمود \* و دختر هیرو دیا مجلس در آمد  
 رقص کرد و هیرو دیس واهل مجلس را شاد نمود پادشاه بدان دختر گفت آتجه خواهی  
 ۲۳ از من بطلب تا بتودم \* وازیرای او قسم خورد که آتجه از من خواهی حتی نصف  
 ۲۴ مُلک مرا هر آیه بتو عطا کنم \* او پیرون رفته بهادر خود کفت چه بطلم \* گفت  
 ۲۵ سر بجهی تعیید دهندرَا \* در ساعت بحضور پادشاه در آمد خواهش نموده کفت  
 ۲۶ مینوام که آآن سر بجهی تعیید دهندرَا در طبقی ین عنایت فرمائی \* پادشاه بشدت  
 محزون کشت لیکن بجهه پاس قسم و خاطر اهل مجلس بخواست اورا محروم نماید \*  
 ۲۷ پدر نک پادشاه جلادی فرستاده فرمود تا سرش را پیاورد \* و او بزندان رفته سر  
 اورا از تن جدا ساخته و بر طبقی آورده بدان دختر داد و دختر آنرا بهادر خود  
 ۲۸ سپزد \* چون شاکر داش شنیدند آمدند و بدن اورا برداشته دفن کردند \*  
 ۲۹ و رسولان نزد عیسی جمع شدند از آتجه کرده و نعلم داده بودند اورا خبر دادند \*  
 ۳۰ بدپشان گفت شما بخطوت جمای ویران پیاورد و اندکی استراحت نهاید زیرا آمد و رفت  
 ۳۱ چنان بود که فرصت نان خوردن نیز نکردند \* پس به تنهای در کشی موضوعی  
 ۳۲ ویران رفتند \* و مردم ایشان روانه دین بسیاری اورا شناختند و از جمع شهرها  
 ۳۳ برخشکی بدان سو شافندند و از ایشان سبقت جسنه نزد وی جمع شدند \* عیسی  
 ۳۴ پیرون آمد کروهی بسیار دین برایشان ترجم فرمود زیرا که چون کوسفندان بیشان  
 ۳۵ بودند و بسیار به ایشان تعلم دادن گرفت \* و چون پیشتری از روز سپری گشت  
 ۳۶ شاکر داش نزد وی آمد کنند این مکان ویرانه است وقت منقضی شد \* ایهارا  
 رخصت ده تا به اراضی و دهات این نواحی رفته نان بجهه خود بخزند که هیچ  
 ۳۷ خوراکی ندارند \* در جواب ایشان گفت شما ایشان را غذا دهیده و برا کنند مگر

۲۸ رفته دویست دینار نان بخزم تا اینهارا طعام دهم \* بدیشان کفت چند نان دارید  
 ۲۹ رفته خفیق کید پس دریافت کرده کفتند پنج نان و دو ماهی \* آنکاه ایشانرا  
 ۴ فرمود که هم را دسته برسینه بنشانید \* پس صف صد صد و پنجاه پنجاه  
 ۱۴ نشستند \* و آن پنج نان و دو ماهی را کرفته بسوی آسیان نکریسته برکت داد و نازرا  
 پاره نموده بشاکردن خود بسپرد تا پیش آنها بگذارند و آن دو ماهی را بر همه آنها  
 ۴۵ نقسم نمود \* پس جمیعاً خورده سیر شدند \* واخورد های نان و ماهی دوازده  
 ۴۶ سبد پر کرده برداشتند \* و خورندها نان فربیب به پنج هزار مردم بودند \*  
 ۴۷ فی الفور شاکردن خود را الحاج فرمود که بکشی سوار شد پیش ازاو به بیت صیدا  
 ۴۸ عبور کنند تا خود آنچه اعتراف مخصوص فرماید \* و چون ایشارا مخصوص نمود مجده  
 ۴۹ عبادت بفراز کوهی برآمد \* و چون شام شد کشی در میان دریا رسید واونها  
 ۵۰ برخشکی بود \* وایشانرا در راندن کشی خسته بد زیرا که با دخال فرایشان  
 ۵۱ میوزید پس نزدیک پاس چهارم از شب بردریا خرامان شد بنزد ایشان آمد  
 ۵۲ و خواست از ایشان بگذرد \* اما چون او را بردریا خرامان دیدند نصیر نمودند که  
 ۵۳ این خیالی است پس فرباد برآورندند \* زیرا که هه او را بدین مضطرب شدند پس  
 ۵۴ بین درنک بدیشان خطاب کرده کفت خاطر جمع دارید من هست نرسان مباشد \*  
 ۵۵ و تنازد ایشان بکشی سوار شد باد ساکن کرد بد چنانکه بی نهایت در خود مغیر  
 ۵۶ و منجب شدند \* زیرا که معجزه نان را در ک نکرده بودند زیرا دل ایشان سخت  
 ۵۷ بود \* پس از دریا کشته بسر زمین جنیسارت آمن لئک انداختند \* و چون از کشی  
 ۵۸ پرون شدند مردم در حال اورا شناختند \* و در همه آن نولی بشتاب میگشند  
 ۵۹ و بیماران را برخنخنها نهاد هرجا که میشنبندند که او در آنها است می آورندند \* و هر  
 ۶۰ جائیکه بد هات یا شهرها یا اراضی میرفت می پسانرا بر راهها میگذارند و ازاو  
 ۶۱ خواهش مینمودند که محض دلمن ردای او را لمس کند و هر که آنرا لمس میگرد  
 شفایی یافت \*

### باب هفتم

۱ و فریسان و بعضی کاتبان ازاور شلم آمه نزد او جمع شدند \* چون بعضی  
 از شاکردن او را دیدند که با دستهای نایاک بعنی ناشسته نان میخورند ملامت نمودند \*

- ۳ زیرا که فریسان و هیه بیهود نمیگردند مشایعه نموده تا دستهارا بدقت نشویند
- ۴ غذا نمیخورند\* و چون از بازارها آیند تا نشویند چیزی نمیخورند و بسیار رسم دیگر
- ۵ هست که نکاه میدارند چون شستن پیالهها و آفتابهها و ظروف میں و کرسیها\*
- ۶ پس فریسان و کابان ازاو برسیدند چونست که شاکرداش تو بتقلید مشایعه سلوک
- ۷ نمینایند بلکه بستهای ناپاک نان میخورند\* در جواب ایشان کفت نیکو اخبار
- ۸ نمود اشیاء درباره شما ای ریاکاران چنانکه مکتوب است این قوم بلبهای
- ۹ خود مرا حرمت میدارند لیکن دلشان از من دور است\* پس مرا عبث عبادت
- ۱۰ مینایند زیرا که رسم انسانی را بجا فرایض تعلم میدهند\* زیرا حکم خدارا نزک
- ۱۱ کرده تقلید انسانرا نکاه میدارند چون شستن آفتابهها و پیالهها و چین رسم دیگر
- ۱۲ بسیار بعل میآورید\* پس بدیشان کفت که حکم خدارا نیکو باطل ساخته اید
- ۱۳ تا تقلید خودرا حکم بدارید\* از اینجه که موسی کفت پدر و مادر خود را حرمت
- ۱۴ دار و هر که پدر یا مادر را دشنام دهد البته هلاک کردد\* لیکن شما میکوئید که
- ۱۵ هر کاه شخصی به پدر یا مادر خود کوید آنچه از من نفع یابی فریان یعنی هدیه برای
- ۱۶ خداست\* و بعد ازین اورا اجازت نمیدهد که پدر یا مادر خود را همچ چیز خدمت
- ۱۷ کند\* پس کلام خدارا بتقلیدی که خود جاری ساخته اید باطل میسازید و کارهای
- ۱۸ مثل این بسیار بجا میآورید\* پس آنچه اعمت را پیش خوانن بدیشان کفت همه شما
- ۱۹ بن کوش دهید و فهم کنید\* همچ چیز نیست که از پیرون آدم داخل او کشته
- ۲۰ بتواند اورا نجس سازد بلکه آنچه از درونش صادر شود آنست که آدم را ناپاک
- ۲۱ میسازد\* هر که کوش شنوا دارد بشنود\* و چون از نزد جماعت بجهانه درآمد
- ۲۲ شاکرداش معنی مثل را ازاو برسیندند\* بدیشان کفت مکر شا نیز همین بنی فرم
- ۲۳ هستید و نمیدایند که آنچه از پیرون داخل آدم میشود نمیتواند اورا ناپاک سازد\*
- ۲۴ زیرا که داخل دلش نمیشود بلکه بشکم میرود و خارج میشود پر زیله که این همه
- ۲۵ خواراکرا پاک میکند\* و کفت آنچه از آدم پیرون آید آنست که انسانرا ناپاک
- ۲۶ میسازد\* زیرا که از درون دل انسان صادر میشود خیالات بد وزنا و فسق وقتل
- ۲۷ و دزدی\* و طمع و خباثت و مکروهیوت پرستی و جسم بد و کفر و غرور و جهالت\*
- ۲۸ غایی این چیزهای بد از درون صادر میکردد و آدم را ناپاک میکرداشد\*

۳۲ پس از آنچه برخاسته بمحوال صور و صیدون رفته بجانه درآمد و خواست که  
 ۳۵ هیچکس مطلع نشود لیکن شوانت هنقی ہاند \* ازانرو که زنی که دخترک وی روح  
 ۳۶ پلید داشت چون خبر اورا بشنید فوراً آمده بربایهای او افتاد \* واو زن بونانی  
 از اهل فینیقیه صوریه بود پس ازوی استدعا نمود که دبورا از دخترش پرون  
 ۳۷ کند \* عبسی ویرا کفت بکذار اول فرزندان سر شوند زیرا نان فرزندان را کفرن  
 ۳۸ و پیش سکان انداختن نیکو نیست \* آن زن در جواب وی کفت می خداوند  
 ۳۹ زیرا سکان نیز پس خوردهای فرزندان را از زیر سفن مینورند \* ویرا کفت مجده  
 ۴۰ اینچن برو که دیو از دخترت پرون شد \* پس چون بجانه خود رفت دبورا  
 ۴۱ پرون شد و دختر را برستر خواهی بافت \* و باز از نواحی صور روانه شد  
 ۴۲ از راه صیدون در میان حدود دیگاریلین بدرنای جلیل آمد \* آنکاه کزیرا که  
 ۴۳ لکت زبان داشت نزد وی آورده النام کردند که دست براو کذارد \* پس  
 اورا از میان جماعت بخطوت برده انکشان خود را در کوشاهی او کذاشت و آب  
 ۴۴ دهان انداخته زیانش را لمس نمود \* ویسوی آیان نکرسته آهی کشید و بد و کفت  
 ۴۵ آفعه بعی باز شو \* در ساعت کوشاهی او گشاده و عفنه زیانش حل شد  
 ۴۶ بد و سی نکلم نمود \* پس ایشان را قدم غرف فرمود که هیچکن را خبر ندهند لیکن  
 ۴۷ چند آنکه پیشتر ایشان را قدم غرف نمود زیادتر اورا شهرت دادند \* وی هایت مغیر کفته  
 میگفتند همه کارهارا نیکو کرده است کزانرا شنوا و کنکانرا کوپا میکردند \*

### باب هشتم

۱ و در آن آیام باز جمعیت بسیار شد و خوراکی نداشتند \* عبسی شاکر دان خود را  
 ۲ پیش طلیبه بایشان کفت \* براین کروه دلم سوخت زیرا آن سه روز است که  
 ۳ با من میباشند و هیچ خوراک ندارند \* و هر کاه ایشان را کرسته بجانه های خود  
 بر کردن آن هر آینه در راه ضعف کنند زیرا که بعضی از ایشان از راه دور آمدند \*  
 ۴ شاکر دانش ویرا جواب دادند از چیز کسی میتواند ایهارا درین صحراء از نان سر  
 ۵ کر داند \* از ایشان پرسید چند نان دارید کفتند هفت \* پس جماعت را فرمود  
 تا بر زمین پنشینند و آن هفت نان را کرته شکر نمود و پاره کرده بشاکر دان خود داد

- ۷ تا پیش مردم گذارند پس نزد آنکروه نهادند\* و چند ماهی کوچک نیز داشتند  
 ۸ آنها را نیز برکت داده فرمود تا پیش ایشان نهند\* پس خورده سیر شدند و هفت  
 ۹ زنبیل بر ازیارهای باقی مانده برداشتند\* عدد خورندها کمتر بچهار هزار بود  
 ۱۰ پس ایشانرا مرخص فرمود\* و بی درنگ با شاکرداش بکشی سوار شد بنواحی  
 ۱۱ دلائوئنه آمد\* و فریسان بیرون آمد با اوی همراه شروع کردند و از راه امتحان  
 ۱۲ آنی آسمانی ازاو خواستند\* او از دل آهی کشید کفت از برای چه اینفره آنی  
 ۱۳ میخواهند هر آینه بشما میکوم آبی بدبینفرقه عطا مخواهد شد\* پس ایشانرا گذارد  
 ۱۴ و باز بکشی سوار شد بکناره دیگر عبور نمود\* و فراموش کردند که نان  
 ۱۵ بردازند و با خود درکشی جز بک نان نداشتند\* آنکاه ایشانرا قدر غم فرمود  
 ۱۶ که با خبر باشد و از خمیر مایه فریسان و خمیر مایه هیرو دیس احنجاط کید\* ایشان  
 ۱۷ با خود اندیشید کفتند از آنست که نان ندارم\* عیسی فم کرده بدیشان کفت  
 چرا فکر میکید از آنجهه که نان ندارده آبا هنوز نهیم و درک نکرده اید و تا حال  
 ۱۸ دل شما سخت است\* آبا چشم داشته نمیبینید و کوش داشته نمیشنود و بیاد ندارید\*  
 ۱۹ وقتیکه بعث نازرا برای بچههار نفر پاره کرد چند سبد بر ازیارها برداشته بدو  
 ۲۰ کفتند دوازده\* وقتیکه هفت نان را بهجهه چهار هزار کس پس چند زنبیل بر  
 ۲۱ از زینه ها برداشته کشندش هفت\* پس بدیشان کفت چرا نمیبینید\* چون  
 بهیت صیدا آمد شخصی کوررا نزد او اوردنده والهاس نمودند که او را لمس نماید\*  
 ۲۲ پس دست آن کوررا کرفه اورا از فره بیرون برد و آب دهان برجشان او افکن  
 ۲۳ و دست بر او گذارده ازاو پرسید که چیزی میبینی\* او بالا نکرسته کفت مردم ازرا  
 ۲۴ خرامان چون درخنا میبینی\* پس بار دیگر دستهای خود را برجشان او گذارده  
 ۲۵ اورا فرمود تا بالا نکرست و صحیح کشته هه چیز را بخوبی دید\* پس اورا بخانه اش  
 ۲۶ فرستاده کفت داخل ده مشو و هیچکس را در آن جا خبر نمک\* و عیسی با  
 ۲۷ شاکرداش خود بدھات قبصه فلپس رفت و در راه از شاکرداش پرسید کفت  
 ۲۸ که مردم مرآکه میدانند\* ایشان جواب دادند که بعضی تعید دهند و بعضی الیاس  
 ۲۹ و بعضی یکی ازانیا\* او از ایشان پرسید شما مرآکه میدانید پطرس در جواب او  
 ۳۰ کفت تو مسجع هستی\* پس ایشانرا فرمود که هیچکس را ازاو خبر ندهند\* آنکاه

ابشارنا تعلم دادن آغاز کرد که لازم است پسر انسان بسیار زحمت کند و از مشاجع  
 ۲۲ و رؤسای کوهه و کانیان رد شود و کشته شد بعد از سه روز برخیزد \* و چون این  
 ۲۳ کلام را علایه فرمود پطرس او را اکرفة بین کردن شروع نمود \* اما او برکشته  
 بشاکردان خود نگریسته پطرس را نهیب داد و کفت ای شیطان از من دور شو زیرا  
 ۲۴ امور الهی را اندیشه نمیکن بلکه چیزهای انسانی را \* پس مردم را با شاکردان خود  
 خواند کفت هر که خواهد از عقب من آید خوبشتن را انکار کند و صلب خود را  
 ۲۵ برداشته مرا منابعت نماید \* زیرا هر که خواهد جان خود را نجات دهد آنرا هلاک  
 ۲۶ سازد و هر که جان خود را مجده من و انجیل برباد دهد آنرا برها ند \* زیرا که شخص را  
 ۲۷ چه سود دارد هر کاه تمام دنیارا ببرد و نفس خود را بیازد \* با آنکه آدمی چه  
 ۲۸ چیز را بعوض جان خود بددهد \* زیرا هر که در اینفرقت زناکار و خطاکار از من  
 و محظی من شرمند شود پسر انسان نیز و قبیکه با فرشتگان مقدس در جلال پدر  
 خوبش آبد ازا او شرمند خواهد کرد بد \*

## باب نهم

- ۱ و بدیشان کفت هر آینه بشما مبکوم بعضی از استادگان در اینجا میباشد که نا
- ۲ ملکوت خدارا که بقوت مباید نهینند ذاته موترا خواهد چشید \* و بعد از شش
- روز عیسی پطرس و بقیه و بوحترارا برداشته ابشارنا تها بر فراز کوهی مخلوقت برد
- ۴ و هیئتی در نظر ایشان متغیر کشت \* ولیاس او در خشان و چون برف بغايت
- ۵ سفید کرد بد چنانکه هیچ کازری بر روی زمین نمیتواند چنان سفید نماید \* والیاس
- ۶ با موسی برایشان ظاهر شد با عیسی کتفکو مبکرند \* پس پطرس ملتنت شد
- ۷ به عیسی کفت ای استاد بودن ما در اینجا نیکو است پس سه سایبان میسازم بکی برای
- ۸ تو و دیگری برای موسی و سیمی برای. الیاس \* از آنروکه نمیدانست چه بکوید
- ۹ چونکه هر اسان بودند \* ناکاه ابری برایشان سایه انداخت و آوازی ازابر در رسید
- ۱۰ که اینست پسر حیب من ازاو بشنوید \* درساعت کرد آکرد خود نگریسته جز
- ۱۱ عیسی تها با خود هیچکس را ندیدند \* و چون از کوه بزیر میآمدند ابشارنا قدیمن
- ۱۲ فرمود که نا پسر اسان از مردگان برخیزد از آینه دین اند کسیرا خبر ندهند \* و این

سخرا در خاطر خود نکاه داشته از یک دیگر سؤال میکردند که برخاستن از مردکان  
 ۱۱ چه باشد\* پس ازاو استفسار کرده گفتند چرا کتابان میکویند که الیاس باید اول  
 ۱۲ باید\* او در جواب ایشان گفت که الیاس الله اول باید و هه چیزرا اصلاح  
 مینماید و چونه در باره پسر انسان مکتوبست که مباید رحمت بسیار کشد و خیر  
 ۱۳ شمرده شود\* لیکن بشما میکویم که الیاس هم آمد و با وی آنچه خواستند کردند  
 ۱۴ چنانچه در حق وی نوشته شد است\* پس چون نزد شاکردان خود رسید  
 جمعی کثیر کرد ایشان دید و بعضی از کتابانرا که با ایشان مباحثه میکردند\*  
 ۱۵ در ساعت غامی خلق چون اورا بدیدند در حیرت افتدند و دوان دوان آمده اورا  
 ۱۶ سلام دادند\* آنکاه از کتابان پرسید که با اینها چه مباحثه دارید\* بکی از آن  
 ۱۷ میان در جواب گفت ای استاد پسر خود را نزد تو آوردم که روحی کلک دارد\*  
 ۱۸ و هر جا که اورا بکرید میانداردش چنانچه کف برآورده دندانها بهم میساید و خشک  
 ۱۹ میکردد پس شاکردان نورا کتم که اورا بپرون کند توانستند\* او ایشانرا جواب  
 داده گفت ای فرقه بی ایمان تاکی با شما باش و نا چه حد مخلل شا شوم اورا نزد  
 ۲۰ من آورید\* پس اورا نزد وی آورده شد چون اورا دید فورا آنروح اورا مصروف  
 ۲۱ کرد تا بزمین افتاده کف برآورد و غلطان شد\* پس از پدر وی پرسید چند  
 ۲۲ وقت است که اورا ایختالت است گفت از طفولیت\* و بارها اورا در آتش و در آب  
 انداخت تا اورا هلاک کند حال آنکه میتوانی برم اترخم کرده مارا مدد فرما\*  
 ۲۳ عیسی ویرا گفت آنکه میتوانی ایمان آری مؤمن را همه چیز ممکن است\* در ساعت  
 پدر طفل فربیاد برآورده کریه کنان گفت ایمان میآورم اینجا وند بی ایمانی مرا امداد  
 ۲۵ فرما\* چون عیسی دید که کروی کرد او بشتاب میایند روح پلیدرا نهیب داده  
 بوی فرمود ای روح کلک و کرمن ترا حکم میکم ازاو در آی و دیگر داخل او مشو\*  
 ۲۷ پس صحیه زده واورا بشدت مصروف نموده بپرون آمد و مانند مرده گشت چنانکه  
 ۲۸ بسیاری گفتند که فوت شد\* اما عیسی دستش را کرفته برخیزاندش که برای  
 ۲۹ ایستاد\* و چون بخانه درآمد شاکرداش در خلوت ازاو پرسیدند چرا ما توانستم  
 اورا بپرون کنم\* ایشانرا گفت این جنس بیهیچ وجه بپرون نمیرود جز بدعا\*  
 ۳۰ و از آنچه روانه شد در جلیل میکشند و نیغواست کی اورا بشناسد\* زیرا که

شاکر دان خود را اعلام فرموده میگفت پسر انسان بست مردم تسلیم میشود و اورا  
 ۲۳ خواهد کشت و بعد از مقتول شدن روز ستم خواهد برخاست \* اما این سخنرا  
 ۲۴ درک نگردند و نرسیدند که ازاو ببرستد \* ووارد کفرناحوم شد چون بخانه  
 ۲۵ درآمد از ایشان پرسید که درین راه با یک دیگر چه میباخه میگردید \* اما ایشان  
 خاموش ماندند از آنجا که در راه با یک دیگر کتفکو میگردند در اینکه کیست  
 ۲۶ بزرگتر \* پس نشسته آن دوازده را طلیل بدیشان کفت هر که میخواهد مقدم باشد  
 ۲۷ مُؤخر و غلام هه بود \* پس طفل را برداشته در میان ایشان بربا نمود و اورا  
 ۲۸ عذرآغوش کشیدن باشان کفت \* هر که بک از این کودکانرا با اسم من قبول کند مرا  
 بپسند کرده است و هر که مرا پذیرفت نه مرا بلکه فرستنده مرا پذیرفته باشد \* آنکه  
 بوحنا ملتفت شد بدو کفت ای استاد شخصی را ذبیلم که بنام تو دیوها بیرون میگرد  
 ۲۹ و متابعت ما نمیبود و چون متابعت نمایمکد اورا مانع نمودم \* عبسی کفت  
 اورا منع مکنید زیرا هیچکس نیست که مجتمع بنام من بباید و بتواند بزودی در حق  
 ۳۰ من بد کوید \* زیرا هر که ضید ما نیست با ماست \* و هر که شمارا از این رونکه از آن  
 سمع هستید کاسه آب باس من بنوشاند هر آینه بشما میکوم اجر خود را ضاع خواهد  
 ۳۱ کرد \* و هر که بک از این کودکانرا که بن ایمان آورند لغزش دهد اورا بهتر است  
 ۳۲ که سنک آسیانی برکردنش او بخنه در دریا انکنک شود \* پس هر کاه دست نرا  
 بلغزاند آنرا ببر زیرا ترا بهتر است که شل داخل حیات شوی از آینکه با دو دست  
 ۳۳ وارد جهنم کردی در آتش که خاموشی نهیدرید \* جانیکه کزم ایشان نمود و آتش  
 ۳۴ خاموشی پذیرید \* و هر کاه پایت نرا بلغزاند قلعش کن زیرا ترا مفیدتر است که  
 لئنک داخل حیات شوی از آنکه با دو پا به جهنم افکن شوی در آتش که خاموشی  
 ۳۵ نهیدرید \* آنچه اینکه کزم ایشان نمود و آتش خاموش نشود \* و هر کاه چشم تو نرا  
 لغزش دهد قلعش کن زیرا ترا بهتر است که با یک چشم داخل ملکوت خدا  
 ۳۶ شوی از آنکه با دو چشم در آتش جهنم انداخه شوی \* جانیکه کزم ایشان نمود  
 ۳۷ و آتش خاموشی نیابد \* زیرا هر کس بآنکه نمیکن خواهد شد و هر قبایل بنهک نمیکن  
 ۳۸ میگردد \* نهک نیکو است لیکن هر کاه غلک فاسد کردد بجه جیز آنرا اصلاح میگردد  
 پس در خود غلک بدارید و با یکدیگر صلح نمایید \*

## باب دم

- ۱ وا ز آنچا برخاسته از آنطرف اردن بنواحی یهودیه آمد و کروهی باز نزد وی جمع  
 ۲ شدند و او بحسب عادت خود باز بدیشان تعلم میداد \* آنکاه فریسیان پیش  
 ۳ آمن از روی امتحان ازاو سؤال نمودند که آیا مردرا طلاق دادن زن خوبش جایز  
 ۴ است \* در جواب ایشان کفت موسی شمارا چه فرموده است \* کفتند موسی  
 ۵ اجازت داد که طلاق نامه بنویسند و رها کنند \* عیسی در جواب ایشان کفت  
 ۶ بسبب سنگلی شما این حکم را برای شما نوشتم \* لیکن از ابتدای خلقت خدا  
 ۷ ایشانرا مرد وزن آفرید \* از انجهه باید مرد پدر و مادر خود را ترک کرده با زن  
 ۸ خوبش به پیوندد \* و این دو یک تن خواهند بود چنانکه ازان پس دو نیستند بلکه  
 ۹ یک جسد \* پس آنچه خدا پیوست انسان آنرا جدا نکند \* و درخانه باز شاکرداش  
 ۱۰ از این مقدمه ازوی سؤال نمودند \* بدیشان کفت هر که زن خود را طلاق دهد  
 ۱۱ و دیگرها نکاح کند برحجه، وی زنا کرده باشد \* و اگر زن از شوهر خود جدا شود  
 ۱۲ و منکحة دیگری کردد مرتکب زنا شود \* و بجهای کوچک را نزد او آوردند  
 ۱۳ تا ایشانرا لمس نماید اما شاکرداش آورند کانرا منع کردند \* چون عیسی اینرا بدید  
 ۱۴ خشم نموده بدیشان کفت بگذارید که بجهای کوچک نزد من آیند و ایشانرا مانع  
 ۱۵ مشوید زیرا ملکوت خدا از امثال اینها است \* هر آینه بشما میکوم هر که ملکوت  
 ۱۶ خدارا مثل بجهه کوچک قبول نکند داخل آن نشود \* پس ایشانرا در آغوش  
 ۱۷ کشید و دست بر ایشان نهاده برکت داد \* چون برآه میرفت شخصی دوان  
 ۱۸ دوان آمک پیش او زانو زده سؤال نمود که ای استاد نیکو چه کنم نا وارث حیات  
 ۱۹ جاودانی شوم \* عیسی بدوكفت چرا مرا نیکو کنی و حال آنکه کسی نیکو نیست  
 ۲۰ جر خدا فقط \* احکام را مهادنی زنا مکن قتل مکن درزدی مکن شهادت دروغ  
 ۲۱ متن دغاباری مکن پدر و مادر خود را حرمت دار \* او در جواب وی کفت ای  
 ۲۲ استاد این هر را از طفولیت نکاه داشتم \* عیسی بوسی نکریسته اورا محبت نمود و کفت  
 ۲۳ ترا بلک چیز ناقص است برو و آنچه داری بفروش و بفراز بنه که در آسمان کعبی  
 ۲۴ خواهی یافت و یا صلیب را برداشته مرا پیروی کن \* لیکن او ازین سخن ترش رو

۳۳ و مخزون کشته روانه کردید زیرا اموال بسیار داشت \* آنکه عیسی کدایکد خود  
 نگریسته بشاکردن خود کفت چه دشوار است که تو انکران داخل ملکوت خدا  
 ۳۴ شوند \* چون شاکردانش از مختنان او در حیرت افتدند عیسی باز توجه نموده  
 بدیشان کفت این فرزندان چه دشوارست دخول آنایکه بال و اموال توکل داردند  
 ۳۵ در ملکوت خدا \* سهل تراست که شر ب سوراخ سوزن در آید از اینکه شخص دولتند  
 ۳۶ همکوت خدا داخل شود \* ایشان بغایت مغایر کشته با یکدیگر میکشند پس که  
 ۳۷ میتوانند نجات یابد \* عیسی بایشان نظر کرده کفت نزد انسان حالت لیکن نزد  
 ۳۸ خدا نیست زیرآنکه هه چیز نزد خدا ممکن است \* پرسندند بدو کتفن کرفت که  
 ۳۹ اینک ما هه چیز را ترک کرده ترا پیروی کرده ام \* عیسی جواب فرمود هر آینه بشما  
 میکویم کسی نیست که خانه با برادران با خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا اولاد  
 ۴۰ با املاک را بجهة من و انجیل ترک کند \* جز اینکه الحال در این زمان صد چندان  
 یابد از خانهها و برادران و خواهران و مادران و فرزندان و املاک با زحمات و در  
 ۴۱ عالم آینه حیات جاودا فرما \* اما باسا اولین که اخرين میکرددند و آخرين اولین \*  
 ۴۲ و چون در راه بسوی اورشلم میرفتند و عیسی در جلو ایشان میغذاید در حیرت  
 افتدند و چون از عجب او میرفتند ترس برایشان مستولی شد آنکه آن دوازده را  
 ۴۳ باز بکار کشید شروع کرد به اطلاع دادن بایشان از آنچه بروی وارد میشد \* که  
 اینک با اورشلم میروم و پسر انسان بدست رؤسای کوهنه و کاتبان نسلم شود و بروی  
 ۴۴ فتوای قتل دهد و اورا با همها سپارند \* و بروی سفره نموده تازیانه اش زند و آب  
 ۴۵ دهن بروی افکنک اورا خواهند کشت و روز سه خواهد برخاست \* آنکه  
 ۴۶ یعنی و بُوحنًا دو پسر زَبَدَی نزد وی آمد کفتند ای استاد میخواهم آنچه از تو  
 ۴۷ سوال کنم برای ما بکنی \* ایشانرا کفت چه میخواهید برای شما بکنم \* کفتند با  
 ۴۸ عطا فرماد که یکی بطرف راست و دیگری برجوب تو در جلال تو بنشینم \* عیسی  
 ایشانرا کفت نمیخواهد آنچه میخواهید آیا میتواند آن پیاله را که من مینوشم بنوشید  
 ۴۹ و تعبیدیرا که من میذیرم بذیرید \* و پیرا کفتند میتوانم عیسی بدیشان کفت  
 پیاله را که من مینوشم خواهید آشایید و تعبیدیرا که من میذیرم خواهید پذیرفت \*  
 ۵۰ لیکن نشستن بدلست راست و چپ من از آن من نیست که بدhem جز آنایه را که از هر

- ۴۱ ایشان میپاش است \* و آن ده نفر چون شنیدند بر عقوب و بُوحَّا خشم کر فندند \*
- ۴۲ عیسی ایشان را خواند بایشان کفت میدانید آنانیکه حکام امته شرده میشوند بایشان
- ۴۳ ریاست میکنند و بزرگانشان براشان مسلطانند \* لیکن درمیان شما چنین خواهد
- ۴۴ بود بلکه هر که خواهد درمیان شما بزرگ شود خادم شما باشد \* و هر که خواهد
- ۴۵ مقدم بر شما شود غلام هه باشد \* زیرا که پسر انسان نیز نیامد نا مخدوم شود بلکه
- ۴۶ نا خدمت کند و نا جان خود را فدائی بسیاری کند \* و وارد آریحا شدند
- و وقیکه او با شاکر دان خود و جمعی کثیر از آریحا پیرون میرفت بار نیاوسِر کور
- ۴۷ پسر تهاوس بر کاره راه نشسته کدای میکرد \* چون شنید که عیسی ناصریست فریاد
- ۴۸ کردن کرفت و کفت ای عیسی ابن داود بمن ترحم کن \* و چندانکه بسیاری
- اورانهیب میدادند که خاموش شود زیادتر فریاد برمیاورد که پسر داودا بمن ترحم
- ۴۹ فرما \* پس عیسی ایستاده فرمود نا اورا بخوانند آنکه آن کور را خواند بد و کفشد
- ۵۰ خاطر جمع دار برخیز که ترا میگواند \* در ساعت زدای خود را دور انداده بر ربا
- ۵۱ جست و نزد عیسی امد \* عیسی بوی التفات نموده کفت چه میخواهی از هر تو نام \*
- ۵۲ کور بد و کفت با سیدی آنکه بینائی بام \* عیسی بد و کفت برو که ایانت ترا
- شقا داده است در ساعت بینا کشته از عقب عیسی در راه روانه شد \*

### باب بازدهم

- ۱ و چون نزدیک باور شلم به بیت فاجی و بیت عَلیاً بر کوه زیتون رسیدند دو نفر
- ۲ از شاکر دان خود را فرستاده \* بدیشان کفت بدین قریه که بیش روی شما است
- بروید و چون وارد آن شد بد در ساعت کرمه الاغی را بسته خواهید یافت که ناجمال
- ۳ هیچکس بران سوار نشئ آنرا باز کرده بیاورید \* و هر کاه کسی بشما کوید چرا چنین
- ۴ میکید کوئید خداوند بدین احیاج دارد بی تأمل آنرا با باغ خواهد فرستاد \* پس
- ۵ رفته کرمه پیرون دروازه در شارع عام بسته یافتد و آنرا باز میکردند \* که بعضی
- ۶ از حاضرین بدیشان کفند چه کار دارید که کرمه را باز میکید \* آن دو نفر چنانکه
- ۷ عیسی فرموده بود بدیشان کفند پس ایشان را اجازت دادند \* آنکاه کرمه را بزد
- ۸ عیسی آورده رخت خود را بر آن افکدند تا بر آن سوار شد \* و بسیاری رخهای

- ۹ خود و بعضی شاخه‌ها از درختان برین برراه کسترانیدند\* و آنانیکه پیش و پس  
 ۱۰ میرفندند فریاد کنند هوشیعانا مبارک باد کسیکه بنام خداوند می‌آید\* مبارک  
 ۱۱ باد ملکوت پدر ما داود که می‌آید باسم خداوند هوشیعانا در اعلیٰ علیین\* و عیسی  
 وارد اورسلم شد بهیکل درآمد و بهمه چیز ملاحظه نمود چون وقت شام شد با  
 ۱۲ آن دوازده به بیت عبّنا رفت\* بامدادان چون از بیت عبّنا  
 ۱۳ پیرون می‌آمدند کرسته شد\* ناکاه درخت الغیری که برک داشت از دور دید آمد  
 تا شاید چیزی برآن بیابد اما چون نزد آن رسید جز برک برآن هیچ نیافت زیرا که  
 ۱۴ موسی الغیر نرسید بود\* پس عیسی توجه نموده بدان فرمود از این پس تا باید  
 ۱۵ هیچکس از تو میوه نخواهد خورد و شاکرداش شنیدند\* پس وارد اورسلم شدند  
 و چون عیسی داخل هیکل کشت به پیرون کردن آنانیکه در هیکل خربد و فروش  
 میکردند شروع نمود و نخته‌های صرافان و کرسیهای کوتو فروشان را واژگون  
 ۱۶ ساخت\* و نکداشت که کسی با ظرف از بیان هیکل بگذرد\* و تعلم داده کفت  
 آیا مکنوب نیست که خانه من خانه عبادت نمایی امنها نامیه خواهد شد اما شما  
 ۱۷ آنرا مغاره دزدان ساخته‌اید\* چون رؤسای گنه و کاتبان اینرا بشنیدند در صدد  
 آن شدند که او را چه طور هلاک سازند زیرا که ازوی ترسیدند چونکه همه مردم  
 ۱۸ از تعلم وی مغایر می‌بودند\* چون شام شد از شهر پیرون رفت\* صحکاهان  
 ۱۹ در اثنای راه درخت الغیر را از پیشه خشک بافند\* هر سیخاطر آورده و برآ  
 ۲۰ کفت ای استاد اینک درخت الغیری که نفرینش کردی خشک شد\* عیسی  
 ۲۱ در جواب ایشان کفت بخدا ایمان آورید\* زیرا که هر آیه بشما می‌کوم هر که بدین کوه  
 کوید منتقل شد بدریا افق کش شود و در دل خود شک ندانیده باشد بلکه بینن دارد  
 ۲۲ که آنچه کوید می‌شود هر آیه هر آنچه کوید بدو عطا شود\* بنابرین بشما می‌کوم  
 آنچه در عبادت سوال می‌کنید بینن بدانید که آنرا یافته‌اید و بشما عطا خواهد شد\*  
 ۲۳ و وقیکه بدوا بایسند هر کاه کسی بشما خطأ کرده باشد او را بخشنید تا انکه پدر  
 ۲۴ شما نیز که در آسمانست خطای شارا معاف دارد\* اما هر کاه شما بخشنید پدر  
 ۲۵ شما نیز که در آسمانست تصیرهای شارا نخواهد بخشد\* و باز با اورسلم آمدند  
 ۲۶ و هنکامیکه او در هیکل می‌زاید رؤسای گنه و کاتبان و مشائخ نزد وی آمد\*

۲۸ کفندش بچه قدرت این کارهارا میکنی و کیست که این قدرت را بتواده است  
 ۲۹ نا این اعمال را بجا آری \* عبس در جواب ایشان کفت من از شما نیز سخنی میپرسم  
 ۳۰ مرا جواب دهید نا من هم بشما کوئی بچه قدرت این کارهارا میکنم \* تعیید بمحبی  
 ۳۱ از انسان بود یا از انسان مرا بخوب دهید \* ایشان در دلهای خود تفکر نموده  
 ۳۲ کفند آکر کوئیم از انسان بود هر آینه کوید پس چرا بدرو ایمان نیاورد دید \* واکر  
 کوئیم از انسان بود از خلق بهم داشتند از آنها که هه بمحی را نیز بحق میدانستند \*  
 ۳۳ پس در جواب عیسی کفندند نیدانم \* عبسی بدیشان جواب داد من هم شمارا  
 نیکوئیم که بکدام قدرت این کارهارا بجا میآورم \*

### باب دوازدهم

- ۱ پس بیشترها بایشان آغاز سخن نمود که شخصی تاکستانی غرس نموده حصاری کردش
- ۲ کشید و چرخشی ساخت و بر جو بنا کرده آنرا بد هفقاتان سپرد و سفر کرد \* و در
- ۳ موس نوکری نزد هفقاتان فرستاد نا ازبیوه باع از باغبانان بکردد \* اما ایشان
- ۴ او را کرفته زدند و نهی دست روانه نمودند \* باز نوکری دیگر نزد ایشان روانه
- ۵ نموده او را نیز سکسوار کرده سر او را شکستند و ب محبت کرده بر کردانیدندش \* پس
- یکنفر دیگر فرستاده او را نیز کشند و سا دیگرانرا که بعضی را زدند و بعضی را بقتل
- ۷ رسانیدند \* وبالآخر یک پسر حبیب خود را باقی داشت او را نزد ایشان فرستاده
- ۸ کفت پسر مرا حرمت خواهد داشت \* لیکن هفقاتان با خود کفند این وارث
- ۹ است بیائید او را بکشم تا میراث ازان ما کردد \* پس او را کرفته مقتول ساختند
- ۱۰ واورا پیرون از تاکستان افکندند \* پس صاحب تاکستان چه خواهد کرد او خواهد
- ۱۱ آمد و آن باغبانان را هلاک ساخته با غرا بدیگران خواهد سپرد \* آیا این نوشتم را
- ۱۲ خواند اید سنگی که معمار اش را کردنده هان سر زاویه کردید \* این از جانب خداوند
- ۱۳ شد و در نظر ما عجیب است \* آنکاه خواستند او را کرفتار سازند اما از خلق
- میزرسیدند زیرا میدانستند که این مثل را برای ایشان آورد پس او را و آکنارده
- ۱۴ برفند \* و چند نفر از فریسان و هیرو دیگران را نزد وی فرستادند نا او را بخنی بدام
- ۱۵ آورند \* ایشان آمن بدو کفند ای استاد مارا بیعنی است که تو را سکوهستی و از کسی

باک نداری چونکه بظاهر مردم نینکری بلکه طریق خدارا براستی تعلم میبافی \* جز به  
 ۱۵ دادن بقصر جایز است یانه بدhem با ندهم \* اما او ریا کاری ایشان را آرک کرده  
 ۱۶ بدیشان کفت چرا مرا اختیار میکید \* دیناری نزد من آردید نا آنرا به بین \* چون آنرا  
 حاضر کردند بدیشان کفت این صورت و رقم ازانِ کبست و پرا کفتند ازانِ قصر \*

۱۷ عیسی در جواب ایشان کفت آنچه از قصر است بقصر رد کید و آنچه از خدا است  
 ۱۸ بخدا وازاو متوجه شدند \* و صدوقیان که منکر قیامت هستند نزد وی آمد  
 ۱۹ ازاو سوال نموده کفتند \* ای استاد موسی با نوشت که هر کاه برادر کسی بپرد  
 وزنی باز کذاشته اولادی نداشته باشد برادرش زن اورا بکرد نا از پهر برادر خود

۲۰ نسل پیدا نماید \* پس هفت برادر بودند که نخستین زنی هکرفته برد واولادی  
 ۲۱ نکذاشت \* پس ثانی اورا کفرته هم بی اولاد فوت شد و همچین سیی \* نا آنکه  
 ۲۲ آن هفت اورا کفرند واولادی نکذاشند و بعد از همه زن فوت شد \* پس در قیامت  
 چون برخیزند زن کدام یک از ایشان خواهد بود از آنچه که هر هفت اورا بزند  
 ۲۴ کفرته بودند \* عیسی در جواب ایشان کفت آیا کمرا نیستید ازانرو که کتب  
 ۲۵ و قوت خدارا نمیدانید \* زیرا هنکامیکه از مردکان برخیزند نه نکاح میکشند و نه  
 ۲۶ منکوحه میکرند بلکه مانند فرشتکان در آسمان میباشند \* اما در براب مردکان که  
 برخیزند در کتاب موسی در ذکر بونه مخوانده اید چکونه خدا اورا خطاب کرده کفت

۲۷ که من خدای ابراهیم و خدای احی و خدای بعقوب \* واو خدای مردکان نیست  
 ۲۸ بلکه خدای زندگانست پس شما سیار کمرا شده اید \* و بکی از کابان چون  
 مباحثه ایشان را شنید دید که ایشان را جواب نیکو داد پیش آمد ازاو پرسید که

۲۹ اولی همه احکام کدام است \* عیسی اورا جواب داد که اولی همه احکام اینست که  
 ۳۰ بشنو ای اسرائیل خداوند خدای ما خداوند واحد است \* و خداوند خدای  
 خود را بهنامی دل و غامی جان و غامی خاطر و غامی قوت خود محبت نا که اولی  
 ۳۱ از احکام این است \* و دوم مثل اوست که نهایه خود را چون نفس خود محبت  
 ۳۲ ناه بزرگتر ازین دو حکی نیست \* کائب و پرا کفت آفرین ای استاده نیکو کتفی  
 ۳۳ زیرا خدا واحد است و سوای او دیگری نیست \* واورا بهنامی دل و غامی فهم و غامی  
 نفس و غامی قوت محبت نمودن و نهایه خود را مثل خود محبت نمودن از همه قربانیهای

۴۴ سوختی و هدایا افضل است \* چون عیسی بدلید که عاقلانه جواب داد بود کفت  
 ازملکوت خدا دور نیستی و بعد از آن هیکس جرأت نکرد که ازا و سؤالی کند \*

۴۵ و هنکامیکه عیسی در هیکل تعلم میداد متوجه شده کفت چکونه کانیان میکوبند  
 که مسیح پسر داود است \* و حال آنکه خود داود در روح الفُدْس میتوید که  
 خداوند بخداوند من کفت بر طرف راست من بشین نا دشمنان ترا با سے انداز

۴۶ نو سازم \* خود داود اورا خداوند میخواند پس چکونه اورا پسر میباشد و عوام  
 ۴۷ النَّاسَ كلام اورا بخشنودی میشنیدند \* پس در تعلم خود کفت از کاتبان احتیاط  
 ۴۸ کید که خرامیدن در لباس دراز و تعظیمهای در بازارها \* و کرسیهای اول  
 ۴۹ در کنایس و جایهای صدر در ضیافت هارا دوست میدارند \* اینان که خانه های  
 ۴۰ بیوه زنان را می بلند و غازرا به ربا طول میدهند عقوبت شدیدتر خواهند یافت \*

۴۱ و عیسی در مقابل بیت المال نشسته نظاره میکرد که مردم بجه وضع بول به بیت المال  
 ۴۲ میاندازند و بسیاری از دولتمدان بسیار میانداختند \* انکه بیوه زن فقیر آمد  
 ۴۳ دو فلس که یک ربع باشد انداخت \* پس شاکر دان خود را پیش خواند باشان  
 کفت هر آینه بشما میکوم این بیوه زن مسکن از همه آناییکه در خزانه انداختند  
 ۴۴ پیشتر داد \* زیرا که هه ایشان از زیادتی خود دادند لیکن این زن از حاجتمندی  
 خود آنچه داشت انداخت یعنی تمام معیشت خود را \*

---

### باب سیزدهم

۱ و چون او از هیکل پرون میرفت یکی از شاکر دانش بد و کفت ای استاد  
 ۲ ملاحظه فرما چه نوع سنک ها و چه عمارتها است \* عیسی در جواب وی کفت  
 آبا این عمارتها عظیمه را مینکری \* بدانکه سنکی برستکی کذارده خواهد شد  
 ۳ مَرَآنَكَه بزیر افکنه شود \* و چون او برکوه زینون مقابل هیکل نشسته بود  
 ۴ پطرس و یعقوب و یوحنا و اندریاس سرًا ازوی پرسیدند \* مارا خبر بده که این  
 ۵ امور کی واقع میشود و علامت نزدیک شدن این امور چیست \* آنکه عیسی  
 ۶ در جواب ایشان سخن آغاز کرد که زنگار کسی شمارا کمراه نکند \* زیرا که بسیاری  
 ۷ بنام من آمد خواهند کفت که من هستم و بسیار برا کمراه خواهند نمود \* اما چون

- جنک‌ها و اخبار جنک‌هارا بشنوید مضریب مشوبد زیرا که وقوع این حوادث ضروریست لیکن اتها هنوز نیست \* زیرا که امّتی برآمی و ملکتی برمکنی خواهد بُرخاست وزلزلها درجاها حادث خواهد شد و قحطیها و اغتشاشها پدید می‌آید
- ۹ وابنها ابتدای دردهای زه می‌باشد \* لیکن شما از زیرا خود احتیاط کنید زیرا که شمارا بشوراهای خواهند سپرد و در کایس تازیانه‌ها خواهند زد و شمارا بیش حکام ۱۰ و پادشاهان بخاطر من حاضر خواهند کرد تا برایشان شهادتی شود \* ولازم است که ۱۱ انجیل اول بر قاعی امّتها مو عظه شود \* و چون شمارا کرفته تسلیم کنند میندیشید که چه بکوئید و متفکر می‌باشد بلکه آنچه در آن ساعت بشما عطا شود آنرا کوئید زیرا ۱۲ کوینک شما نیستند بلکه روح القدس است \* آنکه برادر برادرها و پدر فرزند را بهلاکت خواهند سپرد و فرزندان بروالدین خود بُرخاسته ایشان را بقتل خواهند ۱۳ رسانید \* و قام خلق بجهة اسم من شمارا دشن خواهند داشت اما هر که تا با خر ۱۴ صبر کند همان نجات یابد \* پس چون مکروه ویرانی را که بزبان دانیال نی کننده شده است در جایی که نمی‌باشد بريا پسند آنکه می‌خواهد بهم آنکه آنایکه در بیو دیه می‌باشد ۱۵ بکوهستان فرار کند \* و هر که بربام باشد بزیر نباید و بخانه داخل نشود تا چیزی ۱۶ از آن ببرد \* و آنکه در مزرعه است بزنگردد تا رخت خود را بردارد \* اما وای ۱۷ برآبستان و شیردهند کان در آن ایام \* و دعا کنید که فرار شما در زستان نشود \* ۱۸ زیرا که در آن ایام چنان مصیبی خواهد شد که از ابتدای خلتی که خدا آفرید تا ۱۹ کون نشه و نخواهد شد \* و اگر خداوند آن روزها را کوتاه نکرده هیچ بشری نجات نیافی لیکن بجهة برگزیدگانی که انتخاب نموده است آن ایام را کوتاه ساخت \*
- ۲۰ پس هر کاه کسی بشما کوید اینکه سیچ در انجاست با اینک در آنها باور ممکن است \* ۲۱ زانرو که مسیحان دروغ و انبیاء کذبه ظاهر شده آیات و محبرات از ایشان صادر ۲۲ خواهد شد بنسبیکه اگر مکن بودی برگزیدگانرا هم کراه نمودند \* لیکن شما ۲۳ بر حذر باشیده اینک از همه امور شمارا پیش خبر دادم \* و در آن روزهای بعد ۲۴ از آن مصیبیت خورشید تاریک کردد و ماه نور خود را باز کردد \* و ستاره کان ۲۵ از آسمان فرو ریزند و قوانی افلاک متزلزل خواهد کشت \* آنکه پرسانان را پسند ۲۶ که با قوت و جلال عظم برابرها می‌آید \* در آن وقت فرشتکان خود را از جهات

۲۸ اربعه از انتهای زمین نا به اقصای فلك فرام خواهد آورد\* الحال از درخت  
انجیر مقلش را فرا کبرید که چون شاخه اش نازک شد برک میاورد میدانید که تابستان  
۲۹ نزدیک است\* همچنین شما نیز چون این چیزها را واقع بیند بدانید که نزدیک بلکه  
۳۰ برداست\* هر آینه بشما میکوم نا جمیع این حوادث واقع نشود این فرقه نخواهد  
۳۱ کندشت\* آسمان وزمین زايل میشود لیکن کلمات من هرگز زايل نشود\* ولی  
۳۲ ازان روز و ساعت غیر از پدر هیچکس اطلاع ندارد نه فرشتکان در آسمان و نه پسرهم\*  
۳۳ پس بمحذر ویدار شدن دعا کنید زیرا نمیدانید که آنوقت کی میشود\* مثل کسی که  
عازم سفر شده خانه خود را و آکذار د و خادمان خود را قادر نداشته باشد هر یکی را بشغلی  
۳۵ خاص مقرر نماید و در بانرا امر فرماید که بیدار بماند\* پس بیدار باشید زیرا نمیدانید  
که درجه وقت صاحب خانه میاید در شام با نصف شب یا بانک خروس با صبح\*  
۳۶ میادا ناکهان آمن شمارا خفته باید\* اما آنچه بشما میکوم بهم میکوم بیدار باشید\*

### باب چهاردهم

۱ و بعد از دور روز عید فصح و فطیر بود که رؤسای کهنه و کاتبان مترصد بودند که  
۲ بچه حیله او را استکبر کرده بقتل رسانند\* لیکن میکنند نه در عید میادا در قروم  
۳ اغتشاشی پدید آید\* وهنگامی که او در بیت علیا در خانه شمعون ابرص بعذا  
۴ نشسته بود زنی با شیشه از عطر کرانها از سبیل خالص آمن شیشه را شکسته بر سر وی  
۵ ریخت\* و بعضی در خود خشم نموده کنند چرا این عطر تلف شد\* زیرا ممکن  
بود این عطر زیادتر از سیصد دینار فروخته بفقراء داده شود و آن زنرا سوزنش  
۶ نمودند\* اما عیسی کفت او را و آکذار بید از برای، چه او را زحمت میدهید زیرا که  
۷ با من کاری نیکو کرده است\* زیرا که فقرارا هیشه با خود دارید و هر کاه بخواهد  
۸ میتوانید با ایشان احسان کنید لیکن مرا با خود دایماً ندارید\* آنچه در قوتة او بود  
۹ کرد زیرا که جسد مرا بجهة دفن پیش تدهن کرد\* هر آینه بشما میکوم در هر جانی  
از قام عالم که بین انجیل موعظه شود آنچه این زن کرد نیز بجهة یاد کاری وی مذکور  
۱۰ خواهد شد\* پس بہودای اسخربوطی که بکی ازان دوازده بود بنزد رؤس ام  
۱۱ کهنه رفت تا او را بدیشان تسلیم کند\* ایشان سخن او را شنید شاد شدند و بدو و عن

- دادند که نندی بدو بدند و او در صد فرصت موافق برای کفnarی وی برآمد\*
- ۱۲ و روز اول از عید فطیر که در آن فصیراً ذبح میکردند شاکرداش بوی کشند
- ۱۳ تجا میگواهی بروم ندارک ینم تا فصیراً بخوری\* پس دو نفر از شاکرداش خود را
- فرستاده بدیشان کفت بشهر بروید و شخصی با سبوي آب بشما خواهد برخورد
- ۱۴ از عقب وی بروید\* و به رجای که در آبد صاحب خانه را کوئید استاد میکوبد
- ۱۵ مهانخانه کجا است تا فصیراً با شاکرداش خود آنچا صرف کنم\* واو بالاخانه بزرگ
- ۱۶ منروش و آماده بشما نشان میدهد آنچا از هر ما ندارک ینید\* شاکرداش روانه
- ۱۷ شدن و بشهر رفته چنانکه او فرموده بود یافتد و فصیراً آماده ساختند\* شامکاهان
- ۱۸ با ان دوازده آمد\* و چون نشسته غذا میغوردن عیسی کفت هر آیه بشما میکوم
- ۱۹ که یکی از شما که با من غذا میغورد مرا تسلیم خواهد کرد\* ایشان غمکن کشته
- ۲۰ بیکث کفتن کرفند که آیا من آتم و دیگری که آیا من هستم\* او در جواب ایشان
- ۲۱ کفت یکی از دوازده که با من دست در قاب فرو برد\* بدرستیکه پسر انسان
- بطوریکه در باره او مکتوب است رحلت میکند لیکن وای برآن کسیکه پسر انسان
- ۲۲ بواسطه او تسلیم شوده اورا بهتر میبود که نولد پیاق\* و چون غذا میغوردن عیسی
- نانرا کرفته برکت داد و باره کرده بدیشان داد و گفت بکیرید و بخورید که این جسد
- ۲۴ من است\* و پیاله کرفته شکر غود و بایشان داد و هه ازان آشاییدند\* و بدیشان
- ۲۵ کفت این است خون من از عهد جدید که در راه بسیاری ریخته میشود\* هر آیه
- بشا میکوم بعد از این از عصیر انکور خخورم تا آن روز یک درملکوت خدا آنرا تازه
- ۲۶ بنوش\* و بعد از خواندن تسبیح بسوی کوه زیتون پرون رفند\* عیسی ایشان را
- کشت هانا همه شما امشب در من لغزش خورید زیرا مکتوبرست شانرا میزنم
- ۲۸ و کوسنдан پرآکن خواهند شد\* آمّا بعد از برخاستم پشن از شما بجلیل خرام
- ۲۹ رفت\* بطریس بوی کفت هر کاه هه لغزش خورند من هر کز خخورم\* عیسی و برآ
- کفت هر آیه بتومیکوم که امروز در هین شب قبل ازانکه خروس دو مرتبه بانک
- ۳۱ زند تو سه مرتبه مرا انکار خواهی خود\* لیکن او بنا کد زیادر میکفت هر کاه
- ۳۳ مردم با تولازم افتد ترا هر کز انکار نکم و دیگران نیز همچنان کفتند\* و چون
- بوضیعکه جنسیانی نام داشت رسیدند بشاکرداش خود کفت در انجا بشویند تا دعا

۲۳ کم \* و پطرس و یعقوب و یوحنا را همراه برداشته مضطرب و دلتنک کردید \*  
 ۲۴ و بدیشان کفت نفس من از حزن مشرف برمود شد «اینجا بماند و یدار باشد \*  
 ۲۵ وقدری پیشتر رفته بروی بزمین افتاد و دعا کرد نا اگر ممکن باشد آنساعت ازاو  
 ۲۶ بکندرد \* پس کفت یا آیا پدر هه چیز نزد تو ممکن است «این پیاله را از من  
 ۲۷ بکذران لیکن نه بخواهش من بلکه باراده تو \* پس چون آمد ایشان را در خواب  
 دید پطرس را کفت ای شمعون در خواب هست آیا نمیتوانستی یک ساعت یدار  
 ۲۸ باشی \* یدار باشد و دعا کنید نا در آزمایش نیتفید روح البته راغبست لیکن  
 ۲۹ جسم نانوان \* و باز رفته بهمان کلام دعا نمود \* و نیز برکشته ایشان را در خواب  
 ۳۰ یافت زیرا که چشان ایشان سنگین شده بود و ندانستند اورا چه جواب دهند \*  
 ۳۱ و مرتبه سیم آمد بدیشان کفت مابقی را بخواهد واستراحت کیده کافیست «ساعت  
 ۳۲ رسید است «اینک پسر انسان بدستهای کاهکاران تسلیم میشود \* برخیزید  
 ۳۳ بروم که آکنون سلم کشته من تزدیک شد \* در ساعت و فنیک او هنوز سخن  
 ۳۴ میکفت بپردازد که بکی ازان دوازده بود با کروهی بسیار با مشیبرها و چوچهای از جانب  
 ۳۵ رؤسای کهنه و کاتبان و مشایع آمدند \* و تسلیم کشته او بدیشان نشان داده کفته  
 ۳۶ بود هر کرا بوس هانست اورا بکرید و با حفظ نام ببرید \* و در ساعت تزدی وی  
 ۳۷ شده کفت یا سیدی یا سیدی و ویرا بوسید \* ناکاه دستهای خود را بروی انداده  
 ۳۸ کرفندش \* و بکی از حاضرین مشیبر خود را کشید بربکی از غلامان رئیس کهنه  
 ۳۹ زده کوششرا ببرید \* عیسی روی بدیشان کرده کفت کویا بردازد با مشیبرها  
 ۴۰ و چوچهای بجهة کرفتن من بیرون آمدید \* هر روز در نزد شما در هیکل تعلم میدادم  
 ۴۱ و مرا نکرفتید بکن لازمت که کتب نام کردد \* آنکاه هه اورا واکنارده  
 ۴۲ بکریختند \* و یک جوانی با چادری بربدن بر هنه خود بچین از عقب او روانه شده  
 ۴۳ چون جوانان اورا کرفند \* چادر را کنارده بر هنه از دست ایشان کریخت \*  
 ۴۴ و عیسی را نزد رئیس کهنه بر دند و جمیع رؤسای کاتبان و مشایع و کاتبان براو جمع  
 ۴۵ گردیدند \* و پطرس از دور در عقب او میامد نا بخانه رئیس کهنه در آمد با  
 ۴۶ ملازمان بنیشت و نزدیک آتش خود را کرم میخود \* و رؤسای کهنه و جمیع اهل  
 ۴۷ شوری در جمیع شهادت بر عیسی بودند نا اورا بکند و هیچ نیافتند \* زیرا که

هرچند بسیاری بروی شهادت دروغ می‌دادند اما شهادت‌های ایشان موافق نشد\* ۵۷  
 و بعضی برخاسته شهادت دروغ داده کفتند\* ما شنیدم که او می‌کنست من این ۵۸  
 هیکل ساخته شده بسته را خراب می‌کنم و درسه روز دیگر برای ناساخته شده بسته ۵۹  
 بنا می‌کنم\* و در این هم باز شهادت‌های ایشان موافق نشد\* پس رئیس گهنه از آن ۶۰  
 میان برخاسته از عیسی برسیک کفت هیچ جواب نمیدهی چه چیز است که اینها ۶۱  
 در حق تو شهادت میدهند\* اما او ساخت مانند هیچ جواب نداده باز رئیس گهنه ۶۲  
 ازاو سؤال نموده کفت\* آیا تو مسح پسر خدای متبارك هستی\* عیسی کفت من ۶۳  
 هست و پسر انسان را خواهید دید که بر طرف راست قوت نشسته در ابراهای آسمان ۶۴  
 می‌باید\* آنکه رئیس گهنه جامه خود را چاک زده کفت دیگر چه حاجت بشاهدان ۶۵  
 داریم\* کفر اورا شنیدیده چه مصلحت میدانید پس هه براو حکم کردند که ۶۶  
 مستوجب قتل است\* و بعضی شروع نمودند بآب دهان بروی انداختن و روی ۶۷  
 اورا پوشانید اورا میزدند و می‌کنند نیوت کن و ملازمان اوزا میزدند\* ۶۸  
 و در وقتیکه پطرس در ایوان پائین بود یکی از کهیزان رئیس گهنه آمد\* و پطرس را ۶۹  
 چون دید که خود را کرم می‌کند براو نکریسته کفت تو نیز با عیسی ناصری بیبودی\* ۷۰  
 او انکار نموده کفت نمی‌دانم و می‌فهم که تو چه می‌کوئی\* و چون پیرون بدھلیز خانه ۷۱  
 رفت ناکه خروس بانک زد\* و بار دیگر آن کهیزک اورا دیده بحاضرین کتفن ۷۲  
 کرفت که این شخص از آنها است\* او باز انکار کرد و بعد از زمانی حاضرین بار ۷۳  
 دیگر به پطرس کفتند در حقیقت تو از آنها می‌باشی زیرا که جلیلی نیز هست و لعنه تو ۷۴  
 چنان است\* پس بلعن کردن و قسم خوردن شروع نمود که آن شخص را که ۷۵  
 می‌کوئید نمی‌شناسم\* ناکه خروس مرتبه دیگر بانک زد پس پطرس را بخطاطر آمد ۷۶  
 آنچه عیسی بد و گفته بود که قبل از آنکه خروس دو مرتبه بانک زند سه مرتبه مرا ۷۷  
 انکار خواهی نمود و چون اینرا بخطاطر آورد بگریست\*

### باب باززدم

- ۱ بامدادان بی درنک رؤسای گهنه با مشتیخ و کاتبان و غام اهل شوری مشورت
- ۲ نمودند و عیسی را بند نهاده بردند و به پیلاطس تسلیم کردند\* پیلاطس ازاو پرسید
- ۳ آیا تو پادشاه بیود حقیق\* او در جوان وی کفت تو می‌کوئی\* و چون رؤسای

- ۴ کهنه ادعای بسیار براو مینمودند\* پیلاطُس باز ازاو سوال کرده کفت هیچ  
 ۵ جواب بیدهی بین که چه قدر برتو شهادت میدهند\* اما عیسی باز هیچ جواب  
 ۶ نداد چنانکه پیلاطُس منجَب شد\* و در هر عید بک زندانی هر که را مینخواستند  
 ۷ بجهة ایشان آزاد میکرد\* و برآیا نامی با شرکای فتنه او که در فتنه خون و بیزی  
 ۸ کرده بودند در حبس بود\* آنکه مردم صدا زده شروع کردن بخواستن که  
 ۹ برسحب عادت با ایشان عمل نماید\* پیلاطُس در جواب ایشان کفت آیا مینواهید  
 ۱۰ پادشاه بپوردا برای شما آزاد کنم\* زیرا یافه بود که رؤسای کهنه اورا از راه حسد  
 ۱۱ تسلیم کرده بودند\* اما رؤسای کهنه مردم را تخریض کرده بودند که بلکه برآیارا  
 ۱۲ برای ایشان رها کند\* پیلاطُس باز ایشان را در جواب کفت پس چه مینواهید بکنم  
 ۱۳ با آنکس که پادشاه یهودش میکوئید\* ایشان بار دیگر فرباد کردن که اورا  
 ۱۴ مصلوب کن\* پیلاطُس بدیشان کفت چرا چه بدی کرده است\* ایشان پیشتر  
 ۱۵ فرباد برآوردن که اورا مصلوب کن\* پس پیلاطُس چون خواست که  
 مردم را خوشنود کرداند برآیارا برای ایشان آزاد کرد و عیسی را نازیانه زده تسلیم  
 ۱۶ نمود تا مصلوب شود\* آنکه سپاهیلن اورا بسرانی که دار الولایه است برده تمام  
 ۱۷ فوج را فراهم آوردند\* وجامه فرمز براو پوشانیدند و ناجی از خار بافه بمرش  
 ۱۸ کذارند\* واورا سلام کردن کرفند که سلام ای پادشاه یهود\* و فُ برس  
 ۱۹ او زدند و آب دهان بروی انداخته وزانوزده بدو تعظیم مینمودند\* و چون اورا  
 استهزاء کرده بودند لباس فرمزرا ازوی گنه جانه خودش را پوشانیدند واورا  
 ۲۰ بیرون بردن تا مصلوب شازند\* و راهکننیرا شمعون نام ا Zahāl قیروان که  
 از بلوکات می‌آمد و پدر اسکندر و روْفَس بود مجبور ساختند که صلبی اورا بفرار دارد\*  
 ۲۱ پس اورا بوضعی که جُلُجُنَا نام داشت یعنی محل کله سر بر دید\* و شراب مخلوط  
 ۲۲ بُرُّ بوی دادند تا بنوشد لیکن قبول نکرد\* و چون اورا مصلوب کردن لباس اورا  
 ۲۳ نقسم نموده قرعه برآن افکندند تا هر کس چه بَرَد\* و ساعت سیم بود که اورا  
 ۲۴ مصلوب کردن\* و نقصیرنامه وی این نوشته شد پادشاه بپوردا\* و با وی دو دزدرا  
 ۲۵ بکی از دست راست و دیگری از دست چپ مصلوب کردن\* پس تمام کشت آن  
 ۲۶ نوشته که میکوید از خطاكاران محسوب کشت\* و راهکنران اورا دشمن داده و سر

خودرا چنینیک میکفتند هان ای کسیکه هیکل را خراب میکنی و درسه روز آنرا بنا  
 ۲۱ میکنی \* از صلیب بزرگ آمد خودرا برهان \* و همچین دوئای گهنه و کاتبان  
 استهزاء کنان با یکدیگر میکفتند دیگران را نجات داد و غیرواند خودرا نجات دهد \*  
 ۲۲ مسیح پادشاه اسرائیل آن از صلیب نزول کند تا بهینم وایان آورم و آنایکه با اوی  
 ۲۳ مصلوب شدند اورا دشام میدادند \* و چون ساعت ششم رسید ناساعت نهم تاریکی  
 ۲۴ تمام زمین را فرو کرفت \* و در ساعت نهم عیسی باواز بلند ندا کرده کفت ایلوی  
 ۲۵ ابوی ملّا سبقتنی یعنی الٰی چرام را و آکنار دی \* و بعضی از حاضرین چون  
 ۲۶ شنیدند کفتند الیاس را میخواند \* پس شخصی دویک اسفنجی را از سرکه پُر کرد و بر  
 سرنی نهاده بدون شاید و گفت بکنارید بهینم مک الیاس باید تا اورا پائین  
 ۲۷ آورد \* پس عیسی آوازی بلند برآورده جان بداد \* آنکاه برده هیکل از سر تا  
 ۲۸ پا دو پاره شد \* و چون بوزیاشی که مقابل وی استاده بود دید که بدین طور  
 ۲۹ صدا زده روح را سپرد کفت فی الواقع این مرد پسر خدا بود \* وزن چند از دور  
 نظر میکردند که از آنجلمه مردم بدلیه بود و مریم مادر یعقوب کوچک و مادر بوسا  
 ۳۰ و سالومه \* که هنکام بودن او در جلیل پیروی و خدمت او میکردند و دیگر زنان  
 ۳۱ بسیاریکه باور شیم آمد بودند \* و چون شام شد از آنجهه که روز تبه یعنی روز  
 ۳۲ قبل از سبت بود \* یوسف نای ازاهل رامه که مرد شریف از اعضای شوری و پیز  
 متظاهر ملکوت خدا بود امد و جرأت کرده نزد پیلاطس رفت و جسد عیسی را  
 ۳۳ طلب نمود \* پیلاطس تعجب کرد که بدین زودی فوت شده باشد پس بوزیاشی را  
 ۳۴ طلبیک ازاو پرسید که آیا چندی کذشته وفات نموده است \* چون از بوزیاشی  
 ۳۵ دریافت کرد بدین را یوسف ارزانی داشت \* پس کنان خوب آنرا از صلیب بزرگ  
 آورد و بآن کنان کفن کرده در قبری که از سیک تراشیک بود نهاد و سنگی برس قبر  
 ۳۶ غلطانید \* و مریم بدلیه و مریم مادر بوسا دیدند که کجا کذشته شد \*

### باب شانزدهم

- ۱ پس چون سبت کذشته بود مریم بدلیه و مریم مادر یعقوب و سالومه حنوط
- ۲ خوب آمدند تا اورا تهدین کنند \* و صبح روز بکشیده را بسیار زود وقت طلوع

۳ آفتاب برس قبر آمدند\* و با یکدیگر میکنند کیست که سنک را برای ما از سر قبر  
 ۴ بغلطاند\* چون نکریستند دیدند که سنک غلطانید شد است زیرا بسیار بزرگ  
 ۵ بود\* و چون بقیر در آمدند جوانی را که جامه سفید دریز داشت بر جانب راست  
 ۶ نشسته دیدند پس مغایر شدند\* او بدیشان گفت نرسان میاشید عیسیٰ ناصری  
 مصلوب را میطلیید او برخاسته است در اینجا نیست آن موضعی را که اورا نهاده  
 ۷ بودند ملاحظه کید\* لیکن رفته شاکردن او و بطرس را اطلاع دهید که پیش  
 ۸ از شما بجلبیل میرود اورا در آنجا خواهد دید چنانکه بشما فرموده بود\* پس بزودی  
 پیرون شد از قبر که میخندید زیرا لرزه و حیرت ایشان را فرو کرده بود و بکسی همچو  
 ۹ نکنند زیرا میترسیدند\* و صحکاهان روز اویل هفته چون برخاسته بود نخستین  
 ۱۰ بزم مجده که ازاو هفت دیو پیرون کرده بود ظاهر شد\* واو رفته اصحاب  
 ۱۱ اورا که کریه و ماتم میکردند خبر داد\* وایشان چون شنیدند که زنده کشته و بدلو  
 ۱۲ ظاهر شد بود باور نکردند\* و بعد ازان بصورت دیگر بدلو نفر ایشان در  
 ۱۳ هنکامیکه بدھات میرفتند هویدا کردند\* ایشان رفته دیگران را خبر دادند لیکن  
 ۱۴ ایشان را نیز تصدیق نمودند\* و بعد ازان آن بدان یازده هنکامیکه بعذًا نشسته بودند  
 ظاهر شد وایشان را بسبب بی ایمان و سخت دلی ایشان توبیخ نمود زیرا بآنایکه اورا  
 ۱۵ برخاسته دید بودند تصدیق ننمودند\* پس بدیشان گفت در قام عالم بروید و جمیع  
 ۱۶ خلائق را با نجیل موعظه کنید\* هر که ایمان آورده تعبد یابد نجات یابد و اما هر که  
 ۱۷ ایمان نیاورد براو حکم خواهد شد\* و این آیات هر راه ایمانداران خواهد بود که  
 ۱۸ بنام من دیو هارا پیرون کشند و بزبانهای تازه حرف زنند\* و مارهارا بردارند و اگر  
 زهر قائلی بمحورند ضرری بدیشان نرساند و هر کاه دستها بمریضان کذارند شنا  
 ۱۹ خواهند یافت\* و خداوند بعد ازانکه وایشان سعن کفنه بود بسوی آسان مرتفع  
 ۲۰ شک بددست راست خدا بنشست\* وایشان پیرون رفته در هر جا موعظه میکردند  
 و خداوند با ایشان کار میکرد و با آنایکه هر راه ایشان میبود کلام را ثابت میکردند\*

## انجیل لوقا

### باب اول

۱ از آنجهه که بسیاری دست خود را دراز کردند بسوی تالیف حکایت آن اموری که  
۲ نزد ما به انعام رسید \* چنانچه آنایکه از ابتداء نظارکان و خادمان کلام بودند با  
۳ رسائیدند \* من نیز مصلحت چنان دیدم که ههرا من البدایه بتدقیق در بی رفته  
۴ برتریب بنو بنویسم ای تیوفلس عزیز \* تا صحبت آن کلامیکه در آن تعلم یافته در  
۵ یابی \* در آیام هیرودبیس پادشاه یهودیه کاهنی زکریا نام از فرقه ایاً بود که  
۶ زن او از دختران هارون بود والیصابات نام داشت \* و هردو در حضور خدا صاحم  
۷ و بجمع احکام و فرایض خداوند بی عیب سالک بودند \* وایشانرا فرزندی نبود  
۸ زیرا که الیصابات نازاد بود و هردو دیرینه سال بودند \* و واقع شد که چون  
۹ بنویست فرقه خود در حضور خدا کهانت میگرد \* حسب عادت کهانت نوبت  
۱۰ او شد که بقدس خداوند در آمد بخور بسوزاند \* و در وقت بخور تمام جماعت قوم  
۱۱ بیرون عبادت میگردند \* ناکاه فرشته خداوند بطرف راست مذبح بخور ایستاده  
۱۲ بروی ظاهر کشت \* چون زکریا او را دید در حیرت افتاده ترس بر او مستولی  
۱۳ شد \* فرشته بدوكفت ای زکریا نرسان میاش زیرا که دعای تو مسخاب کردیدن  
است وزوجهات الیصابات برای تو پسری خواهد زاید و او را مجھی خواهی  
۱۴ نایید \* و ترا خوشی و شادی رخ خواهد نمود و بسیاری از ولادت او مسرور  
۱۵ خواهند شد \* زیرا که در حضور خداوند بزرگ خواهد بود و شراب و مُسکری  
۱۶ نخواهد نوشید و از شکم مادر خود پر از روح القدس خواهد بود \* و بسیاری از  
۱۷ بني اسرائیل را بسوی خداوند خدای ایشان خواهد برکردانید \* و او بروح وقوت  
الیاس پیش روی وی خواهد خراهمد تا دلهای پدران را بطرف پسران و نافرمانان را

- ۱۸ بحکم عادلان بگرداند تا قومی مستعد برای خدا مهیا شازد \* زکریا بفرشته کفت  
 ۱۹ اینرا چکونه بدام وحال آنکه من پیر هستم وزوجه ام دیرینه سال است \* فرشته  
 در جواب وی کفت من جبرائیل هستم که در حضور خدامی ایستم و فرستاده شدم  
 ۲۰ تا به تو سخن کوئی واز این امور ترا مزده دهم \* والحال تا این امور واقع نکردد  
 کنک شد یارای حرف زدن نخواهی داشت زیرا سخنهای مرا که در وقت خود  
 ۲۱ بوقوع خواهد پیوست باور نکردم \* و جماعت متظر زکریا میبودند واز طول  
 ۲۲ توقف او در قدس متوجه شدند \* اما چون بیرون آمد توانست با ایشان حرف  
 زند پس فهمیدند که در قدس رویانی دید است پس بسوی ایشان اشاره میکرد  
 ۲۳ و ساكت ماند \* و چون ایام خدمت او به اقام رسید بخانه خود رفت \* و بعد  
 ازان روزها زن اوالیصابات حامله شد مدت بیخ ماه خودرا پنهان نمود و گفت \*  
 ۲۴ با یسطور خداوند پن عمل نمود در روزهایی که مرا منظور داشت تا ننک مرا از  
 ۲۵ نظر مردم بردارد \* و در ما ششم جبرائیل فرشته از جانب خدا به بدای از  
 ۲۶ جلیل که ناصن نام داشت فرستاده شد \* نزد باکر نامزد مردی مسی یوسف از  
 ۲۷ خاندان داود و نام آن باکر مریم بود \* پس فرشته تزداو داخل شد گفت سلام  
 ۲۸ بر تو ای نعمت رسیده خداوند با تو است و تو در میان زنان مبارک هستی \* چون  
 ۲۹ اورا دید از سخن او مضطرب شد متفکر شد که این چه نوع نعمت است \* فرشته بد و  
 ۳۰ گفت ای مریم ترسان بیاش زیرا که تزد خدا نعمت یافته \* و اینک حامله شد  
 ۳۱ پسری خواهی زاید و اورا عیسی خواهی ناید \* او بزرگ خواهد بود و به پسر  
 ۳۲ حضرت اعلی مسی شود و خداوند خدا نخت پدرش داودرا بدوعطا خواهد  
 ۳۳ فرمود \* واو بر خاندان بعقوب تا پاید پادشاهی خواهد کرد و سلطنت اورا  
 ۳۴ نهایت خواهد بود \* مریم بفرشته کفت این چکونه میشود و حال آنکه مردیرا  
 ۳۵ نشنانخه ام \* فرشته در جواب وی کفت روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت  
 ۳۶ حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکد از آنجهه آن مولود مقدس پسر خدا خواند  
 ۳۷ خواهد شد \* و اینک الیصابات از خوبیان تو نیز در پیری به پسری حامله شد  
 ۳۸ و این ماه ششم است مر اورا که نازار ای خواهندند \* زیرا نزد خدا هیچ امری محال  
 نیست \* مریم کفت اینک کنیز خداوندم \* مرا بر حسب سخن تو واقع شود پس فرشته

۴۹ از نزد او رفت \* در آنروزها مریم برخاست و به بلدى از کوهستان یهودیه  
 ۵۰ بشتاب رفت \* و بخانه زکریا در آمد به الیصابات سلام کرد \* و چون الیصابات  
 ۵۱ سلام مریم را شنید بچه در رَحْم او بحرکت آمد و الیصابات بروح القدس پرش کرد \*  
 ۵۲ باواز بلند صدا زده کفت تو در میان زنان مبارک هست و مبارکست ثُرَّةِ رحم نو \*  
 ۵۳ واز کجا این بن رسید که مادر خداوند من بنت من آید \* زیرا اینک چون آواز  
 ۵۴ سلام تو کوش زد من شد بچه از خوشی در رَحْم من بحرکت آمد \* و خوشحال  
 ۵۵ او که اینان آورد زیرا که آنچه از جانب خداوند بوى کفته شد به انجام خواهد رسید \*  
 ۵۶ پس مریم کفت جان من خداوند را تمجید میکند \* و روح من بر هانم من خدا  
 ۵۷ بوجود آمد \* زیرا بر حقارت کبیر خود نظر افکند \* زیرا هان از کنون غایی طبقات  
 ۵۸ مرا خوشحال خواهند خواند \* زیرا آن قادر بن کارهای عظیم کرده و نام او  
 ۵۹ قدوس است \* و رحمت او نسلآ بعد سل است \* بر آنایکه ازا او میترسند \*  
 ۶۰ بیازوی خود قدرت را ظاهر فرموده و منسکه ایان را بخیال دل ایشان پرآکند  
 ۶۱ ۶۱ ساخت \* جباران را از تنها بزیر افکند \* و فروتنان را سرافراز کردند \* کرسنکان را  
 ۶۲ بسیزهای نیکو سیر فرموده و دولتشدن را نهی دست رد نمود \* بند خود اسرائیل را  
 ۶۳ باری کرده یادکاری رحمانیت خویش \* چنانکه به اجداد ما کفته بوده با ابراهیم  
 ۶۴ و بذریت او نا ابد ایاد \* و مریم فریب بسے ماه نزد وی ماند پس بخانه خود  
 ۶۵ مراجعت کرد \* اما چون الیصابات را وقت وضع حمل رسید پسری بزاد \*  
 ۶۶ و همسایکان و خوبیشان او چون شنیدند که خداوند رحمت عظیمی بروی کرده با او  
 ۶۷ شادی کردند \* و واقع شد در روز هشتم چون برای ختنه طفل آمدند که نام  
 ۶۸ پدرش زکریا را بر او مینهادند \* اما مادرش ملتافت شد کفت نی بلکه به بجهی نامید  
 ۶۹ میشود \* بوى کفته از قبیله تو میچکس این اسم را ندارد \* پس به پدرش اشاره  
 ۷۰ کردند که اورا چه نام خواهی نهاد \* او ختنه خواسته بتوشت که نام او بجهی است  
 ۷۱ و هه متوجه شدند \* در ساعت دهان وزبان او باز کشته بحمد خدا متكلم شد \*  
 ۷۲ پس بر غایی همسایکان ایشان خوف مستولی کشت و جمع این وقایع در هه کوهستان  
 ۷۳ یهودیه شهرت یافت \* و هر که شنید در خاطر خود تغَرَّب نموده کفت این چه نوع  
 ۷۴ طفل خواهد بود و دست خداوند با وی میبود \* و پدرش زکریا از روح القدس

۶۸ پرشت نبوت نموده کفت \* خداوند خدای اسرائیل مبارک باده زیرا از قوم  
 ۶۹ خود تقد نموده برای ایشان فدای قرار داد \* و شاخ نجانی برای ما برافراشت \*  
 ۷۰ در خانه بند خود داود \* چنانچه بزبان مقدسین کفت که از بد و عالم انبیای او  
 ۷۱ میبودد \* رهانی از دشمنان ما و از دست آنانیکه از ما نفرت دارند \* تا رحمت را  
 ۷۲ بر پدران ما بجا ارده و عهد مقدس خود را نذکر فرماید \* سوکنده که برای پدر  
 ۷۳ ما ابراهیم یاد کرد \* که مارا فیض عطا فرماید تا از دست دشمنان خود رهانی  
 ۷۴ یافته، اورا بیخوف عبادت کیم \* در حضور او بقدوسيت و عدالت در تمامی  
 ۷۵ روزهای عمر خود \* و تو ای طفول نبی حضرت اعلی خوانک خواهی شده زیرا  
 ۷۶ پیش روی خداوند خواهی خرامیده تا طرق اورا همیسا زاری \* تا قوم اورا معرفت  
 ۷۷ نجات دهی \* در آمرزش کاهان ایشان \* به احسانی رحمت خدای ما که با آن  
 ۷۸ سپید از عالم اعلی از ما تقد نمود \* تا ساکنان در ظلت و ظل موت را نور دهد  
 ۷۹ و بیهای مارا بطريق سلامت هدایت نماید \* هس طفل نوکرده در روح فوی  
 ۸۰ میکشد و تا روز ظهرور خود برای اسرائیل در بیابان بسر میرد \*

## باب دوم

۱ و در آن آیام حتی از او گسطس فیصر صادر کشت که تمام ربع مسکون را اسم  
 ۲ نویسی کنند \* و این اسم نویسی اول شد هنکامیک کرینیوس والی سوریه بود \*  
 ۳ پس همه مردم هر یک شهر خود برای اسم نویسی میرفتند \* و یوسف نیاز از جلیل  
 ۴ از بلده ناصر به یهودیه بشهر داود که بیت المقدس نام داشت رفت زیرا که او از  
 ۵ خاندان وال داود بود \* تا نام او با مردم که نامزد او بود و نزدیک بزائیدن بود  
 ۶ ثبت کردد \* و وقتیکه ایشان در آنجا بودند هنگام وضع حمل او رسید \*  
 ۷ پسر نخستین خود را زايد و اورا در قنداقه پیچید در آخر خوابانید زیرا که برای  
 ۸ ایشان در متزل جای نبود \* و در آن نواحی شبانان در صحرا بسر میردند  
 ۹ و در شب پاسبانی کله های خویش میکردند \* ناکاه فرشته خداوند بر ایشان ظاهر  
 ۱۰ شد و کبریانی خداوند بر کرد ایشان تایید و بیانیت ترسان کشتند \* فرشته ایشان را  
 ۱۱ کفت متربید زیرا اینک بشارت خوشی عظیم بشما میدم که برای جمیع قوم خواهد

۱۱ بود\* که امروز برای شما در شهر داود نجات دهنده که مسیح خداوند باشد متولد  
 ۱۲ شد\* و علامت برای شما اینست که طفلی در قنداقه بیچه و در آخر خواهد  
 ۱۳ خواهدید بافت\* در همان حال فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شد خدارا  
 ۱۴ نسبیگ کان میکفتند\* خدارا در اعلی علیین جلال و بر زمین سلامتی و در میان  
 ۱۵ مردم رضامندی باد\* و چون فرشتکان از نزد ایشان باشان رفند شیانان با  
 یکدیگر گفتند آن به بیت نعم بروم و این چیز برا که واقع شد خداوند آنرا با  
 ۱۶ اعلام نموده است به یعنی\* پس بشتاب رفته مریم و یوسف و آن طفل را در آخر  
 ۱۷ خواهیک باقیتند\* چون اینرا دیدند آن سخنی را که در باره طفل بدیشان گفته شد  
 ۱۸ بود شهرت دادند\* و هر که میشنید از آنچه شیانان بدیشان گفتند تعجب مینمود\*  
 ۱۹ امام مریم در دل خود متغیر شد این همه سخنها را نکاه میداشت\* و شیانان خدارا  
 ۲۰ نجید و حمد کان بر کشتند بسب همه آن اموری که دید و شنید بودند چنانکه  
 ۲۱ باشان گفته شد بود\* و چون روز هشتم وقت ختنه طفل رسید اورا عیسی نام  
 نهادند چنانکه فرشته قبل از قرار کرفتن او در رحم اورا نامیک بود\*

۲۲ و چون ایام تطهیر ایشان بر حسب شریعت موسی رسید اورا باور شلم بر دید تا  
 ۲۳ بخداوند بکرانند\* چنانکه در شربعت خداوند مکتوب است که هر ذکری  
 ۲۴ که رَحْمَرا کشاید مقدس خداوند خواند شود\* و نا فربانی کرانند چنانکه در  
 ۲۵ شربعت خداوند مقرر است یعنی جنت فاخته با دو جوجه کبوتر\* و اینک  
 شخصی شمعون نام در اورشلم بود که مرد صالح و متقد و متظر تسلي اسرائیل بود  
 ۲۶ و روح القدس بر وی بود\* و از روح القدس بدو وحی رسید بود که نا مسیح  
 ۲۷ خداوند را نه بینی موتراخواهی دید\* پس برآ غافی روح بهیکل در آمد و چون  
 والدینش آن طفل یعنی عیسی را آوردند تا رسوم شربعت را بجهة او بعمل  
 ۲۸ آورند\* اورا در آغوش خود کشید و خدارا متبارک خواند گفت\*

۲۹ الحال ای خداوند بدن خود را رخصت میدهی \* بسلامتی بر حسب کلام خود\*  
 ۳۰ زیرا که چشان من نجات ترا دید ایست\* که آنرا پیش روی جمیع امتهای مهیا  
 ۳۱ ساختی \* نوری که کشف حجاب برای امتهای کده و قوم تو اسرائیل را جلال  
 ۳۲ بود\* و یوسف و مادرش از آنچه در باره او گفته شد تعجب نمودند\* پس شمعون

ایشانرا برکت داده بادرش مردم کفت اینک این طفل قرار داده شد برای افتدن  
و بر خاستن بسیاری از آل اسرائیل و برای آیتی که بخلاف آن خواهند کفت\*  
۳۵ و در قلب تو نیز شمشیری فرو خواهد رفت تا افکار قلوب بسیاری مکشوف شود\*  
۳۶ وزنی نییه بود حنا نام دختر فنوئیل از سبط اشیر بسیار سالمورده که از زمان بکارت  
۳۷ هفت سال با شوهر بسر برده بود\* و قریب به شناد و چهار سال بود که او بیوه  
کشته از هیکل جدا نمیشد بلکه شبانه روز بروزه و مناجات در عبادت مشغول  
۳۸ میبود\* او در هانساعت در آمک خدارا شکر نمود و در باره او بهمه متظرین  
۳۹ نجات در اورشلم تکلم نمود\* و چون نمائی رسوم شریعت خداوندرا بپایان  
۴۰ برده بودند شهر خود ناصره جلیل مراجعت کردند\* و طفل نمود کرده بروح فوی  
۴۱ میکشت و از حکمت پر شد فیض خدا بروی میبود\* و والدین او هرساله  
۴۲ بجهة عید فصح باورشلم میرفتند\* و چون دوازده ساله شد موافق رسی عید باورشلم  
۴۳ آمدند\* و چون روزهارا تمام کرده مراجعت میخودند آن طفل یعنی عیسی در  
۴۴ اورشلم توقف نمود و یوسف و مادرش نمیدانستند\* بلکه چون کان میبردند که  
او در قافله است سفر پکروزه کردند و او را در میان خویشان و آشایان خود  
۴۵ میجستند\* و چون او را نیافتنند در طلب او باورشلم برکشند\* و بعد از سه روز  
۴۶ او را در هیکل یافتنند که در میان معلمان نشسته سخنان ایشانرا میشنود و از ایشان  
۴۷ سوال هیکرذ\* و هر که سخن او را میشنید از فهم و جوابهای او مخیر میکشت\*  
۴۸ چون ایشان او را دیدند مضطرب شدند پس مادرش بوی کفت ای فرزند چرا با  
۴۹ ما چنین کردی اینک پدرت و من غناک کشته ترا جستجو میکردم\* او با ایشان  
کفت از بھر چه مرا طلب میکردید مگر ندانسته اید که باید من در امور پدر خود  
۵۰ باشم\* ولی اسخنی را که بدیشان کفت تفهمیدند\* پس با ایشان روانه شد بناصن  
آمد و مطیع ایشان میبود و مادر او غمی این امور را در خاطر خود نکاه میداشت\*  
۵۱ و عیسی در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی میکرد\*

## باب سوم

۱ و در سال پانزدهم از سلطنت طبیاریوس فیصر در وقتیکه پنطیوس پلاطُس  
والی بیهوده بود و هیرودیس تیتراریک جلیل و بادرش فیلپس تیتراریک ایطوريه و دیار

- ۱ تراخُونِس و لیسانیوس تیترارک آلبیه \* و حَتَّا و قیافا رؤسای کهنه بودند کلام  
 ۲ خدا به معیی این زکریا در بیان نازلش \* بتائی حواله از دن آمد تبعید نوبه بجهة  
 ۳ آمرزش کاهان موعظه میکرد \* چنانچه مکنوب است در صحیفه کلمات اشعاری نی  
 ۴ که میکوید صدای ندا کننده در بیان که راه خداوندرا مهیا سازید و طرُق اورا  
 ۵ راست غایید \* هروادی اباشه و هر کوه و نی پست و هر کجی راست و هر راه  
 ۶ ناهوار صاف خواهد شد \* و قمای بشرنجات خدارا خواهد دید \* آنکه بآن  
 ۷ جماعی که برای تعمید وی بیرون میامدند کفت ای افعی زادگان که شارا نشان  
 ۸ داد که از غضب آیند بکریزید \* پس ثرات مناسب نوبه نیاورد و در خاطر  
 ۹ خود این شخص را راه مدھید که ابراهیم پدر ماست زیرا بشما میکوم خدا قادر است  
 ۱۰ که از این سنگها فرزندان برای ابراهیم برانگیزند \* و آن نیز نیشه بر ریشه  
 ۱۱ در خان نهاده شد است پس هر درختی که میوه نیکو نیاورد بربیت و در آتش  
 ۱۲ افکنند میشود \* پس مردم از وی سوال نموده کفتند چه کنم \* او در جواب  
 ۱۳ ایشان کفت هر که دو جامه دارد بآنکه ندارد بدهد و هر که خوراک دارد نز  
 ۱۴ چین کند \* و با جکران نیز برای تعمید آمه بدو کفتند ای استاد چه کنم \*  
 ۱۵ بدیشان کفت زیادتر از آنچه مقرر است مکریزید \* سپاهیان نیزار او پرسید کفتند  
 ۱۶ ما چه کنم \* بایشان کفت برکسی ظلم مکنید و بر همچکی اغراه مزید و بواجب  
 ۱۷ خود آکتفا کنید \* و هنگامیکه قوم مترصدی بودند و هم در خاطر خود در باره  
 ۱۸ بمحی ننگر مینمودند که این مسیح است یانه \* بمحی بهمه متوجه شد کفت من شارا  
 ۱۹ بآب تعمید میدم لیکن شخصی نوانادر از من میاید که لیاقت آن ندارم که بند تعیین  
 ۲۰ اورا باز کم او شارا بروح القدس و آش تعمید خواهد داد \* او غربال خود را  
 ۲۱ بدهست خود دارد و خرم خوبی را پاک کرده کندم را در انبار خود ذخیر خواهد  
 ۲۲ نمود و کامرا در آشی که خاموشی نی پذیرد خواهد سوزانید \* و بنصایح بس بار دیگر  
 ۲۳ قوم را بشارت میداد \* اما هیرودیس تیترارک چون بسب هیرودبیا زن برادر  
 ۲۴ او فیلپس و سایر بدیهانیکه هیرودیس کرده بود از وی توبیع یافت \* اینرا نیز  
 ۲۵ بر هم افزوود که بمحی را در زندان حبس نمود \* اما چون غایی قوم تعمید یافته  
 ۲۶ بودند و عیسی هم تعمید کرفه دعا میکرد آسمان شکافته شد \* و روح القدس بهشت

جسانی مانند کبوتری بر او نازل شد و آوازی از آسمان در رسید که تو پسر حیب  
 ۲۳ من هستی که بتو خوشنودم \* و خود عیسی و فیکه شروع کرد فریب بسی ساله بود  
 ۲۴ و حسب کان خلق پسر یوسف بن هالی \* بن مَنَّاتَ بن لَوْيَ بن مَلَكِيَّ بْنَ بَنَّاً بْنَ  
 ۲۵ بُوْسَفَ \* بْنَ مَنَّاتَاً بْنَ أَمْوَسَ بْنَ نَاهُومَ بْنَ حَسْنَى بْنَ نَجَّى \* بْنَ مَأْتَ بْنَ مَنَّاتَاً بْنَ  
 ۲۶ شَمَّى بْنَ يُوسُفَ بْنَ يَهُودَا \* ابْنَ يَوْحَدَا ابْنَ رِيسَا ابْنَ زَرْوَبَابِلَ بْنَ سَالَتِشِيلَ بْنَ  
 ۲۷ نَبِرِيَّ \* ابْنَ مَلَكِيَّ ابْنَ أَدِيَّ ابْنَ قَوْسَامَ بْنَ إِلْمُودَامَ بْنَ عِيرَ \* بْنَ يَوْسَى ابْنَ إِلْعَاذَرَ  
 ۲۸ بْنَ يُورَمَ بْنَ مَنَّاتَ بْنَ لَوْيَ \* ابْنَ شَمَعُونَ بْنَ يَهُودَا ابْنَ يُوسُفَ بْنَ يُونَانَ بْنَ  
 ۲۹ إِلْبَاقِمَ \* بْنَ مَلِيَا ابْنَ مِينَانَ بْنَ مَنَّاتَا ابْنَ نَانَانَ بْنَ دَادَدَ \* بْنَ يَسِيَّ بْنَ عَوِيدَ بْنَ  
 ۳۰ بُوعَزَ بْنَ شَلْمُونَ بْنَ تَخْشُونَ \* بْنَ عَمِينَادَابَ بْنَ آرَامَ بْنَ حَضْرُونَ بْنَ فَارَصَ بْنَ  
 ۳۱ يَهُودَا \* ابْنَ يَعْقُوبَ بْنَ اسْعَقَ بْنَ ابْرَاهِيمَ بْنَ تَارَحَ بْنَ نَاحُورَ \* بْنَ سَرُوجَ بْنَ رَعُوَ  
 ۳۲ ابْنَ فَاتَحَ بْنَ عَابِرَ بْنَ صَالَحَ \* بْنَ قِينَانَ بْنَ آرَفَكَشَادَ بْنَ سَامَ بْنَ نُوحَ بْنَ لَامَكَ \*  
 ۳۳ بْنَ مَوْشَاحَ بْنَ خَنُوكَ بْنَ يَارَدَ بْنَ مَهَلَلَشِيلَ بْنَ قِينَانَ \* بْنَ آنُوشَ بْنَ شَيْثَ بْنَ آدَمَ \*  
 ۳۴ بْنَ اللَّهَ \*

#### بلطفه چهارم

- ۱ اما عیسی پُراز روح القدس بوده از آرذُن مراجعت کرد و روح اورا به یا بان
- ۲ برد \* و مدت چهل روز ابليس اورا غیره می‌فروود و در آن آیام چیزی نخورد چون
- ۳ تمام شد آخر کرسنه کردید \* و ابليس بدو کفت آگر پسر خدا هستی این سنگ را
- ۴ بکو نان کردد \* عیسی در جواب وی کفت مکتوب است که انسان به نان
- ۵ فقط زیست نمیکد بلکه بهر کلمه خدا \* پس ابليس اورا بکوهی بلند برده تمامی
- ۶ مالک جهاز در لحظه بدو نشان داد \* و ابليس بدو کفت جیع این قدرت
- ۷ و حشمت آهارا بتو میدهم زیرا که بمن سپرده شد است و هر که میخواهم میخشم \* پس
- ۸ آگر تو پیش من سمع کنی همه از آن تو خواهد شد \* عیسی در جواب او کفت ای شیطان مکتوب است خداوند خدای خود را بریش کن و غیر اورا عبادت
- ۹ منا \* پس اورا باور شلم بردہ بر ککڑہ هیکل قرار داد و بدو کفت آگر پسر خدا
- ۱۰ هستی خود را از ایجا بزیر انداز \* زیرا مکتوب است که فرشتکان خود را در باره
- ۱۱ تو حکم فرماید تا ترا محافظت کنند \* و ترا بستهای خود بردارند مبادا پایت به

- ۱۲ سنگی خورد\* عیسی در جواب وی کفت که کفته شد است خداوند خدای  
 ۱۳ خود را تجربه مکن\* و چون ابلیس جمیع تجربه را به انعام رسانید تا مدنی ازاو جدا  
 ۱۴ شد\* و عیسی بقوت روح بجلیل برکشت و خبر او در تمامی آن نواحی شهرت  
 ۱۵ یافت\* وا در کنایس ایشان تعلم میداد و هه اورا تعظیم میکردند\* و به ناصن  
 ۱۶ جائیکه پرورش یافته بود رسید و بحسب دستور خود در روز سبت بکیسه در آمد  
 ۱۷ برای تلاوت برخاست\* آنکاه صحیفه اشیعیاء نبی را بدو دادند و چون کتابرا  
 ۱۸ کشود موضعی را یافت که مکتوب است\* روح خداوند بر منست زیراکه مرا  
 ممح کرد تا فقیرانرا بشارت دهم و مرا فرستاد تا شکسته دلانرا شنا بخشم و اسیرانرا  
 ۱۹ برستکاری و کورانرا به ینائی موضعه کنم و تا کوید کانرا آزاد سازم\* وا ز سال  
 ۲۰ پسندیدن خداوند موضعه کنم\* پس کتابرا بهم پیچید بخادم سپرد و بنشست و چشان  
 ۲۱ همه اهل کیسه بروی دوخته میبودند\* آنکاه بدیشان شروع بکشن کرد که امروز  
 ۲۲ این نوشته در کوشاهی شما تمام شد\* و هه بروی شهادت دادند و از سخنان فیض  
 آمیزی که از دهانش صادر میشد تبعیب نموده کفتند مکر این پسر یوسف نیست\*  
 ۲۳ بدیشان کفت هر آینه این مثل را پن خواهد کفت ای طیب خود را شنا به آنچه  
 ۲۴ شنید ام که در کفرناسحوم از تو صادر شد ایها نیز در وطن خوبش بنا\* و کفت  
 ۲۵ هر آینه بشما میکوم که همچ نبی در وطن خوبش مقبول نباشد\* و بحقیق شمارا میکوم  
 که بسا یوه زنان در اسرائیل بودند در ایام الیاس وققی که آیشان مدت سه سال  
 ۲۶ و شش ماه بسته ماند چنانکه قطعی عظم در تمامی زمین پدید آمد\* والیاس نزد  
 ۲۷ همچ کدام از ایشان فرستاده شد مکر نزد یوه زنی در صرفه صیدورن\* و بسا  
 ابرصان در اسرائیل بودند در ایام ایشع نبی واحدی از ایشان طاهر نکشت  
 ۲۸ جز نغان سریانی\* پس تمام اهل کیسه چون این سخنان را شنیدند پُر از خشم  
 ۲۹ کشند\* و برخاسته اورا از شهر بیرون کردند و بر قله کوهی که قبة ایشان بران  
 ۳۰ بنا شد بود بردند تا اورا بزر افکند\* ولی از میان ایشان کنشته برفت\*  
 ۳۱ و بکفرناسحوم شهری از جلیل فرود شد در روزهای سبت ایشان را تعلم میداد\*  
 ۳۲ وا ز تعلم او در حیرت افتادند زیراکه کلام او با قدرت میبود\*  
 ۳۳ و در کیسه مردی بود که روح دیو خیث داشت و با از بلند فریاد کان میکفت\*

۳۴ آه ای عیسیٰ ناصری مارا با تو چه کار است آبا آمنَ تا مارا هلاک سازی \* ترا میشناسم  
 ۳۵ کیستی ای قدوسِ خدا \* پس عیسی اورا نهیب داده فرمود خاموش باش واز  
 وی پیرون آی \* در ساعت دبو اورا درمیان انداخته از او پیرونشد و هیچ آسمی  
 ۳۶ بدو نرساند \* پس حیرت بر هه ایشان مستولی کشت و یکدیگر را مخاطب  
 ناخن کفتند این چه سخن است که ای شخص با قدرت و قوت ارواح پلیدرا  
 ۳۷ امر میکند و پیرون میآیند \* شهرت او در هر موضعی از آن حوالی بهن شد \*  
 ۳۸ واژ کیسه برخاسته بخانه شمعون در آمد و مادر زن شمعون را تب شدیدی عارض  
 ۳۹ شد بود برای او از وی التاس کردند \* پس بر سر وی آمن تبرا نهیب داده  
 تب از او زابل شده در ساعت برخاسته مخدمنکذاری ایشان مشغول شد \*  
 ۴ و چون آفتاب غروب میکرد هه آنانیکه اشخاص مبتلا به انواع مرضا داشتند ایشان را  
 ۴ نزد وی آوردند و پیر یکی از ایشان دست کدارده شفا داد \* و دیوها نیز از  
 بسیاری پیرون میرفتند و صحیح زنان میکفتند که تو سمع پسر خدا هست وی ایشان را  
 ۴ قدغن کرده نکدشت که حرف زند زیرا که دانستند او مسح است \* و چون روز  
 شد روانه شد به کانی و بران رفت و کروی کثیر در جسمی او آمن نزد رسیدند  
 ۴۲ واورا باز میباشند که از نزد ایشان نرود \* باشان کفت مرا لازمت که  
 بشهرهای دیگر نیز بملکوت خدا بشارت دهم زیرا که برای هین کار فرستاده شد  
 ۴۴ ام \* پس در کنایس جلیل موعظه مینمود \*

## باب پنجم

- ۱ و هنکامیکه کروی بروی از دحام مینمودند تا کلام خدا را بشنوند او بکنار
- ۲ در یاقه جنسیارت ایستاده بود \* و دو زورق را در کنار در یاقه ایستاده دید که
- ۳ صیادان از آنها پیرون آمن دامهای خود را شست و شو مینمودند \* پس یکی از آن
- دو زورق که مال شمعون بود سوار شد ازا درخواست نمود که از خشکی انگکی
- ۴ دور ببرد پس در زورق نشسته مردم را تعلم مداد \* و چون از سخن کتفن فارغ
- شد بشمعون گفت بمانه در یاقه بران و دامهای خود را برای شکار بیندازید \*
- ۵ شمعون در جواب وی گفت ای اسناد غام شهرا رفع برده چیزی نکرفیم لیکن

- ۶ بحکم تو دامرا خواهم انداخت \* و چون چنین کردند مقداری کثیر از ماهی صید  
 ۷ کردند چنانکه نزدیک بود دام ایشان کسته شود \* و بر قای خود که در زورق  
 دیگر بودند اشاره کردند که آمن ایشانرا امداد کننده پس آمن هر دو زورقا را بر  
 ۸ کردند بقسمیکه نزدیک بود غرق شوند \* شمعون پطرس چون اینرا بدید نزدیکی های  
 ۹ عیسی افتاده کفت اخدا وید از من دور شو زیرا مردی کاکا کارم \* چونکه بسب  
 ۱۰ صید ماهی که کرده بودند دهشت بر او و همه رفای وی مستولی شد بود \* و هم  
 چنین نیز بر عقوب و بوحنا پسران زندی که شریک شمعون بودنده عیسی بشمعون  
 ۱۱ کفت متربس پس از این مردم را صید خواهی کرد \* پس چون زورقها را بکار  
 ۱۲ آوردند هم را ترک کرده از عقب او روانه شدند \* و چون او در شهری از  
 شهرها بود ناکاه مردی پراز برص آمن چون عیسی را بدید بروی در افتاد وازاو  
 ۱۳ درخواست کرده کفت خداوندا آکر خواهی میتوانی مرا طاهر سازی \* پس او  
 دست آورده ویرا لمس نمود و گفت یعنواهم طاهر شو که فورا برص ازاو زایل  
 ۱۴ شد \* . او را قدغن کرد که هیچکس را خبر نمی بلکه رفه خود را با کاهن بنا و هدیه  
 بجهة طهارت خود بطوریکه موسی فرموده است بکذران تا بجهة ایشان شهادتی  
 ۱۵ شود \* لیکن خبر او بیشتر شهرت یافت و کوهی بسیار جمع شدند تا کلام او را  
 ۱۶ بشونند و از درضای خود شفا یابند \* واو بورانها عزلت جسته بعیادت مشغول  
 ۱۷ شد \* روزی از روزها واقع شد که او تعلم میداد و فریسان و فقا که از همه  
 بلدان جلیل و بیهوده و اورشلم آمن نشسته بودند و قوت خداوند برای شفای  
 ۱۸ ایشان صادر نمیشد \* که ناکاه چند نفر شخصی مطلع را بر بستری آوردند و بیخواستند  
 ۱۹ او را داخل کنند تا پیش روی وی بکذارند \* و چون بسب انبوی مردم راهی  
 نیافتنند که او را بخانه در آورند بر پشت بام رفته او را با غتشش از میان سفالها در  
 ۲۰ وسط پیش عیسی کاردند \* چون او ایمان ایشانرا دید بوی کفت ای مرد کاهان  
 ۲۱ تو آمرزیدند شد \* آنکاه کتابان و فریسان در خاطر خود نفگر نموده کفتن کرفتند  
 این کیست که کفر میکوبد جز خدا و پس کیست که بتواند کاهان را یا مرزد \*  
 ۲۲ عیسی افکار ایشانرا درک نموده در جواب ایشان کفت چرا در خاطر خود نفگر  
 ۲۳ میکنید \* کدام سهتر است کفتن اینکه کاهان تو آمرزیدند شد یا کفتن اینکه برجوز

۲۴ و بجزام \* لیکن نا بدانید که پسر انسان را استطاعت آمر زیدن کنahan بر روی زمین  
هست مفلوجرا کفت ترا میکوم برخیز و بستر خود را برداشته بمانه خود برو \*

۲۵ در ساعت برخاسته پیش ایشان آنچه برآن خواهید بود برداشت و بمانه خود خدارا  
۲۶ حمد کان روانه شد \* و حیرت هم را فرو کرفت و خدارا تمیجد مینمودند و خوف  
برایشان مستولی شد کفتند امروز چزهای عجیب دیدیم \* از آن پس یرون  
رفة با جکیربرا که لاوی نام داشت برای جگاه نشسته دید اورا کفت از عقب من  
۲۸ بیا \* در حال هم چیزرا ترک کرده برخاست و در عقب وی روانه شد \* ولاوی  
ضیافتی بزرگ در خانه خود برای او کرد و جمیع بسیار از باجکیران و دیکران با  
۲۹ ایشان نشستند \* اما کابان ایشان و فریسان همه نموده شاکردن او کفتند برای چه  
با باجکیران و کاهکاران آكل و شرب میکنید \* عیسی در جواب ایشان کفت  
۳۱ ندرستان احنجاچ بطیب ندارند بلکه مریضان \* و نیامد ام نا عادلان بلکه نا  
۳۲ عاصیان را بتوبه بخوانم \* پس بوی کفتند از چه سبب شاکردن بمحی روزه بسیار  
میدارند و نیاز بخوانند و همچین شاکردن فریسان نبز لیکن شاکردن تو آكل و شرب  
۳۴ میکنند \* بدیشان کفت آیا میتوانید پسران خانه عروسی را مادامیکه داماد با  
۳۵ ایشان است روزه دار سازید \* بلکه آیا میاید که داماد از ایشان کرفته شود آنکه  
۳۶ در آن روزها روزه خواهد داشت \* و مثلی برای ایشان آورد که هیچ کس پارچه  
از جامه نورا بر جامه کهنه و صله نمیکند و لآن نورا پاره کند و وصله که از نو کرفته  
۳۷ شد نبز در خور آن کهنه نبُود \* و هیچ کس شراب نورا در مشکه‌ای کهنه غیر بزد  
۳۸ و لآن شراب نو مشکه‌ارا پاره میکند و خودش ریخته و مشکه‌ناه میکردد \* بلکه  
۳۹ شراب نورا در مشکه‌ای نو باید ریخت نا هر دو محفوظ باند \* و کسی نیست که  
چون شراب کهنه را نوشید فی النور نورا طلب کند زیرا میکوبد کهنه بهتر است \*

## باب ششم

- ۱ و واقع شد درست دوم او لین که او از میان کشت زارها میکذشت و شاکرداش
- ۲ خوش‌ها میجیدند و بکف مالین میخورند \* بعضی از فریسان بدیشان کفتند چرا
- ۳ کاری میکنید که کردن آن درست جایز نیست \* عیسی در جواب ایشان کفت

- ۴ ابا نخوانه ابد آنچه داود ورفقاش کردند دروقتیکه کرسته بودند \* که چکونه  
بجانه خدا درآمد نان نقدمه را کرفته بخورد و برفاای خود نیز داد که خوردن آن  
۵ جز بکهنه روا نیست \* پس بدیشان کفت سر انسان مالک روز سبت نیز هست \*
- ۶ ودر سبت دیگر بکنیسه درآمد تعلم میداد و در آنجا مردی بود که دست راستش  
۷ خشک بود \* وکاتبان و فرسیان چشم براو میداشتند که شاید در سبت شفا دهد  
۸ ناشکایی براو یابند \* او خیالات ایشان را درک نموده بدان مرد دست خشک  
۹ کفت برخیز و در میان بایست \* درحال برخاسته باستاد \* عیسی بدیشان کفت  
از شما چیزی میپرسم که درروز سبت کدام رواست نیکوئی کردن یا بدی رهانیدن  
۱۰ جان با هلاک کردن \* پس چشم خودرا بر جمیع ایشان کردانیه بدو کفت دست  
۱۱ خودرا دراز کن \* او چنان کرد وفوراً دستش مثل دست دیگر صحیح کشت \* اما  
۱۲ ایشان از حافظت پر کشته یکدیگر میکفتدند که با عیسی چه کنم \* و در آنروزها  
۱۳ بر فراز کوه برآمد نا عبادت کند و آنسپر را در عبادت خدا بصیر آورد \* و چون  
روز شد شاکردان خودرا پیش طلیک دوازده نفر از ایشان را اختحاب کرده ایشان را  
۱۴ نیز رسول خواند \* یعنی شمعون که اورا بطرس نیز نام نهاد و برادرش اندریاس \*
- ۱۵ یعقوب و یوحنا فیلیپ و برتو لا \* متقی و نوما \* یعقوب بن حلقی و شمعون معروف  
۱۶ بغیور \* بہودا برادر یعقوب و بہودای اخزیروطی که تسلیم کشته وی بود \* و با  
ایشان بزرآمد بر جای همار بایستاد و جمیع از شاکردان وی و کروهی بسیار از قوم  
از تمام بیهودیه واورشلم و کاره در بای صور و صیدون آمدند تا کلام اورا بشنوند  
۱۸ و از امراض خود شفا یابند \* و کسانیکه ازار و اوح بلید معذب بودند شفا یافتد \*
- ۱۹ و تمام آن کروه بیخواستند اورا لمس کنند زیرا قوی ازوی صادر شده هر را محبت  
۲۰ میبخشید \* پس نظر خودرا بشاکردان خوش افکن کفت خوش بحال شما ای  
۲۱ مسکین زیرا ملکوت خدا از آن شما است \* خوش بحال شما که آنکون کرسته اید  
زیرا که سیر خواهید شده خوش بحال شما که احوال کریا پید زیرا خواهید خندید \*
- ۲۲ خوش بحال شما وقتیکه مردم بخطاطر پسر انسان از شما نفرت کرند و شهارا ار خود  
۲۳ جدا سازند و دشمن دهنند و نام شهارا مثل شیر بیرون کنند \* در آنروز شاد باشید  
و وجود نمایند زیرا اینک اجر شما در آسمان عظم میباشد زیرا که بهمین طور پسوان

۳۴ ایشان با انبیاء سلوک نمودند \* لیکن وای برشما ای دولقندان زیرا که تسلی خود را  
 ۳۵ یافته اید \* وای برشما ای سیر شدکان زیرا کرسته خواهید شده وای برشما که  
 ۳۶ آلان خندانید زیرا که مام و کریه خواهید کرد \* وای برشما و قبیکه جمیع مردم شمارا  
 ۳۷ نحسین کشد زیرا همچین پدران ایشان با انبیای کذبه کردند \* لیکن ای شنوندکان  
 شمارا میکوم دشمن خود را دوست دارید و با کسانیکه از شما نفرت کنند احسان  
 ۳۸ کنید \* و هر که شمارا لعن کند برای او برکت بطلیید و برای هر که با شما کیه دارد  
 ۳۹ دعای خیر کنید \* و هر که برخسار تو زند دیگری را نبزیسوی او بکردن و کسیکه  
 ۴۰ ردای نرا بکیرد قبارا نباز او مضایقه مکن \* هر که از نو سؤال کند بدو بد و هر که  
 ۴۱ مال ترا کیرد ازوی باز هنواه \* و چنانکه بخواهید مردم با شما عمل کنند شما نبز  
 ۴۲ بهمان طور با ایشان سلوک نمائید \* زیرا اکر محبان خود را محبت نمائید شمارا چه  
 ۴۳ فضیلت است زیرا کاهکاران هم محبان خود را محبت نمایند \* و اکر احسان کنید  
 ۴۴ با هر که بشما احسان کند چه فضیلت دارید چویکه کاهکاران نیز چنین میکنند \*  
 ۴۵ واکر فرض دهید بآنایکه امید باز کرفتن از ایشان دارید شمارا چه فضیلت است  
 ۴۶ زیرا کاهکاران نبز بکاهکاران فرض میدهند تا از ایشان عوض کیرند \* بلکه  
 ۴۷ دشمنان خود را محبت نمائید و احسان کنید و بدون امید عوض فرض دهید زیرا که  
 ۴۸ اجر شما عظیم خواهد بود و سران حضرت اعلی خواهید بود چونکه او با ناسیان  
 ۴۹ و بدکاران مهریان است \* پس رحم باشید چنانکه پدر شما نبز رحم است \*  
 ۵۰ داوری مکنید تا برشما دوری نشود و حکم مکنید تا برشما حکم شود و عفو کنید تا  
 ۵۱ امرزیک شوید \* بدھید تا بشما داده شود زیرا پیمانه نیکوی افسرده و جنایت و لیریز  
 ۵۲ شد را در دامن شما خواهند کنار دزیرا که بهمان پیمانه که می پیمانید برای شما پیموده  
 ۵۳ خواهد شد \* پس برای ایشان مثلی زد که آیا میتواند کور کور را رهنانی کند آیا  
 ۵۴ هر دو در حفظ نمایند \* شاکرد از معلم خویش بهتر نیست لیکن هر که کامل شد  
 ۵۵ باشد مثل اسناد خود بود \* و چرا خسیرا که در چشم برادر تو است میبینی  
 ۵۶ و چویی را که در چشم خود داری نمیابی \* و چکویه بتوانی برادر خود را کوچی ای  
 ۵۷ برادر اجازت ده تا خس را از چشم تو برآور و چوییرا که در چشم خود داری نی  
 ۵۸ بینی \* ای ریاکار اول چویرا از چشم خود بروون کن آنکاه نیکو خواهی دید تا

۴۳ خس را از چشم برادر خود برآورده \* زیرا همچ درخت نیکو میوه بد بارگشته اورده و نه  
 ۴۴ درخت بد میوه نیکو اورد \* زیرا که هر درخت از میوه اش شناخه میشوده از خار  
 ۴۵ اخیررا نمیباید واژ بونه انکوررا نی چینند \* آدم نیکو از خزینه خوب دل خود  
 چیز نیکو برمیاورد و شخص شریر از خزینه بد دل خوش چیز بذیرون برمیاورد  
 ۴۶ زیرا که از زیادن دل زبان سخن میکوید \* و چون است که مرا خداوندا خداوندا  
 ۴۷ میکوئید و آنچه میکویم بعمل نمیاورید \* هر که نزد من آید و سخنان مرا شنود و اههارا  
 ۴۸ بجا آورد شمارا نشان میدم که بجه کس مشابهت دارد \* مثل شخصی است که خانه  
 میساخت وزین را کنه کود نمود و بنیادش را برستک نهاد پس چون سیلاپ آمد  
 سیل برآخانه زور آورد توانست آنرا جنبش دهد زیرا که برستک بنا شد بود \*  
 ۴۹ لبکن هر که شنید و عمل نیاورد مانند شخصی است که خانه ببروی زمین بی بنیاد بنا  
 کرد که چون سیل برآن صدمه زد فوراً افتاد و خرابی آخانه عظم بود \*

## باب هفتم

۱ و چون همه سخنان خودرا بسع خلق به اقام رسانید وارد گفروناحوم شد \*  
 ۲ و بوزیاشی را غلامی که عزیز او بود مریض و مشرف برموت بود \* چون خبر  
 عیسی را شنید مشایخ یهودرا نزد اوی فرستاده ازاو خواهش کرد که آمن غلام اورا  
 ۴ شفا بخندند \* ایشان نزد عیسی آمن به امتحان نزد او التماس کرده گفتند مسخن است  
 که این احسانرا برایش بجا آوری \* زیرا قوم مارا دوست میدارد و خود برای ما  
 ۶ کنیسه را ساخت \* پس عیسی با ایشان روانه شد و چون نزدیک بچانه رسید  
 بوزیاشی چند نفر از دوستان خودرا نزد او فرستاده بد و گفت خداوندا زحمت  
 ۷ مکش زیرا لایق آن نیست که زیر سقف من درائی \* واز این سبب خودرا لایق آن  
 ۸ ندانست که نزد نو آیم بلکه سخنی بکو تا بند من صحیح شود \* زیرا که من نیز شخصی  
 هستم زیر حکم و لشکر یان زیر دست خود دارم چون یکی کوم برو میرود و بدیکی  
 ۹ یا میاید و غلام خود اینرا بکن میکند \* چون عیسی اینرا شنید تعجب نموده بسوی  
 آن جماعتیکه از عقب او میامدند روی کردانیک کفت بشما میکویم چنین ایمانی در اسرائیل  
 ۱۱ هم نیافهم \* پس فرستادکان بچانه برکتته آن غلام پهارا صحیح بافتند \* و دو

- روز بعد شهری مسی بمناین میرفت و بسیاری از شاکردان او و کروی عظم  
 ۱۳ همراهش میرفتند \* چون تزدیک بدوازه شهر رسید ناکاه میقی را که پسر یکاه  
 ۱۴ بیوه زنی بود میردند و اتوهی کثیر از اهل شهر با وی میآمدند \* چون خداوند  
 ۱۵ اورا دید دلش برآ و سوخت و بوی کفت کربان میباشد \* و تزدیک آمد نابوت را  
 ۱۶ لمس نمود و حاملان آن بایستادند پس کفت ای جوان ترا میکویم برخیز \* در ساعت  
 ۱۷ آندره راست بنشست و سخن کفن آغاز کرد و اورا با درش سپرد \* پس خوف هم را  
 فرا کرفت و خدارا نجید کنان میگفتند که نبی بزرگ در میان ما معیوث شد و خدا  
 ۱۸ از قوم خود تنقد نموده است \* پس این خبر در باره او در غام بهودبه و جمیع آن  
 ۱۹ مرزو بوم منتشر شد \* و شاکردان بجهی اورا از جمع این قوای مظلوم ساختند \* پس  
 بجهی دو نفر از شاکردان خود را طلبی نزد عیسی فرستاده عرض نمود که آیا نو آن  
 ۲۰ آیند هستی یا متظر دیگری باشیم \* آن دونفر نزد وی آمد کفتند بجهی تعید دهنده  
 ۲۱ مارا نزد نو فرستاده میکوید آیا تو آن آیند هستی یا متظر دیگری باشیم \*  
 ۲۲ در همان ساعت بسیار برآ از مرضها و بلایا و ارواح پلید شفا داد و کوران بسیار برآ  
 ۲۳ بینایی بخشید \* عبسی در جواب ایشان کفت بروید و بجهی را از آنچه دید و شنید  
 اید خبر دهد که کوران بینا ولنکان خرامان و ابرصان طاهر و کزان شنا و مردکان  
 ۲۴ زن زن میگردند و بفراز بشارت داده میشود \* و خوشحال کشید که در من لغرش  
 ۲۵ نخورد \* و چون فرستادکان بجهی رفته بودند در باره بجهی بدان جماعت آغاز سخن  
 نهاد که برای دیدن چه چیز بصرها بیرون رفته بود دید آیا نیز را که از باد در جنبش  
 ۲۶ است \* بلکه بجهة بدین چه بیرون رفته بود آیا کس را که بلباس نرم ملپس باشد  
 اینک آناتیکه لباس فاخر میپوشند و عیاشی میگشند در فصراهای سلاطین هستند \*  
 ۲۷ پس برای بدین چه رفته بود دید آیا نیز راه می بشما میکویم کسی را که از نبی هم  
 بزرگتر است \* زیرا این است آنکه در باره وی مکتوب است اینک من رسول  
 ۲۸ خود را پیش روی تو میفرستم نا راه ترا پیش نومهای سازد \* زیرا که شمارا بی کوی  
 از اولاد زنان نبی بزرگتر از بجهی تعید دهنده نبست لیکن آنکه در مملکوت خدا  
 ۲۹ کوچکتر است از وی بزرگتر است \* و غام قوم و با جکیران چون شنیدند خدارا  
 ۳۰ نجید کردند زیرا که تعید از بجهی بافته بودند \* لیکن فرسیان و فقهاء اراده خدارا

۲۱ از خود رد نمودند زیرا که ازوی نعید نیافته بودند \* آنکه خداوند کفت مردمان  
 ۲۲ ابن طبقه را بجهه نشیه کم و مانند چه میباشد \* اطفالیرا میانند که در بازارها نشسته  
 یکدیگر را صدا زده میکوبند برای شما نواختم رقص نکردید و نوحه کری کردم که به  
 ۲۳ نمودید \* زیرا که بجهی نعمید دهنن آمد که نه نان میخورد و نه شراب میشامید  
 ۲۴ میکوئید دبودارد \* پسر انسان آمد که میخورد و میشامد میکوئید اینک مرد بست  
 ۲۵ پُرخور و باده پرست و دوست با جگران و کاهکاران \* اما حکمت از جمیع فرزندان  
 ۲۶ خود مصدق میشود \* و یکی از فرسیان ازاو و عن خواست که با او غذا  
 ۲۷ خورد پس بخانه فرسی درآمد بنشست \* که ناکاه زنی که در آشهر کاهکار بود  
 ۲۸ چون شنید که درخانه فرسی بعذا نشسته است شبشه از عطر آورده \* دریشت  
 سر او تزد پایهایش کریان بایستاد و شروع کرد بشستن پایهای او بهاشک خود  
 و خشکانیدن آنها بوی سر خود و پایهای ویرا بوسیله آنها را بعطر ندهین کرد \*  
 ۲۹ چون فرسی که ازاو و عن خواسته بود اینرا بدبید با خود میکفت که این شخص اکر  
 نی بودی هر آینه دانستی که این کدام و چکونه زن است که اورا لمس میکند زیرا  
 ۳۰ کاهکاریست \* عیسی جواب داده بوی کفت ای شمعون چیزی دارم که بتو کویه \*  
 ۳۱ کفت ای استاد بکو \* کفت طلبکاریرا دوین کار بود که از یکی پانصد واژدیکی  
 ۳۲ بجهه دینار طلب داشتی \* چون چیزی نداشتند که ادا کنند هر دورا بخنبدیه \*  
 ۳۳ بکو کدام یک از آن دو اورا زیادتر محبت خواهد نمود \* شمعون در جواب کفت  
 ۳۴ کان میکنم آنکه اورا زیادتر بخنبدیه بوی کفت نیکو کتفی \* پس بسوی آن زن  
 اشاره نموده بشمعون کفت این زیرانی بینی \* بخانه تو آمدم آب بجهه پایهای من  
 نیاوردی ولی این زن پایهای مرا بهاشکها شست و بموهای سر خود آنها را خشک  
 ۳۵ کرد \* مرا نبوسیدی لیکن این زن از وقیکه داخل شدم از بوسیدن پایهای من باز  
 ۳۶ نه ایستاد \* سر مرا بروغن مسح نکردی لیکن او پایهای مرا بعطر ندهین کرد \*  
 ۳۷ از این جهه بتو میکوم کاهان او که بسیار است آمرزید شد زیرا که محبت بسیار نموده  
 ۳۸ است لیکن آنکه آمرزیش کمتر یافت محبت کمتر میباشد \* پس آن زن کفت کاهان  
 ۳۹ تو آمرزید شد \* و اهل مجلس در خاطر خود نهکن آغاز کردند که این کیست که کاهانرا  
 ۴۰ هم میآمرزد \* پس آن زن کفت ایمان ترا بخات داده است بسلامتی روانه شو \*

## باب هشتم

- ۱ و بعد از آن واقع شد که او در هر شهری و دهی کشته موعظه مینمود و ملکوت خدا  
 ۲ بشارت میداد و آن دوازده با وی میبودند\* وزنان چند که از ارواح پلید و مرضها  
 شفا نافته بودند یعنی مریم معروف بعجیله که ازاو هفت دیو بیرون رفته بودند\*  
 ۳ و بونا زوجة خوزا ناظر هیرودیس و سوسن و بسیاری از زنان دیگر که از اموال  
 ۴ خود اورا خدمت میکردند\* وجودن کروهی بسیار فراهم میشدند و از هر شهر  
 ۵ نزد او میامدند مثلی آورده کفت\* که برزکری بجهه نغم کاشتن بیرون رفت و  
 وقتیکه نغم میکاشت بعضی برکناره راه ریخته شد و پایه اال شد مرغان هوا آنرا  
 ۶ خوردند\* و پاره برسکلاخ افتاده چون روئید از آنجهه که رطوبتی نداشت خشک  
 ۷ کردید\* و فدری در میان خارها افکن شد که خارها با آن نتوکرده آنرا خفه نمود\*  
 ۸ و بعضی در زمین نیکو پاشید شد روئید و صد چندان نمود چون این بکفت ندا  
 ۹ درداد هر که کوش شنا دارد بشنود\* پس شاکر داشن ازاو سؤال نموده کفتند  
 ۱۰ که معنی این مثل چیست\* کفت شمارا دانستن اسرار ملکوت خدا عطا شد  
 ۱۱ است ولیکن دیگرانرا بواسطه مثلها تا نکریسته نینند و شنید درک نکند\* اما مثل  
 ۱۲ این است که نغم کلام خدماست\* و آنایکه در کار راه هستند کسانی میباشند که  
 چون میشنوند فوراً ابلیس آنکه کلام را از دلای ایشان میریابد میادا ایمان آورده  
 ۱۳ بخات یابند\* و آنایکه برسکلاخ هستند کسانی میباشند که چون کلام را میشنوند  
 آزادی میزبرند و اینها ریشه ندارند پس تا مدنی ایمان میدارند و در وقت  
 ۱۴ آزمایش مرند میشوند\* اما آنچه در خارها افتاد اشخاصی میباشند که چون شنوند  
 میروند و اندیشه های روزگار و دولت ولذات آن ایشان را خفه میکند و هیچ میوه  
 ۱۵ بکال نمیرسانند\* اما آنچه در زمین نیکو واقع کشت کسانی میباشند که کلام را بدل  
 ۱۶ راست و بیکو شنید آنرا نکاه میدارند و با صبر ثم میآورند\* و هیچ کس چراغ را  
 افروخته آنرا زیر ظرفی یا خنثی پنهان نمیکند بلکه بر جراحدان میگذارد تا هر که  
 ۱۷ داخل شود روشی را به بیند\* زیرا چیزی نهان نیست که ظاهر نگردد و نه مستور  
 ۱۸ که معلوم و هویدا نشود\* پس احیاط نماید که بچه طور میشنود زیرا هر که دارد

- بدو داده خواهد شد و از آنکه ندارد آنچه کمان هم میرد که دارد ازاو کرفته خواهد  
 ۱۹ شد\*      ومادر و برادران او نزد وی آمده بسبب ازدحام خلق توانستند او را  
 ۲۰ ملاقات کنند\* پس او را خبر داده کفتند مادر و برادرانت بیرون ایستاده میخواهند  
 ۲۱ ترا به بینند\* در جواب ایشان کفت مادر و برادران من ایناند که کلام خدارا  
 ۲۲ شنید آنرا بجا میگورند\*      روزی از روزها او با شاکرداخ خود بکشی سوار  
 شد با ایشان کفت بسوی آن کار در بیان عبور بکیم پس کشی را حرکت دادند\*  
 ۲۳ و چون میرفند خواب اورا در ریود که ناکاه طوفان باد بر در بیان فرود آمد بحدیک  
 ۲۴ کشی از آب پر میشد و ایشان در خطر افتادند\* پس نزد او آمده اورا بیدار کرده  
 کفتند استادا هلاک میشوم\* پس برخاسته باد و نلام آبرآ نهیب داد نا  
 ۲۵ ساکن کشت و آرامی پدید آمد\* پس با ایشان کفت ایمان شما کجا است ایشان ترسان  
 و متوجه شد با یک دیگر میکفتند که این چه طور آدمیست که بادها و آبرآ هم امر  
 ۲۶ میفرماید و اطاعت او میکنند\*      و بزین جد ریان که مقابل جلیل است  
 ۲۷ رسیدند\* چون بخشکی فرود آمد ناکاه شخصی ازان شهر که از مدّت مديدة دیوها  
 داشتی و رخت پوشیدی و در خانه نماند بلکه در قیرها منزل داشتی دوچار وی  
 ۲۸ کردید\* چون عیسی را دید نعن زد و پیش او افتاده با آواز بلند کفت ای عیسی بسر  
 ۲۹ خدا بعلی مرا با توچه کار است از تو manus دارم که مرا عذاب ندهی\* زیرا هم  
 روح خیشرا امر فرموده بود که از آن شخص بیرون آید چونکه بارها اورا کرفته بود  
 چنانکه هرجند اورا بزخیرها و کدها بسته نکاه میداشتند بندھارا میکشیست و دیوها  
 ۳۰ اورا بضمرا میراند\* عیسی ازاو رسید کفت نام توجیست کفت تجهیز زیرا که  
 ۳۱ دیوهای بسیار داخل او شده بودند\* و ازاو استدعای کردند که ایشان را نفرماید که  
 ۳۲ به هاویه روند\* و در آن نزدیکی کله کراز بسیاری بودند که در کوه میگردند پس  
 ازاو خواهش نمودند که بدیشان اجازت دهد نا در آنها داخل شود پس ایشان را  
 ۳۳ اجازت داد\* ناکاه دیوها ازان آدم بیرون شد داخل کرازان کشند که آن کله  
 ۳۴ از بلندی به در بیانه خفه شدند\* چون کرازان انان ماجرا دیدند فرار کردند  
 ۳۵ و در شهر واراضی آن شهرت دادند\* پس مردم بیرون آمده نا آن واقعه را به بینند  
 نزد عیسی رسیدند و چون آن آدمی را که ازاو دیوها بیرون رفته بودند دیدند که نزد

۳۶ یابهای عیسی رخت پوشید و عاقل کشته نشسته است ترسیدند\* و آنایکه اینرا  
 ۳۷ دیدند ایشانرا خبر دادند که آن دیوانه چه طور شفا یافته بود\* پس تمام  
 خلق مرزویوم جَرَیان از او خواهش نمودند که از نزد ایشان روانه شود زیرا  
 خوفی شدید بر ایشان مستولی شد بود پس او بکشی سوارش مراجعت نمود\*  
 ۳۸ اماً آن شخصی که دیوها از وی بیرون رفته بودند از او درخواست کرد که با اوی  
 ۳۹ باشد لبکن عیسی اورا روانه فرموده کفت\* بخانه خود برگرد و آنچه خدا بانوکرده  
 است حکایت کن پس رفته در غام شهر از آنچه عیسی بدون نموده بود موعظه کرد\*  
 ۴۰ و چون عیسی مراجعت کرد خلق اورا پذیرفتند زیرا جمیع مردم چشم برآ او  
 ۴۱ میداشتند\* که ناکاه مردی بائزُس نام که رئیس کیسه بود بپایهای عیسی افتاده  
 ۴۲ باو manus نمود که بخانه او باید\* زیرا که اورا دختر یکاه قرب بدوازده ساله  
 ۴۳ بود که مشرف بر موت بود و چون میرفت خانه برآ او زحام مینمودند\* ناکاه زنی  
 که مدت دوازده سال بدانشاضه مبتلا بود و غام مایلک خود را صرف اطباء نموده  
 ۴۴ و هیچ کس نمیتوانست اورا شفا دهد\* از پشت سر وی آمد دامن ردای اورا  
 ۴۵ لمس نمود که در ساعت جریان خونش ایستاد\* پس عیسی کفت کیست که مرا  
 لمس نموده چون هه انکار کردند بطرس و رفقا بش کنند ای ایستاد مردم هیوم آورده  
 ۴۶ برتو از زحام میکنند و میکوئی کیست که مرالمس نمود\* عیسی کفت البته کی مرا  
 ۴۷ لمس نموده است زیرا که من درک کردم که فوقی از من بیرون شد\* چون آن زن  
 دید که نمیتواند پنهان ماند لرزان شد آمد و ترد وی افتاده پیش هه مردم کفت که  
 ۴۸ بجه سبب اورا لمس نمود و چکونه فوراً شفا یافت\* و پرا کفت ای دختر خاطر  
 ۴۹ جمع دارای امانت ترا شفا داده است بسلامی برو\* و این سخن هنوز هر زیان او  
 بود که یکی از خانه رئیس کیسه آمد بوى کفت دخترت مرد دیگر ایستادرا زحمت  
 ۵۰ من\* چون عیسی اینرا شنید نوجه نموده بوى کفت ترسان میاش ایان آور و پس  
 ۵۱ کشنا خواهد یافت\* و چون داخل خانه شد جز بطرس و بوحنا و بعقوب  
 ۵۲ و پدر و مادر دختر هیچکسرا نکذاشت که به آندرون آید\* و چون هه برای او  
 ۵۳ کربه وزاری میکردند او کفت کریان میاشید نه مرده بلکه خفته است\* پس  
 ۵۴ با او استهزاء کردند چونکه میدانستند که مرده است\* پس او هه را بیرون کرد

۰۰ و دست دختر را آکرته صدآ زد و کفت ای دختر برخیز\* و روح او برکشت و فوراً  
 ۰۶ برخاست پس عیسی فرمود نابوی خوراک دهند\* و پدر و مادر او حیران شدند  
 پس ایشانرا فرمود که هیچ کسرا از این ماجرا خبر نداشت\*

## باب نهم

- ۱ پس دوازده شاکرد خود را طلیبه باشان فوت و قدرت بر جمیع دیوها و شفا
- ۲ دادن امراض عطا فرمود\* وایشانرا فرستاد تا ملکوت خدا موعظه گشند
- ۳ و مریضان را صحبت بگشند\* و بدیشان کفت هیچ چیز بجهة راه بر مدارید نه عصاء
- ۴ و نه توشه دان و نه نان و نه پول و نه برای یکفردو جامه\* و به رخانه که داخل
- ۵ شوبد هنگجا بایند نا از آن موضع رزانه شوبد\* و هر که شارا نپذیرد و فینکه از آن شهر بیرون شوبد خاک پایهای خود را نیز پیشانید تا برایشان شهادتی شود\*
- ۶ پس بیرون شده در دهات میگشند و بشارت میدادند و در هرجا صحبت میغشیدند\*
- ۷ اما هیرودبس نیزارک چون خبر غام ابن و فاعر را شنید مضطرب شد زیرا بعضی میگفتند که بمحی از مردکان برخاسته است\* و بعضی که الیاس ظاهر شد و دیگران که یکی از انبیای پیشین برخاسته است\* اما هیرودبس کفت سر بمحی را از تنش من جدا کردم ولی این کیست که در باره او چنین خبر میشنوم
- ۸ طالب ملاقات وی میبود\* و چون رسولان مراجعت کردند آنچه کرده بودند بدوباز گشند پس ایشانرا برداشته بپیرانه نزدیک فهری که بیت صیدا نام داشت
- ۹ بخلوت رفت\* اما کروی بسیار اطلاع یافته در عقب وی شناختند پس ایشانرا پذیرفته ایشانرا از ملکوت خدا اعلام مینمود و هر که احتجاج به معابده‌ی داشت
- ۱۰ صحبت میگشند\*
- ۱۱ و چون روز رو بزوای نهاد آن دوازده نزد وی آمد گشند مردم را مرتخص فرما تا بدھات و اراضی اینحوای رفته منزل و خوراک برای خوبیشتن
- ۱۲ پیدا نمایند زیرا که در اینجا در صحرا میباشم\*
- ۱۳ او بدیشان کفت شما ایشانرا غذا دهیده کنند مارا جز شیع نان و دوماهی نیست مکر بروم و بجهة جمیع این کروه
- ۱۴ غذا بخشم\* زیرا قریب به پنجهزار مرد بودند پس بشاکردن خود کفت که
- ۱۵ ایشانرا بنهاد بنهاد دسته بنشانند\* ایشان همین کرده هم را نشانیدند\*

- ۱۶ پس آن پنج نان و دو ماهی را کرفته بسوی آسان نکریست و آنها را برکت داده پاره  
 ۱۷ نمود و شاکردان خود داد نا پیش مردم کذارند \* پس هه خورده سیر شدند  
 ۱۸ و دوازده سید پراز پارهای باقی ماند برداشتند \* و هنکامیکه او بتنهائی دعا  
 میکرد و شاکرداش همراه او بودند از ایشان پرسیده کفت مردم مرآکه میدانند \*  
 ۱۹ در جواب کفتند مجیئی تعبد دهن و بعضی الایس و دبکران میکوبند که بکی از  
 ۲۰ آنیای پیشین برخاسته است \* بد بشان کفت شما مرآکه میدانید بطرس در جواب  
 ۲۱ کفت مسیح خدا \* پس ایشانرا قدغن بلیغ فرمود که هیچ کسرا از این اطلاع  
 ۲۲ مدهد \* و کفت لازمست که پسر انسان زحمت بسیار بیند و از مشایع و روشای  
 ۲۳ کهنه و کتابان رذ شد کشته شود و روز سیم برخیزد \* پس بهمه کفت اگر کسی  
 بخواهد مرآ پیروی کند میباید نفس خود را انکار نموده صلیب خود را هر روزه بر  
 ۲۴ دارد و مرآ متابعت کند \* زیرا هر که بخواهد جان خود را خلاصی دهد آنرا هلاک  
 ۲۵ سازد و هر کس جان خود را بجهة من نلف کرد آنرا نجات خواهد داد \* زیرا  
 انسان را چه فائئه دارد که نام جهان را ببرد و نفس خود را برباد دهد با آنرا زیارت  
 ۲۶ رساند \* زیرا هر که از من و کلام من عار دارد سر انسان نیز و قبیله در جلال  
 ۲۷ خود و جلال پدر و ملاتکه مقدسه آید از ای عار خواهد داشت \* لیکن هر آینه بشما  
 میکوم که بعضی از حاضرین در اینجا هستند که نا ملکوت خذارانه ییند ذاته مونرا  
 ۲۸ نخواهند چشید \* واز این کلام فریب بهشت روز کشته بود که بطرس و بوحنا  
 ۲۹ و بعنوب را بر فراز کوهی برآمد نا دعا کند \* و چون دعا میکرد هیأت  
 ۳۰ چهره او متبدل کشت ولباس او سفید و درخشان شد \* که ناکاه دو مرد بعضی  
 ۳۱ موسی والایس با وی ملاقات کردند \* و بهیأت جلالی ظاهر شد درباره رحلت  
 ۳۲ او که میباشد بزودی در اورشلم واقع شود کتفکو میکردند \* اما بطرس  
 و رفقا ایشرا خواب در ربود پس پیدار شد جلال او و آن دو مرد را که با او بودند  
 ۳۳ دیدند \* و چون آن دونفر از او جدا میشدند بطرس بعضی کفت که ای استاد  
 بودن ما در اینجا خوبست پس سه سایبان بسازیم بکی برای تو و بکی برای موسی  
 ۳۴ و دیگری برای الایس زیرا که نمیدانست چه میکفت \* و این سخن هنوز بر زیاش  
 میبود که ناکاه ابری پدیدار شد بر ایشان سایه افکد و چون داخل ابر میشدند

۵۵ نرسان کردند \* آنکاه صدای از ابر برآمد که این است پسر حبیب من او را  
 ۵۶ بشوبد \* و چون این آواز رسید عیسی را تنها یافتد و ایشان ساکت ماندند و از  
 ۵۷ آنچه دید بودند هیچ کسرا در آن آیام خبر ندادند \* و در روز بعد چون ایشان  
 ۵۸ از کوه بزرگ آمدند کروهی بسیار اورا استقبال نمودند \* که ناکاه مردی از آن  
 میان فریاد کان کفت ای استاد بو النماس میکنم که بر پسر من لطف فرمائی زیرا  
 ۵۹ یکانه من است \* که ناکاه روحی اورا میکیرد و دفعهٔ صحنه میزند و کف کرده  
 ۶۰ مصروف میشود و اورا فشرده بدشواری رها میکند \* و از شاکرداشت درخواست  
 ۶۱ کردم که اورا بیرون کند توانستند \* عیسی در جواب کفت ای فرقهٔ بی ایمان  
 ۶۲ کج رویش ناکی با شما باش و متحمل شما کردم پسر خود را انجا بیاور \* و چون او  
 ۶۳ میآمد دیو اورا درین مصروف نمود اما عیسی آن روح خیثرا نهیب داده طفل را  
 ۶۴ شفا بخشید و به پدرش سردد \* و هه از بزرگی خدا مخبر شدند و وقتیکه هه از  
 ۶۵ تمام اعمال عیسی منعکب شدند بشاکرداخ خود کفت \* این سخنانرا در کوشاهی  
 ۶۶ خود فرا کیرید زیرا که پسر اسان بدستهای مردم نسلم خواهد شد \* ولی این  
 سخنرا در کنگره کردند و از ایشان حنفی داشته شد که آرایه فهمند و ترسیدند که آنرا  
 ۶۷ ازوی پرسند \* و در میان ایشان مباحثه شد که کدام بلک از ما بزرگتر است \*  
 ۶۸ عیسی خیال دل ایشانرا ملتفت شد طفی بکرفت و اورا نزد خود برباد داشت \*  
 ۶۹ و با ایشان کفت هر که این طفلرا بنام من قبول کد مرا قبول کرده باشد و هر که  
 ۷۰ مرا پذیرد فرنستند \* مرا پذیرفته باشد زیرا هر که از جمیع شما کوچکتر باشد همان  
 ۷۱ بزرگ خواهد بود \* یوحننا جواب داده کفت ای اسناد شخصی برآ دیدم که بنام تو  
 ۷۲ دبواهارا اخراج میکند و اورا منع نمودم از آنرو که پیروی مانمیکند \* عیسی بد و  
 ۷۳ کفت اورا مانع مکید زیرا هر که ضد شما نیست با شماست \* چون  
 ۷۴ روزهای صعود او نزدیک میشد روی خود را بعزم ثابت بسوی اورشلم نهاد \*  
 ۷۵ پس رسولان بیش از خود فرنستاده ایشان رفته ببلدی از بلاد سامریان وارد گشتند  
 ۷۶ نا برای او ندارک بینند \* اما اورا جای ندادند از آنرو که عازم اورشلم میبود \*  
 ۷۷ و چون شاکرداخ او بعقوب و بیوحتا اینرا دیدند کفتند ای خداوند ایا میغواهی  
 ۷۸ بکوئم که آتش از آسمان باریخ اینهارا فروکرد چنانکه الیاس نیز کرد \* آنکاه

۵۶ روی کردانید بدیشان کفت نمیداند که شما از کدام نوع روح هستید\* زیرا که پسر انسان نیامن است تا جان مردمرا هلاک سازد بلکه تا نجات دهد پس بقیره ۵۷ دیگر رفند\* و هنگامیکه ایشان میرفتند در اثنای راه شخصی بدوكفت خداوندا ۵۸ هرجا روی ترا متابعت کنم\* عیسی بوی کفت رو با هنرا سوراخها است و مرغان ۵۹ هوا را آشیانها لیکن پسر انسانرا جای سر نهادن نیست\* و بدیگری کفت از عقب من یاوه کفت خداوندا اول مرا رخصت ده تا بروم پدر خودرا دفن کنم\* ۶۰ عیسی ویرا کفت بگذار مردکان مردکان خودرا دفن کند اما تو برو و بملکوت ۶۱ خدا موعظه کن\* و کسی دیگر کفت خداوندا ترا پیروی میکنم لیکن اول ۶۲ رخصت ده تا اهل خانه خودرا وداع فام\* عیسی ویرا کفت کسیکه دست را بشخ زدن دراز کرده از پشت سر نظر کند شایسته ملکوت خدا نمیباشد\*

### باب دهم

- ۱ و بعد از این امور خداوند هفتاد نفر دیگر را نیز تعیین فرموده ایشانرا جفت
- ۲ جفت پیش روی خود به شهری و موضعیکه خود عزیت آن داشت فرستاد\* پس بدیشان کفت حصاد بسیار است و عمله کم پس از صاحب حصاد در خواست
- ۳ کبد نا عمله ها برای حصاد خود بیرون نماید\* بروید اینک من شمارا چون
- ۴ بردها در میان کرکان میفرستم\* و کسی و توشه دان و کفشهای با خود بر مدارید
- ۵ و هیچکس را در راه سلام مناید\* و در هر خانه که داخل شوید اول کوئید سلام
- ۶ بربن خانه باد\* پس هر کاه ابن السلام در آنخانه باشد سلام شما بر آن قرار گیرد
- ۷ و الابسوی شما راجع شود\* و در آنخانه توقف نماید و از آنجه دارند بخورید
- ۸ و بیش امید زیرا که مزدور مسخن اجرت خود است و از خانه بخانه نقل مکید\* و در
- ۹ هر شهری که رفته و شمارا پذیرفتند از آنجه پیش شما کذارند بخورید\* و مرضان
- ۱۰ آنچه اشقا دهید و بدیشان کوئید ملکوت خدا بشما نزدیک شده است\* لیکن در هر
- ۱۱ شهری که رفته و شمارا قبول نکرند بکوچه های آن شهر بیرون شد بکوئید\* حتی خاکیکه از شهر شما بر ما نشسته است بر شما میافغانیم لیکن اینرا بدانید که ملکوت
- ۱۲ خدا بشما نزدیک شده است\* و بشما میکوئم که حالت سدهم در آنروز از حالت

- ۱۳ آن شهر سه لتر خواهد بود \* و ای برتو ای خورزین \* و ای برنو ای بیت صبدنا زیرا اگر معجزاتیکه در شما ظاهر شد در صور و صبدون ظاهر میشد هر آینه مدنی  
 ۱۴ در پلاس و خاکستر نشسته تو به میکردند \* لیکن حالت صور و صبدون در روز  
 ۱۵ جزا از حال شما آساتر خواهد بود \* و تو ای کفرناحوم که سر باسمان افراشته  
 ۱۶ ناجهتم سرنگون خواهی شد \* آنکه شمارا شنود مرا شنید و کسیکه شارا حقیر شمارد  
 ۱۷ مرا حقیر شمرده و هر که مرا حقیر شمارد فرستنده مرا حقیر شمرده باشد \* پس آن هفتاد  
 ۱۸ نفر با ختری برکشته کفتند ای خداوند دیوها هم با اسم تو اطاعت ما میکنند \* بدیشان  
 ۱۹ کفت من شیطانرا دیدم که چون برق از آسمان می افتد \* اینکه شمارا فوت می  
 بخشم که ماران و غربها و غایی فوت دشمن را پایمال کید و چیزی بشما ضرر  
 ۲۰ هر کر نخواهد رسابد \* ولی از این شادی مکید که ارواح اطاعت شما میکشند  
 ۲۱ بلکه پیشتر شاد باشید که نامهای شما در آسمان مرفوم است \* در همان ساعت  
 عیسی در روح وجد نموده کفت ای پدر مالک آسمان و زمین نرا سپاس میکنم که  
 این امور را از دانایان و خردمندان مخفی داشتی و بر کودکان مکشوف ساختی بلي  
 ۲۲ ای پدر چونکه همچین منظور نظر تو افتاد \* و بسوی شاکردان خود توجه نموده  
 کفت هه چیزرا پدر بمن سپرده است و هیچکس نمیشناسد که پسر کیست جز پدر  
 ۲۳ و نه که پدر کیست غبار ای پسر و هر که پسر بخواهد برای او مکشوف سازد \* و در  
 خلوت بشاکردان خود التفات فرموده کفت خوش بحال چشمانی که آنچه شما می  
 ۲۴ بینید می بینند \* زیرا بشما میکوم بسا انبیاء و بادشاهان میخواستند آنچه شما می بینید  
 ۲۵ بینکردند و ندیدند و آنچه شما میشنوید بشنوند و نشینیدند \* ناکاه یکی از فهای  
 برخاسته از روی اخنان بُوی کفت ای استاد چه کنم ناوارث جات جاودانی  
 ۲۶ کردم \* بُوی کفت در نوراه چه نوشته شده است و چکونه میخوانی \* جواب  
 داده کفت اینکه خداوند خدای خود را بنام دل و غام نفس و غام توانای و غام  
 ۲۸ فکر خود محبت نما و همسایه خود را مثل نفس خود \* کفت نیکو جواب کفی  
 ۲۹ چینین بکن که خواهی زیست \* لیکن او چون خواست خود را عادل نماید بعضی  
 ۳۰ کفت و همسایه من کیست \* عیسی در جواب وی کفت مردی که از اورشلم  
 بسوی اریحا میرفت بدستهای دزدان افتاد واورا بر همه کرده مجروح ساختند

۲۱ واورا نم مرده و آکنارده برفند \* اتفاقاً کاهنی از آنرا می‌آمد چون اورا بدید  
 ۲۲ از کناره دیگر رفت \* هیجن شخصی لاوی نیاز آنچا عبور کرده نزدیک آمد و بر  
 ۲۳ او نکربسته از کناره دیگر برفت \* لیکن شخصی سامری که مسافر بود نزد وی  
 ۲۴ آمد چون اورا بدید دلش بروی بسوخت \* پس پیش آمد بزمخهای او روغن  
 و شراب رینته آنها است واورا بر مرکب خود سوار کرده بکاروانسرای رسانید  
 ۲۵ و خدمت او کرد \* بامدادان چون روانه میشد دو دبنا در آورده بسرای دار  
 داد و بدوكفت این شخص را متوجه باش و آنچه پیش از این خرج کنی در حین  
 ۲۶ مراجعت بودم \* پس بنظر تو کدام بلک ازین سه نفر همسایه بود با این شخص که  
 ۲۷ بدست دزدان افداد \* کفت آنکه بر او رحمت کرد عیسی ویرا کفت برو و نو  
 ۲۸ نیز هچنان کن \* و هنکامیکه میرفند او وارد بلدی شد وزنی که مرنه نام داشت  
 ۲۹ اورا بخانه خود پذیرفت \* واورا خواهری مریم نام بود که نزد پایهای عیسی  
 ۴۰ نشسته کلام اورا می‌شنید \* آما مرناه بجهة زیادتی خدمت مضطرب می‌بود پس  
 نزدیک آمد کفت اینجا و ای آیا نرا باکی نیست که خواهم مرا و آکنارده که تنها  
 ۴۱ خدمت کنم اورا بفرما نا مرا باری کد \* عیسی در جواب وی گفت ای مرناه ای  
 ۴۲ مرناه تو در چیزهای بسیار اندیشه و اضطراب داری \* لیکن بلک چیز لازمست  
 و مریم آن نصیب خوب را اخبار کرده است که از او کرفته نخواهد شد \*

## باب پازدهم

۱ و هنکامیکه او در موضوعی دعا می‌کرد چون فارغ شد بلکی از شاکرداش بوی  
 کفت خداوندا دعا کردن را بآن تعلم نما چنانکه بجهی شاکرداش خود را بیاموخت \*  
 ۲ بد بشان کفت هر کاه دعا کنید کوئید ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باده  
 ۳ ملکوت تو بیابده اراده نوچنانکه در اینان است در زمین نیز کرده شود \* نان  
 ۴ کفاف مارا روز بروز بده \* و کاهان مارا بیخش زیرا که ما نیز هر قرضدار خود را  
 ۵ بیخشمیم و مارا در آزمایش می‌اوره بلکه مارا از شیر رهای ده \* و بد بشان کفت  
 کبست از شما که دوستی داشته باشد و نصف شب نزد وی آمد بکوید ای دوست  
 ۶ سه قرص نان بمن فرض ده \* چویکه بلکی از دوستان من از سفر بر من وارد شد

- ۷ و چجزی ندارم که پیش او کدام \* پس او از اندرون در جواب کوبید مرا زحمت  
من زبرآکه آلان در بسته است و سجههای من در رخت خواب با من خفته اند غبتوانم  
۸ برخاست تا بودم \* بشما بیکویم هر چند بعلت دوستی برخیزد نا بد و دهد لیکن  
۹ بجهه نجاجت خواهد برخاست و هر آنچه حاجت دارد بد و خواهد داد \* و من  
بشا بیکویم سؤال کنید که بشما داده خواهد شده بطلید که خواهید بافت  
۱۰ بکویید که برای شما باز کرده خواهد شد \* زیرا هر که سؤال کند باید و هر که  
۱۱ بطلید خواهد بافت و هر که کوید برای او باز کرده خواهد شد \* و گست از شما  
که پدر باشد و پرسش از اونان خواهد سکی بد و دهد با آکر ما هی خواهد بعوض  
۱۲ ماهی ماری بد و بخند \* یا آکر غم مرغی بخواهد غربی بد و عطا سکند \*  
۱۳ پس آکر شما با آنکه شر بر هستید میداید چیزهای نیکورا به اولاد خود باید داد  
چند مرتبه زیادتر پدر آسمانی شما روح القدس را خواهد داد بهر که از اوسؤال  
۱۴ کند \* و دیوی را که کنک بود بیرون میکرد و چون دیو بیرون شد کنک  
۱۵ کویا کردید و مردم نعجب نمودند \* لیکن بعضی از ایشان کتفند که دیوهارا پیاری  
۱۶ بعلزبول رئیس دبوها بیرون میکند \* و دیگران از روی امتحان آینی آسمانی ازاو  
۱۷ طلب نمودند \* پس او خجالات ایشان را درک کرده بدشان کفت هر ملکتی که  
برخلاف خود منقسم شود نبا کردد و خانه که برخانه منقسم شود منهدم کردد \*  
۱۸ پس شیطان نیز آکر بضد خود منقسم شود سلطنت او چکونه پایدار بماند زیرا  
۱۹ میکوئید که من به اعانت بعلزبول دبوهارا بیرون میکنم \* پس آکر من دبوهارا  
بوساطت بعلزبول بیرون میکنم پسران شما بواساطت یک آنها را بیرون میکنند \* از  
۲۰ اینجهه ایشان داوران بر شما خواهد بود \* لیکن هر کاه به انکشت خدا دبوهارا  
۲۱ بیرون میکنم هر آینه ملکوت خدا ناکهان بر شما آمد است \* و قیکه مرد زور آور  
۲۲ سلاح پوشیده خانه خود را نکاه دارد اموال او محفوظ میباشد \* اما چون شخصی  
زور آور ناز او آید بر او غله بافت همه اسلحه اورا که بدان اعتماد میداشت ازاو  
۲۳ میکبرد و اموال اورا نقسم میکند \* کسیکه با من نیست برخلاف من است  
۲۴ و آنکه با من جمع نمیکند پرآکند میسازد \* چون روح پلید از انسان بیرون آید  
بمکانهای بی آب بطلب آرامی کردش میکند و چون نیافت میکوید بخانه خود که

۱۵ از آن پر و آدم برمیکردم \* پس چون آید آنرا جاروب کرده شد و آراسته می  
 ۱۶ بیند \* آنکاه بپرورد و هفت روح دیگر شریتر از خود برداشته داخل شد در آنجا  
 ۱۷ ساکن میکردد واواخر آشخاص ازا اوائلش بدتر میشود \* چون او این سخنانرا  
 میکفت زنی از آن میان با آواز بلند و پراکفت خوشحال آن رحیم که ترا حل  
 ۱۸ کرد و پستانها یکه میکدی \* لیکن او کفت بلکه خوشحال آنایکه کلام خدارا  
 ۱۹ میشنوند و آنرا حفظ میکنند \* و هنکامیکه مردم بر او از دحام مینمودند سخن  
 کفن آغاز کرد که اینان فرقه شریزند که آنی طلب میکنند و آنی بدیشان عطا  
 ۲۰ نخواهد شد جز آبی یونس نبی \* زیرا چنانکه یونس برای اهل نبیو ایت شد  
 ۲۱ همین پرسانان نبز برای اینفرقه خواهد بود \* ملکه جنوب در روز داوری با  
 مردم اینفرقه برخاسته بر ایشان حکم خواهد کرد زیرا که از اقصای زمین آمد نا  
 ۲۲ حکمت سلیمانرا بشنود و اینک در اینجا کسی بزرگتر از سلیمان است \* مردم نبیو  
 در روز داوری با این طبقه برخاسته بر ایشان حکم خواهند کرد زیرا که بوعظة  
 ۲۳ یونس توبه کردند و اینک در اینجا کسی بزرگتر از یونس است \* و همچ کس  
 چرا غنی نیافرورد نا آنرا در پنهانی یا زیر پیمانه بگذارد بلکه برچراغدان نا هر که  
 ۲۴ داخل شود روشنی را بیند \* چراغ بدن چشم است پس مادامیکه چشم تو بسیط  
 است تمامی جسدت نبز روشن است ولیکن اگر فاسد باشد جسد تو نبز  
 ۲۵ ناریک بود \* پس با حذر باش مبادا نوری که در تو است ظلمت باشد \*  
 ۲۶ بنابرین هر کاه تمامی جسم تو روشن باشد و ذرّه ظلمت نداشته باشد هم اش روشن  
 ۲۷ خواهد بود مثل وقیکه چراغ بتاش خود ترا روشنائی میدهد \* و هنکامیکه  
 سخن میکفت بکی از فریسان ازا و عن خواست که در خانه او چاشت بخورد  
 ۲۸ پس داخل شد بنشست \* اما فریسان چون دید که پیش از چاشت دست نشست  
 ۲۹ نجّب نود \* خداوند و پراکفت هانا شما ای فریسان بروون پاله و شفاب را  
 ۴ طاهر میسازید ولی درون شما بُر از حرص و خیانت است \* ای اح凡 آیا او  
 ۴۱ که پیرونرا آفرید اندر و نرا نبز نیافرید \* بلکه از آنچه دارید صدقه دهید که اینک  
 ۴۲ هم چیز برای شما طاهر خواهد کشت \* و ای بر شما ای فریسان که ده یک از  
 نعناع و سداب و هر قسم سبزی را میدهید و از دادرسی و محبت خدا تجاوز مبناید

۴۳ اینهارا میاید بجا آورید و آنها را نیز نکشد \* وای بر شما ای فریسان که صدر  
 ۴۴ کنایس وسلام در بازارهارا دوست میدارید \* وای بر شما ای کاتبان و فریسان  
 ریا کار زیرآ که مانند قبرهای پنهان شد هستید که مردم بر آنها راه میروند و نمیدانند ه  
 ۴۵ آنکه یکی از فقهاء جواب داده کفت ای معلم بدین سخنان مارا نیز سرزنش  
 ۴۶ میکنی \* کفت وای بر شما نیز ای فقهاء زیرآ که بارهای کرانزا بر مردم مینهید و خود  
 ۴۷ بر آن بارها یک انکشت خود را نمیکنارید \* وای بر شما زیرآ که مقابر انبیاء را بنا  
 ۴۸ میکنید و پدران شما ایشانرا کشتند \* پس بکارهای پدران خود شهادت میدهید  
 واز آنها راضی هستید زیرا آنها ایشانرا کشتند و شما قبرهای ایشانرا میسازید \*  
 ۴۹ از اینرو حکمت خدا نیز فرموده است که بسوی ایشان انبیاء و رسولان میفرستم  
 ۵۰ و بعضی از ایشانرا خواهند کشت و بر بعضی جنا خواهند کرد \* تا انقام خون  
 ۵۱ جمیع انبیاء که از بنای عالم ریخته شد از بینطبقه کرفته شود \* از خون هایل ناخون  
 زکریا که در میان مذبح و هیکل کشته شده بی شما میکویم که از بینفرقه باز خواست  
 ۵۲ خواهد شد \* وای بر شما ای فقهاء زیرا کلید معرفت را بر داشته اید که خود  
 ۵۳ داخل نمیشود و داخل شوند کانرا هم مانع نمیشود \* و چون او این سخنانرا بدیشان  
 میکفت کاتبان و فریسان با او بشدت در آویختند و در مطالب بسیار سوال آها از او  
 ۵۴ میکردند \* و در کین او میبودند تا نکته از زبان او کرفته مدعی او بشوند \*

### باب دوازدهم

۱ و در آن میان وقتیکه هزاران از خلق جمع شدند بنوعیکه یک دیگر را پایمال  
 میکردند بشاکردن خود بسخن کتفن شروع کرده اول آنکه از خیر مایه فریسان که  
 ۲ ریا کار است احیاط کنید \* زیرا چیزی نهفته نیست که اشکار نشود و نه مستوری  
 ۳ که معلوم نکردد \* بنابرین آنچه در ناریکی کفته اید در روشنائی شنیک خواهد شد  
 ۴ و آنچه در خلوتگانه در کوش کفته اید بر پشت باهنا ندا شود \* لیکن ای دوستان  
 من شما میکویم از قانلان جسم که قدرت نهارند پیشتر این بکشند ترسان میاشد \*  
 ۵ بلکه بشما نشان میدهم که از که باید ترسید از او ترسید که بعد از کشتن قدرت  
 ۶ دارد که بجهنم یعنی گند بی شما میکویم از او ترسید \* آیا پنج کجشک بدوفل

- ۷ فروخته نمیشود و حال آنکه بکی از آنها نزد خدا فراموش نمیشود \* بلکه موبهای سرشا همه شیرده شد است پس بهم مکنید زیرا که از چندان کفایت نمیشود \*
- ۸ لیکن بشما میکویم هر که نزد مردم بین افراد کند پسر انسان نبز پیش فرشتگانِ خدا
- ۹ اورا افرار خواهد کرد \* اما هر که مرا پیش مردم انکار کند نزد فرشتگان خدا
- ۱۰ انکار کرده خواهد شد \* و هر که سخن برخلاف پسر انسان کوید آمرزید شود
- ۱۱ اما هر که بروح القدس کفر کوید آمرزید نخواهد شد \* و چون شمارا در کنایس و بنزد حکام و دیوانان بزند آندیشه مکنید که چکونه و پجه نوع جنت آورید با
- ۱۲ چه بکوئید \* زیرا که در همان ساعت روح القدس شمارا خواهد آموخت که چه باید
- ۱۳ کفت \* و شخصی از آنچه ایعت بتوی کفت ای استاد برادر مرا بفرما نا ارت پدر را
- ۱۴ با من تقسیم کند \* بتوی کفت ای مرد که مرا بر شما داور با مقسم قرار داده است \*
- ۱۵ پس بدیشان کفت زنهار از طمع بپرهیزید زیرا آکرچه اموال کسی زیاد شود
- ۱۶ جیات او از اموالش نیست \* و مثیلی برای ایشان آورده کفت شخصی دولمند را
- ۱۷ از املاکش محصول و افزایید شد \* پس با خود آندیشید کفت چه کنم زیرا
- ۱۸ جایی که محصول خود را انبار کنم ندارم \* پس کفت چنین میکنم انبارهای خود را
- خراب کرده بزرگتر بنا میکنم و در آن نمای حاصل و اموال خود را جمع خواهم
- ۱۹ کرد \* و ننس خود را خواهم کفت که ایجاد اموال فراوان اندوخته شد بجهة
- ۲۰ چندین سال داری الحال پیارام و به آكل و شرب و شادی بپرداز \* خدا و پیرا کفت ای احتم در هین شب جان ترا از تو خواهد کرفت آنکه آنچه اندوخته
- ۲۱ از آن که خواهد بود \* همچین است هر کسی که برای خود ذخیر کند و برای
- ۲۲ خدا دولتشند نباشد \* پس بشاکردن خود کفت از اینجه بشما میکویم که
- ۲۳ آندیشه مکنید بجهة جان خود که چه بخورید و نه برای بدن که چه بپوشید \* جان از خواراک و بدن از پوشش بپرداز است \* کلا غافران ملاحظه کنید که نه زراعت میکنند و نه حصاد و نه کجی و نه انباری دارند و خدا آنها را می پزوراند آیا شما بچند
- ۲۵ مرنیه از مرغان بهتر نیستید \* و چیست از شما که بفکر بیواند ذراعی بر قامت خود افزاید \* پس هر کاه نوانائی کوچکترین کار برا ندارید چرا برای مابقی میاندیشید \*
- ۲۶ سوسنهای چمن را بکرید چکونه نمی کند و حال آنکه نه زحمت میکشند و نه می

رسند اما بشما میکوم که سپهان با همه جلالش مثل یکی از اینها بوشیت نبود\*

۲۸ پس هرگاه خدا علی را که امروز در صحرا است و فردا در تنور افکن میشود  
۲۹ چنین میباشد چه قدر پیشتر شارا ای سست ایانان\* پس شما طالب میباشد  
۳۰ که چه بخورید یا چه یاشاید و مضطرب مشوید\* زیرا که امتهای جهان همه این  
۳۱ چیزهارا میطلبند لیکن پدر شما میداند که باین چیزها احنجاج دارید\* بلکه  
ملکوت خدارا طلب کنید که جمیع این چیزها برای شما افزوده خواهد شد\*

۳۲ ترسان میباشد ای کله کوچک زیرا که مرضی پدر شما است که ملکوت را بشما عطا  
۳۳ فرماید\* آنچه دارید بفروشید و صدقه دهید و کیسه‌ها باسازید که کنه نشود  
۳۴ و گنجی را که نلف شود در آسمان جاییکه دزد نزدیک نباید و بید نباشد\* زیرا  
۳۵ جاییکه خزانه شما است دل شما نیز در آنجا میباشد\* کمرهای خودرا بسته چرا غای  
۳۶ خودرا افروخته بدارید\* و شما مانند کسانی باشید که انتظار آفای خودرا میکشند  
که چه وقت از عروی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوید بیدرنگ برای  
۳۷ او را باز کنند\* خوشحال آن غلامان که آفای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد  
هر آینه بشما میکوم که کمر خودرا بسته ایشان را خواهد شاند و پیش آمک ایشان را  
۳۸ خدمت خواهد کرد\* و آکر در پاس دوم با اسم از شب بیايد و ایشان را چنین یابد  
۳۹ خوشحال آن غلامان\* اما اینرا بدانید که آکر صاحب خانه میدانست که دزد  
۴۰ در چه ساعت میاید بیدار میماند و غنیداشت که بخانه اش نسب زند\* پس شما  
۴۱ نیز مستعد باشید زیرا در ساعتیکه کمان غیربرید پسر انسان میاید\* بطرس بوی  
۴۲ کفت ای خداوند آیا این مثل را برای ما زدی یا مججهه هم\* خداوند کفت پس  
کیست آن ناظر امین و دانا که مولای او و پیرا بر سائر خدام خود کاشته باشد نا  
۴۳ آذوقه را در وقتی باشان نقسم کند\* خوشحال آن غلام که آفایش چون آید  
۴۴ اورا در چنین کار منغول یابد\* هر آینه بشما میکوم که اورا بر همه مایملک خود  
۴۵ خواهد کاشت\* لیکن آکر آن غلام در خاطر خود کوید آمدن آفایم بطول میانجامد  
۴۶ و بزدن غلامان و کنیزان و بخوردان و نوشیدن و میکساریدن شروع کند\* هر آینه  
مولای آن غلام آید در روزی که منتظر او نباشد و در ساعتیکه او نداند و اورا دو  
۴۷ پاره کرده نصیبیش را با خبانتکران قرار دهد\* اما آن غلام میکه اراده مولای خوب شرای

دانست و خود را مُهْبَّا نساخت تا به اراده او عمل نماید نازیانه بسیار خواهد خورد\*  
 ۴۸ اما آنکه نا دانسته کارهای شابسته ضرب کند نازیانه کم خواهد خورد و بهر کسیکه  
 عطا زیاده شود از وی مطالبه زیادتر کردد و نزد هر که امانت یشتر نهاد از او  
 ۴۹ بازخواست زیادتر خواهد کرد\* من آدم نا آتشن در زمین افروزم پس چه  
 ۵۰ میخواهم اکرآهن در کرفه است\* اما مرانمید بست که بیام و چه بسیار در تنکی  
 ۵۱ هست نا و فیکه آن بسر آید\* آیا کان میبرید که من آدم ام نا سلامنی بر زمین  
 ۵۲ مخشم نی بلکه بشما میکوم نفر برقا\* زیرا بعد ازین پنج نفر که در یکانه باشند دوازده  
 ۵۳ و سه از دو جدا خواهند شد\* پدر از پسر و پسر از پدر و مادر از دختر و دختر  
 ۵۴ از مادر و خارسو از عروس و عروس از خارسو مفارق خواهند نمود\* آنکه  
 باز بآن جماعت کفت هنکامیکه ابری بینبد که از مغرب پدید آید بی نائل میکوئید  
 ۵۵ باران می آبد و چین میشود\* و چون دید بد که باد جنوبی میوزد میکوئید کرما  
 ۵۶ خواهد شد و میشود\* ای ریاکاران میتوانید صورت زمین و آسمان را تمیز دهید  
 ۵۷ پس چسکونه ابن زمانرا نیشناسید\* و چرا از خود به انصاف حکم نمیکید\*  
 ۵۸ و هنکامیکه با مدعی خود نزد حاکم میروی در راه سعی کن که از او برھی مبادا نرا  
 ۵۹ نزد قاضی بکشد و قاضی نرا بسرهنک سپارد و سرهنک نرا بزندان افکد\* نرا  
 میکوم نا فلس آخر را ادا نکنی از آنجا هر کز یرون خواهی آمد\*

## باب سیزدهم

۱ در آنوقت بعضی آمن او را از جلیلیانی خبر دادند که پلاطس خون ایشانرا با  
 ۲ قربانی های ایشان آیخته بود\* عیسی در جواب ایشان کفت آیا کان میبرید که  
 ۳ این جلیلیان کاه کارتر بودند از سایر سکنه جلیل از اینرو که چین زحمات دیدند\*  
 ۴ نی بلکه بشما میکوم اکر نوبه نکید همکن شما هچین هلاک خواهید شد\* یا آن  
 ۵ هجده نفری که برج در سلوام بر ایشان افتاده ایشانرا هلاک کرد کان میبرید که  
 ۶ از جمیع مردمان ساکن اورشلم خطأ کارتر بودند\* حاشا بلکه شما را میکوم که اکر  
 ۷ نوبه نکید همکن شما هچین هلاک خواهید شد\* پس این مثل را آورد که شخصی  
 درخت اخیری در ناگستان خود غرس نمود و چون آمد نا مبوه ازان بجوبید چجزی

- ۷ نباشت \* پس بیاغبان کفت اینک سال است میام که از این درخت اخیر  
 ۸ میوه بطعم وغبایم آنرا ببرچرا زمین را نبز باطل سازد \* در جواب وی کفت ای  
 ۹ آقا اسال هم آنرا مهلت ده نا کردش را کهن کود برینم \* پس آنکه مرآورد و الا  
 ۱۰ بعد از آن آنرا ببر \* و روز سبت در بکی از کنایس نعلم میداد \* و اینک زنی  
 که مدت هجده سال روح ضعف میداشت و منحی شد ابدآ نمیتوانست راست  
 ۱۱ باشد در آنجا بود \* چون عیسی اورا دید ویراخواند کفت ای زن از ضعف  
 ۱۲ خود خلاص شو \* و دست های خود را بروی کنار داد که در ساعت راست شد  
 ۱۳ خدارا تجد نمود \* آنکه رئیس کنیسه غضب نمود از آنرو که عیسی اورا در سبت  
 ۱۴ شفا داد پس برم دم توجه نمود کفت شش روز است که باید کار بکند در آنها  
 ۱۵ آمد شفا باید نه در روز سبت \* خداوند در جواب او کفت ای ریاکار آیا  
 هر بکی از شما در روز سبت کلو با الاغ خود را از آخرور باز کرده بیرون نمیرد نا  
 ۱۶ سیر آش کند \* وابن زنی که دختر ابراهیم است و شیطان اورا مدت هجده سال  
 ۱۷ نا بحال بسته بود نمیباشد اورا در روز سبت از این بند رها نمود \* و چون اینرا  
 بکفت همه مخالفان او خجل کردیدند و جمیع آن کروه شاد شدند بسبب همه کارهای  
 ۱۸ بزرگ که از وی صادر میکشت \* پس کفت ملکوت خدا چه چیز را میهاند و آنرا  
 ۱۹ بکدام شی نشیه نام \* دانه خردلیرا ماند که شخصی کرفته در باع خود کاشت پس  
 ۲۰ روئید و درخت بزرگ کردید بجذیکه مرغان هوا آمد در شاخهایش آشیانه کرفتند \*  
 ۲۱ باز کفت برای ملکوت خدا چه مثل آورم \* خمیر مایه را میهاند که زنی کرفته در  
 ۲۲ سه پیمانه آرد پنهان ساخت تا هه مخمر شد \* و در شهرها و دهات کنته  
 ۲۳ تعلم میداد و بسوی اورشلم سفر میکرد \* که شخصی بوی کفت ایجاد اوند آیا کم  
 ۲۴ هستند که نجات یابنده او باشان کفت \* جد و جهد کنید تا از در تنک داخل  
 ۲۵ شوید زیرا که بشما میکوم بسیاری طلب دخول خواهند کرد و نخواهند توانست \*  
 ۲۶ بعد از آنکه صاحب خانه برخیزد و در را بینند و شما بیرون ایستاده در را  
 کوپیدن آغاز کید و کوپید خداوند ای خداوند ای برای ما باز کن آنکه وی در جواب  
 ۲۷ خواهد کفت شهارا نیشناسم که از کجا هستید \* در آنوقت خواهید کفت که در  
 حضور تو خوردم و آشامیدم و در کوچهای ما نعلم دادی \* باز خواهد کفت

شما میکوم که شمارا نمیشناسم از کجا هستید ای همه بدکاران از من دور شوید\* ۲۸ در آنجا کربه و فشار دندان خواهد بود چون ابراهیم و ایحیی و یعقوب و جیع  
۲۹ انبیاء را در ملکوت خدا بینید و خودرا بیرون افکن باشد\* وابنک آخرین هستند که  
۳۰ شمال و جنوب آمد در ملکوت خدا خواهند نشست\* وابنک آخرین هستند که  
۳۱ اویین خواهند بود و اویین که آخرین خواهند بود\* در همان روز چند نفر  
از فریسان آمد بوی گفتند دوز شو واز ایغای برو زیرا که هیرودیس میخواهد ترا  
۳۲ بقتل رساند\* ایشانرا کفت بروید و بآن رواباه کوئید اینک امروز و فردا دبوهارا  
۳۳ بیرون میکنم و مریضانرا صحبت می بخشم و در روز سیم کامل خواهم شد\* لیکن  
میباید امروز و فردا و پس فردا راه روم زیرا که حالت نبی بیرون از اورشليم  
۳۴ کشته شود\* ای اورشليم که فائل انبیاء و سنکسار کننده مرسلین خود  
هستی چند کرت خواست اطفال ترا جمع کم چنانکه مرغ جوجهای خویشرا زیر  
۳۵ بالهای خود میکرد و نخواستید\* اینک خانه شما برای شما خراب کذاشته می شود  
و بشما میکوم که مرا دیگر نخواهید دید تا وقی آبد که کوئید میارکست او که بنام  
خداآوند میابد\*

#### باب چهاردهم

- ۱ و واقع شد که در روز سبت بجانه یکی از رؤسای فریسان برای غذا خوردن
- ۲ در آمد و ایشان مراقب او میبودند\* وابنک شخصی مستنسق پیش او بود\*
- ۳ آنکه عبسی ملتنت شد فقهاء و فریسانرا خطاب کرده کفت آیا در روز سبت
- ۴ شفا دادن جایز است\* ایشان ساكت ماندند پس آندرارا کرفته شفا داد و رها
- ۵ کرد\* و ایشان روی آورده کفت کبست از شما که لاغ یا کاوش روز سبت در
- ۶ چاهی افتد و فوراً آنرا بیرون نیاورد\* پس در این امور از جواب وی عاجز
- ۷ ماندند\* و برای مهانان مثلی زد چون ملاحظه فرمود که چکونه صدر مجلس را
- ۸ اختیار میکردند پس ایشان کفت\* چون کسی ترا بعروسي دعوت کند در صدر
- ۹ مجلس منشین میادا کسی بزرگتر از ترا هم وعده خواسته باشد\* پس آنکسیکه تو
- ۱۰ واورا وعده خواسته بود باید و نرا کوید اینکس را جای به وتو با خجالت روی
- ۱۱ بصفت تعالی خواهی نهاد\* بلکه چون مهیان کسی باشی رفقه در پائین بنشین نا وقیکه

- میزبانات آید بتوکود ای دوست برتر نشین آنکاه ترا در حضور مجلسیان عزت  
 ۱۱ خواهد بود \* زیرا هر که خود را بزرگ سازد ذلیل کردد و هر که خوب شدن را فرود  
 ۱۲ آرد سرافراز کردد \* پس بآنکسیکه از او وعد خواسته بود نیز کفت و قبکه  
 چاشت با شام دهی دوستان با برادران با خویشان با همسایکان دولتمند خود را  
 ۱۳ دعوت مکن میادا ایشان نیز ترا بخوانند و ترا عوض داده شود \* بلکه چون  
 ۱۴ ضیافت کنی فیبران ولنکان و شلان و کوران را دعوت کن \* که خسته خواهی بود  
 زیرا ندارند که ترا عوض دهنند و در فیامت عادلان بتو جزا عطا خواهد شد \*
- ۱۵ آنکاه یکی از مجلسیان چون این سخنرا شنید کفت خوش بحال کسیکه در ملکوت  
 ۱۶ خدا غذا خورد \* بوی کفت شخصی ضیافتی عظیم نمود و بسیار برا دعوت نمود \*  
 ۱۷ پس چون وقت شام رسید غلام خود را فرستاد تا دعوت شد کانرا کوید یا باند  
 ۱۸ زیرا که الحال هه چیز حاضر است \* لیکن هه بیک رای عذر خواهی آغاز کردند  
 اوی کفت مزرعه خربدم و ناچار باید بروم آنرا به یعنی از تو خواهش دارم مرا  
 ۱۹ معذور داری \* و دیگری کفت پنج جفت کاو خربده ام مبروم نا آنها را بیازمایم  
 ۲۰ بتو الناس دارم رما عنو نمائی \* سیو کفت زنی کرفته ام واژ این سبب نمیتوانم  
 ۲۱ بیام \* پس آنغلام آنکه مولای خود را از این امور مطلع ساخت آنکاه صاحب  
 خانه غضب نموده بغلام خود فرمود به بازارها و کوچه های شهر بشتاب و فیبران  
 ۲۲ ولنکان و شلان و کوران را در ایجا بیاور \* پس غلام کفت ای آقا آنچه فرمودی  
 ۲۳ شد و هنوز جای باقیست \* پس آقا بغلام کفت براهمها و مرزها بیرون رفته مردم را  
 ۲۴ به المحاج بیاور ناخانه من برسود \* زیرا بشما میکویم هیچ بلک از آنابنکه دعوت شد  
 ۲۵ بودند شام رما نخواهد چشید \* و هنکامیکه جمی کثیر همراه او میرفتند روی  
 ۲۶ کردابین بدیشان کفت \* آکر کسی نزد من آید و پدر و مادر وزن واولاد  
 و برادران و خواهران حتی جان خود را نزد شمن ندارد شاکرد من نمیتواند بود \*  
 ۲۷ و هر که صلیب خود را برندارد و از عقب من نیاید نمیتواند شاکرد من کردد \*  
 ۲۸ زیرا کبست از شما که قصد بنای بر جی داشته باشد و اول نه نشیند تا برآورد خرج  
 ۲۹ آنرا بکند که آیا فوت نام کردن آن دارد یا نه \* که میادا چون بناشد هاد  
 ۳۰ قادر بر نام کردن شند هر که بیند تمیز کان کوید \* این شخص عمارتی شروع

۲۱ کرده نتوانست به انجامش رساند \* یا کدام پادشاه است که برای مفانله با پادشاه  
دیگر برود جز اینکه اول نشسته تأمل نماید که آیا با ده هزار سپاه قدرت مقاومت  
۲۲ کسی را دارد که با بیست هزار لشکر بروی مباید \* و لآ جون او هنوز دور است  
۲۳ البھی فرستاده شروط صلحرا از او درخواست کند \* پس هچین هر یکی از شما که  
۲۴ نام مایلک خود را نزک نمیتواند شاکرد من شود \* نک نیکو است ولی هر کاه  
۲۵ نک فاسد شد بجه چیز اصلاح پذیرد \* نه برای زمین مصرفی دارد و نه برای مزبله  
بلکه پیروش میربزند آنکه کوش شنوای دارد بشنود \*

## باب پائزدهم

۱ و چون همه با جکیران و کاهکاران بتردش میآمدند ناکلام اورا بشنوند \* فریسان  
۲ و کنان همه کان میکفتند این شخص کاهکارانرا میبدرد و با ایشان میخورد \* پس  
۳ برای ایشان این مثل را زده کفت \* کیست از شما که صد کوسفند داشته باشد  
و بی از آنها کم شود که آن نود و نه را در صحراء نکذارد و از عقب آن کم شد نزود تا  
۴ آرا باید \* پس چون آرا یافت بشادی بردوش خود میکذارد \* و بجانه آمد  
دوستان و همسایکانرا میطلبد و بدیشان میکوید با من شادی کید زیرا کوسفند کمشد  
۵ خود را با فهمه ام \* بشما میکویم که براین منوال خوش در آسمان رخ مینماید بسبب نوبه  
۶ بلک کاهکار بیشتر از برای نود و نه عادل که احتیاج ندارند \* یا کدام  
زن است که ده درهم داشته باشد هر کاه یک درهم کم شود چرا غای افروخته خانه را  
۷ جاروب نکند و بدقت شخص نماید نا آرا باید \* و چون یافت دوستان و همسایکان  
۸ خود را جمع کرده میکوید با من شادی کید زیرا درهم کشید را پیدا کرده ام \* هچین  
 بشما میکویم شادی برای فرشتکان خدا روی میدهد بسبب یک خطاکار که نوبه  
۹ کد \* باز کفت شخصی را دو پرسربود \* روزی پرس کوچک بپدر خود کفت  
ای پدر رصد اموالی که باید بمن رسد بمن بک پس او مایلک خود را بین دو تقسیم  
۱۰ کرد \* و چندی نکذشت که آن پرس که نه آنچه داشت جمع کرده همکنی بعد کوچ  
۱۱ کرد و بعیاشی نا هنجار سرمایه خود را نمود \* و چون نام را صرف نموده بود  
۱۲ قحطی سخت در آن دبار حادث کشت و او بحتاج شدن شروع کرد \* پس رفته

خود را بیکی از اهل آن مملک پیوست \* وی اورا به املاک خود فرستاد تا کرازیانی  
 ۱۶ کند \* و آرزو میداشت که شکم خود را از خرنوبی که خوکان میخوردند سیر کند  
 ۱۷ و هیچکس اورا چیزی نیداد \* اخیر بخود آمد کفت چه قدر از مزدوران پدرم نان  
 ۱۸ فراوان دارند و من از کرسنکی هلاک میشوم \* برخاسته نزد پدر خود مبروم و بدرو  
 ۱۹ خواهم کفت ای پدر بآسمان و بحضور تو کاه کرده ام \* و دبکر شابسته آن نیستم که  
 ۲۰ پسر نو خوانک شوم مرا چون بیکی از مزدوران خود بگیر \* در ساعت برخاسته  
 بسوی پدر خود متوجه شد اما هنوز دور بود که پدرش اورا دین ترجم نمود  
 ۲۱ و دوان دوان آمد اورا در آغوش خود کشید بوسید \* پسر و پیرا کفت ای پدر  
 بآسمان و بحضور تو کاه کرده ام و بعد ازین لایق آن نیستم که پسر نو خوانک شوم \*  
 ۲۲ لیکن پدر بغلامان خود کفت جامه بهترین را ارخانه آورده بدو پوشانید و انکشتنی  
 ۲۳ بر دستش کید و نعلین بر پایهایش \* و کوساله برواریا آورده ذبح کید تا بخوریم  
 ۲۴ و شادی غائیم \* زیرا که این پسر من مرده بود زنده کردید و کم شد بود یافت شد  
 ۲۵ پس بشادی کردن شروع نمودند \* اما پسر بزرگ او در مززعه بود چون آمد نزدیک  
 ۲۶ مخانه رسید صدای ساز و رقص را شنید \* پس بیکی از نوکران خود را طلبیک پرسید  
 ۲۷ این چیست \* بوی عرض کرد برادرت آمد و پدرت کوساله برواریا ذبح کرده  
 ۲۸ است زیرا که اورا صحیح باز یافت \* ولی او خشم نموده نخواست بخانه درآید نا  
 ۲۹ پدرش بیرون آمد باو التهاس نمود \* اما او در جواب پدر خود کفت اینک سالها  
 است که من خدمت تو کرده ام و هر کس از حکم تو تجاوز نورزید و هر کس بزغاله بن  
 ۳۰ ندادی تا با دوستان خود شادی کم \* لیکن چون این بسرت آمد که دولت ترا  
 ۳۱ با فاحشه ها تلف کرده است برای او کوساله برواریا ذبح کردی \* او و پیرا کفت  
 ۳۲ ای فرزند تو هیشه با من هستی و آنچه از آن من است مال تست \* ولی میباشد  
 شادمانی کرد و مسرور شد زیرا که این برادر تو مرده بود زنک کشت و کم شد بود  
 یافت کردید \*

### باب شانزدهم

۱ و بشکردان خود نیز کفت شخصی دولتمدرا ناظری بود که از او نزد وی  
 ۲ شکایت بر دند که اموال اورا نتف میکرد \* پس اورا طلب نموده و پیرا کفت این

- چیست که در باره نو شنید ام ه حساب نظارت خود را باز بث زیرا ممکن نیست که  
 ۲ بعد از این نظارت کنی \* ناظر با خود کفت چه کنم زیرا مولام نظارت را از من  
 ۴ میکرید طاقت زمین کدن ندارم و از کدائی نیز عار دارم \* دانستم چه کنم تا و فبکه  
 ۵ از نظارت معزول شوم مرا بخانه خود بپذیرند \* پس هر یک از بنه کاران آفای  
 ۶ خود را طلبیم یکی کفت آقام از نو چند طلب دارد \* کفت صد رطل روغن بدرو  
 ۷ کفت سیاهه خود را بکیر و نشسته پنجاه رطل بزودی بنویس \* باز دیگر برای کفت  
 از نو چه قدر طلب دارد \* کفت صد کیل کلدم و برا کفت سیاهه خود را بکیر و هشتاد  
 ۸ بنویس \* پس آقایش ناظر خابن را آفرین کفت زیرا عافلانه کار کرد زیرا اینای  
 ۹ ابعهان در طبقه خویش از اینای نور عاقله هستند \* ومن شارا میکویم دوستان  
 از مالی ای انصافی برای خود پیدا کنید تا چون فانی کردید شارا بخوبیه های جاودانی  
 ۱۰ بپذیرند \* آنکه در آنکه امین باشد در امر بزرگ نیز امین بود و آنکه در قلیل خابن  
 ۱۱ بود در کثیر م خابن باشد \* و هر کاه در مالی ای انصافی امین نبودید کیست که  
 ۱۲ مال حقیقی را بشما بسپارد \* واکر در مال دیگری دبانت نکردید کیست که مال  
 ۱۳ خاصر شارا بشما دهد \* هیچ خادم نمیتواند دو آفرا خدمت کند زیرا با از یکی  
 نفرت میکند و با دیگری محبت با با یکی میپیوندد و دیگر برای حقیر میشمارد خدا  
 ۱۴ و مامونارا نمیتوانید خدمت غایید \* و فریسانی که زر دوست بودند همه  
 ۱۵ این شخصان را شنید اورا استهزاء نمودند \* باشان کفت شما هستید که خود را پیش  
 مردم عادل میناید لیکن خدا عارف دلهای شاست زیرا که آنچه نزد انسان  
 ۱۶ مرغوب است نزد خدا مکروه است \* نوراه و انبیاء تا به بجهی بود و ازان وقت  
 ۱۷ بشارت پمکوت خدا داده میشود و هر کس بجهد و جهد داخل آن میکردد \* لیکن  
 آساتر است که آسان و زمین زایل شود از آنکه یک نقطه از توراه ساقط کردد \*  
 ۱۸ هر که زن خود را طلاق دهد و دیگر برای نکاح کند زانی بود و هر که زن مطافه مرد برای  
 ۱۹ بنکاح خویش درآورد زنا کرده باشد \* شخصی دولتمند بود که ارغوان و کنان  
 ۲۰ میپوشید و هر روزه در عیاشی با جلال بسر میبرد \* و فقیری مفروح بود ابعاز  
 ۲۱ نام که اورا بر در کاه او می کذاشتند \* و آرزو میداشت که از پاره ای که از خوان  
 آن دولتمند میریخت خود را سیر کند بلکه سکان نیز آمده زبان بزرخهای او

۲۳ میمایلیدند \* باری آن فقیر برد و فرشتکان او را باگوش ابراهیم برداشت و آن دولتمد  
 ۲۴ نیز مرد واورا دفن کردند \* پس چشان خودرا در عالم اموات کشوده خودرا  
 ۲۵ در عذاب یافت و ابراهیم را از دور والبلازور را در آغوش دید \* آنکه با آواز بلند  
 ۲۶ کفت ای پدر من ابراهیم بر من ترخ فرما والبلازور را بفرست تا سرانکشت خودرا  
 ۲۷ بآب ترساخته زبان مرا خنک سازد زیرا درین نار معذّم \* ابراهیم کفت ای فرزند  
 ۲۸ بخطاطر آور که تو در ایام زندگانی چیزهای نیکوی خودرا یافته و هچین البلازور  
 ۲۹ چیزهای بدرا لیکن او احوال درتسلی است و نمود عذاب \* و علاوه برین در میان  
 ۳۰ ما و شما و رطه عظیمی است چنانچه آنکه میخواهد از اینجا بیند شما عبور کند  
 ۳۱ نمیتوانند و نه نشیوند کان آنجا نزد ما نوانند کذشت \* کفت ای پدر بتوالماس دارم  
 ۳۲ که اورا بجهانه پدرم بفرستی \* زیرا که مرا بخوبی برادر است تا ایشان را آگاه سازد  
 ۳۳ مبادا ایشان نیز باین مکان عذاب بیایند \* ابراهیم و برآ کفت موسی و انبیاء را  
 ۳۴ دارند سخن ایشان را بشنوند \* کفت نه ای پدر ما ابراهیم لیکن اگر کسی از مردکان  
 ۳۵ نزد ایشان رود نوبه خواهد کرد \* و برآ کفت هر کاه موسی و انبیاء را بشنوند اگر  
 ۳۶ کسی از مردکان نیز برخیزد هدایت نخواهد پذیرفت \*

### باب هفدهم

- ۱ و شاکردن خودرا کفت لابد است از وفوع لفزها لیکن وای برآنکسبکه
- ۲ باعث آنها شود \* اورا بهتر مبیند که سنک آسیائی برگردنش او بخنه شود و در
- ۳ دریا افکنند شود از اینکه یکی از این کودکان را لفزش دهد \* احتراز کبد و اکر
- ۴ برادرت بتوخطا ورزد اورا نبیه کن و اگر نوبه کد اورا بخشن \* و هر کاه در روزی
- ۵ هفت کرت بتوکاه کد و در روزی هفت مرتبه برگشته بتوکوبد نوبه میکنم اورا
- ۶ بخشن \* آنکه رسولان بخداؤند کفند ایمان مارا زیاد کن \* خداوند کفت اگر
- ۷ ایمان بقدر دانه خردی میدانشید باین درجت افراغ میگفتند که کده شد در دریا
- ۸ نشانه شود اطاعت شما میکرد \* اما کبست از شما که غلامش بششم کردن یا شبانی
- ۹ مشغول شود و وقیبکه از صحرای آبد بوی کوید بزودی یا و بشین \* بلکه آیا بدو
- ۱۰ نیکوید چیزی درست کن ناشام بخورم و نکر خودرا بسته مرا خدمت کن تا بخورم

۹ وینوش وبعد ازان تو بخور ویا شام \* آبا ازان غلام مت می کند ازانکه حکمهای  
 ۱۰ اورا بجا آورد کان ندارم \* همچین شما نیز چون بهر چیزی که مأمور شد اید عمل  
 ۱۱ کردید کوئید که غلامان بی منفعت هستیم زیرا که آنچه برما واجب بود بجا آوردم  
 ۱۲ وهنکامیکه سفر بسوی اورشلم میکرد از میانه سامون وجیل میرفت \* و چون  
 ۱۳ بقریه داخل میشد ناکاه ده شخص ابرص به استقبال او آمدند واز دور استاده \*  
 ۱۴ باواز بلند کفتند ای عیسی خداوند برما ترجم فرما \* او باشان نظر کرده کفت  
 ۱۵ بروید و خود را بگاهن بناید \* ایشان چون میرفتند طاهر کشند \* و بکی از ایشان  
 ۱۶ چون دید که شفا یافه است برکشته بصدای بلند خدارا تجدید میکرد \* و پیش  
 ۱۷ قدم او بروی درافتاده ویرا شکر کرد واو از اهل سامون بود \* عیسی ملنفت شد  
 ۱۸ کفت آیا ده نفر طاهر نشدنند پس آن نه کجا شدند \* آیا هیچکس یافت نمیشود که  
 ۱۹ برکشته خدارا تجدید کند جز این غریب \* و بدلو کفت برخاسته برو که ایانت نرا  
 ۲۰ نخات داده است \* و چون فرسیان ازاو پرسیدند که ملکوت خدا کی میابد  
 ۲۱ او در جواب ایشان کفت ملکوت خدا با مراقبت نمیابد \* و نخواهد کفت که  
 ۲۲ درفلان یا فلان جاست زیرا اینک ملکوت خدا در میان شما است \* و بشکرانها  
 ۲۳ خود کفت ایا میابد که آرزو خواهید داشت که روزی از روزهای پسر انسان را  
 ۲۴ بینید و نخواهد دید \* و بشما خواهند کفت اینک درفلان یا فلان جاست مرور بد  
 ۲۵ و تعاقب آن مکنید \* زیرا چون برق که از بیک جانب زیرآسمان لامع شد تا جانب  
 ۲۶ دیگر زیر آسمان درخشان میشود پسر انسان در بوم خود همچین خواهد بود \*  
 ۲۷ لیکن اول لازمست که او زحمات بسیار بیند و از اینفرقه مطرود شود \* و چنانکه  
 ۲۸ در ایام نوح واقع شد هانطور در زمان پسر انسان نیز خواهد بود \* که میخوردند  
 ۲۹ و مینوشیدند وزن و شوهر میکرفندند نا روزی که چون نوح داخل گشتنی شد طوفان  
 ۳۰ آمد همراه هلاک ساخت \* و همچنان که در ایام لوط شد که بخوردن و آشامیدن  
 ۳۱ و خرید و فروش وزراعت و عمارت مشغول میبودند \* نا روزی که چون لوط  
 ۳۲ از سدهم بیرون آمد آتش و بیکرد از آسمان بارید و همراه هلاک ساخت \* بر همین  
 ۳۳ متواں خواهد بود در روزی که سر انسان ظاهر شود \* در آن روز هر که برسیت  
 ۳۴ باشد و اسباب او درخانه نیز نکد نا آنها را بردارد و کسیکه در صمرا باشد

۲۳ همین بزنگرد\* زن لوطرایاد آورید\* هر که خواهد جان خود را بر هاند  
 ۲۴ آنرا هلاک خواهد کرد و هر که آنرا هلاک کند آنرا زنگ نکاه خواهد داشت\* بشما  
 میکوم در آن شب دو نفر بر بیک نخت خواهند بود یکی برداشته و دیگری واکنارده  
 ۲۵ خواهد شد\* دو زن که در بیک جا دستاس کند یکی برداشته و دیگری وا  
 ۲۶ کنارده خواهد شد\* دو نفر که در مزرعه باشند یکی برداشته و دیگری وا  
 ۲۷ کنارده خواهد شد\* در جواب وی کفتند کجا ابגדاونده کفت در هرجای که  
 لاش باشد در آنجا کرکسان جمع خواهند شد\*

### باب هجدهم

۱ و برای ایشان بیز مثلی آورد در اینکه میباید همیشه دعا کرد و کاهی نورزید\*  
 ۲ پس کفت که در شهری داوری بود که نه قریب از خدا و نه با کی از انسان میداشت\*  
 ۳ و در هان شهر یوهزی بود که پیش وی آمد میکفت داد مرزا دشمن بکر\* و نتا  
 مدنی بوی اعتماء ننمود ولکن بعد از آن با خود کفت هر چند از خدا نیشیم و از  
 ۵ مردم با کی ندارم\* لیکن چون این یوه زن مرزا حمت میدهد بداد او میرسم میادا  
 ۶ پیوسته آمن مرزا برعی آورد\* خداوند کفت بشنوید که این داور بی انصاف چه  
 ۷ میکوید\* و آیا خدا برکت دکان خود را که شبانوز بد و استغاثه میکنند داد رسی  
 ۸ خواهد کرد آکرچه برای ایشان دیر غصب باشد\* بشما میکوم که بزودی داد  
 رسی ایشان را خواهد کرد لیکن چون پسر انسان آبد آیا ایمان را بزمین خواهد  
 ۹ یافت\* و این مثل را آورد برای بعضی که بر خود اعتماد میداشتند که عادل بودند  
 ۱۰ و دیگران را حیر میشدند\* که دو نفر یکی فربی و دیگری با جکبر بھیکل رفتند  
 ۱۱ تا عبادت کنند\* آن فربی ایستاده بدین طور با خود دعا کرد که خدا ایا نرا  
 شکر میکنم که مثل سایر مردم حربی و ظالم وزناکار بستم و نه مثل این با جکبر\*  
 ۱۲ هر هفتة دو مرتبه روزه میدارم و از آنچه پیدا میکنم ده بیک میدهم\* اما آن با جکبر  
 دور ایستاده خواست چشان خود را بسوی آسمان بلند کند بلکه بسته خود زده  
 ۱۴ کفت خدا ایا برمی کاهکار ترجم فرما\* بشما میکوم که این شخص عادل کرده شد  
 بمانه خود رفت بخلاف آن دیگر زیرا هر که خود را بر افزار دست کردد و هر کس

- ۱۵ خویشتن را فروتن سازد سرافرازی یابد\* پس اطفال را نیز نزد وی آوردند  
 ۱۶ نا دست برایشان کذارد اما شاکرداش چون دیدند ایشان را نهیب دادند\* ولی عیسی ایشان را خوانده کفت بچه هارا واکذار بد تا نزد من آیند و ایشان را مانع است  
 ۱۷ مکنید زیرا ملکوت خدا برای مثل اینها است\* هر آینه بشما میکویم هر که ملکوت  
 ۱۸ خدارا مثل طبل نپذیرد داخل آن نکردد\* و پیکی از روی ازوی سوال آن  
 ۱۹ نموده کفت ای استاد نیکو چکم نا حیات جاودانی را وارث کردم\* عیسی ویرا  
 ۲۰ کفت از بهر چه مرا نیکو میکوئی وحال آنکه هیچکس نیکو نیست جز بکی که خدا  
 ۲۱ باشد\* احکام را میدانی زنا مکن قتل مکن دزدی مکن شهادت دروغ مکن و پدر  
 ۲۲ و مادر خود را محض دار\* کفت جمیع اینها را از طفولیت خود نگاه داشته ام\*  
 ۲۳ عیسی چون اینرا شنید بدو کفت هنوز ترا یک چیز با قیست آنچه داری بفروش  
 ۲۴ و بنقراء بدن که در آسمان کنجدی خواهی داشت پس آمک مرا متابعت کن\* چون اینرا  
 ۲۵ شنید هژون کشت زیرا که دولت فراوان داشت\* اما عیسی چون اورا محضون  
 ۲۶ دید کفت چه دشوار است که دولتمدان داخل ملکوت خدا شوند\* زیرا  
 ۲۷ کذشن شتر از سوراخ سوزن آساتراست از دخول دولتمندی در ملکوت خدا\*  
 ۲۸ اما شنوند کان کفتند پس که میتواند نجات یابد\* او کفت آنچه نزد مردم محال  
 ۲۹ است نزد خدا ممکن است\* پطرس کفت اینک ما هه چیز را ترک کرده پروری  
 ۳۰ تو میکنیم\* بایشان کفت هر آینه بشما میکویم کسی نیست که خانه یا والدین یا زن  
 ۳۱ یا برادران یا اولاد را بجهة ملکوت خدا ترک کد\* جز اینکه در این عالم چند برابر  
 ۳۲ بیابد و در عالم آینه حیات جاودانی را\* پس آن دوازده را برداشته بایشان کفت  
 ۳۳ اینک با اورسلم میروم و آنچه: زیان انبیاء درباره پسر انسان نوشته شد است به انجام  
 ۳۴ خواهد رسید\* زیرا که اورا به امتها تسلیم میکنند و استهزاء و بھرمنی کرده آب دهان  
 ۳۵ بروی انداخته\* و نازیانه زده اورا خواهد کشت و در روز سیم خواهد برخاست\*  
 ۳۶ اما ایشان چیزی از این امور نفهمیدند و این سخن از ایشان مخفی داشته شد و آنچه  
 ۳۷ میکفت درک نکردد\* و چون نزدیک ارجما رسید کوری بجهة کدائی برس  
 ۳۸ راه نشسته بود\* و چون صدای کروهیرا که میکذشنند شنید پرسید چه چیز  
 ۳۹ است\* کفندش عیسی ناصری در کذر است\* در حال فریاد برآورده کفت ای

۳۹ عیسی ای پسر داود برم من ترجم فرما \* و هر چند آنایکه پیش میرفند او را نهیب  
 ۴ میدادند ناخاموش شود او بلند تر فرباد میزد که پسر داودا برم من ترجم فرما \* آنکاه  
 عیسی ایستاده فرمود تا اورا تزد وی پاورند و چون تزدیک شد ازوی برسین \*  
 ۵ کفت چه نیغواهی برای تو بکم عرض کرد ایخداؤند تا بینا شوم \* عیسی بوی  
 ۶ کفت بینا شو که ایام است ترا شنا داده است \* در ساعت بینائی یافه خدارا تمجد  
 کان از عقب او افتاد و جمیع مردم چون اینرا دیدند خدارا تسبیح خوانند \*

### باب نوزدهم

۱ پس وارد اریحا شد از آنجا میگذشت \* که ناکاه شخصی نکی نام که رئیس  
 ۲ با جگیران و دولتمند بود \* خواست عیسی را به بیند که کست واژگشت خلق  
 ۳ توانست زیرا کوتاه قدر بود \* پس پیش دویک بر درخت افراغی برآمد تا اورا به  
 ۴ بیند چونکه او نیخواست ازان راه عبور کد \* و چون عیسی با نگران رسید بالا  
 نگریسته اورا دید و گفت ای زکی بشتاب و بزیر یا زیرا که باید امروز درخانه تو  
 ۵ یام \* پس بزودی پائین شد اورا بخوبی بذریفت \* و هم چون اینرا دیدند همه  
 ۶ کنان میگفتند که درخانه شخصی کاهکار بهمانی رفته است \* اما زکی برای شد  
 بخداؤند گفت الحال ایخداؤند نصف مایلک خودرا بقراط میدم و آکر چیزی  
 ۷ ناخن از کسی کرفته باشم چهار برابر بدو رد میکنم \* عیسی بوی کنت امروز نجات  
 ۸ در اینخانه پیدا شد زیرا که این شخص هم پسر ابراهیم است \* زیرا که پسر انسان آمن  
 ۹ است تا کمش درا بجود و نجات بخشد \* و چون ایشان اینرا شنیدند او مثلی  
 ۱۰ زیاد کرده آورد چونکه تزدیک باور شلم بود و ایشان کان میبرند که ملکوت خدا  
 ۱۱ میباشد در همان زمان ظهور کد \* پس کفت شخصی شریف بدیار بعد سفر کرد تا  
 ۱۲ ملکی برای خود کرفته مراجعت کد \* پس ده نفر از غلامان خودرا طلبین ده  
 ۱۳ قسطنطیل باشان سپرده فرمود تجارت کنید تا بیام \* اما اهل ولاست او چونکه اورا  
 ۱۴ دشمن میداشتند ایلیجان در عقب او فرستاده گفتند نیغواهم این شخص برم سلطنت  
 ۱۵ کد \* و چون ملک را کرفته مراجعت کرده بود فرمود تا آن غلام اینرا که باشان  
 ۱۶ نقد سپرده بود حاضر گند تا بنهاد هر یک چه سند نموده است \* پس اولی آمن

- ۱۷ کفت ای آقا فنطار نو ده قطار دیکر نفع آورده است \* بدو کفت آفرین ای glam  
 ۱۸ نیکوچونکه برچیز کم این بودی برده شهر حاکم شو \* و دیکری آمن کفت ای  
 ۱۹ آقا فنطار تو پنجه فنطار سود کرده است \* اورا نیز فرمود مریخ شهر حکمرانی کن \*  
 ۲۰ و سبی آمن کفت ای آقا اینک فنطار تو موجود است آنرا در بارچه نکاه داشته ام \*  
 ۲۱ زیرا که از نو نرسیدم چونکه مرد نند خوی هستی \* آنچه نکذاره برمیداری وازانچه  
 ۲۲ نکاشته درو میکنی \* بوی کفت از زیان خودت برتو فتوی میدهم ای غلام شربه  
 داشته که من مرد نند خوی هستم که برمیدارم آنچه را نکذاشته ام و درو میکنم آنچه را  
 ۲۳ پاشیده ام \* پس برای چه نقد مرا نزد صرافان نکذاری نا چون ام انرا باسود  
 ۲۴ در یافت کم \* پس بحاضرین فرمود قطار را از این شخص بگیرید و بصاحب ده  
 ۲۵ قطار بدھید \* باو کفند اجداوند وی ده قطار دارد \* زیرا بشما میکوم بھر که  
 ۲۶ دارد داده شود و هر که ندارد آنچه دارد نیز ازاو کرفته خواهد شد \* اما آن  
 دشمنان من که خواستند من برایشان حکمرانی نمایم در اینجا حاضر ساخته پیش من  
 ۲۷ بقتل رسابد \* و چون اینرا کفت پیش رفته متوجه اور شیلم کرد بد \* و چون  
 نزدیک بیت فاجی و بیت عتبیا برکوه مسوی بزیتون رسید دو نفر از شاکر دان خود را  
 ۲۸ فرستاده \* کفت بآن فریبه که پیش روی شما است بروید و چون داخل آن شدید  
 کرده لاغی بسته خواهید یافت که هیچکس بر آن هر کسر سوار نشده آنرا باز کرده  
 ۲۹ یاورید \* و آنکسی بشما کوید چرا اینرا باز میکنید بوی کوئید خداوند اور الازم  
 ۳۰ دارد \* پس فرستاد کان رفته آنچنانکه بد بشان کفنه بود یافتد \* و چون کرده را  
 ۳۱ باز میکردند مالکانش باشان کفند چرا کرده را باز میکنید \* کفند خداوند اور ا  
 ۳۲ لازم دارد \* پس اورا بزند عیسی آور دند و رخت خود را بر کرده افکه عیسی را  
 ۳۳ سوار کردنده \* و هنکامیکه او میرفت جامه های خود را در راه میکشند \* و چون  
 نزدیک بسرازیری کوه بزیتون رسید نمای شاکر داش شادی کرده با از بلند خدارا  
 ۳۴ حمد کفتن شروع کردنده سبب همه فوابکه ازاو دید بودند \* و میکفند مبارک  
 باد آن پادشاهی که میاید بام خداوند سلامتی در آسان و جلال دراعلی علیین  
 ۳۵ باد \* آنکاه بعضی از فرسیان از نهیان بدو کفند ای استاد شاکر دان خود را  
 ۳۶ نهیب نما \* او در جواب ایشان کفت بشما میکوم آنکه اینها ساکت شوند هر آینه

۴۱ سنکها بصد آیند\* و چون نزدیک شد شهر را نظاره کرد برآن کریان کشته\*  
 ۴۲ کفت آکر تو نیز میدانستی هم در این زمان خود آنچه باعث سلامتی نو میشد لاؤکن  
 ۴۳ الحال از چشم انداخته از پنهان کشته است\* زیرا آیا برونو میابد که دشمنانت کرد نو  
 ۴۴ سنکها سازند و ترا احاطه کرده از هر جانب مخاصع خواهند نمود\* و ترا  
 و فرزنداترا در اندر گرون نو برخاک خواهند افکند و در نو سنکی بر سرکی خواهند  
 ۴۵ کذاشت زیرا که آیا تنقد خود را ندانستی\* و چون داخل هبکل شد کسان برآ که  
 ۴۶ در آنجا خرید و فروش میکردند به یرون نمودن آغاز کرد\* و باشان کفت  
 مکتوب است که خانه من خانه عبادت است لیکن شما آنرا مغاره دزدان ساخته  
 ۴۷ اید\* و هر روز در هبکل تعلم میداد اما رؤسای کهنه و کتابان و آکابر قوم فصد  
 ۴۸ هلاک نمودن او میکردند\* و نیافتنند چه کنند زیرا که نمای مردم براو آویخته بودند  
 که ازاو بشنوند\*

## باب پیشمند

۱ روزی ازان روزها واقع شد هنگامیکه او قوم را در هبکل تعلم و بشارت میداد  
 ۲ که رؤسائے کهنه و کتابان با مشاهع آمد\* بوی کفتند با بکو که تجه قدرت  
 ۳ اینکارهارا میکنی و کبست که این قدرت را بتو داده است\* در جواب ایشان  
 ۴ کفت من نیز از شما چیزی میپرسم من بکوئید\* نعید بجهی از انسان بود با از مردم\*  
 ۵ ایشان با خود اندیشیدن کفتند که آکر کوئیم از انسان هر آینه کوید چرا با ایمان  
 ۶ نیاورد بد\* و آکر کوئیم از انسان نمای قوم مارا سنکسار کنند زیرا یقین میدارند  
 ۷ که بجهی نمی است\* پس جواب دادند که نمیدانیم از چکا بود\* عیسی باشان  
 ۸ کفت من نیز شمارا نمیکویم که این کارهارا بجه قدرت بجا میاورم\* و این مثل را مردم  
 ۹ کفتن کرفت که شخصی تاکستانی غرس کرد و به با غبانانش سپرده مدت مدبدي  
 ۱۰ سفر کرد\* و در مویم غلامی نزد با غبانان فرستاد تا از میوه باغ بدوسپارند اما  
 ۱۱ با غبانان اورا زده نهی دست باز کرد ایندند\* پس غلامی دبکر روانه نموده اورا  
 ۱۲ نیز نازیانه زده و پیحرمت کرده نهی دست باز کرد ایندند\* و باز سیوی فرستاده  
 ۱۳ اورا نیز همروح ساخته یرون افکندند\* آنکاه صاحت باغ کفت چکم\* پسر  
 ۱۴ حیب خود را میفرم شاید چون اورا پیشند احرام خواهند نمود\* اما چونه

- با غانان اورا دیدند با خود نفکر کان گشتند این وارت میباشد یا پاید اورا بکشیم نا  
 ۱۵ میراث ازانِ ما کردد\* درحال اورا از باغ بیرون افکنه گشتند پس صاحب باغ  
 ۱۶ بد بشان چه خواهد کرد\* او خواهد آمد و با غانان را هلاک کرده باع را بد بکران  
 ۱۷ خواهد سپرده پس چون شنیدند گفتند حاشا\* باشان نظر افکنه گفت پس  
 معنی این نوشته چیست « سنگرا که مغاران رذ کردن هان سرزابه شد است\*»  
 ۱۸ وهر که برآن سنگ افتد خورد شود اما اکرآن برکسی یفتند اورا نرم خواهد  
 ۱۹ ساخت\* آنکاه رؤسای کنه و کانیان خواستند که درهان ساعت ادرا کرنار  
 کند لیکن از قوم نرسیدند زیرا که دانستند که این مثل را درباره ایشان زده بود\*  
 ۲۰ و مرافب او بوده جاسوسان فرستادند که خود را صالح مینمودند تا بخنی ازاو  
 ۲۱ کرفته اورا بحکم وقدرت والی بسپارند\* پس ازاو سؤال نوده گفتند ای استاد  
 میدانم که تو برآسی سخن میرانی و نعلم میدهی و از کسی رو داری نبکی بلکه طرق  
 ۲۲ خدارا بصدق می‌آموزی\* آبا برما جایز هست که جز به بقیصر بدهیم یا نه\* او  
 ۲۳ چون مکرا بشان را درک کرد بد بشان گفت مرا برای چه امتحان می‌کنم\* دیناری بن  
 نشان دهد، صورت و رفمش از کبست\* ایشان در جواب گفتنده از بقیصر است\*  
 ۲۴ او باشان گفت پس مال بقیصر را بقیصر رد کبد و مال خدارا خدا\* پس چون  
 نتوانستند اورا بخنی در نظر مردم منزم سازند از جواب او در عجب شد ساکت  
 ۲۵ ماندند\* و بعضی از صدوقیان که منکر قبامت هستند پیش آمد ازوی سؤال  
 ۲۶ کرده\* گفتند ای استاد موسی برای ما نوشته است که اکر کسپرا برادری که زن  
 داشته باشد ببرد و بی اولاد فوت شود باید برادرش آن زنرا بکرد نا برای برادر  
 ۲۷ خود سلی آورده\* پس هفت برادر بودند که اولی زن کرفته اولاد نا آورده فوت  
 ۲۸ شد\* بعد دو مین آن زنرا کرفته او نیز بی اولاد ببرد\* پس سیمین اورا کرفت  
 ۲۹ و هیچین نا هفتمین و هه فرزند نا آورده مردند\* و بعد از هه آن زن بیز وفات  
 ۳۰ بافت\* پس در قبامت زن کدام بلک ایشان خواهد بود زیرا که هر هفت اورا  
 ۳۱ داشتند\* عینی در جواب ایشان گفت ابای این عالم نکاح می‌کنند و نکاح کرده  
 ۳۲ می‌شوند\* یکن آنانیکه مسخن رسیدن با آن عالم و بقیامت از مردکان شوند نه نکاح  
 ۳۳ می‌کنند و نه نکاح کرده می‌شوند\* زیرا ممکن نبست که دیگر بپرند از آجهنه که مثل

۳۷ فرشتکان و پسران خدا میباشد چونکه پسران قیامت هستند \* و اما آنکه مردکان  
 بر مجیزند موسی نیز در ذکر بونه نشان داد چنانکه خداوندرا خدای ابراهیم  
 ۳۸ و خدای اسحق و خدای یعقوب خواند \* حال آنکه خدای مردکان  
 ۳۹ نیست بلکه خدای زندگانست زیرا هه نزد او زند هستند \* پس بعضی از کتابان  
 ۴۰ در جواب کنند ای استاذ بیکوکتفی \* و بعد ازان هیچکس جرأت آن نداشت که  
 ۴۱ ازوی سوال آنکه \* پس باشان گفت چونکه میکوبند که مسح پسر داود  
 ۴۲ است \* و خود داود در کتاب زیور میکوید خداوند بخداوند من گفت بدست  
 ۴۳ راست من بنشین \* تا دشمنان ترا پای انداز تو سازم \* پس چون داود اورا  
 ۴۵ خداوند میخواند چونکه پسر او میباشد \* و چون غای قوم میشنیدند بشاکردان  
 ۴۶ خود گفت \* بپرهیزید از کتاباتیک خرانیدن در لباس درازرا می پسندند وسلام  
 ۴۷ در بازارها و صدر کنایس و بالا نشستن در ضیافت‌هارا دوست میدارند \* و خانه‌های  
 یوه زنانرا می بلعند و غازرا بریاکاری طول میدهند اینها عذاب شدیدتر خواهد  
 یافت \*

### باب بیست و پنجم

۱ و نظر کرده دولتمدان را دید که هدایای خود را در بیت‌المال میاندازند \*  
 ۲ و یوه زنی فقیر را دید که دو فلس در آنجا انداخت \* پس گفت هر آیه بشما میکویم  
 ۳ این بیوه فقیر از جمیع آنها بیشتر انداخت \* زیرا که هه ایشان از زیادتی خود  
 ۴ در هدایای خدا انداختند لیکن این زن از احتیاج خود غای معیشت خویش را  
 ۵ انداخت \* و چون بعضی ذکر هیکل میکردند که بسنکهای خوب و هدایا  
 ۶ آراسته شده است گفت \* ایامی میاید که از این چیزهاییکه می بینید سنکی برستکی  
 ۷ کذارده نشود مگر اینکه بزیر افکن خواهد شد \* وازاو سوال نموده کنند ای  
 ۸ استاد پس این امور کی واقع میشود و علامت تزدیک شدن این‌وقایع چیست \*  
 ۹ گفت احتیاط کنید که کراه نشود زیرا که بسا بنام من آمد خواهند گفت که من  
 ۱۰ و فسادهارا بشنوید مضطرب مشوید زیرا که وقوع این امور اول ضرور است  
 ۱۱ لیکن انتهاء در ساعت نیست \* پس باشان گفت قوی با قوی و مملکتی با

- ۱۱ ملکتی مقاومت خواهند کرد\* وزلزلهای عظیم درجاها و فحصها و وباها پدید  
 ۱۲ و چیزهای هولناک و علامات بزرگ از آسمان ظاهر خواهد شد\* و قبل از اینهمه  
 برشا دست اندازی خواهند کرد و چنان نموده شمارا بکابس وزندانها خواهد سپرد  
 ۱۳ و در حضور سلاطین و حکام مجده نام من خواهند برد\* وابن برای شما بشاهدت  
 ۱۴ خواهد انجامید\* پس دردهای خود فرار دهید که برای حجت آوردن پیشتر  
 ۱۵ اندیشه نکید\* زیرا که من بشما زبانی و حکمی خواهم داد که همه دشمنان شما با آن  
 ۱۶ مقاومت و مباحثه نتوانند نمود\* و شمارا والدین و برادران و خویشان و دوستان  
 ۱۷ نسلم خواهند کرد و بعضی از شمارا بقتل خواهند رسانید\* و جمیع مردم مجده نام  
 ۱۸ من شمارا نفرت خواهند کرد\* ولکن موئی از سر شما کم خواهد شد\* جانهای  
 ۱۹ خود را بصیر در باید\* و چون بینید که اورشلیم بلشکرها محاصره شد است آنکه<sup>۲۰</sup>  
 ۲۰ بدانید که خرابی آن رسید است\* آنکه هر که در بهودیه باشد بکوهستان فرار کند  
 ۲۱ و هر که در شهر باشد بپرون رود و هر که در صحراء بود داخل شهر نشود\* زیرا که  
 ۲۲ هانست ایام انتقام نا آنچه مکنوب است تمام شود\* لیکن وای برآستان و شیر  
 دهنده کان در آن ایام زبرا تنکی سخت ببروی زمین و غضب براین قوم حادث  
 ۲۳ خواهد شد\* و بدلم شمشیر خواهند افتد و در میان جمیع امتهای به اسپری خواهند  
 ۲۴ رفت واورشلیم پایمال امتهای خواهند شد نا زمانهای امتهای با نجاح رسید\* و در آفات  
 ۲۵ و ماه و سنا رکان علامات خواهد بود و پر زمین تنکی و حیرت از برای امتهای روی  
 ۲۶ خواهد نمود بسبب شوریدن دریا و امواجش\* و دلهای مردم ضعف خواهد کرد  
 از خوف و انتظار آن و قابعی که بر ربع مسکون ظاهر میشود زیرا قوای آسمان متزلزل  
 ۲۷ خواهد شد\* و آنکه پسر انسان را خواهند دید که برابری سوار شد با فوت  
 ۲۸ و جلال عظیم می‌آید\* و چون ابتدای این چیزها بشود راست شد سرهای خود را  
 ۲۹ بلند کید از آنچه که خلاص شما نزدیک است\* و برای ایشان مغلی کفت که در خت  
 ۳۰ انحر و سایر درختان را ملاحظه نماید\* که چون می‌بینید شکوفه میکند خود  
 ۳۱ میدانید که ناسیان نزدیک است\* و همچین شما نیز چون بینید که این امور واقع  
 ۳۲ میشود بدانید که ملکوت خدا نزدیک شد است\* هر آینه بشما میکویم که ناجیع  
 ۳۳ این امور واقع نشود این غرفه خواهد کذشت\* آسمان و زمین زابل میشود لیکن

۲۴ سخنان من زایل نخواهد شد \* پس خود را حفظ کید مبادا دلهای شما از برخوری  
 ۲۵ و مستی و آندیشهای دنیوی سنگین کردد و آن روز ناکهان برشما آید \* زیرا که  
 ۲۶ مثل دامی بر جمیع سکنه تمام روی زمین خواهد آمد \* پس در هر وقت دعا کرده  
 بیدار باشید تا شایسته آن شوید که از جمیع این چیزهاییکه بوقوع خواهد بیوست  
 ۲۷ نجات باید و در حضور پسر انسان بایستید \* و روزها را در هیکل نعلم میداد  
 ۲۸ و شیها پرون رفته در کوه معروف بزیتون بسر میبرد \* و هر بامداد قوم نزد وی  
 در هیکل می شناختند تا کلام اورا بشنوند \*

### باب پیست و دوام

۱ و چون عید فطیر که بنفع معروف است نزدیک شد \* رؤسای کهنه و کانیان  
 ۲ مترصدی بودند که چکونه اورا بقتل رسانند زیرا که از قوم ترسیدند \* اما شیطان  
 ۴ در بهودای مسی به اسخر بوطی که از جمله آن دوازده بود داخل کشت \* واو  
 رفته با رؤسای کهنه و سرداران سپاه کفتکو کرد که چکونه اورا باشان تسلم کند \*  
 ۶ ایشان شاد شد با او عهد بستند که نقدی بوی دهند \* واو فبول کرده در صدد  
 ۷ فرصتی برآمد که اورا در بهانی از مردم باشان تسلم کد \* اما چون روز  
 ۸ فطیر که در آن میباشد فصمرا ذبح کنند رسید \* پطرس و یوحنا را فرستاده  
 ۹ کفت بروید و فصح را بجهة ما آماده کید تا بخوریم \* بوی کفتند در چما میغواهی  
 ۱۰ مهیا کیم \* ایشانرا کفت اینک هنکامیکه داخل شهر شوید شخصی با سبوی اب  
 ۱۱ بشما بر میخورد بخانه که او در آبد از عقب وی بروید \* و بصاحب خانه کوئید  
 ۱۲ اساد نرا میکوید مهانخانه بجا است تا در آن فصمرا باشاكردن خود بخورم \* او بالا  
 ۱۳ خانه بزرک و مفروش بشما نشان خواهد داد در لتجما مهیا سازید \* پس رفته  
 ۱۴ چنانکه باشان کفه بود یافتند و فصمرا آماده کردند \* و چون وقت رسید با  
 ۱۵ دوازده رسول بنشست \* و باشان کفت اشتیاق بی نهایت داشتم که پیش از  
 ۱۶ زحمت دیدم این فصمرا با شما بخورم \* زیرا بشما میکوم از این دیگر نمیخورم تا  
 ۱۷ وقتیکه در ملکوت خدا تمام شود \* پس بیالله کرفه شکر نمود و کفت اینرا  
 ۱۸ بکرید و در میان خود تقسیم کید \* زیرا بشما میکوم که تا ملکوت خدا نباید از

۱۹ میوه مو دیگر نخواهم نوشید \* و نان را کفره شکر نمود و پاره کرده باشان داد  
 و کفت این است جسد من که برای شما داده میشود اینرا بیاد من بجا آرید \*  
 ۲۰ و همچنین بعد از شام پیاله را کرفت و کفت این پیاله عهد جدید است در خون  
 ۲۱ من که برای شما ریخته میشود \* لیکن اینک دست آن کسیکه مرا تسلیم میکند با  
 ۲۲ من در سفر است \* زیرا که پسر انسان بحسب آنچه مقدار است مبرود لیکن وای  
 ۲۳ بر آنکسیکه اورا تسلیم کند \* آنکاه از یکصد بکر شروع کردند به برسیدن که  
 ۲۴ کدام بک از ایشان باشد که اینکار بکند \* و در میان ایشان تراوی نیز افاده کدام  
 ۲۵ بک از ایشان بزرگر میباشد \* آنکاه باشان کفت سلاطین آمنها برایشان  
 ۲۶ سروی میکند و حکام خود را ولی نعمت میخوانند \* لیکن شما چنین میباشد  
 ۲۷ بلکه بزرگتر از شما مثل کوچکر باشد و بیشوا چون خادم \* زیرا کدام بک  
 بزرگر است آنکه بگذا نشیند یا آنکه خدمت کد آیا نیست آنکه نشسته است  
 ۲۸ لیکن من در میان شما چون خادم هست \* و شما کسانی میباشید که در امتحانهای  
 ۲۹ من با من بسر بر دید \* و من ملکوی برای شما فرار میدم چنانکه پدرم برای من  
 ۳۰ مقرر فرمود \* تا در ملکوت من از خوان من بخورید و بنوشید و بر کرسیها  
 ۳۱ نشسته بردوازده سبط اسرائیل داوری کنند \* پس خداوند کفت ای شمعون  
 ۳۲ ای شمعون اینک شیطان خواست شیارا چون کنند غریال کند \* لیکن من  
 برای تو دعا کردم تا ایهانت نلف نشود و هنکامیکه تو بازکشت کی برادران خود را  
 ۳۳ استوار نما \* بوی کفت اخداوند حاضر که با تو بروم حقی در زندان و در موت \*  
 ۳۴ کفت نزا میکوم ای بطیس امروز خروس بانک نزدی باشد که سه مرتبه انکار  
 ۳۵ خواهی کرد که مولا نبینیم ای و باشان کفت هنکامیکه شمارا بی کسه و توشه دان  
 ۳۶ و کفش فرستادم بهیچ چیز محتاج شدیده کفتند هیچ \* پس باشان کفت لین الان  
 هر که کسه دارد ازرا بردارد و همچنین نوشیدانرا و کسیکه شمشیر ندارد جامه خود  
 ۳۷ را فروخته آنرا بخرد \* زیرا بشما میکوم که این نوشته در من میباید با تجام رسید یعنی  
 ۳۸ با کاکاهکاران محسوب شد زیرا هر چه در تخصوص من است اتفقاء دارد \* کفتند  
 ۳۹ اخداوند اینک دو شمشیره باشان کفت کافیست \* و بحسب عادت  
 ۴۰ بپرونده بکوه زیتون رفت و شاکرداش از عقب او رفتند \* و چون بالنوضع رسید

۴۱ بایشان کفت دعا کید تا در امتحان نیفتید \* واواز ایشان بمسافت پرتاب سنگی  
 ۴۲ دور شد بزانو درآمد و دعا کرده کفت \* ای پدر آکر بخواهی این پاله را از  
 ۴۳ من بکردان لیکن نه بخواهش من بلکه باراده تو \* و فرشته از آسمان بر او ظاهر شد  
 ۴۴ اورا نقویت مینمود \* پس بجهان افتداده بسی بیغفر دعا کرد چنانکه عرق او مثل  
 ۴۵ قطرات خون بود که بزمین میریخت \* پس از دعا برخاسته نزد شاکردان  
 ۴۶ خود آمد ایشانرا از حزن در خواب یافت \* بایشان کفت برای چه در خواب  
 ۴۷ هستیده برخاسته دعا کید تا در امتحان نیفتید \* و سخن هنوز بر زبانش بود که  
 ناکاه جمعی آمدند و یکی از آن دوازده که بیهودا نام داشت بر دیگران سفت  
 ۴۸ جسته نزد عبی آمد تا اورا بوسد \* و عبی بدو کفت ای بیهودا آبا بیو سه پسر  
 ۴۹ انسان را تسلیم میکنی \* رفاقتیش چون دیدند که چه میشود عرض کردند خداوندا  
 ۵۰ بشیبربزم \* و یکی از ایشان غلام رئیس کهنه رازده کوش راست اورا از تن  
 ۵۱ جدا کرد \* عبی متوجه شده کفت تا باین بگذارید و کوش اورا لمس نموده شفا  
 ۵۲ داد \* پس عبی به رؤسای کهنه و سرداران سپاه هیکل و مشابقی که نزد او آمد  
 ۵۳ بودند کنت کویا بر دزد با شیبیرها و چوبها یرون آمدید \* و فنیکه هر روزه در  
 هیکل با شما میبودم دست بر من دراز نکردید لیکن اینست ساعت شما و قدرت  
 ۵۴ ظلت \* پس اورا کفته بر دند و سرای رئیس کهنه آوردند و پطرس  
 ۵۵ از دور از عفی میآمد \* و چون در میان ایوان آتش افروخته کردش نشسته بودند  
 ۵۶ پطرس در میان ایشان بنشست \* آنکاه گنیزکی چون اورا در روشنی آتش  
 ۵۷ نشسته دید بر او چشم دوخته کفت این شخص هم با او میبود \* او وبرا انکار  
 ۵۸ کرده کفت ای زن اورا نمیشناسم \* بعد از زمانی دیگری اورا دید کفت تو از  
 ۵۹ اینها هستی \* پطرس کفت ای مرد من نیستم \* و چون تخمیناً بکساعت کذشت  
 ۶۰ بکر با ناکید کفت بلاشک این شخص از رفای او است زیرا که جلیل هم  
 ۶۱ هست \* پطرس کفت ام بر نمیدانم چه میکوئی \* در هانساعت که اینرا میکفت  
 ۶۲ خروس بانک زد \* آنکاه خداوند روکر دانید به پطرس نظر افکند پس پطرس  
 آنکلای را که خداوند بوی کفته بود بخاطر آورده که قبل از بانک زدن خروس  
 ۶۳ سه مرتبه مرا انکار خواهی کرد \* پس پطرس یرون رفه زار زار بکربست \*

- ۶۴ و کسانیکه عبسی را کرفته بودند اورا نازبانه زده استهزا نمودند\* و چشم اورا  
بسته طباچه بر رویش زدند وازوی سوال کرده کفتند نبوت کن که نرا زده است\*
- ۶۵ و بسیار کفر دیگر بوسیله کفتند\* و چون روز شد اهل سورای قوم یعنی رؤسای  
۶۶ کهنه و کاتیان فرام آمد در مجلس خود اورا آورده\* کفتند اکر تو مسیح هستی
- ۶۷ با بکوه او بایشان کفت اکر بشما کوی مرانصدیق خواهید کرد\* و اکر از شما سوال کنم
- ۶۸ جواب نمیدهد و مرا رها نمیکنید\* لیکن بعد از این پسر انسان بطرف راست فوت  
۶۹ خدا خواهد نشست\* هه کفتند پس نو پسر خدا هستی او بایشان کفت شما میکوئید
- ۷۰ که من هستم\* کفتند دیگر ماراجه حاجت بشهادت است زیرا خود از زیاش شنیدم\*

### باب بیست و سه

- ۱ پس نام جماعت ایشان برخاسته اورا نزد پیلاطس بردند\* و شکایت بر او  
آغاز نموده کفتند این شخص را باقه ایم که قوم را کراه میکند و از جزبه دادن بهیصر
- ۲ مع مینماید و میکوید که خود مسیح و پادشاه است\* پس پیلاطس از او پرسیده
- ۳ کفت آیا تو پادشاه یهود هستِ او در جواب وی کفت تو میکوئی\* آنکه  
پیلاطس بروئای کهنه و جمیع قوم کفت که در این شخص هیچ عیبی نمیابم\*
- ۴ ایشان شدت نموده کفتند که قوم را میشوراند و در نام یهودیه از جلیل کرفته
- ۵ تا بایخا تعلم میدهد\* چون پیلاطس نام جلیل را شنید پرسید که آیا اینفرد جلیلی
- ۶ است\* و چون مطلع شد که از ولایت هیرودیس است اورا نزد وی فرستاد
- ۷ چونکه هیرودیس در آن ایام در اورشلم بود\* آنها هیرودیس چون عبسی را دید  
بغایت شاد کردید زیرا که مدت مدبدي بود میتواست اورا به بیند چونکه شهرت
- ۸ اورا پسیار شنید بود و متوجه مبعود که مجده از او بیند\* پس چیزهای بسیار از
- ۹ وی پرسید لیکن او بیوی هیچ جواب نداد\* بوسیله کهنه و کاتیان حاضر شد  
بشدت نام بروی شکایت مینمودند\* پس هیرودیس بالشکریان خود اورا
- ۱۰ افضاح نموده واستهزا کرده لباس فاخر بر او بوشاند و نزد پیلاطس اورا باز
- ۱۱ فرستاد\* و در همانروز پیلاطس و هیرودیس با یکدیگر مصالحه کردند زیرا قبل
- ۱۲ از آن در میانشان عداوی بود\* پس پیلاطس رؤسای کهنه و سرداران

۱۴ و قوم را خواند \* بایشان کفت این مردرا نز من آور دید که قوم را می شوراند  
 الحال من اورا در حضور شما امتحان کردم و از آنچه بر او اذعا می کنند اثری  
 ۱۵ نیافتم \* و نه هیرو دیس هم زیرا که شمارا نزد او فرستادم و اینک هیچ عمل مستوجب  
 ۱۶ قتل ازا و صادر نشده است \* پس اورا تنبیه نموده رها خواهم کرد \* زیرا اورا  
 ۱۷ لازم بود که هر عیدی کسیرا برای ایشان آزاد کند \* آنکاه هه فریاد کرده کفتند  
 ۱۸ اورا هلاک کن و بَرَّا بَارَا برای ما رها فرما \* واو شخصی بود که بسبب شورش  
 ۱۹ و قلبیک در شهر واقع شد بود در زندان افکن شد بود \* باز پیلاطُس ندا کرد  
 ۲۰ خواست که عیسی را رها کند \* لیکن ایشان فریاد زده کفتند اورا مصلوب کن  
 ۲۱ مصلوب کن \* بار ستم بایشان کفت چرا هچ بدی کرده است من در او هیچ عله  
 ۲۲ قتل نیافتم پس اورا نادیب کرده رها می کنم \* اما ایشان بصدای اهای بلند مبالغه  
 ۲۳ نموده خواستند که مصلوب شود و آوازه‌های ایشان و رؤسای کهنه غالب آمد \*  
 ۲۴ پس پیلاطُس فرمود که بر حسب خواهش ایشان بشود \* و آنکسیرا که بسبب  
 ۲۵ شورش و قتل در زندان حبس بود که خواستند رها کرد و عیسی را بخواهش  
 ۲۶ ایشان سپرد \* و چون اورا میزدند شمعون قبر و اینرا که از صحراء میامد محصور  
 ۲۷ ساخته صلیب را بر او کشیدند تا از عقب عیسی ببرد \* و کروهی بسیار از قوم  
 ۲۸ وزناییکه سینه میزدند و برای او مام میکرفتند در عقب او افتادند \* آنکاه عیسی  
 بسوی آن زنان روی کردانیکه کفت ای دختران اور شلم برای من کریه مکنید  
 ۲۹ بلکه بجهة خود و اولاد خود مام کنید \* زیرا اینک ایا میابد که در آنها  
 خواهند کفت خوش بحال نازادکان و رحمهایکه بار نیاورند و پستانهایکه شیر  
 ۳۰ ندادند \* و در آنکه بکوهها خواهند کفت که بر ما بینند و به تنها که مارا  
 ۳۱ پنهان کنید \* زیرا آکر اینکارها را بسیوب تر کردن بسیوب خشک چه خواهد  
 ۳۲ شد \* و دو نفر دیگر را که خطاکار بودند نیز آور دند تا ایشان را با او بکشند \*  
 ۳۳ و چون بوضی که آنرا کاسه سر میکویند رسیدند اورا در آنجا با آن دو خطاکار  
 ۳۴ یکی بر طرف راست و دیگری بر چپ او مصلوب کردند \* عیسی کفت ای پدر  
 اینهارا یا مرز زیرا که نمیدانند چه میکنند پس جامه های اورا نقسم کردن و قرعه  
 ۳۵ افکنند \* و کروهی بیشا ایستاده بودند و بزرگان نیز تمیزگران با ایشان میکنند

دیگرانرا نجات داد پس اکر او مسیح و برکت‌ده خدا می‌بایشد خود را برهاند \*  
 ۲۶ و سیاهیان نیز اورا اسنهزا، میکردند و آمن اورا سر که میدادند \* و میکنند اکر  
 ۲۷ تو پادشاه بهود هستی خود را نجات ده \* و برسر او نصیر مامه نوشتند بخط بونانی  
 ۲۸ و روی و عربانی که این است پادشاه بهود \* و یکی از آن دو خط‌آکار مصلوب  
 ۲۹ بروی کفر کفت که اکر تو مسیح هستی خود را و مارا برهان \* اما آن دیگری  
 ۳۰ جواب داده اورا نهیب کرد و گفت مکرتو از خدا نی ترسی چونکه تو نیز زیر  
 ۳۱ هین حکمی \* و اما ما به انصاف چونکه جزای اعمال خود را باقه امیر یکن این  
 ۳۲ شخص هیچکار بینجا نکرده است \* پس عیسی کفت اینجاوند مرا یاد آور هنکامیکه  
 ۳۳ بملکوت خود آئی \* عیسی بوی کفت هر آینه بتوی کوی امروز با من در فردوس  
 ۳۴ خواهی بود \* و تختیبا از ساعت ششم تا ساعت هم ظلت تمام روی زمین را فرو  
 ۳۵ کرفت \* و خورشید ناریلک کشت و پرده فدس از میان بشکافت \* و عیسی با آواز  
 ۳۶ بلند صدا زده کفت ای پدر بستهای نوروح خود را می‌سپار اینرا بگفت و جانرا  
 ۳۷ تسلیم نمود \* اما بوزیاشی چون این ماجرا را دید خدا را نجیبد کرده کفت در  
 ۳۸ حقیقت این مرد صالح بود \* و نهانی کروه که برای این نماشا جمع شده بودند چون  
 ۳۹ این وقایع را دیدند سینه زبان برکشند \* و جمیع آشناهان او از دور استاده بودند  
 ۴۰ با زنانیک از جلیل اورا متابعت کرده بودند تا این امور را به پینند \* و اینک  
 ۴۱ بوسف نای از اهل شوری که مرد نیکو صالح بود \* که در رای و عمل ایشان  
 ۴۲ مشارکت نداشت و از اهل رامه بلدى از بلاد بهود بود و انتظار ملکوت خدا را  
 ۴۳ میکشید \* نزدیک بیلاطس آمن جسد عیسی را طلب نمود \* پس آنرا پائین  
 ۴۴ آورده در کنار بیجیده و در فبری که هر سعک نرا شید بود و هیچکس ابدیا در آن  
 ۴۵ دفن نشده بود سپرد \* و آن روز نهیه بود و سیست نزدیک میشد \* وزنانیک در  
 ۴۶ عقب او از جلیل آمد بودند از بی او رفند و قبر و چکونگی کذاشته شدن  
 ۴۷ بدنه اورا دیدند \* پس برکشته حنوط و عطر بات مهیا ساختند و روز سبت را  
 ۴۸ بحسب حکم آرام کرفتند \*

باب پیست و چهارم

۱ پس در روز اول هفته هنکام سینه صح حنوطی را که درست کرده بودند با

- ۱ خود برداشته بسر قرآن مدد و بعضی دیگران همراه ایشان \* و سنک را از سرفبر  
 ۲ غلطانیت دیدند \* چون داخل شدند جسد خداوند عیسی را نیافتد \* و واقع  
 ۳ شد هنگامیکه ایشان از این امر تحقیر بودند که ناکاه دومرد در لباس درخشش  
 ۴ نزد ایشان بابستادند \* و چون نرسان شد سرهای خود را پسوی زمین افکنند  
 ۵ بودند باشان کفتند چرا زنده را از میان مردگان میطلیید \* در اینجا نیست بلکه  
 ۶ برخاسته است \* یاد آورید که چکونه و قبیله در جلیل بود شما را خبر داده \*  
 ۷ کفت ضرورستکه پسر ایشان بدست مردم کناهکار تسلیم شد مصلوب کردد  
 ۸ و روز سیم بر خیزد \* پس سخنان اورا بخطاطر آوردند \* وازر قبر برکنند آن  
 ۹ یازده و دیگرانرا از همه این امور مطلع ساختند \* و مریم مجده و بونا و مریم مادر  
 ۱۰ بعقوب و دیگر رفای ایشان بودند که رسولان را از این چیزها مطلع ساختند \* لیکن  
 ۱۱ سخنان زنان را هذیان پنداشته باور نکردند \* اما بطرس برخاسته دوان دوان  
 ۱۲ بسوی قبر رفت و خم شد کنفران تها کذاشته دید و از این ماجرا در عجب شد  
 ۱۳ بعثانه خود رفت \* واپیک در همان روز دو نفر از ایشان میرفتند بسوی فربه  
 ۱۴ که از اورشلم بمسافت صحت تپر پر زاب دور بود و عمواس نام داشت \* و با پیک  
 ۱۵ دیگر از نام اینو قاع کنکو میکردند \* و چون ایشان در مکالمه و مباحثه میبودند  
 ۱۶ ناکاه خود عیسی نزدیک شد با ایشان همراه شد \* ولی چشم ایشان بسته شد  
 ۱۷ نا اورا نشانستند \* او باشان کفت چه حرفها است که با یکدیگر میزند و راه را  
 ۱۸ بکدورت میهمائند \* بکی که کلیوپاس نام داشت در جواب وی کفت مکرتو در  
 اورشلم غریب و نهاد هستی و از آنچه در این آیام در اینجا واقع شد واقف نیستی \*  
 ۱۹ باشان کفت چه چیز است کفتندش درباره عیسی ناصری که مردی بود نبی  
 ۲۰ و قادر در فعل و قول در حضور خدا و نام قوم \* و چکونه رؤسای کهنه و حکام  
 ۲۱ ما اورا بنتوای قتل سپردند و اورا مصلوب ساختند \* اما ما امیدوار بودیم که  
 ۲۲ هیئت آنکه میباید اسرائیل را بنجات دهد و علاوه بر این هم امروز از وقوع این  
 ۲۳ امور روز سیم است \* و بعضی از زنان ما هم ما را بحیرت اند اختنند که بامدادان  
 ۲۴ نزد قبر رفند \* و جسد اورا نیافه آمدند و کفتند که فرشتگان را در روز با دیدم که  
 ۲۵ کفتند او زنک شد است \* و جمعی از رفای ما بسر قبر رفته آنچنانکه زنان کفته

۲۵ بودند یافته‌نده لیکن اوراندیدند\* او بایشان کفت ای پنهان وست دلان از  
 ۲۶ ایان آوردن باچه انبیاء کفته اند\* آیا نمیباشد که مسجی این زحافت را بیند تا  
 ۲۷ به جلال خود برسد\* پس از موسی و سائر انبیاء شروع کرده اخبار خود را  
 ۲۸ در تمام کتب برای ایشان شرح فرمود\* و چون بآن دهی که عازم آن بودند  
 ۲۹ رسیدند او قصد نمود که دورتر رود\* و ایشان الماح کرده کفته که با ما باش  
 چونکه شب نزدیک است و روز باگر رسید پس داخل کشته با ایشان توقف  
 ۳۰ نمود\* و چون با ایشان نشسته بود نازرا کرفته برکت داد و باره کرده بایشان داد\*  
 ۳۱ که ناکاه چشاشان باز شد اورا شناختند و در ساعت از ایشان غایب شد\*  
 ۳۲ پس با یکدیگر گفتند آیا دل در درون ما نیسوخت وقتیکه در راه با مانکلم  
 ۳۳ میخود و کتب را بجهة ما تفسیر میکرد\* و در آن ساعت برخاسته باورشم مراجعت  
 ۳۴ کردند و آن یازده را یافته که با رفقاء خود جمع شد\* میگفتند خداوند در  
 ۳۵ حقیقت برخاسته و بشمعون ظاهر شده است\* و آن دونفر نیز از سرگششت راه  
 ۳۶ و گفته شناختن او هنگام پاره کردن نان خبر دادند\* و ایشان در این گفتگو  
 میبودند که ناکاه عیسی خود در میان ایشان ایستاده بایشان کفت سلام بر شما باد\*  
 ۳۷ اما ایشان لرزان و ترسان شد کان بردند که روحی مبینند\* بایشان کفت چرا  
 ۳۸ مضطرب شدید و برای چه در دلهای شما شباهات روی میدهد\* دستها و پایهای را  
 ۳۹ ملاحظه کنید که من خود هست و دست بر من کذارده به بیند زیرا که روح  
 ۴۰ کوشت واستخوان ندارد چنانکه مینکرید که در من است\* اینرا کفت و دستها  
 ۴۱ و پایهای خود را بدیشان نشان داد\* و چون ایشان هنوز از خوشی تصدیق نکرده  
 ۴۲ در عجب مانع بودند بایشان کفت چیز خوراکی در انجا دارد\* پس قدری از  
 ۴۳ ماهی بربان و از شانه عسل بوی دادند\* پس آنرا کرفته پیش ایشان بخورد\*  
 ۴۴ و بایشان کفت هین است سخنای که وفی با شما بودم کتم ضرور بست که آنچه در  
 ۴۵ نوراء موسی و صحف انبیاء و زبور در باره من ممکن توب است بالجام رسد\* و در  
 ۴۶ آنوقت ذهن ایشان روش کرد نا کتب را بفهمند\* و بایشان کفت بر هین  
 منوال ممکن توب است و بدینطور سزاوار بود که مسجی رحمت کشد و روز زخم  
 ۴۷ از مردکان بر خیزد\* و از اورشم شروع کرده موعظه بتوه و آمرزش کاهان

۴۸ در همه امتهای بنا او کرده شود\* و شما شاهد برین امور هستید\* و اینک من  
 موعود پدر خود را برشما میفرستم پس شما در شهر اورشلیم بانید تا وقیبکه بقوت از  
 ۵۰ اعلی آرآسته شوید\* پس ایشانرا پرون از شهر تا بیت عَبِّیا برد و دستهای خود را  
 ۵۱ بلند کرده ایشان را برکت داد\* و چنین شد که در حین برکت دادن ایشان از  
 ۵۲ ایشان جدا کشته بسوی آسمان بالا برد شد\* پس اورا برستش کرده با خوشی عظیم  
 ۵۳ بسوی اورشلیم برکشتند\* و پیوسته در هیکل مانع خدا را حمد و سپاس میکشند.

امین

---

## انجیل یوحنا

### باب اول

۱ در ابتداء کلمه بود وکلمه خدا بود \* همان در ابتداء نزد  
۲ خدا بود \* هه چیز بواسطه او آفرینش شد و پیغام از چیزی از موجودات وجود  
۳ نیافت \* در او حیات بود و حیات نور انسان بود \* و نور در تاریکی میدرخشد  
۴ و تاریکی آنرا در نیافت \* شخصی از جانب خدا فرستاده شد که اسمش بمحی  
۵ بود \* او برای شهادت آمد تا بر نور شهادت دهد تا هه بوسیله او ایمان آورند \*  
۶ او آن نور نبود بلکه آمد تا بر نور شهادت دهد \* آن نورِ حقیقی بود که هر انسان را  
۷ منور می کرداند و در جهان آمدی بود \* او در جهان بود و جهان بواسطه او  
۸ آفرینش شد و جهان اورا نشاخت \* بنزد خاضان خود آمد و خاضانش اورا  
۹ نهایر فندند \* و امّا بان کسانیکه اورا قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا  
۱۰ کردند بعضی بهزکه باس او ایمان آورد \* که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه  
۱۱ از خواهش مردم بلکه از خدا تولد باقشند \* وکلمه جسم کردید و میان ما ساکن  
۱۲ شد پُر از فیض و راستی و جلالی اورا دیدم جلالی شایسته پسر بکانه پدر \* و بمحی  
۱۳ بر او شهادت داد و ندا کرده میکفت اینست آنکه در باره او کتم آنکه بعد از  
۱۴ من میآید بهن از من شک است زیرا که بر من مقدم بود \* واز پُری او جیع ما  
۱۵ بجهه یافتم و فیض جبعوض فیض \* زیرا شریعت بوسیله موسی عطا شد امّا فیض  
۱۶ و راستی بوسیله عبسی مسجع رسید \* خدارا هرگز کسی ندبک است پسر بکانه که در  
۱۷ آغوش پدر است همان اورا ظاهر کرد \* و این است شهادت بمحی در وقتیکه  
۱۸ پهودیان از اورشلیم کاهنان و لاویان را فرستادند تا ازاوسؤال کنند که تو کیستی \*  
۱۹ که معرف شد و انکار نمود بلکه اقرار کرد که من مسجع نیستم \* آنکه ازاوسؤال  
۲۰ که معرف شد و انکار نمود بلکه اقرار کرد که من مسجع نیستم \*

کردند پس چه آبا نو الایس هستی کفت نیستم آبا نو آن نی هستی جواب داد  
 ۲۲ کنی \* آنکاه بدو کفتند پس کپسی نا باآن کسانیکه مارا فرستادند جواب برم \*  
 ۲۳ در باره خود چه میگوینی \* کفت من صدای ندا کشته دریا بام که راه خداوندرا  
 ۲۴ راست کبید چنانکه اشیعیاء بیت کفت \* و فرستاد کان از فربیان بودند \*  
 ۲۵ پس ازا او سؤال کرده کفتند آکر تو مسیح والایس و آن نی نیستی پس برای چه  
 ۲۶ تعیید میدهی \* بجهی در جواب ایشان کفت من با آب تعیید میدهم و در میان شما  
 ۲۷ کنی ایستاده است که شما اورا نمیشناسید \* واو آنسنکه بعد از من میآید اما پیش  
 ۲۸ از من شد است که من لایق آن نیستم که بند نعلیش را باز کنم \* وابن در بیت  
 ۲۹ عبره که آن طرف از زن است در جائیکه بجهی تعیید میداد واقع کشت \* و در  
 فردای آن روز بجهی عیسی را دید که بجانب او میآید پس کفت اینک برة خدا که  
 ۳۰ کاه جهانرا بر میدارد \* این است آنکه من در باره او کتم که مردی بعد از من  
 ۳۱ میآید که پیش از من شد است زیرا که بر من مقلم بود \* و من اورا نشناختم لیکن  
 ۳۲ نا او با سرائيل ظاهر کردد برای هین من آمک با آب تعیید میدادم \* پس بجهی  
 شهادت داده کفت روح را دیدم که مثل کبوتری از آسمان نازل شد بر او فرار  
 ۳۳ کرفت \* و من اورا نشناختم لیکن او که مرا فرستاد نا با آب تعیید دم همان بن  
 کفت بر هر کس بینی که روح نازل شد بر او فرار کرفت هانست او که بروح  
 ۳۴ القدس تعیید میدهد \* و من دیگ شهادت میدم که اینست پسر خدا \*

۳۵ و در روز بعد نیز بجهی با دو نفر از شاکردان خود ایستاده بود \* ناکاه عبسی را  
 ۳۶ دید که راه میرود و کفت اینک برة خدا \* و چون آن دو شاکرد کلام اورا  
 ۳۷ شنیدند از بی عبسی روانه شدند \* پس عبسی روی کردانیه آن دو نفر را دید که  
 ۳۸ از عقب میایند \* بدیشان کفت \* چه میخواهید بدو کفتند رئی یعنی ای معلم در کجا  
 ۳۹ منزل مینانی \* بدیشان کفت یا پائید و به بینید آنکاه آمک دیدند که کجا منزل دارد  
 ۴۰ و آن روز را نزد او بماندند و فرب بساعت دم بود \* و بکی از آن دو که سخن  
 ۴۱ بجهی را شنید پیروی او نمودند اندر یاس برادر شیعون بطرس بود \* او اول برادر  
 ۴۲ خود شمعون را یافته با کفت مسیح را که ترجمه آن کریش است یافتمن و چون  
 ۴۳ او را نزد عبسی آورد عبسی بدو نگریسته کفت نو شمعون پسر یونا هستی و آکون

۴۳ کفنا خواند خواهی شد که ترجمه آن پطرس است \* بامدادان چون عیسی خواست بسوی جلیل روانه شود فیلیپس را یافته بدو کفت از عقب من یا \*  
 ۴۴ و فیلیپس از بیت صیدا از شهر اندریاس و پطرس بود \* فیلیپس نتائیل را یافته  
 بدو کفت آنکه را که موسی در توراه و انبیاء مذکور داشته اند یافته ام که عیسی  
 ۴۶ پسر یوسف ناصری است \* نتائیل بدو کفت مسکر میشود که از ناصره چیزی  
 ۴۷ خوب پیدا شود فیلیپس بدو کفت یا و بین \* و عیسی چون دید که نتائیل بسوی  
 ۴۸ او میآید درباره او کفت اینک اسرائیل حقیقی که در او مکری نیست \* نتائیل  
 بدو کفت مرا از کجا میشناسی \* عیسی در جواب وی کفت قبل از آنکه فیلیپس نرا  
 ۴۹ دعوت کرد در حینکه زیر درخت انجیر بودی نرا دیدم \* نتائیل در جواب او  
 ۵۰ کفت ای استاد تو پسر خدای \* تو پادشاه اسرائیل هست \* عیسی در جواب او  
 کفت آیا از اینک بتو کفت که نرا زیر درخت انجیر دیدم ایمان اوردی \* بعد از این  
 ۵۱ چیزهای بزرگتر از این خواهی دید \* پس بدو کفت آمین آمین بشما میکوم که از  
 کون آسمارا کشاده و فرشتکان خدارا که بر پسر انسان صعود و نزول میکنند  
 خواهد دید \*

## باب دوم

۱ و در روز سیم در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی در آنچا بود \* و عیسی  
 ۲ و شاکردانش را نیز بعروی دعوت کردند \* و چون شراب تمام شد مادر عیسی  
 ۴ بدو کفت شراب ندارند \* عیسی بوی کفت ای زن مرا با نوچه گلار است \*  
 ۵ ساعت من هنوز نرسید است \* مادرش بنوکران کفت هر چه بشما کوید بکنید \*  
 ۶ و در آنچا شش قدر سنگی بر حسب نظیر یهود نهاده بودند که هر یک کجایش  
 ۷ دو یا سه کیل داشت \* عیسی بدیشان کفت قدحهارا از آب بر کنید و آنها را  
 ۸ لبریز کردند \* پس بدیشان کفت آلان بر دارید و بنزد رئیس مجلس ببرید پس  
 ۹ بردنده \* و چون رئیس مجلس آن آبررا که شراب کردید بود بچشید و ندانست  
 که از کجا است لیکن نوکرانیکه آبرا کشید بودند میدانستند رئیس مجلس داماد را  
 ۱۰ مخاطب ساخته بدو کفت \* هر کسی شراب خوبرا اول میاورد و چون مست  
 ۱۱ شدند بدتر از آن لیکن تو شراب خوبرا نا حال نکاه داشتی \* و این ابتدای

مجزای است که از عیسی در قانای جبل صادر کشت و جلال خود را ظاهر کرد  
 ۱۲ و شاکر داش باو ایمان آوردند\* و بعد از آن او با مادر و برادران و شاکر دان  
 ۱۳ خود پکفنا حوم آمد و در آنجا ایامی کم ماندند\* چون بعد فصح بهود  
 ۱۴ نزدیک بود عیسی باور شلم رفت\* و در هیکل فروشنده کان کاو و کوسفند و کبوتر  
 ۱۵ و صرافانرا نشسته یافت\* پس نازیانه از رسماں ساخته هم را از هیکل پرون  
 نمود هم کوستن دان و کاوانرا و نقد صرافانرا ریخت و غنهای ایشانرا واژگون ساخت\*  
 ۱۶ و به کبوتر فروشان کفت ایهارا از اینجا پرون برید و خانه پدر مرا خانه تجارت  
 ۱۷ مسازید\* آنکاه شاکر دان اورا یاد آمد که مکنوبست غیرت خانه تو مرل خورده  
 ۱۸ است\* پس یهودیان روی باو آورده کفتند با چه علامتی نمای که اینکارها را  
 ۱۹ میکنی\* عیسی در جواب ایشان کفت این قدس را خراب کنید که پرسه روز  
 ۲۰ آنرا بریا خواهم نمود\* آنکاه یهودیان کفتند در عرصه چهل و شش سال این  
 ۲۱ قدس را بنا نموده اند آیا تو در سه روز آنرا بریا میکنی\* لیکن او در باره قدس  
 ۲۲ جسد خود سخن میکفت\* پس وقتیکه از مرد کان برخاست شاکر داش را بخاطر  
 آمد که اینرا بدیشان کنن بود آنکاه بکاب و بکلای که عیسی کنن بود ایمان  
 ۲۳ آوردند\* و هنکاری که در عید فصح در اورشلم بود بسیاری چون مجذب اینرا که از  
 ۲۴ او صادر میکشت دیدند باس او ایمان آوردند\* لیکن عیسی خوشنون را بدیشان  
 ۲۵ مُؤْتَمِن نساخت زیرا که او هم را میشناخت\* و از آنجا که احیاج مداشت که کسی  
 در باره انسان شهادت دهد زیرا خود آنچه در انسان بود میدانست\*

### باب سیم

۱ و شخصی از فربیان نیقودیوس نام از رؤسای یهود بود\* او در شب نزد عیسی  
 آمک بوی کفت ای استاد میدانم که تو معلم هست که از جانب خدا آمنه زیرا هیچ  
 ۲ کس نمیتواند مجذب اینرا که تو مینهانی بناشد جز اینکه خدا با وی باشد\* عیسی در  
 جواب او کفت این آمین بنو میکوم اکر کسی از سرِ نو مولود نشود ملکوت  
 ۴ خدارا نمیتواند دید\* نیقودیوس بدو کفت چگونه میکست که انسانی که پیر شده  
 باشد مولود کردد آیا میشود که بار دیگر داخل شکم مادر کشته موبود شود\*

- ۵ عیسی در جواب کفت آین آمین بتو میکوم اگر کسی از آب و روح مولود نکردد  
 ۶ ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود\* آنچه از جسم مولود شد جسم است  
 ۷ و آنچه از روح مولود کشت روح است\* عجب مدار که بتو کتم باشد شما از سرِ نو  
 ۸ مولود کردید\* باد هر جا که میخواهد میوزد و صدای آنرا میشنوی لیکن نمیدانی  
 ۹ از کجا میآید و بکجا میرود همچین است هر که از روح مولود تردد\* نیقدیوس  
 ۱۰ در جواب وی کفت چکونه ممکن است که چنین شود\* عیسی در جواب وی  
 ۱۱ کفت آیا تو معلم اسرائیل هستی و اینرا نمیدانی\* آمین آمین بتو میکوم آنچه میدانیم  
 ۱۲ میکوئم و مانچه دین ام شهادت می دهم و شهادت مارا قبول نیکنید\* چون  
 شهارا از امور زمینی سخن کتم باور نتردید پس هر کاه به امور آسمانی با شما سخن رام  
 ۱۳ چکونه تصدیق خواهید شد\* و کسی باسان بالا نرفت مگر آنکس که از آسمان  
 ۱۴ پائین آمد بعضی پسر انسان که در آسمانست\* و همچنانکه موسی مار را در پیابان بلند  
 ۱۵ نمود همچین پسر انسان نیز باید بلند کشده شود\* تا هر که با ایمان آرد هلاک  
 ۱۶ نکردد بلکه حیات جاودانی باید\* زیرا خدا جهانرا اینقدر محبت نمود که پسر  
 بکانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نکردد بلکه حیات جاودانی باید\*  
 ۱۷ زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند بلکه تا بوسیله او  
 ۱۸ جهان نجات باید\* آنکه با او ایمان آرد بر او حکم نشود اما هر که ایمان نداورد آن  
 ۱۹ بر او حکم شد است بجهة آنکه باس پسر بکانه خدا ایمان نداورده\* و حکم این  
 است که نور در جهان آمد و مردم ظلست را بیشتر از نور دوست داشتند از آنجا  
 ۲۰ که اعمال ایشان بد است\* زیرا هر که عمل بد میکند روشنی را دشمن دارد و پیش  
 ۲۱ روشنی نمیآید مبادا اعمال او تو بیخ شود\* ولیکن کسیکه بر اسقی عمل میکند پیش  
 روشنی میآید تا آنکه اعمال او هویتا کردد که در خدا کرده شد است\*
- ۲۲ و بعد از آن عیسی با شاکر دان خود بزمی یهودیه آمد و با ایشان در آنجا پسر  
 ۲۳ بردہ تعیید میداد\* و بجهی نیز در عینون نزدیک سالم تعیید میداد زیرا که در آنجا  
 ۲۴ آب بسیار بود و مردم میآمدند و تعیید میکرفتند\* چونکه بجهی هنوز در زندان  
 ۲۵ حبس نشل بود\* آنکاه در خصوص تطهیر در میان شاکر دان بجهی و یهودیان  
 ۲۶ مباحثه شد\* پس بنزد بجهی آمک باو کفتند ای اسناد آن شخصیکه با تو در آنطرف

اُزدَّ بود و تو برای او شهادت دادی آکنون او تعبد میدهد و هه نزد او  
 ۲۷ میابند\* بجهی در جواب کفت هیچکس چیزی نمیتواند یافت مگر آنکه از آسمان  
 ۲۸ بدو داده شود\* شما خود بر من شاهد هستید که کفتم من مسیح نیستم بلکه پیش روی  
 ۲۹ او فرستاده شدم\* کسی که عروس دارد داماد است اما دوست داماد که ایستاده  
 آواز اورا میشنود از آواز داماد بسیار خوشنوش میگردد پس این خوشی من کامل  
 ۳۰ کردید\* میابد که او افزوده شود و من ناقص کردم\* او که از بالا میابد بالای  
 هه است و آنکه از زمین است زمینی است و از زمین نکلم میکند اما او که از  
 ۳۲ اسمان میابد بالای هه است\* و آنچه را دید و شنید آن شهادت میدهد هیچکس  
 ۳۳ شهادت اورا قبول نمیکند\* و کسی که شهادت اورا قبول کرد مهر کرده است بر  
 ۳۴ اینکه خدا راست است\* زیرا آنکسی را که خدا فرستاد بکلام خدا نکلم میباشد  
 ۳۵ چونکه خدا روح را پیزان عطا نمیکند\* پدر پسر را محبت مینماید و هه چیز را  
 ۳۶ بدست او سپرده است\* آنکه به پسر ایمان آورده باشد حیات جاودانی دارد  
 و آنکه به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید بلکه غضب خدا بر او میناند\*

#### باب چهارم

- ۱ و چون خداوند دانست که فریسان مطلع شد اند که عیسی بیشتر از بجهی
- ۲ شاکرد پدا کرده تعبد میدهد\* با اینکه خود عیسی تعبد نمیداد بلکه شاکرداش\*
- ۳ یهودیه را لکارده باز بجانب جلیل رفت\* ولازم بود که از سامون عبور کد\*
- ۴ پس شهری از سامون که سوخار نام داشت نزدیک آن موضعیکه بعقوب به پسر
- ۵ خود یوسف داده بود رسید\* و در آنجا چاه بعقوب بود پس عیسی از سفر
- ۶ خسته شد هیچهن بر سر چاه نشسته بود و قریب ساعت ششم بود\* که زنی سامری
- ۷ بجهة آب کشیدن آمده عیسی بدو کفت جرعة آب پن بنوشان\* زیرا شاکرداش
- ۸ بجهه خربدن خواراک بشهر رفته بودند\* زن سامری بدو کفت چکونه تو که بهود
- ۹ هستی از من آب میخواهی و حال آنکه زن سامری میباشد زیرا که بهود با سامرانی
- ۱۰ معاشرت ندارند\* عیسی در جواب او کفت اگر بخشنش خدارا میدانستی و یکست
- که بنو میکوید آب چن بخواه تو ازا خواهش میگردی و بنو آب زنده عطا

- ۱۱ میکرد\* زن بدو کفت ای آقا دلو نداری و چاه عین است پس از کجا آب زد  
 ۱۲ داری\* آیا نواز پدر ما بعفو بزرگتر هستی که چاهرا با داد و خود و پسران  
 ۱۳ و مواثی او از آن می‌اشایدند\* عیسی در جواب او کفت هر که از این آب بنوشد  
 ۱۴ باز نشنه کردد\* لیکن کسبکه از آبی که من باو میدهم بنوشد ابدآ نشه خواهد شد  
 بلکه آن آبی که باو میدهم در او چشمۀ آبی کردد که نا حیات جاودانی می‌جوشد\*
- ۱۵ زن بدو کفت ای آقا آن ابرا هن به نا دیگر نشنه نکرم و با یخا بجهه آب  
 ۱۶ گشیدن نیام\* عیسی باو کفت برو و شوهر خود را بخوان و در ایخا بیا\*
- ۱۷ زن در جواب کفت شوهر ندارم و عیسی بدو کفت نیکو کفی که شوهر نداری\*
- ۱۸ زیرا که پنج شوهر داشتی و آنکه آلان داری شوهر تو نیسته این سخنرا راست  
 ۱۹ کفی\* زن بدو کفت ای آقا می‌بینم که نونی هستی\* پدران ما در این کوه  
 پرستش می‌کردند و شما می‌کوئید که در اورشلم جائی است که در آن عبادت باید  
 ۲۰ نمود\* عیسی بدو کفت ای زن مرا تصدقی کن که ساعتی می‌باید که نه در این کوه  
 ۲۱ و نه در اورشلم پدر را پرستش خواهید کرد\* شما اینجا را که نیدانید می‌پرسید اما  
 ۲۲ ما آنچه را که میدانیم عبادت می‌کنیم زیرا نجات از بیود است\* لیکن ساعتی می‌باید  
 بلکه آلان است که در آن پرستند کان حبیق پدر را بروح و راستی پرستش خواهند  
 ۲۴ کرد زیرا که پدر مثل این پرستند کان خود را طالب است\* خدا روح است  
 ۲۵ و هر که اورا پرستش کند می‌باید بروح و راستی پرسند\* زن بدو کفت میدانم که  
 مسجیع یعنی گرستن می‌باید پس هنکامیکه او آبد از هر چیز با خبر خواهد داد\*
- ۲۶ عیسی بدو کفت منکه با تو سخن می‌کویم همان\* و در هان وقت شاکرداش آمد  
 ۲۷ نجفی کردن که با زنی سخن می‌کوید ولکن هیچ کس نکفت که چه می‌طلبی یا برای  
 ۲۸ چه با او حرف می‌زنی\* آنکاه زن سبوی خود را کنارده شهر رفت و مردم را  
 ۲۹ کفت\* پیائید و کسی را به بینید که هر آنچه کرده بودم هن کفت آیا این مسج  
 ۳۰ نیست\* پس از شهر پرون شده نزد او می‌آمدند\* و در اشاه آن شاکرداش او  
 ۳۱ خواهش نموده کفتند ای اسناد بخور\* بدشان کفت من غذای دارم که بخورم  
 ۳۲ و شما آنرا نیدانید\* شاکرداش پیکدیکر کفتند مکرکنی برای او خوار آکی آورد  
 ۳۴ باشد\* عیسی بدشان کفت خوراک من آستنکه خواهش فرستن خود را بعل

۲۵ آورم وکار اورا با نجام رسانم \* آیا شما نیکوئید که چهار ماه دیگر موسم درو است  
 اینک بشما میکوم چشمان خودرا بالا افکید و مزرعه هارا به بیند زیرا که آلان مجده  
 ۲۶ درو سند شد است \* درو کر اجرت میگرد و غری مجده حیات جاودانی جمع  
 ۲۷ میکند تا کارنک درو کنک هر دو با هم خوشنود کردنده \* زیرا اینکلام در اینجا  
 ۲۸ راست است که بکی میکارد و دیگری درو میکند \* من شمارا فرستادم تا چجزی را  
 که در آن رخ نبرده اید درو کبد دیگران محنت کشیدند و شما در محنت ایشان  
 ۲۹ داخل شد اید \* پس در آن شهر بسیاری از سامریان بواسطه سخن آن زن که  
 ۳۰ شهادت داد که هر آنچه کرده بودم چون باز کفت بدو ایمان آوردند \* و چون  
 سامریان نزد او آمدند از او خواهش کردند که نزد ایشان هاند و دو روز در آنجا  
 ۳۱ هاند \* و بسیاری دیگر بواسطه کلام او ایمان آوردند \* و بین کشند که بعد از  
 این بواسطه سخن تو ایمان غایب اورم زیرا خود شنید و دانسته ام که او در حفیقت مسج  
 ۳۲ و نجات دهنده عالم است \* اما بعد از دو روز از آنجا بیرون آمده بسوی جلیل  
 ۳۳ روانه شد \* زیرا خود عیسی شهادت داد که هیچ نبی را در وطن خود حرمت  
 ۳۴ نیست \* پس چون جلیل آمد جلیلیان اورا پذیرفتند زیرا هر چه در اورشلم در  
 ۳۵ عبد کرده بود دیدند چونکه ایشان نیز در عید رفته بودند \* پس عیسی بفاتای  
 جلیل آنچنانکه آبرا شراب ساخته بود باز آمد و بکی از سرهنگان ملک بود که پسر  
 ۳۶ او در کفرناحوم مریض بود \* و چون شنید که هیسی از یهودیه بجلیل آمده است  
 نزد او آمده خواهش کرد که فرود باید و پسر اورا شفا دهد زیرا که شرف بوت  
 ۳۷ بود \* عیسی بدو کفت اکر آیات و معجزات نهند هانا ایمان نیاورید \* سرهنگ  
 ۳۸ بد و کفت ای آقا قبیل از آنکه پسرم پیرد فرود بایا \* عیسی بدو کفت برو که  
 ۳۹ پسرت زن است آشخاص بعنیک عیسی بدو کفت ایمان آورده روانه شد \* و در  
 ۴۰ وقاییک او میرفت غلاماش اورا استقبال نموده مؤذه دادند و کشند که پسر تو زن  
 ۴۱ است \* پس از ایشان پرسید که در چه ساعت عافیت یافت \* کشند دیروز در  
 ۴۲ ساعت هشت تا از او زایل کشت \* آنکاه پدر فهمید که در همان ساعت عیسی  
 ۴۳ کشته بود پسر تو زن است پس او و فاعل اهل خانه او ایمان آوردند \* و این نیز  
 ۴۴ مجده دوم بود که از عیسی در وقتیکه از یهودیه بجلیل آمد بظهور رسید \*

## باب پنجم

۱ و بعد از آن یهودرا عبدی بود و عیسی باورشلم آمد\* و در اورشلم نزد باب  
 ۲ الصان حوضی است که ازرا بعیرانی بیت حسدا میکویند که بخ رواق دارد\* و در  
 ۳ آنجا جمعی کثیر از مریضان و کوران و لنگان و شلان خواپیک متظر حرکت آب  
 ۴ میبودند\* و در آنجا مردی بود که سی و هشت سال برضی مبتلا بود\* چون  
 ۵ عیسی اورا خواپی دید و دانست که مرض او طول کشیده است بد و گفت آیا  
 ۶ مخواهی شفا یابی\* مريض اورا جواب داد که ای آفا کسی ندارم که چون آب  
 ۷ بحرکت آبد مرا در حوض بینازد بلکه نا وقیکه میام دیگری پیش از من فرو رفته  
 ۸ است\* عیسی بد و گفت برخیز و بستر خودرا بر داشته روانه شو\* که در حال  
 ۹ آن مرد شفا یافت و بستر خودرا بر داشته روانه کردید و آن روز سبت بود\*  
 ۱۰ پس یهودیان پانکسیک شفا یافته بود گفتند روز سبت است و بر تو روا نیست که  
 ۱۱ بستر خودرا برداری\* او در جواب ایشان گفت آنکسیکه مرا شفا داد همان بن  
 ۱۲ کفت بستر خودرا بردار و ببرو\* پس ازاو پرسیدند کیست آنکه بتو گفت بستر  
 ۱۳ خودرا بردار و ببرو\* لیکن آن شفا یافته نی دانست که بود زیرا که عیسی نا پدید  
 ۱۴ شد چون در آنجا ازدهای بود\* و بعد از آن عیسی اورا در هیکل یافته بد و  
 ۱۵ کفت آکنون شنا یافته دیگر خطأ مکن نا برای تو بدلتر نکردد\* آندر رفت  
 ۱۶ و یهودیان را خبر داد که آنکه مرا شفا داد عیسی است\* واز این سبب یهودیان  
 ۱۷ بر عیسی تهدی میکردند زیرا که این کار را در روز سبت کرده بود\* عیسی در  
 ۱۸ جواب ایشان گفت که پدر من نا کنون کار میکند و من نیز کار میکم\* پس از این  
 ۱۹ سبب یهودیان بیشتر قصد قتل او کردند زیرا که نه تنها سبت را میشکست بلکه  
 ۲۰ خدارا نیز پدر خود را کننده خود را مساوی خدا میساخت\* آنکاه عیسی در جواب  
 ۲۱ ایشان گفت آمین آمین بشما میکوم که پسر از خود هیچ نیتواند کرد مگر آنچه بیند  
 ۲۲ که پدر بعل آرد زیرا که آنچه او میکند همچین پسر نیز میکند\* زیرا که پدر پسر را  
 ۲۳ دوست میدارد و هر آنچه خود میکند بد و میناید و اعمال بزرگتر از این بد و نشان  
 ۲۴ خواهد داد ناشا تعجب نماید\* زیرا هچنانکه پدر مرد کانرا بر عیزاند وزن میکند

۱۱ هچین پسر نبز هر کرا میخواهد زنگ مینکند \* زیرا که پدر بر هیچکس داوری نمیکند  
 ۱۲ بلکه تمام داور برا به پسر سپرده است \* تا آنکه هه پسر را حرمت بدارند همچنانکه  
 پدر را حرمت بدارند و کسی که به پسر حرمت نمکند به پدریکه اورا فرستاد احترام  
 ۱۳ نکرده است \* آمین آمین بشما میکوم هر که کلام مرا بشنود و بفرستند من ایمان  
 آورد حیات جاودانی دارد و در داوری نماید بلکه از موت تا بجهات مستقل کشته  
 ۱۴ است \* آمین آمین بشما میکوم که ساعتی میابد بلکه آکون است که مردکان آواز  
 ۱۵ پسر خدارا میشنوند و هر که بشنود زنگ کردد \* زیرا همچنانکه پدر در خود حیات  
 ۱۶ دارد هچین پسر را نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد \* و بدرو  
 ۱۷ قدرت بخشید است که داوری هم بکند زیرا که پسر انسان است \* وا زین تعجب  
 مکید زیرا ساعتی میابد که در آن جمیع کسانیکه در قبور میباشند آواز اورا خواهند  
 ۱۸ شنید \* و بیرون خواهند آمد هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات و هر که  
 ۱۹ اعمال بد کرد بجهة قیامت داوری \* من از خود هیچ غمتوانم کرد بلکه چنانکه  
 شنید ام داوری میکنم و داوری من عادل است زیرا که اراده خود را طالب نیستم  
 ۲۰ بلکه اراده پدریکه قیامت دارد است \* آگر من بر خود شهادت دم شهادت  
 ۲۱ من راست نیست \* دیگری هست که بر من شهادت میدهد و مبدانم که شهادتی  
 ۲۲ که او بر من میدهد راست است \* شانت زد بجهی فرستادید واو بر این شهادت  
 ۲۳ داد \* اما من شهادت انسان را قبول نمیکنم ولیکن این سخنرا میکوم نا شما نجات  
 ۲۴ باید \* او چراغ افروخته و در خشنا بود و شما خواهید که ساعتی بنور او شادی  
 ۲۵ کنید \* و اما من شهادت بزرگتر از بجهی دارم زیرا آن کارهایکه پدر بن عطا کرد  
 نا کامل کنم بعنى این کارهایکه من میکنم بر من شهادت میدهد که پدر من فرستاده  
 ۲۶ است \* و خود پدر که مرا فرستاد من شهادت داده است که هر کثر آواز اورا  
 ۲۷ نشیند و صورت اورا ندین اید \* و کلام اورا در خود ثابت ندارید زیرا کسی را  
 ۲۸ که پدر فرستاد شما بدو ایمان نباور دید \* کتبه را تنبیش کنید زیرا شما کان میبیرید  
 ۲۹ که در آنها حیات جاودانی دارید و آنها است که پمن شهادت میدهد \* و غیره  
 ۳۰ مزد من آنید تا حیات باید \* جلالا از مردم نمیذیرم \* ولکن شیارا میشناسم که  
 ۳۱ در نفس خود محبت خدارا ندارید \* من با اسم پدر خود آمده ام و مرا قبول نمیکند

۴۳ ولی هر کاه دیگری باش خود آید اورا قبول خواهید کرد \* شما چکونه میتوانید  
ایمان آرید و حال آنکه جلال از بکدیگر میطلبید و جلال را که از خدای واحد  
۴۴ است طالب نیستید \* کان میرید که من نزد پدر بر شما ادعاه خواهم کرد کسی  
۴۵ هست که مدعی شما میباشد و آن موسی است که بر او امیدوار هستید \* زیرا اکر  
موسی را تصدقیق میکردید مرآ نیز تصدقیق میکردید چونکه او در باره من نوشته  
۴۶ است \* اما چون نوشته های اورا تصدقیق نمیکنید پس چکونه سخنهای مرآ قبول  
خواهید کرد \*

## باب ششم

- ۱ و بعد از آن عیسی با نظر ف دریای جلیل بکه دریای طبریه باشد رفت \*
- ۲ و جمعی کثیر از عقب او آمدند زیرا آن میغزانیرا که بمریضان مینمود میدیدند \*
- ۳ آنکه عیسی بکوهی برآمده با شاکردن خود در آنجا بشنست \* و فصح که عدد  
۴ بهود باشد نزدیک بود \* پس عیسی چشان خودرا بالا انداده دید که جمی  
۵ کنید بطرف او میآیند بفیلیس کفت از بکا نان بخزم تا اینها بخورند \* و اینرا از روی  
۶ اخغان باو کفت زیرا خود میدانست چه باید کرد \* فیلیس اورا جواب داد که  
۷ دوست دینار نان اینهارا گرفت نکند تا هر یک اندکی بخورند \* یکی از  
۸ شاکردانش که اندریاس برادر شمعون بطرس باشد ویرا کفت \* در اینجا پسری  
۹ است که بیخ نان جو دوماهی دارد و لیکن این از برازی این کروه چه میشود \*
- ۱۰ عیسی کفت مردم را بشناید و در آنکان کیا به سیار بود و آن کروه فربت به بیخ  
۱۱ هزار مرد بودند که نشستند \* عیسی نانها را گرفته و شکر نموده بشاکردن داد  
و شاکردن به نشستکان دادند و همچنین از دو ماهی نیز بقدرت یکه خواستند \*
- ۱۲ چون سیر کشتند به شاکردن خود کفت پاره های باقی مانده را جمع کنید تا  
۱۳ چیزی ضایع نشود \* پس جمع کردند و از پاره های بیخ نان جو که از خورند کان  
۱۴ زیاده آمده بود دوازده سبد پر کردند \* و چون مردمان این میخ را که از عیسی  
صادره شد بود دیدند کفتند که این البته همان نبی است که باید در جهان بیاخد \*
- ۱۵ و اما عیسی چون دانست که میخواهند بیاخد و اورا بزور برده پادشاه سازند  
۱۶ باز تنها بکوه برآمد \* و چون شام شد شاکردانش بجانب دریا پایین رفتند \*

- ۱۷ و بکشی سوار شد با نظر در ریا بکفرناحوم روانه شدند و چون تاریک شد عیسی هنوز نزد ایشان نیامد بود \* و در ریا بواسطه وزیدن باد شدید بخلاف آمد \*
- ۱۸ پس وقتیکه قریب به پیست و پنج یا سی تیر بر ناب راند بودند عیسی را دیدند که بر روی در ریا خرامان شد نزدیک کشی میاید پس ترسیدند \* او بدیشان کفت
- ۱۹ من هستم مترسید \* و چون میخواستند اورا در کشی یاورند در ساعت کشی ۲۰ با زمینیکه عازم آن بودند رسید \* بامدادان کروهیکه با نظر در ریا ایستاده بودند دیدند که هیچ زور قی نبود غیر از آن که شاکر دان او داخل ان شد بودند و عیسی با شاکر دان خود داخل آن زور نشد بلکه شاکر داش تها ۲۱ رفه بودند \* لیکن زور قهای دیگر از طبریه آمد نزدیک بالتجاییه ناز خورد ۲۲ بودند بعد از آنکه خداوند شکر کننده بود \* پس چون آن کروه بدبند که عیسی و شاکر داش در آنجا نیستند ایشان نیز بکششها سوار شد در طلب عیسی بکفرناحوم ۲۳ آمدند \* و چون اورا در آن نظر در ریا یافتد بدو کفتند ای استاد کی باینها آمدی \*
- ۲۴ عیسی در جواب ایشان حکفت آمین آمین بشما میکویم که مرا میطلیبد نه بسب ۲۵ معجزاتی که دیدید بلکه بسب آن نان که خوردید و سیر شدید \* کار بکنید نه برای خوراک فانی بلکه برای خوراکی که ناجات جاودانی باقیست که پسر انسان آنرا ۲۶ بشما عطا خواهد کرد زیرا خدای پدر بر او مهر زده است \* بدو کفتند چه کنم نا ۲۷ اعمال خدارا بجا آورده باشم \* عیسی در جواب ایشان کفت عمل خدا این ۲۸ است که با نکسیکه او فرستاد ایمان یاورید \* بدو کفتند چه معجزه میفانی نا آنرا ۲۹ دید بتو ایمان آورم \* چه کار میکنی \* پدران ما در بیابان من را خوردند چنانکه ۳۰ مکتوسست که از ایمان بدیشان نان عطا کرد تا بخورند \* عیسی بدیشان کفت آمین آمین بشما میکویم که موسی نازرا از آسمان بشما مداد بلکه پدر من نان حقیقی را ۳۱ از آسمان بشما میدهد \* زیرا که نان خدا آنستکه از آسمان نازل شد بجهان حبات ۳۲ میخشد \* آنکه بدو کفتند این خداوند این نازرا پهلوسته بآبن \* عیسی بدیشان ۳۳ کفت من نان حبات هستم \* کسیکه نزد من آید هر کر کرسته نشود و هر که بن ایمان آرد هر کر کر شنه نگردد \* لیکن بشما کتفم که مرا هم دیدید و ایمان نیاوردید \*
- ۳۴ هر آنچه پدر بمن عطا کند بجانب من آید و هر که بجانب من آید اورا بپرون نخواهم

۳۸ نود \* زیرا از آسان نزول کرد نه تا به اراده خود عمل کم بلکه به اراده  
 ۳۹ فرستنده خود \* واراده پدری که مرا فرستاد این است که از آنچه هن عطا کرد  
 ۴۰ چیزی تلف نکنم بلکه در روز بازیین آنرا برخیزاند \* واراده فرستنده من اینست  
 که هر که پسر را دید و بدو ایمان آورد حیات جاودانی داشته باشد و من در روز  
 ۴۱ بازیین او را خواهم برخیزاند \* پس بهودیان در باره او همه کردند زیرا  
 ۴۲ کننده بود من هستم آن نانی که از آسمان نازل شد \* و گفتند آیا این عیسی پسر  
 ۴۳ یوسف نیست که ما پدر و مادر او را می شناسیم پس چنکونه میکوید که از آسمان  
 ۴۴ نازل شدم \* عیسی در جواب ایشان گفت با یکدیگر همه مکنید \* کسی نمیتواند  
 ۴۵ نزد من آبد مکر آنکه پدری که مرا فرستاد او را جذب کد و من در روز بازیین  
 ۴۶ او را خواهم برخیزاند \* در اینجا مکتوب است که هد از خدا تعلم خواهد  
 ۴۷ یافت پس هر که از پدر شنید و تعلم یافت نزد من میاید \* نه اینکه کسی پدر را  
 ۴۸ بشنا میکویم هر که هن ایمان آرد حیات جاودانی دارد \* من نان حیات هستم \*  
 ۴۹ پدران شما در بیان من را خوردن و مردنده \* این نانی است که از ایمان نازل  
 ۵۰ شد تا هر که از آن بخورد نمیرد \* من هستم آن نان زنک که از آسمان نازل شده اکر  
 ۵۱ کن از این مان بخورد تا بآبد زنک خواهد ماند و نایکه من عطا میکنم جسم منست  
 ۵۲ که آنرا بجهة حیات جهان میخشم \* پس بهودیان با یکدیگر خاصه کردند  
 ۵۳ میکنند چنکونه این شخص میتواند جسد خود را پا دهد تا بخورم \* عیسی بدیشان  
 ۵۴ گفت آمین آمین بشنا میکویم اکر جسد پسر انسان را خورید و خون او را نوشید در  
 ۵۵ خود حیات ندارید \* و هر که جسد مرا خورد و خون مرا نوشید حیات جاودانی  
 ۵۶ دارد و من در روز آخر او را خواهم برخیزاند \* زیرا که جسد من خوردن حقیقی  
 ۵۷ و خون من آشامیدنی حقیقی است \* پس هر که جسد مرا بخورد و خون مرا مینوشد  
 ۵۸ در من میاند و من در او \* چنانکه پدر زنک مرا فرستاد و من به پدر زنک هستم  
 ۵۹ همچوین کسی که مرا بخورد او نیز بن زنک می شود \* اینست نایکه از آسان نازل  
 شد نه همچنانکه پدران شما من را خوردن و مردنده بلکه هر که این نان را بخورد نا  
 ۶۰ بآبد زنک ماند \* این سخنرا وقتیکه در کفرناحوم تعلم میداد در کیسه کنست \*

۶ آنکاه بسیاری از شاکردان او چون اپنرا شنیدند کفتند این کلام هست است که  
 ۷ نیتواند آنرا بشنود \* چون عیسی در خود دانست که شاکرداش در این امر  
 ۸ همه میکنند بدیشان کفت آبا این شمارا لفظش میدهد \* پس اگر پسر انسان را  
 ۹ بینید که بجاییکه اول بود صعود میکند چه \* روح است که زنگ میکند و اما از  
 ۱۰ جسد غایب نیست \* کلامبرایکه من بشنا میکوم روح و حیات است \* ولیکن  
 ۱۱ بعضی از شما هستند که این نیاورند زیرا که عیسی از ایندهام میدانست که اند که  
 ۱۲ ایمان نیاورند و یکست که اورا نسلم خواهد کرد \* پس کفت از این سبب بشنا  
 ۱۳ کفتم که کسی نزد من نمیتواند آمد مکر آنکه پدر من آنرا بدو عطا کند \* در  
 ۱۴ همانوقت بسیاری از شاکردان او برگشته دیگر با او همراهی نکردند \* آنکاه عیسی  
 ۱۵ آن دوازده کفت آیا شما نیز میتوانید بروید \* شمعون پطرس باو جواب داد  
 ۱۶ خداوندا نزد که بروم \* کلات حیات جاودانی نزد تو است \* وما ایمان آورده  
 ۱۷ و شناخه ام که تو مسیح پرس خدای حقیقی هستی \* عیسی بدیشان جواب داد آیا من  
 ۱۸ شما دوازده را بر نگزیریم و حال آنکه بکن از شما الیسی است \* و اینرا در باره  
 ۱۹ بیودا پسر شمعون اختر بوطی کفت زیرا او بود که میباشد تسلیم کشته وی بشود  
 ۲۰ و یکی از آن دوازده بود \*

## باب هفتم

- ۱ و بعد از آن عیسی در جلیل میکشت زیرا نیخواست در بیودیه راه رود چونکه
- ۲ بیودیان قصد قتل او میداشند \* و بعد بیود که عید خمیمه ها باشد ترذیک بود \*
- ۳ پس برادرانش بدو کفتند از اینجا روانه شد به بیودیه برو تا شاکرداشت نیز آن
- ۴ اعمالبرایکه تو میکن به بینند \* زیرا هر که میلواده آشکار شود در بیانی یکار
- ۵ غیکند پس اگر اینکارها را میکنی خود را بجهان بخا \* زیرا که برادرانش نیز باو
- ۶ ایمان نیاورده بودند \* آنکاه عیسی بدیشان کفت وقت من هنوز نرسید اما وقت
- ۷ شما هیشه حاضر است \* جهان نمیتواند شما را دشمن دارد ولیکن مرا دشمن
- ۸ میدارد زیرا که من بر آن شهادت میدم که اعمالش بد است \* شما برای این
- ۹ عید بروید من حال بین عید نیام زیرا که وقت من هنوز تمام نشده است \* چون
- ۱۰ اینرا بدیشان کفت در جلیل توفیر نمود \* لیکن چون برادرانش برای

- ۱۱ عد رفه بودند او نیز آمد نه آشکار بلکه در خفا \* اما بیهودیان در عید اورا  
 ۱۲ جسخون نوده میگفتند که او بکجا است \* و در میان مردم در باره او همه بسیار  
 بوده بعضی میگفتند که مردی نیکو است و دیگران میگفتند نی بلکه کمراه کننده  
 ۱۳ قوم است \* ولیکن بسبب ترس از بیهود همچو کس در باره او ظاهرا حرف نمیزد \*
- ۱۴ و چون نصف عید کذشته بود عیسی بهیکل آمک تعلم میداد \* و بیهودیان تعجب  
 ۱۵ نموده کفتند این شخص هر کثر تعلم نیافه چونه کتب را میداند \* عیسی در جواب  
 ۱۶ ایشان کفت تعلم من از من نیست بلکه از فرستنده من \* اکر کسی بخواهد اراده  
 ۱۷ ایشان کفت تعلم من از من نیست بلکه از خدا است یا آنکه من از خود  
 ۱۸ اورا بعل آرد در باره تعلم خواهد داشت که از خدا است یا آنکه من از خود  
 ۱۹ سخن میرام \* هر که از خود سخن کوبد جلال خود را طالب بود و اما هر که طالب  
 ۲۰ جلال فرستنده خود باشد او صادقت و در او ناراستی نیست \* آیا موسی توراه را  
 بشنا نداده است و حال آنکه کسی از شما نیست که توراه عمل کند از برایجه  
 ۲۱ بخواهد من را بقتل رسانید \* آنکه هه در جواب کفتند تو دیوباری که اراده دارد  
 ۲۲ ترا بکشد \* عیسی در جواب ایشان کفت بلک عمل نمودم و همه شما از آن متوجه  
 ۲۳ شدید \* موسی خسته را بشنا داد نه آنکه از موسی باشد بلکه از اجداد و در روز  
 ۲۴ سیست مردم را خسته میکید \* پس اکر کسی در روز سیست مختون شود تا شریعت  
 موسی شکسته نشود چرا بر من خشم میآورید از آن سبب که در روز سیست شخصی را  
 ۲۵ شفای کامل دادرم \* بحسب ظاهر داوری مکنید بلکه براستی داوری نمایند \*  
 ۲۶ پس بعضی از اهالی اورشلم کفتند آیا این آن نیست که قصد قتل او دارند \*  
 ۲۷ و اینک آشکارا حرف میزند و بدلو همچو نیکویند آیا رؤسای یقینا میدانند که او در  
 ۲۸ حفنت مسج است \* لیکن این شخص را میدانم از بکجا است اما مسج چون آبد هیچکس  
 ۲۹ نمیشناسد که از بکجا است \* و عیسی چون در هیکل تعلم میداد ندا کرده کفت  
 مرا میشناسید و نیز میدانید از بکجا هست و از خود نیامد ام بلکه فرستنده من حق  
 ۳۰ است که شما اورا نمیشناسید \* اما من اورا میشناسم زیرا که از او هست و او مرا فرستاده  
 ۳۱ است \* آنکه اه خواستند اورا کفرنار کند ولیکن کسی بر او دست نپنداخت  
 ۳۲ زیرا که ساعت او هنوز نرسید بود \* آنکه بسیاری از آن کروه بدرو ایان آوردند  
 و کفتند آیا چون مسج آبد معجزات بیشتر از اینها که این شخص میناید خواهد نمود \*

۲۳ چون فربیان شنیدند که خلق در باره او این همه میکند فربیان و رؤسای  
 ۲۴ کهنه خادمان فرستادند تا اورا بکرند\* آنکاه عیسی کفت اندک زمانی دیگر با  
 ۲۵ شما هست بعد نزد فرستنده خود میروم\* و مرا طلب خواهد کرد و خواهد یافت  
 ۲۶ و انجاییکه من هست شما نمیتوانید آمد\* پس یهودیان با یکدیگر کفتند او کجا  
 ۲۷ میخواهد برود که ما اورا نمیباشیم آیا اراده دارد بسوی پرآندکان بونانیان رود  
 ۲۸ و بونانیان را تعلم دهد\* این چه کلامیست که کفت مر! طلب خواهد کرد  
 ۲۹ و خواهد یافت و جاییکه من هست شما نمیتوانید آمد\* و در روز آخر که  
 روز بزرگ عید بود عیسی ابستاده ندا کرد و کفت هر که نشنه باشد نزد من آید  
 ۳۰ و بنویشد\* کسی که بن ایمان آورد چنانکه کتاب میگوید از بطن اونهرهای آب  
 ۳۱ زن جاری خواهد شد\* آما اینرا کفت در باره روح که هر که باو ایمان آرد اورا  
 ۳۲ خواهد یافت زیرا که روح القدس هنوز عطا نشده بود چونکه عیسی نا مجاز  
 ۳۳ جلال نیافه بود\* آنکاه بسیاری از آن کروه چون اینکلام را شنیدند کفتند  
 ۳۴ در حقیقت این شخص همان نبی است\* و بعضی کفتند او مسح است و بعضی  
 ۳۵ کفتند مگر مسح از جلیل خواهد آمد\* آیا کتاب نکفته است که از نسل داود  
 ۳۶ و از بیت لم دهیکه داود در آن بود مسح ظاهر خواهد شد\* پس در باره او  
 ۳۷ در میان مردم اختلاف افتاد\* و بعضی ناز ایشان خواستند اورا بکرند ولکن  
 ۳۸ هیچکس بر او دست نینداخت\* پس خادمان نزد رؤسای کهنه و فربیان  
 ۳۹ آمدند. آنها بدیشان کفتند برایجه او را نیاوردید\* خادمان در جواب کفتند  
 ۴۰ هر کرکی مثل این شخص سخن نکفته است\* آنکاه فربیان در جواب ایشان  
 ۴۱ کفتند آیا شما نیز کمراه شئ اید\* مگرکسی از سرداران با از فربیان باو ایمان  
 ۴۲ آورده است\* ولیکن اینکروه که شر بعترانمیدانند ملعون میباشد\* نیقدیوس  
 ۴۳ آنکه در شب نزد او آمد و بکی از ایشان بود بدیشان کفت\* آیا شریعت ما بر  
 ۴۴ کسی فتوی میدهد جز آنکه اول سخن اورا بشنوند و کار اورا در یافت کند\*  
 ۴۵ ایشان در جواب وی کفتند مگر تو نیز جلیل هستی شخص کن و بین زیرا که هیچ  
 ۴۶ نبی از جلیل برخاسته است پس هر یک بخانه خود رفتند\*

## باب هشتم

- ۱ اما عبسی بکوه زیتون رفت \* و بامدادان باز پهکل آمد و چون جمیع قوم نزد او  
 ۲ آمدند نشسته ایشانرا تعلم میداد \* که ناکاه کاتبان و فریسان زنی را که در زنا  
 ۳ کرفته شد بود پیش او آوردند واورا در میان برپا داشته \* بدو گفتند ای استاد  
 ۴ این زن در عین عمل زنا کرفته شد \* و موسی در نوراه یا حکم کرده است که  
 ۵ چیز زنان سنکسار شود اما آنچه میکوئی \* واینرا از روی امتحان بدو گفتند نا  
 ۶ اذاعانی بر او پیدا کند اما عبسی سر برپر افکنه به انشکشت خود بر روی زمین  
 ۷ مینوشت \* و چون در سوال کردن الماح مینمودند راست شد بدیشان گفت  
 ۸ هر که از شما کاه ندارد اول بر او سنك اندازد \* و باز سر برپر افکنه بر زمین  
 ۹ مینوشت \* پس چون شنیدند از ضمیر خود ملزم شد از مشابع شروع کرده تا  
 ۱۰ پاخز پک پک پیرون رفتند و عبسی تها باقی ماند با آن زن که در میان ابتداء  
 ۱۱ بود \* پس عبسی چون راست شد و غیر از زن کسیرا نمید بدو گفت ای زن  
 ۱۲ آن مد عیان تو بجا شدند آیا هیچکن بر تو فوی نداد \* گفت هیچکن ای آقا \*  
 ۱۳ عبسی گفت من هم بر تو فوی نمیدهم برو دیگر کاه مکن \* پس عبسی باز  
 ۱۴ بدیشان خطاب کرده گفت من نور عالم هستم \* کسی که مرا متابعت کند در ظلمت  
 ۱۵ سالک نشود بلکه نور حیات را باید \* آنکاه فریسان بدو گفتند تو بر خود  
 ۱۶ شهادت میدهی پس شهادت تو راست نیست \* عبسی در جواب ایشان گفت  
 ۱۷ هرچند من بر خود شهادت میدهم شهادت من راست است زیرا که میدانم از بجا  
 ۱۸ آمن ام و بجا خواهم رفت لیکن شما نمیدانید از بجا آمن ام و بجا میروم \* شما بحسب  
 ۱۹ جسم حکم میکنید اما من بر هیچکس حکم نمیکم \* و آنکه من حکم دهم حکم من راست  
 ۲۰ است از آنرو که تنها نیستم بلکه من و پدری که مرا فرستاد \* و نیز در شریعت شما  
 ۲۱ مکنوب است که شهادت دو کس حق است \* من بر خود شهادت میدم  
 ۲۲ و پدریکه مرا فرستاد نیز برای من شهادت می دهد \* بدو گفتند پدر تو بجا است \*  
 ۲۳ عبسی جواب داد که نه مرا میشناسید و نه پدر مراه هر کاه مرا میشناسندید پدر مرا  
 ۲۴ نیز میشناسنید \* و این کلام را عبسی در بیت المال گفت وقتیکه در هیکل تعلم

۲۱ میداد و هیچکس اورا نگرفت بجهة آنکه ساعت او هنوز نرسید بود\* باز عیسی  
 بدیشان کفت من میروم و مراعط خواهد کرد و در کاهان خود خواهد مرد  
 ۲۲ و جائیکه من میروم شما نیتوانید آمد\* بهودیان کفند آبا اراده قتل خود دارد که  
 ۲۳ میکوید بجای خواهم رفت که شما نیتوانید آمد\* ایشانرا کفت شما از پائین  
 ۲۴ میباشد آما من از بالا شما از این جهان هستید لیکن من از این جهان نیستم\* از  
 اینجهه بشما کفتم که در کاهان خود خواهد مرد زیرا اگر باور نکنید که من هستم  
 ۲۵ در کاهان خود خواهد مرد\* بدو کفند تو کبسته عیسی بدیشان کفت همان که  
 ۲۶ از اول نیز بشما کفتم\* من چیزهای بسیار دارم که در باره شما بکوم و حکم کنم  
 ۲۷ لکن آنکه مرا فرستاد حق است و من آنچه ازاو شنیدم بجهان میکنم\* ایشان  
 ۲۸ نفهمیدند که بدیشان در باره پدر هنون میکوید\* عیسی بدیشان کفت وقتیکه پسر  
 انسانرا بلند کرد بد آنوقت خواهد دانست که من هستم و از خود کاری نیکنم  
 ۲۹ بلکه بلنه پدرم مرا نعلم داد تکم میکنم\* و او که مرا فرستاد با من است و پدر مرا  
 ۳۰ تنها نکذارده است زیرآنکه من هیشه کارهای پسندیدم اورا بجا میاورم\* چون  
 ۳۱ ایشانرا کفت بسیاری بدو ایمان آوردند\* پس عیسی بهودیان که بدو ایمان آوردند  
 ۳۲ کفت اکر شما در کلام من چانید فی الحقيقة شاگرد من خواهد شد\* و حق را  
 ۳۳ خواهد شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد\* بدو جواب دادند که اولاد  
 ابراهیم میباشم و هر کس هیچکس را غلام نبودم ام پس چونکه تو میکنی که آزاد  
 ۳۴ خواهد شد\* عیسی در جواب ایشان کفت آمین آمین بشما میکنم هر که کاه  
 ۳۵ میکند غلام کاه است\* و غلام هیشه در خانه نمیماند اما پسر هیشه میماند\*  
 ۳۶ پس اکر پسر شما را آزاد کند در حقیقت آزاد خواهد بود\* میدانم که اولاد  
 ۳۷ ابراهیم هستید لیکن میخواهد مرا بکشید زیرا کلام من در شما جای ندارد\* من  
 ۳۸ آنچه نزد پدر خود دیگ ام میکنم و شما آنچه نزد پدر خود دیگ اید میکنید\* در جواب  
 او کفند که پدر ما ابراهیم است عیسی بدیشان کفت اکر اولاد ابراهیم میبودد  
 ۴۰ اعمال ابراهیم را بجا میاوردید\* ولیکن آلان میخواهد مرا بکشید و من شخصی هستم  
 ۴۱ که با شما براسق که از خدا شنید ام تکم میکنم ابراهیم چنین نکرد\* شما اعمال پسر  
 خود را بجا میاورید\* بدو کفند که ما از زنا زانید نشدم ام\* یک پدر دارم که خدا

- ۴۳ باشد \* عیسی بایشان کفت اکر خدا پدر شما میبود مرا دوست میداشتید زیرا که من از جانب خدا صادر شده و آمده ام زیرا که من از پیش خود نیامد ام بلکه او ۴۴ مرا فرستاده است \* برایچه سخن مرانگینه مید از آنجهه که کلام مرا نمیتوانید شنوند \* ۴۵ شما از پدر خود ابلیس میباشید و خواهشهاي پدر خود را میخواهید بعمل آرید او ۴۶ از اول قائل بود و در راست ثابت نمیباشد از آنجهه که در او راست نیست هر کاه بدروغ سخن میکوید از ذات خود میکوید زیرا دروغگو و پدر دروغگو بیان است \* ۴۷ ۴۸ و اما من ازین سبب که راست میکوم مرا باور نمیکنید \* کیست از شا که مرا بکاه ملزم سازد پس آکر راست میکوم چرا مرا باور نمیکنید \* کیکه از خدا است کلام خدارا میشنود و از این سبب شما نمیشنود که از خدا نیستید \* پس ۴۹ یهودیان در جواب او گفته اند آیا ما خوب نکنتم که تو سامری هست و دیو داری \* ۵۰ عیسی جواب داد که من دیوندارم لکن پدر خود را حرمت میدارم و شما مرا بیحومت می سازید \* من جلال خود را طالب نیستم حکمی هست که مطلبید ۵۱ و داوری میکند \* آمین آمین بشما میکوم آکر کسی کلام مرا حفظ کند موترا تا ۵۲ بآبد نخواهد دید \* پس یهودیان بدرو گفته اند دانستم که دیو داری ابراهیم و انبیاء مردند و تو میکوئی آکر کسی کلام مرا حفظ کند موت را تا بآبد نخواهد ۵۳ چنید \* آیا تو از پدر ما ابراهیم که مرد و انبیائیکه مردند بزرگتر هست \* خود را که میدانی \* عیسی جواب داد آکر خود را جلال دم جلال من هیزی نباشد ۵۴ پدر من آنست که مرا جلال میجنید آنکه شما میکوئید خدای ما است \* واورا نمیشناسید اما من اورا میشناسم و آکر کوم اورا نمیشناسم مثل شما دروغ کو میباشم ۵۵ لیکن اورا میشناسم و قول اورا نکاه میدارم \* پدر شما ابراهیم شادی کرد ۵۶ بر اینکه روز مرا به پنهان دید و شادمان کردید \* یهودیان بدرو گفتهند هنوز ۵۷ بتجاه سال نداری و ابراهیم را دیده \* عیسی بایشان کفت آمین آمین ۵۸ بشما میکوم که بیش از آنکه ابراهیم پهدا شود من هست \* آنکه سکهها برداشتند تا اورا سکسار کنند اما عیسی خود را هنفی ساخت و از میان کذشته از هیکل پهرون شد و میین برفت \*

## بلب نهم

- ۱ و فنیک میرفت کوری مادرزاد دید \* و شاکرداش از او سوال کرده کفتند
- ۲ ای استاد کناه که کرد این شخص یا والدین او که کور زاید شد \* عیسی جواب
- ۳ داد که کناه نه این شخص کرد و نه پدر و مادرش بلکه نا اعمال خدا در روی
- ۴ ظاهر شود \* مادامیک روز است مرا باید بکارهای فرنستن خود مشغول باشم
- ۵ شب میآید که در آن هیچکس نمیتواند کاری کند \* مادامیک در جهان هست
- ۶ نور جهانم \* اینرا کفت و آب دهان بر زمین انداخته از آب کل ساخت و کل را
- ۷ بچشمان کور مالید \* و بدوقفت برو در جو پوش سیلوحا که معنی مرسل است
- ۸ بشوی پس رفته شست و بینا شده برگشت \* پس هسابکان و کسانیکه اورا
- ۹ پیش از آن در حالت کوری دیگ بودند کفتند آیا این آن نیست که مینشست
- ۱۰ و کدامی میگرد \* بعضی کفتند هاست و بعضی کفتند شاهت بدوداردا و کفت
- ۱۱ من همانم \* بدوكفتند پس چکونه چشمان تو باز کشت \* او جواب داد شخصیکه
- او را عیسی میگویند کل ساخت و برجشمانت من مالیه بن کفت بجوض سیلوحا
- ۱۲ برو و بشویه آنکاه رفم و شسته بینا کشتم \* بیوی کفتند آتشخس کجا استه کفت
- ۱۳ نیدانم \* پس اورا که پیشتر کور بود تزد فربیان آوردنده \* و آن روزیکه عیسی
- ۱۴ کل ساخته چشمان اورا باز کرد روز سبت بود \* آنکاه فربیان نیز از او
- سوال کردنده که چکونه بینا شدی بدیشان کفت کل بچشمهاهی من کذارد پس
- ۱۵ شستم و بینا شدم \* بعضی از فربیان کفتند آتشخس از جانب خدا نیست زیرا که
- سبت را نکاه نیدارد و بدیگران کفتند چکونه شخص گناه کار میتواند مثل این
- ۱۶ مجزرات ظاهر سازد و در میان ایشان اخلاق افداد \* باز بدان کور کفتند تو
- ۱۷ در باره او چه میگوئی که چشمان ترا بینا ساخت کفت نی است \* لیکن
- یهودیان سرگذشت اورا باور نکردنده که کور بوده و بینا شده است نا آنکه پدر
- ۱۸ و مادر آن بینا شده را طلبیدند \* واز ایشان سوال کرده کفتند آیا این است
- ۱۹ پرسشها که میگویند کور متولد شده پس چکونه الحال بینا کشته است \* پدر
- ۲۰ و مادر او در جواب ایشان کفتند میدانیم که این پرسش ما است و کور متولد شده \*

۱۱ لبک الحال چه طوری بیند نمیدانم و نمیدانم که چشمان اورا باز نموده او بالغ  
 ۱۲ است ازوی سؤال کبد نا او احوال خود را پیان کند\* پدر و مادر او چنین  
 ۱۳ کفتند زیرا که از بیهودیان میترسیدند از آنروکه بیهودیان با خود عهد کرده  
 ۱۴ بودند که هر که اعتراف کند که او سمع است از کنیسه بپوشش کنند\*  
 ۱۵ واز انبیجه والدین او کفتند او بالغ است از خودش پرسید\* پس آشخنه را  
 ۱۶ که کور بود باز خوانده بدو کفتند خدرا تعبید کن ما میدانم که ایشخنه  
 ۱۷ گناه کار است\* او جواب داد اگر کاه کار است نمیدانم بلکه چیز  
 ۱۸ میدانم که کور بودم و آلان پینا شده ام\* باز بدو کفتند با تو چه کرد  
 ۱۹ و چگونه چشمهای نرا باز کرد\* ایشانرا جواب داد که آلان بشما کنتم  
 ۲۰ نشیدید و برای چه باز میخواهید بشنوید آیا شما نیز اراده دارید شاکرد او  
 ۲۱ بشوید\* پس اورا دشنام داده کفتند تو شاکرد او هستی ما شاکرد موسی  
 ۲۲ میباشم\* ما میدانم که خدا با موسی نکلم کرد اما این شخص را نمیدانم از کجا  
 ۲۳ است\* آنمرد جواب داده بدیشان کفت این عجب است که شما نمیدانید از کجا  
 ۲۴ است و حال آنگه چشمهای مرا باز کرد\* و میدانم که خدا دعای کاهکاران را  
 ۲۵ نمیشنود ولیکن آگر کسی خدا برست باشد واراده اورا بجا آرد اورا میشنود\*  
 ۲۶ از ابتدای عالم شنید نشست است که کسی چشیان کور مادرزادرا باز کرده باشد\*  
 ۲۷ آگر ایشخنه از خدا نه بودی هیچ کار توانستی کرد\* در جواب وی کفتند  
 ۲۸ تو بکلی با کنایه متواتد شده آیا تو مارا نعلم میدهی پس اورا بپون رانند\*  
 ۲۹ عیسی چون شنید که اورا بپون کرده اند و برا جسته کفت آیا تو به پسر خدا  
 ۳۰ ایمان داری\* او در: اب کفت ای آقا کیست نا باو ایمان آورم\* عیسی  
 ۳۱ بدو کفت تو نیزا اورا دینه و آنکه با تو نکلم میکند هاست\* کفت ای خداوند  
 ۳۲ ایمان آوردم پس اورا پرسش نمود\* آنکاه عیسی کفت من در اینجهان  
 ۳۳ بجهة داوری آدم نا کوران پینا و پینایان کور شوند\* بعضی از فربسیان  
 ۳۴ که با او بودند چون این کلام را شنیدند کفتند آیا ما نیز کور هستیم\* عیسی  
 ۳۵ بدیشان کفت اگر کور میبودید کنایه نمیداشتید ولکن آلان میکوئید پینا هستیم  
 پس کنایه شما مهیاند\*

## باب دهم

- ۱ آین آین بشما میکوم هر که از در به آغل کوسنده داخل نشد بلکه از راه دیگر بالارود او دزد و راه زن است \* واما آنکه از در داخل شود شبان کوسندهان
- ۲ است \* دریان بجهة او میکناید وکوسندهان آواز اورا میشنوند وکوسندهان
- ۳ خودرا نام بنام میتواند واشان را بیرون میرد \* ووقتیکه کوسندهان خودرا بیرون برد پیش روی ایشان میفرماد وکوسندهان از عقب او میروند زیرا که آواز اورا میشناسند \* لیکن غریب را متابعت نمیکنند بلکه از او میگردند زیرا که آواز
- ۴ غریبان را نمیشناسند \* واین مثلرا عیسی برای ایشان آورد اما ایشان نفهمیدند که چه چیز بدیشان میکوید \* آنکه عیسی بدیشان باز کفت آین آین بشما میکوم
- ۵ که من در کوسندهان هست \* جمیع کسانیکه پیش از من آمدند دزد و راه زن هستند لیکن کوسندهان سخن ایشان را نشنیدند \* من در هست هر که از من داخل گردد نجات یابد و بیرون درون خرامد و علوفه یابد \* دزد نماید مگر آنکه بدرزد و بکشد و هلاک کند من آدم نا ایشان حیات یابند و آنرا زیادتر حاصل
- ۶ کنند \* من شبان نیکو هست شبان نیکو جان خودرا در راه کوسندهان مینهند \*
- ۷ اما مزدور یک شبان نیست وکوسندهان از آن او نمیباشد چون یعنی که کرک میآید کوسندهان را کذاشته فرار میکند و کرک کوسندهان را میکردد و پرآنکه میسازد \* مزدور
- ۸ میکریزد چونکه مزدور است و بنگر کوسندهان نیست \* من شبان نیکو هست و خاصان خود را میشناسم و خاصان من مرانی شناسد \* چنانکه پدر مران میشناسد
- ۹ من پدر را میشناسم و جان خود را در راه کوسندهان مینم \* و مران کوسندهان دیگر هست که از این آغل نیستند باید آنها را نه زیار و آواز مران خواهد شد
- ۱۰ و یک کله و یک شبان خواهد شد \* و از این سبب پدر مران دوست میدارد که
- ۱۱ من جان خود را مینم نا آنرا باز کنم \* کسی آنرا از من نمیکردد بلکه من خود آنرا مینم \* قدرت دارم که آنرا بنم و قدرت دارم آنرا باز کنم این حکمرا از پدر خود
- ۱۲ یافتم \* باز بسب این کلام در میان بعوهایان اختلاف افتد \* بسیاری از ایشان
- ۱۳ کنند که دیوار و دیوانه است برای چه بدو کوش مدهد \* دیگران کنند که

۲۳ این سخنان دیوانه نیست آبا دیو میتواند چشم کورانزا بار کند \* پس در  
 ۲۴ اورشلم عید تجدید شد و زمستان بود \* و عبسی در هیکل در رواق سلهان  
 ۲۵ میزرا مید \* پس یهودیان دور اورا کرفته بد و گفتند تا کی مارا متعدد داری آکر  
 ۲۶ نیاوردید اعمال را که باس پدر خود بجا میاورم آنها برای من شهادت میدهد \* لیکن  
 ۲۷ شما ایمان نیاوردید زیرا از کوسندان من نبستید چنانکه بشما کنم \* کوسندان من  
 ۲۸ آواز مرآ میشنوند و من آنها را شناسم و مرآ متابعت میکنند \* و من با آنها حیات  
 جاودانی میدهم و تا پاید هلاک غواهند شد و هیچکس آنها را از دست من غواهد  
 ۲۹ کرفت \* پدری که بن داد از هه بزرگتر است و کسی نمیتواند از دست پدر من  
 ۳۰ بکردد \* من و پدر یک هستم \* آنکه یهودیان بازسنکها برداشتند تا اورا سکسار  
 ۳۱ کند \* عیسی بدیشان جواب داد از جانب پدر خود بسیار کارهای نیک بشما  
 ۳۲ نمودم بسبب کدام یک از آنها مرآ سکسار میکنید \* یهودیان در جواب گفتند  
 بسبب عمل نیک ترا سکسار نمیکنم بلکه بسبب کفر زیرا تو انسان هست و خود را  
 ۳۴ خدا میتوانی \* عیسی در جواب ایشان گفت آیا در توراه شما نوشته شده است  
 ۳۵ که من کنم شما خدا یان هستید \* پس اکر آنها را که کلام خدا بدیشان نازل شد  
 ۳۶ خدا یان خواند و ممکن نیست که کتاب محو کردد \* آیا کسبرآ که پدر نقدسی  
 کرده بجهان فرستاد بد و میکوئید کفر میکوئی از آن سبب که کنم پسر خدا  
 ۳۷ هستم \* اکر اعمال پدر خود را بجا نمیاورم بن ایمان میاورید \* ولکن چنانچه بجا  
 ۳۸ میاورم هر کاه بن ایمان نی آورید با اعمال ایمان آورید تا بدانید و یقین کنید که پدر  
 ۳۹ در منست و من در او \* پس دیگر باره خواستند اورا بکرند اما از دستهای ایشان  
 ۴۰ پیرون رفت \* و باز با تأثر فرآزدن جایی که اول بجهی تمیید میداد رفت و در  
 ۴۱ آنها توقف نمود \* و بسیاری نزد او آمد گفتند که بجهی هیچ معجزه نمود ولکن  
 ۴۲ هرچه بجهی در باره این شخص گفت راست است \* پس بسیاری در آنها باو  
 ایمان آورندند \*

باب پاردهم

۱ و شخصی ایلمازرنام بهمار بود از اهل بیت عتبیا که ده مردم و خواهرش مرتا بود \*

۲ و مردم آستکه خداوندرا بعطر تدهین ساخت و پایهای اورا بهی خود خشکاید  
 ۳ که برادرش ایلعازر بیمار بود\* پس خواهراش نزد او فرستاده گفتند ای آفا  
 ۴ اینک آن که اورا دوست میداری مريض است\* چون عيسی اپنرا شنید گفت  
 اين مرض نا ہوت نیست بلکه برای جلال خدا نا پسرخدا از آن جلال یابد\*  
 ۵ و عيسی مرنا و خواهش والمعازر را محبت میفود\* پس چون شنید که بیمار است  
 ۶ در جایی که بود دو روز توقف نمود\* و بعد ازان بشاکردان خود گفت باز  
 ۷ پیهودیه بروم\* شاکردان اورا گفتند ای معلم آن بیهودیان میغواستند ترا سنکار  
 ۸ کند و آیا باز میغواهی بداتجا بروی\* عيسی جواب داد آیا ساعتهاي روز دوازده  
 نیست آکر کسی در روز راه رود لغزش نمیخورد زیرا که نور الیجهان را می بیند\*  
 ۹ و لیکن آکر کسی در شب راه رود لغزش خورد. زیرا که نور در او نیست\* اپنرا  
 ۱۰ گفت و بعد از آن بایشان فرمود دوست ما ایلعازر در خواب است آما بروم نا  
 ۱۱ اورا یدارکم\* شاکردان او گفتند ای آفا آکر خواهیم است شفا خواهد یافت\*  
 ۱۲ آما عيسی در باره موت او سخن گفت و ايشان کان بردند که از آرامی خواب  
 ۱۳ میکوبید\* آنکاه عيسی علانية بدبشان گفت ایلعازر مرده است\* و برای شنا  
 ۱۴ خوشنود هست که در آنجا نبودم تا ايان آرید ولکن نزد او بروم\* پس توما که  
 ۱۵ بعضی نوام باشد بهشاكردان خود گفت ما نیز بروم نا با او بیرم\* پس چون  
 ۱۶ عيسی آمد یافت که چهار روز است در قبر میباشد\* و بیت عنیا تزدیک اورشلم  
 ۱۷ بود فربی به پائزده نیر برتاب\* و بسیاری از یهود نزد مرنا و مردم آمده بودند  
 ۱۸ نا بجهة برادرشان ايشانرا نسل دهند\* و چون مرنا شنید که عيسی میابد اورا  
 ۱۹ استقبال کرد لیکن مردم در خانه نشته ماند\* پس مرنا بعضی گفت ای آفا آکر  
 ۲۰ در اینجا میبودی برادر من نیمرد\* و لیکن آلان نیز میدانم که هرچه از خدا طلب  
 ۲۱ کنی خدا آنرا بتو خواهد داد\* عيسی بدو گفت برادر تو خواهد برخاست\*  
 ۲۲ مرنا بوی گفت میدانم که در قیامت روز بازیین خواهد برخاست\* عيسی بدو  
 ۲۳ گفت من فیامت و حیات هست هر که بن ایمان آورد آکر مرده باشد زند  
 ۲۴ کردد\* و هر که زند بود و بن ایمان آورد نا باید میخواهد مرد آیا اپنرا باور میکنی\*  
 ۲۵ او گفت می ای آفا من ایمان دارم که نوئی مسجی پسرخدا که در جهان آیند است\*

۲۸ و چون اینرا کفت رفت و خواهر خود مردم را در پنهانی خوانده کفت اسناد آمده  
 ۲۹ است و ترا میخواند\* او چون اینرا بشنید بزودی برخاسته نزد او آمد\*  
 ۳۰ عبسی هنوز وارد ده شده بود بلکه در جایی بود که مرنا اورا ملاقات کرد\*  
 ۳۱ و بهودبازیکه در خانه با او بودند واورا نسلی میدادند چون دیدند که مردم  
 برخاسته بنجیل بیرون میروند از غصب او آمده کفتند بسر قبر میروند نا در آنجا کربه  
 ۳۲ کند\* و مردم چون بجهانیکه عبسی بود رسید اورا دیگ بر قدمهای او افتد و بدلو  
 ۳۳ کفت ای آقا آکر در اینجا میبودی برادر من نمیرد\* عبسی چون اورا کربان  
 دید و بهودبازاره که با او آمده بودند کربان یافت در روح خود بشدت مکدر  
 ۳۴ شد مضطرب کشت\* و کفت اورا کجا کذارده ایده باو کفتند ای آقا پا و بین\*  
 ۳۵ عبسی بکریست\* آنکاه بهودبازان کفتند بنکرید چه قدر اورا دوست میداشت\*  
 ۳۶ بعضی از ایشان کفتند آیا این شخص که چشمان کوررا باز کرد نتوانست امر کند  
 ۳۷ که این مرد نیز نمیرد\* پس عبسی باز بشدت در خود مکدر شد نزد قبر آمد  
 ۳۸ و آن غاره بود سنکی بر سریش کذارده\* عبسی کفت سنکرا بر داریده مرنا خواهر  
 ۳۹ میت بدلو کفت ای آقا آلان متغیر شد زیرا که چهار روز کذشته است\* عبسی  
 ۴۰ بوی کفت آیا بتو نکنم اکر ایمان پاوری جلال خدارا خواهی دید\* پس سنکرا  
 از جاییکه میت کذاشنه شد بود بر داشتنده عبسی چشمان خودرا بالا انداده  
 ۴۱ کفت ای پدر نرا شکر میکنم که سخن مرا شنیدی\* و من میدانستم که همیشه سخن  
 مرا میشنوی ولکن مججه خاطر این کروه که حاضرند کتم نا ایمان پاورند که نو  
 ۴۲ مرا فرستادی\* چون اینرا کفت باواز بلند ندا کرد ای ایلعازر بیرون پا\*  
 ۴۳ در حال آندره دست و پای بکفن بسته بیرون آمد و روی او بستالی پیچیده بود  
 ۴۴ عبسی بدشان کفت اورا باز کید و بکذارید برود\* آنکاه بسیاری از بهودبازان  
 ۴۵ که با مردم آمده بودند چون آنچه عبسی کرد دیدند بدلو ایمان آوردند\* ولیکن  
 بعضی از ایشان نزد فربیان رفتند و ایشانرا از کارها ییکه عبسی کرده بود آکاه  
 ۴۶ ساختند\* پس رؤسای گهنه و فربیان شوری نموده کفتند چه کنم زیرا که  
 ۴۷ این مرد معجزات بسیار میناید\* اکر اورا چنین و آکذارم هه باو ایمان خواهند  
 ۴۸ آورد و رومیان آمده جا و قوم مارا خواهند کرفت\* یکی از ایشان قیافا نام که

۵ در آسال رئیس کهنه بود بدیشان کفت شا هنج نهاداید \* و فکر نیکید که بجهة  
 ۶ ما منید است که بلک شخص در راه قوم بپرد و نمای طانه هلاک نکردند \* و اینرا  
 از خود نکفت بلکه چون در آسال رئیس کهنه بود نبوت کرد که میباشد عیسی  
 ۷ در راه آن طانه بپرد \* و نه در راه آنطانه تنها بلکه تا فرزندان خدارا که  
 ۸ متفرقند در پکی جمع کند \* و از همان روز شوری کردند که اورا بکشد \*  
 ۹ پس بعد از آن عیسی در میان یهود آشکارا راه نمیرفت بلکه از آنجا روانه شد  
 بهوضی نزدیک یا بان شهری که افرام نام داشت و با شاکردان خود در آنجا  
 ۱۰ نوقف نمود \* و چون ففع یهود نزدیک شد بسیاری از بلاکات قبل از ففع  
 ۱۱ باورشلم آمدند نا خود را طاهر سازند \* و در طلب عیسی میبودند و در هیکل  
 ۱۲ ایستاده به پکدیکر میکشند چه کسان میپرید آیا برای عد نماید \* آتا رویا به  
 کهنه و فریسان حکم کرده بودند که اگر کسی بداند که کجا است اطلاع دهد نا  
 اورا کفشار سازند \*

## باب دوازدهم

- ۱ پس شش روز قبل از عید فصح عیسی به بیت عنیا آمد جاییکه الیماز مرده را
- ۲ از مردکان برخیزاند بود \* و برای او در آنجا شام حاضر کردند و مردا خدمت
- ۳ میکرد و الیماز را بکی لر جلسیان با او بود \* آنکه مردم رطی از عطر سنب خالص
- ۴ کرانبهای کرفته پابهای عیسی را تدهین کرد و پایهای اورا از مویهای خود خشکاند
- ۵ چنانکه خانه از بوی عطر پر شد \* پس پکی از شاکردان او یعنی یهودای
- ۶ استغیریوطی پسر شمعون که تسلیم کننده وی بود کفت \* برای په این عطر بسیصد
- ۷ دینار فروخته نشد تا فقراء داده شود \* و اینرا نه از آنرو کفت که هر وای فقراء
- ۸ میداشت بلکه از آنرو که دزد بود و خربجه در حواله او و از آنها در آن انداخته
- ۹ میشد بر میداشت \* عیسی کفت اورا و آنکه زیرا که بجهة روز نکشین من اینرا
- ۱۰ نکاه داشته است \* زیرا که فقراء هیشه با شما میباشند و اینا من هم وقت با شما
- ۱۱ نیست \* پس جمعی کمیر از یهود چون دانستند که عیسی در آنجا است آمدند نه برای عیسی و پس بلکه نا الیماز را نیز که از مردکانش برخیزاند بود به بینند \*
- ۱۲ آنکه رویا کهنه شوری کردند که الیماز را نیز بکشد \* زیرا که بسیاری از

- ۱۳ بهود بسبب او میرفتند و عبسی اینان میاوردند \* فردای آنروز چون کروه
- ۱۴ بسیار بکه برای عید آمن بودند شنیدند که عبسی باور شلم میآید \* شاخه های خل را  
کرفته با استقبال او پرورن آمدند و ندا میگردند هوشیانان مبارک باد پادشه اسرائیل
- ۱۵ که باسم خداوند میآید \* و عبسی کڑه الا غی باقه برآن سوار شد چنانکه مکنوب  
است \* که ای دختر صهیون مترب اینک پادشاه تو سوار بر کڑه الا غی میآید \*
- ۱۶ و شاکر داش اولًا این چیزها را نفهمیدند لکن چون عبسی جلال یافت آنکاه  
بخاطر آوردند که این چیزها در باره او مکنوب است و همچنان با او کرده بودند \*
- ۱۷ و کروه بکه با او بودند شهادت دادند که ایلماز را از قرخوانک اورا از مردکان  
برخیزانید است \* و بجهة هین نیزان کروه اورا استقبال کردند زیرا شنیده بودند
- ۱۸ که آن معجن را نموده بود \* پس فربیسان به یکدیگر کفتند فی بینید که هیچ نفع
- ۱۹ نمیرید اینک تمام عالم از بی او رفته اند \* وازانکسانیکه در عبد بجهة عبادت
- ۲۰ آمن بودند بعضی بونانی بودند \* ایشان نزد فلپیس که از بیت صیدای جلیل بود  
آمدند و سؤال کرده کشند ای آقا میتوهیم عبسی را به بینم \* فلپیس آمد و به اندر یاس
- ۲۱ کفت و اندر یاس و فلپیس عبسی کفتند \* عبسی در جواب ایشان کفت ساعتی  
رسید است که پسر انسان جلال یابد \* آینه این بشنا میکویم اکر دانه کدم
- ۲۲ که در زمین میافتد نمیرد تنها ماند لیکن اکر بپرید ثغر بسیار آورد \* کسیکه جان  
خودرا دوست دارد آنرا هلاک کند و هر که در ایجهان جان خودرا دشمن دارد نا
- ۲۳ حیات جاودانی آنرا نکاه خواهد داشت \* اکر کسی مرا خدمت کند مرا پیروی  
بکد و جانیکه من میباشم آنچه خادم من نیز خواهد بود و هر که مرا خدمت کد
- ۲۴ پدر اورا حرمت خواهد داشت \* آن جان من مضطرب است و چه بکویم  
ای پدر مرا ازین ساعت رستکار کن لکن بجهة هین امر نا این ساعت رسید ام \*
- ۲۵ ای پدر اسم خودرا جلال بده \* ناکاه صدای از آسان در رسید که جلال دادم  
و باز جلال خواهم داد \* پس کروهی که حاضر بودند اینرا شنید کفتند رعد شد
- ۲۶ و دیگران کفتند فرشته با او نکلم کرد \* عبسی در جواب کفت این صدا از  
برای من نیامد بلکه بجهة شما \* الحال داوری این جهان است و آن رئیس این
- ۲۷ جهان پرور افکنه میشود \* و من اکر از زمین بلند کرده شوم همراه بسوی خود

۴۴ خوام کشید \* وابرا کفت کایه از آن قسم موت که میباشد ببرد \* پس هه  
 با وجواب دادند ما از نوراه شنید ام که مسح نا باید باقی میماند پس چکونه تو  
 ۴۵ میکوئی که پسر انسان باید بالاکشید شود کشت این پسر انسان \* آنکاه عیسی  
 بد بشان کفت اندک زمانی نور با شماست پس مادامیکه نور با شما است راه بروید  
 نا ظلت شمارا فرو نکرد و کسیکه در تاریخی راه مبرود نمیداند بگذا مبرود \*  
 ۴۶ مادامیکه نور با شماست به نور ایمان آورید نا پسران نور کردیده عیسی چون اینرا  
 ۴۷ بکفت رفته خودرا از ایشان حفظ ساخت \* و با اینکه پیش روی ایشان چیزین  
 ۴۸ محجزات بسیار نموده بود بدو ایمان نیاوردند \* تا کلامیکه اشیعاء نبی کفت به اتفاق  
 رسد ای خداوند کشت که خبر مارا باور کرد و بازوی خداوند به که اشکار  
 ۴۹ کردید \* واز آنجهه نتوانستند ایمان آورد زیرا که اشیعاء نیز کفت \* چشان  
 ایشانرا کور کرد و دلهای ایشانرا سخت ساخت .تا پیشمان خود نه پیشند و بدلهای  
 ۴۱ خود نفهمند و پر نکردند تا ایشانرا شفا دم \* اینکلامرا اشیعاء کفت وقتیکه  
 ۴۲ جلال اورا دید و در باره او نکلم کرد \* لکن با وجود این بسیاری از سرداران  
 نزد بدو ایمان آوردند اما بسبب فریبسان افرار نکردند که مبادا از کیسه  
 ۴۳ پیرون شوند \* زیرا که جلال خلق را پیشتر از جلال خدا دوست میداشتند \*  
 ۴۴ آنکاه عیسی ندا کرده کفت آنکه بمن ایمان آورد نه بمن بلکه با آنکه من فرستاده  
 ۴۵ است ایمان آورده است \* و کسیکه مرا دید فرستنده مرا دید است \* من نوری  
 ۴۶ در جهان آمدم تا هر که بمن ایمان آورد در ظلمت نمایند \* و آنکه کلام مردا شنید  
 و ایمان نیاورد من بر او داوری نمیکنم زیرا که نیامنه ام تا جهانرا داوری کم بلکه تا  
 ۴۸ جهانرا نجات بخشم \* هر که مرا خیر شمارد و کلام مرا قبول نکند کمی هست که  
 در حق او داوری کند همان کلامیکه کتم در روز بازیسین بر او داوری خواهد  
 ۴۹ کرد \* زانرو که من از خود نکفم لکن پدریکه مرا فرستاد بمن فرمان داد که چه  
 ۵۰ بکوم و بچه چیز نکلم کم \* و میدانم که فرمان او حیات جاودانیست پس آنچه من  
 میکنم چنانکه پدر بمن کفته است نکلم میکنم \*

باب سیزدهم

۱ و قبل از عید فصح چون عیسی دانست که ساعت او رسید است تا از اینجهان

بجانب پدر بود خاصّان خود را که در این جهان محبت مینمود ایشان را نا باخرا  
 ۲ محبت نمود\* و چون شام میغوردند والپس پیش از آن در دل بهودا پسر شمعون  
 ۳ اخربوطی نهاده بود که اورا سلیم کند\* عیسی با اینکه میدانست که پدر زمه چجز را  
 ۴ بدست او داده است واز نزد خدا آمد و بجانب خدا میرود\* از شام برخلافت  
 ۵ و جامه خود را پیرون کرد و دسته‌الی کرفته بکر بست\* پس آب در لکن ریخته  
 ۶ شروع کرد بشستن پایهای شاکر دان و خشکانیدن آنها با دسته‌الی که برگرداند\*  
 ۷ پس چون بشمعون پطرس رسید او بوی کفت ای آفا تو پایهای مرا مشوئی\*  
 ۸ عیسی در جواب وی کفت آنچه من میکنم آن تونیدانی لکن بعد خواهی فهمید\*  
 ۹ پطرس با او کفت پایهای مرا هر کر نخواهی شست\* عیسی اورا جواب داد آکر نرا  
 ۱۰ نشوم نرا با من نصیبی نیست\* شمعون پطرس بدو کفت ای آفانه پایهای مرا  
 ۱۱ نیست مکر بشستن پایها بلکه تمام او پاکست و شما پاک هستید لکن نه هه\* زیرا که  
 ۱۲ سلیم کنن خود را میدانست واز این جهه کفت همی شما پاک نیستید\* و چون  
 پایهای ایشان را شست رخت خود را کرفه باز بنشست و بدیشان کفت آیا فهمید بد  
 ۱۳ آنچه بشما کردم\* شما مرا اسناد و آفای میخواید و خوب میکوئید زیرا که چین هست\*  
 ۱۴ پس آکر من که آقا و معلم هست پایهای شمارا شست بر شما نیز واجب است که  
 ۱۵ پایهای یکدیگر را بشوئید\* زیرا بشما نمونه دادم تا چنانکه من با شما کردم شما  
 ۱۶ نیز بکنید\* آمین آمین بشما میکویم غلام بزرگتر از آفای خود نیست و نه رسول  
 ۱۷ از فرستنده خود\* هر کاه اینرا دانستید خوش بحال شما آکر اینرا بعمل آرید\* در  
 ۱۸ باره جمیع شما نمیکویم من آناینرا که برگردانم میشناسم لیکن تا کتاب تمام شود آنکه با  
 ۱۹ من نان میغورد پاشنه خود را بر من بلند کرده است\* آن قبیل از وقوع بشما میکویم  
 ۲۰ نازمانیکه واقع شود باور کنید که من هستم\* آمین آمین بشما میکویم هر که قبول کند  
 کسیرا که میفرستم مرا قبول کرده و آنکه مرا قبول کند فرستنده مرا قبول کرده باشد\*  
 ۲۱ چون عیسی اینرا کفت در روح مضطرب کشت و شهادت داده کفت آمین آمین  
 ۲۲ بشما میکویم که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد\* پس شاکر دان یکدیگر نگاه میکردن  
 ۲۳ و حیران میبودند که اینرا در باره که میکوید\* و یکی از شاکر دان او بود که بسینه

۲۴ عبسی نگه میزد و عبسی اورا محبت مینمود\* شمعون پطرس بد و اشاره کرد که  
 ۲۵ پرسد در باره که اینرا کفت\* پس او در آغوش عبسی افتداده بد و کفت خداوندا  
 ۲۶ کدامست\* عبسی جواب داد آن است که من لئهرا فرو برده بد و میدهم پس  
 ۲۷ لئهرا فرو برده بهودای اسخربوطی پسر شمعون داد\* بعد از لئه شیطان در او  
 ۲۸ داخل کشت آنکه عبسی وبرا کفت آنچه میکنی بزودی بکن\* اما اینسخن را احدی  
 ۲۹ از مجلسیان نفهمید که برایجه بد و کفت\* زیرا که بعضی کان بردنند که چون خربشه  
 نزد یهودا بود عبسی وبرا فرمود ناما بحتاج عدرا بخشد با آنکه چیزی بفقراء بدهد\*  
 ۳۰ پس او لئهرا کرفته در ساعت بیرون رفت و شب بود\* چون بیرون رفت عبسی  
 ۳۱ کفت آن پسر انسان جلال یافت و خدا در او جلال یافت\* واکر خدا در  
 او جلال یافت هر آینه خدا اورا در خود جلال خواهد داد و بزودی اورا جلال  
 ۳۲ خواهد داد\* ای فرزندان اندک زمانی دیگر با شما هستم و مرا طلب خواهید کرد  
 ۳۳ و هیچنانکه یهود کفم جاییکه میروم شما نمیتوانید آمد اهن نبزد شما میکوم\* شما  
 حکی نازه میدم که بکدیکر را محبت نمائید چنانکه من شما را محبت نمود نا شما نیز  
 ۳۴ بکدیکر را محبت نمائید\* پهمن هه خواهند فهمید که شاکرد من هستند اکر محبت  
 ۳۵ بکدیکر را داشته باشید\* شمعون پطرس بوی کفت ای آفا کجا میرویه عبسی  
 جواب داد جاییکه میروم آن نمیتوانی از عقب من پیائی ولکن در آخر از عقب  
 ۳۶ من خواهی آمد\* پطرس بد و کفت ای آفا برایجه آن نتوانم از عقب تو پیام جان  
 ۳۷ خود را در راه تو خواهم نهاد\* عبسی باو جواب داد آیا جان خود را در راه من  
 مینهی\* آین آمین بتو میکوم نا سه مرتبه مرا انکار نکرده باشی خرس بانک  
 خواهد زد\*

#### باب چهاردهم

- ۱ دل شما مضطرب نشود بخدا ایمان آورید ہن نیز ایمان آورید\* در خانه پدر
- ۲ من منزل بسیار است ولا بشما میکنم میروم تا برای شما مکانی حاضر کم\* واکر
- ۳ بروم و از برای شما مکانی حاضر کم باز میلام و شمارا برداشته با خود خواهم بردا
- ۴ جاییکه من میباشم شما نیز باشید\* و جاییکه من میروم میدانید و راه را میدانید\*
- ۵ تو ما بد و کفت ای آفا نمیدانم کجا میروی پس چنکونه راه را نوانم دانست\*

۶ عبی بدو کفت من راه و راستی و حیات هسته هیچ کس نزد پدر جزو سبله من  
 ۷ نماید\* اگر مرا میشنایخند پدر مرا نیز میشنایخند و بعد این اورا میشناشد  
 ۸ واورا دیده اید\* فیلیپ بوسی کفت ای آقا پدر را با نشان ده که مارا کافیست\*  
 ۹ عبی بدو کفت ای فیلیپ در ایندلت با شما بوده ام آیا مرا نشانه کسیکه مرا دید  
 ۱۰ پدر را دیده است پس چکونه تو میکوئی پدر را با نشان ده\* آیا باور نیکنی که من  
 در پدر هست و پدر در منسته سخنها تیکه من بشما میکوم از خود نمیکوم لکن پدر یکه  
 ۱۱ در من سکن است او این اعمال را میکند\* مرا تصدق کنید که من در پدر هست  
 ۱۲ و پدر در من است و آه مرا بسب آن اعمال تصدق کند\* آمین آمین بشما میکوم  
 هر که بن ایمان آرد کارهای برا که من میکنم او نیز خواهد کرد و بزرگتر از اینها نیز  
 ۱۳ خواهد کرد زیرا که من نزد پدر میروم\* و هر چیزرا که باش من سوال کنید بجا  
 ۱۴ خواهم آورد تا پدر در پسر جلال باید\* اگر چیزی باش من طلب کنید من آنرا  
 ۱۵ بجا خواهم آورد\* اگر مرا دوست دارید احکام مرا نکاه دارید\* و من از پدر  
 ۱۶ سوال میکنم و نسلی دهنده دیگر بشما عطا خواهد کرد تا هیشه با شما هاند\* بعنی  
 ۱۷ روح راست که جهان نیتواند اورا قبول کند زیرا که اورا نمیبیند و نمیشناسد و اما  
 ۱۸ شما اورا میشناسید زیرا که با شما میهاند و در شما خواهد بود\* شمارا بتم نمیکنارم  
 ۱۹ نزد شما میام\* بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا نمیبیند و اما شما مرا میبیند و از  
 ۲۰ البجهه که من زنگ ام شما هم خواهید زیست\* و در آنروز شما خواهید داشت که  
 ۲۱ من در پدر هست و شما در من و من در شما\* هر که احکام مرا دارد و آنها را حفظ  
 کند آنست که مرا محبت میناید و آنکه مرا محبت میناید پدر من اورا محبت خواهد  
 ۲۲ نمود و من اورا محبت خواهم نمود و خود را با او ظاهر خواهم ساخت\* بهودا نه آن  
 ۲۳ اسخر بوطی بوسی کفت ای آقا چکونه بیخواهی خود را با بنایی و نه بر جهان\* عبی  
 در جواب او کفت اگر کسی مرا محبت نماید کلام مرا نکاه خواهد داشت و پدرم  
 ۲۴ اورا محبت خواهد نمود و بسوی او آمک نزد وی مسکن خواهم کرفت\* و آنکه  
 مرا محبت نماید کلام مرا حفظ نمیکند و کلامیکه میشنوید از من نیست بلکه از  
 ۲۵ پدر است که مرا فرستاد\* این سخنانرا بشما کنم و فیکه با شما بودم\* لیکن نسلی  
 دهنک بعنی روح القدس که پدر اورا باش من میفرستد او هه چیزرا بشما تعلم

۲۷ خواهد داد و آنچه بشما کفتم یاد شما خواهد آورد\* سلامتی برای شما میکذارم  
 سلامتی خود را بشما میدهم\* نه چنانکه جهان میدهد من بشما میدهم\* دل شما مضطرب  
 ۲۸ و هراسان نباشد\* شنید اید که من بشما کفتم میروم و نزد شما میلیم آنکه مرا محبت  
 مینمودید خوشحال میکشید که کفتم نزد پدر میروم زیرا که پدر بزرگتر از منست\*  
 ۲۹ و آنکه قبل از وقوع بشما کفتم تا وقتیکه واقع کردد این آورید\* بعد از این  
 بسیار با شما غریب شدم که زیرا که رئیس این جهان میآید و در من چیزی ندارد\*  
 ۳۰ لیکن نا جهان بداند که پدر را محبتی نام چنانکه پدر بن حکم کرد همانطور می  
 کم برخزید از اینجا بروم\*

### باب پائزدم

۱ من ناک حقیقی هستم و پدر من با غائب است\* هر شاخه در من که میوه نباورد  
 ۲ آنرا دور میسازد و هر چه میوه آرد آنرا پاک میکند تا بیشتر میوه آورد\* الحال شما  
 ۳ بسبب کلامیکه بشما کفته ام پاک هستید\* در من بانید و من در شما همچنانکه  
 شاخه از خود نمیتواند میوه آورد اگر در ناک نماند همچین شما نیز اگر در من نمانید\*  
 ۴ من ناک هستم و شما شاخه اه آنکه در من میماند و من در او میوه بسیار میاورد  
 ۵ زیرا که جدا از من هیچ نمیتوانید کرد\* اگر کسی در من نماند مثل شاخه یرون  
 ۶ انداخته میشود و میخنده و آنها را جمع کرده در آتش میاندازند و سوخته میشود\*  
 ۷ اگر در من بانید و کلام من در شما باند آنچه خواهید بطلید که برای شما خواهد  
 ۸ شد\* جلال پدر من اشکارا میشود باینکه میوه بسیار بیاورید و شاکرد من بشوید\*  
 ۹ همچنانکه پدر مرا محبت نمود من نیز شمارا محبت نمودم\* در محبت من بانید\* اگر  
 ۱۰ احکام مرا نکاه دارید در محبت من خواهید ماند چنانکه من احکام پدر خود را  
 ۱۱ نکاه داشتم و در محبت او مهمانم\* اینرا بشما کفتم تا خوشی من در شما باشد  
 ۱۲ و شادی شما کامل کردد\* این است حکم من که بیکدیکر را محبت نماید همچنانکه  
 ۱۳ شمارا محبت نمودم\* کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را بجهة دوستان  
 ۱۴ خود بدهد\* شما دوست من هستید اگر آنچه بشما حکم میکنم بجا آرید\*  
 ۱۵ دیگر شمارا بند نمیخوانم زیرا که بند آنچه آفایش میکند نمیداند لکن شمارا دوست

۱۶ خواننام زیرا که هرچه از پدر شنید ام بشایان کدم \* شما بر نکرید بلکه من شمارا بر کردیم و شمارا مفرز کردم ناشایان بروید و میوه آورید و میوه شایاند نا  
 ۱۷ هرچه از پدر با سه من طلب کنید بشایان عطا کند \* باین چیزها شمارا حکم میکنم تا  
 ۱۸ بگذیگر راحبت نماید \* اگر جهان شمارا دشمن دارد بدآنده که پیشتر از شایان مرا  
 ۱۹ دشمن داشته است \* اگر از جهان میبودید جهان خاصان خود را دوست میداشت  
 لکن چونکه از جهان نیستید بلکه من شمارا از جهان بر کردیم از این سبب  
 ۲۰ جهان با شایان دشمنی میکند \* بخاطر آرید کلام را که بشایان کفتم غلام بزرگ را آقای خود نیست اگر مرا زحمت دادند شمارا نیز زحمت خواهند داد و اگر کلام مرا  
 ۲۱ نکاه داشتند کلام شمارا هم نکاه خواهند داشت \* لکن بجهة اس من جمیع این  
 ۲۲ کارهارا بشایان خواهند کرد زیرا که فرستنده مرا نمیشناسند \* اگر نیامد بودم و باشان  
 ۲۳ نکلم نکرده کاه نمیداشتند و اما آلان عذری برای کاه خود ندارند \* هر که مرا  
 ۲۴ دشمن دارد پدر مرا نیز دشمن دارد \* و آگر در میان ایشان کارهائی نکرده بودم  
 که غیر از من کسی هر کز نکرده بود کنه نمیداشتند ولیکن اکنون دیدند و دشمن  
 ۲۵ داشتند مرا و پدر مرا نیز \* بلکه ناقم شود کلامی که در شیعت ایشان مکوب  
 ۲۶ است که مرا بی سبب دشمن داشتند \* لیکن چون نسلی دهنت که او را از جانب  
 پدر نزد شما میفرستم آید بعنی روح راستی که از پدر صادر میگردد او بر من شهادت  
 ۲۷ خواهد داد \* و شایان نیز شهادت خواهد داد زیرا که از ابتداء با من بوده اید \*

### باب شانزدهم

۱ اینرا بشایان کفتم نا نظرش خنوردید \* شمارا از کابس پرون خواهند نمود بلکه  
 ۲ ساعتی میاید که هر که شمارا بکشد کان برد که خدارا خدمت میکند \* و اینکارهارا  
 ۴ با شایان خواهند کرد بجهة آنکه نه پدر را شناخته اند و نه مرا \* لیکن اینرا بشایان کفتم  
 ۵ تا وقیکه ساعت آید بخاطر آورید که من بشایان کفتم و اینرا از اول بشایان نکفتم زیرا که  
 ۶ با شایان بودم \* اما آلان نزد فرستنده خود میروم و کسی از شایان از من نمیپرسد بچرا  
 ۷ میرومی \* ولیکن چون اینرا بشایان کفتم دل شایان از غم بر شد است \* و من بشایان  
 راست میکوم که رفتمن من برای شایان مفید است زیرا آگر نروم نسلی دهنت نزد شایان

- ۸ خواهد آمد اما آکر بروم اورا نزد شما میفرستم \* و چون او آید جهانرا برگاهه  
 ۹ و عدالت و داوری ملن خواهد نمود \* اما برگاهه زیرا که هن ایمان نمیآورند \* و اما  
 ۱۰ بر عدالت از آن سبب که نزد پدر خود میروم و دیگر مرا نخواهد دید \* و اما بر  
 ۱۱ داوری از آنرو که بر رئیس اینها حکم شده است \* و بسیار چیزهای دیگر نیز  
 ۱۲ دارم بشما بگویم لکن آلان طاقت تحمل آنها را ندارید \* ولیکن چون او بعضی  
 ۱۳ روح راستی آید شمارا بجیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمیکند  
 بلکه با آنچه شنید است محن خواهد کفت و از امور آیند بشما خبر خواهد داد \*  
 ۱۴ او را جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است خواهد کرفت و بشما  
 ۱۵ خبر خواهد داد \* هر چه از آن پدر است از آن من است از اینجهه کفم که  
 ۱۶ از آنچه آن من است میکردد و بشما خبر خواهد داد \* بعد از اندکی مرا خواهد  
 ۱۷ دید و بعد از اندکی باز مرا خواهد دید زیرا که نزد پدر میروم \* آنکه بعضی  
 از شاکرداش بیکدیکر کفته چه چیز است اینکه با میکوید که اندکی مرا خواهد  
 ۱۸ دید و بعد از اندکی باز مرا خواهد دید و زیرا که نزد پدر میروم \* پس کفته  
 ۱۹ چه چیز است این اندکی که میکوید نیدانم چه میکوید \* عبسی چون دانست که  
 ۲۰ میخواهند ازاو سؤال کنند بدیشان کفت آیا در میان خود از این سؤال میکنند که  
 ۲۱ کفم اندکی دیگر مرا خواهد دید پس بعد از اندکی باز مرا خواهد دید \* آین  
 آین بشما میگویم که شما کریه وزاری خواهید کرد و جهان شادی خواهد  
 ۲۲ نموده شما مخزون مشوید لکن حزن شما بخوبی مدل خواهد شد \* زن در حین  
 زائیدن مخزون مشوید زیرا که ساعت او رسید است ولیکن چون طفلرا زائید  
 آن زحمهای دیگر یاد نمیآورد بسبب خوشی از اینکه انسانی در جهان تولد یافته \*  
 ۲۳ پس شما همین آلان مخزون میباشد لکن باز شما خواهی دید و دل شما خوش  
 ۲۴ خواهد کشت و هیچ کس آن خوشبیرا از شما نخواهد کرفت \* و در آن روز چیزی  
 از من سؤال نخواهید کرده آین بشما میگویم که هر آنچه از پدر باش من طلب  
 ۲۵ کنید بشما عطا خواهد کرد \* تا کون باش من چیزی طلب نکردید بطلید تا  
 بپایید و خوشی شما کامل کردد \* این چیزهای را به شما بشما کفم لکن ساعتی میابد  
 که دیگر به مثلها بشما حرف نمیزنم بلکه از پدر بشما آشکارا خبر خواهم داد \*

۲۶ در آن روز با مطلب خواهید کرد و شما نیکوئم که من بجهة شما از پدر سوال  
 ۲۷ میکنم \* زیرا خود پدر شمارا دوست میدارد چونکه شما مرا دوست داشتید و ایمان  
 ۲۸ آوردهید که من از نزد خدا بیرون آمدم \* از نزد پدر بیرون آمدم و در جهان  
 ۲۹ وارد شدم و باز جهانرا کذارده نزد پدر میروم \* شاکرداش بدو گفتند هان  
 ۳۰ آکون علانيةً سخن میکوئی و هیچ مثُل نیکوئی \* الان دانستیم که هه چیز را میدانی  
 ۳۱ لازم نیست که کسی از تو بپرسد بدینجهه باور میکنم که از خدا بیرون آمدم \*  
 ۳۲ عیسی باشان جواب داد آیا الان باور میکنید \* اینک ساعتی میاید بلکه الان آمده  
 است که متفرق خواهید شد هر یکی بنتزد خاصان خود و مرا تنها خواهید کذارده  
 ۳۳ لیکن تنها پنجم زیرا که پدر با من است \* بدین چیزها بشنا تکلم کردم تا در من  
 سلامتی داشته باشید در جهان برای شما زحمت خواهد شد ولکن خاطر جمع  
 دارید زیرا که من بر جهان غالب شدم \*

## باب هفتم

۱ عیسی چون اینرا کفت چشان خود را بطرف آسمان بلند کرده گفت ای پدر  
 ۲ ساعت رسید است \* پسر خود را جلال بن نا پسرت نیز ترا جلال دهد \* همچنانکه  
 اورا بر هر بشری قدرت داده تا هر چه بدو داده بانها حیات جاودانی بخشد \*  
 ۳ و حیات جاودانی این است که ترا خدای واحد حقیق و عیسی مسیح را که  
 ۴ فرستادی بشناسند \* من ببر روی زمین ترا جلال دادم و کار زیرا که بن سپرده نا  
 ۵ بکنم بکمال رسانیدم \* و لآن تو ای پدر نما نزد خود جلال ده بهمان جلالی که  
 ۶ قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم \* اسم ترا بآن مردمانیکه از جهان بن عطا  
 ۷ کردی ظاهر ساختم \* از آن تو بودند واشانرا بن دادی و کلام ترا نکاه داشند \*  
 ۸ و لآن دانستند آنچه بن داده از نزد تو میباشد \* زیرا کلامیرا که بن سپرده  
 بد بشان سپردم واشان قبول کردند و از روی بقین دانستند که از نزد تو بیرون  
 ۹ آمدم و ایمان آوردند که تو مرا فرستادی \* من بجهة اینها سوال میکنم و برای جهان  
 ۱۰ سوال نیکنم بلکه از برای کسانیکه بن داده زیرا که از آن تو میباشد \* و آنچه از  
 آن من است از آن تو است و آنچه از آن تو است از آن من است و در آنها جلال

۱۱ یافه ام \* بعد ازین در جهان نیستم اما اینها در جهان هستند و من تزد نو می‌ام  
 ای پدر قدوس اینهارا که چن داده باس خود نکاه دار نا بکن باشند چنانکه ما  
 ۱۲ هستم \* مادامیکه با ایشان در جهان بودم من ایشانرا باس تو نکاه داشتم و هر کسرا  
 که چن داده حفظ نمود که بکی از ایشان هلاک نشد مکر پسر هلاکت نا کتاب  
 ۱۳ غام شود \* و اما آن تزد نو می‌ام و اینرا در جهان می‌کوم نا خوشی مرا در خود  
 ۱۴ کامل داشته باشند \* من کلام ترا بایشان دادم و جهان ایشانرا دشمن داشت  
 ۱۵ زیرا که از جهان نیستند همچنانکه من نیز از جهان نیستم \* خواهش نیکتم که ایشانرا  
 ۱۶ از جهان ببری بلکه نا ایشانرا از شر بر نکاه داری \* ایشان از جهان نیستند  
 ۱۷ چنانکه من از جهان نمی‌باشم \* ایشانرا بر استی خود تقدیس نمای کلام توراستی است \*  
 ۱۸ همچنانکه مرا در جهان فرستادی من نیز ایشانرا در جهان فرستادم \* و مجده  
 ۱۹ ایشان من خود را تقدیس می‌کنم تا ایشان نیز در راستی تقدیس کرده شوند \* و نه  
 برای اینها فقط سوال می‌کنم بلکه برای آنها نیز که بوسیله کلام ایشان بن ایمان  
 ۲۰ خواهند آورد \* نا مه بلک کردند چنانکه تو ای پدر در من هستی و من در تو نا  
 ۲۱ ایشان نیز در ما بلک باشند نا جهان ایمان آردکه تو مرا فرستادی \* و من جلالی را  
 ۲۲ که چن دادی بایشان دادم تا بلک باشند چنانکه ما بلک هستم \* من در ایشان  
 و تو در من نا در بلک کامل کردند و نا جهان پداند که تو مرا فرستادی وایشانرا  
 ۲۳ محبت نمودی چنانکه مرا محبت نمودی \* ای پدر می‌غواهم آنایکه چن داده با من  
 باشند در جای که من می‌باشم تا جلال مرا که چن داده به پیشند زیرا که مرا پیش از  
 ۲۴ بنای جهان محبت نمودی \* ای پدر عادل جهان ترا نشناخت اما من ترا نشناختم  
 ۲۵ واینها شناخنه اند که تو مرا فرستادی \* واسم ترا بایشان شناسایید و خواهم شناساید  
 ۲۶ نا آن محبتی که چن نموده در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم \*

### باب هجدهم

۱ چون عیسی اینرا کفت با شاکرداخ خود بآن طرف وادی قدردن رفت و در  
 ۲ آنجا باغی بود که با شاکرداخ خود بآن در آمد \* و یهودا که نسلم کنده وی بود  
 آن موضع را میدانست چون هکه عیسی در آنجا با شاکرداخ خود بارها انخمن می‌مود

- ۳ پس یهودا لشکریان و خادمان از نزد رؤسای کهنه و فریسان برداشته با چراگها  
 ۴ و مشعلها و اسلحه با آنچا آمد \* آنکاه عیسی با اینکه آشکاه بود از آنچه میباشد بر  
 ۵ او واقع شود یپرون امث بایشان کفت کرا میطلید \* باو جواب دادند عیسی  
 ناصری را عیسی بدیشان کفت من هستم و یهودا که نسلم کنند او بود نیز بایشان  
 ۶ استاده بود \* پس چون بدیشان کفت من هستم برکشته بر زمین افتدند \* او  
 ۷ باز از ایشان سؤال کرد کرا میطلید \* کفتند عیسی ناصری را \* عیسی جواب داد  
 ۸ بشما کفتمن من هستم پس اکر مرآ میخواهد اینهارا بکذارید بروند \* تا آن سخن که  
 ۹ کفته بود نام کردد که از اینایکه بن داده بکجا اکم نکرده ام \* آنکاه شمعون پطروس  
 شمشیری که داشت کشید بغلام رئیس کهنه که ملوک نام داشت زده کوش راستش را  
 ۱۰ برید \* عیسی به پطروس کفت شمشیر خود را غلاف کن آیا جامیرا که پدر بن  
 ۱۱ داده است نوشم \* آنکاه سربازان و سرتیبان و خادمان یهود عیسی را کرفته اورا  
 ۱۲ بستند \* واول اورا نزد حنا بدرزن قیافا که در هانسال رئیس کهنه بود آوردنده \*  
 ۱۳ و قیافا هان بود که یهود اشاره کرده بود که بهتر است بلک شخص در راه فوم  
 ۱۴ پیرد \* اما شمعون پطروس و شاکردى دیگر از عقب عیسی روانه شدند و چون  
 ۱۵ آن شاکرد نزد رئیس کهنه معروف بود با عیسی داخل خانه رئیس کهنه شد \* اما  
 ۱۶ پطروس یپرون در استاده بود پس اشاكرد دیگر که اشنازی رئیس کهنه بود یپرون  
 ۱۷ امث با دریان کتفتکو کرد و پطروس را به اندر یون برد \* آنکاه آن کبزی که دریان  
 ۱۸ بود پطروس کفت آیا تو نیز از شاکردان این شخص نیست \* کفت نیست \* و غلامان  
 و خدمات آتش افروخته استاده بودند و خود را کرم میکردند چونکه هوا سرد بود  
 ۱۹ و پطروس نیز با ایشان خود را کرم میکرد \* پس رئیس کهنه از عیسی درباره  
 ۲۰ شاکردان و تعلم او پرسید \* عیسی باو جواب داد که من بجهان آشکارا سخن  
 کفته ام من هر وقت در کنسه و در هیکل جاییکه هه یهودیان بپوسته جمع  
 ۲۱ میشنند تعلم میدادم و در خفا چیزی نکفته ام \* چرا از من سؤال میکنی از کسانیکه  
 شنید اند بپرس که چه چیز بدیشان کفتمن \* اینکه ایشان میدانند آنچه من کنم \*  
 ۲۲ و چون اینرا کفت یکی از خادمان که در آنچا استاده بود طایفچه بر عیسی زده  
 ۲۳ کفت آیا برئیس کهنه چنین جواب میدهی \* عیسی بدو جواب داد آکر بد کتم

۳۴ بیدی شهادت ده و آکر خوب برایجه مرا میزند \* پس حنّا اورا بسته بیند قیافا  
 ۳۵ رئیس کهنه فرنستاد \* و شمعون پطرس ایستاده خود را کرم میکرد \* بعضی بد و  
 ۳۶ کفتند آیا نویز از شاکردان او نیست \* او انکار کرده کفت نیست \* پس یکی  
 از غلامان رئیس کهنه که از خویشان آنکس بود که پطرس کوشش را بربد بود  
 ۳۷ کفت مکرمن ترا با او در باغ ندیدم \* پطرس باز انکار کرد که در حال خرس  
 ۳۸ بانک زد \* بعد عیسی را از نزد قیافا بدیوان خانه آوردند و صحیح بود وایشان  
 ۳۹ داخل دیوانخانه نشدند میادا نجس بشوند بلکه تا فصح را بخورند \* پس پیلاطس  
 ۴۰ بیند ایشان پرون آمد کفت چه دعوی برای شخص دارد \* در جواب او کفتند  
 ۴۱ اکر او بدکار نمیبود بتو تسلم نمیکردم \* پیلاطس بدیشان کفت شما اورا بکرید  
 موافق شریعت خود بر او حکم نمائید یهودیان بوی کفتند بر ما جایز نیست که  
 ۴۲ کسیرا بکشم \* تا قول عیسی تمام کردد که کتفه بود اشاره با آن قسم موت که باید  
 ۴۳ ببرد \* پس پیلاطس باز داخل دیوانخانه شد و عیسی را طلیبه باو گشت آیا تو  
 ۴۴ پادشاه یهود هستی \* عیسی باو جواب داد آیا تو اینرا از خود میکوئی با دیگران  
 ۴۵ در باره من بتو کفتند \* پیلاطس جواب داد مکر من یهود هستم اُست تو  
 ۴۶ و روسای کهنه ترا بن تسلم کردد \* چه کرده \* عیسی جواب داد که پادشاهی  
 من از اینجهان نیست \* اکر پادشاهی من از اینجهان ممیبود خدام من جنگ  
 میکردنند تا ببین د تسلم نشوم لیکن اکون پادشاهی من از این جهان نیست \*  
 ۴۷ پیلاطس باو کفت مکر تو پادشاه هستی \* عیسی جواب داد تو میکوئی که من  
 پادشاه هستم از اینجهان از متولد شدم و بجهة این در جهان آمدم تا به راستی  
 ۴۸ شهادت دهم و هر که از راستی است سخن مرا میشنود \* پیلاطس باو کفت  
 راستی چیست و چون اینرا بکفت باز بیند یهودیان پرون شده باشان کفت من  
 ۴۹ در این شخص هیچ عیسی یا نام \* و قانون شما این است که در عین فصح بجهة شما یک  
 ۵۰ نفر آزاد کم پس آیا میخواهد بجهة شما پادشاه یهودرا آزاد کنم \* باز همه فریاد  
 برآورده کفتند اورانی بلکه برآمبارا و برآبآ زد بود \*

## باب نوزدهم

۱ پس پیلاطس عیسی را کرفته تازیانه زد \* ولشکریان تاجی از خار باخته برسش

- ۳ کنارند و جامه ارغوانی بدو پوشانند \* و میکنند سلام ای پادشاه بهود  
 ۴ و طیانه بدو میزند \* باز بیلاطُس یرون آمَت بایشان کفت اینک اورا نزد شما  
 ۵ یرون آوردم تا بداند که در او هیچ عیبی نیافم \* آنکاه عیسی ماناجی از خار  
 ۶ ولباس ارغوانی یرون آمده بیلاطُس بدیشان کفت اینک آن انسان \* و چون  
 رؤسای کهنه و خدام اورا دیدند فریاد برآورده کنند صلیش کن صلیش کن \*  
 بیلاطُس بدیشان کفت شما اورا کرفه مصلوبش سازید زیرا که من در او عیبی  
 ۷ نیافم \* بهودیان بدو جواب دادند که ما شرعي داریم و موافق شریعت ما واجب  
 ۸ است که بهرد زیرا خود را پسر خدا ساخته است \* پس چون بیلاطُس اینرا  
 ۹ شنید خوف بر او زیاده مستولی کشت \* باز داخل دیوانخانه شد به عیسی کفت  
 ۱۰ تو از بگوی \* اما عیسی بدو هیچ جواب نداد \* بیلاطُس بدو کفت آیا بن  
 سخن نمیکوئی نمیدانی که قدرت دارم ترا صلیب کنم و قدرت دارم آزادت نمایم \*  
 ۱۱ عیسی جواب داد هیچ قدرت بر من نمیداشتی آکر از بالا بتواده نمیشد و از  
 ۱۲ اینجهه آنکس که مرا بتو نسلم کرد کاه بزرگتر دارد \* و از آنوقت بیلاطُس  
 خواست اورا آزاد نماید لیکن بهودیان فریاد برآورده میکنند که آکر این شخص را  
 رها کنی دوست قبصه نیستی هر که خود را پادشاه سازد برخلاف قبصه سخن کوید \*  
 ۱۳ پس چون بیلاطُس اینرا شنید عیسی را یرون آورده بر مسند حکومت در  
 ۱۴ موضعی که به بلاط و بعیرانی جانانَا کفته میشد نشست \* و وقت تهیه فصح  
 ۱۵ و قریب ساعت ششم بود پس بهودیان کفت اینک پادشاه شما \* بایشان  
 فریاد زدند اورا بردار برداره صلیش کن \* بیلاطُس بایشان کفت آیا پادشاه  
 شمار مصلوب کنم \* رؤسای کهنه جواب دادند که غیر از قبصه پادشاهی ندارم \*  
 ۱۶ آنکاه اورا بدیشان تسلم کرد تا مصلوب شود پس عیسی را کرفه بر دند \*  
 ۱۷ و صلیب خود را برداشته یرون رفت بوضعی که به جُمعه مسی بود و بعیرانی  
 ۱۸ آنرا جُمعه میکنند \* اورا در آنچه صلیب نمودند و دو نفر دیگر را از این طرف  
 ۱۹ و آنطرف و عیسی را در میان \* و بیلاطُس تصیرنامه نوشته بر صلیب کنار دارد  
 ۲۰ و نوشته این بود عیسی ناصری پادشاه یهود \* و این تصیرنامه را بسیاری از یهود  
 خوانند زیرا آنکه عیسی را صلیب کردن نزدیک شهر بود و آنرا بزبان عیرانی

۲۱ و بیونانی ولایتی نوشته بودند\* پس رؤسای کهنه بهود به پیلاطس کفتند منوبس  
 ۲۲ پادشاه بهود بلکه که او کفت من پادشاه بهود\* پیلاطس جواب داد آنچه نوشتم  
 ۲۳ نوشتم\* پس لشکر یان چون عیسی را صلیب کردند جامه های اورا برداشته چهار قسمت  
 کردند هر سپاهی را یک قسمت و پیراهن را نیز اما پیراهن درز نداشت بلکه تمامًا  
 ۲۴ از بالا بافته شد بود\* پس بیکدیگر کفتند اینرا با ره نکنم بلکه قرعه بر آن بیندازم  
 نا از آن که شود تمام کرد کتاب که میکوید در میان خود جامه های مرا نقسم  
 ۲۵ کردند و بر لباس من قرعه انکندند پس لشکر یان چین کردند\* و پایی صلیب  
 عیسی مادر او و خواهر مادرش مردم زن کلوپا و مردم مجده لیه ایستاده بودند\*  
 ۲۶ چون عیسی مادر خود را آتشا کردیکه دوست میداشت ایستاده دید با در خود  
 ۲۷ کفت ای زن اینک پست رو\* و با آن شاکرد گفت اینک مادر تو در هان ساعت  
 ۲۸ آتشا کرد اورا بجانه خود برد\* و بعد چون عیسی دید که هه چیز به انجام رسید  
 ۲۹ است نا کتاب تمام شود کفت نشنه ام\* و در آنچه ظرفی پُراز سر که کذارده بود  
 ۳۰ پس اسفنجی را از سر که پُرساخته و بر زوفا کذارده نزدیک دهان او بردند\* چون  
 ۳۱ عیسی سر کرا کرفت گفت تمام شد و سر خود را پائیں آورده جان بداد\* پس  
 بهودیان نا بدینها در روز سبت بر صلیب ناند چونکه روز نیمه بود و آن سبت روز  
 بزرگ بود از پیلاطس در خواست کردند که ساق پایه ای ایشان را بشکند و پائین  
 ۳۲ پیاورند\* آنکاه لشکر یان آمدند و ساقه ای آن اول و دیگر را که با او صلیب  
 ۳۳ شد بودند شکستند\* اما چون نزد عیسی آمدند و دیدند که پیش از آن مرده  
 ۳۴ است ساقه ای اورا نشکستند\* لکن بکی از لشکر یان بیهلوی او نیزه زد که در  
 ۳۵ آنساعت خون و آب یرون آمد\* و آنکی که دید شهادت داد و شهادت او  
 ۳۶ راست است و او میداند که راست میکوید تا شما نیز ایمان آورید\* زیرا که این  
 ۳۷ واقع شد نا کتاب تمام شود که میکوید استغوانی از او شکسته نخواهد شد\* و باز  
 ۳۸ کتاب دیگر میکوید آن کسیرا که نیزه زدند خواهد نکریست\* و بعد از این  
 ۳۹ یوسف که از اهل رامه و شاکرد عیسی بود لیکن مختنی بسبب ترس بهود از پیلاطس  
 خواهش کرد که جسد عیسی را بردارد. پیلاطس اذن داد پس آمک بدن عیسی را  
 برداشت\* ویندو دیس نیز که اول در شب نزد عیسی آمد بود مُرْ مظلوط باعوض

۴. فرب بصد رطل با خود آورد\* آنکه بدن عیسی را برداشته در کفن با حنوط  
 ۴۱ برم نگفتهن یهود بیچندن\* و در موضعی که مصلوب شد باغی بود و در باغ قبر  
 ۴۲ تازه که هر کز هیچ کس در آن دفن نشست بود\* پس بسبب نهیه یهود عیسی را در  
 آنجا کذار دند چونکه آن قبر نزدیک بود\*

## باب پیشمند

۱. بامدادان در اوّل هننه وقیک هنوز تاریک بود مردم مجدلیه بسر قبر آمد و دید  
 ۲. که سنت از قبر برداشته شده است\* پس دوان دوان نزد شیمعون پطرس و آن  
 شاکرد دیکر که عیسی اورا دوست میداشت آمک باشان کفت خداوندرا از قبر  
 ۳. برده‌اند و نبستانم اورا کجا کذاره‌اند\* آنکه پطرس و اشاکرد دیکر بیرون  
 ۴. شد بجانب قبر رفتد\* و هردو با هم میدویدند اما آن شاکرد دیکر از پطرس  
 ۵. پیش افناه اوّل بقیر رسید\* و خم شد کفترا کذاشته دید لیکن داخل نشد\*  
 ۶. بعد شیمعون پطرس نزد از عقب او آمد و داخل قبر کشته کفترا کذاشته دید\*  
 ۷. و دستالی را که بر سر او بود نه با کفن نهاده بلکه در جای علیجه بیچده\*  
 ۸. پس آن شاکرد دیکر که اوّل بسر قبر آمده بود نزد داخل شد دید و ایمان اورد\*  
 ۹. زیرا هنوز کتابرا نفهمید بودند که باید او از مردکان برخیزد\* پس آن دو شاکرد  
 ۱۰. بکان خود برکشند\* اما مردم بیرون قبر کرپان ایستاده بود و چون میکریست  
 ۱۱. بسوی قبر خم شد\* دو فرشته را که لباس سفید در برداشتند بکی بطرف سر  
 ۱۲. و دیکری بجانب قدم در جانیک بدن عیسی کذاره بود نشسته دید\* ایشان  
 بدوكشند ای زن برا بیچه کربانی\* بدیشان کفت خداوند مرآ برده‌اند و نبستانم اورا  
 ۱۳. کجا کذاره‌اند\* چون اینرا کفت بعض ملتفت شد عیسی را ایستاده دید لیکن  
 ۱۴. نشاخت که عیسی است\* عیسی بدوكشند ای زن برا بیچه کربانی کرا مطلبی.  
 ۱۵. چون او کان کرد که باغبان است بدوكشند ای آقا اکرتو اورا برداشته بن بکو  
 ۱۶. اورا کجا کذاره‌نا من اورا بردارم\* عیسی بدوكشند ای مردم او برکشند کفت  
 ۱۷. ربوی یعنی ای معلم\* عیسی بدوكشند مرآ ملس میکن زیرا که هنوز نزد پدر خود  
 بالازنفه ام ولیکن نزد برادران من رفته باشان بکو که نزد پدر خود و پدر شما

۱۸ و خدای خود و خدای شما میروم \* مریم مجده‌لیه آمن شاکرداز خبر داد که  
 ۱۹ خداوندرا دیدم و بن چنین کفت \* و در شام هانروز که یکشنبه بود هنکای  
 که درها بسته بود جاییکه شاکرداز بسبب نرس بهود جمع بودند ناکاه عیسی آمن  
 ۲۰ در میان ایستاد و بایشان کفت سلام بر شما باد \* و چون اینرا کفت دستها و پهلوی  
 ۲۱ خودرا بایشان نشان داد و شاکرداز چون خداوندرا دیدند شاد کشند \* باز  
 عیسی بایشان کفت سلام بر شما باده چنانکه پدر مرا فرستاد من نیز شما را میفرستم \*

۲۲ و چون اینرا کفت دید و بایشان کفت روح القدس را پایايد \* کاماهن آنایرا  
 ۲۳ که آمرزیدید برای ایشان امرزیه شد و آنایرا که بستید بسته شد \* اما تو ما که  
 ۲۴ یکی از آن دوازده بود واورا توأم میکفتند و قبیکه عیسی آمد با ایشان نبود \* پس  
 شاکرداز دیگر بدو کفتند خداوندرا دیده‌ام \* بایشان کفت تا در دو دستش  
 جای میخهارا نه بین و انکشت خودرا در جای میخهارا نه کذارم و دست خودرا بر  
 ۲۶ پهلویش نهم ایمان خواه اورد \* و بعد از هشت روز باز شاکرداز با تو ما  
 در خانه جمع بودند و درها بسته بود که ناکاه عیسی آمد و در میان ایستاده کفت  
 ۲۷ سلام بر شما باد \* پس بتوما کفت انکشت خودرا بایخا یاور و دستهای مرا به بین  
 ۲۸ و دست خودرا یاور و بر پهلوی من بکذار و بی ایمان میاش بلکه ایمان دار \* تو ما  
 ۲۹ در جواب وی کفت ایخداوند من وای خدای من \* عیسی کفت ای تو ما بعد  
 ۳۰ از دیدنم ایمان آورده خوش بحال انانیکه ندیدن ایمان آورند \* و عیسی مجررات  
 ۳۱ دیگر بسیار نزد شاکرداز نمود که در این کتاب نوشته نشد \* لیکن اینقدر نوشته  
 شدن ایمان آورید که عیسی صحیح و پسر خدا است و نا ایمان آورده باش او حیات  
 پایید \*

### باب پیست و پیک

- ۱ بعد از آن عیسی باز خودرا در کاره در بیان طبریه شاکرداز ظاهر ساخت
- ۲ و بر اینطور نمودار کشت \* شمعون پطرس و تو ما معرفت به توأم و تئاتریل که  
 از قانای جلیل بود و دو پسر زندی و دونقز دیگر از شاکرداز او جمع بودند \*
- ۳ شمعون پطرس بایشان کفت میروم ناصید ماهی کم ها و کفتند ما نیز با تو می‌ایم
- ۴ پس پیرون آمن بکشی سوار شدند و در آن شب چیزی نکرفند \* و چون صحیح شد

- ۰ عیسی بر ساحل ایستاده بود لیکن شاکردن ندانستند که عیسی است \* عیسی  
 ۶ بدیشان کفت ای بچه ها نزد شما خوراکی هست ، باو جواب دادند که نی \* بدیشان  
 کفت دام را بطرف راست کشی بیندازد که خواهید یافت پس انداختند واز  
 ۷ کثیر ماهی توانستند آنرا بکشند \* پس آن شاکردنی که عیسی او را محبت مینمود  
 بپرس کفت خداوند است \* چون شمعون بپرس شنید که خداوند است جامه  
 ۸ خود را بخوبیشن پیچید چونکه برهنه بود و خود را در دریا انداخت \* اما شاکردن  
 دیگر در زورق آمدند زیرا از خشکی دور نبودند مکر فرب بدوبست ذراع و دام  
 ۹ ماهی را میکشیدند \* پس چون بخشکی آمدند آتشی افروخته و ماهی بر آن کذارده  
 ۱۰ و نان دیدند \* عیسی بدیشان کفت از ماهی که آهن کرفته اید یاورید \* پس  
 شمعون بپرس رفت و دام را بر زمین کشید پُر از صد و پنجاه و سه ماهی بزرگ و با  
 ۱۲ وجودیکه اینقدر بود دام پاره نشد \* عیسی بدیشان کفت یا ناید بخورید ولی  
 احمدی از شاکردن جڑات نکرد که از او بپرسد توکستی زیرا میدانستند که  
 ۱۳ خداوند است \* آنکاه عیسی آمد و نان را کرفته بدیشان داد و هجین ماهی را \*  
 ۱۴ وابن مرتبه سه بود که عیسی بعد از برخاستن از مردکان خود را بشاکردن ظاهر  
 ۱۵ کرد \* و بعد از غذا خوردن عیسی بشمعون بپرس کفت ای شمعون پسر  
 بونا آیا مرا پیشتر از اینها محبت مینانی بد و کفت بلى خداوندا تو میدانی که نرا  
 ۱۶ دوست میدارم بد و کفت برهه ای مرا خوراک بکن \* باز در ثانی باو کفت ای  
 شمعون پسر بونا آیا مرا محبت مینانی باو کفت بلى خداوندا تو میدانی که نرا دوست  
 ۱۷ میدارم بد و کفت کوسفندان مرا شبانی کن \* مرتبه سه بد و کفت ای شمعون پسر  
 بونا مرا دوست میداری بپرس مخزون کشت زیرا مرتبه سه بد و کفت مرا دوست  
 میداری بس باو کفت خداوندا تو بر همه جیز و اف هستی \* تو میدانی که نرا دوست  
 ۱۸ میدارم . عیسی بد و کفت کوسفندان مرا خوراک ده \* آمین آمین بنو میکویم و فبکه  
 جوان بودی کفر خود را بیستی و هرجا میخواستی میرفتی ولکن زمانیکه پیر شوی  
 دستهای خود را دراز خواهی کرد و دیگران ترا بسته بجا گذاشتند بخواهی نرا خواهند  
 ۱۹ برد \* و بدین سخن اشاره کرد که بچه قسم موت خدارا جلال حواهد داد و حون  
 ۲۰ این را کفت باو فرمود از عنقب من یا \* بپرس ملتنت شد آشاكرديکه عیسی او را

محبت مینمود دیدکه از عقب میآید و همان بود که بر سینه پوی وقت عشاء نگه  
 ۲۱ میزد و گفت خداوندا کبست آن که ترا نسلم میکند \* پس چون پطرس او را دید  
 ۲۲ بعضی گفت اینجا وند واو چه شود \* عیسی بدو گفت آکر بخواهم که او همان نا  
 ۲۳ باز آم ترا چه تو از عقب من بیا \* پس این سخن در میان برادران شهرت یافت که  
 آن شاکر دخواهد مرد لیکن عیسی بدون گفت که نمیرد بلکه آکر بخواهم که او همان  
 ۲۴ نا باز آم ترا چه \* و این شاکر دبست که بین چیزها شهادت داد و اینها را نوشت  
 ۲۵ و میدانم که شهادت او راست است \* و دیگر کارهای بسیار عیسی بجا آورد که آکر  
 فردًا فردا نوشته شود کمان ندارم که جهان هم کنجایش نوشته هارا داشته باشد \*

---

## كتاب اعمال رسولان

### باب اول

- ۱ صحبة اولرا انشاء نودم اي توقیلس در باره هه اموری که عبسی به عمل نهودن
- ۲ و نعلم دادن آنها شروع کرد \* تا آنروزیکه رسولان برگزینه خود را بروح القدس
- ۳ حکم کرده بالا برده شد \* که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود خویشن را زند ظاهر کرد به دلیلای سیار که در مدت چهل روز بر ایشان ظاهر میشد و در
- ۴ باره امور ملکوت خدا سخن میکفت \* و چون با ایشان جمع شد ایشان را قدغن فرمود که از اورشلم جدا مشوید بلکه متظر آن وعد پدر باشد که از من
- ۵ شبک اید \* زیرا که بمحی بآب تعبد میکند لیکن شما بعد از اندک آیای بروح القدس
- ۶ تعبد خواهید یافت \* پس آنانیکه جمع بودند از او سؤال نموده کفتند خداوندا
- ۷ آیا در این وقت ملکوت را بر اسرائیل باز بر قرار خواهی داشت \* بدیشان کفت از شما نیست که زمانها واوقاتیرا که پدر در قدرت خود نکاه داشته است بدانید \*
- ۸ لیکن چون روح القدس بر شما میآید قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید
- ۹ بود در اورشلم وغایی یهودیه وسامع ونا اقصای جهان \* و چون اینرا کفت وقیکه ایشان هی نکریستند بالا برده شد و ابری اورا از چشمان ایشان درزید\*
- ۱۰ و چون بسوی آسمان چشم ذوقته میبودند هنکامیکه او میرفت ناکاه دو مرد سفید
- ۱۱ بوش بزد ایشان ایستاده \* کفتند ایردان جلیل چرا ایستاده بسوی آسمان نکراید هین عبسی که از زند شما با آسمان بالا برده شد باز خواهد آمد بهمین طوریکه اورا
- ۱۲ بسوی آسمان روانه دیدید \* آنکاه با اورشلم مراجعت کردن از کوه مسی بزیتون که تزدیک با اورشلم همسافت سفریک روز سبت است \* و چون داخل شدند بالا خانه برآمدند که در آنجا پطرس و یوحنا و یعقوب و آندریاس و فیلیپ و توما

- و برَنَوْلَا و مَقْنَى و عَنْوَبْ بَنْ حَلْفَى و شِعْوُنْ غَيْرَ و بَهُودَى بَرَادَرْ يَغْوَبْ مَقْمَى  
 ۱۲ بَوْدَنْدَ \* و جَمِيعَ إِيْهَا بَا زَنَانْ و مَرْمَ مَادَرْ عَبَسَى و بَرَادَرَانْ اوْ يَكَدَلْ دَرَعَادَتْ  
 ۱۳ و دَعَا مَوَاطِبَ مَيْ بَوْدَنْدَ \* و دَرَآنْ اِيَّامْ يَطْرُسْ دَرَمِيَانْ بَرَادَرَانْ كَهْ عَدَدْ اِسَائَى  
 ۱۴ اِيشَانْ جَمَلَةْ قَرِيبَ بَصَدْ و بَيْسَتْ بَوْدْ بَرَخَاسْتَهْ كَفَتْ \* اَى بَرَادَرَانْ مِيَابَسْتَ آَنْ  
 نَوْشَهْ نَامَ شَوْدَهْ كَهْ رَوْحَ الْقَدَسَ اِزَيَانْ دَاوَدْ يَيْشَ كَفَتْ دَرَبَارَهْ بَهُودَا كَهْ رَاهَهَا  
 ۱۵ شَدْ بَرَايَ اَنَانِكَهْ عَبَسَى رَا كَرْفَتَنْدَ \* كَهْ اوْ بَا مَا مَحْسُوبَ شَتَّ نَصِيبَيَ دَرَايَنْ خَلْدَتْ  
 ۱۶ يَافَتْ \* پَسْ اوْ اَزْ اَجْرَتْ ظَلَمَ خَوْدَ زَمِينَ خَرِيدَهْ بَرَوَى دَرَاقَادَهْ اِزمَيَانْ پَارَهْ شَدْ  
 ۱۷ وَنَمَائِي اَعْيَاشَ رِيخَنَهْ كَشَتْ \* و بَرَنَامْ سَكَنَهْ اوْرَشَلَمْ مَعْلُومَ كَرْدَيَدَ چَنَانِكَهْ آَنْ  
 ۱۸ زَمِينَ دَرَلَغَتْ اِيشَانْ بَحْقَلَ دَمَا بَعْنَيَ زَمِينَ خَوْنَ نَامِيَتْ شَدْ \* زَيرَا دَرَكَابَ زَيْورَهْ  
 مَكْتُوْسَتَ كَهْ خَانَهْ اوْ خَرَابَ بَشَوْدَهْ وَهِيجَ كَسَ دَرَآنْ مَسْكَنَ تَكِيرَدَ وَنَظَارَتَشَرا  
 ۱۹ دَبَكَرَى ضَبَطَ غَابَدَ \* الْحَالَ مِيَابَادَ اِزَانْ مَرَدَمَانِكَهْ هَرَاهَانَ ما بَوْدَنْ دَرَنَامَ آَنْ  
 ۲۰ مَذَنِيَكَهْ عَبَسَى خَداوَنْدَ بَا مَا آَمَدَ وَرَفَتَ مَيَكَرَدَ \* اِزَيَانْ تَعَيَّدَ بَعْبَيَ تَا رَوزِيَكَهْ اَزْ  
 ۲۱ نَزَدَ ما بَالَهَرَدَهْ شَدَ يَكَى اِزَيَشَانْ بَا مَا شَاهَدَ بَرَخَاستَنَ اوْ شَوْدَ \* آَنَكَاهْ دَوَنَرَ  
 بَعْنَيَ يَوْسَفَ مَسَقَهْ بَهْ بَرَسَابَا كَهْ بَهْ بُوْسَنْ مَلْقَبَ بَوْدَ وَمَيَباَسَ رَا بَرَ پَا دَاشَتَنَدَ \*  
 ۲۲ وَدَعَا كَرَدَهْ كَفَنَدَ تَوَايَ خَداوَنْدَ كَهْ عَارَفَ قَلْوبَهْ هَهَ هَسَنَهْ بَنَهَا كَدَامَ بَلَكَ اِزَابَنْ  
 ۲۳ دَوَرَا بَرَكَيَهْ \* تَا قَسْمَتَ اِينَ خَدَمَتْ وَرَسَالَتَرَا يَيَابَادَ كَهْ بَهُودَا اِزَانَ بَارَ  
 ۲۴ اَفَنَادَهْ بَكَانَ خَوْدَ يَبَوْسَتْ \* پَسْ فَرَعَهْ بَنَامْ اِيشَانْ اَفَكَدَنْدَ وَفَرَعَهْ بَنَامْ مَيَباَسَ بَرَ  
 آَمَدَ وَأَوْبَا بازَدَهْ رَسَولَ مَحْسُوبَ كَشَتْ \*

## باب دوم

- ۱ وَجَونْ زَوْزَ بَنَطِيلِيَكَاستْ رَسِيدَ بَلَكَ دَلَ درَبَجا بَوْدَنْدَ \* كَهْ نَاكَهْ آَوازَيَ جَونْ  
 صَدَائِيَ وَزَيَنَ بَادَ شَدَدَ اِزَاهَانَ آَمَدَ وَغَامَ اَخَانَهَرَا كَهْ درَآَنَجَا نَشَستَهْ بَوْدَنْدَ  
 ۲ بَرُسَاحَتْ \* وَزَيَانَهَاءِيَ مَنَقَمَ شَتَّ مَلَ زَيَانَهَاءِيَ آَنَشَ بَدِيشَانْ ظَاهَرَ كَشَتَهْ بَرَ هَرَ  
 ۳ يَكَى اِزَيَشَانْ قَرَارَ كَرَفتْ \* وَهَهَ اِزَرَوْحَ الْقَدَسَ بَرَ كَشَتَهْ بَزَيَانَهَاءِيَ مَخْلَفَ بَنَوْعَيَكَهْ  
 ۴ رَوْحَ بَدِيشَانْ قَدَرَتْ تَلَقَّظَ بَخْشَيدَ بَعْنَيَ كَفَنَ شَرَوْعَ كَرَدَنْدَ \* وَمَرَدَمْ بَهُودَ دَيَنَ دَارَ  
 ۵ اِزَهَرَ طَابِيَهْ زَيرَفَلَكَ درَ اُرَشَلَمَ مَنَزَلَ مَيَادَشَتَنَدَ \* پَسْ جَونَ اِينَ صَدا بلَندَ شَدَ

کروهی فرام شد در حیرت افتدند زیرا هر کس لغت خود را از ایشان شنید \*

۷ وله مهوت و متوجه شد به یکدیگر می‌گفتند مگر همه اینها که حرف میزند جلیلی  
۸ نیستند \* پس چون است که هر یکی از ما لغت خود را که در آن نولد یافته ام  
۹ می‌شنویم \* پارتیان و مادیان و علامیان و ساکنان جزیره و یهودیه و گپدُکا و پنتسُ  
۱۰ و آسیا \* و فربِ صحیه و بِعْدَلیه ومصر و نواحی لیلیا که متصل به قبروان است و غربیان از  
۱۱ روم یعنی بهودیان و جدیدان \* و اهل گریت و عرب اینها می‌شنویم که بزیانهای  
۱۲ ما ذکر کریائی خدا می‌کنند \* پس همه در حیرت و شک افتدند به یکدیگر گفتند  
۱۳ این بخجا خواهد انجامید \* اما بعضی استهزاء کنان گفتند که از خمر نازه مست  
۱۴ شد اند \* پس پطرس با آن بارده برخاسته آواز خود را بند کرده بدیشان  
کفت ای مردان یهود و جمیع سکنه اورشلم اینرا بدانید و سخنان مرا فرا کپرید \*

۱۵ زیرا که اینها مست نیستند چنانکه شیا کان تپرید زیرا که ساعت ستم از روز است \*

۱۶ بلکه این هاست که بوئیل نبی کفت \* که خدا می‌کوید در ایام اخر چنین خواهد  
بود که از روح خود برنام بشرخواهم ریخت و پسران و دختران شا نبوت کنند  
۱۷ و جوانان شا رؤیاها و پیران شا خوابها خواهند دید \* و بر غلامان و کنیزان خود  
۱۸ در آن ایام از روح خود خواهم ریخت و ایشان نبوت خواهند نمود \* و از بالادر  
افلاک عجائب و از بائین در زمین آمادنا از خون و آتش و بخار دود بظهور آورم \*

۱۹ خورشید بظلمت و ماه بخون مبدل کردد قبل از وقوع روز عظیم مشهور خداوند \*

۲۰ و چنین خواهد بود که هر که نام خداوندرا بخواند نجات یابد \* ای مردان اسرائیلی  
این سخنانرا بشنوید، عبسی ناصری مردی که نزد شیا از جانب خدا مبرهن کشت  
به قوّات و عجائب و آبائی که خدا در میان شا ازا او صادر کردند چنانکه خود می  
دانید \* این شخص چون بر حسب اراده مستحکم و پیش دانی خدا تسلیم شد شما

۲۱ بدست کاهکاران بر صلیب کشید کشید \* که خدا دردهای موتنا کسته اورا  
۲۲ برخیزاند زیرا محال بود که موت اورا در بند نکاه دارد \* زیرا که داود در باره  
وی مهکوید خداوندرا هواره پیش روی خود دیدند که بدست راست من است  
۲۳ تا جنبش نخورم \* از این سبب دلم شاد کردید وزبانم بوجد آمد بلکه جسم نیز  
۲۴ در امید ساکن خواهد بود \* زیرا که نفس مرا در عالم اموات نخواهی کذاشت

۲۸ واجازت خواهی داد که قدم‌وس تو فسادرا به بیند\* طریق‌های حیاترا هن آموختن  
 ۲۹ ومرا از روی خود بخزی سیر کردانید\* ای برادران میتوانم در باره داود  
 پطربازخ با شما بی محابا سخن کوم که او وفات نموده دفن شد و مقبره او نا امروز  
 ۳۰ درمیان ماست\* پس چون نبی بود و دانست که خدا برای او قسم خورد که از  
 ۳۱ ذرت صلب او بحسب جسد مسیح را برانکیزاند تا بر ثفت او بنشیند\* در باره  
 فیامت مسیح پیش دین کفت که نفس او در عالم اموات کذاشته نشد و جسد او  
 ۳۲ فسادرا نه بیند\* پس همان عیسی را خدا برخیزاند وله ما شاهد بر آن هستم\*  
 ۳۳ پس چون بدست راست خدا بالا برده شد روح القدس موعودرا از پدر بافعه  
 ۳۴ اپنرا که شا حال می بینید و میشنوید ریخته است\* زیرا که داود به آسان صعود  
 نکرد لپکن خود میکوبد خداوند بخداوند من کفت هر دست راست من بشین\*

۳۵ نا دشمنانت را پای انداز تو سازم\* پس جمیع خاندان اسرائیل بقیناً بدانند که خدا  
 ۳۶ هین عیسی را که شا مصلوب کردید خداوند و مسیح ساخته است\* چون شنیدند  
 ۳۷ دل ریش کشته به پطرس و سایر رسولان کفتند ای برادران چه کنم\* پطرس  
 بدشان کفت توبه کنید و هر یک از شما باش عیسی مسیح بهجه آمرزش کامان تعید  
 ۳۸ که بی دعوه و عطا روح القدس را خواهید یافت\* زیرا که این وعد است برای شما  
 و فرزندان شما وله آنانکه دوراند بعنی هر که خداوند خدای ما اورا بخواند\*  
 ۴۰ و بختان بسیار دیگر بدشان شهادت داد و موعظه نموده کفت که خودرا از این  
 ۴۱ فرقه کج رو رستکار سازید\* پس ایشان کلام اورا پذیرفته تعید کرفتند و در همان  
 ۴۲ روز غمیناً سه هزار نفر بدشان پیوستند\* و در تعلم رسولان و مشارکت ایشان  
 ۴۳ و شکستن نار و دعاها مواظبت مینمودند\* وله خلق ترسیدند و معجزات  
 ۴۴ و علامات بسیار از دست رسولان صادر میکشت\* وله ایانداران با هم میزیستند  
 ۴۵ و در همه چیز شریک میبودند\* و املاک و اموال خودرا فروخته آنها را به رکس  
 ۴۶ بقدر احنجاش نقسم میکردند\* و هر روزه در هیکل یک دل پیوسته میبودند  
 ۴۷ و در خانه‌ها نازرا پاره میکردند و خوارکرا بخوشی و ساده دلی میغوردن\* و خدارا  
 حمد میکفتند و تزد نامی خلق عزیز میکردیدند و خداوند هر روزه ماجازرا بر کلیسا  
 می‌افزوید\*

## باب سیم

- ۱ و در ساعت نهم وقت خاز پطرس و بوجنّا با هم به هیکل میرفتند\* ناگاه  
مردبرا که لئک مادرزاد بود میبردند که اورا هر روزه برآن در هیکل که جمیل  
۲ نام دارد میکنداشتند نا از روندکان بهیکل صدقه بخواهد\* آن شخص چون پطرس  
۳ و بوجنّارا دید که بخواهد بهیکل داخل شوند صدقه خواست\* اما پطرس با  
۴ بوجنّارا بروی یک نگریسته کفت ها بنگر\* پس برایشان نظر افکن متظاهر بود که  
۵ از ایشان چیزی بکرد\* آنکاه پطرس کفت مرا طلا و نقره نیست اما آنچه دارم بنو  
۶ میدهم\* بنام عیسی مسیح ناصری برخیز و بخرام\* و دست راستش را کرفته اورا  
۷ برخیزانید که در ساعت پایها و ساقهای او فوت کرفت\* و بر جسته به ایستاد  
۸ و خرامید و با ایشان خرامان وجست و خیز کنان و خدارا حمد کویان داخل هیکل  
۹ شد\* و جمیع قوم اورا خرامان و خدارا تسبیح خوانان دیدند\* و چون اورا  
شناختند که همان است که بدیر جبل، هیکل بجهة صدقه می نشست بسبب این امر  
۱۰ که براو واقع شد منجب و مغیر کردند\* و چون آن لئک شفا بافته به پطرس  
و بوجنّا متنمک بود نمای قوم در روانی که به سلیمانی مسی است حرث زده  
۱۱ بستاناب کرد ایشان جمع شدند\* آنکاه پطرس ملنفت شد بدان جماعت  
خطاب کرد که اپرداز اسرائیلی چرا از این کار تعجب دارد و چرا بrama چشم  
۱۲ دو خنه اید که کویا بقوت و نتوای خود این شخص را خرامان ساختم\* خدای  
ابراهیم و اسحق و یعقوب خدای اجداد ما بند خود عیسی را جلال داد که شما تسلیم  
۱۳ نموده اورا در حضور پیلاطس انکار کردید هنکاریکه او حکم برها ندنش داد\* اما  
شما آن قدوس و عادل را منکر شد خواستید که مردی خون ریز شما بخشنید شود\*  
۱۴ و رئیس حیات را کشید که خدا اورا از مردکان برخیزانید و ما شاهد براو هستم\*  
۱۵ و بسبب ایمان به اسم او این شخص را که می بینید و بستانابد قوت بخشنید  
۱۶ است مل آن ایمانی که بوسیله اوست این کسرا پیش روی همه شما این محنت کامل  
۱۷ داده است\* والحال ای برادران میدانم که شما و چندین حکام شما اینرا بسبب  
۱۸ ناشناسانی کردید\* ولیکن خدا آن اخبار را که بنیان جمیع انبیای خود پیش کفته

- ۱۹ بود که مسیح باید زحمت پند هین طور به انجام رساند \* پس نوبه و بازگشت کرد  
 ۲۰ ناکاهان شما محوكدد ونا اوقات استراحت از حضور خداوند بررسد \* و عیسی  
 ۲۱ سچر اکه از اول برای شما اعلام شد بود بفرستند \* که می باید آسمان اورا پذیرد  
 نا زمان معادِ هه چیز که خدا از بدی عالم بزیان جمیع انسیای مقدس خود از آن  
 ۲۲ اخبار نمود \* زیرا موسی به اجداد کفت که خداوند خدای شما نبی مثُل من از میان  
 برادران شما برای شما برخواهد انجفته کلام اورا در هر چه بشما نکم کند بشنوید \*  
 ۲۳ وهر نبی که آن نبی را نشود از قوم منقطع کردد \* و جمیع انسیاه نیز از سمویل  
 ۲۴ و آنیکه بعد ازاونکم کردند از این آیام اخبار نمودند \* شما هستند اولاد پیغمبران  
 و آن عدیکه خدا با اجداد ما بست و قنیکه به ابراهیم کفت از ذرت تو جمیع فیلیل  
 ۲۵ زمین برکت خواهند یافت \* برای شما اولًا خدا بند خود عیسی را برخیزانید  
 فرستاد نا شمارا برکت دهد ببرکردن این هر بکی از شما از کاهانش \*

#### باب چهارم

- ۱ و چون ایشان با قوم سخن میکشند کهنه و سردار سپاه هیکل و صدوقیان برسر  
 ۲ ایشان ناخند \* چونکه مضطرب بودند از اینیکه ایشان قوم را تعلم میدادند و در  
 ۳ عیسی بقیامت از مردکان اعلام می نمودند \* پس دست بر ایشان اندادخه نا فردا  
 ۴ محبوس نمودند زیرا که آن وقت عصر بود \* آنها بسیاری از آنایکه کلام را شنیدند  
 ۵ ایمان آوردند و عدد ایشان فریب به پنج هزار رسید \* بامدادان رؤساه و مشاعی  
 ۶ و کتابان ایشان در اورشلم فرام آمدند \* با حتای رئیس کهنه و قیافا و پوختا  
 ۷ و اسکندر و همه کسانیکه از قبیله رئیس کهنه بودند \* و ایشان را در میان بدانستند  
 ۸ واز ایشان پرسیدند که شما بکدام فوت و مجده نام این کار را کرده اید \* آنکاه پطرس  
 ۹ از روح القدس پرشیک بدیشان کفت ای رؤسای قوم و مشاعی اسرائیل \* اکر  
 امروز از ما بازرس میشود در باره احسانی که بدین مرد ضعیف شد یعنی بجه  
 ۱۰ سب او صحبت یافته است \* جمیع شما و تمام قوم اسرائیل را معلوم باد که بنام عیسی  
 سچع ناصری که شما مصلوب کردید و خدا اورا از مردکان برخیزانید در او این کس  
 ۱۱ بجهور شما تندرست ایستاده است \* اینست آن سنکی که شما معماران انرا رد

- ۱۲ کردید و الحال سر زاویه شده است \* و در هیچ کس غیر از او نجات نیست زیرا  
 ۱۳ که اسی دیگر زیر آسمان ہردم عطا نشک که بدان باید ما نجات بایم \* پس چون  
 دلیری پطرس و یوحنا را دیدند و دانستند که مردم بی علم و ای می هستند نقیب کردند  
 ۱۴ واشانرا شناختند که از هراها ن عیسی بودند \* و چون آن شخص را که شفا باقه  
 ۱۵ بود با ایشان استاده دیدند توانستند بضد ایشان چیزی کویند \* پس حکم کردند  
 ۱۶ که ایشان از مجلس پیرون روند و با یکدیگر مشورت کرده کفتند \* که با این دو  
 شخص چه کنم زیرا که بر جمیع سکنه اورشلم واضح شد که معجزه آشکار از ایشان  
 ۱۷ صادر کردید و غیتوانم انکار کرد \* لیکن تا پیشتر در میان قوم شیوع نیابد ایشان را  
 ۱۸ سخت تهدید کنم که دیگر با هیچ کس این اسم را بزیان نیاورند \* پس ایشان را  
 ۱۹ خواسته قدغن کردند که هر کر نام عیسی را بزیان نیاورند و تعلم ندهند \* اما  
 پطرس و یوحنا در جواب ایشان کفتند اگر نزد خدا صواب است که اطاعت شمارا  
 ۲۰ براطاعت خدا نرجع دهم حکم کنید \* زیرا که مارا امکان آن نیست که آنچه دید  
 ۲۱ و شنید ام نکوئم \* و چون ایشان را زیاد تهدید نموده بودند آزاد ساختند چونکه  
 راهی نیافتند که ایشان را معذب سازند بسبب قوم زیرا هم بواسطه آن ماجرا خدارا  
 ۲۲ تهدید می نمودند \* زیرا آن شخص که معجزه شفا دراو پدید کشت پیشتر از چهل  
 ۲۳ ساله بود \* و چون رهانی پافتد نزد رفقاء خود رفتند و ایشان را از آنچه روئای  
 ۲۴ کهنه و مشاجع بدیشان کفته بودند مطلع ساختند \* چون این را شنیدند آواز خود را  
 پیک دل بخدا بلند کرده کفتند خداوندا تو آنخدا هستی که آسان وزین و دریا  
 ۲۵ و آنچه در آنها است آفریدی \* که بوسیله روح القدس بزیان پدر ما و بنی خود  
 ۲۶ داود کتفی چرا امّتها هنکامه میکنند و قومها بباطل می اندیشند \* سلاطین زمین  
 برخاستند و حکام با هم مشورت کردند برخلاف خداوند و برخلاف مسجیش \*  
 ۲۷ زیرا که فی الواقع برینه قدوس نو عیسی که اورا مسح کردی هیرودیس و بنطیموس  
 ۲۸ پیلاطس با امّتها و قومها اسرائیل باهم جمع شدند \* نا آنچه را که دست و رای  
 ۲۹ تو از قبل مقدار فرموده بود بجا آورند \* و لآن ایخداؤند بهدیدات ایشان نظر  
 ۳۰ کن و غلامان خود را عطا فرما تا بدلیری نام بکلام تو سخن کویند \* به دراز کردن  
 دست خود بجهت شفا دادن و جاری کردن ایات و معجزات بنام بنی قدوس خود

۳۱ عیسی \* و چون ایشان دعا کرده بودند مکانیک در آن جمع بودند مجرکت آمد و هه  
 ۳۲ بروح القدس بر شن کلام خدارا بدایری میگفتند \* و جمله مؤمنین را بلک دل  
 و لک جان بود بحدیکه همچ کس چیزی از اموال خود را از آن خود نیدانست بلکه  
 ۳۳ هه چیزرا مشترک میداشتند \* و رسولان بقوت عظم بقیامت عیسی خداوند  
 ۳۴ شهادت میدادند و فضی عظم بر همکنی ایشان بود \* زیرا همچ کس از آن کروه  
 عجاج نبود زیرا هر که صاحب زمین یا خانه بود آنها را فروختند و قیمت میباخرا  
 ۳۵ آورده \* بقدمهای رسولان مینهادند و بهریک بقدر احیاجش نقسم مینمودند \*  
 ۳۶ و یوسف که رسولان او را بر نابا یعنی ابن الوعظ نقب دادند مردی از سبط لاوی  
 ۳۷ واز طاینه قبری \* زینی را که داشت فروخته قیمت آنرا آورد و پیش قدمهای  
 رسولان کذارد \*

## باب پنجم

- ۱ اما شخصی حنانیا نام با زوجه اش سفیر ملکی فروخته \* قدری از قیمت آنرا  
 با اطلاع زن خود نکاه داشت و قدری از آنرا آورده نزد قدمهای رسولان نهاد \*
- ۲ آنکاه پطرس کفت ای حنانیا چرا شیطان دلِ ترا بر ساخته است نا روح القدس را
- ۳ فربیب دهی و مقداری از قیمت زمین را نکاه داری \* آیا چون داشتی از آن تو  
 نبود و چون فروخته شد در اختیار تو نبود چرا اینرا در دل خود نهادی به انسان
- ۴ دروغ نکنی بلکه بخدا \* حنانیا چون این سخنان را شنید افتاده جان بداد و خوفی  
 شدید برهه شنوندکار این چیزها مستولی کشت \* آنکاه جوانان بر خاسته اورا
- ۵ کفن کردند و یرون برده دفن نمودند \* و تخفیتاً ساعت کنشت که زوجه اش  
 از ماجرا مطلع نشد درآمد \* پطرس بد و کفت مرا بکو که آیا زمین را بهم فهمت
- ۶ فروخیده کفت بلي بهمین \* پطرس بوي کفت برای چه منطق شدید نا روح  
 خداوندرا اغفان کنید اینکه پایهای آناییکه شوهر ترا دفن کردند برآسانه است
- ۷ و ترا هم یرون خواهند برد \* در ساعت پیش قدمهای او افتاده جان بداد و جوانان  
 داخل شد اورا مرده یافتد پس یرون برده بهلهلوی شورش دفن کردند \*
- ۸ و خوفی شدید نامی کلیسا و همه آنایرا که اینرا شنیدند فرو کرفت \* و آیات  
 و مجزرات عظیمه از دستهای رسولان در میان قوم بظهور میرسد و هه پیکدل

- ۱۳ در رواق سلیمان میبودند \* اما احدی از دیگران جزوی نی کرد که بدیشان ملحق  
 ۱۴ شود لیکن خلق ایشان را محترم میداشتند \* و پیشتر این داران بخدا وند مخدومی شدند  
 ۱۵ آنبوی از مردان وزنان \* بقصبکه مربضان را در کوچها پرورون آوردند و پرسنرها  
 و غنیها خواهای بایدند تا وقتیکه پطرس آید افلاآسایه او بر بعضی از ایشان پهند \*  
 ۱۶ و کروی از بلدان اطراف اورشلم بیماران و زخمی دیدگان ارواح هیئت را آورد و جمع  
 ۱۷ شدند و جمیع ایشان شفا یافتند \* اما رئیس کهنه و همه رفقاءش که از طایفه  
 ۱۸ صدوقیان بودند برخاسته پیریت پُرکشند \* و بر رسولان دست انداده ایشان را  
 ۱۹ در زندان عام اندادهند \* شبانگاه فرشته خداوند درهای زندان را باز کرده و ایشان را  
 ۲۰ پرورون آورده کفت \* بروید و در هیکل ایستاده تمام سخنها این حیان را بدم  
 ۲۱ بکوئید \* چون اینرا شنیدند وقت غیر بهیکل در آمدند تعلم دادند اما رئیس کهنه  
 و رفقاءش آنکه اهل شوری و غمام مشاجع بین اسرائیل را طلب نموده بزندان فرستادند  
 ۲۲ تا ایشان را حاضر سازند \* پس خادمان رفته ایشان را در زندان نیافتد و پرسنر  
 ۲۳ خبر داده \* کفتند که زندان را به اختیاط تمام بسته باقیم و پاسانان را پرورون درها  
 ۲۴ ایستاده لیکن چون باز کردم هیچ کس را در آن نیافیم \* چون کاهن و سردار سپاه  
 هیکل و روئسای کهنه این سخنها شنیدند در باره ایشان در حیرت اتفاق دند که این  
 ۲۵ چه خواهد شد \* آنکه کسی آنکه ایشان را آسکا هایند که اینکه آنکسانیکه محبوب  
 ۲۶ نمودید در هیکل ایستاده مردم را تعلم میدهند \* پس سردار سپاه با خادمان رفته  
 ایشان را آوردند لیکن نه بزرور زیرا که از قوم نرسیدند که میادا ایشان سنه کسار  
 ۲۷ کنند \* و چون ایشان را بجهل حاضر کرده بريا بداشتند رئیس کهنه از ایشان پرسید  
 ۲۸ کفت \* مکر شمارا قدغن پلیغ نفرمودم که بدین اسم تعلم مدهیده همانا اورشلم را  
 بتعلم خود پرساخته اید و یعنواهید خون این مرد را بکردن ما فرود آرید \*  
 ۲۹ پطرس و رسولان در جواب کفتند خدا را میباید پیشتر از انسان اطاعت نمود \*  
 ۳۰ خدای پدران ما آن عیسی را بزرخیزانید که شما بصلیب کشید کشیدند \* اورا خدا  
 بر دست راست خود بالا برده سرور و نجات دهنده ساخت تا اسرائیل را نویه و امرزش  
 ۳۱ کاهان بدهد \* و ما هستیم شاهدان او بر این امور چنانکه روح القدس نیز است  
 ۳۲ که خدا او را بهمه مطیعان او عطا فرموده است \* چون شدیدند در لریش کشته

۴۴ مشورت کردند که ایشانرا بقتل رسانند\* اما شخصی فریضی غمایل نام که متفق و نزد نای خلق محترم بود در مجلس برخاسته فرمود تا رسولانرا ساعتی پرون بزند\*

۴۵ پس ایشانرا کفت ای مردان اسرائیلی بر حذر باشد از آنچه میتوانید با این اشخاص بکنید\* زیرا قبل از این ایام نیوادنای برخاسته خود را شخصی می پنداشت و کروهی فریب بیهار صد نفر بدلو پیوستند او کشته شد و منابعانش نیز پرآکده

۴۶ و نیست کردیدند\* و بعد از او یهودای جلیل در ایام اسم نوبی خروج کرد

۴۷ و جعیبرا در عقب خود کشیده او نیز هلاک شد و همه تابعان او پرآکن شدند\* الان بشما میکوم از این مردم دست بردارید و ایشانرا و آگذارید زیرا آکر این رای

۴۸ عمل از انسان باشد خود نبا خواهد شد\* ولی آکر از خدا باشد نمیتوانید آنرا ببرطرف نمود مبادا معلوم شود که با خدا ممتازه میکنید\* پس سخن اورضا دادند

۴۹ و رسولانرا حاضر ساخته تازیانه زدند و قدغن نمودند که دیگر بنام عیسی حرف

۵۰ نزنند پس ایشانرا مرتضی کردند\*. و ایشان از حضور اهل شوری شاد خاطر رفند از آنرو که شایسته آن شرده شدند که بجهة ایم اور سوانح کشند\* و هر روزه در هیکل و خانها از تعلم و مزده دادن که عیسی سمع است دست نمکنیدند\*

### باب ششم

- ۱ و در آن ایام چون شاکردان زیاد شدند هلینستان از عبرانیان شکایت برداشتند
- ۲ یوه زنان ایشان در خدمت یومبه بی بهن میمانندند\* پس آن دوازده جماعت شاکردانرا طلبین کفتند شایسته نیست که ما کلام خدرا نزک کرده مائدۀ ها را
- ۳ خدمت کنیم\* لهذا ای برادران هفت نفر نیک نام و بر از روح القدس و حکمت را
- ۴ از میان خود انتخاب کنید تا ایشانرا بر این مهم بکاریم\* اما ما خود را بعبادت
- ۵ و خدمت کلام خواهم سپرده\* پس تمام جماعت بدین سخن رضا دادند و استینفان مردی بر از ایمان و روح القدس و فیلیپ و پتروپُخرُز و بنکاتور و نیمیون و پرمیناس
- ۶ و نیقولاوسِ جدید از اهل آنطاکیه را انتخاب کرده\* ایشانرا در حضور رسولان
- ۷ بر با پداشتند و دعا کرده دست بر ایشان کذاشتند\* و کلام خدا ترقی نمود و عدد شاکردان در اورشلم بغاوت می افزود و کروهی عظیم از کوهه مطیع ایمان شدند\*

- ۸ اما ایستیفان بر از فیض وقت شد آیات و معجزات عظیمه در میان مردم ازاو
- ۹ ظاهر میشد \* و تی چند از کنیسه که مشهور است بکنیسه لیبرتینیان و قیروانیان
- ۱۰ و استکندریان و از اهل قبیقا و آسیا برخاسته با ایستیفان مبالغه میکردند \* و با آن
- ۱۱ حکمت و روحیجه او سخن میکفت بارای مکله نداشتند \* پس چند نفر ارا بر این داشتند که بگویند این شخص را شنیدم که ہوسی و خدا سخن کفر آمیز میکفت \*
- ۱۲ پس قوم و مشاعع و کانیاز شوراینه برسیروی تاختند و او را کرخان کرده به مجلس
- ۱۳ حاضر ساختند \* و شهود کذبه بر پا داشته کفتند که این شخص از کتن سخن کفر
- ۱۴ آمیز بر این مکان مقدس و توراه دست بر نمیدارد \* زیرا او را شنیدم که میکفت این عیسی ناصری این مکان را نیا سازد و رسوله را که نویسی با سپرد تغییر خواهد
- ۱۵ داد \* و همه کسانی که در مجلس حاضر بودند بر او چشم دوخته صورت ویرا مثل صورت فرشته دیدند \*

### باب هشتم

- ۱ آنکاه رئیس کهنه کفت آیا این امور چنین است \* او کفت ای برادران و پدران کوش دهد خدای ذوالجلال بر پدر ما ابراهیم ظاهر شد و فیکه در جزین بود قبل از توقفش در حرثان \* و بدوكفت ازوطن خود و خوبشانت پرون
- ۲ شده بزمی که نرانشان دم برو \* پس از دیار کلانیان روانه شد در حرثان در نک نمود و بعد از وفات پدرش او را کوج داد بسوی این زمین که شما آلان در آن ساکن میباشید \* و او را در این زمین میراثی حق بقدر جای پای خود نداد لیکن و عن داد که آنرا بوی و بعد ازاو بذریش بلکیت دهد هشکلیک هنوز اولادی
- ۳ نداشت \* و خدا اکفت که ذرت تو در ملک یکانه غریب خواهند بود و مدت چهارصد سال ایشان را به بندکی کشید معنیب خواهند داشت \* و خدا اکفت من بر آن طابنه که ایشان را ملوک سازند داوری خواهم نمود و بعد ازا آن پرون آمد
- ۴ درین مکان مرا عبادت خواهند نمود \* و عهد ختہ را بوی داد که بنا برین چون امحق را آورد در روز هشتم او را محنتون ساخت و اسحق بعنوب را و بعنوب دوازده بظری بارخ را \* و بظری بارخان یوسف حسد برد، او را به صرف خوند اما خدا با اوی میبود \* و او را از غانی زحمت او رستکار نموده در حضور فرعون ادشاه مصر

توافق و حکمت عطا فرمود تا اورا بر مصر و قام خاندان خود فرمان فرما فرار  
 ۱۱ داد \* پس قحطی و ضيق شد برهه ولاست مصر و کنعان رخ نمود بمنیکه اجداد  
 ۱۲ ما قوئی نیافتند \* اما چون بعقوب شید که در مصر غله یافت میشود بار اول  
 ۱۳ اجداد ما را فرستاد \* و در کرت دوم یوسف خود را به برادران خود شناساید  
 ۱۴ و قبیله یوسف بنظر فرعون رسیدند \* پس یوسف فرستاده پدر خود بعقوب  
 ۱۵ و سایر عیالش را که هفتاد و پنج نفر بودند طلیید \* پس بعنوب پسر فرود آمد  
 ۱۶ او و اجداد ما وفات یافتند \* و ایشان را بشکم برده در مقبره که ابراهیم از بنی  
 ۱۷ حمور پدر شکم به مبلغ خربه بود دفن کردند \* و چون هنگام وعده که خدا با  
 ۱۸ ابراهیم قسم خورده بود نزدیک شد قوم در مصر نمود که کثیر میکشند \* تا وقتی که  
 ۱۹ پادشاه دیگر که یوسف را نی شناخت برخاست \* او با قوم ما جبله نموده اجداد  
 ۲۰ ما را ذلیل ساخت تا اولاد خود را بیرون انداختند تا زیست نه کنند \* در آن وقت  
 موسی نولد یافت و بغايت جمیل بوده مدت سه ماه در خانه پدر خود بروش  
 ۲۱ یافت \* و چون اورا بیرون افکندند دختر فرعون اورا برداشته برای خود  
 ۲۲ بفرزندی تربیت نمود \* و موسی در نمایی حکمت اهل مصر تربیت یافته در قول  
 ۲۳ و فعل قوی کشت \* چون چهل سال از عمر وی سیری کشت بخاطرش رسید که  
 ۲۴ از برادران خود خاندان اسرائیل نتفد نماید \* و چون بسکیرا مظلوم دید اورا  
 ۲۵ حمایت نمود و انقام آن عاجزرا کشید آن مصری را بکشت \* پس کان برد که  
 برادرانش خواهد نمیشد که خدا بدست او ایشان را نجات خواهد داد اما نه میشدند \*  
 ۲۶ و در فردای آرزو خود را بدلو نفر از ایشان که منازعه مینمودند ظاهر گرد  
 و خواست ماین ایشان مصالحه دهد پس کفت ای مردان شما برادر میباشد به  
 ۲۷ بکدیگر چرا ظلم میکنید \* آنکه بر همایه خود تعددی مینمود اورا رد کرد  
 ۲۸ کفت که ترا بر ما حاکم و داور ساخت \* آیا بیخواهی مرا بکشی جنانکه آن مصر را  
 ۲۹ ذیروز کشی \* پس موسی از این سن فرار کرده در زمین مدبان غربت اختیار کرد  
 ۳۰ و در آنجا دو پسر آورد \* و چون چهل سال کنشت در پیان کوه سینا فرشته  
 ۳۱ خداوند در شعله آتش از بوته بوی ظاهر شد \* موسی چون اینرا دید از آن روزی  
 در عجب شد و چون نزدیک می آمد تا نظر گرد خطاب از خداوند بوی رسید \*

۲۲ که من خدای پدرانت خدای ابراهیم و خدای احیف و خدای یعقوب آنکه  
 ۲۳ موسی بزرگ در آمد جسارت نکرد که نظر کرد \* خداوند بوی کفت نعلین از  
 ۲۴ پا بهایت یرون کن زیرا جانیه در آن ایستاده زمین مقدس است \* همانا مشقت  
 قوم خودرا که در مصر انبوح دیدم و ناله ایشانرا شنیدم و برای رهانیدن ایشان نزول  
 ۲۵ فرمودم \* الحال پا ناترا بهصر فرمدم \* همان موسی را که رد کرده کفتند که ترا حاکم  
 و داور ساخت خدا حاکم و نجات دهنده مفتر فرموده بدست فرشته که در بوته بر  
 ۲۶ وی ظاهر شد فرمدم \* او با محجزات و آیانی که مدت چهل سال در زمین  
 ۲۷ مصر و بحر قلزم و صحراء بظهور می آورد ایشانرا یرون آورد \* این همان موسی است  
 که به بنی اسرائیل کفت خدا نبی را مثل من از میان برادران شما برای شما مبعوث  
 ۲۸ خواهد کرد صحن اورا بشنوید \* همین است آنکه در صحراء با آن  
 فرشته که در کوه سینا بدو سخن میکفت و با پدران ما بود و کلام زندگ را یافت نا  
 ۲۹ با رساند \* که پدران ما مخواستند اورا مطیع شوند بلکه اورا رد کرده دلهای خودرا  
 ۴۰ بسوی مصر کردندند \* و بهارون کفتند برای ما خدا یانه ساز که در پیش ما  
 بگرامند زیرا این موسی که مارا از زمین مصر برآورد نیدانم اورا چه شد است \*  
 ۴۱ پس در آن ایام کوساله ساختند و بدان بت فربانی کذرا نیه به اعمال دستهای  
 ۴۲ خود شادی کردند \* از این جهت خدا رو کردانه ایشانرا و آکذشت نا جنود  
 آسمان را پرستش غایبند چنانکه در صحیف انبیاء نوشته شد است که ای خاندان  
 اسرائیل آبای مدت چهل سال در پیابان برای من فربانیها و هدایا کذرا نیدند \*  
 ۴۳ و خیمه ملوک و کوکب خدای خود ریمانرا برداشند یعنی اصنام را که ساختند نا  
 ۴۴ آنها را عبادت کردند پس شمارا بدان طرف بایل متقل سازم \* و خوبی شهادت با  
 پدران ما در صحراء بود چنانکه امر فرموده بموی گفت آنرا مطابق غونه که دین  
 ۴۵ بساز \* و آنرا اجداد ما یافته همراه بوضع در آوردند بلکه امنیا نیک خدا آنها از  
 ۴۶ پیش روی پدران ما یرون افکند نا ایام داود \* که او در حضور خدا مستغص  
 ۴۷ گشت و درخواست نمود که خود مسکنی برای خدای یعقوب پیدا نماید \* اما  
 ۴۸ سليمان برای او خانه بساخت \* ولیکن حضرت اعلی در خانه های مصنوع دستها  
 ۴۹ ساکن نمیشد چنانکه نبی کفته است \* که خداوند میکوبد آسمان کریی منست

و زمین پای انداز من ه چه خانه برای من بنا میکنید و محل آرامیدن من کجا است \*  
 ۱۰ مسکر دست من جمیع این چیزها را نیافرید \* ای کردنکشان که به دل و کوش نا  
 ۱۱ مختونید شما پیوسته با روح القدس مقاومت میکنید چنانکه پدران شام چین شما \*  
 ۱۲ کبست از انبیاء که پدران شما بدو جنا نکردند و آنایرا کشتند که از آمدن ان  
 ۱۳ عادلی که شما بالفعل تسلیم کنندگان و قاتلان او شدید پیش اخبار نمودند \* شما  
 ۱۴ که بواسطه فرشتکان شریعت را با فه آنرا حفظ نه کردید \* چون اینرا شنیدند  
 ۱۵ دلیرش شد بروی دندانهای خود را فشردند \* اما او از روح القدس بُر بوده  
 ۱۶ بسوی آسمان نکریست و جلال خدارا دید و عیسی را بست راست خدا ایستاده  
 ۱۷ و کفت \* اینک آسمان را کشاده و سر انسان را بست راست خدا ایستاده می  
 ۱۸ آنکه با از بلند فریاد بر کشیدند و کوشاهای خود را کرفته یکدل بر او حمله  
 ۱۹ کردند \* واژ شهر بیرون کشید سکسارش کردند و شاهدان جامه های خود را  
 ۲۰ نزد پاپهای جوانی که سوئن نام داشت کشاندند \* و چون استیفان را سکسار  
 ۲۱ میکردند او دعا نموده کفت ای عیسی خداوند روح مرا پذیر \* پس زانوزده با آواز  
 ۲۲ لند ندا در داد که خداوندا این کاه را بر ابهای مکبره اینرا کفت و خواهد \*

### باب هشتم

۱ و سوئن در قتل او راضی مبود و در آنوقت جفا شدید بر کلیساي اورشلم  
 ۲ عارض کردید بحدبکه هه جز رسولان بنواحي بہودیه و سامن برآ گلن شدند \*  
 ۳ مردان صالح استیفان را دفن کرده برای وی ماتم عظیمی برای داشتند \* اما سوئن  
 ۴ کلیسara معذب میساخت و خانه بخانه کننه مردان وزنان را بر کشید بزندان می  
 ۵ افکند \* پس آنایکه متفرق شدند هر جاییکه میرسیدند بکلام بشارت  
 ۶ میدادند \* اما فیلیس به بدی از سام در آمد ایشان را همچ موعده می نمود \* مردم  
 ۷ بیکل بخنان فیلیس کوش دادند چون مجذبی را که ازاو صادر می گشت  
 ۸ میشنیدند وی دیدند \* زیرا که ارواح پلید از بسیاری که داشتند نعم زده بیرون  
 ۹ میشدند و مفلاجان و نیکان بسیار شناور یافتند \* و شادی عظیم در آن شهر روی  
 ۱۰ نمود \* اما مردی شمعون نام قتل از آن در آن قریه بود که جادوگری می نمود

۱۰. واهل سامون را متغیر میساخت و خود را شخصی بزرگ مینمود \* مجذبکه خورد و بزرک
۱۱. کوش داده میکنند اینست قوّت عظم خدا \* و بد و کوش دادند از آنرو که
۱۲. مدت مديدة بود از جادوکری او متغیر میشدند \* لیکن چون به بشارت فیلپس
- که بلهکوت خدا و نام عیسی مسح میداد ایمان آوردن مردان وزنان تعید یافتند \*
۱۳. و شمعون نیز خود ایمان آورد و چون تعید بافت هواره با فیلپس می بود وازدیدن
۱۴. آیات و قوّات عظیمه که ازا او ظاهر میشد در حیرت افتاد \* اما رسولان که
- در اورشلم بودند چون شنیدند که اهل سامون کلام خدا را پذیرفته اند پطرس
۱۵. و بیوختارا نزد ایشان فرستادند \* و ایشان امّت بجهة ایشان دعا کردند تا روح
۱۶. القدسرا پیابند \* زیرا که هنوز بر همیج کس از ایشان نازل نشک بود که بنام خداوند
۱۷. عیسی تعید باقه بودند و پس \* پس دستها بر ایشان کذارده روح القدس را
۱۸. یافتند \* اما شمعون چون بد که مغض کذاردن دستهای رسولان روح القدس را
۱۹. عطا میشود مبلغی پیش ایشان آورده \* کفت مرا نیز این قدرت دهد که پهکس
۲۰. دست کذاروم روح القدس را پیابد \* پطرس بد و گفت زرت با تو هلاک باد
۲۱. چونکه پنداشتی که عطای خدا بزر حاصل میشود \* ترا در این امر قسمت و بهن
۲۲. نیست زیرا که دلت در حضور خدا راست نمیباشد \* پس از این شرارت خود
۲۳. توبه کن واز خدا در خواست کن نا شاید این فکر دلت آمرزید شود \* زیرا که
۲۴. ترا می بینم در زهنه تلغ و قید شرارت کرفواری \* شمعون در جواب کفت شما برای
۲۵. من بخداوند دعا کنید نا چیزی از آنچه کنید بر من عارض نشود \* پس ارشاد نموده
- و بکلام خداوند نکلم کرده با اورشلم برکشند و در بسیاری از بلدان اهل سامون
۲۶. بشارت دادند \* اما فرشته خداوند به فیلپس خطاب کرده کفت برخیز
- و بجانب جنوب برای که ازا اورشلم بسوی غزه میرود که محراست روانه شو \*
۲۷. پس برخاسه روانه شد که ناکاه شخصی حبشه که خواجه سرا و مقندر نزد کننا که
۲۸. ملکه حبشه و بر غام خزانه او هنтар بود با اورشلم بجهة اشعيای نبی را مطالعه میکد \* آنکاه زوح
۲۹. مراجعت بر عربا به خود نشسته صحیفه اشعيای نبی را مطالعه میکد \* آنکاه زوح
۳۰. به فیلپس کفت پیش برو و با آن عربا همراه باش \* فیلپس پیش دوین شنید که
۳۱. اشعيای نبی را مطالعه میکند کفت آیا مینهش آنچه را میغوانی \* کفت چکونه میتوانم

مکر آنکه کسی مرا هدابت کند و از فیلیپ خواهش نمود که سوار شد با او بنشیند \*  
 ۲۳ و نفع از کتاب که بیخواند این بود که مثل کوستنی که بذبح برند و چون برة  
 ۲۴ خاموش نزد پشم برند خود همچین دهان خود را نمیکشاید \* در فروتنی او انصاف  
 ۲۵ از او منقطع شد و نسب اورا که میتواند تغیر کرد زیرا که حیات او از زمین  
 ۲۶ برداشته می شود \* پس خواجه سرا به فیلیپ ملتفت شد کفت از تو سؤال میکنم  
 ۲۷ که نبی اینرا در باره که میکوید در باره خود یا در باره کسی دیگر \* آنکاه فیلیپ  
 ۲۸ زبان خود را کشود و ازان نوشته شروع کرده ویرا عیسی بشارت داد \* و چون  
 ۲۹ در عرض راه بآیی رسیدند خواجه کفت اینک آب است \* از تعجب یافتم چه چیز  
 ۳۰ مانع میباشد \* فیلیپ کفت هرگاه بتمام دل ایمان آورده جایز است \* او در  
 ۳۱ جواب کفت ایمان آوردم که عیسی مسیح پسر خداست \* پس حکم کرد ناعرابه را  
 ۳۲ نکاه دارند و فیلیپ با خواجه سرا هردو بآب فرود شدند پس اورا تعجب داد \*  
 ۳۳ و چون از آب بالا آمدند روح خداوند فیلیپ را برداشته خواجه سرا دیگر اورا  
 ۳۴ نیافت زهرا که راه خود را بخوبی پیش کرفت \* آما فیلیپ در اشدواد پیدا شد  
 ۳۵ و در همه شهرها کنته بشارت میداد تا بقیصریه رسید \*

## باب نهم

- ۱ اما سولس هنوز نهدید و قتل بر شاکر دان خداوند هیدمید و نزد رئیس کنه
- ۲ آمد \* و از او نامه ها خواست بسوی کایسی که در دمشق بود تا آگر کسی را از
- ۳ اهل طربت خواه مرد و خواه زن بیابد ا بشانز بند بر نهاده باورشلم بیاورد \* و در
- ۴ انتای راه چون نزدیک بدمشق رسید ناکاه نوری از آسمان دور او در خشید \*
- ۵ و بزمین افتداده آوازی شنید که بد و کفت ای شاؤل شارمل برای چه بر من جفا
- ۶ میکنی \* لیکن برخاسته بشهر برو که آنجا بتوكته میشود چه باید کرد \*
- ۷ اما آنانیکه هم سفر او بودند خاموش استادند چونکه آن صدارا شنیدند لیکن همچ
- ۸ کس را ندینند \* پس سولس از زمین برخاسته چون چشمان خود را کشود همچ
- ۹ کس را ندید و دستش را کرفته اورا بدمشق بردند \* و سه روز نایینا بوده چیزی

- ۱۰ نخورد و نیاشامد \* و در دمشق شاکردنی حنانیا نام بود که خداوند در روزیا بدو
- ۱۱ کفت ای حنانیا عرض کرد خداوندا لبیک \* خداوند ویرا کفت برخیز
- و بکوچه که آنرا راست مینامند بشتاب و در خانه یهودا سولس نام طرسوسبرا
- ۱۲ طلب کن زیرا که اینک دعا میکند \* و شخصی حنانیا نامرا در خواب دید است
- ۱۳ که آنک بر او دست کذار د نا پینا کردد \* حنانیا جواب داد که ای خداوند در
- باره این شخص از بسیاری شنیده ام که هندسین تو در اورشلم چه مشتقتها رسانید \*
- ۱۴ و در اینجا نیز از رؤسای کهنه قدرت دارد که هر که نام ترا بخواند اورا حبس
- ۱۵ کد \* خداوند ویرا کفت برو زیرا که او ظرف برگزین من است نام ما پیش
- ۱۶ امنها و سلاطین و بنی اسرائیل ببرد \* زیرا که من اورا نشان خواهم داد که چه قدر
- ۱۷ رجنهای برای نام من باید بکند \* پس حنانیا رفته بدان خانه در آمد و دستها
- بروی کذارده کفت ای برادر شاول خداوند یعنی عیسی که در راهی که میآمدی
- ۱۸ برتو ظاهر کشت مرافستاد نا بینایی ببابی واژروح القدس پرشوی \* در ساعت
- ۱۹ از چشان او چجزی مثل فلس افتاده بینایی یافت و برخاسته نعید کرفت \* و غذا
- ۲۰ خورده قوت کرفت و روزی چند با شاکردن در دمشق توقف نمود \* و بنی
- ۲۱ درنک در کایس به عیسی موقعه مینمود که او پرس خداد است \* و آنایکه شنیدند
- نهم نموده مکر این کنند که خوانند کان این اسرارا در اورشلم
- پریشان مینمود و در اینجا مخصوص این آنک است نا ایشان را بند نهاده نزد رؤسای کهنه
- ۲۲ برد \* اما سولس پیشتر تقویت یافته یهودیان ساکن دمشق را بجانبی نمود و میرهن
- ۲۳ می ساخت که هین است مسیح \* اما بعد از مرور ایام چند یهودیان شوری نمودند
- ۲۴ نا اورا بکشند \* ولی سولس از شورای ایشان مطلع شد و شبانه روز بدروازها
- ۲۵ پاسانی مینمودند نا اورا بکشند \* پس شاکردن اورا در شب در زنیل کذارده
- ۲۶ از دیوار شهر پائین کردنده \* و چون سولس با اورشلم رسید خواست به شاکردن
- ۲۷ ملحق شود لبکن مه ازا او بتسیبدند زیرا باور نکردنده که از شاکردا نست \* اما
- بزنایا اورا کرفته بنزد رسولان برد و برای ایشان حکایت کرد که چگونه خداوند را
- در راه دیده و بد و نکلم کرده و چه طور در دمشق بنام عیسی بدلیری موقعه می
- ۲۸ نمود \* و در اورشلم با ایشان آمد و رفت می کرد و بنام خداوند عیسی بدلیری

۲۹ موعظه مینمود\* و با هلیستیان کفتکو و مباحثه میکرد اما در صدد کشن او بر  
 ۳۰ آمدند\* چون برادران مطلع شدند اورا فیصریه بردند و از آنجا بظرسوس روانه  
 ۳۱ نمودند\* آنکاه کلسا در نامی بهودیه و جلیل و سامع آرای یافتند و بنا میشدند  
 ۳۲ و در ترس خداوند و بتسلی روح القدس رفوار کرده هی افزودند\* اما پطروس  
 ۳۳ در همه مواعی کشته نزد مقدسین ساکن لدۀ نیز فرود آمد\* و در آنجا شخصی اینیاس  
 ۳۴ نام یافت که مدت هشت سال از مرض فالج برخخت خواید بود\* پطروس ویرا  
 کفت ای اینیاس عیسی مسح نرا شنا میدهد برخیز و بستر خودرا برچین که او در  
 ۳۵ ساعت برخاست\* و جمیع سکنه لدۀ وسaron او را دید بسوی خداوند بازگشت  
 ۳۶ کردند\* و در یافا نلینه طایبنا نام بود که معنی آن غزال است وی از اعمال  
 ۳۷ صالحه و صدقاتیکه میکرد پر بود\* از قضا در آن آیام او بیمار شد برد و اورا  
 ۳۸ غسل داده در بالاخانه کذار دند\* و چونکه لدۀ نزدیک یافا بود و شاکردان  
 شنیدند که پطروس در آنجا است دو نفر نزد او فرستاده خواهش کردند که در  
 ۳۹ آمدن نزد ما درنک نکنی\* آنکاه پطروس برخاسته با ایشان آمد و چون رسید  
 اورا بدان بالاخانه بردند و همه بیوزنان کریه کان حاضر بودند و پیراهنها و جامهای که  
 ۴۰ غزال و فتیکه با ایشان بود دوخته بود بوى نشان میدادند\* اما پطروس هم را  
 بیرون کرده زانو زد و دعا کرده بسوی بدن نوچه کرد و گفت ای طایبنا برخیز  
 ۴۱ که در ساعت چشمان خودرا باز کرد و پطروس را دید بشست\* پس دست او را  
 کرفه برخیز ایدش و مقدسان و بیوزنان را خواند اورا بدیشان زند سرد\*  
 ۴۲ چون این مقدمه در نامی یافا شهرت یافت بسیاری بخداوند ایان آوردند\*  
 ۴۳ و در یافا نزد دباغی شمعون نام روزی چند توقف نمود\*

### باب دهم

- ۱ و در فیصریه مردی کرنیلوس نام بود بیوزیاشی فوجی که به ایطالیانی مشهور
- ۲ است\* واوبا نامی اهل یتش منقی و خدا ترس بود که صدقه بسیار بقوم میداد
- ۳ و بیوسته نزد خدا دعا میکرد\* روزی نزدیک ساعت نهم فرشته خدارا در عالم
- ۴ روزیا آشکارا دید که نزد او آمد کفت ای کرنیلوس\* آنکاه او بر روی نیک

- نگرسته و نرسان کشته کفت چیست ابخدم او نده بوی کفت دعاها و صدفات تو بجهة  
 ۵ پادکاری بنزد خدا برآمد\* اکون کسانی یا فا بفترست و شمعون ملقب به پطروس را  
 ۶ طلب کن\* که نزد دیگری شمعون نام که خانه اش بکاره دریا است مهیا ناست.  
 ۷ او بتو خواهد کفت که ترا چه باید کرد\* و چون فرشته که بوی سعن میکفت  
 غایب شد دو نفر از نوکران خود و بلک سپاهی متقد از ملازمان خاص خوشنور را  
 ۸ خوانند\* نامی ماجرا را بدیشان باز کشته ایشان را یافا فرستاد\* روز دیگر چون  
 از سفر نزدیک شهر میرسیدند قریب ساعت ششم پطروس بیام خانه برآمد تا دعا  
 ۹ کند\* و واقع شد که کرسنه شده خواست چیزی بخورد اما چون برای او حاضر  
 ۱۰ میکردند بیخودی اورا رخ نمود\* پس آسمان را کشاده دید و ظرف را چون چادری  
 ۱۱ بزرک بسیار کوشیده بسته بسوی زمین آویخته براو نازل میشد\* که در آن هر  
 ۱۲ قسو از دولت و وحش و حشرات زمین و مرغان هوا بودند\* و خطابی بوی  
 ۱۳ رسید که ای پطروس برخاسته ذبح کن و بخور\* پطروس کفت خانه خداوندان زیرا  
 ۱۴ چیزی ناپاک یا حرام هر کسر خورده ام\* بار دیگر خطاب بوی رسید که آنچه خدا  
 ۱۵ باک کرده است نو حرام خوان\* و این سه مرتبه واقع شد که در ساعت آن ظرف  
 ۱۶ پاسمان بالا برده شد\* و چون پطروس در خود بسیار مخیّر بود که این روایی که  
 ۱۷ دید چه باشد ناکاه فرستاد کلن کرنیلیوس خانه شمعون را شخصی کرده بر درکه  
 ۱۸ رسیدند\* وندای کرده میرسیدند که شمعون معروف به پطروس در اینجا منزل دارد\*  
 ۱۹ و چون پطروس در رویا نقگر میکرد روح ویرا کفت اینک سه مرد ترا میطلبند\*  
 ۲۰ پس برخاسته پائین شو و هر راه ایشان برو و هیچ شک میرزیرا که من ایشان را  
 ۲۱ فرستاد\* پس پطروس نزد آنانی که کرنیلیوس نزد وی فرستاده بود پائین آمد  
 ۲۲ کفت اینک من آنکس که میطلبید سبب امدن شما چیست\* کفتند کرنیلیوس  
 بوزیاشی مرد صالح و خدا نرس و نزد نامی طائفة یهود نیک نام از فرشته مقدس  
 ۲۳ الهم یافت که ترا بخانه خود بطلب و سخان از تو بشنود\* پس ایشان را بخانه برده  
 مهیا نمود و فردای آنروز پطروس برخاسته هر راه ایشان روانه شد و چند نفر از  
 ۲۴ برادران یافا هر راه او رفند\* روز دیگر وارد فیصله شدند و کرنیلیوس خویشان  
 ۲۵ و دوستان خاص خود را خواند انتظار ایشان میکشید\* چون پطروس داخل شد

۳۶ کرنلیوس او را استقبال کرده بر پایه ایش افتاده پرستش کرد\* اما بطرس او را  
 ۳۷ برخیز اینک کفت برخیز من خود نیز انسان هست\* و با او کتف کوکان بخانه در  
 ۳۸ آمدن جمعی کثیر یافت\* پس بدیشان کفت شما مطلع هستید که مرد یهودی را با  
 شخص اجنبی معاشرت کردن یا نزد او آمدن حرام است لیکن خدا من تعلم داد  
 ۳۹ که هیچ کس راحرام یا نفس خواهیم\* از این جهه هجرت خواهش شما بی تأمل آمد  
 ۴۰ والحال میرسم که از برای چه مرا خواسته اید\* کرنلیوس کفت چهار روز  
 قبیل از این نا این ساعت روزه دار میبودم و در ساعت نهم در خانه خود دعا  
 ۴۱ میکردم که ناکاه شخصی بالباس نورانی پیش من بایستاد\* و کفت ای کرنلیوس  
 ۴۲ دعای نو مستجاب شد و صدقات تو در حضور خدا یاد آورد کردید\* پس یافا  
 بفرست و شمعون معروف به بطرس را طلب نمایم که در خانه شمعون دیگر بکاره دریا  
 ۴۳ مهیانت است او چون باید با تو همن خواهد راند\* پس بی تأمل نزد تو فرستادم  
 و نونیکو کردی که آمدی الحال هه در حضور خدا حاضر نمایم که خدا بنو فرموده  
 ۴۴ است بشنوم\* بطرس زبان را کشود کفت فی الحقیقہ یافته ام که خدارا نظر  
 ۴۵ بظاهر نیست\* بلکه از هر آنچه هر که از او ترسد و عمل نیکو کند نزد او متغیر  
 ۴۶ کردد\* کلامبرای که نزد بین اسرائیل فرستاد چونکه بسلطنت عیسی مسیح که  
 ۴۷ خداوند هه است بسلامی بشارت میداد\* آن سخن را شما میدانید که شروع آن از  
 جلیل بود و در نمایی یهودیه منتشر شد بعد از آن تعمیدی که بمحیی بدان موعظه  
 ۴۸ مینمود\* یعنی عیسی ناصر برای که خدا او را چکونه بروح القدس وقوت میخود  
 که او سیر کرده اعمال نیکو بجا میآورد و همه مفهورین الپیس را شفا میبخشد زیرا  
 ۴۹ خدا با وی میبود\* و ما شاهد هستم بر جمیع کارهای که او در مژده بیوم یهود و در  
 ۵۰ اورشلم کرد که او را نیز بر صلیب کشید کشند\* همان کس را خدا در روز سیم  
 ۵۱ برخیز اینک ظاهر ساخت\* لیکن نه بر غایی فوم بلکه بر شهودی که خدا پیش برگزید  
 ۵۲ بود یعنی مایانی که بعد از برخاستن او از مردکان با او خورد و آشامیدام\* و مارا  
 ۵۳ مأمور فرمود که بقوم موعظه و شهادت دهم بدینکه خدا او را مقرر فرمود نا داور  
 ۵۴ زندگان و مردکان باشد\* و جمیع انبیاء بر او شهادت میدهند که هر که بموی ایمان  
 ۵۵ آورد باسم او آمرزش کنادهان را خواهد یافت\* این سخنان هنوز بر زبان بطرس

- ۴ بود که روح القدس بر همه آنانکه کلام را شنیدند نازل شد \* و مؤمنان از اهل ختنه که هراه پطرس آمد بودند در حیرت افتادند از آنکه برآمتهای نیز عظایی روح القدس افاضه شد \* زیرا که ایشان را شنیدند که بزبانها متكلّم شده خدارا
- ۶ روح القدس میکردند \* آنکه پطرس کفت آیا کسی مبنواند آبرام منع کند برای تعید بادن
- ۸ آینانیکه روح القدس را چون ما نیز یافته اند \* پس فرمود تا ایشان را بنام عیسی مسج تعید دهند آنکه از او خواهش نمودند که روزی چند توقف غایب \*

## باب بازدهم

- ۱ پس رسولان و برادرانی که در بیویجه بودند شنیدند که آمتهای نیز کلام خدارا
- ۲ پذیرفته اند \* چون پطرس باورشلم آمد اهل ختنه با وی معارضه کردند \*
- ۴ کفتند که با مردم ناخنون برآمد با ایشان غذا خوردی \* پطرس از اول ملاقات
- ۵ بدیشان بیان کرده کفت \* من در شهر یاغا دعا میکردم که ناکاه در عالم رفیا
- ۶ طرفی را دبدم که نازل میشود مثل چادری برک سجهار کوشش از آسمان آویخته که
- بر من میرسد \* چون برآن نیک نسخه نگریسته نامل کردم دوایت زمین و وحوش
- ۷ و حشرات و مرغان هوارا دیدم \* و آوازیرا شنیدم که هن میکوید ای پطرس
- ۸ برخاسته ذبح کن و بخور \* کنتم حاشا خداوندا زیرا هر کفر چیزی حرام یا نایاب
- ۹ بدھام نرفته است \* بار دیگر خطاب از آسمان در رسید که آنچه خدا پاک نموده
- ۱۰ تو حرام غوان \* این سه کرت واقع شد که هه باز بسوی آسمان بالا برده شد \*
- ۱۱ و اینک در همان ساعت سه مرد از قیصریه نزد من فرستاده شده بجانه که در آن بودم
- ۱۲ رسیدند \* و روح مرا کفت که با ایشان بدون شک برو و این شش برادر نیز هراه
- ۱۳ من آمدند تا بجانه آن شخص داخل شدم \* و مارا آکا هانید که چه طور فرشته را در خانه خود دید که ایستاده بوی کفت کسان یا گافا بفرست و شعون معروف به
- ۱۴ پطرس را بطلب \* که با نویخنای خواهد کفت که بدانها تو و نای اهل خانه تو
- ۱۵ نجات خواهید یافت \* چون شروع بسخن کفتن میکردم روح القدس بر ایشان
- ۱۶ نازل شد هم چنانکه نخست بر ما \* آنکه بخاطر آوردم سخن خداوندرا که کفت
- ۱۷ بجهی با آب تعید داد لیکن شما بروح القدس تعید خواهید یافت \* پس چون خدا

هان عطا را بدیشان بخشد چنانکه با مخفی ایمان آوردن بعضی مسیح خداوند پس  
 ۱۸ من که باشم که بتوانم خدارا مانع نگام \* چون اینرا شیدند ساخت شدند و خدارا  
 تغییب کنند فی الحقیقت خدا به امّتها نیز توبه حیات عیش را عطا کرده است \*

۱۹ و اماً آنایکه بسبب اذیقی که در مقدمه استیفان بر پا شد منفرق شدند تا فینیقیا  
 ۲۰ و فپرس و آنطاکیه میکشند و پیهیج کس بغیر از یهود و یس کلام را نکشند \* لیکن  
 بعضی از ایشان که از اهل فپرس و قبروان بودند چون به آنطاکیه رسیدند با  
 ۲۱ یونانیان نیز نکلم کردند و بخداوند عیسی بشارت میدادند \* و دست خداوند با  
 ۲۲ ایشان می بود و جمعی کثیر ایمان آورده بسوی خداوند بازکشت کردند \* اماً چون  
 ۲۳ خبر ایشان بسع کلیسا ای او شلم رسید بزنابارا به آنطاکیه فرستادند \* و چون  
 رسید و فرض خدارا دید شاد خاطر شد همراه نصیحت نمود که از تصمیم قلب  
 ۲۴ بخداوند به پیوندند \* زیرا که مردی صالح و پر از روح القدس و ایمان بود و کروی  
 ۲۵ بسیار بخداوند ایمان آوردند \* و بزنابا بطرسوس برای طلب سوئن رفت و چون  
 ۲۶ اورا یافت به آنطاکیه آورد \* و ایشان سالی غام در کلیسا جمع میشدند و خلقی  
 بسیار را نعلم دادند و شاکردان غست در انطاکیه بسیعی مسقی شدند \*

۲۷ و در آن ایام انسیانی چند از او شلم به آنطاکیه آمدند \* که بکی از ایشان اغا بوس  
 ۲۸ نام برخاسته بروح اشاره کرد که فطی شبد در تمازی ربع مسکون خواهد شد و آن  
 ۲۹ در ایام گلودیوس فیصر پدید آمد \* و شاکردان مصمم آن شدند که هر بک  
 ۳۰ بحسب مقدور خود اعانت برای برادران ساکن یهودیه بفرستند \* پس چهین  
 کردند و آنرا بدلست بزنابا و سولس نزد کشیشان روانه نمودند \*

### باب دوازدهم

- ۱ و در ازیمان هیرودیس پادشاه دست نطاول بر بعضی از کلیسا دراز کرد \*
- ۲ و یعنیوب برادر یوحنایارا بشیبیر کشت \* و چون دید که یهودرا پسند افتاد بر آن
- ۳ افزوده بطرس را نیز کرفتار کرد و ایام فطیز بود \* پس اورا کرفته در زندان
- ۴ انداخت و پیچهار دسته ریاعی سپاهیان سپرد که اورا نکاهانی کند و اراده داشت
- ۵ که بعد از فصح اورا برای قوم یرون آورد \* پس بطرس را در زندان نکاه

- ۶ میداشتند اما کلیسا بجهة او نزد خدا پوسته دعا میکردند \* و در شی که هیرودبس  
قصد یرون آوردن وی داشت پطرس به دو زنگیر بسته در میان دو سپاهی خفته  
۷ بود و کشیکپیان نزد در زندانها نکاها بانی میکردند \* ناکاه فرشته خداوند نزد وی  
حاضر شد و روشی در آن خانه درخشید پس بمهلوی پطرس زده اورا یدار نمود  
۸ و گفت بزوادی برخیز که در ساعت زنگیرها از دستش فرو ریخت \* و فرشته وبرا  
کفت کمر خودرا به بند و نعلین بر باکن پس چنین کرد و بوی گفت ردای خودرا  
۹ بیوش و از عنب من بیا \* پس یرون شد از عنب او روانه کردید و ندانست  
۱۰ که آنچه از فرشته روی نمود حقيقی است بلکه کان برد که خواب میبیند \* پس از  
فراولان اول و دوم کنسته بدروازه آهنه که بسوی شهر میرود رسیدند و آن خود  
مخد پیش روی ایشان باز شد و از آن یرون رفته نا آخر بک کوچه برفتند که در  
۱۱ ساعت فرشته از او غایب شد \* آنکه پطرس بخود آمده گفت آنکون به نحقيق  
دانستم که خداوند فرشته خود را فرستاده مرا از دست هیرودبس و از تائی انتظار  
۱۲ قوم یهود رهایند \* چون اینرا در یافت بخانه مردم مادر یوحنای ملقب بهرقس  
۱۳ آمد و در آنجا بسیاری جمع شد دعا میکردند \* چون او در خانه را کوپید کنیزی  
۱۴ رودا نام آمد نا بنهمد \* چون آواز پطرس را شناخت از خوشی درزا باز نکرده  
۱۵ به اندر یون شناخته خبر داد که پطرس بدرگاه ایستاده است \* و پیرا گفتند دیوانه  
۱۶ و چون تاکید کرد که چنین است گفتند که فرشته او باشد \* اما پطرس پوسته  
۱۷ در را میکوپید پس در را کشوده اورا دبدند و در حیرت افتادند \* اما او بدست  
خود بسوی ایشان اشاره کرد که خاموش باشدند و بیان نمود که چکونه خدا اورا  
از زندان خلاصی داد و گفت یعقوب و سایر برادران را از این امور مطلع سازید پس  
۱۸ یرون شد بجای دیگر رفت \* و چون روز شد اضطرابی عظم در سپاهیان افتد  
۱۹ که پطرس را چه شد \* و هیرودبس چون اورا طلیک نیافت کشیکپیان را باز خواست  
نموده فرمود نا ایشان را بقبل رسانند و خود از یهودیه بقیصریه کوچ کرده در آنجا  
۲۰ اقامت نمود \* اما هیرودبس با اهل صور و صیدون خشنناک شد پس ایشان  
یکدل نزد او حاضر شدند و بلاستس ناظر خوابکاه پادشاه را با خود مخد ساخته  
۲۱ طلب مصالحه کردند زیرا که دیار ایشان از ملک پادشاه معیشت میباشد \* و در

روزی معین هرودیس لیاس ملوکانه در برگرد و بر مسند حکومت نشسته ایشان را  
 ۲۲ خطاب میرد\* و خلق ندا میگردند که آواز خداست نه آواز نسان\* که در  
 ساعت فرشته خداوند اورا زد زیرا که خدارا تجدید ننمود و گزئم اورا خورد که برد\*  
 ۲۴ اما کلام خدا نمود کرده ترقی یافته\* و بر زنایا و سولس چون آنقدرها به انجام  
 ۲۵ رسانیدند از اورشلیم مراجعت کردند و پرحتای ملقب پرسن را همراه خود بردنده\*

### باب سیزدهم

- ۱ و در کلبائی که در آنطاکیه بود انبیاء و معلم چند بودند بزنایا و شمعون ملقب
- ۲ به نیهر ولوکیوس فیروانی و منانم برادر رضاعی هرودیس نیترانخ و سولس\* چون  
 ایشان در عبادت خدا و روزه مشغول بی بودند روح القدس کفت بزنایا  
 و سولس را برای من جدا سازید از بهر آن عمل که ایشان را برای آن خواندایم\*
- ۳ آنکه روزه کرفه و دعا کرده و دستها بر ایشان کذارده روانه نمودند\* پس ایشان  
 از جانب روح القدس فرستاده شده به سلوکه رفند و از آنها از راه دریا پیش میگردند\* و وارد سلامیس شده در کابس بیهود بکلام خدا موعظه کردند و پوختا
- ۴ ملازم ایشان بود\* و چون در نمای جزیره نا بهافش گشتند در آنها شخص بیهود برا
- ۵ که جادوگر و نبی کاذب بود یافتد که نام او بازیشون بود\* اورفق سرژیوس  
 بولس والی بود که مردی فهم بوده همان بزنایا و سولس را طلب نموده خواست
- ۶ کلام خدارا بشنود\* اما علیها یعنی آن جادوگر زیرا ترج: امش همین
- ۷ میباشد ایشان را مخالفت نموده خواست والی را از ایمان برگرداند\* ولی سولس که
- ۸ بولس باشد براز روح القدس شک بر اونیک نگریسته\* کفت ای براز هر نوع  
 مکر و خباثت ای فرزند ابلیس و دشمن هر راستی باز نی ایستی از معرف ساختن طریق
- ۹ راست خداوند\* الحال دست خداوند بر نست و کور شد آفتابرا نا مدنی نخواهد  
 دید که در همان ساعت غناوه و تاریکی اورا فروگرفت و دور زده راهنمی طلب
- ۱۰ میگرد\* پس والی چون آن مجرارا دید از تعلم خداوند مغیر شد ایمان آورد\*
- ۱۱ آنکه بولس ورفایش از پاپس بکنی سوار شد بیزجه بینیله آمدند اما پوختا از  
 هم ایشان جدا شد با اورشلیم برگشت\* و ایشان از بیزجه عبور نموده به آنطاکیه پیسیدیه

- ۱۵ آمدند و در روز سبت پکیسه در آمک بنشستند \* و بعد از تلاوت نوراه و صفت  
انیمه روئای کیسه نزد ایشان فرستاده گفتند ای برادران عزیز آکر کلای نصیحت  
۱۶ امیز برای قوم دارید بکوئید \* پس پولس برای ایستاده بدست خود اشاره  
۱۷ کرد کنست ای مردان اسرائیل و خدا ترسان کوش دهد \* خدای این قوم اسرائیل  
پدران ما را بر نزیک قومرا در غربت ایشان در زمین مصر سرافراز نمود و ایشان را  
۱۸ بیازوی بلند از آنجا بیرون آورد \* و قریب به چهل سال در بیان متحمل حرکات  
۱۹ ایشان می بود \* و هفت طایفه را در زمین کعن کعن هلاک کرده زمین آنها را میراث  
۲۰ ایشان ساخت ناقریب چهارصد و هجده سال \* و بعد از آن بدیشان داوران داد  
۲۱ نا زمان صَمْوَبِلِ نبی \* و از آنوقت پادشاهی خواستند و خدا شاؤل بن قیس را  
۲۲ از سبط بن یامین نا چهل سال بایشان داد \* پس اورا از میان برداشته داوود را  
برآنکیت تا پادشاه ایشان شود و در حق او شهادت داد که داود بن یسی را مرغوب  
۲۳ دل خود باقه ام که بهانی اراده من عمل خواهد کرد \* و از ذریت او خدا  
۲۴ بر حسب وعده برای اسرائیل نجات دهنده بعنی عیسی را آورد \* چون بمحی پیش  
۲۵ از آمدن او غام قوم اسرائیل را بتعهد تو به موظله نموده بود \* پس چون بمحی  
تورة خود را بیان برداشت مرآکه می بندارد من او نیستم لکن اینک بعد از  
۲۶ من کسی میابد که لائق کشادن نمیل او نم \* ای برادران عزیز و ایانی آل ابراهیم  
۲۷ و هر که از شیخ خدا نرس باشد مر شمارا کلام این نجات فرستاده شد \* زیرا سکنه  
اورشلم و روئای ایشان چونکه اورا شناختند و نه آوازهای انیمه را که هر سبب  
۲۸ خوانند میشود بر وی فتوی دادند و آنها را به اقام رسایدند \* و هر چند هیچ  
۲۹ علت قتل در وی نباشد از پللاطس خواهش کردند که او کشته شود \* پس  
چون آنچه در باره وی نوشته شد بود نام کردند اورا از صلیب یا نین آورده بقیر  
۳۰ سپردنند \* لکن خدا اورا از مردگان برخیزانید \* واو روزهای بسیار ظاهر شد بر  
آنکه هر راه او از جلیل باورشلم آمک بودند که الحال نزد قوم شهود او میباشد \*  
۳۳ پس ما بشما بشارت میدهیم بدان وعده که به پدران ما داده شد \* که خدا آنرا  
ها که فرزندان ایشان میباشم وفا کرد و قبک عیسی را برآنکیت چنانکه در زبور  
۳۴ دوام مکتوب است که تو پسر من هستی من امروز نرا نولید نمودم \* و در آنکه اورا

- از مردگان بر خیزانید نا دیگر هر کفر راجع بفساد نشود چنین گفت که به برکات  
 ۳۵ قدوس و امین داود برای شما وفا خواهم کرد \* بنابرین در جایی دیگر نیز میگوید  
 ۳۶ تو قدوس خود را خواهی گذاشت که فسادرا یند \* زیرا که داود چونکه در  
 زمان خود اراده خدارا خدمت کرده بود مخفیت و به پذران خود ملحق شد فسادرا  
 ۳۷ دید \* لیکن آنکه که خدا اورا برآنچه فسادرا ندید \* پس ای برادران عزیز  
 ۳۸ شمارا معلوم باد که بواسطت او شما از آمرزش کناهان اعلام میشود \* و بوسیله او  
 هر که ایمان آورد عادل شرده میشود از هر چیزی که بشریعت موسی توانستید  
 ۴ عادل شرده شوید \* پس اختیاط کنید مبادا آنچه در صحیف انبیاء مکتوب است بر  
 ۴ شما واقع شود \* که ای خبر شمارندگان ملاحظه کنید و تعجب غایب و هلاک شود  
 زیرا که من عملی را در ایام شما پدید آرم علمیک هر چند کسی شمارا از آن اعلام غایب  
 ۴۳ تصدیق خواهید کرد \* پس چون از کیسه بیرون میرفتند خواهش نمودند که در  
 ۴۴ سبت آیند هم این سخنانرا بدیشان باز کویند \* و چون اهل کیسه متفرق شدند  
 بسیاری از بودیان وجود بدان خدا پرست از عقب پولس و برنابا افتدند و آن  
 ۴۵ دو نفر باشان سخن گفته ترغیب می نمودند که بفیض خدا ثابت باشید \* اما در  
 ۴۶ سبت دیگر قریب بنامی شهر فرام شدند تا کلام خدارا بشنوند \* ولی چون بپرورد  
 از دحام خلق را دیدند از حسد پُر کشند و کفر گفته با سخنان پولس مخالفت کردند \*  
 ۴۷ آنکه پولس و برنابا دلبر شد کنند و اجتب بود کلام خدا مخست شما الفا شود  
 لیکن چون آنرا رد کردید و خود را نا شایسته حیات جاودانی شردید هانا بسوی  
 ۴۸ آمنها نوجه غایم \* زیرا خداوند با چنین امر فرمود که ترا نور آمنها ساختم تا الی  
 اقصای زمین منشای نجات باشی \* چون آمنها اینرا شنیدند شاد خاطر شدند کلام  
 خداوند را تجدید نمودند و آنآنکه برای حیات جاودانی مقرر بودند ایمان آوردند \*  
 ۴۹ و کلام خدا در تمام آن نواحی منتشر گشت \* اما بودیان چند زن دیدار و مشخص  
 و اکابر شهر را بشورانیدند و ایشان را بزحمت رسانیدن بر پولس و برنابا غریب  
 ۵۰ نموده ایشان را از حدود خود بیرون کردند \* و ایشان خالک پایهای خود را بر  
 ۵۱ ایشان افشارند به اینونه آمدند \* و شاکر دان بر از خوشی و روح القدس کردند \*

## باب چهاردهم

- ۱ اما در اینونیه ایشان با هم بکنیسه یهود در آمدت بتوی سخن کفتند که جمعی کثیر
- ۲ از یهود و یونانیان ایمان آوردند\* لبکن یهودیان بی ایمان دلهای انتهارا اغوا
- ۳ نودند و با برادران بداندیش ساختند\* پس مدت مدیدی توقف نموده بنام
- ۴ خداوند بکلام فیض خود شهادت مداد بدلیری سخن میکفتند واو آیات
- ۵ و مجزات عطا میکرد که از دست ایشان ظاهر شود\* و مردم شهر دو فرقه شدند
- ۶ کروی هداستان یهود و جمعی با رسولان بودند\* و چون آنها و یهود با رؤسای
- ۷ خود بر ایشان همومی آوردند تا ایشان را افضاح نموده سنکسار کنند\* آگاهی با فه
- ۸ بسوی لستر و دزنه شهرهای لیکاویه و دیار آن نواحی فرار کردند\* و در آنجا
- ۹ بشارت مدادند\* و در لستر مردی نشسته بود که پایهایش بی حرکت بود واز
- ۱۰ شکم مادر لئک متولد شد هر کراه نرفه بود\* چون او سخن پولس را میشنید او
- ۱۱ بر روی نیک نگریسته دید که اهل شفا با فن را دارد\* پس با آواز بلند بدوقفت
- ۱۲ بر پایهای خود راست بایست که در ساعت بر جسته خرامان کرد بد\* اما خلق
- ۱۳ چون این عمل پولس را دیدند صدای خود را بزبان لیکاویه بلند کرده کفتند
- ۱۴ خدابان بصورت انسان نزد ما نازل شد اند\* پس بزنایارا مشتری و پولس را
- ۱۵ عطارد خواندند زیرا که او در سخن کفتن مقدم بود\* پس کاهن مشتری که پیش
- ۱۶ شهر ایشان بود کاوان و ناجها با کرومهای از خلق بدروازه ها آورده خواست که
- ۱۷ قربانی کراند\* اما چون آن دو رسول یعنی بزنایارا و پولس شنیدند جامهای خود را
- ۱۸ درین درمیان مردم افتدند و ندا کرده\* کفتند ای مردمان چرا چنین میکنید
- ۱۹ ما نیز انسان و صاحبان علیهم مانند شما هستیم و شما بشارت میدهم که از این اباطیل
- ۲۰ رجوع کنید بسوی خدای حق که آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنها است
- ۲۱ آفرید\* که در طبقات سلف همه امتهارا واکذاشت که در طریق خود رفتار کند\*
- ۲۲ با وجود بکه خود را بی شهادت نکذاشت چون احسان میفود و از آسمان باران
- ۲۳ بارانیک و فصول بارا و بخشید دلهای مارا از خوراک و شادی پرمیساخت\*
- ۲۴ و بدین سخنان خلق را از کذرانیدن قربانی برای ایشان بذشوری باز داشتند\*

- ۱۹ اما پهودیان از انطاکیه وابقونیه آمده مردمرا با خود مخدّد ساختند و بولس را  
 ۲۰ سنکسار کرده از شهر بپرون کشیدند و پنداشتند که مرده است \* اما چون  
 شاکردان کرد او ایستادند برخاسته شهر در آمد و فردای آنروز با برناها بسوی  
 ۲۱ دیرنه روانه شد \* و در آن شهر بشارت داده بسیار برای شاکردان ساختند پس به لستر  
 ۲۲ وابقونیه و انطاکیه مراجعت کردند \* و دلهای شاکردانرا نقویت داده پند  
 میدادند که در این ثابت همانند وابنکه با مصیبتهای بسیار میباشد داخل ملکوت  
 ۲۳ خدا کردم \* و در هر کلیسا بجهة ایشان کشیشان معبر نمودند و دعا و روزه داشته  
 ۲۴ ایشانرا بخداوندی که بدرو ایان آورده بودند سپردنده \* و از پسیدیه کذشته به  
 ۲۵ پیغاییه آمدند \* و در پریزجه بکلام موعله نمودند و به آناله فرود آمدند \* و از انجا  
 ۲۶ بکشی سوار شد به انطاکیه آمدند که از همانجا ایشانرا بفیض خدا سپرده بودند برآی  
 ۲۷ آنکاری که به انجام رسائیه بودند \* و چون وارد شهر شدند کلیسا را جمع کرده  
 ایشانرا مطلع ساختند از آنچه سا با ایشان کرده بود و چگونه در واژه ایان را برای  
 ۲۸ آمنها باز کرده بود \* پس مدت مدبدي با شاکردان بسر بردنده \*

### باب پانزدهم

- ۱ وتنی چند از پهودیه آمده برادرانرا تعلیم میدادند که اگر بر حسب این موسی مختون  
 ۲ نشوید ممکن نیست که نجات یابید \* چون بولس و برناها منازعه و مبالغه بسیار  
 با ایشان واقع شد فرار براین شد که بولس و برناها و چند نفر دیگر از ایشان نزد  
 ۳ رسولان و کشیشان در اورشیم برای این مسئله بروند \* پس کلیسا ایشانرا مشایعت  
 نموده از فینیقیه و سامن عبور کرده ایان آوردن آمنهارا بیان کردند و همه برادران را  
 ۴ شانی عظم دادند \* و چون وارد اورشیم شدند کلیسا و رسولان و کشیشان  
 ۵ ایشانرا پذیرفتند و آنها را از آنچه خدا با ایشان کرده بود خبر دادند \* آنکاه بعضی  
 از فرقه فریسان که ایان آورده بودند برخاسته کنند اینها را باید خنثه غایبند وامر  
 ۶ کنند که سنن موسی را نکاه دارند \* پس رسولان و کشیشان جمع شدند تا در این  
 ۷ امر مصلحت پینند \* و چون مباحثه سخت شد بطرس برخاسته بدیشان گفت ای  
 برادران عزیز شما آشکا همید که از آیام اول خدا از میان شما اخبار کرد که آمنها

- ۸ از زبان من کلام بشارت را بشنوند و ایمان آورند \* و خدای عارف الغلوب بر ایشان
- ۹ شهادت داد بدینکه روح القدس را بدیشان داد چنانکه با نیزه \* و در میان ما
- ۱۰ وایشان هیچ فرق نکذاشت بلکه محض ایمان دلهای ایشان را ظاهر نمود \* پس
- اکون چرا خدارا امتحان میکنید که بوغی برگردان شاکردان مینهند که پدران ما و ما
- ۱۱ نیز طاقت تحمل آنرا نداشتم \* بلکه اعتقاد دارم که محض فیض خداوند عبیس
- ۱۲ مسج نجات خواهیم یافت همچنانکه ایشان نیز \* پس نام جماعت مأکت شده ببرنابا
- و بولس کوش کرفتند چون آیات و معجزه ایزا یا میکردند که خدا در میان امنیها
- ۱۳ بوساطت ایشان ظاهر ساخته بود \* پس چون ایشان ساكت شدند بعقوب رو
- ۱۴ آوردند کفت ای برادران عزیز مرآ کوش کردد \* شعون بیان کرده است که
- ۱۵ چنکونه خدا اول آمده ارا نتفقد نمود ناقوی از ایشان بنام خود بکردد \* وكلام انبیاء
- ۱۶ در این مطابق است چنانکه مکتوب است \* که بعد از این رجوع نموده خسنه
- داود را که افتاده است باز بنا می کنم و خرابهای آنرا باز بنا می کنم و آنرا بر پا خواهم
- ۱۷ کرد \* تا بقیه مردم طالب خداوند شوند و جمیع آمنه ایکه بر آنها نام من نهاده شده
- ۱۸ است \* این را میکوید خداوندیک این چیز هارا از بدیو عالم معلوم کرده است \* پس
- ۱۹ رای من این است کسانی را که از آمنه ای سوی خدا باز کشته میکنند رحمت نرسانم \*
- ۲۰ مکراینکه ایشان احکم کنند که از نجاتات بناها وزنا و حیوانات خفه شد و خون
- ۲۱ بپرهیزند \* زیرا که موسی از طبقات سلف در هر شهر اشخاص دارد که بدو موعظه
- ۲۲ میکنند چنانکه در هر سبت در کابین اورا نلاوت میکنند \* آنکاه رسولان
- و کشیشان با غایی کلپسا بدین رضا دادند که چند نفر از میان خود انتخاب نموده
- هره بولس و برنابا به انتظاکه بفرستند یعنی بهودای ملکب به برسابا و سیلاس که از
- ۲۳ پیشوایان برادران بودند \* و بدست ایشان نوشتنند که رسولان و کشیشان و برادران
- ۲۴ برادران از آمنه ای که در انتظاکه و سوریه و قبیلیه میباشد سلام میرسانند \* چون
- شنیدند که بعضی از میان ما پیرون رفه شهارا سخنان خود مشوش ساخته دلهای
- شمارا منقلب مینمایند و میکویند که میباید مختون شد شربعت را نکاه بدارید و ما
- ۲۵ با ایشان هیچ امر نکردیم \* لهذا مایک دل مصلحت دیدیم که چند نفر را اختیار نموده
- ۲۶ هر راه عزیزان خود بر نابا و بولس بتزد شما بفرستیم \* اشخاصیکه جانهای خود را در

۲۷ راه نام خداوند ماعیسی مسج نسلیم کرده اند\* پس بیهودا و سیلاس را فرستادم  
 ۲۸ وایشان شمارا از این امور زبانی خواهند آگاهاند\* زیرا که روح القدس و ما  
 ۲۹ صواب دیدم که باری برشا نهیم جز این ضروریات\* که از قربانیهای بنا و خون  
 و حیوانات خنہ شد وزنا بپرهیزید که هر کاه از این امور خود را محفوظ دارید به  
 ۳۰ نیکوئی خواهید پرداخت والسلام\* پس ایشان مخصوص شد به آنطاکیه آمدند  
 ۳۱ وجاعترا فرام آورده نامه را رسانیدند\* چون مطالعه کردند از این تسلی شاد  
 ۳۲ خلطرا کشند\* و بیهودا و سیلاس چونکه ایشان هم نبی بودند برادرانرا بخشناد سیار  
 ۳۳ نصیحت و تقویت نمودند\* پس چون مذکوی در آنها بسر بردن بسلامی از برادران  
 ۳۴ رخصت کرفته بسوی فرستندکان خود توجه نمودند\* اما بولس و برناها در آنطاکیه  
 ۳۵ توقف نموده\* با سیاری دیگر تعلم و بشارت بكلام خدا میدادند\*  
 ۳۶ و بعد از آیام چند بولس به برنا با کفت برگردیم و برادرانرا در هر شهریکه در آنها  
 ۳۷ بكلام خداوند اعلام نمودم دیدن کیم که چگونه میباشد\* اما برناها چنان مصلحت  
 ۳۸ دیدکه بیوحتای ملقب پرقس را همه نیز بردارد\* لیکن بولس چنین صلاح دانست  
 که شخصی را که از بیفظیه از ایشان جدا شد بود و با ایشان در کار هرای نکرده بود  
 ۳۹ با خود نبرد\* پس نزاعی سخت شد بجدیکه از بیکدیکر جدا شد برناها مرسی را  
 ۴۰ برداشته بقیه از راه دریا رفت\* اما بولس سیلاس را اخبار کرد واز برادران  
 ۴۱ بفیض خداوند سپرده شد رو بسفر نهاد\* واز سوریه و قلیقیه عبور کرده کلیسا هارا  
 استوار نمینمود\*

### باب شانزدهم

- ۱ و به درزه و لیسته آمد که اینک شاکردی نیموناوس نام آنچا بود پسر زن بیهوده
- ۲ مؤمنه لیکن پدرش بونان بود\* که برادران در لیسته وابقویه بر او شهادت
- ۳ میدادند\* چون بولس خواست او همه وی باید اورا کرفته مختون ساخت بسبب
- ۴ بیهودیانیکه در آن نواحی بودند زیرا که هه پدرش را میشناخند که بونان بود\* و در
- ۵ هر شهری که میکشند فانویهارا که رسولان و کشیشان در او شلم حکم فرموده بودند
- ۶ بدیشان میسپردند تا حفظ نمایند\* پس کلیساها در ایمان استوار میشدند و روز
- ۷ بروز در شماره افزوده میکشند\* و چون از فرمجه و دیار غلاظیه عبور کردند

- ۷ روح القدس ایشانرا از رسانیدن کلام باسیا منع نمود \* پس میسیا آمن سعی نمودند
- ۸ که به بطینا بروند لیکن روح عیسی ایشان را اجازت نداد \* و از میسیا کذبته به
- ۹ تزویس رسیدند \* شی پولس را رویایی رخ نمود که شخصی از اهل مکادونیه ایستاده
- ۱۰ بدوان انس نموده کفت مکادونیه آمن ما را امداد فرما \* چون این رویارا دیدی
- درنک عازم سفر مکادونیه شدم زیرا یقین داشتم که خداوند ما را خواند است
- ۱۱ تا بشارت بدیشان رسانم \* پس از تزویس بکشی نشسته براه مستفهم به ساموترا کی
- ۱۲ رفتم و روز دیگر به نیاپولیس \* و از آنجا به فیلی رفتیم که شهر اول از سرحد
- ۱۳ مکادونیه است و در آن شهر چند روز توقف نمودم \* و در روز سیست از
- شهر پیرون شد و بکار رودخانه جاییکه نماز میکنارند نشسته با زنانیکه در رنج اجمع
- ۱۴ میشدند سخن راندم \* وزنی لیدیه نام ارغوان فروش که از شهر طیابیرا و خدا برست
- ۱۵ بود میشنید که خداوند دل او را کشود ناخنچان پولس را بشنود \* و چون او واهل
- خانه اش تعهد یافتد خواهش نموده کفت اکر شیارا یقین است که بخداوند ایمان
- ۱۶ آوردم بخانه من در آمنه هانید و مرا المحاج نمود \* و واقع شد که چون ما ب محل غاز
- میرفتیم کنیزیکه روح تناول داشت و از غیب کوئی منافع بسیار برای آقایان خود پیدا
- ۱۷ مینمود با برخورد \* و از عقب پولس و ما آمن ندا کرد میکفت که این مردمان
- ۱۸ خدام خدای تعالی میباشند که شما از طریق نجات اعلام مینایند \* و چون این کار را
- روزهای بسیار میگرد پولس دل تنک شد برگشت و بروح کفت ترا میفرمایم بنام
- ۱۹ عیسی مسیح ازین دختر پیرون یا که در ساعت از او پیرون شد \* اما چون
- افایاش دیدند که از کسب خود مایوس شدند پولس و سیلاس را کرفه در بازار
- ۲۰ نزد حکام کشیدند \* و ایشانرا نزد والیان حاضر ساخته کفتند این دو شخص شهر
- ۲۱ مرا بشورش آورده اند و از یهود هستند \* و رسومیرا اعلام مینایند که پذبرفت و بجا
- ۲۲ آوردن آنها بر ما که رومیان هستم جایز نیست \* پس خلق برا ایشان هجوم آوردند
- ۲۳ و والیان جامه های ایشانرا گند فرمودند ایشانرا چوب بزنند \* و چون ایشانرا
- چوب بسیار زندن افکندند و داروغه زندان را تاکید فرمودند که ایشان را عَمَّ
- ۲۴ نکاه دارد \* و چون او بدین طور امر یافت ایشان را بزنند درونی انداخت و پلهای
- ۲۵ ایشان را دُکن مضبوط کرد \* اما قریب به نصف شب پولس و سیلاس دعا کرده

۲۶ خدارا نسیع میگواندند و زندانیان ایشانرا میشنندند\* که ناکاه زلزله عظم حادث  
کشت بحدبکه بنیاد زندان بمحبیش در آمد و دفعه هه درها باز شد وزنگیرها از هه  
۲۷ فرو رخت\* اما داروغه پیدار شک چون درهای زندانرا کشوده بد شمیر خودرا  
۲۸ کشیخ خواست خودرا بکشد زیرا کان برد که زندانیان فرار کرده اند\* اما بولس  
۲۹ باواز بلند صدا زده کفت خودرا غیری مرسان زیرا که ماهه در اینجا هستم\* پس  
چراغ طلب نموده به اندرورن جست ولرزان شک تزد بولس و سیلاس افاده\*  
۳۰ واشانرا پیرون آورده کفت ای آفایان مرا چه باید کرد تا بجات یام\* کفتند  
۳۱ بخداؤند عیسی مسیح ایمان اور که تو و اهل خانه ات بجات خواهید یافت\* آنکاه  
۳۲ کلام خداوندرا برای او و گان اهل بینش پیان کردند\* پس ایشانرا برداشه در  
هان ساعت شب زنگهای ایشانرا شست و خود ومه کاشش فی النور نمید یافتد\*  
۳۴ واشانرا بجهانه خود در آورده خوانی پیش ایشان نهد و بآمانی عیال خود بمنا ایمان  
۳۵ آورده شاد کردند\* اما چون روز شد والیان فرزاشان فرستاده کفتند آن دو  
۳۶ شخص را رهانا\* آنکاه داروغه بولس را از این سخنان آشکاها بید که والیان  
۳۷ فرستاده اند تا رستکار شوید پس آن پیرون آمن بسلامی روایه شوید\* لیکن  
بولس بد بشان کفت مارا که مردمان روی میباشم آشکارا و بی محبت زده بزندان  
انداختنده آیا آلان مارا به بهنافی پیرون مینماینده نی بلکه خود آمن مارا پیرون  
۳۸ پیاورند\* پس فرزاشان این سخنانرا بوالیان کفتند و چون شنیدند که روی هستند  
۳۹ پرسیدند\* و آنک بد بشان التاس نموده پیرون آوردنند و خواهش کردند که از شهر  
۴۰ برونند\* آنکاه از زندان پیرون آمن بجهانه لیدیه شناختند و با برادران ملاقات  
نموده واشانرا نصیحت کرده روایه شدند\*

## باب هفتم

- ۱ واز آمنپولس واپلوبنیه کذشته به تosalونیکی رسیدند که در آنجا کبیسه بود بود\*
- ۲ پس بولس بر حسب عادت خود تزد ایشان داخل شد در سه سمت با ایشان از
- ۳ کنک مباحه میکرد\* و واضح و مین میساخت که لازم بود مسیح رحمت بیند و از
- ۴ مردکان برخیزد و عیسی که خبر اورا به شما میدم این مسیح است\* و بعضی از ایشان

قبول کردند و با پولس و سیلاس متحد شدند و از بوناییان خدا ترس کروهی عظم ، و از زنان شریف عددی کثیر \* اما بیویان بی ایمان حسد برده چند نفر اشرار از بازار بهارا برداشته خلق را جمع کرده شهر را بشورش آوردند و بخانه یاسون تاخته ۶ خواستند ایشانرا در میان مردم ببرند \* و چون ایشان را نیافتد یاسون و چند برادر را نزد حکام شهر کشیدند و ندا میکردند که آنایکه ربع مسکونی اش را بخرند حال بدینجا ۷ نیز آمک اند \* و یاسون ایشان را پذیرفته است و همه اینها برخلاف احکام فیصر ۸ عمل میکنند و قابل براین هستند که پادشاهی دیگر هست یعنی عیسی \* پس خلق ۹ و حکام شهر را از شنیدن این سخنان مضطرب ساختند \* و از یاسون و دیگران ۱۰ کنالات کرفته ایشان را ها کردند \* اما برادران یدرنلک در شب پولس و سیلاس را ۱۱ بسوی پیریه روانه کردند و ایشان بدینجا رسید بکیسه بیود در آمدند \* و اینها از اهل تosalوینیکی غمیب تر بودند چونکه در کمال رضامندی کلام را پذیرفتند و هر ۱۲ روز کسب را تنبیش مینمودند که آیا این هچین است \* پس بسیاری از ایشان ۱۳ ایمان آوردند و از زنان شریف بونایه و از مردان جمعی عظم \* لیکن چون بیود باز تosalوینیکی فهمیدند که پولس در پیریه نیز بکلام خدا موعظه میکند در آنجا هم رفته ۱۴ خلق را شوراندند \* در ساعت برادران پولس را بسوی دریا روانه کردند ولی ۱۵ سیلاس با نیماتویش در آنجا نوقف نمودند \* و رهنا یان پولس اورا به آطینا آوردند و حکم برای سیلاس و نیماتویش کرفته که بزودی هرچه نامتر بزند او آیند روانه ۱۶ شدند \* اما چون پولس در آطینا انتظار ایشان را کشید روح او در اندروش مضطرب کشت چون دید که شهر از بنا بر است \* پس در کیسه با بیود بیان ۱۷ و خدا پرستان و در بازار هر روزه با هر که ملاقات می کرد مباحثه مینمود \* اما بعضی از فلاسفه ایکوریتین و رواقین با او روبرو شد بعضی میگفتند این باوه کو چه میغاهد بکوید و دیگران کنند ظاهر واعظ بخدا یان غریب است زیرا که ۱۸ ایشان را به عیسی و قیامت بشارت میداد \* پس اورا کرفته بکوه مریخ بردند و گفتند آیا میتوانم یافت که این تعلم نازه که تو میگوینی چیست \* چونکه سخنان غریب ۱۹ بکوش ما میرسانی پس میتواهیم بدانیم از اینها چه مقصود است \* اما جمیع اهل آطینا و غربانی ساکن آنجا جز برای کفت و شنید در باره چیزهای نازه فراغی

۲۲ نمی‌دانستند \* پس بولس در وسط کوه مرتعن استاده کفت ای مردان آطینا شمارا  
 ۲۳ از هر جهه بسیار دیندار باقمه ام \* زیرا چون سپرکرده معابد شمارا نظاره مینمودم  
 مذبحی باقمه که برآن نام خدای ناشناخته نوشته بود پس آنچه را شنا ناشناخته  
 ۲۴ می‌رسید من به شما اعلام مینمایم \* خداییکه جهان و آنچه در آنست آفرید چونکه او  
 ۲۵ مالک آسمان وزمین است در هیکلهای ساخته شد بدستها ساکن نمی‌باشد \* و از  
 دست مردم خدمت کرده نمی‌شود که کویا محتاج چیزی باشد بلکه خود بهمکان  
 ۲۶ حیات و نفس و جمیع چیزها می‌بینند \* و هر امّت انسانرا از بک خون ساخت  
 تا بر قاعی روی زمین مسکن کنند و زمانهای معین و حدود مسکنها ایشانرا  
 ۲۷ مقرر فرمود \* نا خدار اطلب کنند که شاید اورا شخص کرده پایاند با آنکه از  
 ۲۸ هیچ یکی از ما دور نیست \* زیرا که در او زندگی و حرکت وجود داریم چنانکه  
 ۲۹ بعضی از شعرای شما نیز کفته اند که از نسل او می‌باشیم \* پس چون از نسل خدا  
 می‌باشیم نشاید کان برد که الوهیت شاهدت دارد بطلایان نفع با سنک منفوش  
 ۳۰ بصنعت با مهارت انسان \* پس خدا از زمانهای جهاد چشم پوشید آن نام  
 ۳۱ خلوق را در هرجا حکم می‌فرماید که تو به کنند \* زیرا روز برا مقرر فرمود که در آن  
 ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد نمود بآن مردی که معین فرمود و هه را  
 ۳۲ دلیل داد باشکه اورا از مردکان برخیزاند \* چون ذکر قیامت مردکان شنیدند  
 بعضی استهزاء نمودند و بعضی کفتند مرتبه دیگر در این امر از تو خواهیم شنید \*  
 ۳۳ و همچین بولس ازیان ایشان بیرون رفت \* لیکن چند نفر بد و پیوسته ایمان آوردند  
 که ارجله ایشان دیوونسیوس آریوباغی بود وزنی که دامیرس نام داشت و بعضی  
 دیگر با ایشان \*

### باب هجدهم

۱ و بعد از آن بولس از آطینا روانه شد به فریتس آمد \* و مرد یهودی آکیلا  
 نام را که مولدش پنطوس بود واژ ایطالیا نازه رسید بود و زنش پرستکله را یافت  
 زیرا گلودیوس فرمان داده بود که هه یهودیان از روم بروند پس نزد ایشان  
 ۲ آمد \* و چونکه با ایشان هم پیشه بود نزد ایشان مانک بکار مشغول شد و کسب  
 ۳ ایشان خیمه دوزی بود \* و هر سبت در کتبسه مکاله کرده یهودیان و یونانیان را

- ۵ مجاح می‌ساخت \* اما چون سپلاس و تیموناوس از مکادونیه آمدند پولس در
- ۶ روح عبور شد برای یهودیان شهادت میداد که عیسی سج است \* ولی چون
- ایشان مخالفت نموده کفری کفتند دامن خودرا برایشان افشا نه کفت خون شما
- ۷ برسر شما است من بری هست بعد از این بزرگ آمنها می‌روم \* پس از آنچه نقل کرده
- ۸ بخانه شخصی یوشنس نام خدا پرست آمد که خانه او متصل به کنسسه بود \* اما
- گریسیس رئیس کنسسه با تمامی اهل بینش بخداوند ایمان آوردند و بسیاری از اهل
- ۹ فریتنس چون شنیدند ایمان آورده تعیید یافتند \* شیخ خداوند در رؤیا به پولس
- ۱۰ کفت ترسان مباش بلکه سخن بکوش خاموش مباش \* زیرا که من با تو هست و هیچکس
- ۱۱ نرا اذبخت نخواهد رسانید زیرا که مرا در این شهر خلقی بسیار است \* پس مدت
- ۱۲ بکمال و شش ماه توقف نموده ایشان را بکلام خدا تعلیم میداد \* اما چون غالیون
- والی آخائی بود یهودیان یکدل شد بر سر پولس تاخته اورا پیش مسد حاکم
- ۱۳ بردن \* و کفتند این شخص مردم را اغوا می‌کند که خدارا برخلاف شریعت عبادت.
- ۱۴ کند \* چون پولس خواست حرف زند غالیون نکت ای یهودیان اکر ظلی یا
- ۱۵ فسق فاحشر، می‌بود هر آینه شرط عقل می‌بود که محمل شما بشوم \* ولی چون
- مسئله ایست در باره سخنان و نامها و شریعت شما پس خود بفهمید من در چنین
- ۱۶ امور نیخواهم داوری کنم \* پس ایشان را از پیش مسد براند \* ومه سوسانیس
- رئیس کنسسه را کرفته اورا در مقابل مسد والی بزرگند و غالیون را از این امور هیچ
- ۱۷ پروا بود \* اما پولس بعد از آن روزهای بسیار در آنچه توقف نمود پس برادران را
- و داع نموده به سوریه از راه دریا رفت و پرسیکله و اسکیلا هر راه او رفتند و در
- ۱۸ آنچه بموی خود را چید چونکه نذر کرده بود \* و چون به آفسن رسید آن دو
- ۱۹ نفر را در آنچه رها کرده خود بکنسسه در آنکه با یهودیان مباحثه نمود \* و چون
- ۲۰ ایشان خواهش نمودند که مدنی با ایشان مانند قبول نکرد \* بلکه ایشان را وداع
- کرده کفت که مرا به صورت باید عید آیند را در اورشلم صرف کنم لیکن اکر
- ۲۱ خدا بخواهد باز بزرگ شما خواهم برکشت پس از آفسن روانه شد \* و بقیرصریه
- ۲۲ فرود آنکه (به اورشلم) رفت و کلیسا را تجییت نموده با آنطاکه آمد \* و مدنی
- در آنچه مانند باز سفر توجه نمود و در ملک غلاطیه و فربجیه جا پهنا می‌کشت

۲۴ و هئاشاکردانرا استواری نمود\* اما شخصی بهود آپسُس نام از اهل اسکندریه که  
 ۲۵ مردی فصیح و در کتاب نوانا بود به آفسُس رسید\* او در طریق خداوند غریب است  
 بافته و در روح سرکم بوده در باره خداوند بدقت تکلم و تعلم مینمود هر چند  
 ۲۶ جزاً نعمید بجهی اطلاعی نداشت\* همان شخص در کیسه بدلیری سخن آغاز کرد  
 اما چون پرسکله واکلا اورا شنیدند نزد خود آوردند و بدقت تمام طریق خدارا  
 ۲۷ بدو آموختند\* پس چون او عزیت سفر آخایه کرد برادران اورا ترغیب نموده  
 بشاکردن سفارش نامه نوشتند که اورا به پذیرند و چون بدانجا رسید آنان برآکه  
 ۲۸ بوسیله فض ایمان آورده بودند اعانت بسیار نمود\* زیرا بقوت نام بر بهود افاهه  
 حجت میکرد و از کتب ثابت مینمود که عبسی معج است\*

### باب نوزدهم

- ۱ و چون آپسُس در فریتش بود بولس در نواحی بالا کردش کرده به آفسُس رسید
- ۲ و در آنجا شاکرد چند بافته \* بدیشان کفت آیا هنگامیکه ایمان آور دید روح القدس را
- ۳ باقیده بود که شنیدم که روح القدس هست \* بدیشان کفت پس
- ۴ بجه چیز نعمید یافیده که شنید بتعیید بجهی \* بولس کفت بجهی البته تعید تو به میداد و یقین میکفت بآنکسی که بعد از من میآید ایمان یا اورید یعنی بسیج عبسی \*
- ۵ چون اینرا شنیدند بنام خداوند عبسی تعیید کرفتند\* و چون بولس دست بر ایشان نهاد روح القدس بر ایشان نازل شد و بزیانها متکلم کشته نبیوت کردند\*
- ۶ و جله آن مردمان غمیناً دوازده نفر بودند \* پس بکیسه در آمدت مدت سه ماه بدلیری سخن میراند و در امور ملکوت خدا مباحثه مینمود و برهان قاطع میآورد\*
- ۷ اما چون بعضی سخت دل کشته ایمان نیاوردند و پیش روی خلق طریقت را بد میکفتند از ایشان کاره کریم شاکردانرا جدا ساخت و هر روزه در مدرسه شخصی طی رأس نام مباحثه مینمود\* و بدین طور دو سال کذشت بقسمیکه غایی اهل
- ۸ آسیا چه بهود وجه یونانی کلام خداوند عبسی را شنیدند\* و خداوند از دست
- ۹ بولس مغزرات غیر معناد بظهور میسانید\* بطوریکه از بدن او دستهایها و فوطها برده بر میزان میکنارند و امراض از ایشان زایل میشد و ارواح پلید از ایشان

۱۳ اخراج میشدند\* لیکن نی چند از بودیان سیاح عزیزه خوان برآنایکه ارواح پلید  
داشند نام خداوند عیسی را خواندن کرفتند و میکفتند شمارا به آن عیسی که بولس  
۱۴ با موعله میکند قسم میدهم\* و هفت نفر پسران اسکوواه رئیس کهنه بپرورد این  
۱۵ کار میکردند\* اما روح خیث در جواب ایشان گفت عیسی را می شناسم  
۱۶ و بولس را میدانم لیکن شما کبستید\* و آن مرد که روح پلید داشت بر ایشان  
جست و بر ایشان زور اور شد غلبه بافت بحدبکه از آن خانه عربان و محروم فرار  
۱۷ کردند\* چون این واقعه بر جمیع بپروردان و بونایان ساکن آفسس مشهور گردید  
۱۸ خوف بر همه ایشان طاری کشته نام خداوند عیسی را مکرم میداشند\* و بسیاری  
از آنایکه ایمان آورده بودند آمدند و به اعمال خود اعتراف کرده آنها را فلاش می  
۱۹ نمودند\* و جمعی از شعبت بازان کتب خویش را آورده در حضور خلق سوزانیدند  
۲۰ و چون قیمت آنها را حساب کردند بجهة هزار درهم بود\* بدین طور کلام  
۲۱ خداوند ترقی کرده فوت میکرفت\* و بعد از تمام شدن این مقدمات بولس در  
روح عزیت کرد که از مکادونیه و آخائیه کذشته باورشلم برود و گفت بعد از رفتنم  
۲۲ با خجا روم را نیز باید دید\* پس دو نفر از ملازمان خود یعنی نیمنواؤس  
۲۳ و آرسطوس را مکادونیه روانه کرد و خود در آسیا چندی توقف نمود\* در آن  
۲۴ زمان هنگامه عظیم درباره طربت برپا شد\* زیرا شخصی دیگر بوس نام زرک که  
تصاویر بنکه آرطامبیس از نفع میساخت و مجده صنعتکاران نفع خاطیر پیدا میمود  
۲۵ ایشانرا و دیگرانیکه در چنین پیشه اشتغال میداشند\* فرام آورده گفت ای  
۲۶ مردمان شما آکاه هستید که از این شغل فراخی رزق ما است\* و دید و شنید اید  
که نه تنها در آفسس بلکه تقریبا در تمام آسیا این بولس خلق بسیار برای اغا نموده  
۲۷ محرف ساجه است و میکوبد این ایکه بدستها ساخته میشوند خدا این نیستند\*  
پس خطر است که نه فقط کسب ما از میان رود بلکه این هیکل خدای عظم  
آرطامبیس نیز خبر شرده شود و عظمت وی که تمام آسیا و بیرون مسکون اورا  
۲۸ میبرستند بر طرف شود\* چون اینرا شنیدند از خشم پر کشته فریاد کرده میکفتند  
۲۹ که بزرگست آرطامبیس آفسسیان\* و نیما شهر بشورش آمد هه متتفا بیان اخانه  
ناخند و غایوس و آرستزخُس را که از اهل مکادونیه و هراهام بولس بودند با

۱ خود میکشیدند \* اما چون بولس اراده نمود که بیان مردم درآید شاکردان او را  
 ۲ نگذاشتند \* و بعضی از رؤسای آسیا که اورا دوست میداشتند نزد او فرستاده  
 ۳ خواهش نمودند که خود را بناشاخانه نسیار دهند \* و هر یکی صدائی علیجه میکردند  
 ۴ زیرا که جماعت آشنه بود و آنکه نیدانستند که برای چه جمع شده اند \* پس  
 ۵ ایندَدر را از میان خلق کشیدند که بهودیان اورا پیش انداختند و لشکر بدرست  
 ۶ خود اشاره کرده خواست برای خود پیش مردم محبت بیاورد \* لیکن چون  
 ۷ داشتند که بهودی است هه یک آواز فریب بدلو ساعت ندا میکردند که بزرگ  
 ۸ است آرطامبیس آفسُیان \* پس ازان مستوفی شهر خلق را ساکت کردانه کفت  
 ۹ ابردان آفسُی کیست که نیداند که شهر آفسُیان ارطامبیس خدای عظیم و آن  
 ۱۰ صنی را که از مشتری نازل شد پرسش میکند \* پس چون این امور را توان  
 ۱۱ انکار کرد شما میباید آرام باشید و هیچ کاری بنجیل نکنید \* زیرا که این اشخاص را  
 ۱۲ آوردید که نه ناراج کنند کان هیکل اند و نه بخدای شما بد کفته اند \* پس هر کاه  
 ۱۳ دیپتر بوس و هکاران وی ادعائی برکسی دارند ایام قضا مقرر است و داوران  
 ۱۴ معین هستند ۱. هدبکر مرافعه بابد کرد \* و آنکه در امری دبکر طالب چجزی  
 ۱۵ باشید در محکمة شرعی فیصل خواهد پذیرفت \* زیرا در خطرم که در خصوص  
 ۱۶ فتنه امروز از ما باز خواست شود چونکه هیچ علی نیست که در باره آن عذری  
 ۱۷ برای این از دحام نوانیم آورد \* ابرا کفته جاعترا منفرق ساخت \*

### باب یسم

۱ و بعد از نام شدن این هنکامه بولس شاکردان را طلبیه ایشان را وداع نمود و بست  
 ۲ مکادونیه روانه شد \* و در آن نواحی سیر کرده اهل آنجارا نصیحت بسیار نمود  
 ۳ و به بونانستان آمد \* و سه ماه نوقت نمود و چون عزم سفر سوریه کرد و بهودیان  
 ۴ در گین وی بودند اراده نمود که از راه مکادونیه مراجعت کند \* و سویا ترین  
 ۵ از اهل پیریه و آرستنخُس و سکنُدُس از اهل تَسالونیکی و غابوس از دریه  
 ۶ و بیموناؤس و از مردم آسیا تیجیکس و تَرْوَفِیمُس نا به آسیا همراه او رفند \* و ایشان  
 ۷ پیش رفته در نزواس متظر ما شدند \* واما ما بعد از ایام فطیر از فیلی بکشی

- سوار شدم و بعد از پنج روز به ترواس نزد ایشان رسید در آنجا هفت روز ماندم \*  
 ۷ و در اوّل هنّه چون شاکر دان بجهة شکستن نان جمع شدند و بولس در فردای  
 آن روز عازم سفر بود برای ایشان موعده مبکرد و سخن او نا نصف شب طول  
 ۸ کشید \* و در بالاخانه که جمع بودم چراغ بسیار بود \* ناکاه جوانیکه آفتخُس نام  
 داشت نزد در پیچ نشسته بود که خواب سُکن اورا در ریود و چون بولس کلامرا  
 طول میداد خواب بر او مستولی کشته از طبقه سُم بزیر افتاد و اورا مرده  
 ۹ بردشتند \* آنکاه بولس بزیر آمد بر او افتاد و وبرا در آغوش کشید کفت  
 ۱۰ مضطرب مباشد زیرا که جان او در اوست \* پس بالارفته و نانرا کشته خورد  
 ۱۱ و نا طلوع فجر کنکوی بسیار کرده همچین روانه شد \* و آن جوانرا زنده بردند  
 ۱۲ و نسلی عظیم پذیرفتند \* اما ما بکشی سوار شد به آسوس پیش رفیم که از آنجا  
 میباشد بولس را بردارم که بدین طور قرار داد زیرا خواست نا آنجا پیاده رود \*  
 ۱۳ پس چون در آسوس اورا ملاقات کردم اورا برداشته به متبیّن آدم \* و از آنجا  
 بدریا کوچ کرده روز دیگر به قابل خبیوس رسیدم و روز سیم به ساموس وارد شدم  
 ۱۴ و در ترُوجیلیون توفّق نموده روز دیگر وارد میلیس شدم \* زیرا که بولس  
 عزیت داشت که از محاذی آفسُن بکنرد مباشد اورا در آسیا در نکی پیدا شود  
 ۱۵ چونکه نعیم میکرد که اگر ممکن شود نا روز بَطْلَكَلَسْت باورشلم برسد \* پس  
 ۱۶ از میلیس به آفسُن فرستاده کشیشان کلیسا را طلبید \* و چون بزدش حاضر  
 شدند ایشان را کفت بر شیا معلوم است که از روز اوّل که وارد آسیا شدم چه طور  
 ۱۷ هر وقت بلشا سر میبردم \* که با کمال فروتنی واشکهای بسیار و اخوانهای که  
 ۱۸ از مکابد بهود بر من عارض میشد بخدمت خداوند مشغول میبودم \* و چکونه  
 ۱۹ چیزی را از آنجه برای شما معید باشد در پنج غداشتم بلکه آشکارا و خانه بخانه شمارا  
 ۲۰ اخبار و تعلم میفودم \* و بیهودهای و بونانیان نیز از تو به بسوی خدا و ایمان  
 ۲۱ بخداوند ما عبسی مسج شهادت نمدادم \* و اینکه اهن در روح بسته شد باورشلم  
 ۲۲ میروم و از آنجه در آنجا بر من واقع خواهد شد اطلاعی ندارم \* جز اینکه روح  
 ۲۳ القدس در هر شهر شهادت داده میکوید که بندها و زحمات برایم مهیا است \*  
 ۲۴ لبکن این چیزهارا بیهیج می شمارم بلکه جان خودرا عزیز نمیدارم نا دور خودرا

مجنوی به انجام رسانم و آن خدمتبران که از خداوند عیسی یافته‌ام که به بشارت فیض  
 ۲۵ خدا شاهادت دهم \* و الحال اینرا میدانم که جمیع شما که درینان شما کشته و هلاکوت  
 ۲۶ خدا مو عظمه کردند ام دیگر روی مراخواهد دید \* پس امروز از شما کوایی می‌طلبیم  
 ۲۷ که من از خون هم بری هست \* زیرا که از اعلام غودن شما بقایی اراده خدا کوایی  
 ۲۸ نکردم \* پس نکاه دارید خوشتن و نمای آن کلهران که روح القدس شمارا بر آن  
 ۲۹ آسف مفتر فرمود تا کلبسای خدارا رعابت کنید که آنرا بخون خود خربن است \*  
 ۳۰ زیرا من میدانم که بعد از رحلت من کرکان درین بیان شما در خواهند آمد که بر  
 ۳۱ کله ترجم خواهند نمود \* و از میان خود شما مردمانی خواهند برخاست که سخنان بخ  
 ۳۲ خواهند کنست تا شاکر دانرا در عقب خود بکشند \* لهذا بیدار باشید و بیاد آورید  
 ۳۳ که مدت سه سال شبانه روز از تیه نمودن هر یکی از شما با اشکها باز نه ابستادم \*  
 ۳۴ و الحال ای برادران شما را بخدا و بکلام فیض او می‌سازم که قادر است شمارا بنا  
 ۳۵ کند و درینان جمیع مقدسین شما را میراث بخشند \* یعنی با طلاقا بالباس کبرا اطمع  
 ۳۶ نورزیدم \* بلکه خود میدانید که هین دستها در رفع احتجاج خود و رفقام خدمت  
 ۳۷ می‌کردند \* این همرا بشما نمودم که می‌باید چین مشقت کشید ضعفارا دستکمیری  
 ۳۸ غایید و کلام خداوند عیسی را بخاطر دارید که او کنست دادن از کرفتن فرخند  
 ۳۹ نراست \* این بکفت وزانو زده با هستی ایشان دعا کرد \* و همه کرده بسیار  
 ۴۰ کردند و برکردن پولس آوجنه اورا می‌بیوسیدند \* و بسیار متالم شدند خصوصا  
 ۴۱ بجهة آن سخنی که کنست بعد از این روی مراخواهد دیده پس اورا تا بکنی  
 مشابعت نمودند \*

### باب بیست و پنجم

- ۱ و چون از ایشان هجرت نمودم سفر دریا کردم و براه راست بگویم آدمم و روز
- ۲ دیگر بروتس و از آنها به پائزرا \* و چون کشتنی باقیم که عازم فینیقیه بود بر آن
- ۳ سوار شده کوچ کردم \* و فیرس را بنظر آوردند آنرا بطرف چپ رها کرده بسوی
- ۴ سوریه رفیم و در صور فرود آدمم زیرا که در آنها می‌باشد بارکشتن را فرود
- ۵ آورند \* پس شاکر دی چند پیدا کرده هفت روز در آنها ماندم و ایشان به‌الهام
- ۶ روح به پولس کشند که باورشلم نزود \* و چون آنروز هارا بسر بردم روانه کنتم

و هه با زنان و اطفال نا پیرون شهر مارا مشایعت نمودند و بکاره در با زانو زده  
 ۶ دعا کردم \* پس بگدیگر را وداع کرده بکشی سوار شدم و ایشان بخانه‌ای خود  
 ۷ برگشتند \* و ما سفر دربارا به انجام رسانید از صور به بتولایس رسیدم و برادران را  
 ۸ سلام کرده با ایشان یکروز ماندم \* در فردای آنروز از آنجا روانه شد بقیصریه  
 ۹ آمدیم و بخانه فیلیپ مبشر که بک از آن هفت بود در آمد نزد او ماندم \* واورا  
 ۱۰ چهار دختر باکه بود که نبوت میگردند \* و چون روز چند در آنجا ماندم نبی  
 ۱۱ آگابوس نام از بیهودیه رسید \* و نزد ما آمد کمربند بولس را کرفته و دستها و پایهای  
 خود را بسته کفت روح القدس میکوبید که بیهودیان در اورشلم صاحب این  
 ۱۲ کمریندرا بهمین طور بسته اورا بستهای آنها خواهند سیرد \* پس چون اینرا  
 ۱۳ شیدم ما واهل آنجا الیاس نمودم که باورشلم نزود \* بولس جواب داد چه  
 میکنید که کربان شد دل مرا میشکنید زیرا من مستعدم که نه فقط قید شوم بلکه  
 ۱۴ نا در اورشلم بیرم بخطاطر نام خداوند عیسی \* چون او نشیند خاموش شد کفتم  
 ۱۵ آنچه اراده خداوند است بشود \* و بعد از آن ایام تدارک سفر دیدن متوجه اورشلم  
 ۱۶ شدم \* و تنی چند از شاکردن قصیره هر آن مارا نزد شخصی مناسون نام که  
 ۱۷ از اهل قبریس و شاکرد قدیمی بود آوردن نا نزد او منزل غایم \* و چون  
 ۱۸ وارد اورشلم کشیم برادران مارا بخشنودی پذیرفتند \* و در روز دیگر بولس  
 ۱۹ مارا برداشته نزد بعقوب رفت و هه کشیشان حاضر شدند \* پس ایشان را سلام  
 کرده آنچه حنا بوسیله خدمت او در میان آنها بعمل آورده بود منفصل آکفت \*  
 ۲۰ ایشان چون اینرا شنیدند خدارا تجدید نموده بموی کنند ای برادر آکاه هست که  
 ۲۱ چند هزارها از بیهودیان امانت آورده اند و جیما در شریعت غیوراند \* و درباره  
 تو شنیدند اند که هه بیهودیان را که در میان آنها بعمل تعلم میدهی که از موسی  
 ۲۲ اخraf نمایند و میکوئی نباید اولاد خود را محظون ساخت و بسنن رفتار نمود \* پس  
 ۲۳ چه باید کرد البته جماعت جع خواهند شد زیرا خواهد شید که تو آمده \* پس  
 آنچه بتوکوئیم بعمل آوره چهار مرد نزد ما هستند که بر ایشان نذری هست \*  
 ۲۴ پس ایشان را برداشته خود را با ایشان تطهیر نمایند و خرج ایشان را بمن که سر خود را  
 برداشند نا هه بدانند که آنچه در باره تو شنید اند اصلی ندارد بلکه خود نیز در

- ۲۵ محافظت شریعت سلوک مینائی \* لیکن در باره آنانیکه از آمنها ایمان آورده اند ما فرستادم و حکم کردیم که از قربانیهای بت و خون و حبوات خفه شد وزنا پرهیز  
 ۲۶ نایند \* پس بولس آن اشخاص را برداشته روز دیگر با ایشان طهارت کرده بهکل درآمد واز نکیل آیام طهارت اطلاع داد نا هدیه برای هر یک از ایشان  
 ۲۷ بکذرانند \* و چون هفت روز نزدیک به انجام رسید بهودی جند از آسیا اورا در  
 ۲۸ هبکل دین غای قومرا بشورش آوردند و دست بر او انداده \* فریاد برآوردن  
 که ای مردان اسرائیلی امداد کنیده این است آنکه برخلاف آمت و شریعت  
 وابن مکان در هر جا همراه نعلم میدهد بلکه بونانی چندرا نز بهکل درآورده  
 ۲۹ این مکان مقدس را ملوث نموده است \* زیرا قبل از آن نُرُوفِیْمُ آفسی را با  
 ۳۰ وی در شهر دین بودند و مظنه داشتند که بولس اورا بهکل آورده بود \* پس  
 غای شهر بحرکت آمد و خلق از دحام کرده بولس را کرفند واز هیکل پرون  
 ۳۱ کنیدند و فی الفور در هارا بستند \* و چون قصد قتل او میکردند خبر بین باشی  
 ۳۲ سپاه رسید که غای اورشلم شورش آمد است \* او بی درنک سپاه و بیزیاشی هارا  
 برداشته بر سر ایشان ناخت پس ایشان بحرکت دیدن مین باشی و سپاهیان از زدن  
 ۳۳ بولس دست برداشته \* چون مین باشی رسید اورا کرفته فرمان داد نا اورا بدو  
 ۳۴ زنگیر به بندند و بررسید که این کیست وجه کرده است \* اما بعضی از آن کروه  
 بعضی و بعضی بخنی دیگر صدا میکردند و چون او بسب شورش حقیقت امر را  
 ۳۵ توانست فهمید فرمود نا اورا بقلعه بیاورند \* و چون به زینه رسید اتفاق افتاد که  
 ۳۶ لشکریان بسب از دحام مردم اورا بر کرفند \* زیرا کروه کثیر از خلق از عقب  
 ۳۷ او افاده صدا میزدند که اورا هلاک کن \* چون نزدیک شد که بولس را بقلعه  
 در آورند او بین باشی کفت آیا اجازت است که بنو چیزی کوئ کفت ایا زیمان  
 ۳۸ بونانی را میدانی \* مکرتو ان مصری نیستی که چندی پیش از این فتنه بر اینچه  
 ۳۹ چهار هزار مرد فتالرا به بیلان برد \* بولس کفت من مرد بهودی هست از طرسوس  
 قبیله شهری که بی نام و نشان بست و خواهش آن دارم که مرا اذن فرمای نا  
 ۴۰ بردم سخن کوئ \* چون اذن یافت بر زینه ایستاده بدست خود بدرم اشاره کرد  
 و چون آرامی کامل پیدا شد ایشانرا بزیان عبرانی مخاطب ساخته کفت \*

باب یست و دوام

- ۱ ای برادران عزیز و پدران جختی را که آلان پیش شا می‌آورم بشنوید \* چون شنیدند که بزمان عربانی با ایشان نکلم می‌کند پیشتر خاموش شدند پس گفت \*
- ۲ من مرد بی‌هدی هستم متولد طرسوسِ فیلیپیه اماً تربیت باقته بودم در این شهر در خدمت غالائیل و در دقایق شریعت ابیداد متعلم شدم در باره خدا غیر می‌بودم
- ۳ چنانکه همکنی شما امروز می‌باشد \* و این طریقترا نا بقتل مزاهم می‌بودم بنوعیکه
- ۴ مردان وزنانرا بند نهاده بزندان می‌انداختم \* چنانکه رئیس کنه و عام اهل شوری بمن شهادت میدهند که از ایشان نامه‌ها برای برادران کرفته عازم دمشق
- ۵ شدم نا آنایرا نیز که در آنها باشند قید کرده باورشلم آورم نا سزا یابند \* و در اثنای راه چون نزدیک بدمشق رسیدم فرب پاظهر ناکاه نوری عظیم از آسان کرد
- ۶ من درخشنید \* پس بر زمین افناه هانق را شیدم که بمن می‌کوبید ای شاؤل ای شاؤل چرا بر من جفا می‌کنی \* من جواب دادم خداوندا تو کیست \* او مرأ گفت
- ۷ من آن عیشی ناصری هستم که نو بر وی جفا می‌کنی \* و همراهان من نوررا دیدم
- ۸ نرسان کشتند ولی آواز آنکس را که با من حسن گفت شنیدند \* گفتم خداوندا چکم \* خداوند مرا گفت بر خاسته بدمشق برو که در آنها نرا مطلع خواهند
- ۹ ساخت از آنچه برایست مقرر است که بکنی \* پس چون از سطوت آن نور نا بینا کشتم رفquam دست مرا کرفته بدمشق رسایدند \* آنکاه شخصی منی محسب شریعت
- ۱۰ حتایما نام که نزد همه بودیان ساکن آنها نیکنام بود \* بند من آمن و ایستاده بمن
- ۱۱ گفت ای برادر شاؤل بینا شو که در هان ساعت بر وی نگریست \* او گفت خدای پدران ما نرا برکرید تا لرواذه اورا بدانی و آن عادلرا به بینی و از زبانش
- ۱۲ سخنی بشنوی \* زیرا از آنچه دید و شنید نزد جمع مردم شاهد برا او خواهی شد \*
- ۱۳ و حال چرا تأخیر می‌نمایی برخیز و تعبد بکر و نام خداوندرا خواند خودرا از
- ۱۴ کاهانت غسل ده \* و چون باورشلم برکشنه در هیکل دعا می‌کردم بیخود شدم \*
- ۱۵ پس اورا دیدم که بمن می‌کوبید بشتاب و از اورشلم بزودی روانه شو زیرا که شهادت
- ۱۶ نرا در حق من نخواهند پذیرفت \* من گفتم خداوندا ایشان میدانند که من در هر

۲۰ کبیسه مومنین نرا حبس کرده بیزدم \* و هنکامیکه خون شهد تو استینفانرا ببریختند  
 ۲۱ من نیز ایشتاده رضا بدان دادم و جامه‌های فاتلان اورا نکاه میداشتم \* او بن  
 ۲۲ کفت روانه شو زیرا که من نرا بسوی انتهای بعد میفرستم \* پس نا این سخن بدرو  
 ۲۳ کوش کرفتند آنکه آواز خودرا بلند کردند چنین شخص را از روی زمین  
 ۲۴ بردار که زنگ ماندن او جایز نیست \* و چون غوغای نوده و جامه‌های خودرا  
 ۲۵ افسانه‌ن خاک بهوا ببریختند \* مین باشی فرمان داد تا اورا بقلعه در آوردند و فرمود  
 ۲۶ که اورا بتازبانه اعتقاد کنند تا بفهمد که بجهه سبب اینقدر بر او فریاد میکردند \*  
 ۲۷ وقتیکه اورا به رسما نهای بستند پولس به یوزباشی که حاضر بود کفت آیا برسها  
 ۲۸ جایز است که مردی رومبرای بی محبت هم تازبانه زنید \* چون یوزباشی اینجا شنید  
 ۲۹ نزد مین باشی رفته اورا خبر داده کفت چه میخواهی بکنی زیرا این شخص رومی  
 ۳۰ است \* پس مین باشی آمد بموی کفت مرا بکو که نو روی هست \* کفت بله \*  
 ۳۱ مین باشی جواب داد من این حقوق را ببلو خاطر تحصیل کردم \* پولس کفت  
 ۳۲ اما من در آن مولد شدم \* در ساعت آنایک فصد تنتیش او داشتند دست از  
 ۳۳ او بر داشتند و مین باشی ترسان کشت چون فهمید که روی است از آن سبب که  
 ۳۴ اورا بسته بود \* بامدادان چون خواست درست بفهمد که یهودیان بجهه علت  
 ۳۵ مدعی او میباشدند اورا از زندان پرون آورده فرمود تا رؤسای کهنه و نمائی اهل  
 ۳۶ سوری حاضر شوند و پولس را پائین اورده در میان ایشان برای داشت \*

### باب بیست و سه

۱ پس پولس به اهل سوری نیک نگریسته کفت ای برادران من نا امروز با کمال  
 ۲ ضمیر صالح در خدمت خدا رفتار کرده ام \* آنکه حتی‌با رئیس کهنه حاضران را  
 ۳ فرمود تا بدھاش زندند \* پولس بدرو کفت خدا نرا خواهد زد ای دیوار سفید  
 ۴ شده تو نشسته نا مرا بر حسب شریعت داوری کنی و بقصد شریعت حکم بزدنم  
 ۵ میکنی \* حاضران کفتند آیا رئیس کهنه خدارا دشنام میدهی \* پولس کفت ای  
 ۶ برادران ندانستم که رئیس کهنه است زیرا مکتوپست حاکم قوم خودرا بد مکوی \*  
 ۷ چون پولس فهمید که بعضی از صد و قیبان و بعضی از فریسانند در مجلس ندا در

داد که ای برادران من فرسی پسر فرسی هست و برای امید و فیامت مردگان از  
 ۷ من بازپرسی شود\* چون اینرا کفت در میان فریسان و صدوقیان ممتازه بر  
 ۸ باشد و جماعت دو فرقه شدند\* زیرا که صدوقیان منکر قیامت و ملانکه  
 ۹ و ارواح هستند لیکن فریسان فائل بهر دو\* پس غوغای عظم بر باشد و کنانز از  
 فرقه فریسان بر خاسته مخاصمه نموده میکفتند که در این شخص هیچ بدی نیافه ام  
 ۱۰ و آکر روحی با فرشته با او سخن کنده باشد با خدا جنک نباید نمود\* و چون  
 ممتازه زیادتر میشد مین باشی نرسید که مبادا پولس را بدرند پس فرمود تا ساهیان  
 ۱۱ پائین آمد اورا از میانشان بر داشته بقلمه در آوردند\* و در شب همان روز  
 خداوند نزد او آمد کفت ای پولس خاطر جمع باش زیرا چنانکه در اورشلیم در  
 ۱۲ حق من شهادت دادی همچین باید در روم نیز شهادت دهی\* و چون روز شد  
 یهودیان با یکدیگر عهد بسته برخوبیشن لعن کردند که تا پولس را نکشند نخورند  
 ۱۳ و نه نوشند\* و آنانکه در باره این هفتم شدند زیاده از چهل نفر بودند\*  
 ۱۴ اینها نزد روئای کهنه و مشائخ رفعه کفتند برخوبیشن لعنت سخت کردم که تا  
 ۱۵ پولس را نگشم چیزی نمیشم\* پس آن شما با اهل سوری مین باشیرا اعلام کنید  
 که اورا نزد شما پیاورده که کویا اراده دارید در احوال او نیکوت تحقیق نمایید  
 ۱۶ و ما حاضر هستیم که قبل از رسیدنش اورا بکشم\* اما خواهرزاده پولس از کین  
 ۱۷ ایشان اطلاع یافته رفت و بقلمه در آمد پولسرا آکاها نمید\* پولس بکی از  
 بوزیانرا طلبین کفت این جوانرا نزد مین باشی ببر زیرا خبری دارد که باو  
 ۱۸ بکوید\* پس اورا برداشته بحضور مین باشی رسانید کفت پولس زندانی مرا  
 طلبین خواهش کرد که این جوانرا بخدمت تو بیاورم زیرا چیزی دارد که بتوعرض  
 ۱۹ کند\* پس مین باشی دستش را کرفته مغلوب برد و برسید چه چیز است که میخواهی  
 ۲۰ مین خبر دهی\* عرض کرد یهودیان متفق شدند که از تو خواهش کنند تا  
 پولس را فردا به مجلس شوری در آوری که کویا اراده دارند در حق او زیادتر  
 ۲۱ تنبیش نمایند\* پس خواهش ایشانرا اجابت مفرما زیرا که بیشتر از چهل نفر از  
 ایشان در کین وی اند و بسوکند عهد بسته اند که تا اورا نکشند چیزی نخورند  
 ۲۲ و نیاشامند و آن مستعد و منظر وعده تو میباشند\* مین باشی آن جوانرا مرخص

۳۳ فرموده قدغن نمود که هیچ کس ممکن که مرا از این راز مطلع ساختی \* پس دو  
نفر از بوزیاشیان را طلبید فرمود که دوست سپاهی و هفتاد سوار و دوست نین  
۳۴ دار در ساعت سیم از شب حاضر سازید تا بقیریه بروند \* و مرکی حاضر کشد  
۳۵ تا بولس را سوار کرد او را بسلامی به نزد فیلکنی والی بریانند \* و نامه بدن  
۳۶ مضمون نوشته \* کلودیوس لیسیاس بوالی کرامی فیلکسن سلام میرساند \*  
۳۷ یهودیان این شخص را کرفته قصد قتل او داشتند پس با سپاه رفته او را از ایشان  
۳۸ کرفتم چون دریافت کرد بودم که روی است \* و چون خواستم بهم که بجه  
۳۹ سبب بر وی شکایت می کنم او را به مجلس ایشان در آوردم \* پس یافتم که در  
مسائل شربعت خود ازاو شکایت میدارند ولی هیچ شکوه مستوجب قتل یا بند  
۴۰ نمیدارند \* و چون خبر یافتم که یهودیان قصد کین سازی برای او دارند بین  
درز نک او را نزد تو فرستادم و مدعیان او را نیز فرمودم تا در حضور تو برآو ادعای  
۴۱ نمایند والسلام \* پس سپاهیان چنانکه مأمور شدند بولس را در شب برداشته  
۴۲ به آتشیان رس رسانیدند \* و بامدادان سواران را کذاشت که با او بروند خود  
۴۳ بغله برگشتند \* و چون ایشان وارد قبیریه شدند نامه را بوالی سیردند  
۴۴ و بولس را نیز نزد او حاضر ساختند \* پس والی نامه را ملاحظه فرموده پرسید که  
۴۵ از کدام ولایت است چون دانست که از قبیریه است \* کفت چون مدعیان تو  
حاضر شوند حقن ترا خواه شنید و فرمود تا او را در سرای هیرودیس نگاه دارند \*

### باب بیست و چهارم

۱ و بعد از هیچ روز حنایی رئیس کهنه با مشاغل و خطبی ترنس نام رسیدند  
۲ و شکایت از بولس نزد والی آوردند \* و چون او را احضار فرمود ترنس آغاز  
ادعا نموده کفت چون از وجود تو در آسایش کامل هستم و احسانات عظیمه از  
۳ تدابیر تو بدهن قوم رسیده است ای فیلکسن کرامی \* در هرجا و در هر وقت اینها  
۴ در کمال شکرکذاری می بذریم \* ولیکن تا ترا زیاده موضع شوم مستدعی هستم  
۵ که از راه نوازش هنصرتا عرض مارا بشنوی \* زیرا که این شخص را منسد و فتنه  
انگیز یافته ام در میان همه یهودیان ساکن ربع مسكون و از پیشوایان بدعت

- ۶ نصاری\* و چون او خواست هیکل را ملوث سازد اورا کفنه اراده داشتم که  
 ۷ بقانون شربعت خود بر او داوری غایم\* ولی لیسیاسِ مین باشی آمده اورا بزور  
 ۸ بسیار از دستهای ما بیرون آورد\* و فرمود نا مدعی اش نزد تو حاضر شوند و از  
 ۹ او بعد از امتحان میتوانی دانست حقیقت همه این اموری که ما بر او ادعا میکیم\*  
 ۱۰ و یهودیان نیز با امتنق شد کفتند که چنین است\* چون والی پولس اشاره نمود  
 ۱۱ که سخن بکوید او جواب داد از آن رو که مبدان سالهای بسیار است که تو حاکم  
 ۱۲ این قوم میباشی بخوشنودی و انر حجت در باره خود میآورم\* زیرا تو میتوانی  
 ۱۳ دانست که زیاده از دوازده روز نبست که من برای عبادت به اورشلم رفتم\*  
 ۱۴ و مرا نیافتد که در هیکل با کسی مباحثه کنم و نه در کنایس یا شهر که خلق را  
 ۱۵ بشورش آورم\* وهم آنچه آلان بر من ادعا میکند نمیتواند اثبات نمایند\* لیکن  
 ۱۶ اینرا نزد تو اقرار میکنم که بطريقیکه بدعت میکویند خدای پدرانرا عبادت میکنم  
 ۱۷ و با آنچه در توراه و آنیاه مکتوب است معنقدم\* و بخدا امیدوارم چنانکه ایشان نیز  
 ۱۸ قبول دارند که قیامت مردکان از عادلان و ظالمان نیز خواهد شد\* و خود را در  
 ۱۹ این امر ریاضت میدهم تا پوسته ضعیر خود را بسوی خدا و مردم بی لغتش نکاه  
 ۲۰ دارم\* وبعد از سالهای بسیار آمدم تا صدقات و هدایا برای قوم خود بیاورم\*  
 ۲۱ و در این امور چند نفر از یهودیان آسیا مراد هیکل مطهر بافتند بدون هنگامه  
 ۲۲ با شورشی\* و ایشان می بایست نیز در اینجا نزد تو حاضر شوند تا اکر حرفی بر  
 ۲۳ من دارند ادعا کند\* یا اینان خود بکویند اکر کاهی از من یافتند و قبیکه در  
 ۲۴ حضور اهل شوری ایستاده بودم\* مکر آن یک سخن که در میان ایشان ایستاده  
 ۲۵ بدان ندا کردم که در باره قیامت مردکان از من امروز پیش شما بازرس میشود\*
- ۲۶ آنکاه فیلکس چون از طریقت نیکوترا آکاهی داشت امر ایشان را تأخیر انداده  
 ۲۷ کفت چون لیسیاسِ مین باشی آید حقیقت امر شارا در یافت خواهم کرد\* پس  
 ۲۸ بوزباشی را فرمان داد تا پولس را نکاه دارد و اورا آزادی دهد و احمدی از  
 ۲۹ خوبیشان را از خدمت و ملاقات او منع نکند\* و بعد از روزی چند فیلکس با  
 ۳۰ زوجه خود دژوپسلا که زنی یهودی بود آمده پولس را طلبی سخن اورا در باره ایمان  
 ۳۱ مسیح شنید\* و چون او در باره عدالت و پرهیزکاری و داوری آیند خطاب

میکرد فیلکس نرسان کشته جواب داد که الحال برو چون فرصت کم نرا باز خواهم  
 ۳۶ خواهد\* و نیز امید میداشت که بولس اورا نقدی بددهد نا اورا آزاد سازد و از این  
 ۳۷ جهه مکرراً ویرا خواسته با او کتفکو میکرد\* اما بعد از انقضای دو سال  
 بُورکوش فَسْنُوس خلیفة ولایت فیلکس شد و فیلکس چون خواست بر بیوه مُنت  
 نهد بولس را در زندان کذاشت\*

### باب بیست و پنجم

- ۱ پس چون فَسْنُوس بولایت خود رسید بعد از سه روز از قبصَرِه با اورشلم
- ۲ رفت\* و رئیس کهنه و آکابر بیوه نزد او بر بولس ادعاه کردند و بدلوغ اخراج
- ۳ غوشه\* متی بر وی خواستند نا اورا با اورشلم بفرستند و در کین بودند که اورا
- ۴ در راه بگشند\* اما فَسْنُوس جواب داد که بولس را باید در قبصَرِه نگاه داشت
- ۵ زیرا خود اراده داشت بزودی آنجا برود\* و گفت پس کسانی از شما که میتوانند
- ۶ هر راه یابند نا آنکه چیزی در این شخص بافت شود برا او ادعاه نمایند\* و چون
- پیشتر از ده روز در میان ایشان توقف کرده بود بقیصرِه آمد و بامدادان بر مسند
- ۷ حکومت برآمد فرمود نا بولس را حاضر سازند\* چون او حاضر شد بیوه دیانی
- که از اورشلم آمده بودند بگرد او ایستاده شکایتهاش بسیار و کران بر بولس آوردنند
- ۸ ولی این بت توانستند کرد\* او جواب داد که نه بشریعت بیوه و نه بهیکل و نه
- ۹ بقیصر هیچ کاه کرده ام\* اما چون فَسْنُوس خواست بر بیوه مُنت نهد در جواب
- بولس گفت آیا مینواهی با اورشلم آنی نا در آنجا در این امور بحضور من حکم شود\*
- ۱۰ بولس گفت در محکمة قبصَر ایستاده ام که در آنجا میباید حاکمه من بشود و به بیوه
- ۱۱ هیچ ظلمی نکرده ام چنانکه تو نیز نیکونمیدانی\* پس هر کاه ظلمی با علی مستوجب
- قتل کرده باشم از مردم دروغ ندارم لیکن آنکه هیچ بلکه این شکایتها بکه اینها بر
- من می آورند اصلی ندارد کسی نمیتواند مرا با ایشان سپارد بقیصر رفع دعوی میکنم\*
- ۱۲ آنکاه فَسْنُوس بعد از مکالمه با اهل شوری جواب داد آیا بقیصر رفع دعوی
- ۱۳ کردی بحضور قبصَر خواهی رفت\* و بعد از مرور ایام چند آغْری پلش پادشاه
- ۱۴ و بر نیکی برای تجربه فَسْنُوس بقیصرِه آمدند\* و چون روزی بسیار در آنجا توقف

نمودند فَسْتُوس برای پادشاه مقدمه بولس را بهان کرده کفت مردیست که فیلکن  
 ۱۵ اورا در بند کذاشته است \* که در باره او و فئیکه باورشلم آدم روئای کهنه  
 ۱۶ و مشاهی یهود مرا خبر دادند و خواهش نمودند که بر او داوری شود \* در جواب  
 ایشان کتم که رومانرا رس نیست که احديرا بسپارند قبل از آنکه مدعی عليه  
 مدعیان خودرا رو برو شود واورا فرصت دهند که اذغای ایشانرا جواب کوید \*

۱۷ پس چون ایشان در اینجا جمع شدند پدرنگ در روز دوم بر مسند نشسته فرمودم  
 ۱۸ تا آن شخص را حاضر کردند \* و مدعیاش برها ایستاده از آنجه من کان میردم  
 ۱۹ هیچ ادعاه بروی پاوردند \* بلکه مسئله چند بر او ایجاد کردند در باره مذهب  
 ۲۰ خود و در حق عیسی نامیک مرده است و بولس میکوید که او زنن است \* و چون  
 من در این کونه سائل شک داشتم ازا او پرسیدم که آیا می خواهی باورشلم بروی  
 ۲۱ تا در لفغا این مقدمه فیصل پنید \* ولی چون بولس رفع دعوی کرد که برای  
 حاکمه آوغسٹس محفوظ ماند فرمان دادم که اورانکاه بدارند تا اورا بحضور قیصر  
 ۲۲ روانه نام \* آغزپاس به فَسْتُوس کفت من نیز بیوام این شخص را بشنوم \* کفت  
 ۲۳ فردا او را خواه شنید \* پس با مدد ادان چون آغزپاس و بزیکی با حشق عظم  
 آمدند و بدار الاستاع با مین باشیان و بزرگان شهر داخل شدند بفرمان فَسْتُوس  
 ۲۴ بولس را حاضر ساختند \* آنکاه فَسْتُوس کفت ای آغزپاس پادشاه وای همه  
 مردمانی که نزد ما حضور دارید این شخص را بینید که در باره او نمای جماعت  
 ۲۵ یهود چه در اورشلم و چه در اینجا فرباد کرده از من خواهش نمودند که دیگر  
 نباید زیست کد \* ولیکن چون من در باقی که او هیچ عملی مستوجب فعل نکرده  
 ۲۶ است و خود به آوغسٹس رفع دعوی کرد اراده کدم که اورا بفرستم \* و چون  
 چیزی درست ندارم که در باره او بخداوندکار مرقوم دارم از این جهت او را نزد  
 شما و علی المخصوص در حضور توای آغزپاس پادشاه آوردم تا بعد از شخص شاید  
 ۲۷ چیزی یافته بنکارم \* زیرا مرا خلاف عقل میناید که اسیر برای بفرستم و شکابهانی که  
 بر اوست معروض ندارم \*

## باب بیست و ششم

۱ آغزپاس به بولس کفت مرخصی که کیفیت خودرا بکوئی پس بولس دست

- ۱ خودرا دراز کرده حجت خودرا بیان کرد\* که ای آغْرِیپاس پادشاه سعادت خودرا در این میدانم که امروز در حضور تو حجت بیاورم در باره همه شکایتهاي  
 ۲ که بهود از من میدارند\* خصوصاً چون نو در همه رسوم و مسائل بهود عالم  
 ۳ همني پس از تو مستدعی آنم که خنگ فرموده مرا بشنوی\* رفتار مرا از جوانی  
 ۴ چونکه از ابتداء درمیان قوم خود در اورشلم بسر میبردم غایی بهود می دانند\*  
 ۵ و مرا از اوّل میشناسند هر کاه بخواهند شهادت دهند که بقانون پارسائیین فرقه  
 ۶ دین خود فرسی میبودم\* والحال سبب امید ان وعنه که خدا به اجداد ما داد  
 ۷ بر من اذعاء میکنند\* و حال آنکه دوازده سبط ما شبانه روز بحد و جهد عبادت  
 ۸ میکنند محض امید نحصل هین وعنه که بجهة هین امید ای آغْرِیپاس پادشاه بهود  
 ۹ بر من اذعاء میکنند\* شما چرا محال میپندازید که خدا مردکارا برخیزاند\* من هم  
 ۱۰ در خاطر خود می پنداشم که بنام عیشی ناصری مخالفت بسیار کردن واجب است\*  
 ۱۱ چنانکه در اورشلم هم کردم و از روای کهنه قدرت یافته بسیاری از مقدسین را  
 ۱۲ در زندان حبس میکردم و چون ایشانرا میکشند در فتوی شریک میبودم\* و در  
 ۱۳ همه کایايس بارها ایشانرا زحمت رسانیده مجبور میساختم که کفر کویند و بر ایشان  
 ۱۴ بشدت دیوانه کشته تا شهرهای بعد تعاقب میکردم\* در این میان هنکامیکه با  
 ۱۵ قدرت و اجازت از روای کهنه بدمشق میرفتم\* در راه ای پادشاه در وقت  
 ۱۶ ظهر نور بر از آسمان دیدم درخشند نرا از خورشید که در دور من و رفquam ناید\*  
 ۱۷ و چون هم بر زمین افhadam هانق را شنیدم که مرا بزبان عربانی مخاطب ساخته  
 ۱۸ کفت ای شاول شاول چرا بر من جنا میکنی نرا بر مینهال لک زدن دشوار است\*  
 ۱۹ من کفتم خداوندا نوکسی\* کفت من عیشی هستم که نور من جنا میکنی\* ولیکن  
 ۲۰ برخاسته بر باب است زیرا که بر تو ظاهر شدم تا نرا خادم و شاهد مفتر کردم برا آن  
 ۲۱ چجزهایکه مرا در اینها دین و بر آنچه بود در آن ظاهر خواهم شد\* و ترا رهانی  
 ۲۲ خواهم داد از قوم و از ائمّه ائمّه ترا بزند آنها خواهم فرستاد\* تا چشم ایشان را  
 ۲۳ باز کنی تا از ظلمت بسوی نور و از قدرت شیطان بجانب خدا برکرددند تا امر زش  
 ۲۴ کنهاهن و میزائی درمیان مقدسین بوسله ایماییکه بر من است پیا بند\* آنوقت ای  
 ۲۵ آغْرِیپاس پادشاه روای ایساینرا تأثیری نورزیدم\* بلکه غشت آناینرا که در دمشق

بودند و در اورشلیم و در غلائی مرزویوم بیهوده و آمنهارا نیز اعلام می نوید که تو به  
 ۱۱ کنند و بسوی خدا بازگشت غایبند و اعمال لایقه تویه را بجا آورند \* بسبب هیں  
 ۱۲ امور بیهود مرا در هیکل کرفه قصد قتل من کردند \* اما از خدا اعانت یافته تا  
 امروز باقی ماندم و خورد و بزرگرا اعلام مینام و حرف نمیکویم جز آنچه اینیاه و موسی  
 ۱۳ کفتند که میباشد واقع شود \* که مسیح میباشد زحمت بیند و نوبت قیامت مردکان  
 ۱۴ کشته فوم و آمنهارا بنور اعلام غایبد \* چون او بدین سخنان حججه خود را می آورد  
 فَسَوْسَ بَاوازِ بلند کفت ای پولُس دبوانه هستی کثیر علم ترا دبوانه کرده است \*  
 ۱۵ کفت ای فَسَوْسِ کرامی دبوانه نیست بلکه سخنان راستی و هوشیاریرا میکویم \* زیرا  
 پادشاهی که در حضور او بدلیری سخن میکویم از این امور مطلع است چونکه مرا  
 بقین است که هیچ یک از این مقدمات بر او مختنی نیست زیرا که این امور در  
 ۱۷ خلوت واقع شد \* ای آغْرِی پیاس پادشاه آبا به اینیاه ایمان آورده میدانم که ایمان  
 ۱۸ داری \* آغْرِی پیاس بپولُس کفت به فلیل ترغیب میکنی که من مسیح بکردم \*  
 ۱۹ بپولُس کفت از خدا خواهش میداشتم با فلیل با بکثیر نه تنها تو بلکه جمیع این  
 ۲۰ اشخاص بکه امروز سخن مرا می شوند مثل من کردند جزا این زخیرها \* چون اینرا  
 ۲۱ کفت پادشاه و والی و برئیکی و سایر مجلسیان برخاسته \* رفند و با یکدیگر  
 کتفکو کرده کفتند این شخص همیچ علی مستوجب قتل با حبس نکرده است \*  
 ۲۲ و آغْرِی پیاس به فَسَوْسَ کفت آکر این مرد بفیصر رفع دعوی خود نمیکرد اورا آزاد  
 کردن ممکن میبود \*

## باب بیست و هشت

- ۱ چون مقرر شد که به ایطالیا بروم پولُس و چند زندانی دیگر را به بوزیاشی از سپاه
- ۲ او گُسْطُس که بولیویس نام داشت سپردند \* و بکشی آدرامینی که عازم بنادر آسیا  
 بود سوار شد کوچ کدم و اِسْتَرْخُس از اهل مکدونیه از تسالونیکی همراه ما بود \*
- ۳ روز دیگر بصیدون فرود آمدیم و بولیویس با پولُس ملاطفت نموده اورا اجازت
- ۴ داد که نزد دوستان خود رفته از ایشان نوازش باید \* و از آنجا روانه شد
- ۵ زیر فیرس کذشم زیرا که باد مخالف بود \* و از دریای کارِ قلبینه و پیغمبریه کذشنه  
 ۶ ببرای لیکه رسیدم \* در آنجا بوزیاشی کشته اسکندریه را یافت که به ایطالیا میرفت

۷. و مارا بر آن سوار کرد \* و چند روز با هستکی رفته بقیدُس بمشقت رسیدم و چون  
 ۸. باد خالف ما میبود در زیر کریت نزدیک سلُوُنی راندم \* و بدشواری از آنجا  
 ۹. کذشنه بوضعیکه به بنادر حَسَنَه مسقی و فربت به شهر لسانیه است رسیدم \* و چون  
 زمان منقضی شد و در این وقت سفر در باطن خطرناک بود زیرا که ایام روزه کذشنه  
 ۱۰. بود \* بولُس ایشانرا نصیحت کرده کفت ای مردمان می بین که در این سفر ضرر  
 ۱۱. و خسروان بسیار پیدا خواهد شد نه فقط بار و کشی را بلکه جانهای مارا نبرد \* ولی  
 ۱۲. بوزیاشی ناخدا و صاحب کشته را بیشتر از قول بولُس اعتماء نمود \* و چون آن  
 بندر نیکونبود که زمستانرا در آن بسر برند اکثر جنان مصلحت دانستند که از آنجا  
 نقل کنند نا اکرم ممکن شود خودرا به فینیکس رسانیده زمستانرا در آنجا بسر برند که  
 ۱۳. آن بندریست از کریت مواجه مغرب جنوی و مغرب شمالی \* و چون نسم جنوی  
 وزیدن گرفت کان بر دند که هنচند خوبیش رسیدند پس لنگر برداشتم و از کاره  
 ۱۴. گریت کذشتم \* لیکن چیزی نه کذشت که بادی شدید که آنرا اور کلیدُون می  
 ۱۵. نامند از بالای آن زدن گرفت \* در ساعت کشته ربوده شد رو بسوی باد  
 ۱۶. نتوانست نهاد پس آنرا از دست داده بی اخبار راند شدم \* پس در زیر جزیره که  
 کلودی نام ساخت دوان دوان رفتمن و بدشواری زور قرا در قبض خود اوردم \*  
 ۱۷. و آنرا برداشته و معونات را استعمال نموده مکر کشته را بستند و چون نرسیدند که  
 به ریگزار سیرِنَس فرو روند حال کشته را فرو کشیدند و همچنان راند شدند \*  
 ۱۸. و چون طوفان بر ما غله مینمود روز دیگر بار کشته را بپرون انداختند \*  
 ۱۹. و روز سُم بستهای خود آلات کشته را بدريا آنداخنم \* و چون روزهای بسیار  
 آفتاب و ستارکاران ندیدند و طوفانی شدید بر ما ای افتاد دیگر هیچ امید نجات برای  
 ۲۰. مانند \* و بعد از کریستی بسیار بولُس در میان ایشان ایستاده کفت ای مردمان  
 نخست مهیا بست سخن مرا پذیرفه از گریت نقل نکرده باشید نا این ضرر و خسروان  
 ۲۱. راهه بینند \* اکون نیز شمارا نصیحت میکنم که خاطر جمع باشید زیرا که هیچ ضرری  
 ۲۲. بیجان بکی از شاخ غواهد رسید مکر بکسی \* زیرا که دوش فرشته آن خداییکه از  
 ۲۳. اوهست و خدمت او را میکنم بن ظاهر شد \* کفت ای بولُس نرسان ماس زیرا  
 ۲۴. باید تو در حضور فیصر حاضر شوی و اینک خدا همه هم سفران ترا بنویختیم

۲۵ است \* پس ای مردمان خویحال باشید زیرا این دازم که بهمان طور که بمن  
 ۲۶ کفت واقع خواهد شد \* لیکن باید در جزیره پنتم \* و چون شب چهاردهم شد  
 ۲۷ و هنوز در دریای آذریا هر سوارانک میشدیم در نصف شب ملاحان کمان برند که  
 ۲۸ خشکی نزدیکست \* پس بیباش کرده بیست قامت بافتند و قدری پیشتر رفته  
 ۲۹ باز بیباش کرده پانزده قامت بافتند \* و چون ترسیدند که بعضی ها پنجم از پشت  
 ۳۰ کتفی چهار لنگر انداخته غناه میکردند که روز شود \* اما چون ملاحان فصد  
 ۳۱ داشتند که از کتفی فرار کند وزورق را بتریا انداختند بهانه که لنگرهای را از پیش  
 ۳۲ کتفی بگشند \* پولس بوزیاشی و سپاهیانرا کفت آگر اینها در کتفی نمانند نجات شما  
 ۳۳ ممکن نباشد \* آنکه سپاهیان رسما نهای زورقرا برین کذاشند که پنقد \* چون روز  
 ۳۴ نزدیک شد پولس از همه خواهش نمود که چیزی بخورند پس گفت امروز روز  
 ۳۵ چهاردهم است که انتظار کشید و چیزی نخورد کرسته مانه اید \* پس استدعای  
 من این است که غذا بخورید که عافیت برای شما خواهد بود زیرا که موئی از سر  
 ۳۶ هیچ بک از شما خواهد افتاد \* این بگفت و در حضور همه نان کفه خدارا شکر کفت  
 ۳۷ و پاره کرده خوردن کرفت \* پس همه فوئی دل کشنه نیز غذا خوردند \* و جمله  
 ۳۸ نفوس در کتفی دویست و هشتاد و شش بودم \* چون از غذا سیر شدند کننم را  
 ۳۹ بدرا رخنه کشیدرا سبک کردند \* اما چون روز روشن شد زمینرا نماناخند لیکن  
 خلیجی دیدند که شاطئ داشت پس رای زدند که اگر ممکن شود کشیدرا بر آن  
 ۴ برانند \* و بند لنگرهای را برین آهارا در دریا کذاشند و بندهای سکانرا باز کرده  
 ۴ و بادبانرا برای باد کشاده راه ساحل را پیش کرفتند \* اما کتفی را در مجمع بحرین  
 به پایاب رانک مقدم آن فروشک بیحرکت ماند ولی مؤخرش از لطمه امواج درم  
 ۴ شکست \* آنکه سپاهیان فصد فل زندانیان کردند که مبادا کسی شنا کرده  
 ۴ بکریزد \* لیکن بوزیاشی چون خواست پولس را برهاند ایشانرا از این اراده  
 باز داشت و فرمود نا هر که شناوری داند نخست خوبیش را بدرا انداخته  
 ۴ بساحل رساند \* و بعضی برخنها و بعضی بر چیزهای کتفی و همچین هه بسلامتی  
 بخشکی رسیدند \*

## باب بیست و هشتم

- وچون رستکار شدند بافتند که جزین ملیٹه نام دارد \* و آن مردمان بَرِبرِی  
 با ما کمال ملاحظت نمودند زیرا بسب باران که میبارید و سرما آتش افروخته همه  
 مرا پذیرفتند \* چون بولُس مقداری هیزم فرام کرده برآتش مینهاد بسب حرارت  
 افعی یرون آمدت بر دستش چسید \* چون بَرِبرِیان جانوررا از دستش آویجه  
 دیدند با یکدیگر میکنند بلا شک این شخص خونی است که با اینکه از دربارست  
 عدل نیکنارد که زبست کد \* اما آن جانوررا در آتش افکه هیچ ضرر نیافت \*  
 پس منتظر بودند که او آماس کند با بغنه افتاده بپرد ولی چون انتظار بسیار  
 کشیدند و دیدند که هیچ ضرری بد نرسید برکته کفتند که خدایست \* و در  
 آن نواحی املاک رئیس جزین که بُولِبُیوس نام داشت بود که او مارا بخانه خود  
 طلبیک سه روز بهربانی مهیا نمود \* از فضا پدر بُولِبُیوس را رنج تپ و اسحال  
 عارض شد خنده بود پس بولُس نزد ولی آمدت و دعا کرده و دست بر او کنارده  
 اورا شفا داد \* و چون این امر واقع شد سایر میضانیکه در جزین بودند آمد شفا  
 باختند \* و ایشان مارا آکرام بسیار نمودند و چون روانه میشدند آنچه لازم بود برای  
 ما حاضر باختند \* و بعد از سه ماه بکشی اسکندریه که علامت جوزا  
 داشت وزستان از در جزین بسر برده بود سوار شدم \* و بسراکُوس فرود آمد سه  
 روز توقف نمدم \* و از آنچا دوز زده بر بیرون رسیدم و بعد از یکروز باد  
 جنوبی وزیک روز دوم وارد بوطیولی شدم \* و در آنچا برادران بافته حسب  
 خواهش ایشان هفت روز ماندم و همچنین به رُوم آمدم \* و برادران آنچا چون از  
 احوال ما مطلع شدند به استقبال ما پیرون آمدند تا فوران آپیوس و سه دکان  
 و بولُس چون ایشان را دید خدارا شکر نموده قوی دل کشت \* و چون به رُوم  
 رسیدم بوزیاشی زندایان را بسردار افواج خاصه سپرد اما بولُس را اجازت دادند که  
 با یک سپاهی که محافظت او میکرد در منزل خود بماند \* و بعد از سه روز بولُس  
 بزرگان ہود را طلبید و چون جمع شدند باشان کفت ای برادران عزیز با وجودیکه  
 من هیچ علی خلاف قوم و رسوم اجداد نکرده بودم هانا مرا در او روشلم بسته

- ۱۸ بدنهای رومیان سپردهند\* ایشان بعد از شخص چون در من هیچ علت قتل  
 ۱۹ نیافتد اراده کردند که مرا رها کنند\* ولی چون بهود مخالفت نمودند ناچار شد  
 ۲۰ بنصیر رفع دعوی کردم نه تا آنکه از آنست خود شکایت کنم\* آکنون بدین جهه  
 خواستم شمارا ملاقات کنم و سخن کویم زیرا که بجهه امید اسرائیل بدین زنگیر بسته  
 ۲۱ شدم\* و براکنند ما هیچ نوشته در حق تواز بهودیه نیافده ام و نه کسی از برادرانیکه  
 ۲۲ از آنجا آمدند خبری یا سخن بدی در باره تو کفته است\* لیکن مصلحت دانستم از  
 تو مقصود ترا بشنوم زیرا مارا معلوم است که این فرقه را در هر جا بد میکویند\*  
 ۲۳ پس چون روزی برای وی معین کردند بسیاری نزد او بترانش آمدند که برای  
 ایشان به ملکوت خدا شاهدت داده شرح مینمود و از توراه موسی و انبیاء از صبح نا  
 ۲۴ شام در باره عیسی اقامه محجّت میکرد\* پس بعضی بخنان او ایمان آوردند و بعضی  
 ۲۵ ایمان نیاوردند\* و چون با یکدیگر معارضه میکردند از اوج داشتند بعد از آنکه  
 یولس این یك سخن را کفته بود که روح القدس بواساطت راشعیای نبی به اجداد  
 ۲۶ ما نیکو خطاب کرده\* کفته است که نزد اینقوم رفته بدبیشان بکوکوش خواهد  
 ۲۷ شنید و غواهید فهمید و نظر کرده خواهد نکریست و غواهید دید\* زیرا دل این  
 فوم غلیظ شد و یکوشاهای سنگین میشنوند و چشان خود را برم نهاده اند مبادا  
 بچشان به بینند و یکوشها بشنوند و بدل بینند و بازکشت کشد تا ایشان را شفایختم\*  
 ۲۸ پس بر شما معلوم باد که نجات خدا نزد آنها فرستاده میشود و ایشان خواهد  
 ۲۹ شنید\* چون اینرا کفت یهودیان رفند و با یکدیگر مباحثه بسیار میکردند\*  
 ۳۰ اما یولس دو سال نام در خانه اجاره خود ساکن بود و هر که بتزد وی میآمد می  
 ۳۱ پذیرفت\* و ملکوت خدا موعظه مینمود و با کمال دلبری در امور عیسی مسیح  
 خداوند بدون مانع نعلم میداد\*

## رساله پولس رسول برومیان

### باب اول

- ۱ پولس غلام عیسی مسجع و رسول خوانن شد و جدا نموده شد برای انجلیل خدا \*
- ۲ که سابقاً وعده آنرا داده بود بوساطت انبیای خود درکتب مقدسه \* درباره
- ۳ پسر خود که بحسب جسم از نسل داؤد متولد شد \* و بحسب رویح فدویت پسر
- ۴ خدا بتوت معروف کردید از قیامت مردکان یعنی خداوند ما عیسی مسجع \* که
- ۵ باو فیض و رسالترا یافیم برای اطاعت ایمان در جمیع امتهای بخارا اس او \* که
- ۶ در میان ایشان شما نیز خوانن شده عیسی مسجع هستید \* بهمه که در روم محبوب
- ۷ خدا و خوانن شده و مقدسید فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسجع
- ۸ خداوند بر شما باد \* اول شکر میکم خدای خود را بوساطت عیسی مسج درباره
- ۹ همکن شما که ایمان شما در غام عالم شهرت یافته است \* زیرا خدایکه اورا بروح
- ۱۰ خود در انجلیل پرسش خدست میکنم مرا شاهد است که چکونه پیوسته شارا باد
- ۱۱ میکنم \* و دایماً در دعاهاي خود مسئلت میکنم که شابد آلان آخر باراده خدا
- ۱۲ سعادت یافته نزد شما بیام \* زیرا بسیار اشتهاق دارم که شمارا بینم تا نعمتی
- ۱۳ روحانی بنشا بر سانم که شما استوار بگردید \* یعنی تا در میان شما نسلی بایم از ایمان
- ۱۴ یکدیگر ایمان من و ایمان شما \* لکن ای برادران نیخواهم که شما بغير باشد
- ۱۵ از اینکه مکرراً اراده آمدن نزد شما کردم و تا حال منع شدم تا ثری حاصل کنم
- ۱۶ در میان شما نیز چنانکه در سایر امتهها \* زیرا که بونایان و بزیریان و حکما و جهلا را
- ۱۷ هم مدینون \* پس همچینین بقدر طاقت خود مستعدم که شمارا نیز که در روم هستید
- ۱۸ بشارت دهم \* زیرا که از انجلیل مسجع عار ندارم چونکه فوت خداست برای نجات
- ۱۹ هر کس که ایمان آورد اول یهود و پس یونانی \* که در آن عدالت خدا مکشوف

- میشود از ایمان نا ایمان چنانکه مکنوبست که عادل بایمان زیست خواهد نمود\*
- ۱۸ . زیرا غصب خدا از آسمان مکشوف میشود بر هر یدینی و ناراسی مردمانیکه راستیرا در ناراسی باز میدارند\* چونکه آنچه از خدا میتوان شناخت در ایشان ظاهر است زیرا خدا آنرا برایشان ظاهر کرده است\* زیرا که چیزهای نادیده او بعنی قوت سرمدی والوهیش ارجین افرینش عالم بوسیله کارهای او فهمید
- ۱۹ و دیدک میشود نا ایشانرا عذری نباشد\* زیرا هر چند خدارا شناختند ولی اورا چون خدا تنبیه و شکر نکردند بلکه در خیالات خود باطل کردند دل یعنی ایشان ۲۰ تاریک کشت\* اذعای حکمت میکردند و احمق کردند\* و جلال خدای غیر فانیرا بشیوه صورت انسان فانی و طبیور و بهام و حشرات تبدیل نمودند\*
- ۲۱ لهذا خدا نیز ایشانرا در شهوات دل خودشان بنایا کی تسلیم فرمود نا در میان خود ۲۲ بدنها خویشا خوار سازند\* که ایشان حق خدارا بدروغ مبدل کردند و عبادت و خدمت نمودند عظوقرا بعوض خالقیکه نا ابد اکباد متبارکست آمن\*
- ۲۳ از این سبب خدا ایشانرا به سهای خبائث تسلیم نمود بنوعیکه زنانشان نیز عمل طبیعیرا با آنچه خلاف طبیعت است تبدیل نمودند\* و همین مردان هم استعمال طبیعی زنانرا نزک کرده از شهوات خود با پکد بکرسوختنده مرد با مرد منکب اعمال رشت شد عقوبت سزاوار نقصیر خودرا در خود یافتد\* و چون روانداشند که خدارا در داشت خود نکاه دارند خدا ایشانرا بذهن مردود واکذاشت ۲۵ نا کارهای ناشایسته بجا آورند\* ملو از هر نوع ناراسی و شرارت و طمع و خبائث\* ۲۶ پُراز حسد و قفل و جدال و مکر و بدخوبی \* غمازان و غیبت کشندگان و دشمنان خدا و اهانت کشندگان و منکرگان ولا فرزان و مبدعان شر و نامطیعان والدین\*
- ۲۷ یعنی ویوفا و بی الفت و بیرحم \* زیرا هر چند انصاف خدارا میدانند که کشندگان چین کارها مستوجب موت هستند نه فنطف آنها را میکنند بلکه کشندگان را نیز خوش نمیدارند\*

### باب دور

- ۱ لهذا ای آدمی که حکم میکنی هر که باشی عذری نداری زیرا که با آنچه بر دیگری حکم میکنی فتوی بر خود میدهی زیرا تو که حکم میکنی همان کارها را بعل میاوری\*

۳ و میدانم که حکم خدا برکنندگان چنین اعمال برق است \* پس ای آدمی که  
 برکنندگان چنین اعمال حکم میکنی و خود هانرا میکنی آبا کمان میری که تو از حکم  
 ۴ خدا خواهی رست \* یا آنکه دولت مهربانی و صبر و حلم او را ناجیز میشاری  
 ۵ و نیدانی که مهربانی خدا ترا بتوهه میکشد \* و بسبب قساوت و دل نا توبه کار خود  
 ۶ غضبرا ذخیر میکنی برای خود در روز غضب و ظهور داوری عادله خدا \* که  
 ۷ بهر کس برحسب اعمالش جزا خواهد داد \* اما آنانیکه با صبر در اعمال نیکو  
 ۸ طالب جلال و اکرام و فقایند حیات جاودانیار \* و اما به اهل تعصّب که اطاعت  
 ۹ راستی نمیکنند بلکه مطعی ناراستی میباشد خشم و غضب \* و عذاب و ضيق بره  
 ۱۰ نفس بشری که مرتبک بدی میشود اول بربود و پس برپوانی \* لکن جلال  
 ۱۱ و آذرام و سلامتی بره نیکوکار خست بربود و پرپوانی نیز \* زیرا نزد خدا  
 ۱۲ طرفداری نیست \* زیرا آنانیکه بدون شریعت کاه کند پیشريعتم نیز هلاک  
 شوند و آنانیکه با شریعت کاه کند از شریعت برایشان حکم خواهد شد \*  
 ۱۳ از آنجهه که شوندگان شریعت در حضور خدا عادل نیستند بلکه کنندگان شریعت  
 ۱۴ عادل شمرده خواهند شد \* زیرا هر کاه امتهایش که شریعت ندارند کارهای شریعت  
 ۱۵ بطیعت بجا آرند اینان هر چند شریعت ندارند برای خود شریعت هستند \* چونکه  
 از ایشان ظاهر میشود که عمل شریعت بر دل ایشان مکتوب است و ضمیر ایشان  
 نیز کوایی میدهد و افکار ایشان با یکدیگر یا مذمت میکند یا عذر میآورند \*  
 ۱۶ در روزیکه خدا رازهای مردم را داوری خواهد نمود بواسطه عیسی مسیح برحسب  
 ۱۷ بشارت من \* پس آکر تو مسیح یهود هستی و پر شریعت نکیه میکنی و بخدا فخر  
 ۱۸ مینائی \* و اراده اورا میدانی و از شریعت تربیت یافه چیزهای افضل را میکرینی \*  
 ۱۹ و بقین داری که خود هادئ کوران و نور ظلمتیان \* و مؤذب جاهلان و معلم اطفال  
 ۲۰ هستی و در شریعت صورت معرفت و راستیرا داری \* پس ای کسیکه دیگرانرا  
 تعلیم میدهی چرا خود را نیاموزی و وضع میکنی که دردی نباید کرد آیا خود  
 ۲۱ دردی میکنی \* و از زنا کردن نهی میکنی آیا خود زانی نیستی و از بینها نفرت داری  
 ۲۲ آیا خود معبد هارا غارت نمیکنی \* و پر شریعت فخر میکنی آیا بجاوز از شریعت  
 ۲۳ خدارا اهانت نمیکنی \* زیرا که بسبب شما در میان امنها اسم خدارا کفر میکویند

۲۵ چنانکه مکنوبست \* زیرا خته سودمند است هر کاه بشر بعثت عمل نمای اما آکر  
 ۲۶ از شربعت نجاوز نمای خته تو نا مختونی کته است \* پس آکر نا مختونی احکام  
 ۲۷ شربعترا نکاه دارد آیا نا مختونی او خته شرده نمیشود \* و نا مختونی طبیعی هر کاه  
 شربعترا بجا آرد حکم خواهد کرد بر تو که با وجود کتب و خته از شربعت نجاوز  
 ۲۸ میکنی \* زیرا آنکه در ظاهر است یهودی نیست و آنچه در ظاهر در جسم است  
 ۲۹ خته نی \* بلکه یهود آنسکه در باطن باشد و خته انکه قلبی باشد در روح نه در  
 حرف که مدح آن نه از انسان بلکه از خداست \*

### باب سوم

۱ پس برتری یهود چیست و یا از خته چه فائنه \* بسیار از هرجهه اول آنکه  
 ۲ بدیشان کلام خدا امامت داده شده است \* زیرا که چه بکوئم آکر بعضی ایمان  
 ۳ نداشتند آیا بی ایمان ایشان امامت خدارا باطل میسازد \* حاشاء بلکه خدا راستکو  
 باشد و هر انسان دروغگو چنانکه مکنوبست نا اینکه در سخنان خود مصدق شوی  
 ۴ و در داوری خود غالب ائم \* لکن آکر ناراستی ما عدالت خدارا ثابت میدند  
 ۵ چه بکوئم آیا خدا ظالم است و فتیکه غضب مینماید \* بطور انسان سخن میکنم \*  
 ۶ حاشاء در این صورت خدا چکونه عالم را داوری خواهد کرد \* زیرا آکر بدروغ  
 من راستی خدا برای جلال او افزون شود پس چرا بر من نیز چون کاهکار حکم  
 ۷ شود \* و چرا نکوئم چنانکه بعضی برما افترا میزنند و کمان میبرند که ما چنین  
 ۸ میکوئم بدی بکنیم نا نیکوئی حاصل شود که فصاص ایشان به انصاف است \* پس  
 ۹ چه بکوئم آیا برتری دارم \* نه بتعییج وجه زیرا پیش اذعاء وارد آوردم که یهود  
 ۱۰ و یونانیان هر دو بکاه کرفتارند \* چنانکه مکنوبست که کسی عادل نیست یکی  
 ۱۱ هم نی \* کسی فهم نیست کسی طالب خدا نیست \* همه کمراه و جیعاً باطل  
 ۱۲ کردیده اند نیکوکاری نیست یکی هم نی \* کلوی ایشان کور کناده است و بیزانهای  
 ۱۳ خود فریب میدهند زهر مار در زیر لب ایشانست \* و دهان ایشان پر از لعنت  
 ۱۴ و نلخی است \* پایهای ایشان برای خون ریختن شتابانست \* هلاکت و برشانی  
 ۱۵ در طریقهای ایشانست \* و طریق سلامتیرا ندانسته اند \* خدانرسی در چشانشان  
 ۱۶ ۱۷

۱۹ نیست \* آن آکاه هستیم که آنچه شربعت میگوید به اهل شربعت خطاب میکند  
 ۲۰ تا هر دهانی بسته شود و نام عالم زیر قصاص خدا آیند \* از آنچا که به اعمال  
 شربعت هیچ بشری در حضور او عادل شرده نخواهد شد چونکه از شربعت  
 ۲۱ دانستن کاه است \* لکن الحال بدون شربعت عدالت خدا ظاهر شد است  
 ۲۲ چنانکه نوراء وانیاه برآن شهادت میدهند \* یعنی عدالت خدا که بوسیله ایمان  
 ۲۳ بعضی سمع است بهمه وکل آنانکه ایمان آورند زیرا که هیچ تفاوتی نیست \* زیرا  
 ۲۴ ه کاه کرده اند و از جلال خدا فاصله میباشند \* و بقیض او جانان عادل شرده  
 ۲۵ میشوند بواسطت آن فدیه که در عیسی سمع است \* که خدا اورا از قبل معین  
 ۲۶ کرد ناکناره باشد بواسطه ایمان بوسیله خون او نا آنکه عدالت خودرا ظاهر  
 ۲۷ سازد بسب فروکذاشن خطای سایق در جوین نهاد خدا \* برای اظهار عدالت  
 ۲۸ خود در زمان حاضر نا او عادل شود و عادل شمارد هر کسی را که بعضی ایمان  
 ۲۹ آورد \* پس جای خرگشا است \* برداشته شد است \* بدکدام شربعت آیا شربعت  
 ۳۰ اعمال نی بلکه شربعت ایمان \* زیرا یقین میدانیم که انسان بدون اعمال شربعت  
 ۳۱ عرض ایمان عادل شرده میشود \* آیا او خدای یهود است فقط مکر خدای انتها  
 ۳۲ هم نیست \* البته خدای امنها نیز است \* زیرا واحد است خدائیکه اهل ختنها  
 ۳۳ از ایمان و ناخنونازرا به ایمان عادل خواهد شرد \* پس آیا شربعترا به ایمان باطل  
 میسازیم \* حاشا بلکه شربعترا استوار میدارم \*

### باب چهارم

۱ پس چه چیزرا بگوئیم که پدر ما ابراهیم بحسب جسم یافت \* زیرا آکرا ابراهیم  
 ۲ به اعمال عادل شرده شد جای فخر دارد اما نه در نزد خدا \* زیرا کتاب چه  
 ۳ میگوید ابراهیم بخدا ایمان آورد و آن برای او عدالت محسوب شد \* لکن برای  
 ۴ کسیکه عمل نمکد مزدش نه از راه فیض بلکه از راه طلب محسوب میشود \* و اما  
 ۵ کسیکه عمل نکند بلکه ایمان آورد یا وکه میدینانزرا عادل میشارد ایمان او عدالت  
 ۶ محسوب میشود \* چنانکه داود نیز خوش حالی آنکسرا ذکر میکند که خدا برای  
 ۷ او عدالت محسوب میدارد بدون اعمال \* خوشحال کسانیکه خطای سایق ایمان

- ۸ آمرزید شد و کاهانشان مستور کردید\*
- ۹ خوشحال کشکه خداوند کاهرا بود محسوب نفرماید\*
- ۱۰ پس آیا این خوشحال برآهل خته کفته شد با برای ناخنوان
- ۱۱ نیز زیرا میگوئیم ایمان ابراهیم بعدالت محسوب کشت\*
- ۱۲ پس درجه حالت محسوب شد و قنیکه او درخته بود یا در ناخنونی درخته نی بلکه در ناخنونی\*
- ۱۳ علامت خته را یافت نامه باشد برآن عدالت ایمانیکه در ناخنونی داشت نا او همه ناخنونانرا که ایمان آورند پدر باشد نا عدالت برای ایشان هم محسوب شود\*
- ۱۴ پدر خته نیز بعنی آنانرا که نه فقط مخونند بلکه سالک هم میباشند برآثار ایمانی که پدر ما ابراهیم در ناخنونی داشت\*
- ۱۵ زیرا به ابراهیم وذریت او وعد که او وارث جهان خواهد بود از جهه شریعت داده نشد بلکه از عدالت ایمان\*
- ۱۶ زیرا که شریعت آنرا عاطل شد و وعد باطل\*
- ۱۷ باعث غضب است زیرا جاییکه شریعت نیست نجاوز هم نیست\* و از اینجهه از ایمان شد نا هضم فیض باشد نا وعد برای همکنی ذریت استوار شود نه مختص
- ۱۸ مکنوب است که ترا پدر امتهای بسیار ساخته‌ام) در حضور آنخدایکه با او ایمان آورد که مردکانرا زنن میکند ونا موجودانرا بوجود میگواند\*
- ۱۹ که او درنا امیدی به امید ایمان آورد نا پدر امتهای بسیار شود بر حسب آنچه کفته شد که ذریت تو چنین خواهد بود\*
- ۲۰ در ایمان کم فوت نشک نظر کرد بدین خود که در آنوقت مرده بود چونکه فربی بصد ساله بود و به رَجُم مرده ساره\*
- ۲۱ و در وعد خدا از بی ایمان شک نمود بلکه قوی ایمان کشته خدارا تجید نمود\*
- ۲۲ و بقین دانست که بوفای وعد خود نیز قادر است\* و از اینجهه برای او عدالت محسوب شد\*
- ۲۳ ولکن اینکه برای وی محسوب شد نه برای او فقط نوشته شد\* بلکه برای ما نیز
- ۲۴ که با محسوب خواهد شد چون ایمان آورم باو که خداوند ما عیسی را از مردکان برخیزانید\*
- ۲۵ که بسبب کاهان ما نسلیم کردید و بسبب عادل شدن ما برخیزانید شد\*

باب ششم

۱ پس چونکه با ایمان عادل شرده شدم نزد خدا سلامتی دارم بواسطه خداوند

- ۱ ماعیسی مسیح \* که بواساطت او دخول بزر باقیه ام بوسیله این در آن فضیلک  
 ۲ در آن پایدارم و به ابد جلال خدا فخر مینایم \* و نه این تنها بلکه در مصیبها م  
 ۳ فخر میکنم چونکه میدانم که مصیبت صررا پیدا میکند \* و صبر اختنازا و اخناز  
 ۴ ایدرا \* و امید باعث شرمساری نمیشود زیرا که محبت خدا در دلهای ما بروح  
 ۵ القدس که با عطا شد ریخته شد است \* زیرا هنگامیکه ما هنوز ضعیف بودم  
 ۶ در زمان معین مسیح برای بیدبیان وفات یافت \* زیرا بعید است که برای شخص  
 ۷ عادل کسی بپردازد هر چند در راه مرد نیکومیکست کسی نیز جرأت کند که بپردازد \*  
 ۸ لکن خدا محبت خود را در ما ثابت میکند از اینکه هنگامیکه ما هنوز کامکار  
 ۹ بودیم مسیح در راه ما مرد \* پس چه قدر بیشتر آن که بخون او عادل شرده  
 ۱۰ شدم بوسیله او از غصب نجات خواهیم یافت \* زیرا آنکه در حالتیکه دشمن بودم  
 ۱۱ به وساطت مرک پسرش با خدا صلح داده شدم پس چه قدر بیشتر بعد از صلح  
 ۱۲ یافتن بواساطت حیات او نجات خواهیم یافت \* و نه هین فقط بلکه در خدا  
 ۱۳ فخر میکنم بوسیله خداوند ماعیسی مسیح که بواساطت او آن صلح باقیه ام \*
- ۱۴ لهذا همچنانکه بواساطت يك آدم کاه داخل جهان کردید و بکاه موت و باینکوئه  
 ۱۵ موت بر همه مردم طاری کشت از آنجا که هد کاه کردند \* زیرا قبل از شریعت کاه  
 ۱۶ درجهان میبود لکن کاه محسوب نمیشود در جاییکه شریعت نیست \* بلکه از آدم  
 ۱۷ نا موسی موت نسلص میداشت برآنای نیز که برمثال تجاوز آدم که نمونه آن آینده  
 ۱۸ است کاه نکرده بودند \* و نه چنانکه خطا بود همچنان نعمت نیز باشد زیرا آن  
 ۱۹ بخطای بک شخص بسیاری مردند چه قدر زیاده فیض خدا و آن بخششیکه بفیض  
 ۲۰ يك انسان یعنی عیسی مسیح است برای بسیاری افزون کردید \* و نه اینکه مثل  
 ۲۱ آنچه از يك کاهکار سرزد همچنان بخشش باشد زیرا حکم شد از يك برای فصاص  
 ۲۲ لکن نعمت از خطایابی بسیار برای عدالت رسید \* زیرا آنکه بسب خطای يك  
 ۲۳ نفر و بواسطه آن يك موت سلطنت کرد چه قدر بیشتر آناییکه افزونی فیض  
 ۲۴ و بخشش عدالترا میذیرند در جایات سلطنت خواهند کرد بوسیله يك یعنی عیسی  
 ۲۵ مسیح \* پس همچنانکه يك خطا حکم شد بر جمیع مردمان برای فصاص همچین  
 ۲۶ يك عمل صالح بخشش شد بر جمیع مردمان برای عدالت حیات \* زیرا بهمین

فسیکه از نافرمانی بک شخص بسیاری کاهکار شدند همچنین نیز به اطاعت بک ۲۰ شخص بسیاری عادل خواهند کردید\* اما شریعت در میان آمد ناخطا زیاده شود ۲۱ لکن جاییکه کاه زیاده کشت فیض پنهانیت افزون کردید\* نا آنکه چنانکه کاه در موت سلطنت کرد همچنین فیض نیز سلطنت نماید بعدالت برای حیات جاودانی بواسطه خداوند ما عیسی مسجع\*

### باب ششم

- ۱ پس چه کوئیم آیا در کاه بانم نا فیض افزون کردد\* حاشا مایانیکه از کاه مردم
- ۲ چونه دیگر در آن زبست کنم\* با نیدانید که جمیع ما که در مسیح عبسی تعبد
- ۳ یافتم درموت او تعبد یافتم\* پس چونکه درموت او تعبد یافتم با او دفن
- ۴ شدم نا آنکه همین فسیکه مسج بحال بدر از مردکان برخاست مانیز در تازی
- ۵ حیات رفقار نمائیم\* زیرا اکر بر مثال موت او مخدوش شتم هر آینه در قیامت وی
- ۶ نیز چنین خواهم شد\* زیرا اینرا میدانم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد
- ۷ نا جسد کاه معده کشته دیگر کاهرا بندی نکنم\* زیرا هر که مرد از کاه میرزا
- ۸ شد است\* پس هر کاه با مسج مردم یعنی میدانم که با او زبست هم خواهیم کرد\*
- ۹ زیرا میدانم که چون مسج از مردکان برخاست دیگر نمیرد و بعد از این موت براو
- ۱۰ نسلی ندارد\* زیرا با نچه مرد بگزینه برای کاه مرد و با نچه زندگی میگذرد برای
- ۱۱ خدا زبست میگند\* همچنین شما نیز خود را برای کاه مرد انگارید اما برای خدا
- ۱۲ در مسیح عبسی زند\* پس کاه در جسم فائی شما حکمرانی نکد نا هوشهای آنرا
- ۱۳ اطاعت نمایید\* واعضای خود را بکاه مسیارید نا آلات ناراستی شوند بلکه
- ۱۴ خود را از مردکان زنن شد بختنا نسلیم کنید واعضای خود را نا آلات عدالت برای
- ۱۵ خدا باشند\* زیرا کاه بر شما سلطنت نخواهد کرد چونکه زیر شریعت نیستید بلکه زبر
- ۱۶ فیض\* حاشا\* آیا نیدانید که اکر خویشنرا به بندگی کسی نسلیم کرده اورا اطاعت
- ۱۷ نمایید شما آنکسرا که اورا اطاعت میکید بنده هستید خواه کاهرا برای مرک خواه اطاعت را برای عدالت\* اما شکر خدارا که هر چند غلامان کاه مبیودید لیکن

- ۱۸ آن از دل مطبع آنصورت تعلم کردند ابد که با آن سرده شد ابد \* واز کاه آزاد  
 ۱۹ شد غلامان عدالت کشته ابد \* بطور انسان بسبب ضعف جم شا سخن میکوم  
 زیرا همینانکه اعضای خود را بیندکی نجاست و کاه برای کاه سردد همین آن  
 ۲۰ نز اعضای خود را بیندکی عدالت برای فدویست بسپارید \* زیرا هنگامیک  
 ۲۱ غلامان کاه میبودد از عدالت آزاد میبودد \* پس آنوقت چه ثر داشتند از آن  
 ۲۲ کارهایکه آن از آنها شرمند ابد که انعام انها موت است \* اما الحال چونکه از کاه  
 آزاد شد غلامان خدا کشته ابد ثر خود را برای فدویست میآورید که عاقبت  
 ۲۳ آن حیات جاودانی است \* زیرا که مزد کاه موت است اما نعمت خدا حیات  
 جاودانی در خداوند ما عیسی مسیح \*

### باب هفتم

- ۱ ای برادران آیا نمیدانید (زیرا که با عارفین شریعت سخن میکوم) که مادامیک  
 ۲ انسان زنگ است شریعت بروی حکمرانی دارد \* زیرا زن منکوحه بحسب شریعت  
 بشوهر زنگ بسته است اما هر کاه شوهرش ببرد از شریعت شوهرش آزاد شود \*  
 ۳ پس مادامیک شوهرش حیات دارد اگر ببرد دیگر پیوند زانیه خواند میشود لکن  
 هر کاه شوهرش ببرد از آن شریعت آزاد است که اگر بشوهری دیگر داده شود  
 ۴ زانیه نباشد \* بنابرین ای برادران من شما نیز بواساطت جسد مسیح برای شریعت  
 مرده شدید ناخود را بدیگری پیوندید یعنی با او که از مردگان برخاست ناجمه  
 ۵ خدا ثر آورم \* زیرا وقتیکه در جم بودم هوسهای کاهانیکه از شریعت بود  
 ۶ در اعضای ماعمل میکرد ناجمه موت ثر آورم \* اما الحال چون برای آنچیزیک  
 در آن بسته بودم مردم از شریعت آزاد شدم بجدیکه در نازکی روح بندکی میکنم نه  
 ۷ در گُنگی حرف \* پس چه کوئی آیا شریعت کاه است \* حاشا بلکه کاه اجز  
 شریعت ندانستم زیرا که شهونرا نیدانستم اگر شریعت غیکفت که طبع مورز \*  
 ۸ لکن کاه از حکم فرصل جسته هر قسم طمع را در من پدید آورد زیرا بدون شریعت  
 ۹ کاه مرده است \* و من از قبیل بدون شریعت زنگ میبودم لکن چون حکم آمد  
 ۱۰ کاه زنگ کشت و من مردم \* و آنچمیکه برای حیات بود همان مرا باعث موت

۱۱ کردید \* زیرا کاه از حکم فرصت یافته مرا فریب داد و یان مرا کشته \* خلاصه  
 ۱۲ شریعت مقدس است و حکم مقدس و عادل و نیکو \* پس آیا نیکوی برای من  
 موت کرد بدله حاشاه بلکه کاه نا کاه بودنش ظاهر شود بوسیله نیکوی برای من  
 ۱۴ باعث مرگ شد تا آنکه کاه بسبب حکم بغايت خيit شود \* زیرا میدانيم که  
 ۱۵ شریعت روحانی است لکن من جمانی وزیر کاه فروخته شد هست \* که آنچه  
 میکنم نیدانم زیرا آنچه میخواهم غیکم بلکه کاربرای که ازان نفرت دارم بجا میآورم \*  
 ۱۶ پس هر کاه کاربرای که نیخواهم بجا میاورم شربعترا تصدیق میکنم که نیکو است \* والحال  
 ۱۷ من دبکر فاعل آن آنکه درمن ساکن است \* زیرا میدانم که  
 درمن یعنی در جسم هیچ نیکویی نیست زیرا که اراده درمن حاضر است  
 ۱۹ اما صوبت نیکو کردن نی \* زیرا اون نیکوئیرا که میخواهم غیکم بلکه بدیرا که  
 ۲۰ نیخواهم میکنم \* پس چون آنچه را نیخواهم میکنم من دبکر فاعل آن نیست بلکه کاه  
 ۲۱ که درمن ساکنست \* لهذا این شربعترا میبایم که وقتیکه میخواهم نیکوی کم بدی  
 ۲۲ نزد من حاضر است \* زیرا بر حسب انسانیت باطنی بشریعت خدا خوشنودم \*  
 ۲۳ لکن شربعتی دیگر در اعضای خود میبینم که با شربعت ذهن من مازعه میکند و مرا  
 ۲۴ اسیر میسازد بآن شربعت کاه که در اعضای من است \* وای برم که مرد شقی  
 ۲۵ هست \* کیست که مرا از جم این موت رهانی بخند \* خدارا شکر میکم بواساطت  
 خداوند ما عیسی مسح، خلاصه اینکه من بذهن خود شربعت خدارا بندکی میکنم  
 و اما بجسم خود شربعت کماهرا \*

### باب هشتم

۱ پس هیچ قصاص نیست برآناییکه در مسح عیسی هستند \* زیرا که شربعت روح  
 ۲ حیات در مسح عیسی مرا از شربعت کاه و موت آزاد کردارند \* زیرا آنچه از  
 ۳ شربعت عمال بود چونکه بسبب جسم ضعیف بود خدا پسر خودرا در شیه جسم  
 ۴ کاه و برای کاه فرستاده برکاه در جسم قتوی داد \* تا عدالت شربعت کامل کردد  
 ۵ در مایانیکه نه بحسب جسم بلکه بر حسب روح رفارم میکنم \* زیرا آناییکه بر حسب جسم  
 هستند در چیزهای جسم ننگر میکنند و اما آناییکه بر حسب روح هستند در چیزهای

- ۶ روح \* از آنچه که نفکر جسم موت است لکن نفکر روح حیات وسلامت است\*
- ۷ زانو که نفکر جسم دشمن خدا است چونکه شریعت خدارا اطاعت نمیکند زیرا
- ۸ نمیتواند هم بکند\* و کسانیکه جسمانی هستند نمیتوانند خدارا خوشنود سازند\* لکن
- ۹ شما در جسم نبستید بلکه در روح هر کاه روح خدا در شما ساکن باشد و هر کاه
- ۱۰ کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست\* و اگر مسیح در شما است جسم بسب
- ۱۱ کاه مرده است و آن روح بسب عدالت حیات است\* و اگر روح او که عیسی را
- ۱۲ از مردکان برخیزایند در شما ساکن باشد او که مسیح را از مردکان برخیزایند بدنهای
- ۱۳ فانی شما نیز زن خواهد ساخت بروح خود که در شما ساکن است\* بنا برین
- ۱۴ ای برادران مدیون جسم نیستم تا بر حسب جسم زیست نمایم\* زیرا اگر بر حسب
- ۱۵ جم زیست کنید هر آینه خواهید مرد لکن اگر افعال بدنرا بوسیله روح بکشید
- ۱۶ همانا خواهید زیست\* زیرا همه کسانیکه از روح خدا هدایت میشوند ایشان
- ۱۷ پسران خدایند\* ازانو که روح بندگرا نیافرید تا باز تسان شوید بلکه روح
- ۱۸ پسر خواندگیرا یافته اید که بآن آینا یعنی ای پدر ندا میکنم\* همان روح بر روحهای
- ۱۹ ما شهادت میدهد که فرزندان خدا هستم\* و هر کاه فرزندانم و ارثان م هستم
- ۲۰ یعنی ورثه خدا وهم ارث با مسیح اگر شریک مصیبتهای او هستم تا در جلال وی
- ۲۱ نیز شریک باشیم\* زیرا یقین میدانم که دردهای زمان حاضر نسبت بآن جلال به
- ۲۲ درما ظاهر خواهد شد هیچ است\* زیرا که انتظار خلقت متظر ظهور پسران
- ۲۳ خدا میباشد\* زیرا خلقت مطیع بطالت شد ته به اراده خود بلکه مخاطر او که
- ۲۴ آنرا مطیع کردند\* در امید که خود خلقت نیز از قید فساد خلاصی خواهد یافت
- ۲۵ تا در آزادی جلال فرزندان خدا شریک شود\* زیرا میدانم که تمام خلقت تا
- ۲۶ آلان یام در آه کشیدن و درد زه میباشد\* و نه این فقط بلکه ما نیز که نویر روح را یافته ام در خود آه میکشم در انتظار سر خواندگی یعنی خلاصی جسم خود\*
- ۲۷ زیرا که به امید نجات یافتم لکن چون امید دین شد دیگر امید نیست زیرا آنچه
- ۲۸ کسی بیند چرا دیگر در امید آن باشد\* اماً اگر امید چیزی دارم که نمیبینم با
- ۲۹ صبر انتظار آن میکشم\* و همچنین روح نیز ضعف مارا مدد میکند زیرا که آنچه
- ۳۰ دعا کیم بطوریکه میباشد نمیدانم لکن خود روح برای ما شفاعت میکند بالهای نیک

۷۷ نمیشود بیان کرد\* واو که شخص کننده دلهاست فکر روح را میداند زیرا که او برای  
 ۷۸ مقدسین بر حسب اراده خدا شفاعت میکند\* و میدانم که بجهة آنانیکه خدارا  
 دوست میدارند و بحسب اراده او خوانند شدند همه چیزها برای خوبیت (ایشان)  
 ۷۹ باهم در کار میباشند\* زیرا آنانیرا که از قبل شناخت ایشان را نیز بیش معین فرمود  
 ۸۰ نا بصورت پرسش منشکل شوند نا او نخستراوه از برادران بسیار باشد\* و آنانیرا  
 که از قبل معین فرمود ایشان را هم خواند و آنانیرا که خواند ایشان را نیز عادل  
 ۸۱ کردابد و آنانیرا که عادل کردانید ایشان را نیز جلال داد\* پس باین چیزها چه  
 ۸۲ کوئینم هر کاه خدا باما است کیست بضد ما\* او که پسر خود را در غ نداشت بلکه  
 ۸۳ اورا در راه جمیع ما تسلیم نمود چکووه باوی هه چیز را ها نخواهد مخنثید\* کیست که  
 ۸۴ ببر کر کید کان خدا مدعی شوده آیا خدا که عادل کننده است\* کیست که برایشان  
 فتوی دهده آیا مسیح که مرد بلکه نیز برخاست آنکه بدست راست خدا هم هست  
 ۸۵ و مارا نیز شفاعت میکند\* کیست که مارا از محبت مسیح جدا سازده آیا مصیبیت با  
 ۸۶ دل تنکی یا جما یا لمحط یا عربانی یا خطر یا شمشیر\* چنانکه مکنویست که بخطاطر  
 ۸۷ نویم روز کننده و مثل کوشندهان ذبحی شمرده میشوم\* بلکه در هه این امور از حد  
 ۸۸ زیاده نصرت یافنیم بوسیله او که مارا محبت نمود\* زیرا یقین میدانم که نه موت و نه  
 ۸۹ حیات و نه فرشتنگان و نه روؤاء و نه قدرها و نه چیزهای حال و نه چیزهای آیند\*  
 خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است جدا سازد \*

### باب نهم

۱ در مسیح راست میکویم و دروغ نی و ضمیر من در روح القدس مرا شاهد است\*  
 ۲ که مرا غمی عظیم و در دلم و جع داشتیست\* زیرا راضی هم میبودم که خود از مسیح  
 ۳ محروم شوم در راه برادرانم که بحسب جسم خویشان منند\* که ایشان اسرائیلی اند  
 و پسر خواندگی و جلال و عهدها و امامت شریعت و عبادت و وعدها از آن ایشان  
 ۴ است\* که بدران ازان ایشانند و ایشان مسیح بحسب جسم شد که فوق از هم  
 ۵ است خدای مبارک تا ابد الاباده آمین\* ولکن چنین نیست که کلام خدا ساقط

- ۷ شد باشد زیرا همه که از اسرائیل اند اسرائیل نیستند \* و نه نسل ابراهیم ناماً فرزند  
 ۸ هستند بلکه نسل تو در حق خوانند خواهند شد \* یعنی فرزندان جسم فرزندان  
 ۹ خدا نیستند بلکه فرزندان و عن ارسل محسوب میشوند \* زیرا کلام وعده این  
 ۱۰ است که موافق چنین وقت خواه آمد و ساره را پسری خواهد بود \* و نه این  
 ۱۱ فقط بلکه رفقه نیز چون از بیک شخص یعنی از بدر ما احقر حامله شد \* زیرا  
 هنگامیکه هنوز تولد نیافرته بودند و علی نیک یا بد نکرده نا اراده خدا برحسب  
 ۱۲ اخبار ثابت شود نه از اعمال بلکه از دعوت کنن \* بد و کفته شد که بزرگتر  
 ۱۳ کوچکتر را بندکی خواهد نمود \* چنانکه مکتوبست یعقوبرا دوست داشتم اما  
 ۱۴ عیصورا دشمن \* پس چه کوئیم آیا نزد خدا بی انصافی است \* حاشا \* زیرا  
 بوسی میکوید رحم خواهم فرمود بر هر که رحم کنم و رُفاقت خواهند نمود بر هر که رُافت  
 ۱۶ غایم \* لاجرم نه از خواهش کنند و نه از شتابند است بلکه از خدای رحم کنند \*  
 ۱۷ زیرا کتاب بفرعون میکوید برای هین ترا برآینیختم تا قوت خود را در تو ظاهر سازم  
 ۱۸ ونا نامر من در قلم جهان ندا شود \* بنابرین هر کرا میخواهد رحم میکند و هر کرا  
 ۱۹ میخواهد سکل میسازد \* پس مرا میکوئی دیگر چرا ملامت میکند زیرا کیست  
 ۲۰ که با اراده او مقاومت نموده باشد \* نی بلکه تو کیستی ای انسان که با خدا  
 ۲۱ معارضه میکنی آیا مصنوع بصنایع میکوید که چرا مرا چنین ساختی \* یا کوزه کر  
 ۲۲ اخبار بر کل ندارد که از بیک خوبی طرفی عزیز و ظرفی ذلیل بسازد \* و آگر خدا  
 چون اراده نمود که غضب خود را ظاهر سازد و قدرت خویشا بشناساند ظروف  
 ۲۳ غضبرا که برای هلاکت آماده شد بود بعلم بسیار مخلل کردید \* و نا دولت  
 ۲۴ جلال خود را بشناساند بر ظروف رحمتیکه آنها را از قل براتی جلال مستعد نمود \*  
 ۲۵ و آنها را نیز دعوت فرمود یعنی نا نه از بیهود فقط بلکه از آنها نیز \* چنانکه در هیشع  
 هم میکوید آنها را که قوم من نبودند قور خود خواهند واورا که دوست  
 ۲۶ نداشتم محبویه خود \* و جاییکه با ایشان کفته شد که شما قوم من نیستید در آنجا پسران  
 ۲۷ خدای حی خوانند خواهند شد \* و اشیاه نیز در حق اسرائیل ندا میکند که هرجند  
 ۲۸ عدد بی اسرائیل مانند ریک دریا باشد لکن بقیه نجات خواهند یافت \* زیرا  
 ۲۹ خداوند کلام خود را تمام و منقطع ساخته بزرگین بعمل خواهد آورد \* و چنانکه

اشعیاء پیش اخبار نمود که آکر ریت المجنود برای مانسلی نیکنگاره هر آینه مثل سدهم  
 ۲۰ بیشدم و مانند غمراه میکشتم \* پس چه کونم انتها تکه در بی عدالت نرفتند  
 ۲۱ عدالترا حاصل نمودند بعنی عدالتیکه از ایمانست \* لکن اسرائیل که در بی شربعت  
 ۲۲ عدالت میرفتند شربعت عدالت نرسیدند \* از چه سبب \* از اینجهه که نه از راه  
 ایمان بلکه از راه اعمال شربعت آنرا طلبیدند زیرا که بستک مصادم لغزش خوردند \*  
 ۲۳ چنانکه مکنوب است که اینک در صهیون پسکی مصادم و محظه لغزش مینهم و هر  
 که براو ایمان آورد خجل نخواهد تردید \*

### باب دهم

- ۱ ای برادران خوشی دل من و دعای من نزد خدا بجهه اسرائیل برای نجات
- ۲ ایشانست \* زیرا بجهه ایشان شهادت میدم که برای خدا غیرت دارد لکن نه
- ۳ از روی معرفت \* زیرا که چون عدالت خدارا نشانخه میتوانند عدالت خود را
- ۴ ثابت کنند مطبع عدالت خدا نکشند \* زیرا که مسح است انعام شربعت بجهه
- ۵ عدالت برای هر کس که ایمان آورد \* زیرا موسی عدالت شربعترا بیان میکند که
- ۶ هر که باین عمل کند در این خواهد زیست \* لکن عدالت ایمان بدینطور سخن
- ۷ میکوید که در خاطر خود مکوکیست که بآسمان صعود کند بعنی نا مسیح را فرود
- ۸ آورد \* با کیست که بهاویه نزول کند بعنی نا مسیحرا از مردکان برآوردد \* لکن چه
- ۹ میکویده اینکه کلام نزد تو در دهانت و در قلب نواست بعنی اینکلام ایمان که
- ۱۰ بآن وعظ میکنم \* زیرا آکر بزیان خود عیسی خداوندرا اعتراف کنی و در دل
- ۱۱ خود ایمان آوری که خدا اورا از مردکان برخیزاند نجات خواهی یافت \* چونکه
- ۱۲ بدل ایمان آورده میشود برای عدالت و بزیان اعتراف میشود بجهه نجات \* و کتاب
- ۱۳ میکوید هر که باو ایمان آورد خجل نخواهد شد \* زیرا که در بیهود و بیوتانی تناونی
- ۱۴ نیست که همان خداوند خداوند هه است و دولتمند است برای هه که نام اورا
- ۱۵ میخوانند \* زیرا هر که نام خداوند را بخوانند نجات خواهد یافت \* پس چکونه
- ۱۶ بخوانند کسیرا که باو ایمان نیاورده اند و چکونه ایمان آورند بکسیکه خبر اورا نشنند اند
- ۱۷ و چکونه بشنوند بدون واعظ \* و چکونه وعظ کنند جز اینکه فرستاده شوند

چنانکه مکنوب است که زیبا است پایهای آنانیکه بسلامتی بشارت میدهد  
 ۱۶ و بیجهزهای نیکو مزده میدهد \* لکن هه بشارت را کوش نگرفتند زیرا <sup>لشعا</sup>  
 ۱۷ میکوید خداوندا کبست که اخبار مارا باور کرد \* لهذا ایمان از شنیدن است  
 ۱۸ و شنیدن از کلام خدا \* لکن میکوم آیا نشیدند البتہ شنیدند. صوت ایشان  
 ۱۹ در قام جهان منتشر کرده و کلام ایشان نا انصاصی ربع مسكون رسید \* و میکوم  
 آیا اسرائیل ندانسته اند. اول موسی میکوبد من شمارا بغیرت میآورم بآنکه آمنی نیست  
 ۲۰ و بر قوم بیهم شمارا خشیکین خوام ساخت \* و اشعا <sup>لشعا</sup> نیز جرأت کرده میکوبد  
 ۲۱ آنانیکه طالب من نبودند مرا بافتند و یکسانیکه مرا نظریلیدند ظاهر کردم \* اما  
 در حق اسرائیل میکوبد تمام روز دستهای خود را دراز کردم بسوی قوی نامطیع  
 و مخالف \*

### باب پازدهم

- ۱ پس میکوم آیا خدا فوم خود را رد کرده حاشاه زیرا که من نیز اسرائیلی از اولاد  
 ۲ ابراهیم از سبط بنیامین هستم \* خدا فوم خود را که از قبل شناخته بود رد نفرموده  
 است. آیا نمیدانید که کتاب در الیاس چه میکوید چکونه بر اسرائیل از خدا استفاده  
 میکند \* که خداوندا انبیای نرا کشته و مذبحهای ترا کنند اند و من بنهای  
 ۴ مانند ام و در قصد جان من نیز میباشد \* لکن وَحْنَ بدوجه میکویده اینکه هفت  
 ۵ هزار مرد بجهة خود نکاه داشتم که بتزد بعل زانو نزده اند \* پس هجین در زمان  
 ۶ حاضر نیز بقیتی بحسب اختیار فیض ماند است \* و اگر از راه فیض است دیگر  
 از اعمال نیست و کرمه فیض دیگر فیض نیسته اما اگر از اعمال است دیگر از فیض  
 ۷ نیست و الأعمل دیگر عمل نیست \* پس مقصود چیسته اینکه اسرائیل آنچه را که  
 میطلبید نیافه است لکن برگزیدگان یاقنند و یافی ماندگان مختدل کردیدند \*  
 ۸ چنانکه مکنوب است که خدا بدیشان روح خواب آکود داد چشمایکه نه بیند  
 ۹ و کوشها <sup>ایکه</sup> نشود تا امروز \* داد و میکوید که مانن ایشان برای ایشان نله  
 ۱۰ و دام و سنگ مصادم و عقوبات باد \* چشمایشان نار شود تا نیستند و بیشت  
 ۱۱ ایشان را دامنًا خم کردن \* پس میکوم آیا لغزش خوردن تا بینتنده حاشاه بلکه  
 ۱۲ از لغزش ایشان نجات به امنها رسید تا در ایشان غیرت پدید آورَذ \* پس چون

- لغش ایشان دولتمندی جهان کرد بد و نقصان ایشان دولتمندی امتهای بجهنده مرتبه زیادتر
- ۱۳ بُرئی ایشان خواهد بود \* زیرا شما ای امتهای سخن میکوم پس از این روی که رسول
- ۱۴ امتهای میباشم خدمت خود را نجیب دینام \* تا شاید اینای جنس خود را بغیرت آورم
- ۱۵ و بعضی از ایشان را بر همان \* زیرا آکر رذشدن ایشان مصالحت عالم شد باز یافتن ایشان
- ۱۶ چه خواهد شد جز حیات از مردگان \* و چون نویر متده است هیجان خیز
- ۱۷ و هر کاه ریشه مقدس است هیجان شاخه ها \* و چون بعضی از شاخه ها بربک شدند
- و توکه زیتون بر تی بودی در آنها پیوند کشی و در ریشه و چربی زیتون شریک شدی \*
- ۱۸ بر شاخه های غمز مکن و آکر غمز کنی تو حامل ریشه نیست بلکه ریشه حامل تواست \*
- ۱۹ پس میکوئی که شاخه ها بربک شدند تا من پیوند شوم \* آفرین بجهة بی ایمانی بربک
- ۲۰ شدند و تو محض ایمان پایدار هست \* مغوروه باش بلکه بترس \* زیرا آکر خدا
- ۲۱ بر شاخه های طبیعی شفت نفرمود بر تلو نیز شفت خواهد کرد \* پس مهریانی
- و سختی خدارا ملاحظه نما اما سختی بر آنایکه افاده نداشته باشی برونو آکر در مهریانی
- ۲۲ ثابت باشی والا تو نیز بربک خواهی شد \* و آکر ایشان نیز در بی ایمانی غانند باز
- ۲۳ پیوند خواهند شد زیرا خدا قادر است که ایشان را بار دیگر به پیوند دهد \* زیرا آکر
- نو از زیتون طبیعی بر تی بربک شد برخلاف طبع بزیتون نیکو پیوند کشی بجهنده مرتبه
- ۲۴ زیادتر آنایک طبیعی اند در زیتون خوبی پیوند خواهند شد \* زیرا ای برادران
- نمیخواهم شما از این سر بیخبر باشید که مبادا خود را دانا انکارید که ماداییکه پرئی
- ۲۵ امتهای در نیابد سختیلی بر بعضی از اسرائیل طاری کشته است \* و هیچین همکنی
- اسرائیل نجات خواهند یافت چنانکه مکتوب است که از صهیون نجات دهنده
- ۲۶ ظاهر خواهد شد و ید ببرنا از یعقوب خواهد برداشت \* و این است عهد من با
- ۲۷ ایشان در زمانیک که ایشان را بردارم \* نظر به انجلیل بجهة شما دشمنان اند لکن نظر
- ۲۸ به اخبار بخاطر اجداد محبوبند \* زیرا که در نعمتها و دعوت خدا باز کشتن نیست \*
- ۲۹ زیرا هیچانکه شما در سابق مطبع خدا نبودید والا بسب نافرمانی ایشان رحمت
- ۳۰ یافعید \* هیچین ایشان نیز آن نافرمان شدند تا بجهة رحمتیکه بر شما است
- ۳۱ بر ایشان نیز رحم شود \* زیرا خدا هم را در نافرمانی بسته است تا بر هه رحم
- ۳۲ فرماید \* زهی عنق دولتمندی و حکمت و علم خدا چه قدر بعد از غور رسی است

۳۴ احکام او و فوق از کاوش است طبقه‌ای وی \* زیرا کیست که رای خداوندرا  
 ۳۵ داشته باشد با که مشیر او شد \* یا که سبیت جسته چیزی بدو داده نا باو  
 ۳۶ بازداده شود \* زیرا که ازاو و به او ونا او هه چیزاست واورا نا ابد الاباد  
 جلال باد آمین \*

### باب دوازدهم

- ۱ لهذا ای برادران شمارا برهنیهای خدا استدعا میکنم که بدنهای خود را فربانی \*
- ۲ زنگ مقدس پسندیده خدا بکذرباید که عبادت معقول شما است \* وهشکل ای بجهان مشوید بلکه بتازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهد ناشا دریافت
- ۳ کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست \* زیرا بآن فیضکه هن عطا شده است هر یکی از شمارا میکویم که فکرهای بلندتر از آنچه شایسته است مکنید بلکه با اعتدال فکر نمایید به اندازه آن بهره ایمان که خدا به رکس قسمت فرموده
- ۴ است \* زیرا هچنانکه در یک بدن اعضای بسیار دارم و هر عضوی را یک کار نیست \* هچین ما که بسیاریم یک جسد هستیم در میج اما فردان اعضای یکدیگر \* پس چون نعمتیهای مختلف دارم بحسب فیضکه با داده شد خواه
- ۵ نبوت بر حسب موافقت ایمان \* با خدمت در خدمت کاری یا معلم در تعلم \*
- ۶ با واعظ در موقعه یا بخشش: بخواحت یا پیشوای اجتہاد با رحم کنن بسرور \* محبت
- ۷ بیریا باشد از بدی نفرت کنید و به نیکوی بیرونید \* با محبت برادرانه یکدیگر را
- ۸ دوست دارید و هر یک دیگر را پیشتر از خود آکرام بخاید \* در اجتہاد کامل
- ۹ نورزید و در روح سرکم شد خداوندرا خدمت نمایید \* درآمد مسرور و در
- ۱۰ مصیبت صابر و در دعا مواطبه باشید \* مشارکت در احتیاجات مقدسین کنید
- ۱۱ و در مهمانداری ساعی باشید \* برکت بطلیید برآنیکه بر شما جنا کننده برکت
- ۱۲ بطلیید ولعن مکنید \* خوش کنید با خوشحالان و میام نمایند با مانیان \* برای
- ۱۳ بکدیگر هان فکر داشته باشید و در چیزهای بلند فکر مکنید بلکه با ذلیلان مدارا
- ۱۴ نمایند و خود را دانا مشارید \* هیچکسرا بعوض بدی بدی مرسانیده پیش جمیع
- ۱۵ مردم تدارک کارهای نیکو بینید \* آکرمکست بقدر قوّه خود با جمیع خلق بصلح
- ۱۶ بکوشید \* ای هیوبیان انتقام خود را مکنید بلکه خشم را مهلت دهد زیرا مکروب

۲۰ است خداوند میکوبد که انتقام از آن منست من جزا خوام داد\* پس آگر دشمن تو کرسته باشد اورا سیرکن و آگر نشنه است سیرابش نما زیرا آگر چنین کنی  
۲۱ اخکرهای آش برسش خواهی انباشت\* مغلوب بدی مشو بلکه بدیرا بنیکوئی  
مغلوب ساز\*

## بلطف سیزدهم

- ۱ هر شخص مطیع قدرتهای برتر بشود زیرا که قدرتی جرا خدا نیست و آنها نیکه
- ۲ هست از جانب خدا مرتب شد است\* حتی هر که با قدرت مقاومت نماید مقاومت
- ۳ با ترتیب خدا نموده باشد و هر که مقاومت کند حکم بر خود آورده\* زیرا از حکام عمل نیکوئا خوفی نیست بلکه عمل بدران پس آگر نیخواهی که از آن قد.ت نرسان
- ۴ نشوی نیکوئی کن که از او تحسین خواهی یافت\* زیرا خادم خداست برای تو
- ۵ بنیکوئی لکن هر کاه بدی کنی بترس چونکه شمشیر را عبت بر نیبدارد زیرا او خادم خداست و با غضب انتقام از بدکاران میکشد\* لهذا لازست که مطیع او شوی
- ۶ نه بسب غضب فقط بلکه بسب ضمیر خود نبز\* زیرا که باین سبب باج نبز
- ۷ میدهد چونکه خدام خدا و مواطبه در هین امر هستند\* پس حق هر کسرا با او
- ۸ ادا کنید با جرا بستخن باج و جزیره را بستخن جز به بحث نمودن با یکدیگر زیرا بستخن عزت\* مدیون احدي بجهیزی مشوید جز بحث نمودن با یکدیگر زیرا
- ۹ کسیکه دیگر برای بحث نماید شریعترا بجا آورده باشد\* زیرا که زنا مکن، قتل مکن
- ۱۰ درزدی مکن، شهادت دروغ مک، طمع مورز و هر حکی دیگر که هست همه شامل
- ۱۱ است در اینکلام که همسایه خود را چون خود بحث نما\* بحث به همسایه خود بدی نینکند پس بحث نمکیل شریعت است\* و خصوصاً چون وقفا میدانید که
- ۱۲ الحال ساعت رسید است که مارا باید از خواب پیدار شوم زیرا که آلان غنات ما نزدیکتر است از آنوقتیکه ایمان آوردم\* شب منقضی شد و روز نزدیک آمد
- ۱۳ پس اعمال ناربکی را بیرون کرده اسلمه نور را بپوشم\* و با شایستگی رفقار کنم
- ۱۴ چنانکه در روزه نه در بزمها و سکرها و فقر و نزاع و حسد\* بلکه عبسی مسیح خداوند را بپوشید و برای شهوات جسمانی ندارک نینهند\*

### باب چهاردهم

- ۱ و کسیرا که در ایمان ضعیف باشد بپذیرید لکن نه برای صاجه در مباحثات\*
- ۲ یکی ایمان دارد که هه چیزرا باید خورد اما آنکه ضعیف است بقول میغورد\*
- ۳ پس خورنک نا خورنک را حیر نشارد و نا خورنک برخورنک حکم نکند زیرا خدا
- ۴ او را پذیرفته است\* تو کیست که برینده کسی دیگر حکم میکنی او نزد آقای خود
- ۵ ثابت یا ساقط میشود لیکن استوار خواهد شد زیرا خدا قادر است که او را ثابت
- ۶ نماید\* یکی بکروزرا از دیگری بهتر میداند و دیگری هر روزرا برای میشارد پس
- ۷ هر کس در ذهن خود متین بشود\* آنکه روزرا عزیز میداند بخاطر خدا و بد
- ۸ عزیزش میدارد و آنکه روزرا عزیز نمیدارد م برای خداوند نمیدارد و هر کس
- ۹ میغورد برای خداوند میغورد زیرا خدارا شکر میکوید و آنکه میغورد برای خداوند
- ۱۰ نمیغورد و خدارا شکر میکوید\* زیرا احدی از ما بمند زیست نمیکند و هیچ کس
- ۱۱ بمند نمیمیرد\* زیرا آکر زیست کنم برای خداوند زیست میکنم و آکر هیزم برای
- ۱۲ خداوند میمیرم پس خواه زنک باشم خواه هیزم از آن خداوندم\* زیرا برای همین
- ۱۳ مسجح مرد وزنک کشت تا بر زندگان و مردگان سلطنت کند\* لکن تو همرا بر برادر
- ۱۴ خود حکم میکنی یا تو نیز چرا برادر خود را حیر میشاری زانزو که هه پش مسد
- ۱۵ مسجح حاضر خواهیم شد\* زیرا مکتویست خداوند میکوید بجهات خودم قسم که
- ۱۶ هر زانوی نزد من خم خواهد شد و هر زانی بخدا افرار خواهد نمود\* پس هر کسی
- ۱۷ از ما حساب خود را بخدا خواهد داد\* بنابرین بریکبکر حکم نکنم بلکه حکم
- ۱۸ کید باینکه کسی سنکی مصادم یا لغزشی در راه برادر خود نتهد\* میدام و در
- ۱۹ عیسی خداوند بقین میدارم که همچ در ذات خود نجس نیست جز برای
- ۲۰ آنکسیک آنرا نجس پندراد برای او نجس است\* زیرا هر کاه برادرت بخوراک آزاده
- ۲۱ شود دیگر بحسبت رفتار نیکی\* بخوراک خود هلاک مساز کسیرا که مسجح در راه او
- ۲۲ هر ده\* پس مکنارید که نیکوئی شارا بد کوید\* زیرا ملکوت خدا آکل و شرب
- ۲۳ نیست بلکه عدالت وسلامت و خوشی در روح القدس\* زیرا هر که در این امور
- ۲۴ خدمت مسجرا کند پسندیده خدا و مقبول مردم است\* پس آن امور برای که منشاه

۲۰ سلامتی و بنای بکدیگر است پیروی نمایند\* بجهة خوراک کار خدارا خراب مساز  
 ۲۱ البته هه چیز باکست لیکن بدادست برای آشخنه که برای لفظ میخورد\* کوشت  
 نخوردن و شراب نتوشیدن و کاری نکردن که باعث اینه با لفظ باضعف  
 ۲۲ برادرت باشد نیکو است\* آیا تو ایمان داری پس برای خودت در حضور خدا  
 ۲۳ آنرا بدار زیرا خوشحال کسیکه برخود حکم نکد در آنچه نیکو میشارد\* لکن  
 آنکه شک دارد آکر بخورد ملزم میشود زیرا بایمان نمیخورد و هر چه از ایمان نیست  
 کاه است\*

### باب پائزدهم

۱ و ما که توانا هستم ضعفهای ناتواننا متحمل بشوم و خوش خودرا طالب  
 ۲ نباشیم\* هر بکی از ما همسایه خودرا خوش بسازد در آنچه برای بنا نیکو است\*  
 ۳ زیرا مسیح نیز خوش خودرا طالب نمیبود بلکه چنانکه مكتوب است ملامتهاي  
 ۴ ملامت کنندکان تو بر من طاری کردید\* زیرا همه چیزها یکی از قبل مكتوب  
 ۵ شد برای تعلیم ما نوشته شد نا بصیر و نسلی کتاب امیدوار باشم\* آن خدای  
 صبر و نسل، شارا فیض عطا کاد نا موافق مسیح عیسی با بکدیگر بکاری باشید\*  
 ۶ نا بکدل و بکریان شده خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح را تمجید نمایند\* پس  
 ۷ بکدیگر را بپذیرید چنانکه مسیح نیز مارا پذیرفت برای جلال خدا\* زیرا میکوم  
 عیسی مسیح خادم ختنه کردید بجهة راست خدا نا وعدهای اجداد را ثابت کرداند\*  
 ۸ و نا امتهای خدارا تمجید نمایند بسب رحمت او چنانکه مكتوب است که از اینجهه  
 ۹ ترا در میان امتهای اقرار خواهم کرد و بنام تو نسبیت خواهند\* و نیز میکوید  
 ۱۰ ای امتهای با قوم او شادمان شوید\* و ایضاً ای جمیع امتهای خداوند را حمد کوئید  
 ۱۱ و ای غایی فومنا اورا مدح نمایید\* و اشعياء نیز میکوید که ریشه یستی خواهد  
 بود و آنکه برای حکمرانی امتهای میعوث شود ابد امتهای بروی خواهد بود\*  
 ۱۲ آن خدای امید شارا از کمال خوشی و سلامت در ایمان بر سازد نا نقوت روح  
 ۱۳ القدس در امید افزوده کردید\* لکن ای برادران من خود نیز در باره شما  
 یقین میدانم که خود از نیکوئی ملو و بر از کمال معرفت قادر بر نصیحت نمودن  
 ۱۴ بکدیگر هستید\* لیکن ای برادران بسیار جسارت و رزبهک من خود نیز بشما جنی

- ۱۶ نوشتند شهارا باد آوری نام بسب آن فیضیکه خدا پن بخشید است \* تا خادم عیسی مسیح شوم برای امته و کهانت انجیل خدارا بجا آورم تا هدیه امته مقبول ۱۷ افتد مقدس شک بروح القدس \* پس بسیح عیسی در کارهای خدا فخر دارم \*
- ۱۸ زیرا جرأت نیکتم که سخنی بکوم جز در آن اموریکه مسیح بواسطه من بعمل آورد ۱۹ برای اطاعت امته در قول و فعل \* بقوت آیات و معجزات و بقوت روح خدا ۲۰ مجدهیکه از اورشلم دور زده تا به الپرگون بشارت مسیح را تکلیل نمودم \* اما حربیص بودم که بشارت چنان بدم ته در جاییکه اسم مسیح شهرت یافه بود مبادا برینیاد ۲۱ غیری بنا نام \* بلکه چنانکه مکروب است آنایکه خبر اورا نیافتدند خواهد دید ۲۲ و کسانیکه نشنیدند خواهد فهمید \* بنابرین بارها از آمدن نزد شما منوع شدم \*
- ۲۳ لکن چون آن مرد این مالک دیگر جانی نیست و سالهای بسیار است که ۲۴ مشتاق آمدن نزد شما بوده‌ام \* هر کاه به اینسانا سفر کم بتنزد شما خواهم آمد زیرا امیدوار هستم که شهارا در عبور ملاقات کم و شما مرا باسوسی مشایعت نماید بعد ۲۵ از آنکه از ملاقات شما اندکی سیر شوم \* لکن آن عازم اورشلم هستم تا مقدسین را ۲۶ خدمت کم \* زیرا که اهل مکادونیه و اخانیه سلطنت دیدند که زکانی برای مغلوبین ۲۷ مقدسین اورشلم بفرستند \* بدین رضا دادند و بدرستیکه مدیون ایشان هستند زیرا که چون امته از روحانیات ایشان به مرتد کردند لازم شد که در جهانیات ۲۸ نیز خدمت ایشان را بکنند \* پس چون اینرا انجام دم و این ثمر را نزد ایشان خدم ۲۹ کم از راه شما به اینسانا خواهم آمد \* و میدانم وقتیکه بتنزد شما آم در کمال برکت ۳۰ انجیل مسیح خواهم آمد \* لکن ای برادران از شاfulness دارم که بعاظر خداوند ما عیسی مسیح و بحثت روح (القدس) برای من نزد خدا در دعاها جذ و جهد ۳۱ کنید \* تا از نافرمانان پهودیه رستکار شوم و خدمت من در اورشلم مقبول مقدسین ۳۲ افتد \* تا بر حسب اراده خدا با خوشی نزد شما برسم و با شما استراحت یام \*
- ۳۳ و خدای سلامتی با همه شما باد آهن \*

### باب شانزدهم

۱ و خواهر ما فیبرای که خادمه کلیسای درگخیرها است بشما می‌سپارم \* تا اورا در خداوند بطور شایسته مقدسین بهزیرید و در هر چیزیکه بشما محتاج باشد اورا

- ۳ اعانت کید زیرا که او بسیار برا و خود مرا نیز معاونت مینمود \* سلام برسانید
- ۴ به پرستکلا و آکلا هکاران من در مسجع عبسی \* که در راه جان من کردنهای خود را نهادند و نه من بتنها فی ممنون ایشان هست بلکه همه کلیسا های امتهها \*
- ۵ کلیسا را که در خانه ایشانست و حبیب من آیینه نظرها که برای مسجع نوبت آسیاست
- ۶ سلام رسانید \* و مرها که برای شما رحمت بسیار کشید سلام کوئید \*
- ۷ و آندر و نیکوس و یونیاس خوبشان مرا که با من اسیر می بودند سلام نمایید که
- ۸ مشهور در میان رسولان هستند و قبل از من در مسجع شدند \* و آنجلیسا را که
- ۹ در خداوند حبیب من است سلام رسانید \* و آوریاش که با ما در کار مسجع رفیقت و استاخیس حبیب مرا سلام نمایید \* و آپلیس آزموده شده در مسیرا
- ۱۰ سلام برسانید و اهل خانه آرشیو لوزرا سلام برسانید \* و خوبش من هیرو د بونزا سلام دهید و آنابرا از اهل خانه نرکسوس که در خداوند هستند سلام رسانید \*
- ۱۱ طربیننا و طربینوسارا که در خداوند رحمت کشیده اند سلام کوئید و بزسبس
- ۱۲ محبوبه را که در خداوند رحمت بسیار کشید سلام دهید \* و روپس برگردیده
- ۱۳ در خداوند و مادر او و مرا سلام بکوئید \* آسکر بطرسرا و فایکون و هنرمان
- ۱۴ و بطریوس و هنرمس و برادرانیکه با ایشانند سلام نمایید \* فیلو لکسرا و جولیه و نیریاس و خواهرش واویسas و همه مقدسانیکه با ایشانند سلام برسانید \*
- ۱۵ و بکد بکرها ببوسۀ مقدسانه سلام نمایید و جمیع کلیسا های مسجع شمارا سلام می فرستند \* لکن ای برادران از شما استدعا می کنم آن کسانی را که منشاء تغایر بق و لغزش های مختلف آن تعلیمیکه شما یافته اید می باشند ملاحظه کنید و از ایشان اجتناب نمایید \* زیرا که چنین اشخاص خداوند ما عبسی مسیح را خدمت نمی کنند بلکه شکم خود را و به الناظم بکو و سخان شیرین دلهای ساده دلانزا می فریبد \*
- ۱۶ زیرا که اطاعت شما در جمیع مردم شهرت یافته است پس در زیارت شما مسورو شدم اما آرزوی این دارم که دز نیکونی دانا و در بدی ساده دل باشد \*
- ۱۷ و خدای سلامتی بزودی شیطانرا زیر پایهای شما خواهد ساخته فیض خداوند
- ۱۸ ما عبسی مسجع با شما باد \* تیعونا وس هکار من ولوفا و یاسون و سوسیا طرس
- ۱۹ که خوبشان متند شمارا سلام می فرستند \* من طربیوس کاتب رساله شمارا در خداوند

۲۲ سلام میکوهم \* فابوس که مرا و غام کلبسارا مهزیان است شمارا سلام میفرستند  
 ۲۳ و آرسنطس خزینه دار شهر و کوارطس برادر بشما سلام میفرستند \* آن اورا که  
 قادر است که شمارا استوار سازد بر حسب بشارت من و موعظة عبی مسجع مطابق  
 ۲۵ کشف آن سریکه از زمانهای ازلی خفی بود \* لکن در حال مکشوف شد  
 و بوبله کتب آنیا بر حسب فرموده خدای سرمهدی بهمیع امّتها مجده اطاعت ایمان  
 ۲۶ آشکارا کرد بد \* خدای حکم و حیدرا بوبله عبی مسج ناولد الآباد جلال باد  
 آمین \*

---

## رساله اول پولس رسول بقرتیان

### باب اول

- ۱ پولس بهاراده خدا رسول خواند شده عبسی مسجع و سُوستانیس برادر\* بکلساي  
خدا که در فریتش است از مقدسین در مسجع عبسی که برای نقدس خواند شده اند  
یا همه کسانیکه در هر جا نام خداوند ما عبسی مسجرا میخوانند که (خداوند) ما  
۲ و (خداوند) ایشان است\* فیض وسلامتی از جانب پدر ما خدا و عبسی مسج  
۳ خداوند بر شما باد\* خدای خود را پوسته شکر میکنم در باره شما برای آن فیض  
۴ خدا که در مسجع عبسی بشما عطا شده است\* زیرا شما از هر چیز در روی دولتشمند  
۵ شهابید در هر کلام و در هر معرفت\* چنانکه شهادت مسج در شما استوار کرد بد\*  
۶ بجدیکه در همیچ بخشش ناقص نیستید و متظر مکافثه خداوند ما عبسی مسج  
۷ میباشد\* که او نیز شمارا تا با خراستوار خواهد فرمود نا در روز خداوند ما عبسی  
۸ مسج یعلمات باشید\* این است خدائیکه شمارا بشارکت پسر خود عبسی مسج  
۹ خداوند ما خواند است\* لکن ای برادران از شما است دعا دارم بنام خداوند  
۱۰ ما عبسی مسج که هم بک سخن کوئید و شفاق در میان شما نباشد بلکه در بیک فکر  
۱۱ و بک رای کامل شوید\* زیرا که ای برادران من از اهل خانه خلوتی در باره شما  
۱۲ خبر بمن رسید که نزاعها در میان شما پیدا شده است\* غرض اینکه هر بیک ارشا  
۱۳ میکوبد که من از پولس هست و من از آیلیں و من از کینا و من از مسج\* آبآ مسج  
۱۴ من قسم شد یا پولس در راه شما مصلوب کردید یا بنام پولس نعید یا فقید\* خدارا  
۱۵ شکر میکنم که همیچ بکی از شمارا نعید ندادم جز گرسپس و فابوس\* که مبادا کسی  
۱۶ کوبد که بنام خود نعید دادم\* و خاندان استیغفار ای نیز نعید دادم و دیگر باد  
۱۷ ندارم که کسی را نعید داده باشم\* زیرا که مسج مرافت نهاد نا نعید دهم بلکه نا

- ۱۸ بشارت رسانم \* نه بحکمت کلام مبادا صلیب مسج باطل شود \* زیرا ذکر صلیب  
 ۱۹ برای هالگان حماقت است لکن نزد ما که ناجان هستم قوت خداست \* زیرا  
 ۲۰ مکتوност حکمت حکمارا باطل سازم و فهم فهیاز را نابود کردام \* کجا است حکم .  
 کجا کاتب \* کجا مباحثت این دنیا \* مکر خدا حکمت جهان را جهالت نکرداند است \*  
 ۲۱ زیرا که چون برحسب حکمت خدا جهان از حکمت خود بمعرفت خدا نرسید خدا  
 ۲۲ بدین رضا داد که بوسیله جهالتِ موعظه ایانداران را نجات بخشد \* چونکه یهود  
 ۲۳ آبی میغواهند و بونانیان طالب حکمت هستند \* لکن ما بسج مصلوب و عظ مبکم  
 ۲۴ که بهودرا لفڑش و انتهارا جهالت است \* لکن دعوت شدکارنا خواه بینود  
 ۲۵ و خواه بونانی مسج فوت خدا و حکمت خدا است \* زیرا که جهالت خدا از انسان  
 ۲۶ حکمتر است و نوانوی خدا از مردم تواناند \* زیرا ای برادران دعوت خود را  
 ملاحظه نمائید که بسیاری بحسب جسم حکم نبستند و بسیاری نوانانی و بسیاری  
 ۲۷ شریف نی \* بلکه خدا جهآل جهان را برکرید تا حکمارا رسوا سارد و خدا نوانان  
 ۲۸ عالم را برکرید تا نوانان را رسوا سارد \* و خسیان دنیا و مخفران را خدا برکرید بلکه  
 ۲۹ نبسته هارا نا هسته هارا باطل کرداند \* تا همیچ بشری در حضور او فخر نکد \* لکن  
 ازاوشما هستید در عبسی مسج که از جانب خدا برای شما حکمت شد است و عدالت  
 ۳۱ قدوسیت و فدا \* تا چنانکه مکتوност هر که فخر کند در خداوند خنگ نباشد \*

### باب دوم

- ۱ و من ای برادران چون بترد شما آدم با فضیلت کلام با حکمت نیامدم چون  
 ۲ شمارا بسر خدا اعلام مینمودم \* زیرا عزت نکردم که چجزی در بیان شما دانسته  
 ۳ باش جزعیسی مسج واورا مصلوب \* ومن در ضعف و ترس و لرزش بسیار نزد شما  
 ۴ شدم \* و کلام و وعظ من بعنان منع حکمت نبود بلکه ببرهان روح وقوت \*  
 ۵ تا ایمان شما شرحدت انسان نباشد بلکه در قوت خدا \* لکن حکمی بیان میکنم نزد  
 کاملین اما حکمکه از این عالم پیست و نه از روؤسای این عالم که زیل میگردد \*  
 ۶ بلکه حکمت خدارا در سری بیان میکنم یعنی آن حکمت مخبارا که خدا پیش از دهرها  
 ۷ برای جلال ما مقدار فرمود \* که احمدی از روؤسای این عالم آنرا ندانست زیرا

۹ آکر میدانستند خداوند جلالرا مصلوب غیرگردند \* بلکه چنانکه مکبوست  
چیزها ایراک چشی ندب د وکوشی نشیند و بحاطر انسانی خطور نکرد یعنی آنچه خدا  
۱۰ برای دوست داران خود مهیا کرده است \* اما خدا آنها را بروح خود برمآکشف  
۱۱ نموده است زیرا که روح هم چیز حقیقی عمنهای خدارا نیز شخص میکند \* زیرا  
کبست از مردمان که امور انسان را بداند جزو روح انسان که در روی میباشد همچین  
۱۲ نیز امور خدارا همیکن ندانسته است جز روح خدا \* لیکن ما روح جهان را  
۱۳ نیافرتمام بلکه آرروح که از خداست نا آنچه خدا با عطا فرموده است بدانیم \* که  
آنها را نیز بیان میکنم نه بخنان آموخته شده از حکمت انسان بلکه با آنچه روح البده  
۱۴ میآموزد و روحانه را با روحانها جمع مینمائیم \* اما انسان نفسانی امور روح خدارا  
میپذیرد زیرا که نزد او جهالت است و آنها را نمیتواند فهمید زیرا حکم آنها از روح  
۱۵ میشود \* لکن شخص روحانی در هم چیز حکم میکند و کسبرای دراو حکم نیست \*  
۱۶ زیرا کبست که فکر خداوندرا دانسته باشد نا اورا نعلم دهد لکن ما فکر میجرا  
دارم \*

### باب سوم

۱ و من ای برادران توانستم بشما حق کوی چون روحانیان بلکه چون جسمانیان  
۲ و چون اطفال در مسیح \* و شمارا بشیر خوارک دادم نه بگشوشت زیرا که هنوز  
۳ استطاعت آن نداشید بلکه الحال نیز ندارید \* زیرا که نا مجال جسمانی هستید  
چون در میان شما حسد و نزاع وجود آنها است آیا جسمانی نیستید و بطريق انسان  
۴ رفتار نمینمایید \* زیرا چون یکی کوید من از بولس و دیگری من از آپلیس هستم آیا  
۵ انسان نیستید \* پس کبست بولس و کبست آپلیس جز خادمانیک بواسطه ابدان  
۶ ایمان آورده بده و به اندازه که خداوند بهر کس داد \* من کاشتم و آپلیس آیاری کرد  
۷ لکن خدا نمی بینید \* لهذا نه کارزن چیزیست و نه آب دهنده بلکه خدای  
۸ رویانک \* و کارنک و سیرا بکنند بلکه هستند لکن هر یک اجرت خود را بحسب  
۹ مشقت خود خواهد یافت \* زیرا با خدا همکاران هستیم و شما زراعت خدا  
۱۰ و عمارت خدا هستید \* بحسب فیض خدا که ہن عطا شد چون معنار دانا بیناد  
نهادم و دیگری برآن عمارت میسازد لکن هر کس با خبر باشد که چگونه عمارت

- ۱۱ میکند\* زیرا بنیادی دیگر هیچکس نمیتواند نهاد جز آنکه نهاده شد است یعنی  
 ۱۲ عیسی مسیح\* لکن آنکه برآن بنیاد عمارتی از طلا با نعم با جواهر با چوب  
 ۱۳ یا کیاه یا کاه بنا کند\* کار هر کس آشکار خواهد شد زیرا که آنروز آنرا ظاهر خواهد  
 نمود چونکه آن باتش بظهور خواهد رسید و خود آتش عمل هر کسرا خواهد آزمود  
 ۱۴ که چنکنه است\* آنکه کسی برآن کذارده باشد بماند اجر خواهد یافت\*  
 ۱۵ واکر عمل کسی سوخته شود زیان بدو وارد آید هر چند خود نجات باید اماً چنانکه  
 ۱۶ از میان آتش\* آبای نمیدانید که هیکل خدا هستند و روح خدا در شما ساکنست\*  
 ۱۷ آنکه کسی هیکل خدارا خراب کد خدا اورا هلاک سازد زیرا هیکل خدا مقدس  
 ۱۸ است و شما آن هستید\* زنها کسی خودرا فربیب ندهد آنکه از شما خودرا  
 ۱۹ در این جهان حکم پندراد جا هل بشود نا حکم کردد\* زیرا حکمت ایجهان نزد  
 خدا جهالت است چنانکه مکنوب است حکمرا بکر خودشان کرفتار میسازد\*  
 ۲۰ وابضًا خداوند افکار حکمرا میداند که باطل است\* پس هیچکس در انسان فخر  
 ۲۱ نکند زیرا همه چیز از آن شما است\* خواه بولس خواه آیلُس خواه کهنا خواه دنیا  
 خواه زنلکی خواه موت خواه چیزهای حال خواه چیزهای آینه هه از آن شما  
 ۲۲ است\* و شما از مسیح و مسیح از خدا میباشد\*

#### باب چهارم

- ۱ هر کس مارا چون خدام مسیح ووکلای اسرار خدا بخواهد\* و دیگر سروکلاه  
 ۲ باز برس میشود که هر بکی امین باشد\* اماً بجهة من کمتر چهربست که از شما با  
 ۳ از یوم بشر حکم کرده شو بلکه بر خود نیز حکم نمیکم\* زیرا که در خود عیسی نمیباشم لکن  
 ۴ از این عادل شرده نمیشوم بلکه حکم کننده من خداوند است\* لهذا پیش از وقت  
 بجزی حکم مکنید تا خداوند یا باید که خفایای ظلمت را روشن خواهد کرد و نینهای  
 ۶ دلهارا بظهور خواهد آورد آنکاه هر کسرا مدح از خدا خواهد بود\* اما ای  
 برادران این چیزها را بطور مثل بخود و ایلُس نسبت دادم بخاطر شما تا درباره ما  
 آموخته شوید که از آنچه مکنوب است نمیاور نکنید ونا هیچ بکی از شما نکبر نکند  
 ۷ برای بکی بر دیگری\* زیرا بکست که نرا برتری داد وجه چیز داری که نیافی

- ۸ پس چون یافی چرا فخر میکنی که کویا نیافی \* الحال سیر شد و دولتمند کشته ابد و بدون ما سلطنت می‌کنید و کاشکه سلطنت می‌کردد نا ما نیز با شما سلطنت
- ۹ می‌کردم \* زیرا کان میرم که خدا ما رسولان را آخر همه عرضه داشت مثل آنایکه فتوای موت برابشان شد است زیرا که جهان و فرشتکان و مردم را نمایش کاه شد ام \*
- ۱۰ ما بخاطر مسج جاهم هستم لکن شما در مسج دانا هستید ما ضعیف لکن شما توانا شما
- ۱۱ عزیز اماما ما ذلیل \* نا بهمن ساعت کرسته و نشنه و عربیان و کوپیت و آواره هستم \*
- ۱۲ و بستهای خود کار کرده مشقت می‌کشیم و دشمن شنید برکت می‌طلیم و مظلوم کردین
- ۱۳ صبر میکنم \* چون افرا برها میزند نصیحت میکنم و مثل فاذورات دنا و فضلاتِ
- ۱۴ مه چیز شد ام نا بجال \* واينرا نینویس نا شمارا شرمند سازم بلکه چون فرزندان
- ۱۵ محبوب خود تنبیه میکنم \* زیرا هر چند هزاران استاد در مسج داشت باشد لکن
- ۱۶ پدران بسیار ندارید زیرا که من شمارا در مسج عیسی به انجلیل تولید نمودم \* پس
- ۱۷ از شما الناس میکنم که بن افتاد نماید \* برای هین یعنوانا وس را نزد شما فرستادم که اوست فرزند محبوب من و امین درخداونه نا راههای مرا در مسج یاد شما
- ۱۸ بیاورد چنانکه در هر جا و در هر کلیسا نعلم میدم \* اما بعضی نیکر می‌کنند بگان
- ۱۹ آنکه من نزد شما نمایم \* لکن بزودی نزد شما خواهم آمد آنکه خداوند بخواهد
- ۲۰ خواهم دانست نه محن متکبران را بلکه قوت ایشان را \* زیرا ملکوت خدا بزمیان نیست بلکه در قوت است \* چه خواهش دارید آیا با چوب نزد شما بیام با با محبت
- روح حلم \*

### باب پنجم

- ۱ ف الحقيقة شنید میشود که در میان شما زنا پیدا شد است و چنان زنا یکه در میان
- ۲ آنها هم نیست که شخصی زن پدر خود را داشته باشد \* و شما فخر می‌کنید بلکه مام
- ۳ هم ندارید چنانکه باید نا آنکه اینهمرا کرد از میان شما بیرون شود \* زیرا که من هر چند در جسم غایم اما در روح حاضر و لآن چون حاضر حکم کردم در حق
- ۴ کسیکه اینرا چنین کرده است \* بنام خداوند ما عیسی مسج هنکامیکه شما با روح
- ۵ من با قوت خداوند ما عیسی مسج جمع شوید \* که چنین شخص بشیطان سپرده
- ۶ شود بجهة هلاکت جسم نا روح در روز خداوند عیسی نجات باید \* فخر شما نیکو

۷ نیست آیا آکاه نیستید که اندک خمیر مایه تمام خمیر را خمیر می‌سازد \* پس خود را  
 از خمیر مایه کُنْهه باک سازید تا فطیر نازه باشد چنانکه بخمیر مایه هستید زیرا که  
 ۸ ففع ما معج در راه ما ذبح شده است \* پس عذرنا نکاه دارم نه بخمیر مایه کُنْهه  
 ۹ و نه بخمیر مایه بدی و شرارت بلکه بنظر بر ساده دل و راست \* دران رساله بشما  
 ۱۰ نوشت که با زانیان معاشرت نکید \* لکن نه مطلقاً با زانیان ایجهان یا طمعکاران  
 ۱۱ و یا ستمکاران یا بت پرستان که در این صورت مباید از دنیا بیرون شوید \* لکن  
 آلان بشما مینویس که آگر کسیکه برادر نامیک می‌شود زانی یا طماع با بت برست با  
 خاش با میکسار با ستمکر باشد با چین شخص معاشرت نمکید بلکه غذا هم خوریده \*  
 ۱۲ زیرا مرا چه کار است که برآنیکه خارج اند داوری کنم آیا شما بر اهل داخل داوری  
 ۱۳ نیکنید \* لکن آنیکه خارج اند خدا داوری خواهد کرد پس آن شربررا از میان  
 خود برآیند \*

### باب ششم

۱ آیا کسی از شما چون بر دیگری مدعی باشد جزو دارد که مرافقه برَد پیش  
 ۲ ظالمان نه نزد مقدسان \* با نیدانید که مقدسان دنیارا داوری خواهند کرد و آکر  
 ۳ دنیا از شما حکم یابد آیا قابل مقدماتِ کثیر نیستید \* آیا نیدانید که فرشتکاران  
 ۴ داوری خواهیم کرد تا چه رسد به امور روزگار \* پس چون در مقدمات روزگار  
 ۵ مرافقه دارید آیا آنیکه در کلیسا خیر شرده می‌شوند مینشانید \* بجهة انتعال  
 شما می‌کوم آیا در میان شما یکنفر دانا نیست که بتواند در میان برادران خود حکم  
 ۶ کند \* بلکه برادر با برادر بمحکمه می‌رود و آن هم نزد بی ایمانان \* بلکه آلان شمارا  
 بالکلیه قصوریست که با یکدیگر مرافقه دارید \* چرا بیشتر مظلوم نمی‌شود و چرا  
 ۸ بیشتر مغبون نمی‌شود \* بلکه شما ظلم می‌کنید و مغبون می‌سازید و اینرا نز برادران  
 ۹ خود \* آیا نیدانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نمی‌شوند فربت هنورید زیرا  
 ۱۰ فاسفان و بت پرستان وزانیان و متنعمنان ولو اساط \* و دزدان و طمعکاران و میکساران  
 ۱۱ و خاشان و ستمکاران وارث ملکوت خدا خواهند شد \* و بعضی از شما چنین  
 می‌بودند لکن غسل یافته و متنفس کرده و عادل کرده شد ابد بنام عیسی خداوند  
 ۱۲ و بروح خدای ما \* هه چیز برای من جائز است لکن هر چیز مفید نیست \*

- ۱۳ هه چیز برای من رواست لیکن نمیکذارم که چیزی بمن سلطّ یابد \* خوراک  
برای شم است و شکم برای خوراک لکن خدا این و آنرا فانی خواهد ساخت اما  
۱۴ جسم برای زنا نیست بلکه برای خداوند است و خداوند برای جسم \* و خدا  
۱۵ خداوند را برخیزانید و مارا نیز بقوّت خود خواهد برخیزانید \* آیا نمیدانید که  
بدن‌های شما اعضای مسجع است پس آیا اعضای مسج را برداشته اعضای فاحشه  
۱۶ گردانم حاشا \* آیا نمیدانید که هر که با فاحشه پیوندد با وی یکن باشد زیرا  
۱۷ میکوید هر دو یکن خواهند بود \* لکن کسیکه با خداوند پیوندد بکروح است \*  
۱۸ از زنا بکریزید هر کاهیکه آدمی میکند یرون از بدنست لکن زانی بر بدن خود کاه  
۱۹ میورزد \* یا نمیدانید که بدن شا هیکل روح القدس است که در شما است که  
۲۰ از خدا یافه‌اید و از آن خود نیستید \* زیرا که بقیعتی خربه شدید پس خدارا  
بیدن خود تجدید نماید \*

## باب هفتم

- ۱ اما در باره آنچه بن نوشته بودید مرد را نیکو آنست که زنا می‌نکد \* لکن  
۲ بسب زنا هر مرد زوجه خود را بدارد و هر زن شوهر خود را بدارد \* و شوهر  
۴ حق زنا ادا نماید و هچین زن حق شوهر را \* زن بر بدن خود محظا نیست بلکه  
۵ شوهرش و هچین مرد نیز اخبار بدن خود ندارد بلکه زنش \* از بکدیکر جدائی  
مکر نمی‌نید مگر مدنی برضای طرفین نا برای روزه و عبادت فارغ باشد و باز باهم  
۶ پیوندید مبادا شیطان شمارا بسب ناپرهیزی شما در مجرمه اندازد \* لکن این را می‌کوم  
۷ بطريق اجازه نه بطريق حکم \* اما میخواهم که هه مردم مثل خودم باشند لکن  
۸ هر کس نعمتی خاص از خدا دارد بلکن چنین و دیگری چنان \* لکن بجز دین  
۹ و پوهه زنان می‌کوم که ایشان را نیکو است که مثل من بانند \* لکن اکر پرهیز ندارند  
۱۰ نکاح بکنند زیرا که نکاح از آتش هوس بهتر است \* اما منکوحان را حکم می‌کنم و نه  
۱۱ من بلکه خداوند که زن از شوهر خود جدا شود \* واکر جدا شود مجرد باند با  
۱۲ با شوهر خود صلح کند و مرد نیز زن خود را جدا نسازد \* و دیگرانرا من می‌کوم  
نه خداوند که آکر کسی از برادران زنی بی ایمان داشته باشد و آنزن راضی باشد که با  
۱۳ وی باند او را جدا نسازد \* وزنیک شوهر بی ایمان داشته باشد و اوراضی باشد که

- ۱۴ باوي هاند از شوهر خود جدا نشود\* زيرا كه شوهر بني ايمان از زن خود مقدس ميشود وزن بي ايمان از برادر مقدس ميگردد و اگرنه اولاد شما تا پاك ميبودند لكن الحال
- ۱۵ مقدسند\* اما آگر بي ايمان جدائی نماید بکذارش كه بشود زيرا برادر يا خواهر در اين صورت مقدب نیست و خدا مارا سلامتی خواند است\* زيرا كه توچه داني اى زن كه
- ۱۶ شورت را نجات خواهی داد با چه داني ايدركه زن خود را نجات خواهی داد\* مگر اينكه بهر طور که خداوند به رکس فرموده و بهمان حالت که خدا هر کسرا
- ۱۷ خواند باشد بدینطور رفتار بکند و همچين در همه کيساها امر ميکنم\* آگر کسی در مختنون خواند شود نا مختنون نگردد و آگر کسی در نا مختنون خواند شود مختنون
- ۱۸ نشود\* ختنه چجزی نیست و نا مختنون همچو بلکه نگاه داشتن امرهای خدا \*
- ۱۹ هر کس در هر حال يك خواند شد باشد در همان هاند\* آگر در غلامی خواند شدی
- ۲۰ ترا باکی بباشد بلکه آگرم میتوانی آزاد شوی آنرا اولی ترا استعمال کن\* زيرا غلام يك در خداوند خواند شد باشد آزاد خداوند است و همچين شخصی آزاد که
- ۲۱ خواند شد غلام مسیح است\* بقیعی خربت شدید غلام انسان نشود\* اى برادران هر کس در هر حال يك خواند شد باشد در آن نزد خدا هاند\* اما در باره باکن ها حکی از خداوند ندارم لکن چون از خداوند رحمت یافم که امین باشم رای
- ۲۲ میدهم\* پس کام میکنم که بجهة تکی این زمان انسان را نیکو آنست که همچنان
- ۲۳ با هاند\* آگر با زن بسته شدی جدائی مجموعی و آگر از زن جدا هستی دیگر زن
- ۲۴ خنوه\* لکن هر کاه نکاح کردی کاه نورزیدی و هر کاه باکن منکوحه کردید کاه
- ۲۵ نکد ولی چيدين در جسم زحمت خواهند کشید لیکن من برشما شفقت دارم\* اما اى برادران اين را میکوم وقت ننک است نا بعد از اين آنایك زن دارند مثل بى زن
- ۲۶ باشنده\* و کريانان چون نا کريانان و خوشحالان مثل نا خوشحالان و خريداران
- ۲۷ چون غير مالکان باشنده\* واستعمال کنندکان اينجهان مثل استعمال کنندکان
- ۲۸ نباشد زيرا كه صورت اينجهان در کندر است\* اما خواهش اين دارم که شما بى اندبيشه باشide شخص هر ز در امور خداوند ميانديشد که چگونه رضامندی
- ۲۹ خداوندرا بجويده\* و صاحب زن در امور دنيا ميانديشد که چگونه زن خود را
- ۳۰ خوش بسازد\* در ميان زن منکوحه و باکو نيز تقاضي است زيرا باکن در امور

خداؤند میاند بشد نا هم درن و هم درروح مقدس باشد اما منکوحه درامور دنيا  
 ۲۵ میاند بشد نا شوهر خودرا خوش سازد \* اما ايذا برای نفع شما میکوم نه آنكه  
 ۲۶ دای بر شما بهم بلکه نظر بشابستكی و ملازمت خداوند بی تشویش \* لکن هر کاه کسی  
 کان برد که با باکره خود ناشایستکی میکند اکر بعد بلوغ رسید و ناچار است  
 ۲۷ از چنین شدن آنچه خواهد بکند کنای نیست بکذار که نکاح کند \* اما کسیکه  
 در دل خود پایدار است و احیاج ندارد بلکه در اراده خود مختار است و در دل  
 ۲۸ خود جازم است که باکن خودرا نکاه دارد نیکو میکند \* پس هم کسیکه بنکاح  
 ۲۹ دهد نیکو میکد و کسیکه بنکاح ندهد نیکونر میباشد \* زن مادامیکه شوهرش  
 زن است بسته است اما هر کاه شوهرش مرد آزاد کردید نا بهر که بخواهد منکوحه  
 ۴ شود لیکن در خداوند فقط \* اما بحسب رای من خویمالر است اکر چنین باشد  
 ومن نیز کان میرم که روح خدارا دارم \*

### باب هشتم

۱ اما درباره فربانیهای بتها میدانم که هه علم دارم . علم باعث تکبر است لکن  
 ۲ محبت بنا میکند \* اکر کسی کمان برد که چیزی میداند هنوز هیچ نیداند بطوریکه  
 ۳ باید دانست \* اما اکر کسی خدارا محبت نماید نزد او معروف میباشد \* پس  
 درباره خوردن فربانیهای بتها میدانم که بت درجهان چیزی نیست و اینکه  
 ۵ خدای دیگر جز یکی نیست \* زیرا هر چند هستند که بخدا بان خوانند میشوند چه  
 ۶ در آسان و چه در زمین چنانکه خدا بان بسیار و خداوندان بسیار میباشد \* لکن  
 مارا یک خداست یعنی پدر که هه چیز ازاوست وما برای او هستم و یک خداوند  
 ۷ یعنی عیسی مسیح که هه چیز ازاوست وما ازاو هستم \* ولی هه را این معرفت  
 نیست زیرا بعضی نا بحال به اعتقاد اینکه بت هست آنرا چون فربانی بت میخورند  
 ۸ و ضمیر ایشان چون ضعیفست نجس میشود \* اما خواراک مارا مقبول خدا نیسازد  
 ۹ زرا که نه مخوردن بهترم و نه ب هنا خوردن بدتر \* لکن احتیاط کنید میادا اخبار  
 ۱۰ شما باعث لغرض ضعفاء کردد \* زیرا اکر کسی زرا که صاحب علم هستی پند که  
 درینکه نشسته آیا ضمیر آنکس که ضعیفست مخوردن فربانیهای بتها بنا نمیشود \*

۱۱ وازعم تو آن برادر ضعیف که مسج برای او مرد هلاک خواهد شد\* و همین  
چون برادران کناه وزیدید و ضایابر ضعیف شان را صدمه رسانیدید همانا بسج خطا  
نمودید\* با برین اکر خوراک باعث لغزش برادر من باشد تا باید کوشت نخواهم  
خورد تا برادر خود را لغزش ندهم\*

## باب نهم

- ۱ آبا رسول نیستم。 آبا آزاد نیستم。 آبا عیسی مسج خداوند مارا ندیدم。 آبا شما
- ۲ عمل من در خداوند نیستید\* هر کاه دیگرانرا رسول نیاش البه شمارا هست زیرا که
- ۳ مهر رسالت من در خداوند شما نیستید\* جمیع من بجهة آنانیکه مرا امتحان میکند
- ۴ این است\* که آبا اختیار خوردن و آنامیدن ندارم\* آبا اختیار ندارم که
- ۵ خواهر دینبرا بزن کرفته هر راه خود بیرم مثل سایر رسولان و برادران خداوند
- ۶ و گفنا\* یا من و برنا با بتنهای غفار نیستم که کار نکنم\* کیست که هر کس
- ۷ از خرجی خود جنک کند یا کیست که ناکستانی غرس نموده از بوهاش نخورد یا
- ۸ کیست که کله بچراند و از شیر کله نتوشد\* آبا اینرا بطور انسان میکوم یا شریعت
- ۹ نیز این را نمیکوبد\* زیرا که در نوراه موسی مكتوب است که کاورا هنکامیکه خرمزا
- ۱۰ خورد میکند دهان مبند. آبا خدا در فکر کل اوان میباشد\* یا محض خاطر ما اینرا
- ۱۱ نمیکوبد. بلی برای ما مكتوب است که شتم کنک میباید به امید شتم نماید و خورد
- ۱۲ کنند خرمن در امید یافتن قسمت خود باشد\* چون ما روحانیها را برای شما
- ۱۳ کاشتم آبا امر بزر کیست که ما جسمانیهای شمارا درو کنیم\* اکر دیگران دراین
- ۱۴ اختیار برینها شر بکند آیا نه ما بیشتره لیکن این اختیار را استعمال نکردم بلکه هر
- ۱۵ چیزرا متحمل میشوم مبادا انگیل مسیحرا تعویق اندازم\* آبا نیدانید که هر که
- ۱۶ در امور مقدس مشغول باشد از هیکل میخورد و هر که خدمت مذبح کند از مذبح
- ۱۷ نصیبی میدارد\* و همین خداوند فرمود که هر که به انگیل اعلام نماید از انگیل
- ۱۸ معیشت باید\* لیکن من هیچیک از اینها استعمال نکرم و اینرا باین قصد نتوشم
- ۱۹ نا با من چنین شود زیرا که مر امدن بهر است ازانکه کسی فخر مرا باطل کرداند\*
- ۲۰ زیرا هر کاه بشارت دهم مرا فخر نیست چونکه مرا ضرورت افتاده است بلکه وای

۱۷ بمن آکر بشارت ندهم \* زира هر کاه ابنا طوعاً کم اجرت دارم لکن آکر کرها  
 ۱۸ باشد و کالی هن سرده شد \* درابن صورت مرا چه اجرت است نا آنکه چون  
 بشارت میدم لخیل میخرا بیزرج سازم واخبار خودرا در لخیل استعمال نکم \*  
 ۱۹ زیرا با اینکه از هه کس آزاد بودم خودرا غلام هه کردانید نا بسیار برا سود برم \*  
 ۲۰ و بخودرا چون بهود کشتم نا بخودرا سود برم و اهل شر بعترانی اهل شر بعثت نا  
 ۲۱ اهل شر بعترانی سود برم \* و بشر بعترانی چون بیش بعترانی شدم هر چند تزد خدا  
 ۲۲ بیش بعثت نیستم بلکه شر بعثت مسج در من است نا بیش بعترانی سود برم \* ضعفارا  
 ضعیف شدم نا ضعفارا سود برم هه کسرا هه چیز کردیدم نا بهرنوی بعضی را  
 ۲۳ برهانم \* اما هه کار را بجهة انجیل میکم نا در آن شریک کردم \* آیا نمیدانید  
 آنایکه در میدان میدوند هه میدوند لکن یکنفر انعام را میبرد ه با یسطور شما بدوبد  
 ۲۵ نا بکمال ببرید \* و هر که ورزش کد در هر چیز ریاضت میکند ه اما ایشان نا تاج  
 ۲۶ فانی را بیابند لکن ما ناخ غیر فانی را \* پس من چنین میدوم ه چون کسی که شک  
 ۲۷ دارد و مشت میزتم نه آنکه هوارا بزم \* بلکه نن خودرا زیون میسازم و آنرا در  
 بندکی میدارم مبادا چون دیگران را وعظ نمود خود محروم شوم \*

### باب دهم

- ۱ زیرا ای برادران نیغواه شما بیخیر باشید از اینکه پدران ما هه زیر ابر بودند
- ۲ و هه از دریا عبور نمودند \* و هه بوسی نمید بافند در ابر و در دریا \* و هه هان
- ۳ خوراک روحا برا خوردند \* و هه هان شرب روحا برا نوشیدند زیرا که میآشایدند
- ۴ از صخره روحا نیکه از عقب ایشان میآمد و آن صخره مسج بود \* لیکن از آکثر ایشان
- ۵ خدا راضی نبود زیرا که در بیابان انداده شدند \* و این امور نموده ها برای ما شد نا
- ۶ ما خواهشمند بدی نباشم چنانکه ایشان بودند \* و نه بت پرست شوبد مثل بعضی
- ۷ از ایشان چنانکه مکتوب است قوم به اکل و شرب نشستند و برای لهو و لعب بریا
- ۸ شدند \* و نه زنا کم چنانکه بعضی از ایشان کردند و در یکروز بیست و سه هزار
- ۹ نفر هلاک کشند \* و نه میخرا تجربه کنم چنانکه بعضی از ایشان کردند و از مارها
- ۱۰ هلاک کردیدند \* و نه همه کید چنانکه بعضی از ایشان کردند و هلاک کشند

۱۱ ايشانرا هلاك کرد \* وابنه بطور متل بدپيشان واقع شد و برای تبيه ما مكتوب  
 ۱۲ کردید که او اخر عالم ها رسيد است \* پس آنکه کان بَرَّ که قايمست با خبر باشد  
 ۱۳ که نيفتد \* هیچ خبر به جز آنکه مناسب بشر باشد شمارا فرونكرفت اما خدا امين  
 است که نمکذار دشما فوق طاقت خود آزموده شويد بلکه با غربه مفتری نيز ميسازد  
 ۱۴ نا هارای خعمل آترا داشته باشد \* لهذا اي عزيزان من از بتبرستي بکريزيد \*  
 ۱۵ به خردمندان سخن ميکوم \* خود حکم کيده برآنچه ميڪوم \* پهله برکت که آنرا  
 ۱۶ نيرك میگوانم آبا شراکت درخون مسج نیست و تايراكه پاره ميکنم آبا شراکت  
 ۱۷ دريدن مسج نی \* زيرا ما که بساري يك نان و يك من ميپاشم چونکه هه از بگان  
 ۱۸ قسمت ميپايم \* اسرائيل جسانيرا ملاحظه کيده آبا خورند کان قربانها شريلك  
 ۱۹ قربانکاه نیستند \* پس چه کوم آبا بت چجزی ميپاشد ياكه قرباني بت چجزیست \*  
 ۲۰ نه بلکه آنچه امتهها قربانی ميکند برای ديوها ميکذراند نه برای خدا و نيعظام  
 ۲۱ شما شريلك ديوها باشيد \* محالت که هم از پياله خداوند و هم از پياله ديوها بتوشيد  
 ۲۲ و هم از مابين خداوند و هم از مابين ديوها نميتوانند قسمت بُرُد \* آبا خداوند را  
 ۲۳ بغيرت مياورم يا ازاو تو انانه ميپاشيم \* هه چجز جايز است لیکن هه مفید نیست .  
 ۲۴ هه رواست لیکن هه بنا نېيکند \* هرگز نفع خود را نجويدي بلکه نفع دبکريرا \*  
 ۲۵ هر آنچه را در قصبه خانه ميپروشند بخوريد و هیچ هر سيد بمخاطر ضمير \* زيرا که جهان  
 ۲۶ و هر دئ آن ازان خداوند است \* هرگاه کسی از من اهانان از شما و عنده خواهد  
 ۲۷ و میغواهد برويد آنچه تزد شما کذارند بخوريد و هیچ هر سيد مجده ضمير \* اما اکر  
 ۲۸ کسی بشما کويد این قرباني بت است بخوريد بمخاطر آنکس که خبر داد و مجده  
 ۲۹ ضمير زيرا که جهان و هر دئ آن ازان خداوند است \* اما ضمير ميڪوم نه از  
 خودت بلکه ضمير آن دبکره زيرا چرا ضمير دبکري برآزادئي من حکم کد \*  
 ۳۰ واکر من بشکر بخورم چرا بمن افتراه زند بسيِ آن چجز يك من برای آن شکر  
 ۳۱ ميکنم \* پس خواه بخوريد خواه بتوشيد خواه هر چه کند هه را برای جلال خدا  
 ۳۲ بکيده \* يهوديان و بونانيان و كلبسای خدارا لغزش مدهيد \* چنانکه من نيز  
 ۳۳ در هر کاري هه را خوش ميسازم و نفع خود را طالب نیست بلکه نفع بسیار برانا نجلات  
 يابند \*

### باب بازدهم

- ۱ پس افتادا من نمایند چنانکه من نیز مسیح میکنم \* اما ای برادران شمارا نحسین میگام  
از اینجهه که در هر چیز مرا باید میدارید و اخبار را بطوریکه بشما سیردم حفظ مینماید \*
- ۲ اما میگوام شما بدانید که سر هر مرد مسیح است و سر زن مرد و سر مسیح خدا \* هر  
مرد بکه سر بوشید دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا مینماید \* اما هر زنیکه سر  
برهنه دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا میسازد زیرا این چنانست که تراشیده
- ۳ شود \* زیرا آکر زن نمیبود موی را نیز پُرد و آکر زنرا موی بردین یا تراشیدن  
قبیح است باید بوشید \* زیرا که مرد را نباید سر خود را بپوشد چونکه او صورت  
وجلال خداست اما زن جلال مرد است \* زیرا که مرد از زن نیست بلکه زن
- ۴ از مرد است \* و نیز مرد بجهة زن افرید نشد بلکه زن برای مرد \* از اینجهه زن  
میباید عزّتی برسد اشته باشد بسبب فرشنگان \* لیکن زن از مرد جدا نیست
- ۵ مرد هم جدا از زن نیست در خداوند \* زیرا چنانکه زن از مرد است همچنین  
مرد نیز بوسیله زن لیکن هم چیز از خدا \* در دل خود انصاف دهد آیا شایسته  
۶ است که زن نا بوشید نزد خدا دعا کد \* آیا خود طیعت شمارا نمیآموزد که  
آکر مرد موی دراز دارد اور اعماق باشد \* و آکر زن موی دراز دارد اور اغز  
۷ است زیرا که موی بجهة پرده بدوداده شد \* و آکر کسی شنید که باشد ما و کلیساها را  
خدارا چنین عادتی نیست \* لیکن چون این حکمرا بشما میکنم شمارا نحسین  
۸ نمیکنم زیرا که شانه از برای بھری بلکه برای بدری جمع میشود \* زیرا اولًا  
هنگامیکه شما در کلیسا جمع میشود میشنوم که در میان شما شفاقتها روی میدهد  
۹ وقدری از آنرا باور میکنم \* از اینجهه که لازم است در میان شما بعد از آنها نیز باشد تا  
۱۰ که هفولان از شما ظاهر کردند \* پس چون شما در یکجا جمع میشود ممکن نیست  
۱۱ که شام خداوند خورده شود \* زیرا در وقت خوردن هر کس شام خود را پیشتر  
۱۲ میکردد و یکی کرسته و دیگری مست میشود \* مکر خانه ها برای خوردن و آشامیدن  
دارید یا کلیسا را خدارا تغیر مینماید و آن پیرا که ندارند شرمنه میسازیده بشما چه  
۱۳ بکوهم \* آیا در این امر شمارا نحسین نمیمانم \* زیرا من از خداوند یافتم

آنچه بشما نیز سپردم که عبیسی خداوند درشیکه او را نسلیم کردند نانرا کرفت \*  
 ۲۴ و شکر نوده باره کرد و گفت بکرید بخور بد \* این است بد من که برای شما باره  
 ۲۵ میشوده اینرا بیادکاری من بجا آرید \* و همچین پایاله را نیز بعد از شام و گفت  
 این پایاله عهد جدید است درخون من \* هر کاه اینرا بتوشید بیادکاری من بکرید \*  
 ۲۶ زیرا هر کاه این نانرا بخورید و این پایاله را بتوشید موت خداوندرا ظاهر میناید  
 ۲۷ تا هنکامیک باز آید \* پس هر که بطور ناشایسته نانرا بخورد و پایاله خداوندرا  
 ۲۸ بتوشید مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود \* اما هر شخص خود را انجان کند  
 ۲۹ و بدبینظر ازان نان بخورد و ازان پایاله بتوشد \* زیرا هر که بخورد و مینوشد  
 ۳۰ فتوای خود را بخورد و مینوشد اگر بدن خداوندرا تمیز نمیکند \* از این سبب  
 ۳۱ بسیاری از شما ضعیف و مریض اند و بسیاری خواهید اند \* اما اگر برخود حکم  
 ۳۲ میکردم حکم برما نمیشد \* لکن هنکامیک برما حکم میشود از خداوند تأدیب  
 ۳۳ میشوم مبادا با اهل دنیا برما حکم شود \* لهذا ای برادران من چون بجهة  
 ۳۴ خوردن جمع میشود متظر بکدیکر باشید \* و اگر کسی کرسته باشد درخانه  
 بخورد مبادا بجهه عنویت جمع شوید و چون یام ماقبره استظم خواهم نمود \*

### باب دوازدهم

۱ اما درباره عطایای روحانی ای برادران نخواهیم شد بیخبر باشید \* میدانید  
 هنکامکه امها میبودید بسوی بتهای کنک برده میشید بطوریکه شمارا میبردند \*  
 ۲ پس شمارا خبر مدهم که هر که متكلم بروح خدا باشد عبیسی را آنها نمیکرد واحدی  
 ۳ جز بروح القدس عبیسی را خداوند نمیتواند گفت \* و نعمتها انواع است ولی  
 ۴ روح همان \* و خدمتها انواع است اما خداوند همان \* و عملها انواع است لکن  
 ۵ همان خدا هم را در همه عمل نمیکند \* ولی هر کسرا ظهور روح بجهه منفعت عطا  
 ۶ میشود \* زیرا یکیرا بوساطت روح کلام حکمت داده میشود و دیگر برآ کلام علم  
 ۷ بمحسب همان روح \* و دیگر ایمان بهمان روح و دیگر ای نعمتیای شفا دادن بهمان  
 ۸ روح \* و دیگر ای قوت معجزات و دیگر ای نبوت و دیگر ای تمیز ارواح و دیگر ای اقسام  
 ۹ زیانها و دیگر ای ترجمه زیانها \* لکن دررجع اینها همان یکروح فاعل است که

۱۳ هرکسرا فرداً جحسب اراده خود نفس میکند \* زیرا چنانکه بدن یکست واعضای متعدد دارد و نهائی اعضای بدن آکرچه بسیار است یکتن میباشد همچنین مسج نزد ۱۴ میباشد \* زیرا که جمیع ما پیکروخ در بیک بدن تعهد یافیم خواه بیهود خواه بونانی ۱۵ خواه غلام خواه آزاد و هه از بیک روح نوشانید شدم \* زیرا بدن یک عضو نیست بلکه بسیار است \* آکر با کوید چونکه دست نیستم از بدن نمیباشم آیا بدین ۱۶ سبب از بدن نیست \* و آکر کوش کوید چونکه چشم نیم از بدن نیستم آیا بدین ۱۷ سبب از بدن نیست \* آکر نام بدن چشم بودی کجا مبیود شنبدن و آکر هه شنبدن بودی کجا مبیود بوندز \* لکن الحال خدا هر بیک از اعضا را در بدن نهاد ۱۸ ۱۹ بحسب اراده خود \* و آکر هه بک عضو بودی بدن کجا مبیود \* اما آلان ۲۰ اعضا بسیار است لیکن بدن بک \* و چشم دسترا نمیتواند گفت که محتاج تو نیست ۲۱ یا سر پایه را نزد که احنجاچ بشنا ندارم \* بلکه علاوه بر این آن اعضای بدن که ۲۲ ضعیفتر مینایند لازمر میباشند \* و آنها را که پست تر اجزای بدن میندارم عزیزتر ۲۳ میدارم و اجزای فیجع ما جمال افضل دارد \* لکن اعضای جمله مارا احتیاجی ۲۴ نیست بلکه خدا بدندرا مرتب ساخت بقسمیکه ناقصرا بیشتر حرمت داد \* نا که ۲۵ جدائی در بدن نهند بلکه اعضا ببرابری در فکر یکدیگر باشند \* و آکر بک عضو در دمند کردد سایر اعضا با آن هدرد باشند و آکر عضوی عزت یابد باقی اعضا ۲۶ با او بخوشی آیند \* اما شنا بدن مسج هستند و فردا اعضای آن میباشد \* ۲۷ و خدا قرار داد بعضی را در کلیساه اول رسولان دوم انبیا سیم معلیمان بعد قوات ۲۸ پس نعمتهای شفا دادن و اعوانات و تدایر و اقسام زیانها \* آیا هه رسول هستند ۲۹ یا هه انبیا یا هه معلیمان یا هه قوات \* یا هه نعمتهای شفا دارند یا هه بزیانها ۳۰ متكلم هستند یا هه ترجمه میکنند \* لکن نعمتهای بهتر را بغیرت بطالید و طریق ۳۱ افضل نیز بشنا نشان میدم \*

### باب سیزدهم

۱ آکر بزیانهای مردم و فرشتگان سعن کوئ و محبت نداشته باش مثل خاس صدا ۲ دهن و سخ فغان کنند شدام \* و آکر نیوت داشته باش و جمیع اسرار و همه علم را بدانم و ایمان کامل داشته باش بجدیکه کوههارا نقل کنم و محبت نداشته باش همچ

- ۳ هست \* و آکر جمیع اموال خود را صدقه دهم و بدین خود را بسیارم نا سوخته شود  
 ۴ و محبت نداشته باشم همچو سود نمیرم \* محبت حلم و مهر یا ناسته محبت حسد نمیرد  
 ۵ محبت کبر و غرور ندارد \* اطوار نا پسندیدن ندارد و نفع خود را طالب نمیشود  
 ۶ خشم نمیکرد و سوه ظن ندارد \* از ناراستی خوشوقت نمیکردد ولی با راستی  
 ۷ شادی میکند \* در مه چیز صبر میکند و هم را باور نمایاده در مه حال امیدوار  
 ۸ میباشد و هر چیز را متحمل میباشد \* محبت هر کسر ساقط نمیشود و اما آکر نیوتها  
 باشد نیست خواهد شد و آکر زبانها اتها خواهد پذیرفت و آکر علم زایل خواهد  
 ۹ کردید \* زیرا جزئی علی دارم و جزئی نیوت مینامیم \* لکن هنگامیکه کامل آید  
 ۱۰ جزئی نیست خواهد کردید \* زماییکه طفل بودم چون طفل حرف میزدم و چون  
 طفل فکر میکردم و مانند طفل تعقل مینمودم اما چون مرد شدم کارهای طفلاه را  
 ۱۱ نزک کردم \* زیرا که الحال در آینه بطور معتما مینیم لکن آنوقت رو برو و آهن  
 ۱۲ جزئی معرفتی دارم لکن آنوقت خواهم شناخت چنانکه نیز شناخته شدایم \* والحال  
 این سه چیز باقیست یعنی ایمان و امید و محبت اما بزرگتر از اینها محبت است \*

### باب چهاردهم

- ۱ در بی محبت بکوشید و عطا باید روحانیها بغیرت جلیلید خصوصاً اینکه نیوت  
 ۲ کنید \* زیرا کسیکه بزیانی ضعن میکوید نه بزدم بلکه بخدا میکوید زیرا هیچکس  
 ۳ نیفهمد لیکن در روح به اسرار نکلم مینماید \* اما آنکه نیوت میکند مردم را برای  
 ۴ بنا و نصیحت و نسلی میکوید \* هر که بزیانی میکوید خود را بنا میکند اما آنکه نیوت  
 ۵ مینماید کلیسا را بنا میکند \* و خواهش دارم که همه شما بزیانها نکلم کنید لکن  
 پیشتر اینکه نیوت نمایند زیرا کسیکه نیوت کند بهتر است از کسیکه بزیانها حرف  
 ۶ زند مکر آنکه ترجمه کند نا کلیسا بنا شود \* اما الحال ای برادران آکر نزد شما  
 آم و بزیانها ضعن را نم شمارا چه سود مییشم مکر آنکه شمارا بکاشنه با پیعرفت یا  
 ۷ بنیوت یا بتعلیم کوم \* و همین چیزهای بیجان که صدا میدهد چون فی با برخط  
 ۸ آکر در صدای افراد نکند چگونه آوازی با برخط فهمید میشود \* زیرا آکر کتنا  
 ۹ نیز صدای نا معلوم دهد که خود را مهیا نمیسازد \* همین شما نیز آکر

- بزمان سخن مفهوم نکوئيد چونکه معلوم ميشود آنجيز يكه كفته شد زيراكه بهوا سخن  
 ۱۰ خواهيد كفت \* زيراكه انواع زبانهای دنيا هر قدر زياده باشد ولي بكي پي معنى  
 ۱۱ نیست \* پس هر کاه قوت زيانرا نميدانم نزد متکلم ببرري مي باشم و آنكه سخن کويد  
 ۱۲ نزد من ببرري مي باشد \* هچين شما نيز چونکه غيور عطايات روحاني هستيد  
 ۱۳ بطليد اينكه برای بنای کلیسا افزوده شويد \* بنابرین کسيکه بزياني سخن ميکويد  
 ۱۴ دعا بکند تا ترجمه نماید \* زيرا آکر بزياني دعا کم روح من دعا ميکند لکن عقل  
 ۱۵ من برخوردار نميشود \* پس مقصود چيست \* بروح دعا خواه كرد و بعقل نيز  
 ۱۶ دعا خواه نمود بروح سرو دخواه خواند و بعقل نيز خواه خواند \* زيرا آکر  
 در روح تبرك میگوانی چونکه آنکسيکه هنرلت امی است بشكر تو آمين کويد و حال  
 ۱۷ آنكه نميمهد چه ميکوئی \* زيرا تو البته خوب شكر ميکي لکن آن دیگر بنا  
 ۱۸ نميشود \* خدارا شكر ميکم که زيادتر از همه شما بزيانها حرف ميزم \* لکن  
 در کلیسا ييشتر ميپسندم که پنهان کله بعقل خود کوم تا دیگرانرا نيز تعليم دم ازانکه  
 ۱۹ هزاران کله بزيان بکوم \* اي برادران در فهم اطفال ميابند بلکه در بد خونی  
 ۲۰ اطفال باشيد و در فهم رشيد \* در توراه مكتوپ است که خداوند ميکويد بزيانهای  
 يکانه و لبهای غير باین قوم سخن خواه كفت و با اين هه مرا غواهند شنيد \*  
 ۲۱ پس زيانها نشانی است نه برای ايمان داران بلکه برای بي ايمانان اما نبوت برای  
 ۲۲ بي ايمان نیست بلکه برای ايمانداران است \* پس آکر نام کلیسا در جانی جع  
 شوند و هه بزيانها حرف زند و ايمان يا بي ايمانان داخل شوند آيا نميكويند که  
 ۲۳ دبوانه ايد \* ولي آکر هه نبوت کند وکسی از بي ايمانان با ايمان در آيد از هه  
 ۲۴ توبیخ ميابد واز هه ملزم ميکردد \* و خفايات قلب او ظاهر ميشود و هچين  
 ۲۵ برومی در افاده خدارا عبادت خواهد کرد و ندا خواهد داد که في المختفه خدا  
 ۲۶ در ميان شما است \* پس اي برادران مقصود اين است که وظيفه جمع شويد هر  
 يکي از شما سرو دي دارد تعليم دارد زيان دارد مکاشفة دارد ترجمه دارد بآيد هه  
 ۲۷ سجهه بنا بشود \* اکر کسی بزياني سخن کويد دو دو با نهايت سه سه باشد بترتیب  
 ۲۸ وکسی ترجمه کند \* اما آکر مترجمي نباشد در کلیسا خاموش باشد و با خود  
 ۲۹ و با خدا سخن کويد \* واز انياء دو يا سه سخن بکويند و دیگران نيز دهنند \*

۶. و آکر چجزی بدیگری از اهل مجلس مکثوف شود آن اول ساکت شود\*
۷. زیرا که هه میتوانید بکیک نبوت کنید تا هه تعلم یابند و هه نصیحت پذیرند\*
۸. وارواح انبیاء مطیع انبیاء میباشند\* زیرا که او خدای تشویش نیست بلکه خدای سلامتی جنانکه در هه کلپساهای مقدسان\* وزنان شما در کلپساهای خاموش باشند زیرا که ایشانرا حرف زدن جایز نیست بلکه اطاعت نمودن جنانکه توراه نبر میکوید\*
۹. اما آکر میخواهند چجزی یا موزنده در رخانه از شوهران خود بپرسند چون زنانرا در کلپسا حرف زدن قبیح است\* آیا کلام خدا از شما صادر شد یا بشما بنهای رسید\*
۱۰. آکر کسی خودرا نینی یا روحانی پندارد اقرار بکد که آنچه بشما مبنویسم احکام خداوند است\* اما آکر کسی جاهل است جاهل باشد\*
۱۱. پس ای برادران نو ترا بغیرت بطلیید و از نکلم نمودن بربانها منع مکبد\*
۱۲. لکن هه چهرباشیستکی و انتظام باشد\*

### باب پانزدهم

۱. الان ای برادران شمارا از انجیلیکه بشما بشارت دادم اعلام مینهایم که آنرا م پذیرفته و در آن هه قایم میباشد\* و بوسیله آن نیز نجات میباشد بشرطیکه آن کلام میرا که بشما بشارت دادم محکم نکاه دارید و الأعیت ایمان آوردد\*
۲. زیرا که اول بشما سپدم آنچه نیز با فهم که صحیح برسیب کتب در راه کاهان ما مرد\* و اینکه مدنون شد و در روز سیم برسیب کتب برخاست\* و اینکه بکننا ظاهر شد
۳. و بعد از آن بآن دوازده\* و پس از آن بزیاده از پانصد برادر یکبار ظاهر شد که بیشتر از ایشان نا امروز باقی هستند اما بعضی خواهید اند\* از آن پس بیغقولب ظاهر شد و بعد بجمعیع رسولان\*
۴. و آخر هه بر من مثل طفل سقط شد ظاهر گردید\*
۵. زیرا من کهترین رسولان هست ولایق نیست که به رسول خوانک شوم چونکه بر کلپسای خدا جنا میرسانیدم\*
۶. لیکن بدیض خدا آنچه هست هست و فیض او که بر من بود باطل نکشت بلکه پیش از هه ایشان مشقت کشیدم اما نه من بلکه فیض خدا که با من بود\*
۷. پس خواه من و خواه ایشان بدینظریق و عظیمکنم و بانتظور ایمان آوردد\*
۸. لیکن اکر بسیح و عظیم بشود که از مردکان برخاست چونست که بعضی

- ۱۳ از شما میکویند که قیامت مردکان را قیامت نیست مسیح نیز  
 ۱۴ برخاسته است \* و آنکه مسیح برخاست باطلست و عظماء و باطلست نیز ایمان شما \*
- ۱۵ و شهود گذبه نیز برای خدا شدم زیرا درباره خدا شهادت دادم که مسیح را برخیزائید  
 ۱۶ و حال آنکه او را برخیزائید در صورتیکه مردکان برخیزند \* زیرا هر کاه مردکان  
 ۱۷ برخیزند مسیح نیز برخاسته است \* آنکه هر کاه مسیح برخاسته است ایمان شما باطل  
 ۱۸ است و شما ناکون در کاهان خود هستید \* بلکه آنکه هم که در مسیح خوایید اند  
 ۱۹ هلاک شدند \* آنکه فقط در این جهان در مسیح امیدوارم از جمیع مردم بد محترم \*
- ۲۰ لیکن بالفعل مسیح از مردکان برخاسته و نوبت خوایید کان شد است \* زیرا چنانکه  
 ۲۱ باسان موت آمد باسان نیز قیامت مردکان شد \* و چنانکه در آدم هه میمیرند  
 ۲۲ در مسیح نیز هه زنگ خواهد کشت \* لیکن هر کس به رتبه خوده مسیح نوبت است  
 ۲۳ وبعد آنکه در وقت آمدن او از آن مسیح میباشدند \* وبعد از آن انتهاء است وقتیکه  
 ملکوت را بخدا و پدر سپارد و در آزمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوترا نابود خواهد  
 ۲۴ کردانید \* زیرا مدامیکه هه دشمنان را زبر پایهای خود ننهد میباید او سلطنت  
 ۲۵ بناید \* دشمن آخر که نابود میشود موت است \* زیرا هه چیز را زبر پایهای وی  
 ۲۶ انداده است آنچون میکوید که هه چیز را زبر انداده است واضح است که او  
 ۲۷ که هم را زبر او اندادت مستثنی است \* آنکه زمانیکه هه مطیع وی شد باشد آنکه  
 ۲۸ خود پسرم مطیع خواهد شد اورا که هه چیز را مطیع وی کردانید نا آنکه خدا  
 ۲۹ کل درکل باشد \* و آنکه برای مردکان تعبد میباشدند چه کشته هر کاه مردکان  
 ۳۰ مطلفا برخیزند پس چرا برای ایشان تعبد میکیزند \* و ما نیز هر ساعت خود را  
 ۳۱ در خطر میاندازیم \* آن غری درباره شما که مرا در خداوند ما مسیح عیسی هست  
 ۳۲ قسم که هر روزه مرا مردنی است \* چون بطور انسان در افسوس با وحش جنک  
 ۳۳ گردم مراجه سود است \* آنکه مردکان برخیزند بخورم و بیاشام چون فردا  
 ۳۴ میمیرم \* فرینه مشوید معاشرات بد اخلاق حسنها را فلسه میسازد \* برای عدالت  
 ۳۵ پیدار شد کاه مکید زیرا بعضی معرفت خدارا ندارند \* برای اتفاق شما میکویم \*  
 ۳۶ آنکه کسی کوید مردکان چکونه برخیزند و بکدام بدن میایند \* ای احق اتجه  
 ۳۷ تو میکاری زنگ نیکردد جز آنکه بیرد \* و آنچه میکاری نه آنچه میگردد که خواهد

۲۸ شد میکاری بلکه دانه مجرد خواه از کندم و با از دانهای دیگر \* لیکن خدا بر حسب  
 ۲۹ اراده خود آنرا جسم میدهد و هر یکی از نخنها جسم خودش را \* هر کوشت  
 از یکنوع کوشت نبست بلکه کوشت انسان دیگر است و کوشت بهام دیگر و کوشت  
 ۳۰ مرغان دیگر و کوشت ماهیان دیگر \* وجسمهای آسمانی هست و جسمهای زمینی نیز  
 ۳۱ لیکن شان آسمانیها دیگر و شان زمینیها دیگر است \* و شان آفتاب دیگر و شان مه  
 ۳۲ دیگر و شان ستارگان دیگر زیرا که ستاره از ستاره در شان فرق دارد \* بهمین نفع  
 است نیز قیامت مردگان \* در فساد کاشته میشود و در بی فسادی بر میخورد \*  
 ۳۳ در ذلت کاشته میکردد و در جلال بر میخورد در ضعف کاشته میشود و در فوت  
 ۳۴ بر میخورد \* جسم نفسانی کاشته میشود و جسم روحانی بر میخورد \* اگر جسم نفسانی  
 ۳۵ هست هر آیه روحانی نیز هست \* و همچین نیز مکتوب است که انسان اول بعنی  
 ۳۶ آدم نفس زنده کشت اما آدم آخر روح حیات بخش شد \* لیکن روحانی مثلم نبود  
 ۳۷ بلکه نفسانی و بعد از آن روحانی \* انسان اول از زمین است خاکی \* انسان  
 ۳۸ دوم خداوند است از آسمان \* چنانکه خاکبست خاکیان نیز چنان هستند و چنانکه  
 ۳۹ آسمان است آسمانیها همچنان میباشدند \* و چنانکه صورت خاکی را کرفتم صورت  
 ۴۰ آسمانیها نیز خواهیم کرفت \* لیکن ای برادران اینرا میکویم که کوشت و خون  
 ۴۱ غمتواند وارث ملکوت خدا شود و فاسد وارث پیفسادی نیز نمیشود \* همانا بشما  
 ۴۲ سرتی میکویم که نخواهیم خوااید لیکن همه متبدل خواهیم شد \* در لحظه در طرفه  
 العینی مجرد نواختن صور اخیر زیرا کرنا صدا خواهد داد و مردگان پیفساد خواهند  
 ۴۳ برخاست و ما متبدل خواهیم شد \* زیرا که میباید این فاسد پیفساد بپوشد و این  
 ۴۴ فانی بینا آراسته کردد \* اما چون اینفاسد پیفساد بپوشید و این فانی بینا آراسته  
 شد آنکه اینکلامیکه مکتوب است بانجام خواهد رسید که مرک در ظفر بلعیث شد  
 ۴۵ است \* ای موت نیش نوکجا است وای کور ظفر توکجا \* نیش موت کاهاست  
 ۴۶ و فوت کاه شریعت \* لیکن شکر خدار است که مارا بواسطه خداوند ما عینی  
 ۴۷ مسیح ظفر میدهد \* بنابرین ای برادران حییب من پایدار و پیشویش شک پوسته  
 ۴۸ در عمل خداوند پیغاید چون میدانید که رحمت شما در خداوند باطل نبست \*

باب شانزدهم

۱. آما در باره جمع کردن زکات برای مقدسین چنانکه بکلیساهاي غلاطيه فرمودم
۲. شما نيز همچين كنيد \* در روز اول هته هر يك از شما مجتبىك یافته باشد
۳. نزد خود ذخرين كرده بگذارد تا در وقت امدن من زحمت جمع کردن نباشد \* وچون برسيم آنانيرا كه اختيار كيد با مكتوبها خواهم فرستاد تا احسان شمارا باورشلم بيرند \*
۴. و اگر مصلحت باشد كه من نيز بروم هرها من خواهند امد \* وچون از مکاذوئه عبور
۵. کم بند شما خواهم آمد زيرا كه از مکاذوئه عبور ميکنم \* واحتقال دارد كه نزد شما همان ملکه زمستانرا نيز بسر برم تا هرجانيك بروم شما را مشایعت كنيد \* زيرا كه آلان اراده ندارم درين راه شمارا ملاقات کم چونكه اميدوارم مدنی با شما نوقف عام اگر خداوند اجازت دهد \* لیکن من تا پنهانی كاست در آفسُ خواهم ماند \* زيرا كه
۶. دروازه بزرگ و کارساز برای من باز شد و معاندين بسیارند \* لیکن آگر نیعموتاوش آید آگاه باشيد كه نزد شما يترس باشد زيرا كه در کار خداوند مشغول است چنانکه
۷. من نيز هستم \* لهذا هيچکس اورا حیر نشارد بلکه اورا بسلامت مشایعت كنيد تا نزد
۸. من آيد زيرا كه اورا با برادران انتظار ميکشم \* آما در باره آپلسي برادر از او بسیار درخواست خودم كه با برادران بند شما يباید لیکن هرگز رضا نداد كه الحال يباید
۹. ولی چون فرصت يابد خواهد آمد \* يهدا شويد در ایمان استوار باشيد و مردان
۱۰. باشيد وزور آور شويد \* جمع کارهای شما با محبت باشد \* وای برادران بشما التهاس دارم (شما خانواده استيقانرا ميشناسيد كه نوبر اخائيه هستند و خوشتنرا بخدمت
۱۱. مقدسین سپرده اند) \* تا شما نيز چنین اختصارا اطاعت كنيد و هر کسرا كه در کار و رحمت شريلك باشد \* و از آمدن استيقان و فرزونانش و آخائيه كوس مرا شادي رخ
۱۲. نمود زيرا كه آنچه از جانب شما نام بود ايشان قام کردد \* چونكه روح من و شمارا نازه
۱۳. کردد پس چنین اختصارا بشناسيد \* كلیساهاي آسيا بشما سلام ميرسانند و آکيلا
۱۴. و پرسکلا با كلیساهاي كه در خانه ايشانند بشما سلام بسیار در خداوند ميرسانند \* همه
۱۵. برادران شمارا سلام ميرسانند يكديگررا ببوسه مقدسانه سلام رسانند \* من بولس از
۱۶. دست خود سلام ميرسانم \* اگر کسی عيسی مسج خداوند را دوست ندارد آنها باد ماران
۱۷. آما \* فيض عيسى مسج خداوند باشما باد \* محبت من با همه شما در مسج عيسى باد آمين \*

## رساله دوم پولس رسول بقرييان

### باب اول

- ۱ پولس باراده خدا رسول عيسى سمع و تسموٰناوس برادر بکلساي خدا که
- ۲ در قریش میباشد با همه منذیتیکه در تمام آخائیه هستند \* فیض وسلامتی از پدر
- ۳ ما خدا و عیسی سمع خداوند بشما باد \* مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی
- ۴ سمع که پدر رحمتها و خدای جمیع نسلیانست \* که مارا در هر نتی که ماتسلی میدهد
- ۵ تا ما بتوانیم دیگرانرا در هر مصیبتیکه باشد تسلی نمائیم با آن نسلیکه خود از خدا
- ۶ یافته ام \* زیرا به اندازه که دردهای سمع در ما زیاده شود بهمین قسم تسلی ما نیز
- ۷ بوسیله سمع میافرازد \* اما خواه زحمت کشم این است برای تسلی و نجات شما
- ۸ خواه تسلی پذیرم این هم بجهة تسلی و نجات شما است که میسر میشود از صبر داشتن
- ۹ در همین دردهایتیکه ما هم میبینیم \* و امید ما برای شما استوار میشود زیرا میدانیم که
- ۱۰ چنانکه شما شریک دردها هستید همچنین شریک تسلی نیز خواهید بود \* زیرا ای
- ۱۱ برادران غیواهم شما بغير باشد از نتی که در آسیا یا عارض کردید که پنهانیت
- ۱۲ فوق از طاقت بارکتیدم بجدیکه ارجان هم مأبوس شدم \* لکن در خود فتوای
- ۱۳ موت داشتم تا بر خود توکل نکنم بلکه بر خدا که مردکارا بر میزند \* که مارا
- ۱۴ از چنین موت رهاید و میرهاند و با او امیدوارم که بعد از این هم خواهد رهاید \*
- ۱۵ و شما نیز بدعا در حق ما احانت میکنید تا آنکه برای آن تعنتیکه از اخلاص بسیاری
- ۱۶ با رسید شکرکناری هم بجهة ما از بسیاری بجا آورده شود \* زیرا که غیر ما این
- ۱۷ است یعنی شهادت ضمیر ما که بنشویست و اخلاص خدائی نه بمحکمت جسانی بلکه
- ۱۸ بپیش المی در جهان رفخار نمودم و خصوصاً نسبت بشما \* زیرا چیزی بشما نمیتویم
- ۱۹ مک آنچه بخوابید و بال آن اعتراف میکنید و امیدوارم که تا با آخر اعتراف م خواهد

۱۴ کرد \* چنانکه با فی الجمله اعتراف کردید که محل فخر شما هستم چنانکه شما نیز مارا  
 ۱۵ میباشید در روز عیسی خداوند \* و بدین اعتماد قبل از این خواستم بند شما آئم نا  
 ۱۶ نعمتی دیگر پایا پید \* وازراء شما مکا دو نیه بروم و باز از مکا دو نیه نزد شما پایم و شما  
 ۱۷ مرا بسوی بَهُودِ به منتابعت کنید \* پس چون اینرا خواستم آبَا سهل انکاری کردم  
 ۱۸ با عزیمت من عزیمت بشری باشد تا آنکه بند من بلي بلي وني فني باشد \* لیکن خدا  
 ۱۹ امین است که سخن ما با شما بلي وني نیست \* زیرا که پسر خدا عیسی مسیح که ما  
 ۲۰ یعنی من وسلوانش و نیمتوانش در میان شما بوی موعلجه کردم بلي وني نند بلکه  
 ۲۱ در او بلي شد است \* زیرا چند آنکه وعده‌های خدا است هه در او بلي واز اینجهه  
 ۲۲ در او امین است تا خدا از ما نجیبد یابد \* اما او که مارا با شما در مسیح استوار  
 ۲۳ میکرداند و مارا مسیح نموده است خداست \* که او نیز مارا مهر نموده و بیمانه روح را  
 ۲۴ در دلهای ما عطا کرده است \* لیکن من خدارا بر جان خود شاهد میخوانم که برای  
 شمارا مددکار هستم زیرا که با یمان فاعم هستند \*

### باب دوم

۱ اما در دل خود عزیمت داشتم که دیگر با حزن بند شما نیام \* زیرا آنکه من  
 ۲ شمارا محزون سازم کیست که مرا شادی دهد جز او که از من محزون کشت \*  
 ۳ و همینرا نوشتم که میادا و قنیکه بیام محزون شوم از آناینکه میباشد سبب خوشی  
 ۴ من بشوند چونکه بر همه شما اعتماد میدارم که شادی من شادی جمیع شما است \*  
 ۵ زیرا که از حزن و دلتنکی سخت و با اشکهای بسیار بشما نوشتم نه تا محزون شوید  
 ۶ بلکه تا بنهمید چه محبت بیهاین با شما دارم \* و اگر کسی باعث غم شد مرا محزون  
 ۷ نساخت بلکه فی الجمله جمیع شمارا تا بار زیاده تنهاده باشم \* کافیست آن کسرا  
 ۸ این سیاستکه از اکثر شما بدور میگیرد است \* پس بر عکس شما باید اورا عنو نموده  
 ۹ نسلی دهد که میادا افزونی غم چنین شخصا فروبرد \* بنا برین بشما الماس مهدارم  
 ۱۰ که با او محبت خود را استوار نمایند \* زیرا که برای همین نیز نوشتم تا دلیل شیارا  
 بدانم که در همه چیز مطیع میباشد \* اما هر کرا چه زی عنو نمایند من نیز میگم زیرا که

- آنچه من عنوکرده ام هر کاه چه زیرا عنوکرده باشم بخاطر شما بحضور مسجح کرده ام \*
- ۱۱ نا شیطان برما برتری نیابد زیرا که از مکاید او بعین نیستم \* اما چون به ترویج
- ۱۲ بجهة بشارت مسجح آدم و دروازه برای من در خداوند باز شد \* در روح خود
- آرای نداشتم از آنرو که برادر خود تیطس را نیافم بلکه ایشان را وداع نموده پهکادونیه
- ۱۴ آدم \* لیکن شکر خدار است که مارا در مسجح دانما در موبک ظفر خود مبید و عطر
- ۱۵ معرفت خود را در هر جا بوسیله ما ظاهر میکند \* زیرا خدار اعطر خوشبوی مسجح
- ۱۶ میباشیم هم در ناجیان و هم در هالکان \* اما اینهارا عطر موت الی موت و آنها را
- ۱۷ عطر حیات الی حیات و برای این امور کیست که کافی باشد \* زیرا مثل بسیاری
- نیستیم که کلام خدارا مغشوش سازم بلکه از ساده دلی و از جانب خدا در حضور
- خدا در مسجح سخن میکوئم \*

### باب سورم

- ۱ آیا باز بسفرش خود شروع میکیم و آیا مثل بعضی احیاج بسفرش ناجیات
- ۲ بشما یا از شما داشته باشیم \* شما رساله ما هستید نوشته شده در دلهای ما معروف
- ۳ و خوانده شده جمیع آدمیان \* چونکه ظاهر شدن اید که رساله مسجح میباشد خدمت
- کرده شد ازما و نوشته شده بزرگ بلکه بروح خدای حق \* نه برالواح سنک بلکه
- برالواح کوشتنی دل \* اما بوسیله مسجح چینی اعتماد بخدا دارم \* نه آنکه کافی باشیم
- که چیزی را بخود تفکر کنیم که کویا از ما باشد بلکه کفاایت ما از خداست \* که او
- مارا هم کنایت داد تا عهد جدید را خادم شوم نه حرف را بلکه بروح را زیر آن حرف
- میکشند لیکن روح زنک میکند \* اما آنکه خدمت موت که در حرف بود و بر سر کها
- ترایشید شده با جلال میبود بخدیکه بنی اسرائیل نمیتوانستند صورت موسی را نظاره
- کنند بسبب جلال چهنه او که فانی بود \* چکونه خدمت روح بیشنتر با جلال
- نمیتوانستند روح خواهد بود \* زیرا هر کاه خدمت قصاصی با جلال باشد چند مرتبه زیادتر خدمت
- ۱۰ عدالت در جلال خواهد افزود \* زیرا که آنچه جلال داده شد بود نیز بدین
- ۱۱ نسبت جلالی نداشت بسبب این جلال فایق \* زیرا آنکه آن فانی با جلال بودی
- ۱۲ هر آینه این باقی از طریق اولی در جلال خواهد بود \* هس چون چینی آمید دارم
- با کمال دلیری سخن میکوئم \* و نه مانند موسی که تقابی بر جهنم خود کشید تا بنی

- ۱۴ اسرائیل نام شدن این فانیرا نظر نکنند\* بلکه ذهن ایشان غلیظ شد زیرا که نا امروز همان نقاب درخواندن عهد عیق باقیست و کشف نشد است زیرا که فقط  
۱۵ در مسیح باطل میگردد\* بلکه نا امروز و قبیکه موسی را میگواند نقاب برداش ایشان  
۱۶ برقرار میماند\* لیکن هر کاه بسوی خداوند رجوع کند نقاب برداشته میشود\*  
۱۷ اما خداوند روح است و جاییکه روح خداوند است آنجا آزادی است\* لیکن  
۱۸ همه ما چون با چهون پینقلاب جلال خداوندرا درآیه مینکرم از جلال ناجلال بهان  
صورت منبدل میشوم چنانکه از خداوند که روح است\*

#### باب چهارم

- ۱ بنابرین چون این خدمت را دارم چنانکه رحمت یافته ام خسته خاطر نمیشوم\*  
۲ بلکه خنایای رسوانی را ترک کرده بکر رفشار نیکیم و کلام خدارا مغشوش نمیازم  
۳ بلکه به اظهار راستی خود را بضمیر هر کس در حضور خدا مقبول میازم\* لیکن  
۴ آکر بشارت ماغنی است بر هالکان محنی است\* که در ایشان خدای انجهان  
فهمهای بی ایمان اشان را کور کردانید است که مبادا غلی\* بشارت جلال مسیح که  
۵ صورت خدادست ایشان را روشن سازد\* زیرا بخوبیشتن موعظه نیکیم بلکه بسیج  
۶ عیسی خداوند اما بخوبیشتن که غلام شما هستم بخاطر عیسی\* زیرا خداوند که کفت  
تا نور از ظلمت درخشید هاست که در دلهای ما درخشید تا نور معرفت جلال  
۷ خدا در چهره عیسی مسیح ازما بدرخشد\* لیکن این خربه را در ظروف خاکی  
۸ دارم تا برتری قوت از آن خدا باشد نه از جانب ما\* در هر چیز رحمت کشید ولی  
۹ در شکنجه نیستم\* متغیر ولی مأمور نی\* تعاقب کرده شد لیکن نه متروکه انکنید  
۱۰ شد ولی هلاک شد نی\* پیوسته قتل عیسی خداوندرا در جسد خود حمل میکنم  
۱۱ تا حیات عیسی هم در بدن ما ظاهر شود\* زیرا ما که زنده ام داشتم بخاطر عیسی  
۱۲ بوت سپرده میشوم تا حیات عیسی نیز در جسد فانی\* ما پدید آید\* پس موت در ما  
۱۳ کار میکند ولی حیات در شما\* اما چون همان روح ایمان را دارم بحسب آنچه مکروب  
است ایمان آوردم پس سخن کنم ما نیز چون ایمان دارم از این رو سخن میکوئم\*  
۱۴ چون میدانم او که عیسی خداوند را برخیزانید مارا نیز با عیسی خواهد برخیزانید

- ۱۵ و با شما حاضر خواهد ساخت \* زیرا که هه جیز برای شما است نا آن فیضیک  
 ۱۶ بوسیله بسیاری افزوده شد است شکرکنارها برای تمپید خدا یعنیزاید \* از آنجه  
 خسته خاطر نیشوم بلکه هر چند انسانیت ظاهری ما فانی میشود لیکن باطن روز  
 ۱۷ بروز تازه میگردد \* زیرا که این رحمت سبک ما که برای لحظه ایست بار جاودانی  
 ۱۸ جلالرا برای ما زیاده وزیاده پیدا میکند \* درحالیکه مانظر نمیکنم بجهزهای دیدنی  
 بلکه بجهزهای نا دیدنی زیرا که آنچه دیدنی است زمانی است ونا دیدنی جاودانی \*

### باب هفتم

- ۱ زیرا میدانم که هر کاه اینخانه زمینی خیمه مازخنه شود عارق از خدا دارم خانه  
 ۲ نا ساخته شده بستها وجاودانی درآسمانها \* زیرا که در این هم آه میکشم چونکه  
 ۳ مشناق هستم که خانه خودرا که از آسمانست ببوشم \* اکر ف الواقع بوشیك و نه  
 ۴ عربان یافت شوم \* ازانرو که ما نیز که در این خیمه هستم کرانبار شده آه میکشم  
 از آنجه که نیخواهیم اینرا بیرون کیم بلکه آنرا ببوشم تا فانی در حیات غرق شود \*  
 ۵ اما او که مارا برای این درست ساخت خدا است که بیانه روح را با میدهد \*
- ۶ پس دامن خاطر جمع هستم و میدانم که مادامیکه در بدن متوطنم از خداوند غریب  
 ۷ میباشم \* (زیرا که بایمان رفقار میکنم نه بدیدار) \* پس خاطر جمع هستم و اینرا  
 ۸ بیشتر میبیندم که از بدن غربت کم و بتزد خداوند متوطن شوم \* لهذا حرص  
 ۹ هستم برایکه خواه متوطن و خواه غریب پسندیده او باشم \* زیرا لازمست که  
 همه ما پیش مسند مسجح حاضر شوم تا هر کس اعمال بدنه خودرا باید بحسب آنچه  
 ۱۰ کرده باشد چه نیک چه بد \* پس چون تین خدارا دانسته ام مردم را دعوت  
 ۱۱ میکنم اما بخدا ظاهر شدم و امیدوارم بضمایر شما هم ظاهر خواهم شد \* زیرا  
 ۱۲ بار دیگر برای خود بشما سفارش نمیکنم بلکه سبب افتخار در باره خود بشما میدهم  
 نا شهارا جوانی باشد برای آنانیکه در ظاهر نه در دل غفرانیکند \* زیرا اکر بینود  
 ۱۳ هستم برای خدا است و اکر هنیمارم برای شما است \* زیرا محبت مسجح مارا فرو  
 ۱۴ کرفته است چونکه اینرا در یافتم که یکدل برای همه مرد پس هه مردند \* و برای  
 ۱۵ هه مرد نا آنانیکه زندانی از این به بعد برای خویشن زیست نکند بلکه برای او که

۱۶ برای ايشان مرد و برخاست \* بنابرین ما بعد از اين همچو سرا مجتب جم  
نمیشناسیم بلکه هر کاه مسج را هم مجتب جم شناخته بودم آهن دیگر اورانمیشناسیم \*  
۱۷ پس آنکه کسی در مسج باشد خلقت نازه ایست \* چیزهای که در کنست اینکه هد  
۱۸ چیز نازه شده است \* و هه چیز از خدا که مارا بواسطه عیسی مسج با خود مصالحه  
۱۹ داده و خدمت مصالحه را با سپرده است \* یعنی اینکه خدا در مسج بود وجهانرا  
با خود مصالحه میداد و خطابی ایشانرا بدینشان محسوب نداشت و کلام مصالحه را  
۲۰ با سپرد \* پس برای مسج الیچی هستم که کویا خدا بزیان ما وعظ میکند پس  
۲۱ بخاطر مسج استدعا میکنیم که با خدا مصالحه کید \* زیرا اورا که کاه نشناخت  
در راه ما کاه ساخت نا م در روی عدالت خدا شوم \*

### باب ششم

- ۱ . پس چون همکاران او هستم الناس مینایم که فض خدارا بیفانده نیافته باشد \*
- ۲ . زیرا میکوید در وقت مقبول ترا مستجاب فرمود و در روز نجات ترا اعانت کردم \*
- ۳ . اینکه الحال زمان مقبول است اینکه آهن روز نجاتست \* در هیچ چیز لغوش  
۴ . نمیدهم که مبادا خدمت ما ملامت کرده شود \* بلکه در هر امری خودرا ثابت  
۵ . میکنیم که خدام خدا هستم \* در صبر بسیار در زحمات در حاجات در نتکها \* در  
۶ . نازیانهها در زندانها در فتنهها در محنتها در بیخوابیها در کرستکها \* در طهارت  
۷ . در معرفت در حلم در مهربانی در روح القدس در محبت بیری \* در کلام حق در قوت  
۸ . خدا با اسلحه عدالت بر طرف راست و چپ \* بعزت و ذلت و بدنای و نیکنای  
۹ . چون کراه کنندکان و اینک راستکو هستم \* چون مجھول و اینک معروف چون  
۱۰ . در حالت موت و اینک زنک هستیم چون سیاست کرده شده اما مقتول نی \* چون  
محزون ولی دائمآ شادمان چون فتیر و اینک بسیار برادولتمند میسازم چون بیچز اما  
۱۱ . مالک هه چیز \* ای قریینیان دهان ما بسوی شما کشاده و دل ما وسیع  
۱۲ . شده است \* در ما تنک نیستید لیکن در احشای خود تنک هستید \* پس در جزای  
۱۳ . این زیرا که بفرزندان خود محن میکوم شما نیز کشاده شوید \* زیرا بوغ ناموفق با  
۱۴ . ای ایمان مشوید زیرا عدالترا با کاه چه رفاقت و نور را با ظلمت جه شرآکت است \*

- ۱۵ و مسج را با بلیعال چه مناسبت و مؤمنرا با کافر چه نصب است \* وهیکل خدارا  
با بتها چه موافق زیرا شما هیکل خدای حق میباشد چنانکه خدا کفت که  
درایشان ساکن خواهم بود و درایشان راه خواهم رفت و خدای ایشان خواهم بود  
۱۶ وایشان فوم من خواهد بود \* پس خداوند میکوید ازیان ایشان بیرون آئید  
۱۷ و جدا شوید و چیز نایاک را لمس نمکید تا من شمارا مقبول بدارم \* و شمارا پدر  
خواهم بود و شما مرا پسران و دختران خواهید بوده خداوند قادر مطلق میکوید \*

### باب هفتم

- ۱ پس ای عزیزان چون این وعد هارا دارم خوبشن را از هر نجاست جسم و روح  
۲ ظاهر بسازم وقت و سپس در خدا نرسی بکمال رسانم \* مارا در دلهای خود  
جا دهیده بر هیگس ظلم نکرم و هیچکسرا فاسد نساختم و هیچکسرا مغبون ننمدم \*  
۳ اینرا از روی مذمت نمیکویم زیرا پیش کتفم که در دل ما هستند تا در موت و حیات  
۴ باهم باشم \* مرا بر شما اعتقاد کنی و در باره شما غفر کامل است \* از نسل سیر کشته ام  
۵ و در هر زحمتی که بر ما میاید شادی و افریم کنم \* زیرا چون همکارویه هم رسیدم  
جسم ما آرای نیافت بلکه در هر چیز زحمت کشیدم در ظاهر نزاعها و در باطن ترسها  
۶ بود \* لیکن خدائیکه تسلی دهنده افتاد کانت مارا بامدن نیطس نسلی چخنید \*  
۷ و نه از آمدن او نهای بلکه بآن تسلی نیز که او در شما یافته بود چون مارا مطلع ساخت  
از شوق شما و نوحه کرنی شما و غیر نیمه در باره من داشتند بنوعیکه بیشتر شادمان  
۸ کردند \* زیرا آنکه هر چند شمارا بآن رساله عزون ساختم پشیمان نیستم اسکرچه  
۹ پشیمان هم بودم زیرا یافتم که آن رساله شمارا اکرم ساعتی غمکن ساخت \* احوال  
شادمان نه از آنکه غم خوردند بلکه از آنکه غم شما بتوهی انجامید زیرا که غم شما  
۱۰ برای خدا بود نا بهیچ وجه زیانی از ما بشما نرسد \* زیرا غمیکه برای خدا است  
منشاء توبه میباشد بجهة نجات که از آن پشیمان نیست اما غم دنیوی منشاء موت  
۱۱ است \* زیرا اینکه همینکه غم شما برای خدا بود چکونه کوشش بل احتجاج بل  
خشم بل نرس بل اشتیاق بل غیرت بل انتقامرا در شما پدید آورده در هر چیز  
۱۲ خود را ثابت کردند که در این امر مبزا هستند \* باری هر کاه بشما نوشتم بجهة آن

۱۳ ظالم یا مظلوم نبود بلکه ناغرفت ما در باره شما بشاد رحضور خدا ظاهر شود\* و از  
انجعه نسل یافتهم لیکن در تسلی خود شادی ما از خوشی تیطس بینهاست زیاده  
۱۴ کردید چونکه روح او از جمیع شما آرامی یافته بود\* زیرا اگر در باره شما بدوفخر  
کردم خجل نشدم بلکه چنانکه همه سخنارا بشما براستی کفتم همین فخر ما به تیطس  
۱۵ راست شد\* و خاطر او بسوی شما زیادتر مایل کردید چونکه اطاعت جمیع شمارا  
۱۶ یاد می‌آورد که چکونه برس ولرز اورا پذیرفتید\* شادمانم که در هر چیز بر شما  
اعتماد دارم\*

### باب هشتم

- ۱ لیکن ای برادران شمارا مطلع می‌سازم از فیض خدا که بکلیساها مکادونیه عطا
- ۲ شد است\* زیرا در امتحان شدید زحمت فراوانی خوشی ایشان ظاهر کردید
- ۳ و از زیادتی فقر ایشان دولت سخاوت ایشان افزوده شد\* زیرا که شاهد هستم
- ۴ که بحسب طاقت بلکه فوق از طاقت خوبیش به رضامندی تمام\* التاس بسیار نموده
- ۵ این نعمت و شرآکت در خدست مقدسینرا از ما طلبیدند\* و نه چنانکه امید داشتم
- ۶ بلکه اول خوبیتزا بخداؤند و با بر حسب اراده خدا دادند\* و از این سبب
- ۷ از تیطس استدعا نمودم که همچنانکه شروع این نعمترا در میان شما کرد آنرا به انجام م
- ۸ بر ساند\* بلکه چنانکه در هر چیز افزونی دارید در ایمان و کلام و معرفت و کمال
- ۹ اجتهاد و محبتیکه با ما میدارید در این نعمت نیز بیفراید\* اینرا بطريق حکم نیکوکم
- ۱۰ بلکه بسبب اجتهاد دیگران و ناخلاص محبت شمارا یازمام\* زیرا که فیض
- ۱۱ خداوند ما عیسی مسیح را میدانید که هر چند دولمند بود برای شما فقیر شد تا شما
- ۱۲ از فقر او دولمند شوید\* و در این رای میدهم زیرا که این شمارا شایسته است
- ۱۳ چونکه شما در سال کذشنه نه در عمل فقط بلکه در اراده نیز اول از هه شروع کردید\*
- ۱۴ اما احوال عمل را به انجام رسانید نا چنانکه دلکری در اراده بود انجام عمل نیز بر حسب
- ۱۵ آنچه دارید بشود\* زیرا هر کاه دلکری باشد مقبول می افتد بحسب آنچه کسی دارد
- ۱۶ نه بحسب آنچه ندارد\* و نه اینکه دیگرانرا راحت و شمارا زحمت باشد بلکه بطريق
- ۱۷ مساواه تا درحال زیادتی شما برای کمی ایشان بکار آید\* و نا زیادتی ایشان بجهة
- ۱۸ کمی شما باشد و مساواه بشود\* چنانکه مكتوب است آنکه بسیار جمع کرد زیادتی

- ۱۶ نداشت و آنکه اندک جمع کرد کمی نداشت \* آما شکر خدا راست که این  
 ۱۷ اجهادرا برای شما در دل تیطس هباد \* زیرا او خواهش مارا اجابت نمود بلکه  
 ۱۸ بیشتر با اجهاد بوده به رضامندی تمام بسوی شما روانه شد \* و با وی آن برادرها  
 ۱۹ فرستادم که ملح او در انگيل در مقامی کلیساها است \* ونه همین فقط بلکه کلیساها  
 نیز او را اختیار کردند تا در این نعمتیکه خدمت آنرا برای تهدید خداوند دلکشی  
 ۲۰ شما میکنیم هم سفر ما بشود \* چونکه اجتناب میکنیم که میادا کسی مارا ملامت کند  
 ۲۱ در باره این سخاوتیکه خادمان آن هستم \* زیرا که نه در حضور خداوند فقط بلکه  
 ۲۲ در نظر مردم نیز چیزهای نیکورا تدارک میبینیم \* وبا ایشان برادر خود را نیز  
 فرستادم که مکررا در امور بسیار اورا با اجتهاد یافتم و الحال بسب اعتماد کلی  
 ۲۳ که برشما میدارد بیشتر با اجهاد است \* هر کاه در باره تیطس (پرسند) او در خدمت  
 شمارفیق و هنکار منست و آکر در باره برادران ماه ایشان رُسل کلیساها و جلال مسیح  
 ۲۴ میباشدند \* پس دلیل محبت خود و فخر مارا در باره شما در حضور کلیساها با ایشان  
ظاهر نمایند \*

### باب نهم

- <sup>۱</sup> زیرا که در خصوص این خدمت مقدسین زیادنی میباشد که بشنا بنویسم \* چونکه  
 دلکشی شارا میدانم که در باره آن بجهة شما به اهل مکاذوبیه فخر میکنم که از اسال  
 کننده اهل آخایه مستعد شدند و غیرت شما آکنرا ایشانرا تحریض نموده است \*  
 ۲ آما برادران را فرستادم که میادا فخر ما در باره شما در این خصوص باطل شود تا  
 ۳ چنانکه کفته ام مستعد شوید \* میادا اکر اهل مکاذوبیه با من آیند و شمارا نا مستعد  
 ۴ باشد نمیکوئم شما بلکه ما از این اعتماد بکه با آن فخر کردیم بخل شویم \* پس لازم  
 ۵ داشتم که برادران را نصیحت کنم تا قبل ازما نزد شما آیند و برکت موعد شارا مهیا  
 ۶ سازند تا حاضر باشد از راه برکت نه از راه طمع \* آما خلاصه این است هر که با بخل  
 ۷ کارد با بخلی هم درو کند و هر که با برکت کارد با برکت نیز درو کند \* آما هر کس  
 بطوریکه در دل خود اراده نموده است بکند به بخشن و اضطرار زیرا خدا بخشنند  
 ۸ خوش را دوست میدارد \* ولی خدا قادر است که هر نعمتی را برای شما بینزاید  
 ۹ ناهمیشه در هر امری کفاایت کامل داشته برای هر عمل نیکو افزوود شوید \* چنانکه

- ۱۰ مکنوبست که پاشید و بقراء داد و عدالتیش نا باید باقی میماند \* اما او که برای بزرگ بذر و برای خورنک نانرا آماده میکند بذر شارا آماده کرده خواهد افزواد
- ۱۱ و ثرات عدالت شارا مزید خواهد کرد \* نا آنکه در هر چیز دولتند شد کمال
- ۱۲ خناوندا بهائید که آن مشاه شکر خدا یوسفیه ما میباشد \* زیرا که بجا آوردن این خدمت نه فقط حاجات مقدسین را رفع میکند بلکه سیاس خدارا نیز بسیار میافزاید \*
- ۱۳ واژ دلیل این خدمت خدارا تجید میکند بسبب اطاعت شما در اعتراف انجلیل
- ۱۴ مسج و حکایت بخشش شما برای ایشان و همان \* و ایشان بسبب افزونی فیض
- ۱۵ خداییکه بر شماست در دعای خود مشتاق شما میباشد \* خدارا برای عطای ما لاکلام او شکر باد \*

### باب دهم

- ۱ اما من خود بولس که چون در میان شما حاضر بودم فروتن بودم لیکن و فیکه غایب هستم با شما جسارت میکنم از شما بعلم و رفاقت مسج استدعا دارم \* والتماس میکنم که چون حاضر شوم جسارت نکنم بدان اعتمادیکه کان میبرم که جرئت خوام کردم با آنانیکه میپندارند که ما بطريق جسم رفتار میکنیم \* زیرا هر چند در جسم رفتار میکنم ولی بقانون جسمی جنک نمیباشم \* زیرا اسلحه جنک ما جسمانی نیست بلکه نزد خدا قادر است برای انهدام قلعه ها \* که خجالات و هر بلندیرا که خود را بخلاف معرفت خدا میافزارد بزر میافکنیم و هر فکر برایه اطاعت مسج اسیر میسازم \*
- ۷ و مستعد هستیم که از هر معصیت انتقام چونم و فیکه اطاعت شا کامل شود \* ایا بصورت ظاهری نظر میکنیده آکر کسی بر خود اعتماد دارد که از آن مسج است اینرا نیز از خود بداند که چنانکه او از آن مسج است ما نیز همچنان از آن مسج هستیم \*
- ۸ زیرا هر چند زیاده هم غربکم در باره اقدار خود که خداوند آنرا برای بنا نه برای خرابی شما با داده است خیل نخواهم شد \* که میادا معلوم شود که شمارا به رساله ها میترسانم \* زیرا میکویند رساله های او کران و زور آور است لیکن حضور جسون او ضعیف و سخشن حیرت \* چین شخص بداند که چنانکه در کلام رساله ها در غیاب هستیم همچین نیز در فعل در حضور خواهیم بود \* زیرا جرأت نداریم که خود را از کسانیکه خوب شنیدرا مدح میکنند شمارم یا خود را با ایشان مقابله نماییم \* بلکه

ایشان چون خود را با خود می‌باشد و خود را بخود مقابله مینمایند دانا نیستند \*  
 ۱۳ اما زیاده از اندازه فخر نمیکنم بلکه بحسب اندازه آن قانونیکه خدا برای ما پیامود  
 ۱۴ و آن اندازه است که بشما نیز میرسد \* زیرا از حد خود تجاوز نمیکنم که کویا بشما  
 ۱۵ نرسید باشیم چونکه در تعجب مسجع بشما هم رسیده ام \* وازاندازه خود نگذشته  
 در محنتهاي ديگران فخر نبايتم ولی اميد دارم که چون ايمان شما انزواون شود در ميان  
 ۱۶ شما بحسب قانون خود بغايت افزوده خواهیم شد \* تا اينکه در مکانهاي دورتر از  
 ۱۷ شما هم بشارت دهم و در امور مهمها شئ بقانون ديگران فخر نمکنم \* اما هر که فخر نماید  
 ۱۸ بخداوند فخر نماید \* زیرا نه آنکه خود را مدعی کرد مقبول افت بلکه آنرا که خداوند  
 مدح نماید \*

## باب يازدهم

۱ کاشکه مرا در آنك جهانی محمل شوید و محمل من هم میباشد \* زیرا که من  
 بر شما غبیر هست بغيرت الٰی زیرا که شمارا يك شوهر نامزد ساختم تا باکنه عفيفه  
 ۳ مسجع سپارم \* لیکن میترسم که چنانکه مار هرگز خود حوار افرینش همچین خاطر  
 ۴ شما هم از سادکی که در مسجع است فاسد کردد \* زیرا هر کاه آنکه آمد وعظ میکرد  
 به عیسی دیگر غیر از آنکه ما بدو مو عظه کردم یاشا روی دیگر را جزا آنکه یافته  
 بود دید یا العجیل دیگر را سوای آنچه قبول کرده بود دید میزدیر قنید نیکو میگردد که  
 ۵ محمل میشدید \* زیرا مرا یقین است که از بزرگترین رسولان هر کسر نیست \*  
 ۶ اما هر چند در کلام نیز اتفاق باشم لیکن در معرفت نیه بلکه در هر امری نزد همه کس  
 ۷ بشما آشکار کردم \* آبا کاه کردم که خود را ذلیل ساختم تا شما سرافراز شوید  
 در اینکه به انجیل خدا شمارا مفت بشارت دام \* کلیساهاي دیگر را غارت نموده  
 ۸ اجرت سرفتم تا شمارا خدمت نمایم و چون بزد شما حاضر بوده محتاج شدم  
 ۹ بر هیچکس بار نهادم \* زیرا برادرانیکه از مکار و نیه آمدنند رفع حاجت مرا نمودند  
 ۱۰ و در هر چیز از بار نهادن بر شما خود را نکاه داشته و خواهیم داشت \* بر اسقی مسجع که  
 ۱۱ در من است قسم که این فخر در نواحی اخاییه از من کوفته خواهد شد \* از چه سببه  
 ۱۲ آبا از اینکه شمارا دوست نمیدارم خدا میداند \* لیکن آنچه میکنم هم خواهیم کرد تا  
 از جویندگان فرصنث فرصنث را منقطع سازم تا در آنچه فخر میکنند مثل ما نیز یافت

۱۳ شوند \* زيرا که چين اشخاص رسولان کذبه و عده آن مکار هستند که خويشترا  
 ۱۴ برسolan مسجع مشابه ميسازند \* و عجب نیست چونکه خود شيطان هم خويشترا  
 ۱۵ بفرشته نور مشابه ميسازد \* پس امر بزرگ نیست که خدام وي خويشترا بخدمات  
 ۱۶ عدالت مشابه سازند که عاقبت ايشان بحسب اعمالشان خواهد بود \* باز  
 ميکوم کسی مرا يفهم نداند والا مرا چون يفهمي پذيريد تا من نيز اندکي افخار  
 ۱۷ کنم \* آنچه ميکوم ارجانب خداوند نيمکوم بلکه از راه يفهمي در اين اعتماد يک  
 ۱۸ فخر ما است \* چونکه بساري از طريق جسماني فخر ميکند من هم فخر مينمam \*

۱۹ زيرا چونکه خود فهم هستيد يفهمانرا بخوشی متحمل ميپايشد \* زيرا متحمل ميشويد  
 هر کاه کسی شمارا غلام سازد يا کسی شمارا فرو خورد يا کسی شمارا كرفتار کد با  
 ۲۰ کسی خود را بلند سازد يا کسی شمارا بر رخسار طلانيه زند \* از روی استخار ميکوم  
 که کريا ما ضعيف بوده ايم اما در هر چيز يکه کسی جزئات دارد از راه يفهمي ميکوم  
 ۲۱ من نيز جزئات دارم \* آيا عبراني هستند من نيز هستم اسرائيل هستند من نيز هستم  
 ۲۲ از ذريت ابراهيم هستند من نيز مباباش \* آيا خدام مسجع هستند چون ديوانه  
 حرف ميزم من يشتر هست در محتمتها افزو تر در نازيانها زيادت در زندانها ييشتر  
 ۲۳ در مرکها مكتر \* از يهوديان بخچ مرتبه از جهل يك کم تازيانه خوردم \* سه مرتبه  
 مرا چوب زند يك دفعه سنکسار شدم سه کرت شکسته کشتي شدم شبانه روزي  
 ۲۴ در دريا بسر برم \* در سفرها بارها در خطرهای بهرا در خطرهای دزدان در  
 خطرها از قوم خود و در خطرها از آنها در خطرها در شهر در خطرها در بیابان  
 ۲۵ در خطرها در دريا در خطرها در میان برادران کذبه \* در محنت و مشقت در  
 ۲۶ بیرون اها بارها در گرستکي و نشنکي در روزهها بارها در سرما و عرباني \* بدون آنچه علاوه  
 ۲۷ بر ايها است آن باريکه هر روزه بermen است يعني اندبيشه بر اي همه کليساهاه \* كيست  
 ۲۸ ضعيف که من ضعيف نيشوم \* که لازم بغيرد که من نيسوزم \* اگر فخر مبابايد  
 ۲۹ کرد از آنچه بضعف من تعلق دارد فخر ميکم \* خدا و پدر عبس مسجع خداوند که  
 ۳۰ نا مأبد مبارک است ميداند که دروغ نيمکوم \* در دمشق والي حارت پادشاه  
 ۳۱ شهر دمشق از ابراهيم مخافظت مينمود \* و مرا از در بجه در زينلي از باره  
 قلمه باين کردن و از دستهای وي رست \*

### باب دوازدهم

- ۱ لابد است که فخر کم هرچند شایسته من نیست لیکن برویاما و مکاشفات
- ۲ خداوند میام \* شخصی را در مسجع میشناسم چهارده سال قبل از این آیا در جم  
نیدام و آیا بیرون از جسم نیدام خدا میدانده چنین شخصیکه تا آسمان سیم رووده
- ۳ شد \* و چنین شخصرا میشناسم خواه در جسم و خواه جدا از جسم نیدام خدا
- ۴ میداند \* که بفردوس رووده شد و سخنان ناکتفتی شنید که انسان را جایز نیست  
پانها تکلم کند \* از چنین شخص فخر خواه کرد لیکن از خود جز از اضعفهای
- ۵ خویش فخر نیکم \* زیرا اگر بخواه مفرغ بکم بیفهم نمیباشد چونکه راست میکوم لیکن  
اجتناب میکنم مبادا کسی در حق من کانی برد فوق از لیقه درمن بیند با ازمن
- ۶ شنود \* و نا آنکه از زیادتی مکاشفات زیاده سرافرازی نسام خاری در جم
- ۷ من داده شد فرشته شیطان تا مرا لطمہ زند مبادا زیاده سرافرازی نمایم \* و در
- ۸ باره آن از خداوند سه دفعه استدعا نودم تا ازمن برود \* مرا کفت فیض من ترا  
کافی است زیرا که قوت من در ضعف کامل میکردد پس بشادی بسیار از اضعفهای
- ۹ خود بیشتر فخر خواه نمود تا قوت مسجع درمن ساکن شود \* بنابرین از اضعفهای  
ورسوانها و احیانهات وزحمات و ننکیها بخطاطر مسجع شادمان زیرا که چون ناتوانم
- ۱۰ آنکاه توانا هستم \* بیفهم شدام شما مرا مجبور ساختید زیرا مبایست شما مرا مدح  
کرده باشید از آنرو که من از بزرگترین رسولان بیهیچ وجه کمتر نیستم هرچند هیچ
- ۱۱ هست \* بدستیکه علامات رسول درمیان شما با کمال صبر از آیات و مbezat
- ۱۲ وقوات بدلید کشت \* زیرا گذام چجز است که در آن از سایر کلساها فاصل  
۱۳ بودید مکر اینکه من بر شما بار نهادم این بی انصافیرا ازمن بخشید \* اینک مرتبه
- ۱۴ سیم مهیا هستم که نزد شما یام و بر شما بار غواص نهاد از آنرو که نه مال شما بلکه خود  
شمارا طالیم زیرا که نمیباید فرزندان برای والدین ذخیره کنند بلکه والدین برای
- ۱۵ فرزندان \* اما من بکمال خوشی برای جانهای شما صرف میکنم و صرف کرده خواه
- ۱۶ شد و اکر شمارا بیشتر محبت نلم آیا کمتر محبت بین \* اما باشد من بر شما بار نهادم  
۱۷ بلکه چون حیله کر بود شمارا هکر بچنگ آوردم \* آیا یکی از آنایکه نزد شما فرستادم

- ۱۸ نفع از شما بردم \* بنیطس الناس نودم و ما وي برادر را فرستادم آبا بنیطس از شما نفع  
 ۱۹ برد مکر يك روح و يك روش رفخار ننودم \* آبا بعد از اين مدت کان میکيد که  
 نزد شما حجت میاورم بحضور خدا در مسیح سخن میکوئم لیکن هه چيز ای عزيزان  
 ۲۰ برای بنای شما است \* زیرا میترسم که چون آم شمارا نه چنانکه مخواهم یا مم و شما مرا  
 یلاید چنانکه نمیخواهید که مبادا نزاع و حسد و خشمها و تقصیب و بهتان و غنمی و غرور  
 ۲۱ و فتنهها باشد \* و چون باز آم خدای من مرا نزد شما فروتن سازد و ماتم کم برای  
 بسياري ازانانيکه پيشتر کاه کردندا واز نايابي وزنا و فجور يك كرده بودند توبه نمودند \*

### باب سیزدهم

- ۱ این مرتبه ستم نزد شما میآمده بکواهی دو سه شاهد هر سخن ثابت خواهد شد \* پيش  
 ۲ کتم و پيش میکوم که کويا دفعه دوم حاضر بوده ام هر چند آلن غایب هست آناندرا  
 ۳ که قبل از اين کاه کردنده و هه دیگرانرا که اکر باز آم ساعه نخواهم نمود \* چونکه  
 ۴ دليل مسیح را که درمن سخن میکوید میخویند که او نزد شما ضعیف نیست بلکه در شما  
 ۵ توانا است \* زیرا هر کاه از ضعف مصلوب کشت لیکن از قوت خدا که بسوی شما است زیست  
 ۶ خواهیم کرد \* خود را امتحان کید که در ایان هستید یا نه خود را باز یافت کید آیا  
 ۷ خود را نیشاناسید که عیسی مسیح در شما است اکرم دود نیستید \* اما امیدوارم که خواهید  
 ۸ دانست که ما مردود نیستم \* و از خدا مستلت میکنم که شما هیچ بدی نکنیده نه تاظاهر  
 ۹ شود که ما مقبول هستیم بلکه ناشما نیکوئی کرده باشید هر چند ما کویا مردود باشیم \*  
 ۱۰ زیرا که هیچ نیتوانیم بخلاف راستی عمل نمائیم بلکه برای راستی \* و شادمانیم و قنیکه ما  
 ۱۱ نا نوایم و شما توانانید و نیز برای این دعا میکنم که شما کامل شوید \* از اینجهة اینرا  
 در غیاب مینویس نا هنکامیده حاضر شوم سختی نکم بحسب آن قدر تیکه خداوند بجهة  
 ۱۲ بنا نه برای خرابی بن داده است \* خلاصه ای برادران شاد باشید کامل شوید  
 ۱۳ تسلی پذیریده بلک رای و باسلامتی بوده باشید و خدای محبت وسلامتی با شما خواهد  
 ۱۴ بود \* یکدیگر را بهوسة مقدسانه تحیت نمایند \* جمیع مقدسان بشناسلام میرسانند \*  
 ۱۵ فیض عیسی مسیح خداوند و محبت خدا و شرکت روح القدس با جمیع شما باد آمین \*

## رساله پولس رسول بغلاطيان

### باب اول

- ۱ پولس رسول نه از جانب انسان و نه بوسيله انسان بلکه به عيسى مسج و خدای
- ۲ پدر که او را از مردگان برخیزاند\* و همه برادرانیکه با من میباشد بکلیساهاي
- ۳ غلامتی\* فيض وسلامتی از جانب خدای پدر و خداوند ما عيسى مسج با شما باد\*
- ۴ که خود را برای کاهان ما داد تا مارا ازین عالم حاضر شیر بحسب اراده خدا
- ۵ و پدر ما خلاصی بخند\* که او را نا ابد الاباد جلال باد امين\* **نحب میکم**
- که بدین زودی ازان کس که شمارا بفیض مسج خواند است بر میکردید بسوی
- ۷ انجلی دیگر\* که (انجلیل) دیگر نیست لکن بعضی هستند که شمارا مضطرب
- ۸ میسانند و میغواهند انجلیل مسیحرا تبدیل نمایند\* بلکه هر کاه ما هم با فرشته از آسمان
- ۹ انجلیلی غیر از آنکه ما آبان بشارت دادم بشما رساند آنها باد\* چنانکه پیش کتفم
- ۱۰ آلان هم باز میکوم اکر کسی انجلیل غیر از آنکه پذیرفتد یاورد آنها باد\* آیا
- الحال مردمرا در رای خود میاورم یا خدارا یا رضامندی مردمرا میطللم اکر نا
- ۱۱ مجال رضامندی مردمرا میخواستم غلام مسج نمیبودم\* اما ای برادران شمارا اعلام
- ۱۲ میکم از انجلیلیکه من چنان بشارت دادم که جهريق انسان نیست\* زیرا که من آنرا
- ۱۳ از انسان نیافم و نیاموختم مکر بکشف عیسی مسج\* زیرا سرکشست سابق مرا در
- دین بود شنیداید که بر کلیساي خدا پنهانیت جنا مینمود و آنرا ویران میساخت\*.
- ۱۴ و در دین بیهود از آکثر هم‌الان قوم خود سبقت میجست و در تقایلید اجداد خود
- ۱۵ به غایت غور میبودم\* اما چون خدا که مرای از شکم مادرم برگرد و بفیض خود
- ۱۶ مرا خواند رضا بدین داد\* که پسر خود را در من آشکار سازد تا در میان امها
- ۱۷ بدو بشارت دم در آنوقت با جسم و خون مشورت نکردم\* و به اورشلم هم نزد

۱۳ خواهم نوشت \* آنکه کوش دارد بشنود که روح بکلیساها چه میکوید \* و بغشته  
 کلبسای در لاؤد که بنویس که اینرا میکوبد آمین و شاهد امین و صدیق که ابتدای  
 ۱۵ خلفت خداست \* اعمال نزامیدانم که نه سرد و نه کرم هستن \* کاشکه سرد بودی یا  
 ۱۶ کرم \* لهذا چون فائز هستی یعنی نه کرم و نه سرد نزا ازدهان خود قی خواهم  
 ۱۷ کسرد \* زیرا میکوئی دولتمند هستم و دولت اندوخنهم و بیهیج چیز محتاج نیستم  
 ۱۸ و نیمداد بکه تو مستعدند و مسکین هستی و فقیر و کور و عربان \* نزا نصیحت میکنم که  
 زر مصدقی باشرا از من بخزی نا دولتمند شوی و رخت سفیدرا نا بوشانید شوی  
 ۱۹ و ننک عربانی تو ظاهر نشد و سرمه را نا بچشمها خود کشیده ییانی بایی \* هر کرا  
 ۲۰ من دوست میدارم توبیخ و تأدیب مینام پس غیور شو و توبه نما \* ابنک بردر  
 ایستاده میکویم \* آکر کسی او از مرا بشنود و در را باز کند بنزد او در خواهم آمد و با  
 ۲۱ وی شام خواهم خورد واو نبز با من \* آنکه غالباً آید اینرا بوي خواهم داد که  
 برخخت من با من بشنیدن چنانکه من غلبه یافم و با پدر خود برخخت او نشم \*  
 ۲۲ هر که کوش دارد بشنود که روح بکلیساها چه میکوید \*

#### باب چهارم

۱ بعد از این دیدم که ناکاه دروازه درآسمان باز شده است و آن آواز اولرا که شنید  
 بودم که چون کرنا با من سخن میگفت دیگر باره میکوید باینجا صعود نما نا امور برای  
 ۲ که بعد از این باید واقع شود بتو بیانم \* فی الفور در روح شدم و دیدم که خنی  
 ۳ در آسمان قائم است و بر آن نخست نشستم \* و آن نشستن در صورت مانند سنک  
 پشم و عفیق است و فوس فرسی در کرد نخست که بمنظیر شباht بزرگ دارد \*  
 ۴ و کردا کرد نخست بیست و چهار نخست است و بر آن نخنها بیست و چهار پر که جامه  
 ۵ سفید در بر دارند نشسته دیدم و بر سر ایشان ناجهای زرین \* و از نخست بر قها  
 و صد اها و رعد اها بر میآید و هفت چراغ آتشین پیش نخست افروخته که هفت روح  
 ۶ خدا میباشد \* و در پیش نخست در بیانی از شیشه مانند بلور و در میان نخست و کردا کرد  
 ۷ نخست چهار حیوان که از پیش و پس بچشمها بر هستند \* و حیوان اول مانند شیر  
 بود و حیوان دوم مانند کوساله و حیوان سیم صورتی مانند انسان داشت و حیوان

۲۷ نا ایشارا بعصاری آهین حکرانی کند و مثل کوزهای کوزه کر خورد خواهد شد  
 ۲۸ چنانکه من نبز از پدر خود بافتم \* و باو ستاره صبح را خواهم بخشد \* آنکه  
 ۲۹ کوش دارد بشنود که روح بکلیساها چه میکوید \*

### باب سوم

۱ و بفرشته کلیسای درسازِ دُن بنویس اینرا میکوید او که هفت روح خدا و هفت  
 ۲ ستاره را دارد \* اعمال نزا میدانم که نام داری که زنده ولی مرده هستی \* پیدار شو  
 ۳ و مابقی را که نزدیک بفناء است استوار نما زیرا که هیچ عمل نزا در حضور خدا کامل  
 ۴ نیافتم \* پس یاد آور چگونه باقیه و شنبه و حفظ کن و توبه نما زیرا هر کاه پیدار نیاشی  
 ۵ مانند دزد برتو خواهم آمد و از ساعت آمدن من برتو مطلع نخواهی شد \* لکن  
 ۶ درسازِ دُن اسهای چند داری که لباس خود را نجس نساخته اند و در لباس سفید با من  
 ۷ خواهند خرابید زیرا که مستحق هستند \* هر که غالب آید به جامه سفید ملبس خواهد شد  
 ۸ و اس اورا از دفتر حیات محو خواهم ساخت بلکه بنام وی در حضور پدرم و فرشتکان  
 ۹ او افرار خواهم نمود \* آنکه کوش دارد بشنود که روح بکلیساها چه میکوید \*  
 ۱۰ و بفرشته کلیسای در فیلاندِ لنه بنویس که اینرا میکوید آن قدوس و حق که کلید  
 ۱۱ داود را دارد که میکشاید و هیچ کس نخواهد بست و میبینند و هیچ کس نخواهد  
 ۱۲ کشود \* اعمال نزا میدانم اینک دری کشاده پیش روی تو کذار دهام که کسی آنرا  
 ۱۳ نتواند بست زیرا اندک قوی داری و کلام مرا حفظ کرده اس مرآ انکار نمودی \*  
 ۱۴ اینک میدهم آنانی را از کبسته شیطان که خود را بیهود مینامند و نیستند بلکه دروغ  
 ۱۵ میکویند \* اینک ایشان را بمحروم خواهم نمود که بیايند و پیش بايهای تو مجده کنند  
 ۱۶ و بدانند که من ترا محبت نموده ام \* چونکه کلام صبر مرا حفظ نمودی من نبز نزا  
 ۱۷ حفظ خواهم داشت از ساعت اینجان که بر قاع رمع مسكون خواهد آمد تا غایی  
 ۱۸ ساکنان زمین را بیازماید \* بزودی میام پس آنچه داری حفظ کن مبادا کسی ناج نزا  
 ۱۹ بکرد \* هر که غالب آید اورا در هیکل خدای خودستونی خواهم ساخت و دیگر  
 ۲۰ هر کزیرون نخواهد رفت و نام خدای خود را و نام شهر خدای خود یعنی اورشم  
 ۲۱ جدید را که از آسمان از جانب خدای من نازل میشود و نام جدید خود را بروی

اینک ابلیس بعضی از شارا در زندان خواهد انداخت تا تحریه کرده شود و مدت  
 ۱۱ ده روز زحمت خواهد کنید لکن تا هر کامن باش تا ناج حیانرا بتودم \* آنکه  
 کوش دارد بشنود که روح بکلیساها چه میکوید هر که غالب آید ازموت ثانی  
 ۱۲ ضرر خواهد یافت \* و بفرشة کلیسای در پر غامض بنویس \* اینرا میکوید او  
 ۱۳ که شمشیر دو دمه تیزرا دارد \* اعمال و مسکن نرا میدانم که نخت شیطان در آنها  
 است و اسما را حکم داری و ایمان را انکار ننمودی نه هم در ایامیکه آنطیپاس  
 ۱۴ شهید امین من در میان شما در جاییکه شیطان ساکن است کشته شد \* لکن مجت  
 کی برتودارم که در آنجا اشخاصیرا داری که مستعد بعلم بلعام که بالاقرا آموخت  
 که در راه بني اسرائیل سنگی مصادم بیندازد تا قربانیها بتهارا بخورند وزنا کنند \*  
 ۱۵ و همچنین کسانیرا داری که تعلم نقولا و یانرا پذیرفته اند \* پس توبه کن والا بزودی  
 ۱۶ نزد تو میام و بشمشیر زبان خود با ایشان جنگ خواهم کرد \* آنکه کوش دارد  
 بشنود که روح بکلیساها چه میکوید و آنکه غالب آید از من مخفی بوسی خواهم داد  
 و سنگی سفید با خواهم بخشید که برآن سنگ اسی جدید مرقوم است که احدي  
 ۱۷ آنرا نمیداند جز آنکه آنرا یافته باشد \* و بفرشة کلیسای در طبایثرا بنویس  
 اینرا میکوید پسر خدا که چشیان او چون شعله آتش و پایهای او چون برخ  
 ۱۹ صیقلی است \* اعمال و محبت و خدمت و ایمان و صبر نرا میدانم و اینکه اعمال آخر  
 ۲۰ تو بیشتر از اول است \* لکن بمحی برتو دارم که آنرن ایزابل نای را راه  
 میدهی که خود را نیمه میکوید و بندکان را تعلم داده اغوا میکد که مریکب زنا  
 ۲۱ و خوردن قربانیها بهبا بشوند \* و با موهلات دادم تا توبه کند اما غواهد از زنای  
 ۲۲ خود توبه کند \* اینک اورا برسنی میاندازم و آنایرا که با او زنا میکند بصیغتی  
 ۲۳ سفت مبتلا میکردم آنکه از اعمال خود توبه نکند \* واولادش را بقتل خواهم رسانید  
 آنکه همه کلیساها خواهد داشت که من امتحان کنند جکرها و قلوب و هر یکی  
 ۲۴ از شارا بحسب عمالش خواهم داد \* لکن باقی ماندکان شمارا که در طبایثرا  
 هستند و این تعلم را پذیرفته اید و اعتفای شیطانرا چنانکه میکوبند نهیمید اید بار  
 ۲۵ دیگری برشما نمیکذارم \* جز آنکه با آنچه دارید نا هنکام آمدن من تمکن جوئید \*  
 ۲۶ و هر که غالب آید و اعمال را نا اخیام نکاه دارد اورا برآمدها قدرت خواهم بخشید \*

۱۳ طلا دیدم \* و در میان هفت چراغدان شیه پسر انسان را که ردای بلند در بر  
 ۱۴ داشت و بر سینه وی کرد بندی طلا بسته بود \* و سر و موی او سفید چون پشم  
 ۱۵ مثل برف سفید بود و چشان او مثل شعله آتش \* و پایه ایش مانند برخ صیقلی  
 ۱۶ که در کوره نایین شود و آواز او مثل صدای آبهای بسیار \* و در دست راست  
 خود هفت ستاره داشت و از دهانش شبیری دو دمه تیز پرون می آمد وجهه اش  
 ۱۷ چون آفتاب بود که در قوش مبتا بد \* و چون اورا دیدم مثل مرده پیش پایه ایش  
 افadam و دست راست خود را بر من نهاده کفت ترسان می اش من هستم اول و آخر  
 ۱۸ وزن \* و مرده شدم و اینک تا ابد الاباد زن هست و کلیدهای موت و عالم اموات  
 ۱۹ نزد من است \* پس بنویس چیز های را که دیدی و چیز های که هستند و چیز های را  
 ۲۰ که بعد از این خواهند شد \* سر هفت ستاره فرا که در دست راست من دیدی  
 هفت چراغدان طلاراه اما هفت ستاره فرشتکان هفت کلیسا هستند و هفت  
 چراغدان هفت کلیسا می باشد \*

### باب دوم

- ۱ بفرشته کلیسای در افسُن بنویس که اینرا می کوید او که هفت ستاره را بدست
- ۲ راست خود دارد و در میان هفت چراغدان طلا می خرامد \* میدام اعمال نرا  
 و مشقت و صبر ترا و اینکه محمل اشاره نمیتوانی شد و آن اینرا که خود را رسول می خواند
- ۳ و بستند آزمودی و اینرا دروغ کویانی \* و صبر داری و بخاطر اس من تحمل
- ۴ کردی و خسته نکشی \* لکن بمحنی بر تو دازم که محبت نخستین خود را ترک کرده \*
- ۵ پس بخاطر آر که از کجا افتاده و توبه کن و اعمال خسترا بعمل اور والبزو دی نزد
- ۶ تو می آم و چراغدان ترا از مکانش نقل می کنم آگر توبه نکنی \* لکن اینرا داری که
- ۷ اعمال نقولا و اینرا دشمن داری چنانکه من نیز از آنها نفرت دارم \* آنکه کوش  
 دارد بشنود که روح بکلیساها چه می کویده هر که غالباً آید باو اینرا خواه مخنید
- ۸ که از درخت حیاتیکه در وسط فردوس خداست بخورد \* و بفرشته کلیسای  
 در انسِرنا بنویس که اینرا می کوید آن اول و آخر که مرده شد وزن کشت \*
- ۹ اعمال و تنکی و مغلقی ترا میدام لکن دولتمند هستی و کفر آن اینرا که خود را بیهود
- ۱0 می کویند و بستند بلکه از کیسه شیطانند \* ازان زحماتیکه خواهی کشید مترس

## مکافنه یوحنا رسول

### باب اول

۱ مکافنه عیسی مسیح که خدا با و داد تا امور را که میباید زود واقع شود بر غلامان  
۲ خود ظاهر سازد و بوسیله فرشته خود فرستاده آنرا ظاهر نمود بر غلام خود بوختا  
۳ که کواهی داد بکلام خدا و شهادت عیسی مسیح در امور یکه دین بود \* خوش احوال  
۴ کسیکه میخواند و آنایکه میشنوند کلام این نبوت را و آنچه در این مکتوب است  
۵ نکاه میدارند چونکه وقت نزدیک است \* بوختا بهفت کلیسا یکه در آسیا  
۶ هستند فیض وسلامتی برشما باد ازاو که هست و بود و میباید واز هفت روح که  
۷ پیش نخت وی هستند \* واز عیسی مسیح که شاهد امین و خنستزاده از مردگان  
۸ ورئیس پادشاهان جهان است \* مرا اورا که مارا محبت میخاند و مارا از کاهان ما  
۹ بخون خود شست \* و مارا نزد خدا و پدر خود پادشاهان و کهنه ساخته \* اورا  
۱۰ جلال و توانی باد تا ابد آباد آمین \* اینک با ابرها میباید و هر چشمی اورا  
۱۱ خواهد دید و آنایکه اورا نیز زدند و نمای انتهای جهان برای وی خواهد نالید  
۱۲ بی آمین \* من هست الف و یاه اول و آخر میکوید آن خداوند خدا که هست  
۱۳ و بود و میباید قادر علی الاطلاق \* من بوختا که برادر شما و شریک در مصیبت  
۱۴ و ملکوت و صبر در عیسی مسیح هست مجده کلام خدا و شهادت عیسی مسیح در جزیره  
۱۵ مسی بپطُسْ شدم \* و در روز خداوند در روح شدم و از عقب خود او ازی بلند  
۱۶ چون صدای صور شنیدم \* که میکفت من الف و یا و اول و آخر هستم \* آنچه  
۱۷ میبینی در کتابی بنویس و آنرا بهفت کلیسا یکه در آسیا هستند یعنی به آفسن و اسپیریتا  
۱۸ و پر غامُن و طبایرا و سارِس و فلادا فلیه و لاوَدِکه بفرست \* پس رو بر کردانیدم  
۱۹ تا آن آواز را که با من نکلم مینمود بنکرم و چون رو کردانیدم هفت چراغدان

خوبشتر ایسخوف میرورند وابرهای بیکار از بادها راند شد و درختان صینی بسموه  
 ۱۲ دوباره مرده واژریشه کنند شد \* و امواج جوشیدن دریا که رسوانی خودرا مثل  
 کف بر میاورند و سنا کان آواره هستند که برای ایشان ناریکن ظلمت جاودانی مفتر  
 ۱۴ است \* لکن خنوج که هفت از آدم بود در باره هم اشخاص خبر داده کفت اینک  
 ۱۵ خداوند با هزاران هزار از منتبین خود آمد \* تا بر فه داوری نماید و جمیع ییدینازرا  
 ملزم سازد بر همه کارهای ییدینی که ایشان کردند و بر نامی سخنان رشت که کاهکاران  
 ۱۶ ییدین بخلاف او کفتند \* اینانند همه کنان و کلمندان که بر حسب شهوات خود  
 سلوک مینابند و بزمیان خود سخنان نگیر آمیز میکویند و صورتهای مردم را مججه سود  
 ۱۷ میسنندند \* اما شما ای حبیبان بخاطر آورید آن سخنانیکه رسولان خداوند ما عیسی  
 ۱۸ مسجی پیش کفته اند \* چون بشما خبر دادند که در زمان آخر مستهرین خواهند  
 ۱۹ آمد که بر حسب شهوات ییدینی خود رفشار خواهند کرد \* اینانند که نفره ها پیدا  
 ۲۰ میکنند و نفسانی هستند که رو حراندارند \* اما شما ای حبیبان خودرا به ایمان اقدس  
 ۲۱ خود بنآ کرده و در روح القدس عبادت نموده \* خوبشترنا در محبت خدا محفوظ  
 دارید و متظر رحمت خداوند ما عیسی مسجی برای حیات جاودانی بوده باشد \*  
 ۲۲ و بعضی را که مجادله میکنند ملزم سازد \* و بعضی از آن شیوه بیرون کشید بر هایند  
 ۲۳ و بر بعضی ما خوف رحمت کرد واژ لباس جم آسود نفرت نماید \* آن اورا که  
 قادر است که شما را از لغزش محفوظ دارد و در حضور جلال خود شمارا بیعمیب  
 ۲۴ بفرجی عظیم قلم فرماید \* یعنی خدای واحد و نجات دهنده مارا جلال عظمت  
 ۲۵ و نوانانی وقدرت باد آن و تا ابد الاباد آمین \*

---

## رساله یهودا

- ۱ بهودا غلام عیسی مسیح و برادر یعقوب بخواند شد کانکه در خدای پدر حبیب
- ۲ و برای عیسی مسیح محفوظ مبایشد \* رحمت وسلامتی و محبت بر شما افزون باد \*
- ۳ ای حبیبان چون شوق غام داشتم که درباره نجات عام شما بنویسم ناچار شدم که آن شما بنویسم و نصیحت دم ناشایع ماجاهد کنید برای آن ایمانیکه یکبار بقدیم
- ۴ سپرده شد \* زیرا که بعضی اشخاص در خفا درآمدند که از قدمی برای ابن فصاص مفرر شد بودند مردمان پیدین که فیض خدای ما را بفجور تبدیل نموده و عیسی
- ۵ مسیح آفای واحد و خداوند مارا انکار کرده اند \* پس میغواهم شمارا باد دم هر چند همه چیزرا دفعه میدانید که بعد از آنکه خداوند فومرا از زمین مصر رهائی بخشدند
- ۶ بود بار دیگر بی ایمان را هلاک فرمود \* و فرشتنگنرا که ریاست خودرا حفظ نکردند بلکه مسک حقیق خودرا نزک نمودند در زخیرهای ابدی در نهضت ظلمت
- ۷ مجده فصاص بوم عظیم نکاه داشته است \* و همچین سده و غموده و سایر بلدان نواحی آنها مثل ایشان چونکه زناکار شدند و در بی شر دیگر افادند در عقوبات
- ۸ آتش ابدی کرفتار شد مجده عبرت مفرر شدند \* لیکن با وجود این هه ابن خواب پسند کان پر جسد خود را بخس میسازند و خداوند برای خوار میشانند و بر بزرگان
- ۹ نهشت میزند \* اما میکنیل رئیس ملائکه چون درباره جسد موسی با ابلیس منازعه میکرد جرأت نمود که حکم افراه بر او بزند بلکه کفت خداوند ترا تو پیغ فرماید \*
- ۱۰ لکن این اشخاص برآنچه نمیدانند افتراق میزند و در آنچه مثل حیوان غیرنااطق بالطبع
- ۱۱ فهمیده اند خود را فاسد میسازند \* و ای برایشان زیرا که براه فاثن رفته اند و در کراحتی بلعام مجده اجرت غرق شده اند و در مشاجرت فوراً هلاک گشته اند \*
- ۱۲ اینها در ضیافت های عبناه شما صخره ها مستند چون با شما شادی میکنند و شبانایکه

## رساله سه يوحنای رسول

۱ من که پرم به غایس حیب که اورا در راستی محبت مینام \* ای حیب دعا میکنم  
۲ که در هروجه کامیاب و تقدیرست بوده باشی چنانکه جان تو کامیاب است \* زیرا آنکه  
۳ بسیار شاد شدم چون برادران آمدند و بر راستی تو شهادت دادند چنانکه نو  
۴ در راستی سلوك مینمای \* مرا پیش از این شادی نیست که بشنو که فرزندام  
۵ در راستی سلوك مینایند \* ای حیب آنچه میکنی برادران و خصوصاً بزرگان  
۶ به امانت میکنی \* که در حضور کلیسا بر محبت تو شهادت دادند و هر کاه ایشان را  
۷ بطور شایسته خدا بدרכه کنی کوئی مینمای زیرا که بجهة ام او پرون رفند و از  
۸ انتها چیزی نمیگیرند \* پس برما واجب است که چنین اخلاقاً پذیرم ناشریک  
۹ راستی بشویم \* بکلیسا چیزی نوشتم لکن دیوپتریس که سرداری برایشان را دوست  
۱۰ میدارد مارا قبول نمیکند \* لهذا اگر آیم کارهای را که او میکند پیاد خواهم آورد  
۱۱ زیرا بمحنان ناشایسته برما یاده کوئی میکند و به این فاع نشانه برادران را خود نمیذیرد  
۱۲ و کسانی را نیز که مجنواهند مانع ایشان میشود و از کلیسا پرون میکند \* ای حیب  
۱۳ بیدی اقدامات منا بلکه بنیکوئی زیرا نیکوکردار از خدمات و بدکردار خدا را ندین  
۱۴ است \* همه مردم و خود راستی نیز بر دیپتریس شهادت میدهند و ما هم شهادت  
۱۵ میدهم و آکامهد که شهادت ما راست است \* مرا چیزهای بسیار بود که بتو  
۱۶ بنویسم لکن نیخواهم بمرگ و فلم بنو بنویسم \* لکن امبدوارم که بزودی ترا خواهم  
۱۷ دید و زیانی کتفکو کنیم \* سلام بر تو باده دوستان بنو سلام میرسانده سلام  
۱۸ مرا بدوستان نام بنام برسان \*

## رساله دوم یوحناي رسول

- ۱ من که پرم بخانون برگرین و فرزندانش که ايشانرا در راستی محبت مهایم و نه من
- ۲ فقط بلکه همه کسانیکه راستیا میدانند \* بمحاطه آنراستی که در ما ساکن است و با ما
- ۳ تا بآبد خواهد بود \* فيض و رحمت وسلامتی از جانب خدای پدر و عیسی مسج
- ۴ خداویند و پسر پدر در راستی محبت با ما خواهد بود \* بسیار مسرو شدم چونکه
- ۵ بعضی از فرزندان ترا باقتم که در راستی رفتار میکنند چنانکه از پدر حکم یافته‌م \*
- ۶ و لآن بخاتون از تو القاس دارم نه آنکه حکی نازه بتو بوسیم بلکه همانرا که از ابتداء
- ۷ داشتم که یکدیگر را محبت بهائیم \* وابست محبت که موافق احکام او سلوك
- ۸ بنهایم و حکم هاست که ازاول شنیدید نا در آن سلوك غایم \* زیرا کمراه کنند کان
- ۹ بسیار به دنیا بیرون شدند که عیسی مسج ظاهر شده در جسم را اقرار نمیکنند \* آنست
- ۱۰ کمراه کنند و دجال \* خود را نکاه بدارید مبادا آنچه را که عمل کردیم بر باد دهید
- ۱۱ بلکه نا اجرت کامل یا پید \* هر که پیشوای میکنند و در تعلم مسج ثابت نیست
- ۱۲ خدارا یافته استه اما آنکه در تعلم مسج ثابت ماند او هم پدر و پسر را دارد \* اگر
- ۱۳ کسی بنزد شما آید و این تعلیم را نیاورَد اورا بخانه خرد مپذیرید و اورا نخست
- ۱۴ مکونید \* زیرا هر که اورا نخست کوید در کارهای قیحش شر بیک کردد \* چیزهای
- ۱۵ بسیار دارم که بشما بتویم لکن نخواستم که بکاغذ و مرگب بتویم بلکه امیدوارم که
- ۱۶ بنزد شما پایم و زیانی کننکو نمایم ناخوشی ما کامل شود \* فرزندان خواهر
- ۱۷ برگرین نوبتو سلام میرساند \* آمين \*

- ۵ مالست \* کیست آنکه بردنیا غلبه یابد جز آنکه ایمان دارد که عیسی پسر  
 ۶ خداست \* هین است او که باپ و خون آمد یعنی عیسی مسیح نه باپ فقط بلکه  
 ۷ باپ و خون \* و روح است آنکه شهادت میدهد زیرا که روح حق است \* زیرا  
 ۸ سه مستند که شهادت میدهدند \* یعنی روح و آب و خون و این سه یک هستند \*  
 ۹ اکر شهادت انسان را قبول کیم شهادت خدا بزرگتر است زیرا این است شهادت  
 ۱۰ خدا که درباره پسر خود شهادت داده است \* آنکه پسر خدا ایمان آورد  
 در خود شهادت دارد و آنکه بخدا ایمان نیاورد اورا دروغگو شرده است زیرا  
 ۱۱ بشهادتیکه خدا درباره پسر خود داده است ایمان نیاورده است \* و آن شهادت  
 این است که خدا حیات جاودانی با داده است و این حیات در پیر اوست \*  
 ۱۲ آنکه پسرا دارد حیات را دارد و آنکه پسر خدا را ندارد حیان را نیافه است \*  
 ۱۳ اینرا نوشت بشما که باس پسر خدا ایمان آورده اید نا بدانید که حیات جاودانی دارید و نا  
 ۱۴ باس پسر خدا ایمان پیاورید \* و اینست آن دلیری که نزد وی دارم که هرچه برسحب  
 ۱۵ اراده او سؤال غایبیم مارا بیشنود \* و اکر دانیم که هرچه سؤال کنم مارا بیشنود  
 ۱۶ پس میدانیم که آنچه ازاو درخواست کیم میباشم \* اکر کسی برادر خود را بیند که  
 کاهرا که متنه بوت نباشد میکند دعا بکند و اورا حیات خواهد بخشید بهر که  
 کاهی متنه بوت نکرده بشده کاهی متنه بوت هست \* بجهة آن نمیکویم که دعا  
 ۱۷ باید کرد \* هر ناراستی گناه است ولی کاهی هست که متنه بوت نبست \*  
 ۱۸ و میدانیم که هر که از خدا مولود شده است کاه نمیکند بلکه کسیک که از خدا تولد یافتد  
 ۱۹ خود را نکاه میدارد و انش بر اورا لمس نمیکند \* و میدانیم که از خدا هستیم و قام دنیا  
 ۲۰ در شر برخواهید است \* اما آنکه هستیم که پسر خدا آمن است و با بصیرت داده  
 است نا حق را بشناسیم و در حق یعنی در پیر او عیسی مسیح هستیم \* اوست خدای  
 ۲۱ حق و حیات جاودانی \* ای فرزندان خود را از بعها نکاه دارید آمن \*

- ۱ و هر که محبت مینماید از خدا مولد شده است و خدارا میشناسد \* و کسیکه محبت  
 ۹ نمینماید خدارا نمیشناسد زیرا خدا محبت است \* و محبت خدا با ظاهر شد است  
 ۱۰ با اینکه خدا پسر بکانه خود را سیهان فرستاده است تا بوی زیست نمایم \* و محبت  
 در هین است نه آنکه مادر خدا محبت نمود بلکه اینکه او مارا محبت نمود و پسر  
 ۱۱ خود را فرستاد تا کفاره کاهان ما شود \* ای حیبان آفرخدا با ما چنین محبت  
 ۱۲ نمود ما نیز مینماید یکدیگر را محبت نمایم \* کسی هر کز خدارا ندیده اکر یکدیگر را  
 ۱۳ محبت نمایم خدا در ماسکن است و محبت او در ما کامل شد است \* ازابن میدانم  
 ۱۴ که دروی ساکن و او درما زیرآکه از روح خود با داده است \* و ما دیدیم  
 ۱۵ و شهادت میدهم که پدر پسر را فرستاد تا نجات دهنده جهان بشود \* هر که افراز  
 ۱۶ میکند که عیسی پسر خداست خدا دروی ساکن است و او در خدا \* و ما دانسته  
 و باور کردیم آن محبتیرا که خدا با ما نموده است خدا محبت است و هر که در محبت  
 ۱۷ ساکن است در خدا ساکنست و خدا دروی \* محبت در هین با ما کامل شد است  
 تا در روز جزا مارا دلاوری باشد زیرا چنانکه او هست ما نیز در این جهان همچین  
 ۱۸ هستیم \* در محبت خوف نیست بلکه محبت کامل خوف را پرون میاندازد زیرا  
 ۱۹ خوف عذاب دارد و کسیکه خوف دارد در محبت کامل نشست است \* ما او را  
 ۲۰ محبت مینمایم زیرا که او اول مارا محبت نمود \* اکر کسی کوید که خدارا محبت  
 مینمایم و از برادر خود نفرت کد دروغ کو است زیرا کسیکه برادر را که دیده  
 ۲۱ است محبت نماید چونکه مکن است خدا نیز است محبت نماید \* وابن  
 حکمرا ازوی یافته ایم که هر که خدارا محبت مینماید برادر خود را نیز محبت بنماید \*

### باب پنجم

- ۱ هر که ایمان دارد که عیسی مسیح است از خدا مولد شده است و هر که والدرا  
 ۲ محبت مینماید مولود اورانیز محبت مینماید \* ازابن میدانم که فرزندان خدارا  
 ۳ محبت مینمایم چون خدارا محبت مینمایم و احکام او را بجا میاوریم \* زیرا هین  
 ۴ است محبت خدا که احکام او را نگاه داریم و احکام او کل نیست \* زیرا آنچه  
 از خدا مولد شد است بر دنیا غلبه مینماید و غلبه که دنیارا مغلوب ساخته است لیکن

۱۳ که اعمال خودش فیج بود و اعمال برادرش نیکو\* ای برادران من نتیجه مکید  
 ۱۴ اکر دنیا از شما نفرت کرد\* ما میدانم که از موت کذشته داخل حیات کشته ام  
 از اینکه برادر اتر را محبت مینامیم هر که برادر خود را محبت نمینماید در موت ساکن است\*

۱۵ هر که از برادر خود نفرت نماید قائل است و میدانید که هیچ قائل حیات جاودانی  
 ۱۶ در خود ثابت ندارد\* از این امر محبترا دانسته ام که او جان خود را در راه ما نهاد  
 ۱۷ و ما باید جان خود را در راه برادران بنهم\* لکن کسی که محبت دنبیوی دارد  
 و برادر خود را محناج بیند و رحمت خود را ازاو باز دارد چکووه محبت خدا در او  
 ۱۸ ساکن است\* ای فرزندان محبترا بجا آرم نه در کلام وزبان بلکه در عمل و رسانی\*

۱۹ وا زابن خواهیم دانست که از حق هستم و دلهای خود را در حضور او نظمیش خواهیم  
 ۲۰ ساخت\* بعنى در هر چه دل ما مارا مذمت میکند زیرا خدا از دل ما بزرگتر است  
 ۲۱ و هر چیزرا میداند\* ای حبیبان هر کاه دل ما مارا مذمت نکند در حضور خدا  
 ۲۲ اعتماد داریم\* و هر چه سؤال کنم ازاو مهایم از آنچه که احکام اورانکاه میداریم  
 و بیان پسندید\* اوست عمل مینمایم وا بن است حکم او که باسم پسر او عیسی مسیح  
 ۲۳ ایمان آوریم و بکد بکر را محبت نمائیم چنانکه با امر فرمود\* و هر که احکام اورانکاه  
 دارد در او ساکن است وا دروی وا زابن میشناسیم که در ما ساکن است بعنى  
 ازان روح که با داده است\*

#### باب چهارم

۱ ای حبیبان هر روح را فبول مکید بلکه روحها را بازماید که از خدا هستند یانه  
 ۲ زیرا که انبیای کذبه بسیار بجهان بیرون رفته اند\* باین روح خدارا میشناسیم هم  
 ۳ رو جیک عیسی مسیح عیسی شد افوار نماید از خداست\* و هر روح بجهه عیسی مسیح  
 عیسی شد را انکار کند از خدا نبست و اینست روح دجال که شنید اید که او میابد  
 ۴ و آلان هم در جهان است\* ای فرزندان شما از خدا هستند و هر ایشان غلبه باقی اید  
 ۵ زیرا او که در شما است بزرگتر است ازانکه در جهان است\* ایشان از دنیا هستند  
 ۶ ازانچه سخنان دنبیوی مبکوند و دنیا ایشان را میشنند\* ما از خدا هستیم و هر که خدارا  
 میشنند مارا میشنند و آنکه از خدا نیست مارا نمیشنوده روح حق و روح ضلال را  
 ۷ از این غبیز میدهیم\* ای حبیبان بکد بکر را محبت بنمایم زیرا که محبت از خداست

آنچه از ابتداء شنیدید در شما ثابت بماند زیرا اگر آنچه از اول شنیدید در شما ثابت  
 ۲۵ بماند شما نیز در سر و در پدر ثابت خواهد ماند \* وابنست آنونه که او بآ داده  
 ۲۶ است بعضی حیات جاودانی \* وابنرا بشناو شتم درباره آنایکه شمارا کمراه میکند \*  
 ۲۷ و آنای در شما آن معن که ازاو با فته اید ثابت است و حاجت ندارید که کسی شمارا  
 نعلم دهد بلکه چنانکه خود آن معن شمارا از همه چیز نعلم میدهد و حق است و دروغ  
 ۲۸ نیست پس بطوریکه شمارا نعلم داد در او ثابت میانید \* آن ای فرزندان دراو  
 ثابت بمانید ناچون ظاهر شود اعتماد داشته باشم و در هنگام ظهورش ازوی خجل  
 ۲۹ شوم \* آگر فهمیده اید که او عادل است پس میدانید که هر که عدالت را بجا آورده  
 لازمی تولد یافته است \*

## باب سوم

- ۱ ملاحظه کید چه نوع محبت پدر بآ داده است نا فرزندان خدا خواند شوم
- ۲ و چنین هستیم وا زنججه دنیا مارا نمیشناسد زیرا که اورا نشناخت \* ای حبیبان آلان  
 فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشک است آنچه خواهم بود لکن میدانیم که چون
- ۳ او ظاهر شود مانند او خواهم بود زیرا اورا چنانکه هست خواهم دید \* و هر کس
- ۴ که این امیدرا بروی دارد خودرا پاک میسازد چنانکه او پاکست \* و هر که  
 کاهرا بعمل میآورد برخلاف شربعت عمل میکند زیرا کاهه مخالفت شربعت است \*
- ۵ و میدانید که او ظاهر شد نا کاهانرا بردارد و دروی همچ کاه نیست \* هر که دروی
- ۶ ثابت است کاه نمیکند و هر که کاه میکند اورا ندید است و نمیشناسد \* ای فرزندان  
 کسی شمارا کمراه نکند کسیکه عدالت را بجا میآورد عادل است چنانکه او عادل است \*
- ۷ و کسیکه کاه میکند از ایلیس است زیرا که ایلیس از ابتداء کاهکار بوده است
- ۸ وا زنججه پسر خدا ظاهر شد ناعمال ایلیسرا باطل سازد \* هر که از خدا مولود  
 شد است کاه نمیکند زیرا تم اوردوی میماند و او نمیتواند کاه کار بوده باشد زیرا که  
 از خدا تولد یافته است \* فرزندان خدا و فرزندان ایلیس از این ظاهر میکردند
- ۹ هر که عدالت را بجا نمیآورد از خدا نیست و همچین هر که برادر خود را محبت نماید \*
- ۱۰ زیرا همین است آن پیغامیکه از اول شنیدید که یکدیگر را محبت نمایم \* نه مثل  
 قائل که ازان شر بر بود و برادر خود را کشت و از چه سبب اورا کشته از این سبب

- ۵ است و دروی راستی نیست \* لَكَ كَسِيكَهْ كَلام اوْرَا نَكَاهْ دَارَدْ فِي الْوَاقِعِ مُحْبَتْ
- ۶ خدا دروی کامل شد است وا زاین میدانم که دروی هستم \* هر که کوید که دروی
- ۷ میمان چین طربنیکه اول سلوك مینبود او نیز باید سلوك کرد \* آنچه حیبان حکی نازه  
بشا مینویسم بلکه حکی کنه که آنرا ازابتداء داشتید و حکم کنه آنکلام است که
- ۸ ازابتداء شنیدید \* و نیز حکی نازه بشما مینویسم که آن دروی و در شما حق است
- ۹ زیرا که ناریکی درکندر است و نور حقیقی آلان میدرخشد \* کسیکه میکوید که درنور
- ۱۰ است وا زیرادر خود نفرت دارد تا حال در تاریکی است \* و کسیکه برادر خود را
- ۱۱ محبت نماید درنور ساکن است ولغش دروی نیست \* اما کسیکه از برادر خود
- نفرت دارد در تاریکی است و در تاریکی راه میرود و غیداند کجا میرود زیرا که تاریکی
- ۱۲ چنها نشرا کور کرده است \* ای فرزندان بشما مینویسم زیرا که کاهان شما بخطار اسم
- ۱۳ او آمرزیک شد است \* ای پدران بشما مینویسم زیرا اورا که ازابتداء است میشناسیده  
ای جوانان بشما مینویسم از آنجا که بر شیر غالب شد ابدیه ای بجهه ها بشما نوشتم
- ۱۴ زیرا که پدر را میشناسیده \* ای پدران بشما نوشتم زیرا اورا که ازابتداء است  
میشناسیده ای جوانان بشما نوشتم از آنجه که توانا هسند و کلام خدا در شما ساکن
- ۱۵ است و بر شیر غله یافته اید \* دنیارا و آنچه در دنیاست دوست مدارید زیرا اکر
- ۱۶ کسی دنیارا دوست دارد محبت پدر دروی نیست \* زیرا که آنچه در دنیاست از  
شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زنگ کانی از پدر نیست بلکه از جهان است \*
- ۱۷ و دنیا و شهوات آن در کندر است لکن کسیکه به اراده خدا عمل میکند تا ناید باقی
- ۱۸ میماند \* ای بجهه ها این ساعت آخر است و چنانکه شنیداید که دجال  
میاید الحال هم دجالان بسیار ظاهر شدند و از این میدانم که ساعت آخر است \*
- ۱۹ از ما بپرون شدند لکن از ما نبودند زیرا اکر از ما میبودند با ما میهانند لکن بپرون
- ۲۰ رفند تا ظاهر شود که همه ایشان از ما نیستند \* و ای شما ازان قدوس محرا یافه اید
- ۲۱ و هر چیز را میدانید \* نوشتم بشما از آنجه که راستی را نمیدانید بلکه ازابن و که آنرا
- ۲۲ میدانید و اینکه هیچ دروغ از راستی نیست \* دروغ کوکست جزانکه میچ بودن
- ۲۳ عیسی را انکار کده آن دجال است که پدر و پسر را انکار مینماید \* کسیکه پسر را
- ۲۴ انکار کند پدر را هم ندارد و کسیکه اعتراف بپسر نماید پدر را نیز دارد \* و ای شما

## رساله اول یوحناي رسول

### باب اول

- ۱ آنچه از ابتداء بود و آنچه شنیده‌ام و بچشم خود دیده و آنچه برآن نکرستم و دستهای
- ۲ مالمس کرد درباره کلنه حیات \* و جهات ظاهر شد و آنرا دیده‌ام و شهادت میدهم
- ۳ و بشما خبر میدهم از حیات جاودانی که نزد پدر بود و برما ظاهر شد \* ازانچه
- ۴ دید و شنیده‌ام شمارا اعلام مینهایم ناشا هم با ما شرآکت داشته باشد و اما شرآکت
- ۵ ما با پدر و با پسرش عیسی مسجع است \* و اینرا بشما مینویسم نا خوشی ما کامل
- ۶ کردد \* و این است پیغامیکه ازاو شنیده‌ام و بشما اعلام مینهایم که خدا نور است
- ۷ در ظلمت سلوک مینهایم دروغ میکوئم و براسنی عمل نیکیم \* لکن اگر در نور
- ۸ سلوک مینهایم چنانکه او در نور است با یکدیگر شرآکت دارم و خون پسر او عیسی
- ۹ مسجع مارا از هر کاه پاک میسازد \* اگر کوئیم که تکاه ندارم خود را کهرا میکنم و راستی
- ۱۰ در ما نیست \* اگر بکاهان خود اعتراف کنم او امین و عادل است نا کاهان
- ۱۱ مارا پیامزد و مارا از هر ناراستی پاک سازد \* اگر کوئیم که کاه نکرده‌ام اورا
- ۱۲ دروغ کو میشارم و کلام او در ما نیست \*

### باب دوم

- ۱ ای فرزندانِ من اینرا بشما مینویسم نا کاه نکنید و اگر کسی کاهی کند شفیعی
- ۲ دارم نزد پدر یعنی عیسی مسجع عادل \* و او است کفاره بجهة کاهان ما و نه کاهان
- ۳ ما فقط بلکه بجهة تمام جهان نیز \* و از این میدانیم که اورا میشناسم اگر احکام
- ۴ اورا نکاه دارم \* کیکه کوبد اورا میشناسم و احکام اورا نکاه ندارد دروغ کو

خود این چیزها را بیان میناید که در آنها بعضی چیزها است که فهمیدن آنها مشکل است و مردمان بعلم و نایابدار آنها را مثل سایر کتب غریف می‌کنند تا بهلاکت خود برستند \* پس شما ای حیبان چون این امور را از پیش میدانید با حذر باشید که ممادا بکمراهن بیدینان ریوده شده از پایداری خود ینگید \* بلکه در فیض و معرفت خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسح نرقی کید که اورا از کونون نا ابد الایاد جلال باد آمین \*

---

## باب سوم

- ۱ ابن رساله دوم را ای حبیان آن بشما مینویسم که باین هر دو دل باک شارا
- ۲ بطریق بادکاری برمیانگیریم\* نا بخاطر آرید کلماتیکه انبیای مقدسَ پیش
- ۳ کته اند و حکم خداوند و نجات دهندر را که برسولان شما داده شد\* و نخست
- ابنرا میدانید که در ایام آخر مُسْتَهْزِئِین با استهزای ظاهر خواهد شد که برونق
- شوهات خود رفتار نموده\* خواهد کفت کجاست و عده آمدت او زبرا
- از زمانیکه پدران بخواب رفند هر چیز بهمین طوریکه از ابتدای آفرینش بود
- باقی است\* زیرا که ایشان عدّا از این غافل هستند که بکلام خدا آسمانها
- از قدم بود و زمین از آب و بلب فائم کردید\* و باین هر دو عالمیکه آنوقت بود
- در آب غرق شد هلاک کشت\* لکن آسمان و زمین آن بهمان کلام برای
- آتش ذبح شد و تا روز داوری وهلاکت مردم بیدین نکاه داشته شدند\*
- لکن ای حبیان این بلکه چیز از شما مخفی نماند که بکروز نزد خدا چون هزار
- سال است و هزار سال چون بکروز\* خداوند دروغه خود ناخبر نمیباشد
- چنانکه بعضی ناخبر مینپندارند بلکه بر شما نحمل مینباشد چون نمیخواهد که کسی
- هلاک کردد بلکه هم بتوهی کرایاند\* امکن روز خداوند چون دزد خواهد
- آمد که در آن آسمانها بصدای عظیم زائل خواهد شد و عناصر سوخته شده
- ازم خواهد پاشید و زمین و کارهایکه در آنست سوخته خواهد شد\* پس
- چون جمیع اینها متفرق خواهد کرد بد شما چه طور مردمان باید پاشید در هر
- سیزت مقدس و دبداری\* و آمدن روز خدارا انتظار بکشید و آنرا بشتابانید
- که در آن آسمانها سوخته شد از هم متفرق خواهد شد و عناصر از حرارت
- کداخه خواهد کردید\* ولی بحسب وعده او منتظر آسمانهای جدید و زمین
- جدید هستم که در آنها عدالت ساکن خواهد بود\* لهذا ای حبیان چون
- انتظار این چیزهارا بیکشید جد و جهد نمایند تا نزد او بیداع و بیعیب درسلامن
- یافت شوبد\* و نحمل خداوند مارا نجات بدانید چنانکه برادر حیب ما پولس
- نیز بر حسب حکمتیکه بوی داده شد بشما نوشت\* و همچین در سایر رساله های

- ۹ خود را بکارهای فیجع ایشان هر روزه رنجید میداشت \* پس خداوند میداند که عادلانرا از نجریه رهای دهد و ظالمانرا نا بروز جزا در عذاب نکاه دارد \*
- ۱۰ خصوصاً آنانکه در شهوت نجاست در بی جسم میروند و خداوند برا حضر میداند \*
- ۱۱ اینها جسور و تکبرند و از تهمت زدن بر بزرگان نمیلزند \* و حال آنکه فرشتگانکه در قدرت و قوت افضل هستند پیش خداوند برابشان حکم افtra  
۱۲ نمیزند \* لکن اینها چون حیوانات غیر ناطق که برای صد و هلاکت طبعاً متولد شده اند ملامت میکنند برآنچه نمیدانند و در فساد خود هلاک خواهند شد \*
- ۱۳ و مزد ناراستی خود را خواهند یافت که عیش و عشرت بل روزه را سرور خود میدانند لکهای و عیبهای هستند که در ضیافت‌های محبتانه خود عیش و عشرت  
۱۴ مینمایند وقتیکه با شما شادی میکنند \* چشمهای بر از زنا دارند که از کاه باز داشته نمیشود و کسان نا بایدار را بدام میکشند \* اینای لعنت که قلب خود را  
۱۵ برای طمع ریاضت داده اند \* و راه مستقیم را ترک کرده کمراه شدند و طریق بلعام  
۱۶ بن بصور را که مزد نا راستی را دوست میداشت متابعت کردند \* لکن او از تقصر خود توییخ یافت که حمار کلک بزیان انسان متنطق شد دیوانکی نتی را  
۱۷ توییخ نمود \* اینها چشمهای بی آب و میهای رانه شده بیاد شدید هستند که برای ایشان ظلمت تاریکی جاودانی مفتر است \* زیرا که سخنان تکبر آمیز و باطل  
۱۸ میگویند و آنایرا که از اهل ضلالت نازه رستکار شده اند در دام شهوت بغيرور  
۱۹ چسو میکشند \* و ایشانرا بازآرای وعده میدهند و حال آنکه خود غلام فساد  
۲۰ هستند زیرا هر چیزیکه برکی غله یافته باشد او نبز غلام آنست \* زیرا هر کاه  
۲۱ معرفت خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسح از آلایش دنبوی رستند و بعد ازان  
بار دیکر کرفتار و مغلوب آن کشند او اخ ایشان از او ایل بدتر میشود \*
- ۲۲ زیرا که برای ایشان بهتر مبیند که راه عدالترا ندانسته باشند از اینکه بعد از دانستن بار دیکر از آن حکم مقدس که بدیشان شهرده شد بود برگردند \* لکن  
معنی مثل حتفی برابشان راست آمد که سک به قی خود رجوع کرده است و خنزیر  
شسته شد بغلطیدن در کل \*

- ۱۵ عبی مسج نیز مرا آکاها باید \* و برای ابن نیز کوش میکنم ناشما در مر وفت  
 ۱۶ بعد از رحلت من بنوانید ابن امور را یاد آورید \* زیرا که درین افسانه های  
 جعلی نرفتیم چون از فوت و آمدن خداوند ما عبی مسج شارا اعلام دادم  
 ۱۷ بلکه کربائی اورا دیگ بودم \* زیرا از خدای پدر آکرام و جلال یافت هندک میکه  
 آوازی از جلال کربائی باو رسید که اینست پسر حیب من که ازوی خوشنودم \*  
 ۱۸ و این آوازرا ما زمانیکه با وی در کوه مقدس بودم شنیدم که از آسان آورده  
 ۱۹ شد \* و کلام انبیام را نیز محکمتر داریم که نیکو میکید آکر در آن اهتمام کبید مثل  
 چهانی در خشته در مکان ناربک نا روز بشکافند و ستاره صبح در دلهاش شما طنوع  
 ۲۰ کند \* و ابترا نخست بدآبند که هیچ نبوت کتاب از نسبت خود نی نیست \*  
 ۲۱ زیرا که نبوت به اراده انسان هر کار آورده نشد بلکه مردمان بروح القدس مجدوب  
 شد از جانب خدا سخن گفتند \*

### باب دوم

- ۱ لکن در میان فوم انبیای کذبه نیز بودند چنانکه در میان شما هم معلمان کذبه  
 خواهند بود که بدعتهای مهلك را حفظ خواهند آورد و آن آفایرا که ایشان را  
 ۲ خرد انکار خواهند نود و هلاکت سربمرا بر خود خواهند کشید \* و سپاری  
 غبور ایشان را متابعت خواهند نمود که بسب ایشان طریق حق بورد ملامت  
 ۳ خواهد شد \* و از راه طمع بختان جعلی شارا خرید و فروش خواهند کرد  
 که عنقوت ایشان از مدت مبد نأخیر نیکند و هلاکت ایشان خواهد بست \*  
 ۴ زیرا هر کاه خدا بر فرشتکابنکه کاه کردند شفقت نمود بلکه ایشان را بجهنم انداده  
 ۵ بزغیرهای ظلمت سیرد نا برای داوری نگاه داشته شوند \* و بر عالم قدیم  
 شفقت نمود بلکه نوح واعظ عدالترا با هفت نفر دیگر حفظ داشته طوفانرا  
 ۶ بر عالم بیدینان آورده \* و شهرهای سده و عموره را خاکستر نموده حکم به واژکون  
 شدن آنها فرمود و آنها را برای آنایکه بعد از این بیدینی خواهند کرد عربی  
 ۷ ساخت \* ولو ط عادل را که از رفتار فاجرانه بیدینان رنجید بود رهانید \*  
 ۸ زیرا که آندر عادل در میانشان سکن بوده از آنچه مبد و مبشرید دل صالح

## رساله دوم پطرس رسول

### مان اول

- ۱ شمعون پطرس غلام و رسول عیسی مسجع بانانیکه ایمان کرانبهارا آبهماوی ما
- ۲ یافه‌اند در عدالت خدای ما و عیسی مسجع نجات دهنَت \* فیض وسلامتی در معرفت
- ۳ خدا و خداوند ما عیسی برشما انزون باد \* چنانکه فوت الله او همه چیزها ثیرا
- ۴ که برای حیات و دینداری لازم است با عنایت فرموده است به معرفت او که مارا
- ۵ بخلال وفضیلت خود دعوت نموده \* که بواسطت آنها وعده‌ای بینهاست عظیم
- ۶ وکرانبها با داده شد تا شما باینها شریک طیعت الله کردید و از فسادیکه
- ۷ از شهوت درجهان است خلاصی باید \* و بهمین جهه کمال سعی نموده در ایمان
- ۸ خود فضیلت پیدا نماید \* و در فضیلت علم و در علم عفت و در عفت صبر و در
- ۹ صبر دینداری \* و در دینداری محبت برادران محبترا \*
- ۱۰ زیرا هر کاه اینها در شما یافت شود و یغزايد شمارا نیکذاردن که در معرفت
- ۱۱ خداوند ما عیسی مسیح کامل یا بی ثمر بوده باشد \* زیرا هر کاه اینها ندارد کور
- ۱۲ وکوناه نظر است و نظریه کامان کندسته خود را فراموش کرده است \* لهذا
- ۱۳ ای برادران بیشتر جذ و جهد کنید تا دعوت و برگزیدگی خود را ثابت نماید
- ۱۴ زیرا آکر چنین کنید هر کز لغزش غواهید خورد \* و همین دخول در ملکوت
- ۱۵ جاودانی خداوند و نجات دهنَت ما عیسی مسجع بشما بدلوحتندی داده خواهد
- ۱۶ شد \* لهذا از پیوسته یاد دادن شما از این امور غفلت غواهم ورزید
- ۱۷ هر چند آنها را میدانید و در آن راستی که نزد شما است استوار هستید \* لکن
- ۱۸ اینرا صواب میدانم مادامیکه در این خیمه هست شمارا بیاد آوری برانگیزانم \*
- ۱۹ چونکه میدانم که وقت پیرون کردن خیمه من نزدیک است چنانکه خداوند ما

- ابدی خود در عیسی مسیح خوانده است شمارا بعد از کشتن زحمتی فلیل کامل  
 ۱۱ و استوار و توانا خواهد ساخت \* اورانا ابد الایاد جلال و توانانی باد آمین \*
- ۱۲ بواسطه سلوانس که اورا برادر امین شما میشمایرم مختصری نوشتم و نصیحت و شهادت  
 ۱۳ میدم که همین است فیض حبیقی خدا که برلن قائم هستید \* خواهر برگزیده با  
 ۱۴ شما که در بابل است و پسر من مرقص بشما سلام میرسانند \* یکدیگر را  
 بپوسته محبتانه سلام نمایند و همه شمارا که در مسیح عیسی هستید سلام باد  
 آمین \*
-

- ۱۲ جلال یابد که او را جلال و نوانانی نا ابد الایاد هست آمن! \* ای حیان  
تغیب مخانید از این آتشیک در میان شماست و بجهة امتحان شما میابد که کویا چیزی  
۱۳ غرب بر شما واقع شد باشد \* بلکه بقدیریکه شریک زحمات مسیح هستند خوشنود  
۱۴ شوید نا در هنکام ظهور جلال وی شادی وجود نمایند \* آگر بخاطر نام مسیح  
رسوانی میکشید خوشاجمال شما زیرا که روح جلال و روح خدا بر شما آرام  
۱۵ میکردد \* پس زنهر هیچ بکی از شما چون قائل با دزد با شریه با فضول عذاب  
۱۶ نکشد \* لکن آگر چون مسیحی عذاب بکشد پس شرمند نشود بلکه تابن اس  
۱۷ خدارا تجدید نماید \* زیرا این زمان است که داوری از خانه خدا شروع شود و آگر  
شروع آن از ماست پس عاقبت کسانیکه انگل خدارا اطاعت نیکند چه  
۱۸ خواهد شد \* و آگر عادل بشواری نجات یابد پیدین و کاهکار کجا یافت  
۱۹ خواهد شد \* پس کسانی نیز که بحسب اراده خدا زحمت کشند جانهاهے  
خود را در نیکوکاری بخالق امین بسپارند \*

### باب هفتم

- ۱ پیرانرا در میان شما نصیحت میکنم من که نیز با شما پیر هستم و شامد بر زحمات  
۲ مسیح و شریک در جلالیک مکشوف خواهد شد \* کله خدارا که در میان شما است  
بهرانید و نظرات آنرا بکنید نه بزور بلکه برضامندی و نه بجهة سود فیع بلکه  
۳ بر غبت \* و مه چنانکه بر قسمهای خود خداوندی بکنید بلکه بجهة کله نونه  
۴ باشید \* نا در وقتیکه رئیس شبانان ظاهر شود تاج نا پر زمرة جلال را باید \*  
۵ همین ای جوانان مطیع پیران باشید بلکه هم با یکدیگر فروتیرا برخود بینید  
۶ زیرا خدا با متکبران مقاومت میکند و فروتنانرا فیض میبخشد \* پس زیر دست  
۷ زود آور خدا فروتنی نمایند تا شارا در وقت معین سرافراز نمایند \* و قام اندیشه  
۸ خود را بوی و آکنارید زیرا که او برای شما فکر میکند \* هوشیار و بیدار باشید  
زیرا که دشن شما ایلس مانند شیر غزان کردش میکند و کسرا میطلبد تا بیلعد \*  
۹ پس به ایمان استوار شد با او مقاومت کنید چون آگاه هستند که همین زحمات  
۱۰ بر برادران شما که در دنیا هستند میابد \* و خدای همه فیضها که مارا بجلال

- ۱۸ نیکوکار بودن و زحمت کشیدن بهتر است از بدکردار بودن \* زیرا که مسیح نیز برای کاهان پکار زحمت کشید یعنی عادلی برای ظالمان نا مارا نزد خدا پیاورد
- ۱۹ در حالیکه بحسب جسم مرد لکن بحسب روح زن کشت \* و آن روح نیز رفت
- ۲۰ و موعظه نمود به ارواحیکه در زندان بودند \* که سابقاً نافرمانبردار بودند هنگامیکه حلم خدا در آینه نوح انتظار میکشید وقتیکه کشته بنا میشد که در آن
- ۲۱ جماعتی قلیل یعنی هشت نفر با پنجات یافتند \* که نمونه آن یعنی تعبد آکون مارا نجات میبخشد (نه دور کردن کنافت جسم بلکه اخحان ضمیر صالح بسوی
- ۲۲ خدا) بواسطه برخاستن عیسی مسیح \* که با همان رفت و بست راست خدا است و فرشکان و قدرتها و قوات مطیع او شدند \*

#### باب چهارم

- ۱ لهذا چون مسیح بحسب جسم برای ما زحمت کشید شما نیز بهمان نیت مسلتم
- ۲ شوید زیرا آنکه بحسب جسم زحمت کشید از کاه باز داشته شد است \* نا آنکه بعد از آن مابقی عمر را در جسم نه بحسب شهوت انسانی بلکه موافق اراده
- ۳ خدا بسر برذ \* زیرا که عمر کشته کاف است برای عمل نمودن بخواهش امنها و در فنور و شهوت و میکساری و عیاشی و بزمها و بتپرستیهای حرام رفقار نمودن \*
- ۴ و در این متوجه هستند که شما همراه ایشان بسوی همین اسراف آذیاشی غیشا ناید
- ۵ و شمارا دشمام میدهنند \* وایشان حساب خواهند داد بدوكه مستعد است
- ۶ نا زندگان و مردگانرا داوری نماید \* زیرا که از اینجهه نیز هر دکان بشارت داده شد نا برایشان موافق مردم بحسب جسم حکم شود و موافق خدا بحسب روح
- ۷ زیست نمایند \* لکن انتهای همه چیز نزدیک است پس خرداندیش و برای دعا
- ۸ هوشیار باشید \* و از ای همه با یکدیگر بشدت محبت نمایید زیرا که محبت کثرت کاهانرا میپوشاند \* و یکدیگر را بدون همه مهمنی کنید \* و هر یک بحسب
- ۹ نعمتیکه یافته باشد پکدیگر را در آن خدمت نماید مثل وکلاه این فیض کونا کون
- ۱۰ خدا \* آکر کسی سخن کوید مانند اقوال خدا بکوید و آکر کسی خدمت کند بر حسب تواناییکه خدا بدو داده باشد بکند تا در همه چیز خدا بواسطه عیسی مسیح

کوستندان کشیده بودید لکن الحال بسوی شبان و آسفَج جانهای خود  
برگشته اید\*

باب سوم

- ۱ همچین ای زنان شوهران خودرا اطاعت نماید تا آکر بعضی نیز مطیع کلام
- ۲ نشوند سیرت زنان ایشان را بدون کلام درپاید\* چونکه سیرت طاهر و خدا نرس
- ۳ شمارا بینند\* و شمارا زینت ظاهری نباشد از یافتن موی و مغلی شدن بطلا
- ۴ و بوشیدن لباس\* بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلم و آرام
- ۵ که ترد خدا کرانهاست\* زیرا بدینکونه زنان مقدسه درسابق نیز که متوكل  
بمندا بودند خوبشتر را زینت مینمودند و شوهران خودرا اطاعت میکردد\*
- ۶ مانند ساره که ابراهیم را مطیع میبود و اورا آنها میتواند و شما دختران او شناید
- ۷ آکر نیکوئی کنید و از هیچ خوف ترسان نشود\* همچین ای شوهران با فطانت  
با ایشان زینت کنید چون با ظروف ضعیفتر زنانه و ایشان را محترم دارید چون
- ۸ با شما وارث فیض حیات نیز هستند تا دعاهای شما باز داشته نشود\* خلاصه
- ۹ همه شما بکرای و هدرد و برادر دوست و مشق و فروتن باشید\* و بدی  
بعوض بدی و دشنا مبعوض دشنا مدهید بلکه بر عکس برکت بطلید زیرا که
- ۱۰ میدانید برای این خوانن شداید تا وارث برکت شود\* زیرا هر که میخواهد  
حوانرا دوست دارد و ایام نیکویند زبان خودرا از بدی و لبها خودرا از فرب
- ۱۱ کنن باز بدارد\* از بدی اعراض نماید و نیکوئرا بجا آورده سلامتی را بطلید
- ۱۲ و آنرا تعاقب نماید\* از آنرو که چشان خداوند بر عادلان است و کوشانے  
او بسوی دعای ایشان لکن روی خداوند بربدکاران است\* و آکر برای
- ۱۴ نیکوئی غیور هستید کیست که بشما ضرری برساند\* بلکه هر کاه برای عدالت  
زحمت کنید بخواهی شما پس از خوف ایشان ترسان و مفطر ب شود\*
- ۱۵ بلکه خداوند سیمرا در دل خود تقدیس نماید و پیوسته مستعد باشد تا هر که  
سبب امید برای که دارید از شما برسد اورا جواب دهد لیکن با حلم و ترس\*
- ۱۶ و ضمیر خود را نیکو بدارید تا انانکه برسیرت نیکوئی شما در مسیح طعن میزنند
- ۱۷ در همان چیزی که شارا بد میکویند بخجالت کشند\* زیرا آکر اراده خدا چین است

۷ شد \* پس شمارا که ایمان دارید آکرام است لکن آنانرا که ایمان ندارند آن سنگی  
 ۸ که معاران رذ کردند همان سرزاویه کردید \* و سنگ لغزش دهن و مخفره مصادم  
 ۹ زیرا که اطاعت کلام نکرده لغزش میگورند که برای همین معین شدند \* لکن شما  
 ۱۰ قبیله برکرید و کهانت ملوکانه و است مقدس و قومیکه ملک خاص خدا باشد هستید  
 ۱۱ نا فضائل اورا که شمارا از ظلت بنور عجیب خود خوانند است اعلام نمائید \*  
 ۱۲ که سابقاً قومی نبودید و آلان قوم خدا هستید \* آنوقت از رحمت محروم اما الحال  
 ۱۳ رحمت کرده شداید \* ای محبوان استدعا دارم که چون غریبان و یکانکان  
 ۱۴ از شهوات جسمی که با نفس درنزاع هستند اجتناب نمائید \* و سیرت خود را  
 ۱۵ در میان امتهای نیکوی شما که بینند در روز تقدیم خدارا تجدید نمایند \* لهذا هر منصب  
 ۱۶ از کارهای نیکوی شما که بینند در روز تقدیم خدارا تجدید نمایند \* بشریرا بمحاط خداوند اطاعت کید خواه پادشاهها که فوق هه است \* و خواه  
 ۱۷ حکامرا که رسولان وی هستند بجهة انتقام کیدن از بدکاران و نحسین نیکوکاران \*  
 ۱۸ زیرا که همین است اراده خدا که بپیکوکاری خود جهالت مردمان پنهانها ساخت  
 ۱۹ مثل آزادکان اما نه مثل آنانیکه آزادی خود را پوشش شرات میسانند  
 ۲۰ بلکه چون بندکان خدا \* همه مردمانرا احترام کید برادرانرا محبت نماید از خدا  
 ۲۱ بترسید پادشاهها احترام نماید \* ای نوکران مطیع آقایان خود باشد با کمال ترس  
 ۲۲ و نه فقط صالحان و مهر بانرا بلکه کم خلقانرا نبر \* زیرا این ثواب است که کی  
 ۲۳ بجهة ضمیریکه چشم برخدا دارد در وقتیکه ناخن رحمت میکشد در دهارا متحمل  
 ۲۴ شود \* زیرا چه فخر دارد هنگامیکه کاه کار بوده نازیانه خورید و متحمل آن شوید  
 ۲۵ لکن اگر نیکوکار بوده رحمت کشید و صبر کید این نزد خدا ثواب است \*  
 ۲۶ زیرا که برای همین خوانند شداید چونکه سمع نیز برای ما عذاب کشید و شمارا  
 ۲۷ نونه کذاشت تا در باز قدمهای وی رفتار نماید \* که همچ کاه نکرد و مگر  
 ۲۸ در زبانش یافت نشد \* چون اورا دشنا میدادند دشنا پس نمداد و چون  
 ۲۹ عذاب میکشد تهدید ننمود بلکه خوب شنرا بدار عادل تسلم کرد \* که  
 ۳۰ خود کنایهان مارا در بدن خویش بدار متحمل شد تا از کنایه مرده شده  
 ۳۱ بعدالت زیست نمایم که بضریهای او شفا یافته اید \* از آنرو که ماند

۱۳ هستند که در آنها نظر کنند \* لذا اگر دلای خود را بیندید و هوشیار شد امید  
 ۱۴ کامل آن فیضبرای که در مکاشفه عیسی مسیح بشما عطا خواهد شد بدارید \* و چون  
 اینای اطاعت هستید شتابه مشوید بدان شهوانیکه در ایام جهالت میداشتید \*  
 ۱۵ بلکه مثل آن قدوس که شما را خواند است خود شما نیز در هر سیرت مقدس  
 ۱۶ باشد \* زیرا مکوبست مقدس باشد زیرا که من قدوس \* و چون او را پدر  
 میخوانید که بدون ظاهر بین بر حسب اعمال هر کس داوری مینهاید پس هنگام  
 ۱۷ غربت خود را با نرس صرف نماید \* زیرا میدانید که خوب شد اید از سیرت  
 ۱۸ باطلی که از پدران خود یافته اید نه بچیزهای فانی مثل نقو و طلا \* بلکه بخون  
 ۱۹ کرانهای چون خون بر پیعیب ویداغ یعنی خون مسیح \* که پیش از بنیاد عالم  
 ۲۰ معین شد لکن در زمان آخر برای شما ظاهر کردید \* که بوساطت او شما  
 بر آن خدائیکه او را از مردکان برخیزاید و او را جلال داد ایمان آورده اید تا ایمان  
 ۲۱ و امید شما برخدا باشد \* چون نفسمای خود را به اطاعتِ راستی ظاهر ساخته اید  
 ناجبت برادرانه بپریا داشته باشد پس یکدیگر را از دل بشدت محبت بخاید \*  
 ۲۲ از آنزو که نولد نازه یافتد نه از غنم فانی بلکه از غیر فانی یعنی بکلام خدا که زنده  
 ۲۳ و نا ابد الاباد باقی است \* زیرا که هر بشری مانند کیاه است و قام جلال او چون  
 ۲۴ کل کیاه کیاه پژمرده شد و کلش ریخت \* لکن کلمه خدا تا ابد الاباد باقی است  
 ۲۵ وابنست آن کلامیکه بشما بشارت داده شد است \*

## باب دور

۱ لهذا هر نوع کبته و هر مکروه و حسد و هر قسم بدکوفی را ترک کرده \* چون  
 ۲ اطفال نوزاده متناق شیر روحانی و بیفش باشد تا ازان برای نجات غوکنید \* اگر  
 ۴ فی الواقع چنین اید که خداوند مهریان است \* و با تقریب جسته یعنی با سنک  
 ۵ زنده رذ شده از مردم لکن نزد خدا برگزین و میکرم \* شما نیز مثل سنکهای زنده  
 ۶ بنا کرده میشوید بعمارت روحانی و کهانت مقدس تا قربانیهای روحانی و مقبول  
 ۷ خدارا بواسطه عیسی مسیح بکذرانید \* بنابرین در کتاب مکتوب است که اینک  
 مینهم در صهیون سنکی سر زاویه برگزین و میکرم و هر که بوی ایمان آورد خجل خواهد

## رساله اول پطرس رسول

### باب اول

- ۱ پطرس رسول عیسی مسج بفریانیک پرآکنده‌اند در پنهان و غلطیه و فدویه
- ۲ و آسیا و بطانیه \* برگزیدگان بر حسب علم سابق خدای پدر بتقدیس روح برای
- ۳ اطاعت و پاشیدن خون عیسی مسج \* فیض وسلامتی بر شما افزون باد \* مبارک
- ۴ باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسج که بحسب رحمت عظیم خود مارا بواسطت
- ۵ برخاستن عیسی مسج از مردگان از نو تولد نمود برای اید زند \* بجهة میراث
- ۶ پیفساد و بی آلایش ونا پژمرده که نکاه داشته شد است در آسمان برای شما \*
- ۷ که بقوت خدا محروس هستید به ایمان برای بخانیکه مهیا شد است نا در ایام آخر
- ۸ ظاهر شود \* و در آن وجود میناید هر چند در حال اندکی از راه ضرورت
- ۹ در غربه‌های کوناکون خزون شداید \* تا آزمایش ایمان شما که از طلاقی فانی با
- ۱۰ آزموده شدن در آتش کرانبهاتر است برای تسبیح و جلال و اکرام یافت شود
- ۱۱ در جنین ظهور عیسی مسج \* که اورا آکرچه ندباید محبت میناید و آن آکرچه
- ۱۲ اورا نمیبینید لکن براو ایمان آورده وجود میناید با خرمی که نمیتوان بیان کرد و بر
- ۱۳ از جلال است \* و انجام ایمان خود یعنی نجات جان خوبشرا میباید \* که در پاره
- ۱۴ این نجات اینیاپیکه از فرضیه که برای شما مقرر بود اخبار غودند نقیش و نقش
- ۱۵ میکردند \* و دریافت مینمودند که کدام و چکونه زمان است که روح مسج که
- ۱۶ در ایشان بود از آن خبر میداد چون از زحاینیکه برای مسج مقرر بود و جلالهاینیکه
- ۱۷ بعد از آنها خواهد بود شهادت میداد \* و بدیشان مکشف شد که نه بخود بلکه با
- ۱۸ خدمت میکردند در آن اموریکه شما اکون از آنها خبر یافته اید از کسانیکه بروح
- ۱۹ القدس که از آسمان فرستاده شد است بشارت داده‌اند و فرشتگان نیز مشتاق

۶. قتل پروردید\* بر مرد عادل فتوی دادید واورا بقتل رسانید و با شما مقاومت  
 ۷. نمیکند\* پس ای برادران تا هنگام آمدن خداوند صبر کنید اینک دعفان انتظار  
 میکشد برای محصول کرانبهای زمین و برایش صبر میکند تا باران اوّلین و آخرینرا  
 ۸. بیابد\* شما نیز صبر نماید و دلای خود را غوی سازید زیرا که آمدن خداوند تزدیک  
 ۹. است\* ای برادران از یکدیگر شکایت مکنید مبادا بر شما حکم شوده اینک داور  
 ۱۰. برذر استاده است\* ای برادران غوته زحمت و صبر را بکیرید از انسیاتیک بنام  
 ۱۱. خداوند نکلم نمودند\* اینک صابرانرا خوشحال میکوئم و صبر آیوب را شنیده اید و انجلم  
 ۱۲. کار خداوندرا دانسته اید زیرا که خداوند بغايت مهریان و کرم است\* لکن  
 اول هه ای برادران من قسم غنورید نه بآسان و نه بزمین و نه بهیچ سوکن دیگر بلکه  
 ۱۳. بله شما بله باشد و فی شانی مبادا در غم بینید\* آکرکسی از شما مبتلای بالانی  
 ۱۴. باشد دعا بخاید و آکرکسی خوشحال باشد سرود بخواند\* و هر کاه کسی از شما بیهار  
 باشد کشیشان کلپسرا طلب کند تا برایش دعا نمایند و اورا بنام خداوند بروغن  
 ۱۵. تدهین کنند\* و دعای ایمان مریضرا شفا خواهد بخشید و خداوند اورا خواهد  
 ۱۶. برخیزاند و آکر کاه کرده باشد ازا او آمرزیک خواهد شد\* تزد یکدیگر بکاهان  
 خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا باید زیرا دعای مرد عادل  
 ۱۷. در عمل فوت بسیار دارد\* الباس مردی بود صاحب حواره مثل ما و پیغام دل  
 ۱۸. دعا کرد که باران نبارد و نا مدت سه سال و شش ماه نبارد\* و باز دعا کرد  
 ۱۹. و آسان بارید وزمین ثر خود را رو باند\* ای برادران من آکرکسی از شما  
 ۲۰. از راستی مخرف شود و شخصی اورا باز کردند\* بداند هر کاه کار را از ضلالت  
 راه او بر کردند جانیرا از موت رهانید و کاهان بسیار را بو شانید است\*

- ۱ نمایند \* ای زانیات آبا نیدانید که دوستی دنیا دشمن خداست پس هر که بخواهد  
 ۲ دوست دنیا باشد دشمن خدا کردد \* آبا کمان دارید که کتاب عبث میکوبد روجبه  
 ۳ اورا درما ساکن کرده است نا بغیرت برما اشتباق دارد \* لیکن او فضی زیاده  
 ۴ میبخشد \* بنابرین میکوبد خدا متکبرانرا مخالفت میکند اما فروتنارا فیض میبخشد \*  
 ۵ پس خدارا اطاعت نمایند و با ابلیس مقاومت کنید نا از شما بگریزد \* و بعد از نفرت  
 ۶ جوئید تا بشنا تزدیگی نماید \* دستهای خود را طاهر سازید ای کاهکاران و دلهای  
 ۷ خود را پاک کنید ای دو دلان \* خود را خوار سازید و ناله و کربه نمایند و خنده  
 ۸ ۹ شما بام و خوشی شما بغم مبدل شود \* در حضور خدا فروتنی کنید نا شمارا سرافراز  
 ۱۰ فرماید \* ای برادران بکدیکرنا ناسزا مکوئید زبرا هر که برادر خود را ناسزا کوید  
 ۱۱ و بر او حکم کند شر بصرنا ناسزا کفته و بر شر بعت حکم کرده باشد لکن اکن بر شر بعت  
 ۱۲ حکم کنی عامل شر بعت نسبت بلکه داور هستی \* صاحب شریعت و داوری یکی است  
 ۱۳ که بر رهانیدن و هلاک کردن قادر میباشد \* پس تو کیستی که بر همسایه خود داوری  
 ۱۴ میکنی \* هان ای کسانیکه میکوئید امروز و فردا بفلان شهر خواهیم رفت و در  
 ۱۵ آنچه بکمال بسر خواهیم برد و بختار خواهیم کرد و نفع خواهیم بود \* و حال آنکه  
 ۱۶ نیدانید که فردا چه میشود از آنرو که حیات شما چیست مکر بخاری نیستید که  
 ۱۷ اندک زمانی ظاهر است و بعد نایدید میشود \* بعوض آنکه باید کفت که اکن خدا  
 ۱۸ بخواهد زنده میمانم و چنین و چنان میکنم \* اما الحال بعجب خود غیر میندید و هر  
 ۱۹ چنین غریبد است \* پس هر که نیکوئی کردن بداند و بعمل نیاورد اورا آکاه است \*

### باب بغم

- ۱ هان ای دولمندان بجهة مصبنها یکه برشما وارد میاید کریه و ولیله نمایند \*  
 ۲ دوست شما فاسد و رخت شما بید خورده میشود \* طلا و نقره شمارا زنک بخورد  
 ۳ وزنک آنها برشما شهادت خواهد داد و مثل آتش کوشت شمارا خواهد خورده شما  
 ۴ در زمان آخر خزانه اند و خنده اید \* اینک مزد عمله هایکه کشتهای شمارا درویند اند  
 ۵ و شما آنرا بفریب نکاه داشته اید فریاد برمیآورد و نالهای دروکران بکوشاهی ربت  
 ۶ الجندو رسید است \* بر روی زمین بناز و کامرانی مشغول بوده دلهای خود را در بوم

۴ میزمن نا مطیع ما شوند و نام بدن آنها را بر میکردانم \* اینک کشتبها نیز چه قدر  
 بزرگ است و از بادهای سخت رانه میشود لکن با سکان کوچک بهر طرف که  
 ۵ اراده ناخدا باشد بر کردن بدانه میشود \* همینان زبان نیز عضوی کوچک است  
 ۶ و سخنان کبر آمیز میکویده اینک آتش کی چه جنکل عظیم برآ میسوزاند \* وزبان  
 آتشی است \* آن‌حال ناراضی در میان اعضای ما زبان است که تمام بدنرا می‌لاید  
 ۷ و دانه کائناترا میسوزاند و از جهم سوخته میشود \* زیرا که هر طیعنی از وحوش  
 و طیور و حشرات و حیوانات بجزی از طیعت انسان رام میشود و رام شد است \*  
 ۸ لکن زبانرا کسی از مردمان نمیتواند رام کند \* شرانی سرکش و بر از زهر قائل  
 ۹ است \* خدا و پدر را آن متبارك میخواهیم و بهمان مردمانرا که بصورت خدا  
 ۱۰ آفرینش شده‌اند لعن میکوئیم \* از یک دهان برکت ولعنت پیرون می‌اید \* ای برادران  
 ۱۱ شابسته نیست که چنین شود \* آیا چشمی از یک شکاف آب شیرین و شور جاری  
 ۱۲ می‌سازد \* یا میشود ای برادران من که درخت انجیر زیتون یا درخت مو اغیر  
 ۱۳ بار آورد و چشمی شور نمیتواند آب شیرینرا موجود سازد \* کیست در میان شما  
 که حکیم و عالم باشد پس اعمال خود را از سیرت نیکو بتواضم حکمت ظاهر سازد \*  
 ۱۴ لکن اگر در دل خود حسد نفع و نعصب دارید فخر می‌کنید و بقصد حق دروغ  
 ۱۵ مکوئید \* این حکمت از بالا نازل نمیشود بلکه دنبوی و نفسانی و شیطانی است \*  
 ۱۶ زیرا هر جایی که حسد و نعصب است در آن‌جا فته و هر امر رشت موجود می‌باشد \*  
 ۱۷ لکن احکمت که از بالا است اول طاهر است و بعد صلح آمیز و ملام و نصیحت  
 ۱۸ پذیر و پر از رحمت و میوه‌ای نیکو و پیش‌داد و پیریا \* و میوه عدالت در سلامتی  
 کاشته میشود برای انانکه سلامتی را بعمل می‌آورند \*

### باب چهارم

۱ از کجا در میان شما جنکها و از کجا تراعها پدید می‌اید آیا نه از لذت‌های شما که در  
 ۲ اعضای شما جنک می‌کند \* طمع مبورزید و ندارید، می‌کنید و حسد میناید  
 و نمیتوانید بچنگ آرید و جنک و جدال می‌کنید و ندارید از اینجهة که سؤال نیکید \*  
 ۳ و سؤال می‌کنید و نمی‌اید ازینرو که بنت بد سؤال می‌کنید تا در لذات خود صرف

۱. اکر ظاهر بینی کید کاه میکنید و شربعت شمارا بخطاکاری ملزم میسازد \* زیرا
- ۲ هر که نام شربعوا نکاه دارد و در يك جزو بلغزد ملزم هه میباشد \* زیرا او که
- کفت زنا مکن نبز کفت قتل مکن پس هر چند زنا نکنی اکر قتل کردی از شربعت
- ۴ خواز غودی \* هچین سفن کوئید و عمل نایئد مانند کسانیکه برایشان داوری
- ۵ بشریعت آزادی خواهد شد \* زیرا آن داوری بی رحم خواهد بود برکسینکه رحم
- ۶ نکرده است و رحم برداوری مفترمیشود \* ای برادران من چه سود دارد
- ۷ اکر کسی کوید ایمان دارم وقتیکه عمل ندارد آیا ایمان میتواند اورا نجات بخشد \*
- ۸ پس اکر برادری یا خواهری بر همه و محتاج خوراک روزیه باشد \* وکی از شما
- بدیشان کوید بسلامتی بروید و کرم و سیر شوید لیکن ماجحتاج بدینرا بدیشان ندهد
- ۹ چه نفع دارد \* هچین ایمان نیز اکر اعمال ندارد در خود مرده است \* بلکه
- کسی خواهد کفت تو ایمان داری و من اعمال دارم ایمان خودرا بدون اعمال بن
- ۱۰ بنا و من ایمان خودرا از اعمال خود بتو خواهم نود \* تو ایمان داری که خدا واحد
- ۱۱ است \* نیکو میکی شیاطین نیز ایمان دارند و میلرزند \* ولیکن ای مرد باطل آیا
- ۱۲ بخواهی دانست که ایمان بدون اعمال باطل است \* آیا پدر ما ابراهیم به اعمال
- ۱۳ عادل شرده نشد وقتیکه پسر خود احقر را برقانکاه کردانید \* میبینی که ایمان
- ۱۴ با اعمال او عمل کرد و ایمان از اعمال کامل کردید \* و آن نوشته تمام کشت که
- میکوید ابراهیم بخدا ایمان آورد و برای او به عدالت محسوب کردید و دوست خدا
- ۱۵ ناییش شد \* پس میبینید که انسان از اعمال عادل شرده میشود نه از ایمان تنها \*
- ۱۶ و هچین آیا راحل فاحشه نیز از اعمال عادل شرده نشد وقتیکه قاصدان را
- ۱۷ پذیرفه برای دیگر روانه نود \* زیرا چنانکه بدن بدون روح مرده است هچین
- ۱۸ ایمان بدون اعمال نیز مرده است \*

## باب سوم

- ۱ ای برادران من بسیار معلم نشود چونکه میدانید که بر ما داوری مختصر خواهد
- ۲ شد \* زیرا هیکی ما بسیار میلغزیم و اکر کسی در سفن کفتن نلغزد او مرد کامل
- ۳ است و میتواند عنان نام جسد خود را پکشد \* واينک لکامرا بردهان اسبان

۱۸ نبدیل وسایه کردش نیست \* او محض اراده خود مارا بوسیله کلمه حق نولید  
 ۱۹ نمودنا ما چون نویر مخلوقات او باشم \* بنابرین ای برادران عزیز من هرگز  
 ۲۰ در شبden تند و در کفن آهسته و در ختم سُست باشد \* زهرا خشم انسان عدالت  
 ۲۱ خدارا بعمل نمیآورد \* هن هر نجاست و افزون شردا دور کنید و با فروتنی کلام  
 ۲۲ کاشته شد را پذیرید که قادر است که جانهای شمارا نجات بخشد \* لکن  
 ۲۳ کند کان کلام باشد نه فقط شنوند کان که خود را فریب میدهند \* زیرا آگر کسی  
 کلام را بشنود و عمل نکند شخصیرا ماند که صورت طیعی خود را در آینه مینگرد \*  
 ۲۴ زیرا خود را نگریست و رفت و فوراً فراموش کرد که طور شخصی بود \*  
 ۲۵ لکن کسیکه بر شریعت کامل آزادی چشم دوخت و در آن ثابت ماند او چون  
 شنوند فراموشکار نمیباشد بلکه کتن عل هن او در عمل خود مبارک خواهد  
 ۲۶ بود \* آگر کسی از شما کان برد که پرستن خدا است و عنان زبان خود را نکشد  
 ۲۷ بلکه دل خود را فریب دهد پرستش او باطل است \* پرستش صاف و ویعیب  
 نزد خدا و پدر این است که بیهان و بیوه زنان را در مصیبت ایشان تقد کنید  
 و خود را از آلایش دنیا نکاه دارند \*

## باب دوم

۱ ای برادران من ایمان خداوند ما عیسی مسح روت الجلال را با ظاهر بیق مدارید \*  
 ۲ زیرا آگر بکیسه شما شخصی با انکشیری زرین ولباس نفس داخل شود و فقری  
 ۳ نیز با یوشاك ناپاک در آید \* و بصاحب لباس فاخر متوجه شد کوئید اینجا نیکو  
 ۴ بشنین و بغير کوئید تو در آنجا بایست با زیر پای انداز من بشنین \* آیا در خود  
 ۵ مترد نیستید و داوران خجالات فاسد نشاید \* ای برادران عزیز کوش دهد  
 آیا خدا فیران اینجا نازرا بر نکرید است تا دولتمند در ایمان و وارث آن ملکوی  
 ۶ که بمحیان خود و عن فرموده است بشوند \* لکن شما فیران را خیر شرده اید آیا  
 ۷ دولتمدان بر شما ستم نمیکنند و شمارا در محکمه ها نمیکشند \* آیا ایشان بآن نام نیکو  
 ۸ که بر شما نهاده شد است کفر نمیکوئید \* آیا آگر آشریعت ملوکانه را بر حسب  
 ۹ کتاب بجا آورید یعنی همسایه خود را مثل نفس خود محبت نماییکنید \* لکن

## رساله يعقوب

### باب اول

- ۱ بعنوب که غلام خدا و عبسی سمع خداوند است بدوازده سبط که پرآکنده
- ۲ هستند خوش باشید \* ای برادران من و فیکه در نغمه های کوناکون مبنلا شوید
- ۳ کمل خوشی دانید \* چونکه میدانید که امتحان ایمان شما صبر را پدا میکد \*
- ۴ لکن صبر را عمل نام خود باشد ناکامل و نام شوید و محتاج همچ چجز نباشد \*
- ۵ واکر از شم کس محتاج بحکمت باشد سؤال بکد از خدا ایکه هر کمرا بمحاجوت
- ۶ عطا میکد و ملامت نمینماید و با و داده خواهد شد \* لکن به ایمان سؤال بکد
- ۷ و هر کرشک نکد زیرا هر که شک کند مانند موچ دریاست که از باد رانه و متلاطم
- ۸ بشود \* زیرا چنین شخص کان نرد که از خداوند چیزی خواهد یافت \* مرد
- ۹ دودل در عام رفتار خود نا پایدار است \* لکن برادر مسکین بسرافرازی خود
- ۱۰ فشر بنا باید \* دولتمند از مسکت خود زیرا مثل گل علف در کفر است \* از آنرو
- ۱۱ که آفتاب با کری طوع کرده علفرا خشکنید و گلش زیر افتداده حُسن صورنش
- ۱۲ زائل شد بهین طور شخص دولته نیز در راههای خود پرمده خواهد کرد بد \*
- ۱۳ خوش بحال کسبکه مخمل نخرم شود زیرا که چون از موده شد ان ناج جان برآ که
- ۱۴ خداوند بمحاجان خود وعد فرموده است خواهد یافت \* همچ کس چون در نغمه
- ۱۵ افتد نکو بد خدا مرا نغمه میکد زیرا خدا هر کز از بدیها نغمه نمیشود واو همچ
- ۱۶ کمرا نغمه نمیکند \* لکن هر کس در نغمه میافند و فیکه شهوت وی او را
- ۱۷ میکشد و فربقته میسازد \* بس شهوت آبتن شد کاهرا میزابد و کاهه به انجام
- ۱۸ رسید مونرا نولید میکد \* ای برادران عزیز من کمرا مشود \* هر چشند کی
- ۱۹ نیکو و هر بخشش کامل از بالا است و نازل میشود از پدر نورها که نزد او همچ

اطاعت و انتقاد نماید زیرا که ايشان پاسبانی جانهای شمارا میکند چونکه حساب  
 ۱۸ خواهد داد نا آنرا بخوشتی نه باله بجا آورند زیرا که این شمارا منید نیست \* برای  
 ما دعا کنید زیرا مارا بین است که ضمیر خالص دارم و بخواهیم در هر امر رفتار  
 ۱۹ نیکو غایتم \* و بیشتر التام دارم که چنین کنید تا زودتر بزند شما باز آورده شوم \*  
 ۲۰ بس خدای سلامتی که شبان اعظم کو سفندان یعنی خداوند ما عیسی را بخون  
 ۲۱ عهد ابدی از مردگان برجزایند \* شارا در هر عمل نیکو کامل کرداناد نا اراده  
 اورا بجا آورید و آنچه منظور نظر او باشد در شما بعمل آورَد بوساطت عیسی سمع  
 ۲۲ که اورا نا ابدال آباد جلال باد آین \* لَكُن ای برادران از شما التام دارم که این  
 ۲۳ کلام نصیحت آمیزرا متحمل شوید زیرا مختصری نیز بشنا نوشته ام \* بدانید که برادر  
 ما نیموناؤس رهائی یافته است و اگر زود آید به اتفاق او شارا ملاقات خواهم نمود \*  
 ۲۴ همه مرشدان خود و جمیع مقدسین را سلام برسانید و آنکه ارای حالا هستند بشنا سلام  
 ۲۵ میرسانند \* همکی شارا فیض باد آمین \*

---

پس ما چکوه نجات خواهم یافت اگر ازاو که از آستان میکوبد روکدانم \*  
 ۲۶ که آواز او در آنوقت زیندا جنبانید لکن آلان وعنه داده است که بکرنده دیگر  
 ۲۷ نه فقط زمین بلکه آسانرا نیز خواهم جنبانید \* وابن قول او بکرنده دیگر اشاره  
 ۲۸ است از تبدیل چیزهای که جنبانید میشود مثل آنهاهای که ساخته شد تا آنهاهای که  
 ۲۹ جنبانید نمیشود باقی ماند \* پس چون ملکوپرا که نمیتوان جنبانید میباشم شکر  
 ۳۰ بجا یاورم ناخنخوی و تقوی خدارا عبادت پسندیدن نمائم \* زیرا خدای ما آتش  
 فروبرنده است \*

### باب سیزدهم

- ۱ محبت برادرانه برقرار باشد \* وازر عرب نوازی غافل مشوید زیرا که با آن بعضی
- ۲ نادانسته فرشتکارا ضیافت کردند \* اسیرانرا بخاطر آرید مثل هزندان ایشان
- ۳ و مظلومانرا چون شما نیز در جسم هستید \* نکاح به روجه محترم باشد و بسرش
- ۴ غیر نجس زیرا که فاسدان وزانیانرا خدا داوری خواهد فرمود \* سیرت شما از محبت
- ۵ نفع خالی باشد و با آنچه دارید فناخت کید زیرا که او کنته است نرا هرگز رها نکم
- ۶ و نزرا ترک نخواهم نمود \* بنابرین ما با دلیری تمام میکوئیم خداوند مدد کننده من
- ۷ است و نرسان نخواهم بوده انسان بن چه میکند \* مرشدان خود را که کلام خدارا
- ۸ بشما یافان کردند بخاطر دارید و لجام سیرت ایشانرا ملاحظه کرده به ایمان ایشان
- ۹ ا福德اء نمائید \* عیسی مسیح در بروز و امروز و نا ابدال اباد هان است \* از نعلیمهای
- ۱۰ مختلف و غریب از جا برده مشوید زیرا بهتر آنست که دل شما بفیض استوار شود و نه
- ۱۱ به خوراکها یکه آنایکه در آنها سلوک نمودند فائده نیافتد \* مذبحی داریم که خدمت
- ۱۲ کشداران آنچه اجازت ندارند که از آن بخورند \* زیرا که جسد های آن حیواناتی که
- ۱۳ رئیس گهه خون آنها را به قدرس الاقدام برای کنایه میبرد بیرون از لشکر کاه
- ۱۴ سوخته میشود \* بنابرین عیسی نیز ناقوم را چون خود نقدیس نماید بیرون در روازه
- ۱۵ عذاب کشید \* لهذا عار اورا برگرفته بیرون از لشکر کاه بسوی او بروم \* زانرو که
- ۱۶ در اینجا شهری باقی ندارم بلکه آینه را طالب هستم \* پس بوسیله اور فربانی نسیخ را
- ۱۷ بخدا بکذرانم یعنی ثرا لیهان را که با اسم او معرف باشد \* لکن از نیکوکاری
- ۱۸ و خبرات غافل مشوید زیرا خدا بهین فربانیها راضی است \* مرشدان خود را

- کر اخداوند دوست مدارد تو پنج میفرماید و هر فرزندِ مقبول خود را بازیانه میزند\*
- ۷ اگر محفل نادیب شوید خدا با شما مثل با پسران رفقار میناید زیرا کام پسر  
۸ است که بدرش اورا نادیب نکند\* لکن اگر بی نادیب میباشد که هه ازان  
۹ بهن یافتد پس شما حرام زادکابد نه پسران\* و دیگر بدران جسم خود را وقی  
۱۰ داشتم که مارا نادیب مینمودند ولی شانرا احرام مینمودم آیا از طریق اولی پدر  
۱۱ روحهارا اطاعت نکنم تا زنگ شوم\* زیرا که ایشان اندک زمانی موافق صوابدید  
۱۲ خود مارا نادیب کردند لکن او بجهة فاین تا شریک قدوسیت او کردم\* لکن  
۱۳ هر نادیب درحال نه از خوشبها بلکه از دردها مینماید اما در آخر میوه عدالت  
۱۴ سلامتبرا برای آنانکه ازان ریاضت یافته اند بار میاورد\* لهذا دستهای افتاده  
۱۵ وزانوهای سُست شهار استوار نمائید\* و برای پایهای خود راههای راست  
۱۶ بازیز ناکسیک لنه باشد از طریق معرف نشود بلکه شفا یابد\* و درین سلامتی  
۱۷ باعهه بکوشید و تقدیسکه بغیر ازان هیچ کس خداوندان را نخواهد دید\* و مترصد  
۱۸ باشید مبادا کسی از پیش خدا محروم شود وریشه مرارت نماید که اضطراب بار  
۱۹ آورد و جمعی ازان الود کردند\* مبادا شخصی زانی یا بی مبالغ پیدا شود مانند  
۲۰ عیسوکه برای طعامی غستزادرکی خود را بفروخت\* زیرا میدانید که بعد ازان  
نیز وقتیکه خواست وارث برکت شود مردود کردید (زیرا که جای تو به پیدا نمود)  
۲۱ با آنکه با اشکها در جسمیوی آن بکوشید\* زیرا نزرب نجسته اید بکوهیکه میتوان  
۲۲ لمس کرد و با اش افروخته و نه باریکی و ظلت و باد سخت\* و نه هاواز کرنا و صدای  
۲۳ کلامیکه شنوندگان التاس کردند که آن کلام دیگر بدیشان کننه نشود\* زیرا که  
۲۴ خمله آن قدغن توانستند شد که اگر حیوانی نیز کوهرالمس کد سنکار با بینه  
۲۵ زده شود\* و آن رویت بحدی ترسناک بود که موسی کفت بفات نرسان ولرزا نم\*  
۲۶ بلکه نزرب جسته اید بجهل صهیون و شهر خدای حق یعنی او رشلم میاوی و بجهود  
۲۷ بیشماره از محفل فرشتکان\* و کلیسای غستزادکانیکه در آسمان مکتوبد و بخدای  
۲۸ داور جمیع و به ارواح عادلان مکل\* و بعضی متوجه عهد جدید و بخون پاشید  
۲۹ شدن که متکم است یعنی نیکوترازخون هایل\* زنهار ازانکه سخن میکوبد رو  
۳۰ مکردانید زیرا اگر آنانکه ازانکه بزمین سخن کفت روکرداند نجات یافتد

- ۱۹ نكذارد\* به ايمان از بحر قلزم بخشکي عبور نمودند و اهل مصر قصد آن کرده غرق  
 ۲۰ شدند\* به ايمان حصار آريجا چون هفت روز آنرا طواف کرده بودند بزير افتاد\*  
 ۲۱ به ايمان راحل فاحشه با عاصيان هلاك نشد زيراکه جاسوسان را اسلامي پذيرفته بود\*  
 ۲۲ و دبکر چه کوم زيراکه وقت مرا کفاف نيدهد که از جذعنون و باراق و شمشون  
 ۲۳ و بنخاج داود و سموئيل و انبیاء اخیر نایم\* که از ايمان تغیر مالک کردند و به اعمال  
 ۲۴ صالحه پرداختند و وعد هارا پذيرفتهند و دهان شير آنرا بستند\* سورت آنها  
 خاموش کردند و ازدم ششپرها رستکار شدند و از ضعف تواني يافتند و در جنك  
 ۲۵ شجاع شدند و لشکرهای غرب اما منزم ساختند\* زنان مردگان خود را بقیامت باز  
 ۲۶ یافتند لکن دبکران معذب شدند و خلاصپرها قبول نکردند تا بقیامت نیکوت برستند\*  
 ۲۷ و دبکران از استهزها و تازیانه ها بلکه از بندها وزندان آزموده شدند\* سنکار  
 ۲۸ کردیدند و با آره دوباره کشتنده تخریبه کرده شدند و بششپر مقتول کشنده در  
 ۲۹ بوزتھای کوسندان و بزها عحتاج و مظلوم و ذليل آواره شدند\* آنانکه جهان لايق  
 ۳۰ ايشان نبود در صحراها و کوهها و مغارهها و شکافهای زمین پراکن کشند\* پس  
 ۳۱ جمع ايشان با اينکه از ايمان شهادت داده شدند وعد را نيافتند\* زيرا خدا  
 برای ما چيزی نیکوت مهیا کرده است تا آنکه بدون ما کامل نشوند\*

### باب دوازدهم

- ۱ بنا برین چونکه ما نيز چون ابر شاهدانرا کردا کرد خود دارم هر بار کران  
 ۲ و کاهيرا که مارا سخت میبیچد دور بکنم و با صبر در آن میدان که پيش روی ما  
 ۳ مفتر شد است بدوم\* و بسوی پيشوا و کامل گشته ايمان يعني عيسى نکران باشم  
 ۴ که بجهة آن خوشی که پيش او موضوع بود بسیار ناچجز شerde متحمل صلب  
 ۵ کردید و بست راست تخت خدا نشته است\* پس تفکر کيد در او که متحمل  
 ۶ چنین عحالقی بود که از کاهکاران باو پدید آمد مادا در جانهاي خود ضعف کرده  
 ۷ خسته شويد\* هنوز درجهاد با کاه تا بعد خون مقاومت نکرده ايد\* و نصیحپر  
 ۸ فراموش نموده ايد که با شما چون با پسران مکالمه میکند که ای پسر من نادیب  
 ۹ خداوندرا خوار مثیار و وقیکه ازاو سرزنش باين خسته خاطر مشو\* زيرا هر

- ۹ آنکانه که میباشد پیراث باید پس پرون آمد و نیدانست چونکه میرود \* و به این  
در زمین و عده مثل زمین یکانه غربت پذیرفت و در خیمه ها با احقر و بعقوب که  
۱۰ در پیراث هیچ و عده شریک بودند مسکن نمود \* زانرو که متوجه شهری با بناد بود  
۱۱ که معمار و سازنده آن خداست \* به این خود ساره نیز فوت قبول نسل یافت و بعد  
۱۲ از انتصای وقت زاید چونکه وعده دهنده را این دانست \* و از این سبب از پیک  
نفر و آنهم مرده مثل ستارگان آسان کثیر و مانند ریکهای کنار در راه پیشمار زانیک شدند \*  
۱۳ در این همه ایشان فوت شدند در حالیکه وعده هارا نیافه بودند بلکه آنها از دور  
۱۴ دیده نخیبت کفتهند و افرار کردند که بر روی زمین یکانه و غریب بودند \* زیرا  
۱۵ کسانیکه همچنین میکویند ظاهر میسانند که در جنگلی وطنی هستند \* و آنکه جانبرا  
که از آن پرون امتد بخاطر میآورند هر آینه فرصت میداشند که (بدآنجا)  
۱۶ برکردند \* لکن الحال مشناق وطنی نیکوئر بعضی (وطن) ساوی هستند و از این و  
خدا از ایشان عار ندارد که خدای ایشان خوانک شود چونکه برای ایشان شهری  
۱۷ مهیا ساخته است \* به این ابراهیم چون امتحان شد احقر را کذرا نید و آنکه  
۱۸ وعده هارا پذیرفته بود پس یکانه خود را قربانی میکرد \* که با او کفته شد بود که  
۱۹ نسل تو به احقر خوانک خواهد شد \* چونکه یقین دانست که خدا قادر بر برانگیزانیدن  
۲۰ از اموات است و همچنین اورا در میان از اموات نیز باز یافت \* به این احقر نیز  
۲۱ بعقوب و عبورا در امور آینک برکت داد \* به این بعقوب در وقت مردن خود هر  
۲۲ یکی از پسران یوسف را برکت داد و پسر عصای خود بجهت کرد \* به این یوسف  
در حین وفات خود از خروج بین اسرائیل اخبار نمود و در باره استغوانهای خود  
۲۳ وصیت کرد \* به این موسی چون متولد شد والدینش اورا اطفی جمیل یافه سه  
۲۴ ماه پنهان کردند و از حکم پادشاه یم نداشتند \* به این چون موسی بزرگ شد ابا  
۲۵ نمود ارابیکه پسر دختر فرعون خوانک شود \* و ذلیل بودن با فرم خدای پسندیدن تر  
۲۶ داشت از آنکه لذت اندک زمانی کاهرا برد \* و عمار میمرا دولتی بزرگتر از خزان  
۲۷ مصر پنداشت زیرا که بسوی مجازات نظر میداشت \* به این مصر را ترک کرد و از  
۲۸ غضب پادشاه نرسید زیرا که چون آن نادید را بدید استوار ماند \* به این عید  
فعیم و پاپیدن خوزرا بعمل آورد تا هلاک کنند نخست زادگان برایشان دست

۱۰ شد نياك شمرد وروح نعمت را بمحروم کرد \* زيرا ميشناسيم اورا که کفته است خداوند  
 ۱۱ بـیکوـيد اـتقـام اـزانـ من اـست \* من مـكافـات خـواـم دـاد واـيـضاـ خـداـونـد قـوم خـودـرا  
 ۱۲ دـاـورـي خـواـهدـ نـوـد \* اـفـادـن بـدـسـتـهـاـي خـداـي زـنـك چـيزـي هـولـنـاكـ است \* ولـيـكـنـ  
 ۱۳ اـيـام سـلـفـرـا يـاد آـورـيد کـه بـعـد اـزـانـكـه مـنـورـكـرـدـيـدـ مـخـمـلـ جـاهـنـ عـظـيمـ اـزـدرـدـهاـ  
 ۱۴ شـدـبـدـ \* چـه اـزـاـيـكـه اـزـدـشـاـمـهاـ وـزـحـمـاتـ نـاشـايـ مرـدـمـ مـيـشـدـيدـ وـجـهـ اـزـانـكـهـ شـرـيـكـ  
 ۱۵ باـكـسـانـ مـيـبـوـدـبـدـ کـه درـچـنـينـ چـيزـهاـ بـسـ مـيـبـرـدـنـ \* زـيرـاـکـهـ باـ اـسـيرـانـ نـيزـ هـمـ درـدـ  
 ۱۶ مـيـبـوـدـبـدـ وـنـارـاجـ اـموـالـ خـودـراـ نـيزـ بـخـوشـيـ مـيـذـبـرـفـتـ چـونـ دـانـسـتـدـ کـه خـودـ شـماـرـاـ  
 ۱۷ درـاسـمـانـ مـالـ نـيـكـوـتـرـوـيـاقـ است \* پـسـ تـرـكـ مـكـنـدـ دـلـيـريـ خـودـراـکـهـ مـقـرـونـ بـجـازـاتـ  
 ۱۸ عـظـيمـ مـيـبـاشـدـ \* زـيرـاـکـهـ شـماـرـاـ صـبـرـ لـازـمـ استـ تـاـ اـرـادـهـ خـدارـاـ بـجاـ آـورـدهـ وـعـدـراـ  
 ۱۹ پـيـاـيدـ \* زـيرـاـکـهـ بـعـدـ اـزـانـدـكـ زـمانـيـ آـنـ آـيـنـكـ خـواـهـ آـمـدـ وـتـاـخـيـرـ خـواـهـ نـوـدـ \* لـكـنـ  
 ۲۰ عـادـلـ بـهـ اـيـامـ زـيـستـ خـواـهـ نـوـدـ وـأـكـرـمـتـدـ شـوـدـ نـفـسـ منـ بـاـوـيـ خـوشـ خـواـهـ دـشـدـ\*  
 ۲۱ لـكـنـ مـاـ اـزـمـتـدـانـ نـيـسـتـمـ تـاـ هـلاـكـ شـوـمـ بـلـكـهـ اـزـاـيـانـدـارـانـ تـاـ جـانـ خـودـراـ درـ بـاـيمـ \*

### باب پاردهم

۱ پـسـ اـيـامـ اـعـتـهـدـ بـرـجـيزـهـاـيـ اـمـدـ دـاشـتـهـ شـبـهـ يـسـتـ وـبـرهـانـ چـيزـهـاـيـ تـاـ دـيـدهـ \*  
 ۲ زـيرـاـکـهـ بـاـيـنـ بـرـايـهـ قـدـمـاءـ شـهـادـتـ دـادـهـ شـدـ \* بـهـ اـيـامـ فـهـيـدـهـاـيـمـ کـهـ عـالـمـاـ بـكـلـهـ خـداـ  
 ۳ مـرـتـبـ کـرـدـبـدـ حـقـ آـنـكـ چـيزـهـاـيـ دـيـدـنـ اـزـجـيزـهـاـيـ نـاـدـيـدـنـ سـاخـنـهـ شـدـ \* بـهـ اـيـامـ  
 ۴ هـايـيلـ قـربـانـ نـيـكـوـتـرـاـزـقـانـ رـاـ بـجـدـاـ كـذـرـانـيدـ وـسـبـبـ آـنـ شـهـادـتـ دـادـهـ شـدـ کـهـ عـادـلـ  
 ۵ اـسـتـ بـاـنـكـ خـداـ بـهـدـاـيـاـيـ اوـشـهـادـتـ مـيـدـهـدـ وـسـبـبـ هـمـانـ بـعـدـ اـزـمـرـدنـ هـنـوزـ کـوـيـنـهـ  
 ۶ اـسـتـ \* بـهـ اـيـامـ خـنـوخـ مـتـقـلـ کـشتـ تـاـ مـوتـ رـاـهـ بـيـندـ وـنـايـلـ شـدـ چـراـکـهـ خـداـ اوـراـ  
 ۷ مـتـقـلـ سـاختـ زـيرـاـقـيلـ اـزـاـنـقـالـ وـيـ شـهـادـتـ دـادـهـ شـدـ کـهـ رـضـامـنـدـيـ خـدارـاـ حـاـصـلـ  
 ۸ کـرـدـ \* لـكـنـ بـدـونـ اـيـامـ تـحـصـيلـ رـضـامـنـدـيـ اوـ حـالـ استـ زـيرـاـ هـرـکـهـ تـغـرـبـ بـجـدـاـ  
 ۹ جـوـيدـ لـازـمـ استـ کـهـ اـيـامـ آـورـدـ بـرـايـنـکـ اوـ هـسـتـ وـجـوـيـنـدـکـانـ خـودـراـ جـزاـ مـيـدـهـ \*  
 ۱۰ بـهـ اـيـامـ نـوـحـ چـونـ درـيـارـهـ اـمـورـيـکـهـ تـاـ آـنـ وـقـتـ دـيـنـ نـشـتـ الـامـ باـفـهـ بـوـدـ خـداـ تـرـسـ شـتـ  
 ۱۱ کـشـتـيـ بـهـجهـهـ أـهـلـ خـانـهـ خـودـ بـسـاخـتـ وـيـانـ دـيـارـاـ مـلـزـمـ سـاخـتـ وـارـثـ آـنـ عـدـالـيـهـ اـزـيـانـ  
 ۱۲ اـسـتـ کـرـدـبـدـ \* بـهـ اـيـامـ اـبـراهـيمـ چـونـ خـوانـهـ شـدـ اـطـاعـتـ غـوـدـ وـيـرـونـ رـفـتـ بـسـتـ

- ۷ رغبت نداشتی \* آنکاه کشم اينك سلام (در طومار کتاب در حق من مكتوب است)
- ۸ تا اراده نرا ابخدا بجا آورم \* چون پيش ميگويد هدایا و قربانها و قربانهای سوختی و قربانهای کاهرا غواستی و با آنها رغبت نداشتی که آنها را بحسب شریعت ميکذراند \*
- ۹ بعد كفت که اينك میام تا اراده نرا ابخدا بجا آورم پس اولرا
- ۱۰ برمیدارد تا دو مرآ استوار سازد \* و باين اراده مقدس شدام بقربانی جسد عيسی
- ۱۱ سمع يگرنیه فقط \* و هرگاهن هر روزه بخدمت مشغول بوده میاستد و همان
- ۱۲ قربانهارا مکرراً ميکذراند که هر تزريق کاهان را غتواند کرد \* لکن او چون
- ۱۳ يك قربانی برای کاهان کذراند بنشت راست خطا بشست تا ابد الاباد \*
- ۱۴ ازان متظر است تا دشمناش پای انداز او شوند \* ازان روکه يك قربانی مقدس ازرا
- ۱۵ كامل کردانیه است تا ابد الاباد \* و روح القدس نيز برای ما شهادت میدهد زیرا
- ۱۶ بعد ازان که كفته بود \* این است آنهديکه بعد ازان آیام با ايشان خواهم بست
- ۱۷ خداوند ميگويد احکام خودرا در دلهای ايشان خواهم نهاد و بر ذهن ايشان مرقوم خواهم داشت \* (باز ميگويد) و کاهان و خطای ايشان را ديگر ياد نخواهم
- ۱۸ آورد \* اما جائیکه آمرزش اينها هست ديگر قربانی کاهان نیست \*
- ۱۹ پس اى برادران چونکه بخون عيسی دلبری داريم تا عکان اقدس داخل شويم \*
- ۲۰ از طريق تازه وزنده که آنرا مججه ما از ميان پرده يعني جسم خود مهنا نموده است \*
- ۲۱ و کاهني بزرگ را برخانه خدا دارم \* پس بدل راست در یقین ايان دلهای خودرا
- ۲۲ از ضمير بد پاشیده و بدنهای خود را بآب پاك غسل داده نزدیك یائمه \* و اعتراف
- ۲۳ اميد را حکم نکاه داريم زيرا که وعد دهنده امين است \* و ملاحظه يكديگر را بهائمه
- ۲۴ تا محبت و اعمال نیکو ترغیب یائمه \* و از باهم آمدن در جماعت غافل نشوم چنانکه بعضی را عادت است بلکه يكديگر را نصیحت کیم و زیادتر به اندازه که میبینید که
- ۲۵ آنروز نزدیک میشود \* زیرا که بعد از پذيرفتن معرفت راستی اکر عدا کاهکار
- ۲۶ شوم ديگر قربانی کاهان باقی نیست \* بلکه انتظار هولناک عذاب و غيرت اتشی که
- ۲۷ مخالفان را فرو خواهد برد \* هر که شریعت موسی را خوار شود بدون رسم بد و پاشه
- ۲۸ شاهد کشته میشود \* پس بجه مقدار کام میکنید که آنکس مسخر عقوبت سختر
- شمرده خواهد شد که پسر خدارا بامال کرد و خون عهد براک کام مقدس کردانید

- ۱۶ بیانند\* زیرا در هر جایکه وصیت است که موت و صبت کشکرا نصور  
 ۱۷ کنند\* زیرا که وصیت بعد از موت ثابت می شوده زیرا مادامیکه وصیت کننده  
 ۱۸ زن است استحکای ندارد\* واژای نزو آن اول نیز بدون خون برقرار نشد\*  
 ۱۹ زیرا آن چون موسی تمامی احکام را بحسب شریعت بسع فوم رسانید خون کوساله ها  
 و بزهارا با آب و پشم قرمز و زوفا کرفته آنرا برخود کتاب و نمای فوم باشید\*  
 ۲۰ و گفت این است خون آنهد بکه خدا با شما قرار داد\* و همچین خبیه و جمیع  
 ۲۱ آلات خدمت را نیز بخون پالاود\* و بحسب شریعت تقریباً هه چیز بخون طاهر می شود  
 ۲۲ و بدون ریختن خون آمرزش نیست\* پس لازم بود که مثلهای چیزهای ساوی  
 به اینها طاهر شود لئن خود ساویات بقراطیهای نیکوکر از اینها\* زیرا مسجع بقدس  
 ۲۴ ساخته شده بdest داخل شد که مثال مکان حقیقی است بلکه بخود آیمان نا  
 آنکه آن در حضور خدا بجهة ما ظاهر شود\* و نه آنکه جان خود را بارها  
 ۲۵ قربانی کند مانند آن رئیس کهنه که هر سال با خون دیگری بکان افس داخل  
 ۲۶ می شود\* زیرا در این صورت می بایست که او از بنیاد عالم بارها زحمت کشید مائد  
 ۲۷ لکن آن بکرنده در او اخر عالم ظاهر شد تا بقراطی خود کاهرا محسوس شد\* و چنانکه  
 ۲۸ مردم را یک بار مردن و بعد از آن جزا یافتن مقرر است\* همچین مسجع نیز چون  
 بکار قربانی شد تا کاهان بسیار برآ رفع نماید بار دیگر بدون کاه برای کسانیکه  
 متظر او می باشد ظاهر خواهد شد بجهة بخات\*

### باب دم

- ۱ زیرا که چون شریعت را سایه نهیهای آیند است نه نفس صورت آن چیزها آن  
 هرگز نمیتواند هر سال بهمان قربانیهای که پیوسته میکذرانند تقریب جویندگان را  
 ۲ کامل کردند\* والا آیا کذرانیدن آنها موقوف نمی شد چونکه عادات کنندگان  
 ۳ بعد از آنکه یکبار باشند دیگر خس کاهان را در ضمیر نمیداشند\* بلکه در اینها  
 ۴ هر سال یادکاری کاهان می شود\* زیرا حال است که خون کاوه و بزها رفع  
 ۵ کاهان را بکند\* لهذا هنکامیکه داخل جهان می شود میکوبد قربانی و هدیه را  
 ۶ نخواستی لکن حسدی برای من مهیا ساختی\* بقراطیهای سوختنی و قربانیهای کاه

۱۲ بر نصیرهای ایشان نزخم خواهم فرمود و کاها نشانرا دیگر بیاد نخواهم آورد \* پس  
چون تازه کفت اول را کهنه ساخت و آنچه کهنه و پیر شک است مشرف بروزوال است \*

بام، نهم

- ۱ خلاصه آن عهد اول را نیز فرایض خدمت و قدس دنبوی بود \* زیرا خبیثه
- ۲ اول نصب شد که در آن بود چرا غدان و میز و نارِ نقدمه و آن بقدس مسیح  
کردید \* و در پشت پرده دوم بود آن خبیثه که بقدس القداس مسیح است \*
- ۳ که در آن بود میعنی زرین و تابوت شهادت که همه اطرافش بطلا آراسته بود و در  
آن بود حکمة طلا که پر از من بود و عصای هارون که شکوفه آورده بود و دلوج
- ۴ عهد \* و بر زیر آن کترویان جلال که برخت رحمت سایه کشته میبودند و آن  
جای تنصیل انها نیست \* پس چون این چیزها بدینطور آراسته شد کهنه بجهة
- ۵ ادای لوازم خدمت پیوسته بمنیه اول درمیابید \* لکن در دوم سالی بگرتبه  
رئیس کهنه تنها داخل میشود و آن هم به بدون خوبیکه برای خود و برای جهالات
- ۶ قوم میکندراند \* که باین هه روح القدس اشاره میباشد براینکه مادامیکه خبیثه
- ۷ اول بریاست راه مکن اقدس ظاهر نمیشود \* و این مثلی است برای زمان حاضر  
که بحسب آن هدایا و فربایهارا میکندراند که فوت ندارد که عبادت کنندرا
- ۸ از جهه ضمیر کامل کرداند \* چونکه اینها با چیزهای خوردنی و آشامیدنی و طهارات
- ۹ مختلطه فقط فرایض جدی است که تا زمان اصلاح مفتر شده است \* لیکن  
مسیح چون ظاهر شد نارئیس کهنه نعمتی اینکه باشد بمنیه بزرگتر و کاملتر و نا
- ۱۰ ساخته شده بددست یعنی که از این خلفت نیست \* و نه بخون بزما و کوسالها بلکه
- ۱۱ بخون خود بگرتبه فقط بگران اقدس داخل شد و فدیه ابدیرا بافت \* زیرا هر کاه
- ۱۲ خون بزها و کاوان و خاکستر کوساله چون برآلو دکان پاشید میشود تا بطهارت
- ۱۳ جسو مقلنس میسازد \* پس آیا چند مرتبه زیاده خون مسیح که بروح ایلی  
خوبیشنرا بعیب بخدا کذرا نماید \* و از اینجهه او منوط عهد تازه ایست تا چون موت
- ۱۴ خدای زنک را خدمت نماید \* و از اینجهه او منوط عهد تازه ایست تا چون موت  
برای کفاره نصیرات عهد اول بوقوع آمد خواند شدکان و عنده میراث ابدیرا

است قدوس و بی آزار و بی عیب و از کامکاران جدا شد و از آسمانها بلندتر گردیده \*  
 ۲۷ که هر روز محتاج نباشد هنال آن رؤسای کهنه که اول برای کاهان خود و بعد  
 برای قوم فربانی بکذراند چونکه اینرا یکبار فقط بجا آورد هنکامیکه خود را بفریانی  
 ۲۸ کذراند \* ازانزو که شریعت مردمانیرا که کمزوری دارند کاهن می‌سازد لکن  
 کلام قسم که بعد از شریعت است پس از را که نا ابدال آباد کامل شد است \*

### باب هشتم

- ۱ پس مقصود عمه از اینکلام این است که برای ما چنین رئیس کهنه هست که
- ۲ در اسمانها بدست راست خفت کریا نشته است \* که خادم مکان اقدس و آنچه
- ۳ حقیق است که خداوند آنرا بربا نمود نه انسان \* زیرا که هر رئیس کهنه مفتر  
می‌شود تا هدایا و فربانیها بکذراند و از بجهة واجب است که اورا نیز چیزی باشد
- ۴ که بکذراند \* پس اگر بر زمین می‌بود کاهن نمی‌بود چون کسانی هستند که بقانون
- ۵ شریعت هدایارا می‌کذرانند \* وایشان شبیه و سایه چیزهای آسانی را خدمت  
می‌کنند چنانکه موسی ملهم شد هنکامیکه عازم بود که خیمه را بازد زیرا بد و می‌کوید
- ۶ آسانه باش که هی چیزرا با آن نمونه که در کوه بتوشان داده شد بازی \* لکن  
آن او خدمت نیکوترا یافته است بقدار یکه متوجه عهد نیکوترا نیز هست که بر
- ۷ وعدهای نیکوترا مرتب است \* زیرا اگر آن اول بی عیب می‌بود جائی برای
- ۸ دیگری طلب نمی‌شد \* چنانکه ایشان را ملامت کرده می‌کوید خداوند می‌کوید اینک  
ایم می‌باید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی ناره استوار خواهم نمود \*
- ۹ نه مثل آن عهديکه با پدران ایشان بست در روزیکه من ایشان را دستگیری نمود نا از  
زمین مصر برآوردم زیرا که ایشان در عهد من ثابت نماندند پس خداوند می‌کوید
- ۱۰ من ایشان را و آکدارم \* و خداوند می‌کوید این است آن عهديکه بعد از آن ایام با  
خاندان اسرائیل استوار خواهم داشت که احکام خود را در خاطر ایشان خواهم  
نهاد و بر دل ایشان مرقوم خواهم داشت و ایشان را خدا خواهم بود و ایشان مرقوم
- ۱۱ خواهد بود \* و دیگر کسی همایه و برادر خود را تعلیم نخواهد داد و نخواهد
- ۱۲ گفت خداوند را بشناس زیرا که هی از خورده و نزد مرخواهند شناخت \* زیرا

- ۰ بد و داد\* و اماً ازاولاد لاوي کهانترا ميهابند حکم دارند که از قوم  
مجسم شریعت دهیک بکرند یعنی از برادران خود با آنکه ایشان نیز در صلب  
۶ ابراهیم پدید آمدند\* لکن آنکس که نسبت بدیشان نداشت از برادر ایشان نیز در صلب  
۷ کرفته و صاحب وعد هارا برکت داده است\* و بدون هرشبه کوچک از برادر  
۸ برکت داده میشود\* و در اینجا مردمان مردانی دهیک بکرند اما در آنها کسیکه  
۹ بزرگ بودن وی شهادت داده میشود\* حتی آنکه کویا میتوان گفت که بواسطه  
۱۰ ابراهیم از همان لاوي که دهیک بکرد دهیک کرفه شد\* زیرا که هنوز در صلب  
۱۱ پدر خود بود هنکامیکه ملکبصیدق اورا استقبال کرد\* و دیگر آگر از  
کهانت لاوي کمال حاصل میشد (زیرا قوم شریعترا برآن یافندند) بازچه احیای  
میبود که کاهن دیگر بر رتبه ملکبصیدق مبعوث شود و منکور شود که بر رتبه  
۱۲ هارون نیست\* زیرا هر کاه کهانت تغییر میپذیرد البته شریعت نیز تبدیل میباشد\*  
۱۳ زیرا او که این شخص در حق وی کفته میشود از سبط دیگر ظاهر شد است که احمدی  
۱۴ از آن خدمت فربانکاه را نکرده است\* زیرا واضح است که خداوند ما از سبط  
۱۵ یهودا طلوع فرمود که موسی در حق آنسیط از جهه کهانت هیچ نکفت\* و نیز  
۱۶ بیشتر میین است از اینکه بمثال ملکبصیدق کاهنی بطور دیگر باید ظهور نماید\* که  
۱۷ بشریعت و احکام جسمی مبعوث نشود بلکه بقوت حیات غیر فانی\* زیرا شهادت  
۱۸ داده شد که تو نا میباشد کاهن هستی بر رتبه ملکبصیدق\* زیرا که حاصل میشود هم  
۱۹ نفع حکم ساقی بعلت ضعف و علم فایده آن\* (از آنچه که شریعت هیچ چیز را  
۲۰ کامل نمیکرددند) وهم برآوردن امید نیکوترا که آن نقرت بخدا میتوشم\* و بقدر  
۲۱ آنکه این بدون قسم نمیباشد\* زیرا ایشان ییقم کاهن شدند ولیکن این با قسم  
از او که بموی میکوید خداوند قسم خورد و تغییر اراده غنواهد داد که تو کاهن ابدی  
۲۲ هستی بر رتبه ملکبصیدق\* بهین قدر نیکوترا است آن عهد بکه عیسی خامن آن  
کردید\* و ایشان کاهنان سیار میشوند از جهه آنکه موت از باقی بودن ایشان  
۲۴ مانع است\* لکن وی چون نا میباشد باقی است کهانت پیروال دارد\* از اینچه  
نهز قادر است که آنها را که بوسیله وی نزد خدا آیند نجات پینهایت بخشد چونکه  
۲۵ دلخواه زنده است تا شفاعت ایشان را بکند\* زیرا که ملا رجیس رئیس کهنه شابسته

- برآن میافند میغورد و نباتات نیکو برای فلاحان خود میروپاند از خدا برکت  
 ۸ میباید \* لکن آگر خار و خسک میروپاند متزوك و قرین بلعنت و در آخر سوخته  
 ۹ میشود \* اما ای عزیزان درحق شما چیزهای بیشتر و قرین نجاترا بقین میدارم  
 ۱۰ هرچند بدینطور حقن میکوئم \* زیرا خدا بی انصاف بست که عمل شما و آن  
 همیشترا که باش او از خدمت مقدسین که در آن مشغول بوده وهشید ظاهر کردما یاد  
 ۱۱ فراموش کد \* لکن آرزوی این دارم که هر یک لزشما همین جد و جهود را برای  
 ۱۲ بقین کامل امید نا به انتهاء ظاهر غائید \* و کامل مشوبد بلکه افتداه کرد آنایرا  
 ۱۳ که به ایمان و صبر و ارت و عندها میباشد \* زیرا و فیکه خدا به ابراهیم وعد داد  
 ۱۴ چون بزرگتر از خود قسم شوانست خورد بخود قسم خورده کفت \* هر آینه من  
 ۱۵ نرا برکت عظیمی خواهم داد و ترا بینهاست کثیر خواهم کردانید \* و همین چون  
 ۱۶ صبر کرد آن و خلاص را یافت \* زیرا مردم بآنکه بزرگتر است قسم میغورند و نهایت  
 ۱۷ هر عاصمه ایشان قسم است نا اثبات شود \* از اینرو چون خدا خواست که عدم  
 تغیر اراده خود را بوارثان وعده گذاشت بیشار ظاهر سازد قسم در میان آورد \*  
 ۱۸ نا به دو امر بی تغیر که میکن نیست خدا در انها دروغ کوید نسل قوی حاصل  
 شود برای ما که پناه بردم نا بآن امیدیکه در پیش ما کذارده شد است نسک  
 ۱۹ جوئم \* و آنرا مثل لکری برای جان خود ثابت و پایدار دارم که در درون  
 ۲۰ حجاب داخل شده است \* جانیکه آن پیشو برای ما داخل شد یعنی عیسی که  
 بر رتبه ملکیک صدق رئیس کهنه کردید نا ابداء باد \*

### باب هفتم

- ۱ زیرا این ملکیک صدق پادشاه سالم و کاهن خدای تعالی هنکامیکه ابراهیم از شکست  
 ۲ دادن ملوک مراجعت میکرد اورا استقبال کرده بدو برکت داد \* و ابراهیم نیز  
 از همه چیزها ده یک بدو داد \* او اول نزجه شد پادشاه عدالت است و بعد  
 ۳ ملک سالم نیز یعنی پادشاه سلامتی \* بی پدر و بحادر و پینسب نامه و بدون ایندای  
 ۴ آیام و انتهاءی حیات بلکه بشیوه پسر خدا شد کاهن دائم میماند \* پس ملاحظه  
 کرد که این شخص چه قدر بزرگ بود که ابراهیم پاتری پارچ نیز از بهترین غلام ده یک

- ۱ در امور الهی نا هدایا و قریانها برای کاهان بکذراند \* که با جاهلان و کراعن  
 ۲ میتواند ملایت کند چونکه او نیز در کنوری کرفته شده است \* و بسب این  
 ۳ کنوری اورا لازمت چنانکه برای قوم همین برای خوبشتن نیز قربانی برای  
 ۴ کاهان بکذراند \* و کسی این مرتبه را برای خود نمیکرد مگر وقیکه خدا اورا  
 ۵ بخواند چنانکه هاروزا \* و همین سیج نیز خود را جلال نداد که رئیس کهنه  
 ۶ بشود بلکه او که بوی گفت تو پسر من هستی من امروز ترا تولد نهادم \* چنانکه  
 ۷ در مقام دیگر نیز میکوید تو نا باید کاهن هستی بر زنیه ملک صدق \* واو در آیام  
 ۸ بشریت خود چونکه با فریاد شدید واشکه نزد او که بر هاندنش از موت قادر  
 ۹ بود نصرع و دعای بسیار کرد و بسب نتوای خویش مستجاب کردید \* هرجند  
 ۱۰ پسر بود به صیبت هائیکه کشید اطاعت را آموخت \* و کامل شد جمیع مطبعان خود را  
 ۱۱ سبب نجات جاودانی کشت \* و خدا اورا بر رئیس کهنه مخاطب ساخت بر زنیه  
 ۱۲ ملک صدق \* که در باره او مارا سخنان بسیار است که شرح آنها مشکل  
 ۱۳ میباشد چونکه کوشاهی شما سنگین شد است \* زیرا که هرجند با این طول زمان  
 ۱۴ شمارا میباشد معلمان باشد باز محاججه که کسی اصول و مبادی الهامات خدارا  
 ۱۵ بشما یا موزد و عنایح شیر شدید نه غذای فوی \* زیرا هر که شیر خواره باشد  
 ۱۶ در کلام عدالت نا آزموده است چونکه طفل است \* آما غذای فوی ازانی بالغان  
 است که حواس خود را بوجب عادت ریاضت داده اند نا تپیز نیک و بدرا بکنند \*

### باب ششم

- ۱ ببارین از کلام ابتدای سیج در کذشته بسوی کمال سبفت بجهنم و بار دیگر ببیاد  
 ۲ توبه از اعمال مرده و ایمان بخدان نهیم \* و تعلیم نهیدها و نهادن دستها و قیامت  
 ۳ مردکن و داوری جاودانی را \* و بینرا بجا خواهم آورد هر کاه خدا اجازت دهد \*  
 ۴ زیرا آناییکه یکبار منور کشند ولذت عطای سما و پیرا چشیدند و شریک روح القدس  
 ۵ کردندند \* ولنت کلام نیکی خدا و فتوت عالم آیند را چشیدند \* اگر پیشند  
 ۶ محل است که ایشانرا بار دیگر برای توبه نازه سازند در حال تیکه پسر خدارا برای  
 ۷ خود باز مصلوب میکنند و اورا بحرمت میسازند \* زیرا زیبیکه بارانها که بارها

## باب چهارم

- ۱ پس بتریم مبادا با آنکه وعنه دخول در آرای وی باقی میباشد ظاهر شود که
- ۲ احدی از شا فاصله شد باشد \* زیرا که ها نیز به نال ایشان بشارت داده شد لکن
- ۳ کلامیکه شنیدند بدیشان نفع نجاشید از اینرو که با شنووند کان به این مخد نشدند \*
- ۴ زیرا ما که ایمان آوردم داخل آن آرای میکردیم چنانکه کتفه است در خشم خود
- ۵ قسم خوردم که با آرای من داخل خواهند شد و حال آنکه اعمال او از آفرینش
- ۶ عالم به اقام رسید بود \* و در مقام درباره روز هفت کفت که در روز هفتم خدا
- ۷ از جمیع اعمال خود آرای کرفت \* و باز در این مقام که به آرای من داخل خواهند
- ۸ شد \* پس چون باقی است که بعضی داخل آن بشوند و آنایکه پیش بشارت
- ۹ یافندند بسبب نافرمانی داخل شدند \* باز روزی معین میفرماید چونکه بزیان
- ۱۰ داود بعد از مدت مدبدي امروز ساخت چنانکه پیش مذکور شد که امروز اکر
- ۱۱ آواز اورا بشنويد دل خود را سفت مسازید \* زیرا آکر بوضع ایشان را آرای داده
- ۱۲ بود بعد از آن دیگر را ذکر نمیکرد \* پس برای قوم خدا آرای سبت باقی میماند \*
- ۱۳ زیرا هر که داخل آرای او شد او نیز از اعمال خود پیار نماید چنانکه خدا از اعمال
- ۱۴ خوبی \* پس جذ و جهد بکیم تا بآن آرای داخل شویم مبادا کسی در آن نافرمائی
- ۱۵ عبرت آمیز یافتد \* زیرا کلام خدا زنگ و مقتدر و برق تراست از هر شیخ دودم
- ۱۶ و فرو رونه تا جدا کند نفس و روح و مناصل و مغزرا و همیز افکار و بینهای قلب
- ۱۷ است \* و همیج خلقت از نظر او مخفی نبست بلکه هه چیز در چشیان او که کار ما
- ۱۸ با وی است بر همه و مکثی میباشد \* پس چون رئیس کهنه عظیمی
- ۱۹ دارم که از آسمانها در کذشته است یعنی عیسی پسر خدا اعتراف خود را همک بدارم \*
- ۲۰ زیرا رئیس کهنه نهارم که تواند همدرد ضعفهای ما بشود بلکه آزموده شن در هر
- ۲۱ چیز به نال ما بدون کاه \* پس با دلیری نزدیک بمحفل فیض بیانم تا رحمت پیام
- ۲۲ و فیضیرا حاصل کنم که در وقت ضرورت (مارا) اعانت کد \*

## باب پنجم

- ۱ زیرا که هر رئیس کهنه از میان آدمیان کرفته شد برای آدمیان مفتر میشود

۱۸ مشابه برادران خود شود تا در امور خدا رئیس کهنه کرم و امین شد کفاره کها هن  
۱۹ قوم را بکند \* زیرا که چون خود عذاب کنند غیر به دید استطاعت دارد که  
غیر به شد کارا اعانت فرماید \*

## باب سوم

- ۱ پابرین ای برادران مندس که در دعوت ساوی شریک هستند در رسول
- ۲ ورئیس کهنه اعتراف ما بعنی عیسی تأمل کید \* که نزد او که ویرا معین فرمود
- ۳ این بود چنانکه موسی نیز در قام خانه او بود \* زیرا که این شخص لایق اگرای  
پیشتر از موسی شده شد با آن اندازه که سازنده خانه را حرمت پیشتر از خانه است \*
- ۴ زیرا هر خانه بست کنی بنا میشود لکن باز هم خاست \* و موسی مثل خادم  
در قام خانه او امین بود تا شاهادت دهد بر چیز های که میباشد بعد کفته شود \*
- ۵ و اما مسیح مثل پسر برخانه او و خانه او ماهستم بشرطیکه تا به انتهاء بدلبزی و فرامید
- ۶ خود متسلک باشیم \* پس چنانکه روح الفدس میکوید امروز آکر آواز اورا بشنوید \*
- ۷ دل خود را سخت مسازید چنانکه در وقت حبیش دادن خشم او در روز امتحان
- ۸ دریابان \* جاییکه پدران شما مرا اخغان و آزمایش کردند و اعمال مرانا مدت
- ۹ چهل سال میبدند \* از آینجهه با آن کروه خشم کرفته کفتم ایشان بیوسته در
- ۱۰ دلهای خود کراه هستند و راههای مرا نشا خنند \* تا در خشم خود قسم خوردم که
- ۱۱ بازاری من داخل نخواهند شد \* ای برادران با حذر باشد میادا در یکی از شما
- ۱۲ دل شربر وی ایان باشد که از خدای حق مرند شوید \* بلکه هر روزه همدیکر را  
نصبیعت کنید مادامیکه امروز خوانک میشود مبادا احدی از شما بغایب که اه سخت
- ۱۳ دل کردد \* از آنرو که در مسیح شریک کشتم آکر به اجدای اعتماد خود تا به انتهاء
- ۱۴ سخت متسلک شوم \* چونکه کفته میشود امروز آکر آواز اورا بشنوید دل خود را
- ۱۵ سخت مسازید چنانکه در وقت جبیش دادن خشم او \* پس که بودند که شنیدند  
و خشم اورا جبیش دادند \* آیا نام آن کروه نبودند که بواسطه موسی از مصر پیرون
- ۱۶ آمدند \* و به که نامتیت چهل سال خشمکن میبود آیا نه با آن عاصیانیکه بدنهای  
ایشان در صحرا رخته شد \* و در بازو که قسم خورد که بازاری من داخل نخواهند شد مکر
- ۱۷ آنان برآ که اطاعت نکرند \* پس دانستم که بسبب می ایان نتوانستند داخل شوند \*

## باب دوم

- ۱ لهنا لازمت که بدقت بلیغ تر آنچه را شنیدم کوش دهم مبادا که از آن ربوده
- ۲ شویم \* زیرا هر کاه کلامیکه بواساطت فرشتگان کتفه شد برقرار کردید بقیه که
- ۳ هر تجاوز و تغافل را جزای عادل میرسید \* پس ما چونه رستگار کردیم اصر
- ۴ از چین نجاتی عظیم غافل باشیم که در ابتداء تکلم بان از خداوند بود و بعد کسانیکه
- ۵ شنیدند برما ثابت کردانیدند \* در حالتیکه خدا نیز با ایشان شهادت میداد
- ۶ بایات و مهرات و انواع فواید و عطاای روح القدس برجسب اراده خود \*
- ۷ زیرا عالم آینه را که ذکر آنرا میکنم مطیع فرشتگان ساخت \* لکن کسی در موضوعی
- ۸ شهادت داده کفت چیست انسان که او را بخاطر آوری یا پسر انسان که ازاو
- ۹ نفقة نهائی \* او را از فرشتگان اندکی پستتر قرار دادی و ناج جلال و آکرامرا برس
- ۱۰ او نهادی و او را بر احوال دستهای خود کاشنی \* همه چیز را زیر پایه ای او نهادی
- ۱۱ پس چون همه چیز را مطیع او کردانید هیچ چیز را نکذاشت که مطیع او نباشد
- ۱۲ لکن ۱ ن هنوز نمیینم که همه چیز مطیع وی شده باشد \* اما او را که اندکی
- ۱۳ از فرشتگان کنتر شد میینم یعنی عیسی را که بزمت موت ناج جلال و آکرام
- ۱۴ بر سر وی نهاده شد تا بقیض خدا برای همه ذاته موتنا بجهشد \* زیرا او را که
- ۱۵ بخاطر وی هزوی همه چیز میباشد چون فرزندان بسیار را وارد جلال
- ۱۶ میکردند شایسته بود که رئیس نجات ایشان را به دردها کامل کردند \* زانو که
- ۱۷ چون مقدس کنن و مقدسان همه از یک میباشد از اینجهه عار ندارد که ایشان را
- ۱۸ برادر بخواند \* چنانکه میکوید اسم ترا ببرادران خود اعلام میکنم و در میان
- ۱۹ کلبسا ترا نسبع خوام خواند \* و ایضاً من بروی توکل خوام نمود و نیز اینک
- ۲۰ من و فرزندانیکه خدا بن عطا فرمود \* پس چون فرزندان درخون و جسم
- ۲۱ شرائکت دارند او نیز همینان در این هردو شریک شد تا بواساطت موت صاحب
- ۲۲ قدرت موت یعنی ای پیش از نیاه سازد \* و آنایرا که از نیس موت نام عمر خود
- ۲۳ کرفتار بندگی میبودند آزاد کردند \* زیرا که در حیثیت فرشتگان را دستگیری
- ۲۴ نمیخاید بلکه نسل ابراهیم را مستکمیری مینماید \* از اینجهه میباشد در هر امری

## رساله بعبرايان

### باب اول

- ۱ خدا که در زمان سلف به اقسام متعبد و طریق‌های مختلف بوساطت انبیاء  
۲ پدران ما نکلم نمود\* در این ایام آخر با بوساطت پسرخود متکلم شد که اورا  
۳ وارث جمیع موجودات فرار داد و بوسیله او عالمهارا آفرید\* که فروغ جلالش  
۴ و خانم جوهرش بوده و بکله فوت خود حامل همه موجودات بوده چون طهارت  
۵ کناهانرا به انعام رسانید بدست راست کهربا در اعلی علیین بشست\* و از فرشتکان  
۶ افضال کردید بقدار آنکه اسی بزرگتر از ایشان پهراشت باقه بود\* زیرا بکدام  
۷ بیک از فرشتکان هر کرکفت که تو پسر من هستی من امروز ترا تولید نمودم وایضاً  
۸ من اورا پدر خواهم بود واو پسر من خواهد بود\* و هنکامیکه خستزاده را باز  
۹ بجهان می‌اورد می‌کوید که جمیع فرشتکان خدا اورا بر سنش کند\* و در حق  
۱۰ فرشتکان می‌کوید که فرشتکان خود را بادها می‌کرداند و خادمان خود را شعله آش\*  
۱۱ اما در حق پسره اینجا نخست تو نا ابد الابد است و عصای ملکوت تو عصای راسن  
۱۲ است\* عدالترا دوست و شرارتر از دشمن میداری بنا برین خدا خدای نونظر  
۱۳ بروغن شدمانی بیشتر از رفاقت مسم کرده است\* و (نیز می‌کوید) تو ای خداوند  
۱۴ در ابتداء زمینرا بنا کردي و افالک مصنوع دستهای نست\* آنها فانی لکن تو باقی  
۱۵ هستی و جمیع آنها چون جامه مدرس خواهد شد\* و مثل ردا آنها را خواهی  
۱۶ بسید و تغیر خواهد یافت لکن تو همان هستی و سالهای تو نام خواهد شد\* و بکدام  
۱۷ بیک از فرشتکان هر کرکفت بنشین بدست راست من تا دشمنان ترا مای انداز  
۱۸ تو سازم\* آیا همکنی ایشان روحهای خدمتکننار نیستند که برای خدمت آنها که  
۱۹ وارث نجات خواهند شد فرستاده می‌شوند\*

۲۰ خواهم کرد نا بنو نکويم که بجان خود نبز مدبوون من هستي \* بلى اى برادر نا من  
 ۲۱ ازنو در خداوند برخوردار شوم پس جان مرا در مسيح نازكي بدء \* چون  
 براطاعت نو اعتماد دارم بتو مينويسم از آنجه که ميدانم يشتر از آنجه ميکويم م  
 ۲۲ خواهی کرد \* معهذا متلى نيز برای من حاضر کن زيرآنه اميدوارم از دعاهای  
 ۲۳ شما بشما بخنيده شوم \* آيفراس که در مسيح عبسی هزندان من است و مرقس \*  
 ۲۴ و آريسترنخُس و دیگار و لوفا هکاران من ترا سلام مبرسا:ند \* فبض خداوند ما  
 عبسی مسيح با روح شما باد آمين \*

---

## رساله پولس رسول بقليمون

۱ پولس اسپر مسیح عیسی و بسموتاوس برادر به فلیمون عزیز و هکلار ما \* و به آینه  
 ۲ عبوبه و آرخیس همساء ما و بکلیسا تیکه در خانهات میباشد \* فیض و سلامتی  
 ۴ از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند با شما باد \* خدای خود را شکر میکنم  
 ۵ و پیوسته ترا در دعاهای خود باد میآورم \* چونکه ذکر محبت و ایمان ترا شنیدام  
 ۶ که بعیسی خداوند و بهمه مقدسین داری \* تا شرآکت اهانت موئیر شود  
 ۷ در معرفتِ کاملِ هر نیکوئی که در ما است برای مسیح عیسی \* زیرا که مرا خوشی  
 کامل و نسلی رفع نمود از محبت تو از آنرو که دلهای مقدسین از تو ای برادر  
 ۸ استراحت میپذیرند \* بدینجهه هر چند در مسیح کمال جسارترا دارم که بآنچه مناسب  
 ۹ است ترا حکم دهم \* لیکن برای محبت سزاوارتر آنست که الیاس نایم هر چند  
 ۱۰ مردی چون پولس هر و لآن اسپر مسیح عیسی نیز میباشم \* پس ترا الیاس میکنم  
 ۱۱ درباره فرزند خود آنیسیم که در زنگرهای خود او را تولد نمودم \* که سابقاً او  
 ۱۲ برای تو پیغایب بود لیکن الحال ترا و مرا فاتنه مند میباشد \* که او را نزد تو بس  
 ۱۳ میفرستم پس تو او را بپذیر که جان من است \* ومن میخواستم که او را نزد خود  
 ۱۴ نگاه دارم تا بعضی نومرا در زنگرهای انجیل خدمت کند \* اما میخواستم کاری  
 بدون رای تو کرده باشم تا احسان تو از راه اضطرار نباشد بلکه از روی اختیار \*  
 ۱۵ زیرا که شاید بدینجهه ساعتی از تو جدا شد تا او را تا پاید در بایی \* لیکن بعد  
 از این نه چون غلام بلکه فوق از غلام یعنی برادر عزیز خصوصاً چن اما چند  
 ۱۷ مرتبه زیادتر بتو هم در جسم و هم در خداوند \* پس هر کاه مرا رفق میدانی او را  
 ۱۸ چون من قبول فرمایم \* اما آنکه ضرری بتو رسانید باشد با طلبی از او داشته  
 ۱۹ باشی آنرا بر من محسوب دار \* من که پولس هستم بحسب خود مینویسم خود ادا

وینه انواع شهوت ولذات بوده در خبیث و حسد بسر میردم که لایق نفرت بودم  
 ۴ و بیریکدیکر بعض میداشتم \* لیکن چون مهر یانی و سلط فیلت دهنده ما خدا ظاهر  
 ۵ شد \* نه بسب اعمالیکه ما بعدالت کرده بودیم بلکه محض رحمت خود مارا نجات  
 ۶ داد بفضل تولد تاره و تازکی که از روح القدس است \* که او را به ما بدل نمندی  
 ۷ افاضه نمود بتوسط نجات دهنده ما عیسی مسیح \* تا بیض او عادل شمرده شد  
 ۸ وارث کردیم بحسب امید حیات جاودانی \* این حقن امین است و در این امور  
 ۹ میخواهم توقد غنیم بلیغ فرمائی تا آنانیکه بخدا ایمان آورند بکوشند که در اعمال نیکو  
 ۱۰ مواظبت نمایند زیرا که این امور برای انسان نیکو و منید است \* واز مباحثات  
 ۱۱ نامعنول و نسب نامه ها و نزاعها و جنگهای شرعی اعراض نما زیرا که بی ثرو و باطل  
 ۱۲ است \* واز کسیکه از اهل بدعت باشد بعد از یک دو نصیحت احتجاب نما \*  
 ۱۳ چون میدانی که چنین کس مرتد واز خود ملزم شد در کاه رفارمیکد \* و قبیکه  
 ۱۴ آنهاش با نیکیک را نزد تو فرستم سعی کن که در نیکوپولیس نزد من آئی زیرا که  
 ۱۵ عزیمت دارم زستانرا در آنجا بسر برم \* زیباس خطیب و آپلسا در سفر ایشان  
 ۱۶ بسی امداد کن تا صلاح همچ چیز نباشد \* و کسان ما نیز نعلم بکیرند که در کارهای  
 ۱۷ نیکو مشغول باشند برای رفع احتیاجات ضروری تا بی ثمر نباشد \* جمیع رفقای  
 ۱۸ من نرا سلام مهربانند و آنانیرا که از روی ایمان مارا دوست میدارند سلام رسانه  
 ۱۹ فیض با هکی شما باد آمین \*

۱۶ ایمانزا همچ چیز پاک نیست بلکه فهم و ضمیر ایشان نہز ملوث است \* مدعی معرفت خدا میباشد اما به افعال خود اورا انکار میکند چونکه مکروه و مقرد هستند و بجهة هر عمل نیکو مردود \*

### باب دوم

- ۱ اما تو سخنان شایسته تعلم صحیح را بکو \* که مردان پیر هشیار و با وقار و خرداندیش
- ۲ و در این وعابت و صبر صحیح باشند \* همین زنان پر در سیرث منفی باشند
- ۳ و نه غبیت کو و نه بنه شراب زیاده بلکه معلمات تعلم نیکو \* نا زنان جوانزا
- ۴ خرد یاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند \* و خرداندیش و عفینه
- ۵ و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهوان خود که مبادا کلام خدا متهم شود \* و بهمن
- ۶ نسق جوانانزا نصیحت فرما نا خرداندیش باشند \* و خودرا در هه چهز غنونه اعمال
- ۷ نیکو ساز و در تعلم خود صفا و وقار و اخلاص را بکاربر \* و کلام صحیح بیغمبر را
- ۸ نا دشن چونکه فرصت بد کفتن در حق ما نیابد خجل شود \* غلامانزا نصیحت نا
- ۹ که آفایان خودرا اطاعت کنند و در هر امر ایشانرا راضی سازند و تقبیض کو نباشد \*
- ۱۰ و دزدی نکنند بلکه کمال دیانترا ظاهر سازند تا تعلم نجات دهنده ما خدارا در هر
- ۱۱ چیز زینت دهنده \* زیرا که فیض خدا که برای هه مردم نجات بخش است ظاهر
- ۱۲ شد \* مارا نادیپ میکند که بیدنی و شهوات دنبورها ترک کرده با خرداندیشی
- ۱۳ وعدالت و دینداری در این جهان زیست کنم \* و آن امید مبارک و خجل جلال
- ۱۴ خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار کنم \* که خودرا در راه ما فدا ساخت نا مارا از هر ناراستی برخاند و امنی برای خود ظاهر سازد که ملک
- ۱۵ خاص او وغیور در اعمال نیکو باشد \* اینرا بکو و نصیحت فرما و در کمال افتخار  
بوبیخ نما و هیچکس ترا حضر نشارد \*

### باب سوم

- ۱ بیاد ایشان آور که حکام و سلاطینرا اطاعت کنند و فرمانبرداری نمایند و برای
- ۲ هر کار بیکو مستعد باشد \* و هیچکسرا بد نکویند و جنگو باشد بلکه ملام و کمال
- ۳ حلمرا با جمیع مردم بجا آورند \* زیرا که ما نہز سابقاً یفهم و نا فرمانبردار و گمراه

## رساله پولس رسول بتیطس

### باب اول

- ۱ پولس غلام خدا و رسول عیسی مسیح برسحسب ایمان برگزیدگان خدا و معرفت
- ۲ آن راستیک در دینداری است \* به امید حیات جاودانی که خداییک دروغ نمیتواند
- ۳ کفت از زمانهای ازلی و عنان آنرا داد \* اما در زمان معین کلام خودرا ظاهر
- ۴ کرد بوعظة که برسحسب حکم نجات دهنده ما خدا من سپرده شد \* نیطرسرا که فرزند حقیق من برسحسب ایمان عام است فیض و رحمت وسلامتی از جانب خدای
- ۵ پدر و نجات دهنده ما عیسی مسیح خداوند باد \* بدینجهة ترا درگریت و آکذاشم
- ۶ نا آنچه را که باقی مانده است اصلاح نمای و چنانکه من بتوام نمودم کشیشان در هر
- ۷ شهر مفتر کی \* آکر کسی بسلامت و شوهریک زن باشد که فرزندان مؤمن دارد
- ۸ بری از نهمت خور و نزد \* زیرا که اُفت مباید چون وکل خدا بسلامت باشد
- ۹ و خود را بایند مزاج با میکسار با زننه با طماع سود فیبع نباشد \* بلکه مهیان
- ۱۰ دوست و خیر دوست و خرداندیش و عادل و منقدس و پرهیز کار \* و منسک
- ۱۱ بکلام امین برسحسب تعلیمیکه یافته نا بتواند بعلم صحیح نصیحت کند و عمالغافل را
- ۱۲ توبیع نماید \* زیرا که باوه کویان و فریبندگان بسیار و منترد میباشد علی المخصوص
- ۱۳ آناییکه از اهل ختنه هستند \* که دهان ایشانرا باید بست زیرا خانه هارا باشکل
- ۱۴ واژگون میسازند و برای سود فیبع تعالم ناشایسته میدهند \* بکی از ایشان که نئی خاصر ایشان است کفته است که اهل گریت هیشه دروغگو و وحش شریز و شکم
- ۱۵ پرست ییکاره میباشد \* این شهادت راست است از بجهة ایشانرا بسختی نوبیع
- ۱۶ فرما نا در ایمان صحیح باشد \* وکوش بکرند به افسانه های پهود و احکام مردمانیکه از راستی انحراف میجویند \* هر چز برای پاکان پاک است لیکن آلدگان و بی

- ۱۵ کرد خداوند اورا بحسب افعالش جزا خواهد داد \* و نوم از او با حذر باش
- ۱۶ زیرا که با هنر ما بشدت مقاومت نمود \* در محتاجه اول من هیچکس با من
- ۱۷ حاضر نشد بلکه همه مرا ترک کردند مباد که این برای شان مسوب شود \* لیکن
- خداوند با من ایستاده ہن قوت داد تا موعله بوسیله من بکمال رسید و نمائی امتهای
- ۱۸ بشنوند و از دهان شیر رسم \* و خداوند مرا از هر کار بد خواهد رهانید و تا
- پلکوت آسانی خود نجات خواهد داده اورا تا ابد آلباد جلال باد آمن \*.
- ۱۹ فریشکا و آکلا و اهل خانه ایسی فورُس را سلام رسان \* آرسُس در فریتن ماند
- ۲۰ امازرو فیس را در میلیس پهار و آکناردم \* سعی کن که قبل از زمستان بیانی
- ۲۱ آفیولس و یودیس ولیس و کلادیه و همه برادران ترا سلام مهربانند \* عبسی
- سیچ خداوند با روح نوباده فیض بر شما باد آمن \*

- ۱۲ واقع شد چگونه زحمات را تحمل مخدوم و خداوند مرا از هه رهای داد \* و هه  
کسانیکه بخواهند در مسجع عیسی بدینداری زیست کنند زحمت خواهند کشید \*
- ۱۳ لیکن مردمان شریر و دغاباز در بدی ترقی خواهند کرد که فریبند و فریب خورده  
۱۴ میباشد \* اما تو در آنچه آموختی و ایمان آورده قایم باش چونکه میدانی از جه  
۱۵ کسان نعلم بافق \* و اینکه از طنولیت کتب مقدسه را دانسته که میتواند نرا  
۱۶ حکمت آموزد برای نجات بوسیله ایمانکه بر مسجع عیسی است \* نامه کتب از الهام  
۱۷ خدا است و بجهة نعلم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت منفرد است \* نا مرد  
خدا کامل و بجهة هر عمل نیکو آراسته بشود \*

#### باب چهارم

- ۱ نرا در حضور خدا و مسجع عیسی که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد  
۲ قسم مقدم و بظهور و ملکوت او \* که بکلام موعله کنی و در فرصت و غیر فرصت  
۳ مواضع باشی و تنبیه و توبیخ و نصیحت نمائی با کمال تحمل و نعلم \* زیرا ایا می‌آید  
که نعلم صحیح را تحمل خواهند شد بلکه بر حسب شهوات خود خارش کوشها  
۴ داشته معلمائنا بر خود فرام خواهند آورد \* و کوشاهای خود را از راستی بر  
۵ کردانیک بسوی انسانها خواهند کرایند \* لیکن تو در هه چیز هشیار بوده تحمل  
۶ زحمات باش و عمل مبشر را بجا آور و خدمت خود را بکمال رسان \* زیرا که من  
۷ آن ریشه میشوم وقت رحلت من رسیده است \* بجهت نیکو جنک کرده ام  
۸ و دوره خود را بکمال رسانید ایمان را محفوظ داشته ام \* بعد از این ناج عدالت  
برای من حاضر شده است که خداوند داور عادل در آن روز هن خواهد داد و نه  
۹ بن فقط بلکه نیز بهمه کسانیکه ظهور اورا دوست میدارند \* سعی کن که بزودی  
۱۰ نزد من آفی \* زیرا که دهاس برای محبت این جهان حاضر مرا نزک کرده به  
۱۱ تسلالونیکی رفته است و گریسکیم به غلطیه و تپس به دلاطیه \* لوفا تنها با من  
۱۲ است \* مرتقی را بر داشته با خود بیاور زیرا که من بجهة خدمت منفرد است \* اما  
۱۳ نیهیکش را به آفسن فرستادم \* ردانهرا که در نزواں نزد کریس کذاستم وقت  
۱۴ آمدنت بیاور و کتب را نیز و خصوصاً رفوق ردا \* ایسکندر مسکر با من بسیار بدینها

۱۹ قیامت آکان شد است و بعضی را از ایمان مறف می‌سازند\* ولیکن بنیاد ثابت  
خدا قائم است و این مهر را دارد که خداوند کسان خود را می‌شناسد و هر که نام  
۲۰ مسیح را خواند از ناراستی کاره جوید\* اما در خانه بزرگ نه فقط ظروف طلا  
۲۱ و نعم می‌باشد بلکه چوبی و کلی نیز اما اینها برای عزت و ایشان برای ذلت\* بس  
اکر کسی خویشتن را از ایشان طاهر سازد ظرف عزت خواهد بود مقدس و نافع  
۲۲ برای مالک خود و مستعد برای هر عمل نیکو\* اما از شهوت جوانی بکریز و با  
آناییکه از قلب خالص نام خداوندرا می‌خوانند عدالت و ایمان و محبت و سلامتی را  
۲۳ تعاقب نمایند\* لیکن از مسائل پیهوده و بی تأدیب اعراض نمایند میدانیکه نزاعها  
۲۴ پدید می‌آورد\* اما بندۀ خدا نباید نزاع کند بلکه با همه کس ملام و راغب بتعلیم  
۲۵ و صابر در مشقت باشد\* و با حلم مخالفین را تأدیب نماید که شاید خدا ایشان را  
۲۶ توبه بخشد ناراستی را بشناسند\* تا از دام ابلیس باز بهوش آیند که مجسّب اراده  
او صید او شوند\*

### باب سیم

۱ اما این را بدان که در ایام آخر زمانهای سخت پدید خواهد آمد\* زیرا که  
مردمان خود پرست خواهند بود و طماع و لاف زن و متکبر و بدکو و نا مطیع  
۲ والدین و نا سپاس و نا پاک\* و بی الفت و کنه دل و غیبت نمایند و نا برهیز و بی  
۳ مروت و متنفر از نیکوئی\* و خیانت کار و نند مزاج و مغروف که عشترا پیشتر  
۴ از خدا دوست میدارند\* که صورت دینداری دارند لیکن فوت آنرا آنکار می‌کند  
۵ از ایشان اعراض نمایند\* زیرا که از ایشان هستند آناییکه بجهله داخل جانه‌ها کشته  
۶ زنان کم عقل را اسیر می‌کنند که باز کاهانرا می‌کشند و به انواع شهوت ریوده  
۷ مشیوند\* و دائمًا تعلم می‌کنند لکن هر کثر معرفت راستی نمی‌توانند رسید\* و هم  
چنانکه پیش و پیش با موسی مقاومت کردند ایشان نیز با راستی مقاومت  
۸ می‌کنند که مردم فاسد العقل و مردود از ایمانند\* لیکن پیشتر ترقی نخواهند کرد  
۹ زیرا که حجافت ایشان بر جمیع مردم واضح خواهد شد چنانکه حجافت آنها نیز  
۱۰ شد\* لیکن نو تعلم و سیرت و قصد و ایمان و حلم و محبت و صبر مرآ پیروی  
۱۱ نمودی\* و زحمات و الام مرآ مثل آناییکه در اصطلاحه و ایقونه ولستره بر من

- ۱۶ هستند از من رخ نافه اند که از آنجله **فیجُلُس و هَرَمُوجِنِس** میباشد \* خداوند  
اهل خانه آنیسیغوروس را نرحم کاد زیرا که او بارها دل مرا نازه کرد و از زنجیر من  
۱۷ عار نداشت \* بلکه چون به رُوم رسید مرا بکوشش بسیار نقص کرده پیدا نمود \*  
۱۸ (خداوند بدو عطا کناد که در آنروز در حضور خداوند رحمت یابد)  
و خدمتها ایرا که در آفسُ کرد تو بهتر میدانی \*

### باب دوم

- ۱ پس تو ای فرزند من در فیضیکه در مسیح عیسی است زورآور باش \* و آنچه  
بشهود بسیار از من شنیدی پردمان امین بسپار که قابل تعلم دیگران هم باشد \*  
۲ چون سپاهی نیکوی مسیح عیسی در محفل زحمات شریک باش \* همچ سپاهی خود را  
۳ در امور روزگار ترفتار نمیسازد تا رضایت آنکه اورا سپاهی ساخت بجوبد \* و اکر  
۴ کسی نیز بپلوانی کند تاجرا بد و نمیدهد آنکه بقانون بپلوانی نکرده باشد \* بزرگی  
۵ که محنت میکند باید اول نصیبی از حاصل ببرد \* در آنچه میکوم تفکر کن زیرا  
۶ خداوند ترا در هه چیز فهم خواهد بخشد \* عیسی مسیح را بمحاطه دار که از نسل  
۷ داود بوده از مردکان بر خاست بر حسب بشارت من \* که در ان چون بذکار  
۸ تا به بندها زحمت میکشم لیکن کلام خدا بسته نمیشود \* و از الجبهه هه زحمات را  
۹ بمحاطه برگزیدکان محمل میشوم تا ایشان نیز بخانیرا که در مسیح عیسی است با  
۱۰ جلال جلوه ای خصیل کند \* این حقن امین است زیرا آنکه با وی مردم با او  
۱۱ زیست هم خواهیم کرد \* و آنکه محمل کنم با او سلطنت هم خواهیم کرد و هر کاه  
۱۲ اورا انکار کنم او نیز مارا انکار خواهد کرد \* آنکه ایمان شویم او امین میباشد  
۱۳ زیرا خود را انکار نمیتواند نمود \* این چیز هارا به یاد ایشان اور و در حضور  
۱۴ خداوند قدغن فرماد که بجادله نکنند زیرا همچ سود نی بخشد بلکه باعث هلاکت  
۱۵ شنودکان میباشد \* وسیع کن که خود را مقبول خدا سازی عاملی که خجل نشود  
۱۶ و کلام خدارا بخوبی اخمام دهد \* و از یاوه کوئنهای حرام اعراض نما زیرا که نا  
۱۷ به فزونی بی دینی ترق خواهد کرد \* و کلام ایشان چون آنکه میغورد و از  
۱۸ انجلمه همیناؤس و فلسطُس میباشد \* که ایشان از حق برکشته می کویند که

## رساله دوم پولس رسول به تیموناؤس

### پام اول

- ۱ پولس به اراده خدا رسول مسیح عیسی بر حسب وعده حیات که در مسیح عیسی
- ۲ است \* فرزند حییب خود تیموناؤس را فیض و رحمت وسلامت از جانت خدای  
بدر و خداوند ما عیسی مسیح باد \* شکر میکنم آنقدر اینها که از ایجاد خود بضمیر  
خالص بندگی او را میکنم چونکه دائمًا در دعاهای خود ترا شبازور باد میکنم \*
- ۳ و مشتاق ملاقات نو هستم چونکه اشکهای ترا بحاطر میدارم تا از خوشی سیر شوم \*
- ۴ زیرا که باد میدارم ایمان بی رای ترا که نخست در جذمات لوئیس و مادرت اینیکی  
سأکن بی بود و مرآ بقین است که در نو نیز هست \* لهذا بیاد تو میآورم که ان
- ۵ عطای خدارا که بوسیله کداشن دستهای من برتو است بر افروزی \* زیرا خدا
- ۶ روح جن را باما نداده است بلکه روح فوت و بخت و نادیب را \* پس از شهادت
- ۷ خداوند ما عار مدار و نه از من که اسیر او میباشم بلکه در زحمات الغیل شریک
- ۸ باش بر حسب فوت خدا \* که مارا بخات داد و بدعوت مندس خواند نه بحسب
- ۹ اعمال ما بلکه بر حسب اراده خود و آن فرضیه قبل از قدم الآیام در مسیح عیسی
- ۱۰ ها عطا شد \* انا الحال آنکار کردید بظهور نجات دهدۀ ما عیسی مسیح که
- ۱۱ موت را نیست ساخت و حیات وی فساد برا روش کردانید بوسیله الغیل \* که
- ۱۲ برای آن من واعظ و رسول وعلم اشها مفتر شدام \* واز اینجهه این زحاجرا  
میکشم بلکه عار ندارم چون میدام به که ایمان آوردم و مرآ بقین است که او قادر
- ۱۳ است که امامت مرا نا آن روز حفظ کند \* نهونه بکر از سخنان صحیح که از من
- ۱۴ شبدی در ایمان و محبتی که در مسیح عیسی است \* آن امامت نیکورا بوسیله روح
- ۱۵ القدس که در ما سأکن است حفظ کن \* از این اکه هست که هه آنایه در اسما

- ۴ دینداری است قبول نناید \* از غرور مست شک همچ نمیداند بلکه در مباحثات  
و مجادلات دیوانه کشته است که از آنها پدید میابد حسد و نزاع و کفر و ظنون شر \*
- ۵ و منازعات مردم فاسد العقل و مرند از حق که می پندارند دین داری سود است \*
- ۶ از چنین اشخاص اعراض نما \* لیکن دینداری با فناعت سود عظیم است \*
- ۷ زیرا که در این دنیا همچ نیاوردم و واضح است که از آن همچ نیتوانم برد \* پس
- ۸ آکر خوراک و بیوشک دارم بلنها فانع خواهم بود \* اما آنانیکه میتوانند دولتند
- ۹ شوند کرفتار میشوند در تجربه و دام و انواع شهوت بی فهم و مضر که مردم را به
- ۱۰ تباہی و هلاکت غرق میسازند \* زیرا که طمع ریشه هه بدیها است که بعضی چون
- ۱۱ در بی آن میکوشیدند از ایمان کمراه کشته خودرا به اقسام دردها سفتند \* ولی تو
- ۱۲ ای مرد خدا از اینها بکریز وعدالت و دینداری و ایمان و محبت و صبر و نواضع را
- ۱۳ پیروی نما \* و جنلک نیکوی ایمان را بکن و بست آورد آن حیات جاودا نیزرا که برای
- ۱۴ ان دعوت شدی و اعتراف نیکو کردی در حضور کواهان بسیار \* نرا وصیت
- ۱۵ میکنم بحضور آخه دانیکه هم را زندگی میبند و مسیح عیسی که در پیش بنطیموس
- ۱۶ پیلاطس اعتراف نیکو نمود \* که تو وصیت را بی داغ و ملامت حفظ کن نا بظهور
- ۱۷ خداوند ما عیسی مسیح \* که آنرا آن شمارک قادر وحد و ملک الملک و رب الارباب
- ۱۸ در زمان معین بظهور خواهد آورد \* که نهایا لاموت و ساکن در نور است که
- ۱۹ نزدیک آن توان شد واحدی از انسان اوران ندین و نیتواند بدب اورانا ابد آباد
- ۲۰ اکرام و فدرت باد آمین \* دولتندان این جهانرا امر فرمای که بلند بروازی
- ۲۱ نکند و بدولت نا پایدار امید ندارند بلکه بخدای زنگ که هه چیزرا دولتندانه
- ۲۲ برای نفع با عطا کند \* که نیکو کار بوده در اعمال صالحه دولتند وسی و کناده.
- ۲۳ دست باشند \* و برای خود اساس نیکو بجهة عالم آیند نهند نا حیات جاودانی را
- ۲۴ بست آرند \* ای نیموتاوس نوآن امانسترا محفوظ دار و از بیهوده کوئیهای
- ۲۵ حرام و از مباحثات معرفت دروغ عراض نما \* که بعضی چون اذعای آن کردند
- ۲۶ از ایمان محرف کشته ده فیض با تو باد آمین \*

فرزندانرا بپرورد و غربام را مهای نموده و پلپهای مقدّسین را شسته و زحمت کشاندا  
 ۱۱ اعاتی نموده و هر کار نیکورا بپروری کرده باشد \* اما یوهای جواهر از این را قبول  
 ۱۲ مکن زیرا که چون از مسیح سرکش شوند خواهش نکاح دارند \* و ملزم می‌شوند  
 ۱۳ از اینکه ایمان نخست را بر طرف کرده اند \* و علاوه بر این خانه بخانه کردش کرده  
 آموخته می‌شوند که یکار باشد و نه فقط بی کار بلکه بپرورد کو و فضول هم که  
 ۱۴ حرفهای ناشایسته می‌زنند \* پس رای من این است که زنان جوان نکاح شوند  
 ۱۵ واولاد بزایند و کدبانو شوند و خصم را مجال مذمت ندهند \* زیرا که بعضی برگشتند  
 ۱۶ بعض شیطان \* اکرم مدیانِ مؤمن بپرورد و بار برکلیسا نهاد  
 ۱۷ نا آنایرا که فی الحقیقته بیوه باشد پرورش نماید \* کشیشانیکه نیکو پیشوای کرده  
 اند مسخر حرمت مضاعف می‌باشد علی المخصوص آنایکه در کلام و نعلم محنت  
 ۱۸ می‌کشند \* زیرا کتاب می‌کوید کشاورا و فنبکه خرم را خورد می‌کند دهن مبند  
 ۱۹ و مزدور مسخر اجرت خود است \* اذعای بریکی از کشیشان جز بزیان دو باشد  
 ۲۰ شاهد مپذیر \* آنایکه کاه کند پیش مه تو بیخ فرمایا نا دیگران بترسند \* در حضور  
 خدا و مسیح عیسی و فرشنگان برگزینند نرا فرم مقدم که این امور را بدون غرض  
 ۲۱ نکاه داری و تبعیج کاری از روی طرفداری مکن \* و دستها بزودی بر هیچکس  
 ۲۲ مکنار و در کاهان دیگران شریک مشو بلکه خود را ظاهر نکاه دارد \* دیگر  
 آشامند آب فقط می‌باش بلکه بجهة شکمت وضعهای بسیار خود شرایی کم می‌فرما \*  
 ۲۴ کاهان بعضی آشکار است و پیش روی ایشان بداوری می‌گزند اما بعضی را تعاقب  
 ۲۵ می‌کند \* و همین اعمال نیکو واضح است و آنها نیکه دیگر کون باشد توان  
 حق داشت \*

### باب ششم

- ۱ آنایکه غلامان زیر بوع می‌باشد آفایان خویش را لائق کمال احترام بدانند که
- ۲ مبادا نام و نعلم خدا بد کفته شود \* اما کسانیکه آفایان مؤمن دارند ایشان را مخبر  
 نهایند از آنها که برادرانند بلکه پیشتر خدمت کنند از آنرو که آنایکه در این
- ۳ احسان مشارک اند مؤمن و محبوبند و باین معانی تعلم و نصیحت فرمایا \* و آکرکسی  
 بطور دیگر تعلم دهد و کلام صحیح خداوند ما عیسی مسیح و آن تعلیقی را که بطريق

۴ زیرا که هر غلوق خدا نیکو است و مسیح چیز را رد نه باید کرد آگر بشکر کذاری  
 ۵ پذیرند \* زیرا که از کلام خدا و دعا نقدیس میشود \* آگر این امور را به برادران  
 بسپاری خادم نیکوی مسیح عیسی خواهی بود تریست یافته در کلام ایمان و تعلم خوب  
 ۷ که پیروی آرا کرده \* لیکن از افسانه های حرام عجوزها احتراز نما و در دین داری  
 ۸ ریاضت بکن \* که ریاضت بدنه اندک فائنه دارد لیکن دینداری برای هر چیز  
 مفید است که وعنه زندگی حال و آینده را دارد \* این سخن امین است ولایق قبول  
 ۹ نام \* زیرا که برای این زحمت و بی احترازی میکشم زیرا امید دارم بخدای زند  
 ۱۰ که جمیع مردمان علی المخصوص مؤمنین را نجات دهنده است \* این امور را حکم  
 ۱۱ و تعلم فرما \* هیچکس جوانی نرا حقیر شمارد بلکه مؤمنین را در کلام و سبرت  
 ۱۲ و محبت و ایمان و عصمت نموده باش \* تا مادامیکه نه آم خود را بفرات و نصیحت  
 ۱۳ و نعلم بسپار \* زنها را آن کرامتی که در تو است که بوسیله نبوت با نهادن دستهای  
 ۱۴ کشیشان بتو داده شد بی اعتنای مهنا \* در این امور نامل نما و در ابها راحت باش تا  
 ۱۵ ترقی نوبر هه ظاهر شود \* خویشن را و تعلم را احتیاط کن و در این امور قائم باش  
 که هر کاه چین کی خویشن را و شنوند کان خویشن را نیز نجات خواهی داد \*

### باب پنجم

۱ مرد پیر را توبیخ میباشد که چون پدر او را نصیحت کن و جوانان را چون برادران \*  
 ۲ زنان بپر را چون مادران و زنان جوانان مثل خواهران با کمال عفت \* بیوه زنان را  
 ۴ آگر فی الحقیقه بیوه باشدند محترم دار \* اما آگر بیوه زنی فرزندان یا نواده ها دارد  
 آموخته بشوند که خانه خود را با دینداری نکاه دارند و حقوق اجاد خود را ادا  
 ۵ کنند که این در حضور خدا نیکو و بسندیده است \* اما زنی که فی الحقیقه بیوه و بی  
 کس است بخدا امدووار است و در صلوات و دعاهای شبانوز مشغول میباشد \*  
 ۶ لیکن زن عیاش در حال حیات مرده است \* و باین معانی امر فرمایانی ملامت  
 ۸ باشند \* ولی آگر کسی برای خویشن و علی المخصوص اهل خانه خود تدبیر نکند  
 ۹ منکر ایمان و بست تراز بی ایمانست \* بیوه زنی که کثراز شصت ساله نباشد و بیک  
 ۱۰ شوهر کرده باشد باید نام او ثبت کردد \* که در اعمال صالح نیک نام باشد آگر

باب سیم

- ۱ این سخن امین است که آگر کسی منصب اُستقی را بخواهد کار نیکو می‌طلبد\*
- ۲ پس اُستقی باید بی ملامت و صاحب بلک زن و هوشیار و خردمند و صاحب نظام
- ۳ و همیان نواز و راغب بتعلم باشد\* نه میکسار یا زنده یا طماع سود قبیح بلکه
- ۴ حلم و نه جنک جوانه زیربرست\* مدبر اهل خانه خود به نیکوئی و فرزندان
- ۵ خوش را در مکال وقار مطبع کرداند\* زیرا هر کاه کسی نداند که اهل خانه
- ۶ خود را تدبیر کند چنکه کلساي خدارا نکاهیانی مینهاید\* و نه جدبد الایان
- ۷ که میادا غرور کرده بحکم ابلیس بینند\*. اما لازم است که نزد آنانکه خارج اند هم
- ۸ نیک نام باشد که میادا در رسوانی و دام ابلیس گرفتار شود\* همین شناسان
- ۹ با وقار باشند نه دو زبان و نه راغب بشراب زیاده و نه طماع سود قبیح\* دارند کان
- ۱۰ سر ایمان در ضمیر پاک\* اما باید اول ایشان آزموده شوند و چون بی عیب بافت
- ۱۱ شدن کار شناسی را بکنند\* و بهمین طور زنان نیز باید با وقار باشند و نه غبیت کو بلکه
- ۱۲ هوشیار و در هر امری امین\* و شناسان صاحب بلک زن باشند و فرزندان و اهل خانه
- ۱۳ خوبیها نیکو تدبیر نمایند\* زیرا آنانکه کار شناسی را نیکو کرده باشند درجه خوب
- ۱۴ برای خوبیشن خصیل می کنند و جلا دیت کامل در ایانکه بسیع عیسی است\* این
- ۱۵ بنو مینویس به امید انکه بزودی نزد تو آم\* لیکن آگر تأخیر اندازم تا بدانی که
- چنکه باید در خانه خدا رفخار کنی که کلساي خدای حق و ستون و بنیاد راستی
- ۱۶ است\* و بالاجماع سر دینداری عظم است که خدا در جسم ظاهر شد و در روح
- تصدیق کرده شد و فرشتگان مشهود کردند و به آنها موعظه کرده و در دنیا ایمان
- آورده و بجلال بالا بردند\*

باب چهارم

- ۱ ولیکن روح صریحًا میکوید که در زمان آخر بعضی از ایمان برگشته به ارواح
- ۲ مصل و تعالیم شیاطین اصفا خواهد نمود\* برای اکثری دروغ کوبان که ضمایر خود را
- ۳ داغ کرده اند\* که از مزاوجت منع می کنند و حکم مینهایند به احتراز از خوراک
- هائیکه خدا آفرید برای مؤمنین و عارفین حق نا آنها را بشکر کذاری میگورند\*

۱۶ هستم \* بلکه از بقیه بر من رحم شد نا اول در من مسیح عیسی کمال حلم را  
ظاهر سازد نا آمانه را که بقیه حیات جاودانی بوی ایمان خواهد آورد نونه باشم \*

۱۷ باری پادشاه سرمدی و باقی ونا دبکرا خدای حکم و حبدرا آکرام و جلال

۱۸ نا ابد الاباد باد آین \* ای فرزند تیموناؤس این وصیت را بتو میسازم بز

۱۹ حسب نبوتهایی که سابقاً بر تو شد نا در آنها جنک نیکوکنی \* وایمان و ضمیر

صالح را نکاه داری که بعضی اینرا از خود دور انداخته مر ایمان را شکسته

۲۰ کشته شدند \* که از آنجله هیمناؤس و اسکندر میباشد که ایشان را بشیطان  
سپردم نا تأدیب شد دیگر کفر نیکویند \*

### باب دوم

۱ پس از همه چجز اول سفارش میکنم که صلوuat و دعاهما و مناجات و شکرهارا  
۲ برای جمیع مردم بجا اورند \* بقیه پادشاهان و جمیع صاحبان منصب نا بآرای  
۳ واستراحت و با کمال دین داری و وقار عمر خود را بسربرم \* زیرا که این نیکو  
۴ و پسندیدن است در حضور نجات دهنده ما خدا \* که میخواهد جمیع مردم نجات  
۵ یابند و یمعرفت راستی کرایند \* زیرا خدا واحد است و در میان خدا و انسان یک  
۶ متواتی است یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد \* که خود را در راه همه فدا داد  
۷ شهادتی در زمان معین \* و برای این من واعظ و رسول و معلم امنها در ایمان  
۸ و راستی مفترز شدم در مسیح راست میکوم و دروغ فی \* پس ارزوی این دارم که  
مردان دست های مقدس را بدون غیظ و جدال بر افراخته در هرجا دعا کند \*

۹ و هم چنین زنان خوب شدن را بیارایند بلیاس مزین بجهما و پرهیز نه بزلنها و طلا

۱۰ و مروارید و رخت کران بها \* بلکه چنانکه زنانی را میشاید که دعوای دین داری

۱۱ میکشند به اعمال صالحه \* زن با سکوت بکمال اطاعت تعلم کردد \* وزن را اجازت

۱۲ نیدم که تعلم دهد یا بر شوهر مسلط شود بلکه در سکوت باشد \* زیرا که ادم

۱۳ اول ساخته شد و بعد حوا \* و آدم فریب خورده بلکه زن فریب خورده در تغصیر

۱۴ کرفتار شد \* اما بزایدین رسنکار خواهد شد آکر در ایمان و محبت و قدوسیت  
ونقوی ثابت ہاند \*

## رساله اول پولس رسول به تیمورتاؤس

### باب اول

- ۱ پولس رسول عیسی مسجح بحکم نجات دهنده ما خدا و مسجح عیسی خداوند که امید
- ۲ ما است \* بفرزند حبیبی خود در ایمان تیمورتاؤس فیض و رحم وسلامی از جانب
- ۳ خدای پدر خداوند ما مسجح عیسی بر تو باد \* چنانکه هنکامیکه عازم مکادونیه  
بودم بشنا الناس نودم که در آفسُس بانی تا بعضی را امر کنی که تعیین دیگر ندهند \*
- ۴ و افسانه ها و نسب نامه های نامتناهی را اصفا نمایند که اینها مباحثات را نه آن تعبیر
- ۵ الهی را که در ایمانست بدید می‌اورد \* اما غایبت حکم محبت است از دل پاک
- ۶ و ضمیر صالح و ایمان بی ریا \* که ازین امور بعضی محرف کشته به بیهوده کوئی
- ۷ نوجه نموده اند \* و میخواهند معلمان شریعت بشوید و حال آنکه نیفهند آنچه
- ۸ میکویند ونه آنچه بنأکد اظهار مینایند \* لیکن میدانیم که شریعت نیکو است اگر
- ۹ کسی آنرا بر حسب شریعت بکار برد \* و این بداند که شریعت بجهة عادل
- ۱۰ موضوع نی شود بلکه برای سرکشان و طاغیان و بی دینان و کاهکاران و ناپاکان
- ۱۱ و حرامکاران و قاتلان بدر و قاتلان مادر و قاتلان مردم \* وزایان ولوطاطان
- ۱۲ و مردم دزدان و دروغ کویان و فسم دروغ خوران و برای هر عمل دیگری که بر
- ۱۳ خلاف تعلم صحیح باشد \* بر حسب انجیل جلال خدای متبارک که هن سپرده شد
- ۱۴ است \* و شکر میکنم خداوند خود مسیح عیسی را که مزا نتویت داد چونکه امین
- ۱۵ شمرده باین خدمت مناز فرمود \* که ساقاً کفر کو و مضر و سقط کو بودم لیکن
- ۱۶ رحم یافتم از آنرو که از جهالت در بی ایمان کدم \* اما فیض خداوند ما بی نهایت
- ۱۷ افزود با ایمان و محبتی که در مسجح عیسی است \* این صحن امین است ولایق قبول
- ۱۸ نام که مسجح عیسی بدنیآمد تا کاهکاران را نجات بخشد که من بزرگترین آنها

## باب سوم

- ۱ خلاصه ای برادران برای ما دعا کنید تا کلام خداوند جاری شود و جلال
- ۲ یابد چنانکه درمیان شما نبز\* و تا از مردم ناشایسته شریر برهم زیرآکه همرا ایمان
- ۳ نیست\* اما امین است آنخداوندی که شمارا استوار و از شریر محفوظ خواهد
- ۴ ساخت\* اما بر شما در خداوند اعتماد دارم که آنچه بشما امر کنم بعمل میآورید
- ۵ و نبز خواهد آورد\* و خداوند دلهای شمارا بحیث خدا و بصر مسیح هدایت
- ۶ کداد\* ولی ای برادران شمارا بنام خداوند خود عیسی مسیح حکم میکنم که از هر
- برادری که بی نظم رفتار میکند و نه بر حسب آن قانونیکه از ما باقهاید اجتناب
- ۷ نمایند\* زیرا خود آگاه هستید که بجهه قسم با افتداء میباشد نبود چونکه درمیان شما
- ۸ بینظم رفتار نکردم\* و نان هیچکسرا مفت غوردم بلکه بمحبت و مشقت شبانه روز
- ۹ بکار مشغول میبودم تا بر احدی از شما بار ننهیم\* نه آنکه اخبار ندارم بلکه تا
- ۱۰ خود را نونه برای شما سازم تا با افتداء نمایند\* زیرا هنکامیکه نزد شما هم میبودم
- ۱۱ اینرا بشما امر فرمودم که آگر کسی خواهد کار نکد خوراک هم غورد\* زیرا
- شیدم که بعضی درمیان شما بینظم رفتار میکنند که کاری نمیکنند بلکه فضول
- ۱۲ هستند\* اما چنین اختصارا در خداوند ما عیسی مسیح حکم و نصیحت میکنم که برای
- ۱۳ کار کرده نان خود را بخورند\* اما شما ای برادران از پنکوکاری خسته خاطر
- ۱۴ مشوید\* ولی آگر کسی سخن مارا در این رساله اطاعت نکند براو نشانه کذارید
- ۱۵ و با وی معاشرت مکنید تا شرمند شود\* اما اورا دشن مشایرید بلکه چون برادر
- ۱۶ اورا تنبیه کنید\* اما خود خداوند سلامتی شمارا پیوسته در هر صورت سلامتی عطا
- ۱۷ کداد و خداوند با همکن شما باد\* تختی بدست من بولس که علامت در هر رساله
- ۱۸ است بدین طور مینویسیم\* فیض خداوند ما عیسی مسیح با جمیع شما باد امین\*

باب دوم

- ۱ اما ای برادران از شما استدعا میکنم در باره آمدن خداوند ما عیسی مسیح وسع
- ۲ شدن ما بند او\* که شما از هوش خود بروزی مغزلزل نشود و مضطرب نگردد
- ۳ نه از روح ونه از کلام ونه از رسالت که کویا از ما باشد بدین مضمون که روز
- ۴ مسیح رسید است\* زنهر کسی بهیچ وجه شمارا نفرید زیرا که تا آن ارتداذ اول
- ۵ واقع نشد و آنرا شریبعن فرزند هلاکت ظاهر نگردد آنروز نخواهد آمد\* که
- ۶ او مخلالت میکند و خودرا بلند تر میسازد از هر چه بعدهای پیغمبر مسیح شود مجذب که
- ۷ مثل خدا در هیکل خدا نشسته خودرا مهباشد که خداست\* آیا باد نیکنید که
- ۸ هنکامیکه هنوز نزد شما میبودم اینرا بشما میکنم\* و لآن آنها را که مانع است
- ۹ میدانند تا او در زمان خود ظاهر شود\* زیرا که آن سریبدینی آن عمل میکند
- ۱۰ فقط نا وقیبک آنکه تا مجال مانع است از میان برداشته شود\* آنکاه آن بیدین
- ۱۱ ظاهر خواهد شد که عیسی خداوند اورا بنفس دهان خود هلاک خواهد کرد
- ۱۲ و بینی ظهور خویش اورا نا بود خواهد ساخت\* که ظهور او بعمل شیطان است با هر
- ۱۳ نوع فوت و آیات و عجائب دروغ\* و بهر قسم فربیت ناراستی برای هالکین از آنجا
- ۱۴ که محبت راسته را نذری فتنه تا نجات یابند\* و بدین جهه خدا به ایشان عمل کمراهی
- ۱۵ میفرستد تا دروغ را باور کنند\* و تا فتوانی شود بر همه کسانیکه راسته را باور نگرددند
- ۱۶ بلکه بnarاستی شاد شدند\* اما ای برادران وای عزیزان خداوند مهباشد ما همینه
- ۱۷ برای شما خدارا شکر غافم که از ابتداء خدا شمارا برگردید برای نجات بتقدیس رفع
- ۱۸ و ایمان براستی\* و برای آن شمارا دعوت کرد بوسیله بشارت با برای تحصیل
- ۱۹ جلال خداوند ما عیسی مسیح\* پس ای برادران استوار باشد و آن روایان را که
- ۲۰ خواه از کلام و خواه از رسالت ما آموخته اید نکله دارید\* و خود خداوند ما
- ۲۱ عیسی مسیح و خدا و پدر ما که مارا محبت نمود و نسلی ابدی و آبدی نیکورا بپیش
- ۲۲ خود را بخشدید\* دلهای شمارا نسلی عطا نکاد و شمارا در هر فعل و قول نیکو
- ۲۳ استوار کرداناد\*

## رساله دوم پولس رسول بتسالونیکیان

### باب اول

- ۱ پولس و سلوانوس و نعموناوس بکلیسای تصالوپیکان که در خدای پدر ما و عیسی مسیح خداوند میباشند\* فیض وسلامت از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند
- ۲ بر شما باد\* ای برادران میباشد همچه بجهة شما خدارا شرکتم چنانکه سزاوار است از آنجا که ایان شما بغاایت نتو میکند و محبت هر پکی از شما حبیما با هدیکر میافزاید\* بجدیکه خود ما در خصوص شما در کلیساهای خدا فخر میکنم بسب صبر و ایمان در همه مصائب شما و عذابها که متحمل آنها میشود\* که دلیل است برداوری عادل خدا تا شما مستحق ملکوت خدا بشوید که برای آن هم زحمت میکنید\* زیرا که این انصافست نزد خدا که عذاب کنندکان شمارا عذاب دهد\* و شمارا که عذاب میکنید با ما راحت بخشد در هنکامیکه عیسی خداوند از آسان با فرشتگان قوت خود ظهور خواهد نمود\* در آتش مشتعل و انتقام خواهد کشید از آنانکه خدارا نمیشناسند و انجلیل خداوند ما عیسی مسیح را اطاعت نمیکنند\* که ایشان بتصاص هلاکت جاودانی خواهند رسید از حضور خداوند و جلال قوت او\* هنکامیکه آبد تا در مقتنان خود جلال پاید و در همه ایانداران از او نتقب کنند در آن روز زیرا که شما شهادت مارا تصدق کردند\*
- ۱۱ و برای این هم پیوسته بجهة شما دعا میکنم که خدای ما شمارا مستحق این دعوت شارد و نام مسرت نیکوئی و عمل ایامرا با قوت کامل کرداند\* تا نام خداوند ما عیسی مسیح در شما تقدیم باید و شما در روی بمحسب فیض خدای ما و عیسی مسیح خداوند\*

- ۶ هستید از شب و ظلت نیستم \* پنابرین مثل دیگران بخواب نروم بلکه بیدار  
 ۷ و هشیار باشم \* زیرا خوایدگان در شب مغواوبند و مستان در شب مست میشوند \*
- ۸ لبکن ما که از روز هستم هشیار بوده جوشن ایمان و محبت و خود امید نجات را  
 ۹ ببوشم \* زیرا خدا مارا تعین نکرد برای غضب بلکه بجهة تحصیل نجات بوسیله  
 ۱۰ خداوند ما عیسی مسیح \* که برای ما مرد ما خواه بیدار باشیم و خواه خواهد هراه  
 ۱۱ وی زیست کنم \* پس هدیکر را تسلی دهد و یکدیگر را بنا کند چنانکه هم  
 ۱۲ میکنید \* اما ای برادران بشما القاس دارم که بشناسید آنان برای که در میان شما  
 ۱۳ زحمت میکشند و پیشوایان شما در خداوند بوده شمارا نصیحت میکنند \* واشان را  
 ۱۴ در نهایت محبت بسبب عملشان محترم دارید و با یکدیگر صلح کنید \* لیکن ای  
 برادران از شما استدعا دارم که سرکشان را بنیمه نمایید و کوتاه دلانرا دلداری دهد  
 ۱۵ وضعقار احیات کنید و با جمیع مردم ختم کنید \* زنها را کسی با کسی بسزای بدی  
 ۱۶ بدی نکند بلکه دائمًا با یکدیگر و با جمیع مردم در بی نیکوئی بکوشید \* پیوسته  
 ۱۷ شادمان باشید \* همیشه دعا کنید \* در هر امری شاکر باشید که این است اراده  
 ۱۸ خدا در حق شما در مسیح عیسی \* روح را الطهاء ممکنید \* نتونهارا خوار  
 ۱۹ مشمارید \* همه چیزرا خقيق کنید \* و با نیچه نیکو است منمسک باشید \*  
 ۲۰ از هر نوع بدی احتراز نمایید \* اما خود خدای سلامتی شمارا بالکل مقدس  
 کرداناد و روح و نفس و بدن شما تمامًا بیعیب حفظ باشد در وقت آمدن  
 ۲۱ خداوند ما عیسی مسیح \* این است دعوت کننده شما که این رام خواهد کرد \*  
 ۲۲ ای برادران برای ما دعا کنید \* جمیع برادران را پیوسته مقدسانه محبت نمایند \*  
 ۲۳ شمارا بخداوند قسم میدم که این رساله برای جمیع برادران مقدس خوانده شود \*  
 ۲۴ فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد آمین \*

- ۰ بداند چونه باید ظرف خوبشتر را در قد و سیست و عزت در باید \* و نه در هوس
- ۱ شهوت مثل امتهای که خدارا نمی‌شناسند \* و تا کسی در این امر دست نطاول با
- ۲ طمع بر برادر خود دراز نکند زیرا خداوند از تمامی چنین کارها انتقام کشته است \*
- ۳ چنانکه سابقاً نیز بشما کفته و حکم کردتم زیرا خدا مرا بنایاکی نخواهد است بلکه
- ۴ بند و سیست \* لهذا هر که حیر شارد انسان را خبر نمی‌شمارد بلکه خدارا که روح قدوس
- ۵ خود را بشما عطا کرده است \* اما در خصوص محبت برادرانه لازم نیست که بشما
- ۶ بنویسم زیرا خود شما از خدا آموخته شدید که بگذیکر را محبت نماید \* و چنین هم
- ۷ می‌کنید با همه برادرانی که در غام مکادونیه می‌باشد لیکن ای برادران از شما القام دارم
- ۸ که زیادتر ترقی کنید \* و حرص باشید در اینکه آرام شوید و بکارهای خود مشغول
- ۹ شد بدستهای خویش کسب نمایید چنانکه شوارا حکم کردم \* نا نزد آنایکه خارج از
- ۱۰ طور شایسته رفتار کنید و به هیچ چیز محتاج نباشید \* اما ای برادران نمی‌توانم شما
- ۱۱ از حالت خوایید کان بیخبر باشید که مبادا مثل دیگران که امید ندارند محظوظ شوید \*
- ۱۲ زیرا اگر باور می‌کنیم که عیسی مرد و برخاست بهمین طور نیز خدا آنانهای را که در
- ۱۳ عیسی خوایید اند با اوی خواهد آورد \* زیرا اینرا بشما از کلام خدا می‌کنیم که ما که
- ۱۴ زنک و تا آمدن خداوند باقی باشیم برخوایید کان سبقت خواهیم جست \* زیرا خود
- ۱۵ خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتنگان و با صور خدا از انسان نازل خواهد شد
- ۱۶ و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست \* آنکه ما که زنک و باقی باشیم با ایشان
- ۱۷ در ابرها ریوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین هیشه با
- ۱۸ خداوند خواهیم بود \* پس بدین معنی هدیکرزا نسلی دهید \*

### باب بیغم

- ۱ اما ای برادران در خصوص وقتها و زمانها احتیاج ندارید که بشما بنویسم \* زیرا
- ۲ خود شما بحقیق آگاهید که روز خداوند چون دزد در شب می‌اید \* زیرا هنگامی که
- ۳ می‌کویند سلامتی و امانست آنکه هلاکت ایشان را تا کهان فرو خواهد کرفت چون
- ۴ درد زه زن حامله را و هر کزرستگار خواهد شد \* لیکن شما ای برادران در ظلمت
- ۵ نیستید تا آنروز چون درد بر شما آید \* زیرا جمع شما پسران نور و پسران روز

### باب سوم

۱ پس چون دیگر شکیبائی نداشتم رضا بدین دادم که مارا در آینما تنها  
 ۲ واکذارند \* و تیموناؤش را که برادر ما و خادم خدا در انجلیل سیع است فرستادم  
 ۳ ناشارا استوار سازد و در خصوص ایمانشان شمارا نصیحت کند \* تا هیچ کس از این  
 ۴ مصاب مترزلن شود زیرا خود میدانید که برای همین مفتر شده‌ام \* زیرا هنگامیکه  
 نزد شما بودم شمارا پیش خبر دادم که میباید زحمت بکشم چنانکه واقع شد  
 ۵ و میدانید \* لهذا من نیز چون دیگر شکیبائی نداشتم فرستادم نا ایمان شمارا تخفین  
 ۶ کم میادا که آن تجربه کشته شمارا تجربه کرده باشد و محنت ما باطل کردد \* اما  
 الحال چون تیموناؤش از نزد شما با رسد و مژده ایمان و محبت شمارا با رسانید  
 و اینکه شما پیوسته مارا نیکو باد میکنید و مشتاق ملاقات ما میباشد چنانکه ما نیز  
 ۷ شایق شما هستیم \* لهذا ای برادران در همه ضيق و مصیبیکه دارم از شما بسب  
 ۸ ایمانان تسلی یافیم \* چونکه آن زیست میکنم اکر شما در خداوند استوار  
 ۹ هستید \* زیرا چه شکرکناری بخدا توانم نمود بسب این هه خوشی که بحضور  
 ۱۰ خدا در باره شما دارم \* که شبانه روز پیشمار دعا میکنم نا شمارا روپرتو ملاقات  
 ۱۱ کنیم و نقش ایمان شمارا بکمال رسانیم \* اما خود خدا یعنی پدر ما و خداوند ما  
 ۱۲ عیسی مسیح راه مارا بسوی شما راست پاورد \* و خداوند شمارا نتو دهد و در  
 ۱۳ محبت با یکدیگر و با هه افروزی بخشد چنانکه ما شمارا محبت پیغامیم \* نا دلهای  
 شمارا استوار سازد بیمی در قدوسیت بحضور خدا و پدر ما در هنکام ظهور  
 خداوند ما عیسی مسیح با جمیع مقدسین خود \*

### باب چهارم

۱ خلاصه ای برادران از شما در عیسی خداوند استدعا والغاس میکنیم که چنانکه  
 از ما یافته‌اید که بجه نوع باید رفتار کنید و خدارا راضی سازید بهمان طور زیادتر  
 ۲ ترقی نمایید \* زیرا میدانید چه احکام از جانب عیسی خداوند بشما دادم \* زیرا که  
 ۳ این است اراده خدا یعنی قدوسیت شما نا از زنا بپرهیزید \* تا هر کسی از شما

- دارید لیکن در خدای خود دلیری کردم تا انجیل خدارا با جذب وجه شدید بشنا  
 ۴ اعلام نمائم \* زیرا که نصیحت ما از کمراهی و خباثت و ریا نیست \* بلکه چنانکه  
 مقبول خدا کشتم که وکلای انجیل بشوم همچین سخن میگوئم و طالب رضامندی  
 ۵ مردم نیستم بلکه رضامندی خدا ایکه دلهای مارا میازماید \* زیرا هر کس سخن تلق آمیز  
 ۶ نکفتم چنانکه میدانید و نه بهانه طمع کردم خدا شاهد است \* و نه بزرگی از خنق  
 ۷ جستم نه از شما و نه از دیگران هرجند چون رسولان مسح بودم متوانستم سنگین  
 ۸ باشم \* بلکه در میان شما بملایت بسر میبردم مثل دایمه که اطفال خود را میبرورد \*  
 ۹ بدین طرز شائق شما شده راضی میبودم که نه همان انجیل خدارا بشنا دهم بلکه  
 ۱۰ جانهای خود را نه از بسکه عزیز ما بودید \* زانرو که ای برادران محنت و مشقت  
 مارا یاد میدارید زیرا که شبانه روز در کار مشغول شد به انجیل خدا شمارا موعظه  
 ۱۱ میکردم که مبادا برکی از شما بار نهم \* شما شاهد هستید و خدا نیز که سچه نوع  
 ۱۲ با قدوسیت و عدالت و یعنی نزد شما که ایاندار هستید رفشار نمودم \* چنانکه  
 میدانید که هر بکی از شمارا چون پدر فرزندان خود را نصیحت و دلداری مینمودم \*  
 ۱۳ و وصیت میکردم که رفشار بکنید بطور شایسته خدائک شمارا همکوت و جلال خود  
 ۱۴ معفواند \* و از اینجهه ما نیز دائمآ خدارا شکر میکنم که چون کلام خدارا که از ما  
 شنید بودید یافنید آنرا کلام انسانی نه پذیرفتد بلکه چنانکه فی الحقيقة است کلام  
 ۱۵ خدا که در شما که ایاندار هستید عمل میکند \* زیرا که ای برادران شما افتدانه بودید  
 بکیساهای خدا که در بیوّدیه در مسح عیسی میباشد زیرا که شما از قوم خود همان  
 ۱۶ زحماترا کشیدید که ایشان نیز از بیوّد دیدند \* که عیسی خداوند و ایسای خود را  
 ۱۷ کشتند و بر ما جفا کردند و ایشان ناپسند خدا هستند و مخالف جمیع مردم \* و مارا  
 منع میکنند که به امتهای سخن بگوئم تا نجات یابند و هیشه کامان خود را لبریز میکنند  
 ۱۸ امّا متهای غضب ایشان را فرو کفه است \* لیکن ما ای برادران چون بقدر ساعتی  
 در ظاهر نه در دل از شما مهبور شدم به اشیاق بسیار زیادتر کوشیدم تا روی شمارا  
 ۱۹ بینم \* و بدینجهه بک دو دفعه خواستم نزد شما بیانم یعنی من بولس لیکن شیطان  
 ۲۰ مارا نکذاشت \* زیرا که چیست امید و سرور و ناج فخر ما همکر شما نیستید  
 در حضور خداوند ما عیسی در هنکام ظهور او \* زیرا که شما جلال و خوشی ما هستید \*

## رساله اول پولس رسول بتسالونیکیان

### باب اول

- ۱ پولس و سلوانوس و تیموناؤس بکلیسای نسالونیکیان که در خدای پدر و عیسی مسیح خداوند میباشد فیض وسلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند با شما باد \* پیوسته در باره جمیع شما خدارا شکر میکیم و داشتا در دعاهای خود.
- ۲ شمارا ذکر مینامیم \* چون اعمال ایمان شما و محنت محبت و صبر اید شمارا در خداوند
- ۳ ما عیسی مسیح در حضور خدا و پدر خود یاد میکیم \* زیرا که ای برادران و ای عزیزان خدا از برکریم شدن شما مطلع هستم \* زیرا که آنجلیل ما بر شما محض سخن وارد نشه بلکه با قوت و روح القدس و بقین کامل چنانکه میدانید که
- ۴ در میان شما بخاطر شما چونه مردمان شدم \* و شما با و مخداؤند افتدان نمودید
- ۵ و کلامرا در زحمت شدید با خوش روح القدس پذیرفتید \* بخدمتکه شما جمیع ایمانداران مکاذوبه و آخایه را نمونه شدید \* بنوعیکه از شما کلام خداوند نه فقط در مکاذوبه و آخایه نواخته شد بلکه در هرجا ایمان شما بخدا شیوع یافت
- ۶ بقسمیکه احیاج نیست که ما چیزی بکوئم \* زیرا خود ایشان در باره ما خبر میدهند که چه قسم وارد بشنا شدم و بهه نوع شما از جهها سوی خدا بازگشت
- ۷ کردید تا خدای حق حقیرا بندکی نمایند \* و نا پسر او را از آیمان انتظار بکشید
- ۸ که او را از مردکان برخیزاید یعنی عیسی که مارا از غصب آیند میرهاند \*

### باب دوم

- ۹ زیرا ای برادران خود میدانید که ورود ما در میان شما باطل نبود \* بلکه هر چند فیل ازان در فیلی زحمت کشید و بی احتیجی دید بودم چنانکه اطلاع

## باب چهارم

- ۱ ای آقایان با غلامان خود عدل و انصافرا بجا آرد چونکه میدانید شمارا نیز آفانی  
 ۲ هست در آسمان \* در دعا مواظب باشد و در آن با شکرکناری پیدار باشد \*  
 ۳ و در برآر ما نیز دعا کنید که خدا در کلامرا بروی ما بکشاید تا سر مسیح را که بهجه  
 ۴ آن در قید هم افتاده ام بکویم \* و آنرا بطوزیکه میباشد نکلم کم و مین سازم \* زمانرا  
 ۵ در یافته پیش اهل خارج بمحکمت رفتار کنید \* کفتکوی شما هیشه با فیض باشد  
 ۶ واصلاح شده بنیک تا بدانید هر کسرا چگونه جواب باید داد \* زنجیگُس برادر  
 ۷ عزیز و خادم امین و همخدمت من در خداوند از همه احوال من شمارا خواهد آکاهاشد \*  
 ۸ که اورا نهین جهه تزد شما فرستادم تا ازحالات شما آسکاه شود و دلهای شمارا  
 ۹ نسلی دهد \* با آنسیسمن براذر امین و حیب که از خود شما است شمارا از همه  
 ۱۰ کذارش اینجا آکله خواهند ساخت \* آریترخُس هم زندان من شمارا سلام میرساند  
 ۱۱ و مرقس عوززاده بزنایا که در برآر او حکم یافته اید هر کاه تزد شما آید اورا پنیرید \*  
 ۱۲ و پسونع ملقب به پستطُس که ایشان تنها از اهل ختنه برای ملکوت خدا همخدمت  
 ۱۳ شد باعث نسلی من کردیدند \* آپنارس بشما سلام میرساند که بکی از شما و غلام  
 ۱۴ مسیح است و پیوسته برای شما در دعاهای خود جد و جهد میکند تا در غمای اراده  
 ۱۵ خدا کامل و متفق شوید \* و برای او کواهی میدم که در برآر شما و اهل لاودکه  
 ۱۶ واهل هیرابولس بسیار محنت میکشد \* ولو قای طیب حیب و دیواس بشما سلام  
 ۱۷ میرسانند \* برادران در لاودکه و نیمسناس و کلسا ایرا که در خانه ایشان است  
 ۱۸ سلام رسانید \* و چون این رساله برای شما خوانک شد مفتر دارد که در کلسای  
 ۱۹ لاودکیان نیز خوانک شود و رساله از لاودکه درا هم شما بخوانید \* و به آنچیس کوئید  
 ۲۰ با خبر باش تا آنقدر میرا که در خداوند یافته بکمال رسانی \* نخست من پولس  
 بست خودم زنجیرهای مراجحاطر داریده فیض با شما باد آمین \*

مسیح که زندگی ما است ظاهر شود آنکاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد \* پس اعضای خود را که بر زمین است مقتول سازید زنا و ناپاکی و هوا و هوس و شهوت فجع و طمع که بت پرستی است \* که بسبب اینها غصب خدا برآبای معصیت وارد می‌اید \* که شما نیز سابقاً در اینها رفاقت میکردید هنگامیکه در آنها زیست می‌بودید \* لیکن الحال شنا هم را نزک کنید بعنی خشم و غرض و بدخونی و بدکوئی و فشرنا از زیان خود \* یکدیگر دروغ مکوئید چونکه انسانیت کهنه را با اعمالش از خود بیرون کرده اید \* و تازه را پوشیده اید که بصورت خالق خوبیش تا معرفت کامل نازه می‌شود \* که در آن نه یونانیست نه یهود نه ختنه نه ناطقونی نه بربری نه سکیتی نه غلام و نه آزاد بلکه مسیح هم و در ره است \* پس مانند برگزید کان مقدس و محبوب خدا احشای رحمت و مهربانی و تواضع و تحمل و حلما پوشید \* و تحمل یکدیگر شده هم دیگر را عنو کنید هر کاه بر دیگری ادعایی داشته باشید \* چنانکه مسیح شمارا آمرزید شما نیز چنین کنید \* و براین هم محبترا که کمربند کمال است پوشید \* وسلامت خدا در دلهای شما مسلط باشد که با آن هم دریک بدن خوانه شد اید و شاکر باشید \* کلام مسیح در شما بدولتمندی و بکمال حمت ساکن بشود و یکدیگر را تعلیم و نصیحت کنید بجز امیر و نسیحات و سرودهای روحانی و با فیض در دلهای خود خدارا بسرائید \* و آنچه کنید در قول و فعل همرا بنام عیسی خداوند بکنید و خدای پدر را بوسیله او شکر کنید \* ای زنان شوهران خود را اطاعت نمایید چنانکه در خداوند می‌باشد \* ای شوهران زوجهای خود را محبت نمائید و با ایشان نلثی مکنید \* ای فرزندان والدین خود را در ره چهز اطاعت کنید زیرا که این پسندید است در خداوند \* ای پدران فرزندان خود را خشکین مسازید مبادا شکته دل شوند \* ای غلامان آفایان جسمانی خود را در ره چز اطاعت کنید نه بخدمت حضور مثل جو بندکان رضامندی مردم بلکه به اخلاص قلب واژ خداوند بترسید \* و آنچه کنید از دل کنید بخاطر خداوند نه بخاطر انسان \* چون میدانید که از خداوند مکافات میراثرا خواهید یافت چونکه مسیح خداوند را بندگی میکنید \* زیرا هر که ظلم کند آن ظلمبرای که کرد خواهد یافت و ظاهر بینی نیست \*

- ۷ خداوندرا بذریغتید دروی رفشار نمایند\* که در او ریشه کرده و بنا شده و در ایمان  
 ۸ راضی کشته اید بطوریکه تعلم یافته اید و در آن شکر کذاری بسیار مینمایند\* با خیر  
 باشید که کسی شمارا نباید بیانسته و مکر باطل بر حسب تقلید مردم و بر حسب اصول  
 ۹ دنیوی نه بر حسب مسجع\* که دروی از حجه جسم نمایی پری الرهبت ساکن است\*  
 ۱۰ و شما دروی تکمیل شده اید که سر نمایی ریاست و قدرتست\* و دروی مختنون  
 شده اید مختننه نا ساخته بدست یعنی بیرون کردن بدن جسمانی بوسیله اختنان  
 ۱۱ مسجع\* و با اوی در تعیید مدفون کشید که در آن هم برخیزایند شدید به ایمان بر عمل  
 ۱۲ خدا که اورا از مردکان برخیزاید\* و شمارا که در خطایا و ناخنونی جسم خود مرد  
 ۱۳ بودید با او زنده کردانید چونکه همه خطایای شمارا آمرزید\* و آن دستخطپرایا که  
 ضد ما و مشتعل بر فرائض و مخلاف ما بود محسوس اشت و آنرا صلیب خود میخورد  
 ۱۴ از میان برداشت\* و از خوبیشن ریاست و فتوانرا بیرون کرده آهارا علاینه آشکار  
 ۱۵ نمود چون در آن بر آنها ظفر یافت\* پس کسی در باره خوردن و نوشیدن و در باره  
 ۱۶ عبد وهلال و سبیت بر شا حکم نکند\* زیرا که ایها سایه چیزهای آینه است لیکن  
 ۱۷ بدن از آن مسجع است\* و کسی انعام شمارا نریابد از رغبت فروتنی و عبادت فرشتنگان  
 و مداخلت در اموریکه دین است که از ذهن جسمانی خود بیجا مغروف شده است\*  
 ۱۸ و سر منسک نشست که از آن نمای بدن بنویسط مقاصل و بندها مدد یافته و بام  
 ۱۹ پیوند شد نمود میکد بیویکه از خداست\* چونکه با مسجع از اصول دنیوی مردید  
 ۲۰ چکونه است که مثل زندگانی در دنیا بر شا فرابض نهاده میشود\* که لمس ممکن  
 ۲۱ و میش بلکه دست مکذار\* (که همه ایها محض استعمال فاسد میشود) بر حسب  
 ۲۲ نقالید و تعالیم مردم\* آن چنین چیزها هر چند در عادات نافله و فروتنی و آزار بدن  
 صورت حکمت دارد ولی فانی برای رفع نن پروری ندارد\*

### باب سوم

- ۱ پس چون با مسجع برخیزایده شدید آنچه را که در بالا است بطلید در لمحاتیکه  
 ۲ مسجع است بدست راست خدا نشسته\* در آنچه بالا است فنگر کید نه در آنچه  
 ۳ بر زمین است\* زیرا که مردید وزندگی شما با مسجع در خدا یعنی است\* چون

- ۱۷ و برای او آفرینش داده است و در روی همه چیز قیام دارد \* و او  
بدن یعنی کلیسا را سر است زیرا که او ابتداء است و خستگی از مردگان نا در راه  
۱۸ چیز او مندم شود \* زیرا خدا رضا بدین داد که نمای بُری در او ساکن شود \*  
۱۹ و اینکه بواسطه او هم چیزرا با خود مصالحه دهد چونکه بخون صلب وی  
سلامتی را بدید آورده بی بوسیله او خواه آنچه هر زمین و خواه آنچه در آسان است \*  
۲۰ و شمارا که سابقاً از بیت دل در اعمال بد خوبیش اجتنی و دشمن بود دید بالفعل  
۲۱ مصالحه داده است \* در بدین بشری خود بوسیله موت ناشمارا در حضور خود  
۲۲ مقدس و پیغمبر و بحلامت حاضر سازد \* بشرطیکه در اینان بنیاد نهاده و قائم  
باشد و جبتش خورید از امید انجیل که در آن تعلم باشید و بتمام خلقت زیر  
۲۳ آسمان بدان موعظه شد است و من پولس خادم آن شدام \* آلان از زحمتی خود  
در راه شما شادی میکنم و نقصهای زحمات مسیح را در بدین خود بگمال میرسانم برای  
۲۴ بدن او که کلسا است \* که من خادم آن کنتمام برجسب نظرات خدا که بهن  
۲۵ برای شما سپرده شد نا کلام خدارا بگمال رسانم \* یعنی آنسرتیکه از دهرها و فرنها  
۲۶ هنفی داشته شد بود لیکن الحال بقدسان او مکثوف کردید \* که خدا اراده نمود  
تا بشناساند که چیست دولت جلال این سر در میان امها که آن مسیح در شما و امید  
۲۷ جلال است \* و ما اورا اعلان مینیابیم در حالیکه هر شخص را تنبیه میکنم و هر  
۲۸ کسرا بهر حکمت تعلم میدهم نا هر کسرا کامل در مسیح عیسی حاضر سازم \* و برای  
۲۹ این نیز محنت میکنم و مجاهد مینیام بحسب عمل او که در من بقوت عمل میکند \*

### باب دوم

- ۱ زیرا بخواهم شما آشکاه باشید که مرا چه نوع اجتهد است برای شما و اهل  
۲ لاؤدیکه و آنا بیکه صورت مرا در جم ندیدند \* نا دلایی ایشان نسلی یابد و ایشان  
۳ در جهت پیوند شده بدولت بین فهم تمام و هم رفت سر خدا برستند \* یعنی سر مسیح  
۴ که در روی نمای خزان حکمت و علم هنفی است \* اما اینرا میکنم نا هیچکس شمارا  
۵ بعفونان دلاؤزرا اغواندکد \* زیرا که هر چند در جم غایم لیکن در روح با شما بوده  
۶ شادی میکنم و نظم واستقامت ای ایشان را در مسیح نظاو و میکنم \* پس چنانکه مسیح عیسی

## رساله پولس رسول به گوئیسان

### باب اول

۱ بولس به اراده خدا رسول مسج عیسی و نبیوناوس برادر\* بمندان در گوئی  
و برادران امین در مسج فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسج خداوند  
۲ بر شما باد\* خدا و پدر خداوند خود عیسی مسج را شکر میکنیم و پیوسته برای  
۳ شما دعا مینگانم\* چونکه ایمان شما در مسج عیسی و محبترا که با جمیع مندان  
۴ مینمایند شنیدم\* بسب امیدیکه بجهة شما در آسمان کذاشته شده است که خبر آنرا  
۵ در کلام راستی انجیل ساقا شنیدید\* که بشما وارد شد چنانکه در غایی عالم نیز  
و میوه میاورد و نتو میکند چنانکه در میان شما نیز از روز بکه آنرا شنیدید و قبض خدارا  
۶ دور استی دانسته اید\* چنانکه از آپفارس تعلم یافته که محمد مت عزیز ما و خادم  
۷ امین مسج برای شما است\* واو مارا نیز از هیبت شما که در روح است خبرداد\*  
۸ وازان جهه ما نیز از روز بکه اینرا شنیدم باز نمایستیم از دعا کردن برای شما و مسئلت  
۹ نمودن نا از کمال معرفت اراده او در هر حکمت و فهم روحانی پُرشود\* ناشما  
بطريق شایسته خداوند بکمال رضامندی رفاقت نماید و در هر عمل نیکو بار آورید  
۱۰ و بعرفت کامل خدا نمُ کنید\* و به اندازه تو نهانی جلال او بقوت نام زور اورد  
۱۱ شوید نا صبر کامل و خخ امرا با شادمانی داشته باشد\* و پدر را شکر کذارید که  
۱۲ مارا لائق بهره میراث مندان در نور گردانید است\* و مارا از قدرت ظلمت  
۱۳ رهاییه بملکوت پسر محبت خود متقل ساخت\* که در روی فدیه خود بعنی آمر زش  
۱۴ کماهان بخوبیشا یافته ام\* واو صورت خدای نا دین است خستزاده غایی  
۱۵ آفرید کان\* زیرآنه در او هه چیز آفرید شد آنچه در آسمان و لنجه بر زمین است  
۱۶ از چیزهای دیدنی و ناخنها و سلطنتها و ریاسات و قوایت هه بوسله او

- ۱۶ کلیسا در امر دادن و کفتن با من شرآکت نکرد جز شا و پس \* زیرا که در  
 ۱۷ نَسَّالُونِی کی هم بلک دو دفعه برای احیاج من فرستادید \* نه آنکه طالب بخشش  
 ۱۸ باشم بلکه طالب ثری هست که بحساب شما بیفزاید \* ولی همه چیز بلکه بیشتر  
 از کفايت دارم ۰ پُر کشته ام چونکه هدایای شمارا از آپرُودِس باقی هام که عطر  
 ۱۹ خوشبوی و قربانی مقبول و پستدین خداست \* اما خدای من همه احیاجات شمارا  
 ۲۰ برحسب دولت خود در جلال در مسیح عیسی رفع خواهد نمود \* و خدا و پدر  
 ۲۱ مارا نا ابد الاباد جلال باد آین \* هر مقدسرا در مسیح عیسی سلام برسانید  
 ۲۲ و برادرانیکه با من میباشد بشما سلام میفرستند \* جمیع مقدسان بشما سلام میرسانند  
 ۲۳ علی الخصوص آنانیکه از اهله خانه فیصل هستند \* فیض خداوند ما عیسی مسیح  
 با جمیع شما باد آمین \*
-

ایشان هلاکت است و خدای ایشان شکم ایشان و فخر ایشان در ننگ ایشان  
 ۲. و چیزهای دنبوراً اندیشه می‌کنند \* اما وطن ما در آسمانست که از آنجا نیز نجات  
 ۳. دهنگ یعنی عیسی مسیح خداوندرا انتظار می‌کشیم \* که شکل جسد ذلیل مارا  
 تبدیل خواهد نمود تا بصورت جسد عبید او مصوّر شود بر حسب عمل قوت  
 خود که هه چیزرا مطیع خود بکرداند \*

#### باب چهارم

۱. بنابرین ای برادران عزیز و مورد اشتیاق من و شادی و ناج من بهمین طور
۲. در خداوند استوار باشد ای عزیزان \* از آفرودیته استدعا دارم و بستینی الناس
۳. دارم که در خداوند یك رای باشد \* واژ تو نیز ای هفتار خالص خواهش
۴. می‌کنم که ایشانرا امداد کنی زیرا در جهاد انگیل با من شریک می‌بودند با آکلیمنتنش
۵. نزو و سایر همکاران من که نام ایشان در دفتر حیات است \* در خداوند دائمآ شاد
۶. باشد و یاز می‌کوم شاد باشد \* اعتدال شما بر جمیع مردم معروف بشوده خداوند
۷. نزدیک است \* برای همیج چیز اندیشه مکبید بلکه در هر چیز با صلوٰه و دعا با
۸. شکرکذاری مشولات خود را بخدا عرض کنید \* وسلامتی خدا که فوق از غایی
۹. عقل است دلها و ذهنها شیارا در مسیح عیسی نکاه خواهد داشت \* خلاصه
۱۰. ای برادران هر چه راست باشد و هر چه مجید و هر چه عادل و هر چه پاک و هر
۱۱. چه حمیل و هر چه نیک نام است و هر فضیلت و هر مدحی که بوده باشد در آنها
۱۲. تفکر کنید \* و آنچه در من آموخته و بذیرفته و شنید و دیده اید آنها را بعل آرید
۱۳. و خدای سلامتی با شما خواهد بود \* و در خداوند بسیار شاد کردیم که آلان
۱۴. آخز فکر شما بزای من شکوفه آورد و در این نیز تفکر می‌کردید لیکن فرصت نیافرید \*
۱۵. نه آنکه در باره احتیاج سخن می‌کوم زیرا که آموخته ام که در هر حالتیکه باش قناعت
۱۶. کنم \* و ذلترا میدانم و دولتمندیرا هم میدانم در هر صورت و در هه چیز سبری
۱۷. و کرسنکی و دولتمندی و افلاسرا یاد کرفته ام \* قوت هر چیزرا دارم در مسیح که
۱۸. مرا تقویت می‌بخشد \* لیکن نیکوئی کرد بند که در تکی من شریک شدید \* امای فیلیپیان شما هم آکاهید که در ابتدای انگیل چون از مکادونیه روانه شدم همیج

برمود شد و جان خود را بخطر انداخت تا نقص خدمت شارا برای من بکمال رساند\*

### باب سوم

- ۱ خلاصه ای برادران من در خداوند خوش باشید همان مطالبرا بشما نوشتند
- ۲ بمن سکنی نیست و این شما است\* از سکها با حذر باشید از عاملان شریر
- ۳ احراز نماید از مقطوعان ببرهیزید\* زیرا محتونان ما هستم که خدارا در روح
- ۴ عبادت میکنم و مسجع عیسی فخر میکنم و بر جم اعتماد ندارم\* هر چند مراد در جسم
- ۵ نیز اعتماد است آنکه دیگر کمان برد که در جم اعتماد دارد من بیشتر\*
- ۶ روز هشتم محتون شد و از قبیله اسرائیل از سبط بنیامین عبرانی از جهه شریعت فربیسی \*
- ۷ از جهه غیرت جنا کنند برکلیسا از جهه عدالت شریعت بیعیب \*
- ۸ آن‌آنچه مراسود میبود آنرا بخاطر مسجع زیان دانستم\* بلکه هه چیزرا نهز بسبب
- ۹ فضیلت معرفت خداوند خود مسجع عیسی زیان میدانم که بخاطر او هه چیزرا
- ۱۰ زیان کردم و فضلله شردم تا مسجع را دریام\* و در روی یافته شوم نه با عدالت خود که از شریعت است بلکه با آن که بوسیله ایمان مسجع میشود یعنی عدالتیکه از خدا برایان است\* و تا اورا و قوت قیامت ویرا و شرآفت در رنجهای ویرا
- ۱۱ بشناسم و با موت او مشابه کرم\* مکر بهر وجه بقیامت از مردکان برم\*
- ۱۲ نه اینکه تا مجال بجهنک آورده یا تا مجال کامل شد باش ولی دریی آن میکوشم
- ۱۳ بلکه شاید آنرا بدست آورم که برای آن مسجع نهز مردا بدست آورد\* ای برادران کمان نمیرم که من بدست آوردمام لیکن یك چیز میکنم که آنچه در عقب است
- ۱۴ فراموش کرده و سوی آنچه در پیش است خوب شنیدرا کنید\* درین مقصد میکوشم
- ۱۵ بجهة ائمام دعوت بلند خدا که در مسجع عیسی است\* پس جمیع ما که کامل هستیم اینکه داشته باشیم و آنکه اینجهله فکر دیگر هارید خدا اینرا میرشان کشف
- ۱۶ خواهد فرمود\* آنها بهر مقامیکه رسید ام بهمان قانون رفقار باید کرد\*
- ۱۷ ای برادران یام یمن اقتضا نماید و ملاحظه کنید آنایرا که بحسب نونه که در ما
- ۱۸ دارید رفقار میکنند\* زیرا که بسیاری رفقار میخانند که ذکر اینها برای
- ۱۹ شما کرده ام و حال نیز با کربه میکنم که دشیان صلب مسجع میباشند\* که الجام

- ۸ شاهت مردمان شد\* و چون در شکل انسان یافت شد خویشترا فروتن ساخت  
 ۹ و تا هوت بلکه تا هوت صلیب مطیع کردید\* از اینجه خدا نیزاورا بناخت سرافراز  
 ۱۰ نود و نامیرا که فوق از جمیع نامها است بدو بخشید\* تا بنام عیسی هر زانوی  
 ۱۱ از آنچه در آسمان و بر زمین وزیر زمین است خ شود\* و هر زبانی افرا کند که  
 ۱۲ عیسی سمع خداوند است برای تمجید خدای پدر\* پس ای عزیزان من چنانکه  
 هیشه مطیع میبودید نه در حضور من فقط بلکه بسیار زیادتر آلان و قنیکه غاییم  
 ۱۳ نجات خودرا بررس ولرز بعمل آورید\* زیرا خداست که در شما بمحاسب  
 ۱۴ رضامندی خودم اراده و م فعل را بعمل ایجاد میکند\* و هر کاربرای بدون همه  
 ۱۵ و مجادله بکید\* تا بیعیب و ساده دل و فرزندان خدا بسلامت باشید در میان  
 ۱۶ فوی کج رو و کردنکش که در آن میان چون نیزما در جهان میدرخشد\* و کلام  
 حیاترا بر میافرازید بهجه فخر من در روز سمع تا آنکه عبث ندویم و عبث رحمت  
 ۱۷ نکشید باشم\* بلکه هر کاه بر قیانی و خدست ایمان شما ریخته شوم شادمان هستم  
 ۱۸ و با همه شما شادی میکنم\* و همین شما نیز شادمان هستید و با من شادی میکید\*  
 ۱۹ و در عیسی خداوند امیدوارم که یعنوان اؤسرا بزودی نزد شما بفرستم تا من نیز  
 ۲۰ از احوال شما مطلع شد تازه روی کردر\* زیرا کسی دیگر را هدل ندارم که  
 ۲۱ به اخلاص در باره شما اندیشد\* زانزوکه هه نفع خودرا میطلبند نه امور عیسی  
 ۲۲ مسیح را\* اما دلیل اورا میدانید زیرا چنانکه فرزند پدر را خدمت میکند او با من  
 ۲۳ برای انجلی خدمت کرده است\* پس امیدوارم که چون دیدم کار من چه  
 ۲۴ طور میشود اورا بیدرنگ بفرستم\* اما در خداوند اعتقاد دارم که خود م  
 ۲۵ بزودی بیام\* ولی لازم دانستم که آهنگ رو دوئس را بسوی شما روانه نمایم که مرا  
 ۲۶ برادر و همکار و همینک میباشد اانا شارا رسول و خادم حاجت من\* زیرا که  
 مشتاق همه شما بود و غمکن شد از اینکه شنید بودید که او بیمار شد بود\*  
 ۲۷ و فی الواقع بیمار و مشرف برمود بود لیکن خدا بروی نرسم فرمود و نه براو  
 ۲۸ فقط بلکه بر من نیز تا مرا غمی برغم نباشد\* پس بسی بیشتر اورا روانه  
 ۲۹ نمودم تا از دیدنش باز شاد شوید و حزن من کمرشود\* پس اورا در خداوند  
 ۳۰ با کمال خوشی بیدیرید و چین کسانرا محترم بدارید\* زیرا در کار سمع مشرف

۱۸ پس چهه جز اینکه بهر صورت خواه ببهانه و خواه بر اینستی پسیح موعظه میشود و از  
 ۱۹ این شادیانم بلکه شادی هم خواهم کرد \* زیرا میدانم که بخات من خواهد انجامید  
 ۲۰ بوسیله دعای شما و تأبید روح عیسی مسیح \* برجسم انتظار و امید من که در هیچ  
 چیز بخالت خواهم کشید بلکه در کمال دلیری چنانکه هیشه آلان نہز مسیح درین  
 ۲۱ من جلال خواهد یافت خواه در حیات و خواه در موت \* زیرا که مرا زیستن  
 ۲۲ مسیح است و مردن نفع \* ولیکن آگر زیستن در جسم همان ثمر کار من است پس  
 ۲۳ نیدانم کدامرا اختیار کنم \* زیرا در میان این دو سلط کرفتار هستم چونکه خواهش  
 ۲۴ دارم که رحلت کنم و ما مسیح باشم نهرا این بسیار بهتر است \* ولیکن در جسم ماندن  
 ۲۵ برای شما لازمتر است \* و چون این اعتقاد را دارم میدانم که خواهم ماند و نزد همه  
 ۲۶ شما توقف خواهم نمود بجهة ترقی و خوشی ایمان شما \* تا فرشتا در مسیح عیسی در من  
 ۲۷ افروده شود بوسیله آمدن من بار دیگر نزد شما \* پاری بطور شایسته انجیل مسیح  
 رفتار نمائید تا خواه آم و شارا یعنی خواه غایب باشم احوال شارا بشنوم که بیک  
 ۲۸ روح برقرار اید و بیک نفس برای ایمان انجیل مجاہد میکنید \* و در هیچ امری  
 از دشمنان ترسان نیستید که هین برای ایمان دلیل ملاکت است اما شارا دلیل  
 ۲۹ بخات و این از خداست \* زیرا که بشا عطا شد بحقاطر مسیح نه فقط ایمان آوردن  
 باو بلکه رحمت کشیدن هم برای او و شارا همان مجاہد است که در من دیدید  
 ۳۰ و آلان هم میشنوید که در من است \*

### باب دورم

- ۱ بنابرین آگر تسبیح در مسیح با نسل عبیت با شرائیت در روح با شفقت و رحمت
- ۲ هست \* پس خوشی مرا کامل کردانید تا بام بیک فکر کنید و همان عبیت نموده
- ۳ بیک دل بشوید و بیک فکر داشته باشید \* و هیچ چهاردا از راه تحصیب و عجیب
- ۴ مکنید بلکه با فروتنی دیگرانرا از خود بهتر بدانید \* و هر بیک از شما ملاحظه
- ۵ کارهای خود را نکند بلکه هر کلام کارهای دیگران را نیز \* پس همین فکر در شما
- ۶ باشد که در مسیح عیسی نهز بود \* که چون در صورت خدا بود با خدا برابر
- ۷ بودنرا غبیت نشود \* ولیکن خود را خالی کرده صورت غلام را پذیرفت و در

## رساله پولس رسول بفیلیپیان

### باب اول

- ۱ پولس و نبیوتاؤس غلامان عیسی مسیح بهمه مقدسین در سیح عیسی که
- ۲ در فیلیپی میباشد با استقان و شناسان \* فرض وسلامت از جانب پدر ما خدا
- ۳ و عیسی مسیح خداوند برشما باد \* در تمامی بادکاری شما خدای خود را شکر
- ۴ میکنارم \* و پیوسته در هر دعای خود برای جمیع شما بخوبی دعا میکنم \* بسب
- ۵ مشارکت شما برای انجیل از روز اول تا مجال \* چونکه بان اعتماد دارم که او که
- ۶ عمل نیکورا در شما شروع کرد آنرا نا روز عیسی مسیح بکمال خواهد رسانید \*
- ۷ چنانکه مرا سزاور است که در باره همه شما همین فکر کنم زیرا که شمارا در دل خود
- ۸ میدارم که در زنگیرهای من و در حجت و اثبات انجیل همه شما با من شریک در این
- ۹ نعمت هستید \* زیرا خدا مرا شاهد است که چه قدر در احشای عیسی مسیح
- ۱۰ مشتاق همه شما هستم \* و برای این دعا میکنم تا محبت شما در معرفت وکال فهم
- ۱۱ بسیار افروزتر شود \* تا چیزهای بہتر را برگزینید و در روز مسیح بی غش و بیلغزش
- ۱۲ باشید \* و پر شوید از میوه عدالت که بوسیله عیسی مسیح برای نمید وحد
- ۱۳ خداست \* اما ای برادران بیخواهم شما بدانید که آنچه بر من واقع گشت بر عکس
- ۱۴ بر قرآن انجیل انجامید \* بجدیکه زنگیرهای من آشکارا شد در سیح در نام فوج
- ۱۵ خاص و بهمه دیگران \* و اکثر از برادران در خداوند از زنگیرهای من اعتماد
- ۱۶ بهم رسانید بیشتر جرأت میکنند که کلام خدارا بیشتر بگویند \* اما بعضی از حسد
- ۱۷ و نزاع بسیح موظه میکنند ولی بعضی هم از خوشتدی \* اما آنکه از تعصب نه
- از اخلاص بسیح اعلام میکنند و کان مهربند که زنگیرهای من زحمت میافزایند \*
- ۱۸ ولی اینان از راه محبت چونکه میدانند که من بجهة حیات انجیل معین شدم \*

۲۱ سخن کویم بطوریکه میباید کفت \* اما ناشا هم از احوال من و از آنچه میکم مطلع شوید نیچه‌گیس که برادر عزیز و خادم امین در خداوند است شمارا از هر چیز  
 ۲۲ خواهد آکاهایند \* که او را بجهة هین بنزد شما فرستادم نا از احوال ما آکاه باشد  
 ۲۳ واو دلهای شهارا سلی بخشد \* برادران را سلام و محبت با ایمان از جانب خدای پدر  
 ۲۴ و عیسی مسج خداوند باد \* با همه کسانیکه بمسیح عیسی خداوند محبت در بی فسادی  
 دارند فرض باد امین \*

---

۳۳ در باره مسج و کلپسا سخن میکوم \* خلاصه هر بکی از شما نیز زن خود را مثل نفس  
خود محبت باید وزن شوهر خود را باید احترام نمود \*

### باب ششم

- ۱ ای فرزندان والدین خود را در خداوند اطاعت نمایند زیرا که این انصاف
- ۲ است \* پدر و مادر خود را احترام نمایند که این حکم اول با وعده است \* نا نرا
- ۳ عافیت باشد و عمر دراز بزرگی کنی \* وای بدران فرزندان خود را بخشم میاورید
- ۴ بلکه ابشارا بتأدیب و نصیحت خداوند تربیت نمایند \* ای غلامان آفایان بشری
- ۵ خود را چون مسج با نرس ولرز با ساده دل اطاعت کنید \* نه بخدمت حضور
- ۶ مثل طالبان رضامندی انسان بلکه چون غلامان مسج که اراده خدارا از دل بعل
- ۷ میآورند \* و بهنیت خالص خداوند را بندگی میکنند نه انسان را \* و میدانند هر
- ۸ کس که عمل نیکو کرد مکافات آنرا از خداوند خواهد یافت خواه غلام و خواه
- ۹ آزاد \* وای آفایان با ایشان بهمین نسق رفتار نمایند و از تهدید کردن احرار
- ۱۰ کنید چونکه میدانید که خود شمارا هم آفایی مست در آیمان واورا نظر بظاهر
- ۱۱ نیست \* خلاصه ای برادران من در خداوند و در نوانائی قوت او زور آور
- ۱۲ شوید \* اسلحه نام خدارا ببوشید نا بتوانید با مکرهای ابلیس مقاومت کنید \*
- ۱۳ زیرا که مارا کشته کرفتن با خون و جسم نیست بلکه با ریاستها و قدرنها وجهان
- ۱۴ داران لین ظلمت و با فوجهای روحانی شارارت در جایهای آسمانی \* لهذا
- ۱۵ اسلحه نام خدارا بردارید نا بتوانید در روز شریر مقاومت کنید و هه کاررا بجا
- ۱۶ آورده باشند \* پس کسر خود را برآستی بسته و جوشن عدالترا در بر گردد
- ۱۷ باشند \* و نعلین استعداد انجل سلامتیرا دریا کنید \* و بر روی این هه سپر
- ۱۸ ایمان را بکشید که آن بتوانید نامی نبرهای آشین شریر را خاموش کنید \* و خود
- ۱۹ نجات و شیر روح را که کلام خداست بردارید \* و با دعا وال manus نام در هر وقت
- در روح دعا کنید و برای همین به اصرار وال manus نام بجهة هه مقدسین یدار
- ۲۰ باشید \* و برای من نیز نا کلام بن عطا شود نا با کشادکی زبان سر انجل را
- بدلیری اعلام نام \* که برای آن در زنجیرها الیجکری میکنم نا در آن بدلیری

باطل فریب ندهد زیرا که بسبب اینها غصب خدا بر اینای مقصیت نازل میشود \*

۷ بس با ایشان شریک میباشد \* زیرا که پیشتر ظلت بودید لیکن الحال درخداوند

۸ نور میباشد پس چون فرزندان نور رفتار کید \* زیرا که میوه نور در کمال نیکوکن

۹ وعدالت و راستی است \* و تحقیق نماید که پسندیده خداوند چیست \* و در

۱۰ اعمال عی ثر ظلمت شریک میباشد بلکه آنها مذمت کید \* زیرا کارهای تله ایشان

۱۱ در خفا میکنند حتی ذکر آنها هم قبیح است \* لیکن هر چیزیکه مذمت شود از نور

۱۲ ظاهر میدردد زیرا که هرچه ظاهر میشود نور است \* بنابراین میگوید ای تو که

۱۳ خواهید پیدار شد از مردکان برخیز نا سعی برتو درخشد \* پس با خبر میباشد که

۱۴ چونکه بدقت رفتار نماید نه چون جاهلان بلکه چون حکیمان \* و وقترا در باید

۱۵ زیرا ایروزها شربر است \* از اینجهه یعنی میباشد بلکه بنهید که اراده خداوند

۱۶ چیست \* و میست شراب مشوبد که در آن غبور است بلکه از روح بر شوید \* و ما

۱۷ یکدیگر هزاربر و تسجیمات و سرودهای روحانی کتفکو کید و در دلهای خود

۱۸ مخداؤند بسرآید و قرم نماید \* و پیوسته بجهة هر چوز خدا و پدر را بنام خداوند ما

۱۹ عیسی سمع شکر کید \* هدیکرا در خداوندی اطاعت کید \* ای زنان شوهران

۲۰ خود را اطاعت کید چنانکه خداوندرا \* زیرا که شوهر سر زن است چنانکه

۲۱ سمع نیز سر کلیسا واو نجات دهنده بدنست \* لیکن همچنانکه کلیسا مطیع سمع

۲۲ است همچین زنان نیز شوهران خود را در هر امری باشند \* ای شوهران زنان

۲۳ خود را محبت نماید چنانکه سمع م کلیسرا محبت نمود و خویشترا برای آن داد \*

۲۴ نا آنرا بفضل آب بوسیله کلام طاهر ساخته تقدیس نماید \* ناکلیسای میدرا

۲۵ بتزد خود حاضر سازد که لگه و چین یا همچ چیز مثل آن نداشته باشد بلکه نا

۲۶ مقدس و بیعیب باشد \* بهمین طور باید مردان زنان خویشا مثل بدن خود

۲۷ محبت نماید زیرا هر که زوجه خود را محبت نماید خویشترا محبت مینماید \* زیرا

۲۸ هیچکس هر کر جسم خود را دشن نداشته است بلکه آنرا تریست و نوازش میکند

۲۹ چنانکه خداوند نیز کلیسرا \* زانرو که اعضای بدن وی میباشم از جسم و از

۳۰ استخوانهای او \* از اینجاست که مرد پدر و مادر را رها کرده با زوجه خویش

۳۱ خواهد پیوست و آن دو پکن خواهد بود \* این سر عظم است لیکن من

۱۷ به اندازه هر عضوی بدنرا نمود میدهد برای بنای خویشتن در محبت \* پس اینرا  
 میکویم و در خداوند شهادت میدهم که شما دیگر رفشار نمایند چنانکه امّا در بیطلات  
 ۱۸ ذهن خود رفشار مینمایند \* که در عقل خود تاریک هستند و از حیات خدا محروم  
 ۱۹ بسبب جهالتیکه بجهة سخت دلی ایشان در ایشانست \* که بی فکر شد خود را بخور  
 ۲۰ سلم کرده اند تا هر قسم نا پاکی را بحرص بعمل آورند \* لیکن شما مسخر را باینطور  
 ۲۱ نیامو خونه اید \* هر کاه اورا شنید اید و در او نعلم یافته اید بشهیکه راستی در عیسی  
 ۲۲ است \* تا آنکه شما از جهه رفشار کذشته خود انسانیت کهنه را که از شهوت  
 ۲۳ فریبینه فاسد میکردد از خود بیرون کید \* و بروح ذهن خود تازه شوید \*  
 ۲۴ و انسانیت تازه را که بصورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی افرید شد است  
 ۲۵ بپوشید \* لهذا دروغ را ترک کرده هر کس با همسایه خود راست بکوید زیرا که ما  
 ۲۶ اعضای یکدیگرم \* خشم کیرید و کاه موززیده خورشید بر غیظ شما غروب نکد \*  
 ۲۷ ابلیس را مجال ندهید \* دزد دیگر دزدی نکد بلکه بدستهای خود کار نیکو  
 ۲۸ کرده رحمت بکشد تا بتواند نیازمندی را چیزی دهد \* هیچ سخن بد از دهان  
 شما بپرون نماید بلکه آنچه بحسب حاجت و برای بنا نیکو باشد تا شوند کارها  
 ۲۹ فیض رساند \* و روح قدوس خدارا که با و تا روز رستکاری مختوم شد اید  
 ۳۰ مخزون مسارد \* و هر قسم نلخی و غیظ و خشم و فریاد و بدکوئی و خانثرا از خود  
 ۳۱ دور کید \* و با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و هدیگر را عنو نمایند چنانکه خدا  
 ۳۲ در مسیح شمارا هم آمرزید است \*

### باب بیغم

۱ پس چون فرزندان عزیز بخدا اقتدا کید \* و در محبت رفشار نمایند چنانکه مسج  
 هم مارا محبت نمود و خویشترها برای ما مخددا هدیه و قربانی برای عطر خوشبوی  
 ۲ کذرانند \* اما زنا و هر نایاکی و طمع در میان شما هر کس مذکور هم نشود چنانکه  
 ۳ مقدسین را میشايد \* و نه فیاخت و بیهوده کوئی و چرب زیانی که اینها شایسته  
 ۴ نیست بلکه شکرکذاری \* زیرا اینرا یقین میدانید که هیچ زانی یا نایاک یا طماع  
 ۵ که بسته رست باشد میراثی درملکوت مسج و خدا ندارد \* هیچکس شمارا بسخان

- ۱۵ زانو میزتم نزد آن پدر\* که ازاو هر خانواده درآیمان و بر زمین مسقی میشود\*
- ۱۶ که بحسب دولت جلال خود بشما عطا کند که در انسانیت باطن خود از روح او
- ۱۷ بقوت زور آور شوید\* تا سعی بواسطت ایمان در دلهاش شایا ساکن شود\* و در
- ۱۸ محبت ریشه کرده و بنیاد نهاده استطاعت پایپد که با نامی مقدسین ادراک کند که
- ۱۹ عرض و طول و عمق و بلندی چیست\* و عارف شوید محبت سعی که فوق از معرفت
- ۲۰ است تا پر شوید نا نامی پری خدا\* الحال اورا که قادر است که بگند بینها یافت
- ۲۱ زیادتر از هر آنچه بخواهم با فکر کنم بحسب آن قوتی که در ما عمل میکند\* مر اورا  
در کلیسا و در سعی عیسی تا جمیع فریها تا ابد الاباد جلال باد آیند\*

#### باب چهارم

- ۱ لهذا من که در خداوند اسره باشم از شما استدعا دارم که بشایستگی آن دعویتکه
- ۲ بآن خوانند شکاید رفقار کنند\* با کمال فروتنی و نوافع و حلم و مغسل یکدیگر
- ۳ در محبت باشید\* و سعی کنید که بکانکی روح را در رشته سلامتی نگاه دارید\*.
- ۴ یک جسد هست و یک روح چنانکه نیز دعوت شده اید در یک امید دعوت
- ۵ خویش\* یک خداوند یک ایمان یک تهدید\* یک خدا و پدر هد که فوق هد
- ۶ و در بیان هد و در همه شما است\* لیکن هر یکی از ملا را فیض مجذب شد بحسب
- ۷ اندازه بخشش سعی\* بنابراین میگوید چون او به اعلی علیین صعود نمود اسره را
- ۸ به اسره بُرد و بخششها بردم داد\* اما این صعود نمود چیست جز اینکه اول
- ۹ نزول هم کرد به اسفل زمین\* آنکه نزول نمود هاست که صعود نیز کرد بالآخر
- ۱۰ از جمیع افلاک تا هه چیز هارا بُرد کند\* واو بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیاء
- ۱۱ و بعضی مبشرین و بعضی شبانان و معلمیان را\* برای تکمل مقدسین برای کار خدمت
- ۱۲ برای بنای جسد سعی\* تا هه بکانکی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان
- ۱۳ کامل به اندازه قامت پری سعی برسم\* تا بعد از این اطفال متوجه و راند شد
- ۱۴ از باد هر تعلم نباشم از دغابازی مردمان در حله ادبیشی برای مکرها که رانی\*
- ۱۵ بلکه در محبت پیروی راستی نموده در هر چیز ترقی غایم در او که سر است یعنی
- ۱۶ سعی\* که ازاو نام بدن مرگب و مرتب کشته هدد هر مفصلی و بر حسب عمل

- ۱۴ بخون مسیح تزدیک شداید \* زیرا که اسلامیّ ما است که هر دورا یک کرداید  
 ۱۵ و دیوار جدائی را که درمیان بود منهم ساخت \* وعداوت یعنی شریعت احکام را  
 که در فرایض بود بجسم خود نابود ساخت نا که مصالحه کرده از هر دورا یک انسان  
 ۱۶ جدید در خود پیا فریند \* و تا هر دورا دریک جسد با خدا مصالحه دهد بواسطت  
 ۱۷ صلیب خود که بر آن عداوند را کشته \* و آن بشارت مصالح را رسانید شما که دور  
 ۱۸ بودید و مصالح را بآنایکه تزدیک بودند \* زیرا که بوسیله او هر دور نزد پدر  
 ۱۹ دریک روح دخول دارم \* پس از این بعد غریب و اجنبی نیستید بلکه هوطن  
 ۲۰ مقتنین هستید واز اهل خانه خدا \* و بر بنیاد رسولان و انبیاء بنا شداید که  
 ۲۱ خود عیسی مسیح سنك زاویه است \* که در روی نامی عمارت با هم مرتب شک بهیکل  
 ۲۲ مقدس در خداوند نمی میکند \* و در روی شما نیز با هم بنا کرده مشوید نا در روح  
 مسکن خدا شوید \*

### باب سوم

- ۱ از این سبب من که بولس هستم و اسیر مسیح عیسی برای شما ای امّتها \* آکر شنید  
 ۲ باشید ندیر فیض خدارا که بجهة شما بمن عطا شده است \* که این سر از راه کتف  
 ۳ بر من اعلام شد چنانکه مخنثراً پیش نوشتم \* واز مطالعه آن میتوانید ادراک مرا  
 ۴ درس مسیح بفهمید \* که آن در قرنهای کذشته بینی آدم آشکار نشک بود بطوریکه  
 ۵ الحال بر رسولان مقدس و انبیای او بروح مکشوف کشته است \* که امّتها در مباراث  
 ۶ و در بدن و در برهه و عنان او در مسیح بواسطت انجلیل شریک هستند \* که خادم  
 ۷ ان شدم بحسب عطای فیض خدا که بحسب عمل قوت او هن داده شد است \*  
 ۸ یعنی بمن که کمتر از کمترین همه مقدسین این فیض عطا شد که درمیان امّتها بدولت  
 ۹ بیقياس مسیح بشارت دم \* و هدرا روشن سازم که چیست انتظام آن سریکه  
 ۱۰ از بنای عالمها مستور بود در خداوندیکه هه چیزرا بوسیله عیسی مسیح آفرید \* با آنکه  
 الحال بر ارباب ریاستها و قدرتها در جاهاي آسمانی حکمت کوناکون خدا بوسیله  
 ۱۱ کلیسا معلوم شود \* بحسب تقدیر از لی که در خداوند ما مسیح عیسی نمود \* که  
 ۱۲ در روی جسارت و دخول با اعتماد دارم بسب ایمان وی \* لهذا استدعا دارم که  
 ۱۳ از زحمات من بجهة شما خسته خاطر مشوید که آنها فخر شما است \* از این سبب

۱۸ ذوالجلال است روح حکمت و کشفرا در معرفت خود بشما عطا فرماید \* نا  
چشان دل شما روشن کننده بدانید که امید دعوت او چیست و کدام است دولت  
۱۹ جلال میراث او در مقدسین \* وجه مقدار است عظمت پنهانی قوت او نسبت  
۲۰ با مؤمنین بر حسب عمل نوانی قوت او \* که در مسیح عمل کرد چون اورا  
۲۱ از مردم کان برخیزایند و بست راست خود در جایهای آسمانی نشانند \* بالآخر از هر  
ریاست و قدرت و قوت وسلطنت و هر نامیکه خوانند میشود نه در این عالم فقط  
۲۲ بلکه در عالم آینه نیز \* و هه چیزرا زیر پایهای او نهاد واورا سرمه چیز بکلیسا  
۲۳ داد \* که بدن اوست یعنی پرئی او که همراه در همه پر میسازد \*

## باب دوم

۱ و شمارا که در خطابا و کاهان مرده بود بد زنگ کردانید \* که در آنها قبل رفتار  
میگردید بر حسب دوره اینجهان بروفق رئیس قدرت هوا یعنی آن روحیکه الحال  
۲ در فرزندان معصیت عمل میکند \* که در میان ایشان همه ما نیز در شهوات جسمانی  
خود قبل از این زندگی میگردم و هوشیاری جسمانی و افکار خود را بعمل میاوردم  
۴ و طبعاً فرزندان غصب بودم چنانکه دیگران \* لیکن خدا که در رحمانیت دولت میکند  
۵ است از حیثیت محبت عظم خود که با مانعند \* مارا نیز که در خطابا مرده بودم با  
۶ مسیح زنگ کردانید زیرا که محض فیض نجات یافته اید \* و با او برخیزایند و در جایهای  
۷ آسمانی در مسیح عیسی نشانید \* نا در عالمهای آینه دولت پنهانیت فیض خود را  
۸ بعلقیک بر ما در مسیح عیسی دارد ظاهر سازد \* زیرا که محض فیض نجات یافته اید  
۹ بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست \* و نه از اعمال تا هیچکس  
۱۰ غرف نکند \* زیرا که صنعت او هستم آفرین شد در مسیح عیسی برای کارهای نیکو  
۱۱ که خدا قبل مهیا نمود نا در آنها سلوک نمایم \* لهذا پیاد اورید که شما در زمان سلف  
(ای انتهای در جسم که آناییکه به اهل ختنه نامید میشوند اما ختنه ایشان در جسم  
۱۲ و سلخته شده بست است شما را نا هنوزن میتوانند) \* که شما در آن زمان از مسیح  
 جدا و از وطنیت خاندان اسرائیل اجنبی و از عده های وعظ پیکانه و بنی امید و بنی  
۱۳ خدا در دنیا بودید \* لیکن الحال در مسیح عیسی شما که در آن وقت دور بودید

## رساله پولس رسول به افسيان

### باب اول

- ۱ پولس به اراده خدا رسول عیسی مسیح بقدسینیکه در آفسن میباشد و ایمانداران
- ۲ در مسیح عیسی \* فبض وسلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما
- ۳ باد \* متبارك باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که مارا مبارک ساخت بهر
- ۴ برکت روحانی در جایهای آسمانی در مسیح \* چنانکه مارا پیش از بنیاد عالم در او
- ۵ برگردید نا در حضور او در محبت مقدس و پیغمبر باشم \* که مارا از قبل تعیین نمود
- ۶ تا اورا پسر خوانده شویم بواسطت عیسی مسیح بر حسب خوشنودی اراده خود \*
- ۷ برای ستایش جلال فیض خود که مارا بآن مستفیض کردانید در آن حیب \* که
- ۸ دروی بسبب خون او فدیه یعنی آمرزش کاهانرا به اندازه دولت فیض او با فهم \*
- ۹ که آنرا با بفراآنی عطا فرمود در هر حکمت و فطانت \* چونکه سر اراده خود را
- ۱۰ با شناسایند بر حسب خوشنودی خود که در خود عنزم نموده بود \* برای انتظام
- کمال زمانها تا هه چیزرا خواه آنجه در آسان و خواه آنجه بزمین است در مسیح جمع
- ۱۱ کد یعنی دراو \* که ما نیز دروی میراث او شدایم چنانکه پیش معین کشیم
- ۱۲ بر حسب قصد او که هه چیزهارا موافق رای اراده خود میکند \* تا ازما که اول
- ۱۳ امیدوار بسیج میبودیم جلال او ستدده شود \* و دروی شما نیز چون کلام راستی
- یعنی بشارت نجات خود را شیدید دروی چون ایمان آوردید از روح قدوس
- ۱۴ وعده مختوم شدید \* که بیانه میراث ما است برای فدای آن ملک خاص
- ۱۵ او تا جلال او ستدده شود \* بنا برین من نیز چون خبر ایمان شمارا در عیسی
- ۱۶ خداوند و محبت شمارا با همه مقدسین شنیدم \* باز نمیایستم از شکر نمودن برای شما
- ۱۷ واز باد آوردن شما در دعا های خود \* تا خدای خداوند ما عیسی مسیح که پدر

- ۹ از روح حیات جاودانی خواهد دروید \* لیکن از نیکوکاری خسته نشوم زیرا که
- ۱۰ در موس ان درو خواهم کرد آنکه ملول نشوم \* خلاصه بقدر یکه فر صفت دارم
- ۱۱ با جمیع مردم احسان بخانم علی المخصوص با اهل بیت ایمان \* ملاحظه کنید
- ۱۲ چه حروف جلی بدست خود بشنا نوشتم \* آنانکه بیطواهند صورتی نیکو در جم  
نایبلن سازند ایشان شمارا مجبور میسازند که هنون شوید شخص اینکه برای صلیب
- ۱۳ مسیح جنا نینند \* زیرا ایشان نیز که هنون میشنوند خود شریعترا نکاه نیدارند
- ۱۴ بلکه میغواهند شما هنون شوید تا در جسم شما فخر کنند \* لیکن حاشا از من که فخر  
کنم چرا از صلیب خداوند ما عیسی مسیح که بوسیله او دهای برای من مصلوب شد
- ۱۵ و من برای دنیا \* زیرا که در مسیح عیسی نه ختنه چه زیست و نه نا هنونی بلکه
- ۱۶ خلقت نازه \* و آنانکه بدین قانون رفقار میکنند سلامتی و رحمت برایشان باد
- ۱۷ و بر اسرائیل خدا \* بعد از این هیچکس مرا زحمت نرساند زیرا که من در بدن خود
- ۱۸ داغهای خداوند عیسی را دارم \* فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شما باد ای  
برادران آمین \*

اما زنگار آزادی خودرا فرصت جسم مکردا نه بلکه بمحبت پکدیکررا خدمت  
 ۱۴ کبید \* زیرا که نهای شریعت در یلک کله کامل میشود یعنی در اینکه هسابه خودرا  
 ۱۵ چون خویشتن محبت نا \* اما آنکه هدیکررا پکرید و بخورید با حذر باشد که  
 ۱۶ میادا از پکدیکر هلاک شوید \* اما میکویم بروح رفخار کید پس شهوات جسمرا  
 ۱۷ بجا نخواهید آورد \* زیرا خواهش جسم بخلاف روح است و خواهش روح بخلاف  
 ۱۸ جسم و این دو با پکدیکر منازعه میکنند بطوریکه آنچه نخواهید نمیکنید \* اما آنکه  
 ۱۹ از روح هدایت شدید زیر شریعت نیستید \* و اعمال جسم آشکار است یعنی زنا  
 ۲۰ و فسق و ناپاکی و فجور \* و سُت برستی وجادوگری و دشمنی و تزاع و کنه و خشم  
 ۲۱ و تعصّب و شفاق و بدعتها \* و حسد و قتل وستی ولهم ولعوب و امثال اینها که  
 شمارا خبر میدهم چنانکه قبل از این دادم که کنندکان چنین کارها وارث ملکوت  
 ۲۲ خدا نمیشوند \* لیکن ثره روح محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهر بانی و نیکوئی  
 ۲۳ و ایمان و تواضع و برهیزکاری است \* که هیچ شریعت مانع چنین کارها نیست \*  
 ۲۴ و آنایکه از آن مسح میباشدند جسمرا با هوسها و شهواتش مصلوب ساخته اند \*  
 ۲۵ آنکه بروح زیست کنم بروح هم رفخار بکنم \* لاف زن مشوم ناپکدیکررا به خشم  
 آورم و بر پکدیکر حسد برم \*

### باب ششم

۱ اما ای برادران آنکه کسی بخطای کرفار شود شما که روحانی هستید چنین شخصرا  
 بروح نواضع اصلاح کنید و خودرا ملاحظه کن که میادا تو نیز در نجره افتی \*  
 ۲ بارهای سکین پکدیکررا مخلل شوید و بین نوع شریعت مسح را بجا آرید \*  
 ۳ زیرا آنکه کسی خودرا شخصی کمان برد و حال آنکه چیزی نباشد خودرا میفرید \*  
 ۴ اما هر کس عمل خودرا امتحان بکند آنکاه خود در خود بتهائی خواهد داشت نه در  
 ۵ دیگری \* زیرا هر کس حامل بار خود خواهد شد \* اما هر که در کلام نعلم باق  
 ۶ باشد معلم خودرا در همه چیزهای خوب مشارک بسازد \* خودرا فریب مدهید  
 ۷ خدارا استهزا نمیتوان کرد زیرا که آنچه آدی بکارد هانرا درو خواهد کرد \*  
 ۸ زیرا هر که برای جسم خود کارد از جسم فسادرا درو کند و هر که برای روح کارد

۲۳ از آزاد\* لیکن پسر کنیز بحسب جسم تولد یافت و پسر آزاد بر حسب وعد\*  
 ۲۴ واين امور بطور مثل کفته شد زیرا که اين دو زن دو عهد میباشند يکی از کوه  
 ۲۵ سينا برای بندگی ميزايد و آن هاجر است\* زیرا که هاجر کوه سينا است در عرب  
 و مطابق است با اورشلیمیکه موجود است زیرا که با فرزندانش در بندگی میباشد\*  
 ۲۶ لیکن اورشلم بالا آزاد است که مادر جمیع ما میباشد\* زیرا مکتوب است اى  
 نازاد که نرائید شاد باش ه صدا کن و فریاد برا آور اى تو که درد زه ندبیث زیرا که  
 ۲۷ فرزندان زن بى کس از اولاد شوهر دار بیشتراند\* لیکن ما اى برادران چون  
 ۲۸ اسحق فرزندان وعد میباشم\* بلکه چنانکه آنوقت آنکه بر حسب جسم تولد  
 ۲۹ یافت بر وی که بر حسب روح بود جفا میکرد همچین آلان نیز هست\* لیکن  
 ۳۰ کتاب چه میکويد\* کنیز و پسر اورا بیرون کن زیرا پسر کنیز با پسر آزاد میراث  
 ۳۱ خواهد یافت\* خلاصه اى برادران فرزندان کنیز نیستم بلکه از زن آزادم\*

### باب پنجم

۱ پس بآن آزادی که مسیح مارا بآن آزاد کرد استوار باشد و باز در بوغ بندگی  
 ۲ کرفتار مشوبد\* اینک من بولس بشما میکوم که اگر مخنون شوید مسیح برای شما  
 ۳ هیچ نفع ندارد\* بلی باز بهر کس که مخنون شود شهادت میدهم که مدیون است  
 ۴ که نمای شریعت را بجا آورد\* همه شما که از شریعت عادل میشوید از مسیح باطل  
 ۵ و از فض ساقط کشته اید\* زیرا که ما بواسطه روح از ایمان متوفی امید عدالت  
 ۶ هستم\* و در مسیح عیسی نه ختنه فایده دارد و نه ناخنوفی بلکه ایمانیکه محبت عمل  
 ۷ میکند\* خوب میدوید بد پس کیست که شمارا از اطاعت راستی معرف ساخته  
 ۸ است\* این ترغیب ازاو ک شمارا خواند است نیست\* خبر ما یه اندک نامر  
 ۹ خیر را خنجر میسازد\* من در خداوند بر شما اعتقاد دارم که هیچ رای دیگر خواهد  
 داشت لیکن آنکه شمارا مضطرب سازد هر که باشد قاصص خود را خواهد یافت\*  
 ۱۰ امما اى برادران آگر من نا بجال بخته مو عظمه میکرم چرا جنا میدیدم زیرا که در  
 ۱۱ این صورت لغزش صلب برد اشته میشد\* کاش آنانیکه شمارا مضطرب میسانند  
 ۱۲ خوب شنرا منقطع میسانند\* زیرا که شما اى برادران به آزادی خواند شد اید

### باب چهارم

- ۱ ولی میکوم مادامیک وارث صغير است از غلام هیچ فرق ندارد هر چند مالک  
 ۲ هه باشد \* بلکه زیر دست ناظران و وكلاء میباشد تا روزیکه پدرس تعین کرد  
 ۳ باشد \* همچنان ما نز چون صغير میبودیم زیر اصول دنیوی غلام میبودیم \*  
 ۴ لیکن چون زمان بگمال رسید خدا پسر خودرا فرستاد که از زن زائیك شد و زیر  
 ۵ شریعت متولد \* تا آنانرا که زیر شریعت باشد فديه کند تا آنکه پسر خواندگي را  
 ۶ بیابم \* اما چونکه پسر هستید خدا روح پسر خودرا دردهای شما فرستاد که ندا  
 ۷ میکند يا آیا یعنی ای پدر \* لهذا دیگر غلام نیست بلکه پسر و چون پسر هست  
 ۸ وارث خدا نیز بوسیله مسیح \* لیکن در آن زمان چون خدارا نیشناخیبد آنانرا  
 ۹ که طبیعت خدایان نبودند بندگی میکردید \* اما الحال که خدارا میشناسید بلکه  
 خدا شما را میشناسد چگونه باز برمیکردید بسوی آن اصول ضعیف و فقیر که دیگر  
 ۱۰ میخواهید از سر نو آنها را بندگی کنید \* روزها و ماهها و فصلها و سالها را نکاه  
 ۱۱ میدارید \* در باره شما نرس دارم که مبادا برای شما عیث زحمت کشید باشم \*  
 ۱۲ ای برادران از شما استندا دارم که مثل من بشوید چنانکه من هم مثل شما شدایم \*  
 ۱۳ هن هیچ ظلم نکردید \* اما آگاهید که بسبب ضعف بدنه اوقل بشما بشارت دادم \*  
 ۱۴ و آن امتحان مرا که در جسم من بود خوار نشردید و مکروه نداشتید بلکه مرا چون  
 ۱۵ فرشته خدا و مثل مسیح عیسی پذیرفتید \* پس کجا است آن مبارک بادی شما زیرا  
 ۱۶ بشما شاهدم که اگر ممکن بودی چشمان خودرا بپرون آورده هن میدادید \* هس  
 ۱۷ چون بشما راست میکوم آیا دشمن شما شدایم \* شما را بغیرت میطلبند لیکن نه  
 به خیر بلکه میخواهند در را بر روی شما بینندند تا شما ایشانرا بغیرت بطلیید \*  
 ۱۸ لیکن غیرت در امر نیتو در هر زمان نیکو است نه تنها چون من نزد شما حاضر  
 ۱۹ باشم \* ای فرزندان من که برای شما باز در دزه دارم تا صورت مسیح در شما بسته  
 ۲۰ شود \* باری خواهش میکردم که آن نزد شما حاضر میبودم تا حسن خودرا تبدیل  
 ۲۱ کنم زیرا که در باره شما تخبر شدایم \* شما که میخواهید زیر شریعت باشید مرا بکوئید  
 ۲۲ آیا شریعت را نیشنوید \* زیرا مکنوبست ابراهیم را دو پسر بود کنیز و دیگری

شريعت هستند زير لعنت ميباشند زيرا مكتوب است ملعون است هر که ثابت نماند در تمام  
 ۱۱ نوشتهای کتاب شريعت تا آنها را بجا آرد \* اما واضح است که هیچ کس در حضور  
 خدا از شريعت عادل شمرده نمیشود زيرا که عادل به ايمان زبست خواهد نمود \*

۱۲ اما شريعت از ايمان نیست بلکه آنکه با آنها عمل میکند در آنها زبست خواهد نمود \*

۱۳ مسج مارا از لعنت شريعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد چنانکه مكتوب  
 ۱۴ است ملعون است هر که بردار آوغنه شود \* تا برکت ابراهيم در مسج عيسى برآمدها  
 ۱۵ آيد و تا وعده روح را بوسيله ايمان حاصل کيم \* اى برادران بطريق انسان سخن  
 ميکوم زيرا عهديرا که از انسان نيز استوار نمیشود همچوں باطل نيسازد و نیافرايد \*

۱۶ اما وعده ها به ابراهيم و بنسل او كفته شد و نمیکويد بنسلها که کویا در باره بسياري  
 ۱۷ باشد بلکه در باره يك و بنسل توکه مسج است \* و مقصود اينست عهديرا که  
 از خدا مسج بسته شد بود شريعيکه چهار صد و سی سال بعد از آن نازل شد

۱۸ باطل نيسازد بطوريکه وعد نیست شود \* زيرا اگر ميراث از شريعت بودی  
 ۱۹ ديکر از وعد نبودی ليكن خدا آنرا به ابراهيم ازوعد داد \* پس شريعت  
 ۲۰ چيست \* برای تنصيرها برآن افزوده شد تا هنکام آمدن آن نسلیکه وعد بدو  
 ۲۱ داده شد و بوسيله فرشتنگان بدست منسوطي مرتب کردید \* اما منتصد از يك  
 ۲۲ نیست اما خدا يك است \* پس آيا شريعت بخلاف وعد های خداسته حاشاه  
 زيرا اگر شريعي داده ميشد که تواني حیات بخشد هر آينه عدالت از شريعت  
 ۲۳ حاصل ميشد \* بلکه کتاب هه چيزرا زير کاه بست تا وعد که از ايمان عيسى  
 ۲۴ مسج است ايماندار آنرا عطا شود \* اما قبل از آمدن ايمان زير شريعت نکاه داشته  
 ۲۵ بودم و برای آن ايمانیکه ميبايشت مکشوف شود بسته شد بودم \* پس شريعت للاه  
 ۲۶ ما شد تا مسج برساند نا از ايمان عادل شمرده شوم \* ليكن چون ايمان آمد ديکر  
 ۲۷ زير دست للا نیستم \* زيرا همکي شما بوسيله ايمان در مسج عيسى پسران خدا  
 ۲۸ ميبايشد \* زيرا هه شما که در مسج تعبد یافيد مسجرا در برگرفتید \* هیچ  
 مکن نیست که یهود باشد یا بونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن زيرا که هه  
 ۲۹ شما در مسج عيسى يك ميبايشد \* اما اگر شما از آن مسج ميبايشد هر آينه نسل  
 ابراهيم و بر حسب وعد وارت هستید \*

۱۲ جدا ساخت \* و سایر یهودیان هم با وی نفاق کردند مجددیکه بر تابا نز در نفاق  
 ۱۴ ایشان کرفتار شد \* ولی چون دیدم که بر استئن اخیل به استفامت رفتار نیکند  
 پیش روی هم ہطرس را کنتم آکر تو که بیهود هست بطریق یهود رفتار کند \* ما که  
 ۱۵ زیست میکی چونستکه امتهارا مجبور میسازی که بطریق یهود رفتار کند \* اما که  
 ۱۶ طبعاً بیهود هستم و نه کاهکاران از امتهها \* اما چونکه یافیم که هیچکس از اعمال  
 شریعت عادل شرده نمیشد بلکه به ایمان بعضی مسجع ما هم مسجع عیسی ایمان  
 آوردم تا از ایمان مسجع و نه از اعمال شریعت عادل شرده شویم زیرا که از اعمال  
 ۱۷ شریعت هیچ بشری عادل شرده خواهد شد \* اما آکر چون عدالت در مسجرا  
 ۱۸ میظليم خودم کاهکار یافت شویم آیا مسجع خادم کناء استه حاشا \* زیرا آگر  
 باز بنام کم آنچه را که خراب ساختم هراینه ثابت میکنم که خود منعذی هستم \*  
 ۱۹ زانرو که من بواسطه شریعت نسبت بشریعت مردم \* تا نسبت بمندا زیست کم \*  
 ۲۰ با مسجع مصلوب شدام ولی زندگی میکم لیکن نه من بعد از این \* بلکه مسجع در من  
 زندگی میکند وزندگانی که الحال در جسم میکم به ایمان بر پرس خدا میکنم که مرد  
 ۲۱ محبت نمود و خود را برای من داد \* فیض خدارا باطل نمیسازم زیرا آکر عدالت  
 بشریعت میبود هر آینه مسجع عیث مرد \*

### باب سوت

۱ ای غلام طیان یعنیم کیست که شمارا افسون کرد تا راستیرا اطاعت نکنید که پیش  
 ۲ چشان شما عیسی مسجع مصلوب شده مین کردید \* فقط اینرا مخواهم از شما یعنیم  
 ۳ که روح را از اعمال شریعت یافته اید یا از خبر ایمان \* آیا اینقدر یعنیم هستید که  
 ۴ بروح شروع کرده آلان بجسم کامل میشوید \* آیا اینقدر زحاظرا عیث کشیدید  
 ۵ آکر فی الحقیقت عیث باشد \* پس آنکه روح را بشما عطا میکند و قوایت در میان  
 ۶ شما بظهور میاورد آیا از اعمال شریعت یا از خبر ایمان میکند \* چنانکه ابراهیم  
 ۷ بمندا ایمان آورد و برای او عدالت محسوب شد \* پس آکاهید که اهل ایمان  
 ۸ فرزندان ابراهیم هستند \* و کتاب چون پیش دید که خدا امتهارا از ایمان عادل  
 خواهد شرد به ابراهیم بشارت داد که جمیع امتهها از تو برکت خواهد یافت \*  
 ۹ بنابرین اهل ایمان با ابراهیم ایمان دار برکت میباشد \* زیرا جمیع آنایکه از اعمال

آنانيکه قبل از من رسول بودند نرفم بلکه بعربي شدم و باز به دمشق مراجعت  
 ۱۸ کردم \* پس بعد از سه سال برای ملاقات پطرس به اورشليم رفم و پانزده روز  
 ۱۹ با وی بسر بردم \* اما از ساير رسولان جز بعقوب برادر خداوندرا نديدم \* اما  
 ۲۰ در باره آنچه بشما مينويسم اينك در حضور خدا دروغ نميكوم \* بعد ازان بنواحي  
 ۲۱ سوريه و قيليقه آدم \* و بكتلساهاي يهوديه که در مسجح بودند صورة غير معروف  
 ۲۲ بودم \* جزاينك شنيك بودند که آنکه پيشتر برما جفا ميفوض الحال بشارت ميدهد  
 ۲۳ بهمان آيانيمکه قبل از بين و بران ميساخت \* و خدارا در من غبجد نمودند \*

### باب دوم

۱ پس بعد از چهارده سال با برزنابا باز به اورشليم رفم و بطيش راه هراه خود بردم \*  
 ۲ ولی به الهام رفم و انجليرا که در ميان امنها بدآن مو عظمه ميکنم بايشان عرضه داشتم  
 ۳ اما در خلوت بمعتبرين مبادا عبت بدم يا دويه باشم \* لیکن بطيش نيز که هراه  
 ۴ من و بوناني بود هجبور نشد که مختون شود \* و اين بسبب برادران کذبه بود که  
 ايشانرا خفنه درآوردند و خفنه درآمدند تا آزادي مارا که در مسجح عيسى دارم  
 ۵ جاسوسی کنند و نا مارا بیندکي درآورند \* که ايشانرا يك ساعت هم به اطاعت  
 ۶ در اين امر تابع نشدم تا راستي الخليل در شما ثابت ماند \* اما از آنانيمکه معتبراند  
 که چيزی میباشد هرچه بودند مرا تفاوق نیست خدا بتصورت انسان نگاه نمیکند  
 ۷ زيرا آنانيمکه معتبراند بن هيج نفع نرسانیدند \* بلکه بخلاف آن چون دیدند که  
 ۸ بشارت ناخونان هن سپرده شد چنانکه بشارت مختونان بپطرس \* زيرا او که  
 ۹ برای رسالت مختونان ذر پطرس عمل کرد در من هم برای امنها عمل کرد \* پس  
 ۱۰ چون بعقوب و کينا و بونها که معتبر به آرakan بودند آن فبيضا که هن عطا شد  
 بود دیدند دست رفاقت هن و برزنابا دادند تا ما بسوی امنها بروم چنانکه ايشان  
 ۱۱ بسوی مختونان \* جزاينك فرامارا باد بدarem و بخود نيز غبور بکردن اين کار  
 ۱۲ بودم \* اما چون پطرس به آنطاکيه آمد او را روپرو طائفت نمود زيرا که  
 ۱۳ مستوجب ملامت بود \* چونکه قبل از آمدن بعضی از جانب بعقوب با امنها غذا  
 میغورد ولی چون آمدند از آنانيمکه اهل ختنه بودند ترسید باز ایستاد و خوشبترنا

- ۸ چهار مانند عقاب پرنده \* و آن چهار حیوان که هر یکی از آنها شش بال دارد کرد آکرد و درون بجهشان پرهستند و شبانه روز باز نمایستند از کفتن قدوس قدوس
- ۹ قدوس خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و می‌آید \* و چون آن حیوانات
- ۱۰ جلال و نکرم و سپاس بآن نخت نشینیکه نا ابد الایاد زنده است میخواستند \* آنکاه آن بیست و چهار پر میافتد در حضور آن نخت نشن و او را که نا ابد الایاد زنده
- ۱۱ است عبادت میکند و ناجهای خود را پیش نخت اند اخنه میگویند \* اینداوند مسخنیکه جلال و اکرام و فتوشا بایی زیرا که تو همه موجودات افرینه و محض اراده نوبودند و اقرب به شدند \*

#### باب پنجم

- ۱ و دیدم بر دست راست نخت نشین کتابیرا که مکتوب است از درون و پرون
- ۲ و مخدوم بیفت مهر \* و فرشته قوی را دیدم که باواز بلند ندا میگشند که کیست
- ۳ مسخنیکه کتابرا بکشاید و مهرها شرا بردارد \* و هیچ کس در آسمان و در زمین
- ۴ و در زیر زمین توانست آن کتابرا باز کرد با برآن نظر کرد \* و من بشدت میگیریم زیرا هیچکس که شابسته کشودن کتاب یا خواندن آن با نظر کردن برآن
- ۵ باشد یافت نشند \* و یکی از آن پران بن میگوید کریان میباشد ابلک آن شیر یکه از سبط یهودا و ربیشه داؤد است غالب آمد است نا کتاب و هفت مهر شرا
- ۶ بکشاید \* و دیدم در میان نخت و چهار حیوان و در وسط پیران برة چون ذبح شد ایستاده است و هفت شاخ و هفت چشم دارد که هفت روح خُدابند که بقایی جهان فرستاده میشوند \* پس آمد و کتابرا از دست راست نخت نشین کرفته
- ۷ است \* و چون کتابرا کرفت آن چهار حیوان و بیست و چهار پر محصور بعن افادند و هر یکی از ایشان بريطی و کاسه های زرین بر از بخور دارند که دعا های مقدسین است \* و سرو دی جدید میسرابند و میگشونند مسخنی کردن کتاب و کشودن مهرها شی هستی زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای خدا بخون خود از هر
- ۸ قبیله و زبان و قوم و امت خربدی \* و ایشان را برای خُدای ما پادشاهان و گهنه ساختی و بر زمین سلطنت خواهند کرد \* و دیدم وشنیدم صدای فرشتگان بسیار را که کرد آکرد نخت و حیوانات و پران بودند و عدد ایشان کرورها اکرور

۱۲ و هزاران هزار بود \* که باواز بلند میگویند سخن است برة ذبح شد که فوت  
 ۱۳ دولت و حکمت و توانائی و اکرام و جلال و برکنرا بیا بد \* و هر مخلوقی که  
 در آسمان و بزرگی زمین و در دریاست و آنچه در آنها میباشد شنیدم که میگویند  
 ۱۴ نخت نشین و پری را برکت و تکرم و جلال و توانائی باد تا ابدالاً باد \* و چهار  
 حیوان کفتند آمین و آن بران بروی در افدادند و محبون نمودند \*

### باب ششم

- ۱ و دیدم چون بره بکی از آن هفت مهر را کشود و شنیدم بکی از آن چهار حیوان
- ۲ بصدائی مثل رعد میگوید پا (و بین) \* و دیدم که ناکاه اسی سفید که سوارش  
 کافی دارد و ناجی بدو داده شد و پیرون آمد غلبه کننه و ناغلهه نماید \*
- ۳ و چون مهر دومرا کشود حیوان دومرا شنیدم که میگوید پا (و بین) \* و اسی  
 دیگر آتشکون پیرون آمد و سوارشا تو بانائی داده شد بود که سلامبرای از زمین
- ۴ برداردن و نابکد بکر را بکشند و بوی شمشیری بزرگ داده شد \* و چون مهر سیمرا کشود  
 حیوان سیمرا شنیدم که میگوید پا (و بین) و دیدم اینک اسی سیاه که سوارش نرازیعی
- ۵ بدست خود دارد \* واژمیان چهار حیوان آوازی را شنیدم که میگوید بلک هشت  
 بلک کندم پیک دینار و سه هشت بلک جوییک دینار و بروغن و شراب ضرر مریان \*
- ۶ و چون مهر چهار مرا کشود حیوان چهار مرا شنیدم که میگوید پا (و بین) \*
- ۷ و دیدم که اینک اسی زرد و کسی برآن سوار شد که اسم او موت است و عالم  
 اموات از عقب او میاید و بآن دو اختیار بر بلک ربع زمین داده شد تا بشمشیر
- ۸ و فقط و موت و با وحوش زمین بکشند \* و چون مهر پنجمرا کشود در زیر  
 مذبح دیدم نفوس آنان را که برای کلام خدا و شهادتیکه داشتند کشته شدند بودند \*
- ۹ که باواز بلند صدا کرده میگفتند ای خداوند قدوس و حق نا بکی انصاف نیمانی
- ۱۰ و انتقام خون مارا از ساکنان زمین نیکشی \* و بهر بکی از ایشان جامه سفید داده  
 شد و بایشان کشته شد که اندکی دیگر آرایی نمایند تا عدد هفتاران که مثل ایشان
- ۱۱ کشته خواهند شد تمام شود \* و چون مهر ششمرا کشود دیدم که زلزله  
 عظیم واقع شد و آفات چون پلاس پشی سیاه کردید و تمام ماه چون خون

- ۱۳ کشت \* و ستارگان آسمان بزمین فرو ریختند مانند درخت انگیر که از باد سخت  
 ۱۴ بحرکت آمن میوه های نارس خود را میافشاند \* و آسمان چون طوماری پیجیده  
 ۱۵ شد از جا برده شد و هر کوہ و جزیره از مکان خود مستقل کشت \* و پادشاهان  
 زمین و بزرگان و سپه سالاران و دولتمردان و جنگلار و هر غلام و آزاد خود را  
 ۱۶ در مغاره ها و محضه های کوهها پنهان کردند \* و بکوهها و صحراها میکوبند که بر ما  
 ۱۷ بینید و ملا مخفی سازید از روی آن نخست نشین و از غصب بره \* زیرا روز عظیم  
غضب او رسید است و کبست که میتواند اینداد \*

### باب هفت

- ۱ و بعد از آن دیدم چهار فرشته بر چهار کوشة زمین ایستاده چهار باد زمین را باز  
 ۲ میدارند تا باد بزمین و بر دریا و بر هیچ درخت نوزد \* و فرشته دیگری دیدم  
 که از مطلع آفتاب بالا میآید و مهر خدای زندرا دارد و با آن چهار فرشته که بدشان  
 ۳ داده شد که زمین و دریارا ضرر رسانند با او از لند ندا کرده \* میکوید هیچ ضرری  
 بزمین و دریا و در خان مرسانید تا بندگان خدای خود را بر پیشانی ایشان مهر زنیم \*  
 ۴ و عدد مهر شدگان را شنیدم که از جمیع اساطیر بین اسرائیل صد و چهل و چهار  
 ۵ هزار مهر شدند \* و از سبط بَهُودَا دوازده هزار مهر شدند و از سبط رَأْوِين دوازده  
 ۶ هزار و از سبط جاد دوازده هزار \* و از سبط آشِیر دوازده هزار و از سبط نَفَالِيم  
 ۷ دوازده هزار و از سبط مَنَسَی دوازده هزار \* و از سبط شَمَعُون دوازده هزار و از  
 ۸ سبط لَاوَی دوازده هزار و از سبط يَسَّاکَار دوازده هزار \* از سبط زَبُولُون دوازده  
 هزار و از سبط يُوسَف دوازده هزار و از سبط بنیامین دوازده هزار مهر شدند \*  
 ۹ و بعد از این دیدم که اینک کروهی عظیم که هیچکس ایشان را نتواند شهد از هر آنست  
 و قیلیه و قوم وزیان در پیش نخست و در حضور بره بجهات های سفید آراسته و شاخه های  
 ۱۰ نخل بدست کفرنه ایستاده اند \* و با او از بلند ندا کرده میکوبند مجات خدای مارا که  
 ۱۱ بر نخست نشسته است و بر هر را است \* و جمیع فرشتگان در کرد نخست و پیران و چهار  
 ۱۲ جوان ایستاده بودند و در پیش نخست بروی در افتداده خدای را سجین کردند \* و گفتند  
 آمین \* برکت و جلال و حکمت و سپاس و اکرام و فتوت و نوانانی خدای ما را باد تا

۱۳ ابدالایاده آینَ \* و بکی از پیران متوجه شد بن کفت این سفید پوشان گشاند  
 ۱۴ واز کجا آمدند \* من اورا کنم خداوندا تو میدانی \* مرا کفت ایشان کسانی  
 میباشدند که از عذاب سخت پیرون میابند ولباس خود را بخون بره شست و شو کرده  
 ۱۵ سفید نموده اند \* از بجهة پیش روی نخت خدا بند و شبانه روز در هیکل او و پرا  
 ۱۶ خدمت میکنند و آن نخت نشین خممه خود را برایشان هر یا خواهد داشت \* و دیگر  
 ۱۷ هر کز کرسنه و نشنه نخواهند شد و افتاب و هیچ کرما برایشان نخواهد رسید \* زیرا  
 بره که در میان نخت است شبان ایشان خواهد بود و بجهمه های آب حیات ایشان را  
 راهنمای خواهد نمود و خدا هر اشکرا از چشم انداشتن پاک خواهد کرد \*

### باب هشتم

- ۱ و چون مهر هفت مرآ کشود خاموشی قریب بهم ساعت در آسمان واقع شد \*
- ۲ و دبدم هفت فرشته را که در حضور خدا استاده اند که با ایشان هفت کرنا داده
- ۳ شد \* و فرشته دیگر آمد نزد مذبح با استاد با مجری طلا و بخور بسیار بدو داده
- ۴ شد نا آنرا بدعا های جمیع مقدسین بر مذبح طلا که پیش نخت است بددهد \* و دود
- ۵ بخور از دست فرشته با دعا های مقدسین در حضور خدا بالا رفت \* پس آن فرشته مجررا اکرته از آتش مذبح آنرا بر کرد و بسوی زمین انداخت و صداما و رعدها
- ۶ و برقها و زلزله حادث کردید \* و هفت فرشته که هفت کرنا را داشتند
- ۷ خود را مستعد نواخن نمودند \* و چون اوی بناخت تکرک و آتش با خون آجخنه شد واقع کردید و بسوی زمین ریخته شد و ثلث درختان سوخته و هر کیا ه
- ۸ سبز سوخته شد \* و فرشته دوم بناخت که ناکاه مثال کوهی بزرگ باش
- ۹ افروخته شد بدرا یا افکند شد و ثلث دریا خون کردید \* و ثلث هنقوفات در یاپیکه
- ۱۰ جان داشتند بردند و ثلث کتفیها تباہ کردید \* و چون فرشته سیم نواخت ناکاه ستاره عظیم چون چراغی افروخته شد از آسمان فرود آمد و بر ثلث نهرها
- ۱۱ و بجهمه های آب افتاد \* واسم آن ستاره را آفستین میخواند و ثلث آبها به آفستین
- ۱۲ مبدل کشت و مردمان بسیار از آبها بیکه نلغ شد بود مردند \* و فرشته
- چهارم بناخت و بثلث آفتاب و ثلث ماه و ثلث ستارگان صدمه رسید نا ثلث آنها

۱۳ تاریک کردید و ثلث روز و ثلث شب همچین بینور شد \* و عقاپرا دیدم و شنیدم  
که در وسط آسمان میپرداز و باواز بلند میکوید وای وای برآکان زمین بسبب  
صداهای دیگر کرتنای آن سه فرشته که میباشد بنوارند \*

## باب نهم

- ۱ و چون فرشته همچ نواخت ستاره را دیدم که بر زمین افتاده بود و گرد چاه
- ۲ هاویه بدو داده شد \* و چاه هاویه را کشاد و دودی چون دود تنوری عظیم از چاه
- ۳ بالا آمد و آفتاب و هوا از دود چاه تاریک کشت \* و از میان دود مخلفها بزمین
- ۴ برآمدند و بانها قوتی چون فوت غربهای زمین داده شد \* و بدیشان گفته شد
- ۵ که ضرر نرسانند نه بکاه زمین و نه بهیچ سبزی و نه بدرختی بلکه بآن مردمانیه  
۶ مهر خدارا بریشانی خود ندارند \* و بانها داده شد که ایشان را نکشند بلکه تا  
مدت همچ ما معدّب بدارند و اذیت آنها مثل اذیت غرب بود و فتیک کسیرا
- ۷ نیش زند \* و در آن آیام مردم طلب موت خواهند کرد و آنرا نخواهند یافت
- ۸ و نمای موت خواهند داشت آن موت از ایشان خواهد کریخت \* و صورت مخلفها  
چون اسبهای آراسته شده برای جنک بود و بر سر ایشان مثل ناجهانی شیوه طلا
- ۹ و چهره های ایشان شیوه صورت انسان بود \* و موئی داشتند چون موی زنان
- ۱۰ و دندانه ایشان مانند دندانهای شیزان بود \* و جوشنها داشتند چون جوشنها  
۱۱ آهین و صدای بالهای ایشان مثل صدای عربه های اسبهای بسیار که بجنک هی  
۱۲ نازند \* و تمها چون غربها با نیشها داشتند و در دم آنها قدرت بود که تا مدت  
۱۳ همچ ما مردم را اذیت نمایند \* و برخود پادشاهی داشتند که ملک الهایه است که  
۱۴ در عربانی به آبدُون مسقی است و در یونانی اورا آپلیون خوانند \* بلک وای  
۱۵ کنسته است اینک دو وای دیگر بعد ازین میابد \* و فرشته ششم بنواخت  
۱۶ که ناکاه آواری از میان چهار شاخ مذیع طلائی که در حضور خداست شنیدم \* که  
بان فرشته ششم که صاحب کرتنا بود میکوید آن چهار فرشته را که بر زنگ عظیم فرات  
۱۷ بسته اند خلاص کن \* پس آن چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال  
۱۸ معین مهیا شک اند تا اینکه ثلث مردم را بکشند خلاصی بافتند \* و عدد جنود

- ۱۷ سواران دویست هزار هزار بود که عدد اشان را شنیدم \* و بانپطور اسنان  
وسواران اینها در رویا دیدم که جوشنهای آشین و آمیانجوف و کبریتی دارند  
و سرهای اسان چون سر شیران است و ازدهانشان آتش و دود و کبریت پیرون  
میابد \* از این سه بلاء بعنی آتش و دود و کبریت که ازدهانشان بر میابد ثلث مردم
- ۱۸ هلاک شدند \* زیرا که قدرت اسان دردهان و دم ایشان است زیرا که دمهای  
۱۹ آنها چون ماره است که سرها دارد و با آنها اذیت میکند \* و سائر مردم که با این  
بلا یا کشته نکشند از اعمال دستهای خود نوبه نکردند تا آنکه عبادت دیوها  
وبتهای طلا و نقع و برج و سنگ و چوپرا که طافت دیدن و شنیدن و خرامیدن
- ۲۰ ندارند ترک کنند \* و از قتلها و جادوکریها وزنا و دردیهای خود نوبه نکردند \*

### باب دهم

- ۱ و دیدم فرشته زورآور دیگری را که از آسمان نازل میشد که ابری در بر دارد  
وقوس فرجی برسش و چهوارش مثل آفتاب و بابهابش مثل ستونهای آتش \*
- ۲ و در دست خود کتابچه کشوده دارد و پای راست خود را بر دریا و پای چپ  
۳ خود را بر زمین نهاد \* و با او از بلند چون غریش شیر صدا کرد و چون صدا کرد  
۴ هفت رعد بصدای خود سخن کنند \* و چون هفت رعد سخن کنند حاضر  
شدم که بنویسم آسکاه آوازی از آسمان شنیدم که میکوید آنچه هفت رعد کنند مهر  
۵ کن و آنها را منویس \* و آن فرشته را که بر دریا و زمین ایستاده دیدم دست راست  
۶ خود را بسوی آسمان بلد کرده \* قسم خورد باو که نا ابدال آباد زن است که  
آسمان و آنچه را که در آن است وزمین و آنچه را که در آن است و دریا و آنچه را که  
۷ در آن است آفرید که بعد ازین زمانی خواهد بود \* بلکه در ایام صدای فرشته  
هفتم چون کرتارا میباشد بنوازد سر خدا به انتام خواهد رسید چنانکه بندگان خود  
۸ انبیاء را بشارت داد \* و آن آوازی که از آسمان شنید بودم بار دیگر شنیدم که مرا  
خطاب نزد میکشند برو و کتابچه کناده را از دست فرشته که بر دریا و زمین  
۹ ایستاده است بکسر \* پس بند فرشته رفته بوی کنم که کتابچه را پن بدهد او  
مرا کفت بکسر و بخور که اندرون ترا نفع خواهد بود لکن دردهانت چون عمل

۱. شیرین خواهد بود\* پس کتابچه را از دست فرشته کرفته خوردم که در دهانم
۱۱. مثل عمل شیرین بود ولی چون خورده بودم درون نفع کردید\* و مرا کفت که  
میباید نوافوام و امّتها وزیانها و بادشاھان بسیار را نبوت کنی \*

### باب یازدهم

۱. و نیٰ مثل عصا بن داده شد و مرا کفت برخیز و قدس خدا و منجع و آنانبرا که
۲. در آن عبادت میکنند پیمایش نما\* و صحن خارج قدسرا بیرون انداز و آنرا مپیما
۳. زیرا که به امّتها داده شد است و شهر مقدسرا چهل و دو ماہ پایاال خواهد نمود\*
۴. و به دو شاهد خود خواهم داد که پلاس در برگرده مدت هزار و دو بست
۴. و شخص روز نبوت نمایند\* آینانند دور خت زینون و دوچراغدان که در حضور
۵. خداوند زمین ایستاده اند\* و اکر کسی بخواهد بدیشان اذیت رساند آشی
- ازدهاشان بدر شده دشمنان ایشانرا فرو میکرد و هر که قصد اذیت ایشان دارد
۶. بدبکونه باید کشته شود\* اینها قدرت بستن آسمان دارند تا در آنام نبوت ایشان
- بلزان بیار و قدرت برآینها دارند که آنها را بخون تبدیل نمایند و جهانرا فرسکاه
۷. بخواهند با انواع بلا یا مبتلا سازند\* و چون شهادت خود را به انعام رسانند آن
- وحش که از هاویه برمیاید با ایشان جنک کرده غله خواهد یافت و ایشان را خواهد
۸. کشت\* و بدنهای ایشان در شارع عام شهر عظیم که بهعنی روحانی بسیم و مصر
۹. مستقی است جاییکه خداوند ایشان نیز مصلوب کشت خواهد ماند\* و کوهی
- از اقوام و قبائل وزیانها و امّتها بدنهای ایشان را سه روز و نم نظاره میکنند و اجازت
۱۰. نمیدهند که بدنهای ایشانرا بغير سپارند\* و ساکنان زمین برایشان خوش و شادی
- میکنند و نزد بکدیکر هدایا خواهند فرستاد از آنرو که این دو نبی ساکنان زمینرا
۱۱. مُذَب ساختند\* و بعد از سه روز و نم روح حیات از خدا بدیشان درآمد که
- بریابهای خود ایستادند و بینندگان ایشانرا خوفی عظیم فرو کرفت\* و آوازی
- بلند از آسمان شنیدند که بدیشان میکوید با یخجا صعد نمایند پس درابر با سامان
- بالاشدند و دشمنانشان ایشان را دیدند\* و در همان ساعت زلزله عظیم حادث
- کشت که ده بیک از شهر نمهدم کردید و هفت هزار نفر از زلزله هلاک شدند و باقی

- ۱۴ ماندکان نرسان کشته خدای آسمان را تجوید کردند \* وای دوم درگذشته است اینک  
 ۱۵ وای سُم بزودی می‌آید \* و فرشته بنوخت که ناکاه صدای های بلند در آسمان  
 واقع شد که می‌گفتند سلطنت جهان از آن خداوند ما وسیع او شد و نا ابد الاباد  
 ۱۶ حکمرانی خواهد کرد \* و آن بیست و چهار بیبر که در حضور خدا برخنهای خود  
 ۱۷ نشسته اند بروی در انقاده خدارا سمعن کردند \* و گفتند ترا شکر میکنم ای خداوند  
 خدای قادر مطلق که هستی و بودی زیرا که قوت عظم خود را بدهست کرفته  
 ۱۸ بسلطنت پرداختی \* و امنها خشنمانک شدند و غصب تو ظاهر کردند و وقت  
 مردکان رسید نا بر ایشان داوری شود و نا بندکان خود بعنی انبیاء و مُقدسان  
 و ترسندکان نام خود را چه کوچک و چه بزرگ اجرت دهی و مُفسدان زمین را فاسد  
 ۱۹ کردانی \* و قدس خدا در آسمان متفوچ کشت و نابوت عهد نامه او در قدس او  
 ظاهر شد و بر قها و صدایها و زلزله و نکرک عظیمی حادث شد \*

### باب دوازدهم

- ۱ و علامتی عظم در آسمان ظاهر شد، زبکه آنها برادر دارد و ماه زیر با پیهایش  
 ۲ و بر سرین ناجی ازدوازده ستاره است \* و آیستن بوده از درد زده و عذاب زائیدن  
 ۳ فریاد بر می‌اورد \* و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک ازدهای بزرگ  
 ۴ آشکون که اورا هفت سروده شاخ بود و بر سر هایش هفت افسر \* و دُمش ثلث  
 سtarکان آسمان را کشید آنها را بر زمین ریخت و ازدها پیش آن زن که میزائید با پیستاد  
 ۵ نا چون بزاید فرزند اورا ببلعد \* پس پسر نزینه را زائید که همه امنهای زمین را  
 بعصای آهین حکمرانی خواهد کرد و فرزندش بتزد خدا وخت او را بوده شد \*  
 ۶ وزن بیبايان فرار کرد که در آنجا مکانی برای وی از خدا. مُهبا شئ است نا اورا  
 ۷ مدت هزار و دو بیست و شصت روز بپورند \* و در آسمان جنک شده می‌کائیل  
 ۸ و فرشتکاش با ازدها جنک کردند و ازدها و فرشتکاش جنک کردند \* ولی غله  
 ۹ نیافتند بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد \* و ازدهای بزرگ انداخته  
 شد بعنی آن مار قدیمیکه به ابابلیس و شیطان مسی است که تمام ربع مسکون را میفریده  
 ۱۰ او بر زمین انداخته شد و فرشتکاش با وی انداخته شدند \* و او ازی بلند

در آسمان شنیدم که میکوید آکون نجات و فوت و سلطنت خدای ما و قدرت مسیح  
 او ظاهر شد زیرا که آن مدّعی برادران ما که شبانه روز در حضور خدای ما  
 ۱۱ برابشان دعوی میکند بزیر افکنه شد\* وایشان بوساطت خون بره و کلام  
 ۱۲ شهادت خود براو غالب آمدند و جان خود را دوست نداشتند\* از این جهه  
 ای آسمانها و ساکنان آنها شاد باشید\* و ای بزرگین و دریا زیرا که البس بنزد  
 ۱۳ شما فرود شده است با خشم عظیم چون میداند که زمانی قلیل دارد\* و چون ازدها  
 ۱۴ دید که بزمین افکنه شد رآن زن که فرزند نربنده را زانیه بود جفا کرد\* و دو  
 بال عناب بزرگ بزن داده شد نا بیایان بگان خود پرواز کند جانیکه اورا از نظر  
 ۱۵ آن مار زمانی و دو زمان و نصف زمان پرورش میکنند\* و مار از دهان خود  
 ۱۶ در عقب زن آبی چون رودی ریخت نا سیل اورا فرو کیرد\* و زمین زنرا حمایت  
 کرد و زمین دهان خود را کشاده آن رودرا که ازدها از دهان خود ریخت فرو  
 ۱۷ برد\* و ازدها بزم غصب نموده رفت نا با باقی ماندگان ذرت او که احکام  
 خدارا حنوط میکنند و شهادت عیسی را نکاه میدارند جنک کند\*

## باب سیزدهم

- ۱ واو بریک دریا ایستاده بود و دبدم و خشی از دریا بالا میاید که ده شاخ و هفت
- ۲ سردارد و برشاخهایش ده افسر و برسرهایش نامهای کفر است\* و آن وحشرا  
 که دیدم مانند پلنگ بود و پایهایش مثل پای خرس و دهانش مثل دهان شر
- ۳ وازدها قوت خویش و نخست خود و قوت عظیمی بوی داد\* و بکی از سرها پیشرا  
 دیدم که نا بیوت کشته شد واز آن زخم مهلك شفا یافت و قلائی جهان دربی این
- ۴ وحش در حیرت افتادند\* و آن از دهارا که قدرت بوحش داده بود پرستش  
 کردند و وحش را سجن کرده کفتند که کیست مثل وحش و کیست که با او میتواند
- ۵ جنک کند\* و بوی دهانی داده شد که بکیر و کفر نکلم میکند و قدری با عطا
- ۶ شد که مدت چهل و دو ماه عمل کند\* پس دهان خود را بکفرهای برخدا کشود
- ۷ نا براسم او و خیمه او و سکنه آسمان کفر کوید\* و بوی داده شد که با مقدسین  
 جنک کند و برایشان غلبه یابد و تسلط بر هر قیله و قوم و زبان و امت بدوعطا

۸ شد \* و جمع ساکنان جهان جز آنانیکه نامهای ایشان در دفتر حیات بزه که  
 ۹ از بنای عالم ذبح شد بود مکتوب است اورا خواهند پرسنید \* آکرکی کوش  
 ۱۰ دارد بشنود \* آکرکی اسر نماید به اسیری رود و آکرکی بشمشیر قتل کند میباشد  
 ۱۱ او بشمشیر کشته کرده در اینجاست صبر وایان مقدسین \* و دیدم وحش  
 دیگر برآکه از زمین بالا میباشد و دو شاخ مثل شاخهای بره داشت و مانند ازدها  
 ۱۲ نکلم مینمود \* و با غم فدرت وحش نخست در حضور وی عمل میکند وزمین  
 و سکنه آنرا براین و میدارد که وحش نخست را که از زخم مهلك شفا یافت  
 ۱۳ بپرسنید \* و معجزات عظیمه بعمل میاورد تا آنرا نیز از آسان در حضور مردم  
 ۱۴ بزمیں فرود آورَد \* و ساکنان زمین را کمراه میکند بآن معجزانیکه بیوی داده شد که  
 آنها را در حضور وحش بیناید و ساکنان زمین میکوبید که صورتی را ازان وحش که  
 ۱۵ بعد از خوردن زخم شمشیر زیست نمود بازند \* و بیوی داده شد که آنصورت  
 وحش را روح بخشد تا که صورت وحش سخن کوید و چنان کند که هر که صورت  
 ۱۶ وحش را برسنش نکد کشته کردد \* و همراه از کمیر و صفیر و دولتمند و فقیر و غلام  
 و آزاد براین و میدارد که بردست راست یا بربیشانی خود شناش مکذارند \*  
 ۱۷ واینکه همیکس خرید و فروش نتواند کرد جز کسیکه نشان یعنی اسم یا عدد ایم  
 ۱۸ وحش را داشته باشد \* در اینجا حکمت است پس هر که فهم دارد عدد وحش را  
 بشمارد زیرا که عدد انسان است و عددش شصده و شصت و شش است \*

### باب چهاردهم

۱ و دیدم که اینک بره برکوه صهیون ایستاده است و با وی صد و چهل و چهار  
 ۲ هزار نفر که اس او و اس بدر اورا بربیشانی خود مرقوم میدارند \* و آوازی  
 از آسان شنیدم مثل آواز آبهای بسیار و مانند آواز رعد عظیم و آن آواز بکه  
 ۳ شنیدم مانند آواز بربط نوازان بود که بربطهای خود را بتوانند \* و در حضور  
 نخت و چهار حیوان و پیران سرودی جدید میسرایند و همیکس توانست آن  
 سرود را پیاموزد جز آصد و چهل و چهار هزار که از جهان خریده شده بودند \*  
 ۴ ایناند آنانیکه با زنان آلوه نشدنند زیرا که باکره هستند و آناند که بره را هر کجا

- میرود متابعت میکند و از میان مردم خریده شده‌اند تا نوبت برای خدا و برهه باشند\*
- ۶ و دردهان ایشان دروغی یافت نشد زیرا که بیعین هستند\* و فرشته دیگر را دیدم که در وسط آسمان بر واژ میکند و انجیل جاودانه را دارد تا ساکنان زمین را از هر آنست و قبیله وزیان و قوم بشارت دهد\* و باواز بلند میکوبد از خدا پرسید و او را غمید نماید زیرا که زمان داوری او رسیده است پس اورا که آسمان و زمین و دریا و چشم‌های آبرا آفرید پرسش کنید\* و فرشته دیگر از عقب او آمده کفت منهدم شد با بل عظیم که از خمر غضب زنای خود جمیع امتهارا نوشانید\* و فرشته سیم از عقب این دو آمده باواز بلند میکوبد اکرکسی و حش و صورت او را پرسش کد و نشان او را بریشانی یا دست خود پذیرد\*
- ۸ او نیاز از خمر غضب خدا که در پهله خشم وی پیش آجتنه شده است خواهد نوشید و در نزد فرشتکان مقدس و در حضور برهه باش و تکریت معدّب خواهد شد\*
- ۹ و دود عذاب ایشان تا ابد لا اباد بالا میرود پس آنانکه و حش و صورت او را پرسش میکند و هر که نشان اسم او را پذیرد شبانه روز آرای ندارند\*
- ۱۰ در اینجاست صبر مقدسین که احکام خدا و ایمان عیسی را حفظ مینمایند\*
- ۱۱ و او زیرا از آسمان شنیدم که میکوبد بنویس که از کنون خوشالند مرد کانپک در خداوند میمیرند و روح میکوبد بليل نا از زحمات خود آرای یابند و اعمال ایشان از عقب ایشان میزند\* و دیدم که اینک ابری سفید پدید آمد و برابر کسی مثل پسر انسان نشسته که ناجی از طلا دارد و در دشن داش
- ۱۲ نیز است\* و فرشته دیگر از قدس بیرون آمده باواز بلند آن ابر نشینرا ندا میکند که داس خود را پیش بیاور و در و کن زیرا هنکام حصاد رسیده و حاصل
- ۱۳ زمین خشک شده است\* و ابر نشین داس خود را بر زمین آورد و زمین درویده شد\*
- ۱۴ و فرشته دیگر از قدسیکه در آسمان است بیرون آمد و او نیز داس نیز داشت\*
- ۱۵ و فرشته دیگر که برآش مسلط است از منبع بیرون شده باواز بلند ندا در داده صاحب داس نیز را گفت داس نیز خود را پیش آور و خوش‌های مو زمین را پیچن زیرا انکورهایش رسیده است\*
- ۱۶ پس آن فرشته داس خود را بر زمین آورد و موهای زمین را چیده آزما در چرخه دست عظیم غضب

۲. خدا ریخت \* و چرخنده بیرون شهر بیا بیغشیدند و خون از چرخنده تا بدعن  
اسیان بسافت هزار و ششصد تیر پرتاب جاری شد \*

### باب پانزدهم

۱. و علامت دبکِ عظیم و عجیبی در آسان دیدم بعنی هفت فرشته که هفت بلائی
۲. دارند که آخرین هستند زیرا که با آنها غضب الهی به انجام رسید است \* و دیدم مثال در بائی از شیشه مخلوط به آتش و کسان برآکه برو جوش و صورت او عدد اسما او غله
۳. مهیا بند بر دریای شیشه ایستاده و بر طهای خدارا بdest کرفته \* سرود موسی بنده خداوسود بزم را میخوانند و میکویند عظیم و عجیب است اعمال تو امداد اوند
۴. خدای قادر مطلق عدل و حن است راههای نوای پادشاه امتهای \* کیست که از تو نرسد خداوندا و کیست که نام ترا نجید نماید زیرا که نوتها قدوس هست و جمیع امتهای آدم در حضور تو برسن ش خواهند کرد زیرا که احکام تو ظاهر کرده است \*
۵. وبعد از این دیدم که قدس خمیمه شهادت در آیمان کشوده شد \* و هفت فرشته که هفت بلا داشتند کنای باک و روشن در بر کرده و بگرا ایشان بگردند زرین بسته
۶. بیرون آمدند \* و یکی از آن چهار حیوان بآن هفت فرشته هفت پیاله زرین داد
۷. پراز غضب خدا که نا ابد الایاد زنن است \* وقدس از جلال خدا و فوت او بر
۸. دود کرده است \* و نا هفت بلای آن هفت فرشته به انجام نرسید هیچ کس نتوانست بقدس در آید \*

### باب شانزدهم

۱. و آوازی بلند شنیدم که از میان قدس بآن هفت فرشته میکویند که بروید هفت پیاله غضب خدارا بزمین بریزید \* و اولی رفته پیاله خودرا بزمین ریخت و دمل زشت و بد بر مدمانیکه نشان وحش دارند و صورت اورا میبرستند بیرون آمد \* و دومین پیاله خودرا بر دیرا ریخت که آن بخون مثل خون مرده مبدل کشت و هر نفس زنن از چیزهاییکه در دریا بود برد \* و سیمین پیاله خودرا در نهرها و چشمهای آب ریخت و خون شد \* و فرشته آبهارا شنید که میکویند عادلی نوکه هست و بودی ای قدوس زیرا که چنین حکم کردی \* چونکه خون

- مقدّسین و انبیاء را ریختند و بدبان خون دادی که بنو شند زیرا که مستختند\*
- ۷ و شنیدم که مذبح میکوید ای خداوند خدای قادر مطلق داوریهای تو حن و عدل
- ۸ است\* و چهارمین پیاله خودرا برآفتاب ریخت و بآن داده شد که مردم را
- ۹ باش بسوزاند\* و مردم مجرارت شدید سوخته شدند و باس آن خدا که برابر
- ۱۰ بلا یا قدرت دارد کفر کنند و نوبه نکردند نا اورا غمید نمایند\* و پنجمین پیاله
- خودرا بریخت و حش ریخت و مملکت او ناریک کشت وزبانهای خودرا از درد
- ۱۱ مبکر بند\* و بخدای آسمان بسب دردها و دلمهای خود کفر میکنند و از اعمال
- ۱۲ خود نوبه نکردند\* و ششمین پیاله خودرا بر زهر عظیم فرات ریخت و آش
- ۱۳ خنکد تا راه پادشاهیکه از مشرق آفتاب میآیند مهیا شود\* و دیدم که از دهان
- ازدها واژ دهان و حش واژ دهان نبی کاذب سه روح خیث چون وزغها برون
- ۱۴ میآیند\* زیرا که آنها ارواح دبوها هستند که معجزات ظاهر میسانند و بر پادشاهان
- نام ربع مسکون خروج میکنند تا ایشان را برای جنک آنروز عظم خدای قادر
- ۱۵ مطلق فرام آورند\* اینک چون دزد میآم خوشحال کسیکه بیدار شد رخت
- ۱۶ خودرا نکاهه دارد مبادا عربان راه رود و رسائی اورا به بیند\* و ایشان را
- ۱۷ بوضعیکه آنرا در عبرانی حار محدون میگوانند فرام آورند\* و هفتمین پیاله
- خودرا برها ریخت و آواری بلند از میان قدس آسمان از خفت بدرآمد کفت که
- ۱۸ نام شد\* و بر فها و صداها و رعدها حادث کردید و زلزله عظیم شد آنچنانکه
- ۱۹ از جهن آفرینش انسان بر زمین زلزله بین شدت و عظمت نشد بود\* و شهر بزرگ
- به سه قسم منقسم کشت و بلدان امتهای خراب شد و بابل بزرگ در حضور خدا بیاد
- ۲۰ آمد تا پیاله خور غصب الود خشم خود را بدو دهد\* و هرجزیه کریخت و کوهها
- ۲۱ نایاب کشت\* و نکرک بزرگ که کوبا بوزن یک من بود از انسان بر مردم باربد
- و مردم بسب صدمه نکرک خذارا کفر کنند زیرا که صدمه اش پنهان سخت بود\*

## باب هفدهم

- ۱ و یکی از آن هفت فرشته که هفت پیاله را داشتند آمد و بن خطاب بکرده کفت
- یا نا قضای آن فاحشة بزرگ را که بر آبهای بسیار نشسته است بتو نشان دهم\*

- ۱ که پادشاهان جهان با او زنا کردند و ساکنان زمین از خمر زنای او مست شدند\*
- ۲ پس مرا در روح به بیابان برد و زفراد بدیم بروخشن قرمزی سوار شد که از نلهای
- ۳ کفر بر بود و هفت سر وده شاخ داشت\* و آن زن به ارغوانی و فریز ملبس بود
- ۴ و بطلاء و جواهر و مر واژد مزین و بیالله زرین بست خود بر از خبائث و نجاست.
- ۵ زنای خود داشت\* و بر پیشانیش این اسم مرقوم بود سر و بابل عظم و مادر
- ۶ فواحش و خبائث دنیا\* و آن زنرا بدیم مست از خون مقدسین و از خون شهداء
- ۷ عبسی واز دیدن او پنهانی است نقیب نمود\* و فرشته مرا کشت چرا منعیب شدی\*
- ۸ من سر زن و آن وحش را که هفت سر وده شاخ دارد که حامل اوست بنو بیان
- ۹ مینامم\* آن وحش که بدی بود و نیست واز هاویه خواهد برآمد و بهللاکت
- ۱۰ خواهد رفت و ساکنان زمین جز آنایکه نامهای ایشان از بنای عالم در دفتر حیات
- ۱۱ مرقوم است در حیرت خواهند افتد از دیدن آن وحش که بود و نیست و ظاهر
- ۱۲ خواهد شد\* ایفاست ذهنیکه حکمت دارد\* این هفت سر هفت کوه میباشد که
- ۱۳ زن بر آنها نشته است\* و هفت پادشاه هستند که هنچ افتاده اند و یکی هست
- ۱۴ و دیگری هنوز نیامد است و چون آبد میباشد اندکی پاند\* و آن وحش که بود
- ۱۵ و نیست هشتین است وازان هفت است و بهللاکت میرود\* و آن ده شاخ که
- ۱۶ بدی ده پادشاه هستند که هنوز سلطنت نیافتداند بلکه پس ساعت با وحش چون
- ۱۷ پادشاهان قدرت میباشد\* اینها بکرای دارند و قوت و قدرت خود را بوجش
- ۱۸ میدهند\* ایشان با بر جنک خواهند نمود و بر ته بیشان غالب خواهد آمد زیرا که
- ۱۹ او ربت الازباب و پادشاه پادشاهان است و آنای نیز که با وی هستند که خواند
- ۲۰ شک و برگزین و مینند\* و مرا میکوبد آبهایکه دیدی آنچاییکه فالخه نشته است
- ۲۱ قومها و جماعتها و امنها وزیانها میباشد\* و اماده شاخ که دیدی و وحش اینها
- ۲۲ فالخه را دشمن خواهند داشت واورا بینوا و عربان خواهند نمود و کوششرا
- ۲۳ خواهند خورد واورا باش خواهند سوزانید\* زیرا خدا در دل ایشان نهاده است
- ۲۴ که اراده او را بجا آرند و یکرای شک سلطنت خود را بوحش بدنه ناکلام خدا
- ۲۵ نام شود\* وزنیکه بدی آشهر عظم است که بر پادشاهان جهان سلطنت
- ۲۶ میکند\*

## باب محمد

- ۱ بعد از آن دیدم فرشته دیگر از آسان نازل شد که قدرت عظیم داشت و زمین  
 ۲ بجلال او منور شد \* و باواز زورآور ندا کرده گفت منهدم شد بالی  
 ۳ عظمه واو مسکن دبوها و ملاذ هر روح خیث و ملاذ هر مرغ ناپاک و مکروه کردین  
 ۴ است \* زیرا که از خمر غصب آلود زنای او همه امتها نوشیده اند و پادشاهان  
 ۵ جهان با وی زنا کرده اند و تجارت جهان از کثرت عیاشی او دولتمند کردین اند \*  
 ۶ و صدائی دیگر از آسان شنیدم که میگفت ای قوم من از میان او یرون آید مبادا  
 ۷ در کاهانش شربیک شد از بلاهایش بهن مند شود \* زیرا کاهانش نا بلک رسید  
 ۸ و خدا ظلمهایش را بیاد آورده است \* بدو رَد کنید آچهرا که او داده است  
 ۹ و بحسب کارهایش دو چندان بدو جزا دهد و در پایله که او آجنه است اورا دو  
 ۱۰ چندان بیامیزد \* به اندازه که خویشتراخ گرد و عیاشی نمود با قدر عذاب و مام  
 ۱۱ بدو دهد زیرا که در دل خود میگوید بقای ملکه نشسته ام و بیوه نیست و مام هر کر  
 ۱۲ خواهم دید \* لهذا بلا بای او از مرک و مام و فقط در بیک روز خواهد آمد و بانش  
 ۱۳ سوخته خواهد شد زیرا که زورآور است خداوند خداییکه براو داوری میکند \*  
 ۱۴ آنکه پادشاهان دنیا که با او زنا و عیاشی نمودند چون دود سوختن اورا ینند  
 ۱۵ کر به و مام خواهند کرد \* و از خوف عذایش دور ایستاده خواهند گفت و ای  
 ۱۶ و ای ای شهر عظم ای بابل بلئ زورآور زیرا که در یک ساعت عقوبت تو آمد \*  
 ۱۷ و تجارت جهان برای او کر به و مام خواهند نمود زیرا که از این پس بضاعت ایشان را  
 ۱۸ کمی نمیزد \* بضاعت طلا و نقره و جواهر و مروارید و گرانی وار غوانی و ابریشم  
 ۱۹ و قرمز و عود قماری و هر ظرف عاج و ظروف چوب کرانیها و مس و آهن و مرمر \*
 ۲۰ و دارچینی و حماما و خشبویها و مر و کندر و شراب و روغن و آرد میث و کنده و رمه ها  
 ۲۱ و کلدها و اسبان و عرابها و اجساد و تنفس مردم \* و دیگر آهارا خنواهی یافت \*  
 ۲۲ و ناجران این چیزها که ازوی دولتمند شدند از ترس عذایش دور ایستاده کریان  
 ۲۳ و مام کان \* خواهند گفت و ای و ای ای شهر عظم که بگران وار غوانی و قرمز

ملیس میودی و طلا و جواهر و مر وا زید مزین زیرا در یک ساعت اینقدر دولت  
 ۱۷ عظم خراب شد \* و هر ناخدا و کل جاعیکه برکشنهای میباشد و ملاحان و هر که  
 ۱۸ شغل در را میکند دور استاده \* چون دود سوختن آنرا دیدند فریاد کان کفتند  
 ۱۹ کدام شهر است مثل ابن شهر بزرگ \* و خاک بر سر خود ریخته کریان و مام کان  
 فریاد برآورده میکفتند وای وای برآشهر عظم که ازان هر که در در را صاحب  
 ۲۰ کشته بود از نفاس او دولتند کرد بد که در بلک ساعت و بران کشت \* پس ای  
 آسمان و مقدسان و رسولان و انبیاء شادی کید زیرا خدا انتقام شارا ازا او کشته  
 ۲۱ است \* و بیک فرشته زور آور سنگی چون سنگ آسیای بزرگ کرفه بدریا  
 انداخت و کفت چینی بیک صدمه شهر بزرگ با ایل منهدم خواهد کرد بد و دیگر  
 ۲۲ هر کر بافت غواهد شد \* صوت بربط زنان و مغدان و فی زنان و کرنا نوازان  
 بعد از این در نو شنید غواهد شد و هیچ صنعتکار از هر صناعتی در نو دیگر پیدا  
 ۲۳ غواهد شد و باز صدای آسیا در تو شنید غواهد کرد بد \* و نور چراغ در نو دیگر  
 غواهد ناید و آواز عروس و داماد باز در تو شنید غواهد کشت زیرا که نخار تو  
 ۲۴ آکابر جهان بودند و از جادوکری ثنو حجیع امیها کراه شدند \* و در آن خون انبیاء  
 و مقدسین و نامی مقتولان روی زمین یافت شد \*

### باب نوزدهم

۱ و بعد از آن شنیدم چون آوازی بلند از کروی کثیر در آسمان که میکفتند  
 ۲ هللویاه نجات و جلال و اکرام و قوت از آن خذای ما است \* زیرا که احکام او  
 راست و عدل است چونکه داوری نمود بر فالحشة بزرگ که جهانرا بزنای خود  
 ۳ فاسد میکردانید و انتقام خون بندکان خود را از دست او کشید \* و بار دیگر کشند  
 ۴ هللویاه و دوش تا ابد الاباد بالا میرود \* و آن پیست و چهار بیر و چهار حیوان  
 بروی در افاده خدایهرا که برخخت نشته است سجن نمودند و کفتند آمین هللویاه \*  
 ۵ آوازی از نخت بیرون آمده کفت حمد نمائید خدای مارا ای نامی بندکان او  
 ۶ و ترسندها کان او چه کیر و چه صغير \* و شنیدم چون آواز جمی کثیر و چون آواز  
 آبهای فراوان و چون آواز رعدهای شدید سکه میکفتند هللویاه زیرا خداوند

- ۷ خدای ما قادر مطلق سلطنت کرته است \* شادی وجود ناشم او را نجید کنم  
 ۸ زیرا که نکاح مرد رسید است و عروس او خود را حاضر ساخته است \* و باو داده  
 شد که بکان باک و روشن خود را بیو شاند زیرا که آن کنان عدالت های مندین  
 ۹ است \* و مرا کفت بتوس خوش بجال آن بکه بین نکاح بره دعوت شد اند و نیز  
 ۱۰ مرا کفت که این است کلام راست خدا \* و نزد پا بناش افادم نا او را عین کنم  
 او بین کفت زن هار چین مکنی زیرا که من با تو همدست هست و با برادرانت که  
 شهادت عبسی را داریده خدار اعین کن زیرا که شهادت عبسی روح نبوت است \*  
 ۱۱ و بدیم آسمان را کشوده و ناکاه اسی سبد که سوارش امین و حق نام دارد و بعد  
 ۱۲ داوری و جنگ مینابد \* و چشم اش چون شعله آتش و بر سرش افسر های بسیار  
 ۱۳ واسی مرقوم دارد که جز خودش هیچ گن آن را نمیداند \* و جانه خون آسود دربر  
 ۱۴ دارد و نام او را کلمه خدا میخوانند \* ولشکر های که در آسمان برا سبهای سبد  
 ۱۵ و بکان سبد و باک میبین از غصب او میآمدند \* و از دهانش شمشیری نیز بیرون  
 میآید تا با آن هارا بزند و آن هارا بعضی ای آهنین حکمرانی حواهد نمود و او چرخست  
 ۱۶ خر غصب و خشم خدای قادر مطلق را زیر بای خود میافشد \* و بر لباس  
 ۱۷ و ران او نامی مرقوم است بعنی پادشاه پادشاهان و رب الارباب \* و بدیم  
 فرشتگرها در آفتاب ایستاده که باواز بلند نامی مرغاب هررا که در آسمان بر رواز میگردند  
 ۱۸ ندا کرده میگویند بیا بند و مجده ضیافت عظیم خدا فرام شوید \* ناجور بید کوشت  
 پادشاهان و کوشت سپه سالاران و کوشت جباران و کوشت اسها و سواران آنها  
 ۱۹ و کوشت عکانرا چه آزاد و چه غلام چه صابر و چه کیر \* و بدیم وحش  
 و پادشاهان زین و لشکر های ایشان را که جمع شد بودند تا اسب سوار و لشکر  
 ۲۰ او جلک کند \* و وحش کرفتار شد و نبی کاذب با وی که بیش او محضرات  
 ظاهر میگرد تا با آنها آن هررا که نشان وحش را دارند و صورت او را مهر سند کمره  
 ۲۱ کند این هر دو زن بدریاچه آتش افروخته شد بکربلا اند اخنه شدند \* و باقیان  
 شمشیر یکه ازدهان اسب سوار بیرون میآمد کشته شدند و غامی مرغان از کوشت  
 ایشان سیر کردند \*

## باب یسم

- ۱ ودبدم فرشتارا که از آسمان نازل میشود وکلید هاویدرا دارد وزنجیری بزرگ
- ۲ بردست وی است \* و اژدها یعنی مار قدیمرا که الپس وشیطان میباشد کفرنار
- ۳ کرده اورا نا مدت هزار سال دربند نهاد \* واوزرا بهاویه انداخت ودررا براو سنه مهر کرد نا امتهارا دیگر کره نکد نا مدت هزار سال به انجام رسد و بعد
- ۴ از آن میباشد اندکی خلاصی باید \* وختها بدلم وبرآها نشستند وباشان حکومت داده شد ودبدم نفوس آنانرا که بجهة شهادت عیسی وکلام خدا سر برید شدند وآنایرا که وحش وصورنشرا پرستش نکردند ونشان اورا بربیشانی
- ۵ ودست خود پذیرفتند که زند شدند و با سمع هزار سال سلطنت کردند \* وسائز
- ۶ مردکان زند نشدن نا هزار سال به انعام رسید . اینست قیامت اول \* خونخال وبنفس است کبکه از قیامت اول قسمی دارد برابرها موت ثانی سلطنت ندارد بلکه کاهن خدا و سمع خواهد بود وهزار سال با او سلطنت خواهد کرد \*
- ۷ وچون هزار سال به انجام رسد شیطان از زندان خود خلاصی خواهد یافت \*
- ۸ نا بیرون رود وامتهایرا که درجهار زاویه جهانند یعنی جوج و ماجوج را کمراه کند وباشانرا بجهة جنک فرام آورد که عدد ایشان چون ریک درباست \*
- ۹ وبر عرصه جهان برآمده لشکرکاه مقدسین وشهر محبوب را حاصل کردند پس آتش
- ۱۰ از جانب خدا از آسمان فرو ریخته ایشانرا بلعید \* وابليس که ایشانرا کره میکند بدریاجه آتش وکبریت انداخته شد جاییکه وحش ونی کاذب هستند وباشان
- ۱۱ نا ابد ایجاد شبانه روز عذاب خواهد کشید \* ودبدم خنثی بزرگ سفید وکی را برآن نشسته که از روی وی آسمان وزمین کریخت وبرای آنها جای یافت
- ۱۲ نشد \* ومردکانرا خورد وبزرگ دیدم که پیش خخت ایستاده بودند ودفترهارا کشودند پس دفتری دیگر کشوده شد که دفتر حیات است وبر مردکان داوری
- ۱۳ شد بحسب اعمال ایشان از آنچه در دفترها مکتوب است \* ودریا مردکانایرا که در آن بودند باز داد وموت وعالم اموات مردکانایرا که در آنها بودند باز دادند
- ۱۴ وهر یکی بحسب اعمالش حکم یافت \* وموت وعالم اموات بدریاجه آتش انداخته

۱۵ شد. اینست موت ثانی بعی در بارچه آتش \* و هر که در دفتر جبات مکتوب بافت  
نشد بدر بارچه آتش افکنید کردید \*

### باب بیست و پنجم

- ۱ و بدین آسانی جدید و زمینی جدید چونکه آسان اول و زمین اول در کذشت
- ۲ و دریا دیگر نمیباشد \* شهر مقدس اور شلم جدیدرا بدین که از جانب خدا
- ۳ از آسان نازل میشود حاضر شد چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است \*
- ۴ و آوازی بلند از آسان شنیدم که میکفت اینک حجه خدا با آدمیان است و با
- ۵ ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قومهای او خواهند بود و خود خدا با ایشان
- ۶ خدای ایشان خواهد بود \* خدا هر اشکی از جنم ایشان پاک خواهد کرد
- ۷ وبعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که
- ۸ چیزهای اول در کذشت \* و آن نخت نشین کفت الحال هه چیزرا نو میسازم
- ۹ و کفت بنویس زیرا که این کلام امین و راست است \* باز مرا کفت نام شد من
- ۱۰ الف و با وابدا، و انتها، هستم. من بهر که نشه باشد از جنم؛ آب جبات مفت
- ۱۱ خواهم داد \* و هر که غالب آید و ایاث هه چیز خواهد شد واورا خدا خواهم بود
- ۱۲ واو مرا پسر خواهد بود \* لکن ترسند کان و می ایانان و خیثان و فانلان و زانیان
- ۱۳ وجادوکران و بیرونستان و جمیع دروغکویان نصبی ایشان در در بارچه افروخته شده
- ۱۴ باتش و کبرت خواهد بود، این است موت ثانی \* و بکی از آن هفت فرشته که هفت پیله بر از هفت بلای آخرین را دارند آمد و مرا مخاطب ساخته کفت یا
- ۱۵ نا عروس منکوحة بره را بتو نشان دم \* آنکاه مرا در روح بکوهی بزرک بلند
- ۱۶ برد و شهر مقدس اور شلم را می نمود که از آسان از جانب خدا نازل میشود \*
- ۱۷ و جلال خدارا دارد و نورش مانند جواهر کرانها چون بشم بلورین \* و دیواری بزرک و بلند دارد و دوازده دروازه دارد و بر سر دروازها دوازده فرشته و اسماها
- ۱۸ برابشان مرقوم است که نامهای دوازده سبط بنی اسرائیل باشد \* از مشرق سه دروازه و از شمال سه دروازه و از جنوب سه دروازه و از غرب سه دروازه \*
- ۱۹ و دیوار شهر دوازده اساس دارد و بر آنها دوازده اسم دوازده رسول بزه است \*

- ۱۵ و آنکه با من تکلم میکردند طلا داشت نا شهر دروازه‌هاش و دیوارش را  
 ۱۶ بیهاید \* شهر مرغ است که طول و عرض مساوی است و شهر را با آن فی پیموده  
 ۱۷ دوازده هزار نفر بر ناب بافت و طول و عرض و لندبیش برابر است \* و دیوارش را  
 ۱۸ صد و چهل و چهار ذراع پیمود موافق ذراع انسان بعنی فرشته \* و بنای دیوار  
 ۱۹ آن از شم بود و شهر از زر خالص چون شبشه مضيق بود \* و بنیاد دیوار شهر بعمر  
 نوع جواهر کرانه‌ها متین بود که بنیاد اول بشم و دوم باقوت کشید و سیم عقبق  
 ۲۰ سفید و چهارم زمرد \* و پنجم جزع عقبق و ششم عقبق و هفتم زبرجد و هشتم زمرد  
 سلیق و هنم طوبیاز و دم عقبق اخضر و بازدم آسمان‌گوی و دوازدهم باقوت بود \*  
 ۲۱ دوازده دروازه دوازده مروارید بود هر دروازه از بک مروارید و شارع علم شهر  
 ۲۲ از زر خالص چون شبشه شفاف \* و در آن همچو قدس ندبدم زیرا خداوند خدای  
 ۲۳ قادر مطلق و بره قدس آن است \* و شهر احیاج ندارد که آناتاب یا ماه آنرا  
 ۲۴ روشنایی دهد زیرا که جلال خدا آنرا منور می‌سازد و جراغش بره است \* و آنها  
 در نورش سالک خواهند بود و بادشاهان جهان جلال و آکرام خود را با آن خواهند  
 ۲۵ در آورد \* و دروازه‌هاش در روز بسته خواهند بود زیرا که شب در آنها خواهد  
 ۲۶ بود \* و جلال و عزت امتهارا با آن داخل خواهند ساخت \* و جزی نایاک با  
 کسیکه مرتبک عمل زشت یا دروغ شود هر کرد داخل آن خواهد شد مکر آنابک  
 در دفتر حجات مره مکنوب‌اند \*

### باب پیست و دفعه

- ۱ و نهری از آب حبات بمن نشان داد که درخشش بود مانند بلور و از نخت خدا  
 ۲ و بره جاری می‌شود \* و در وسط شارع علم آن و بر هر دو کلاره نهر درخت جهان را  
 که دوازده میوه می‌اورد بعنی هر ماه میوه خود را میدهد و بر کهای آن درخت برای  
 ۳ شفای امتهای می‌باشد \* و دیگر همچو لعنت خواهد بود و نخت خدا و بره در آن خواهد  
 ۴ بود و بندکاش اورا عبادت خواهند نمود \* و چهره اورا خواهند دید و اسم وی  
 ۵ بر پیشانی ایشان خواهد بود \* و دیگر شب خواهد بود و احیاج سحران و نور آناتاب  
 ندارند زیرا خداوند خدا بر ایشان روشنایی می‌بخشد و نا ابد آناد سلطنت خواهد  
 ۶ کرد \* و مراکفت این کلام اینه و راست است و خداوند خدای ارواح انبیاء

فرشته خودرا فرستاد نا بیند کان خود آنها را که زود میباید واقع شود نشان دهد \*  
 ۷ وابنک بزودی میام خوشحال کسیکه کلام نبوت این کتابرا نکاه دارد \* و من  
 ۸ بوحنای این امور را شنیدم و دیدم و جون شبدم و دیدم افتادم تا پیش پایهای آن  
 ۹ فرشته که این امور را میان نشان داد سجد کنم \* او مرا کفت زنگار نکو زیرا که  
 ۱۰ همند است با نو هستم و با انبیاء بعنی برادرانت و با آنانکه کلام این کتابرا نکاه  
 ۱۱ دارند، خدارا سجد کنم \* و مرا کفت کلام نبوت این کتابرا مهر مکن زیرا که  
 ۱۲ وفت نزدیک است \* هر که ظالم است باز ظالم کد و هر که خبیث است باز خبیث  
 ۱۳ باند و هر که عادل است باز عدالت کند و هر که مقدس است باز مقدس بشود \*  
 ۱۴ وابنک بزودی میام واجرت من با من است نا هر کسبرا بحسب اعمالش جزا دم \*  
 ۱۵ من الف و یاه وابنده و انتهاء و اول و آخر هستم \* خوشحال آنانکه رخنهای  
 ۱۶ خودرا مشوبند نا بر درخت حبات اقتدار باند و بدر رازهای شهر درآیند \*  
 ۱۷ زیرا که سکان و جادوگران و زایان و فانلان و پیرستان و هر که دروغ را دوست  
 ۱۸ دارد و بعل اورد پرون میباشد \* من عیسی فرشته خودرا فرستادم تا شمارا  
 ۱۹ در کایساها بدين امور شهادت دنم، من رسنه و نسل داود و سناة درخشند صبح  
 ۲۰ هستم \* وروح و عروس میکویند یا و هر که میشنود بکوید یا و هر که نشه باشد  
 ۲۱ باید و هر که خواهش دارد از آب حیات یقینت بکرد \* زیرا هر کسرا که کلام  
 ۲۲ نبوت این کتابرا بشنود شهادت مقدم که آکر کسی برآنها یغزايد خدا بلا بای  
 ۲۳ مکتوب در این کتابرا بروی خواهد افزواد \* و هر کاه کسی از کلام این نبوت  
 ۲۴ چجزی تم کند خدا نصیب اورا از درخت حیات و از شهر مقدس و از چیزهای نیک  
 ۲۵ در این کتاب نوشته است منقطع خواهد کرد \* او که بر این امور شاهد است  
 ۲۶ میکوید بلى، بزودی میام، آمین، یا ای خداوند عیسی \* فیض خداوند ما  
 ۲۷ عیسی مسیح با همه شما باد این \*